



دیدگاهها

جلد سوم

پیامها، نظریه‌ها و مصاحبه‌های

فقیه عالیقدر

حضرت آیت‌الله العظمی منتظری

(رضوان الله تعالی علیه)

دیدگاهها «جلد سوم»

(پیامها، نظریه‌ها و مصاحبه‌های فقیه عالیقدر)

تاریخ انتشار: پاییز ۱۳۸۹

نوبت چاپ: اول

قیمت: ۸۰۰۰ تومان

﴿ دفتر حضرت آیت‌الله العظمی منتظری ﴾

قم، بلوار شهید محمد منتظری، کوچه شماره ۸

تلفن: ۱۴-۷۷۴۰۰۱۱ * فاکس: ۷۷۴۰۰۱۵ (۰۲۵۱) * موبایل: ۰۹۱۲۲۵۲۵۰۵۰

سایت اینترنتی: WWW . AMONTAZERI . COM

«منتظری» را می‌توان با این عبارت کوتاه

توصیف کرد:

برای انجام وظیفه سخن می‌گفت و بر طبق عقیده عمل می‌نمود. در فضایی که تعصب و خشونت در آن حاکم بود و در حالی که ردای قدرت بر دوش داشت، خالصانه جاه و مقام و موقعیت خویش را قربانی دفاعی آگاهانه و عامدانه از منافع و حقوق انسانها و بالاخص مخالفانش کرد و در این مسیر به سهولت عطای قدرت را به لقایش بخشید.

بر سر باورهایش معامله و مسامحه نکرد و در این مسیر هزینه‌هایی بس گزاف پرداخت. سختی‌ها و تهدیدها او را از انجام وظیفه باز نداشت و به اخلاقیات چنان پای‌بند بود که هیچگاه زبان توهین به دشمنانش نیز نگشود. روحش شاد و راهش پر رهرو باد که به راستی پدر معنوی و سبز ملت ایران بود.

﴿ فهرست مطالب ﴾

۳۱ دیباچه‌ای غم‌آلود.....
۳۵ ۱- مصاحبه خبرنگار هفته‌نامه «گاردین».....
۳۶ به وعده‌های آزادی عمل نشد.....
۳۷ درآمدهای نفتی کجاست؟.....
۳۷ عوام‌فریبی به اسم امام زمان.....
۳۸ نسبت آقای مصباح یزدی با انقلاب و جمهوری.....
۴۰ ۲- مصاحبه خبرنگار تلویزیون فرانسه.....
۴۰ قدرت، طغیان و غرور می‌آورد.....
۴۱ ولایت فقیه انتخابی در برابر ولایت مطلقه.....
۴۲ خلف وعده‌ها و فقر مردم عامل گریز از اسلام.....
۴۲ هولوکاست و حقوق فلسطینی‌ها.....
۴۴ حق هسته‌ای ایران و تجاوز در پوشش حقوق بشر.....
۴۵ طلب حکومت مردمی و انتخابات آزاد.....
۴۶ ۳- پاسخ به پرسشی در مورد واقعه تخریب حسینیه شریعت قم.....
۴۶ محکومیت تخریب حسینیه و ضرب و شتم دراویش.....
۴۸ ۴- پاسخ به پرسشی پیرامون اسائه ادب به پیامبر گرامی اسلام ﷺ.....
۴۹ ۵- پیام به مناسبت توهین و تخریب حرم مقدس امامین عسکریین علیهما السلام.....
۴۹ اهل سنت از القاعده و جنایت آن علیه حرم عسکریین تبری بجویند.....
۵۱ ۶- پاسخ به پرسشی در مورد معاملات شرکت‌های اینترنتی (گلدکوئست).....
۵۱ گلدکوئست و لزوم احتیاط.....
۵۲ ۷- مصاحبه رئیس بخش بین‌الملل تلویزیون دولتی اتریش.....
۵۲ بی‌اعتباری القاب اعتباری.....

- ۵۳ موعود گرایی منحصر به اسلام نیست.
- ۵۳ استفاده ابزاری از مهدویت به تشکیک در آن می‌انجامد.
- ۵۴ ظهور امام زمان، پایان تاریخ نیست.
- ۵۴ ظهور مهدی (عج) واکنش به ظلم است و نباید از آن سوء استفاده شود.
- ۵۵ غفلت و عبرت از مرگ
- ۵۶ جایگاه فلسفه در حوزه
- ۵۶ آمریکا در روش خود تجدید نظر کند
- ۵۷ خطای اشغال سفارت آمریکا و لزوم روابط حسنه
- ۵۸ آمریکا خود را فدای اسرائیل نکند
- ۵۸ حق هسته‌ای ایران، قربانی تیرگی روابط با آمریکا.
- ۵۹ ۸- پاسخ به پرسشی پیرامون تغییر دین
- ۵۹ تغییر دین مجازات ندارد.
- ۶۰ ۹- پاسخ به چند پرسش
- ۶۰ پاسخ به چند اشکال در باب آزادی بیان، رابطه با آمریکا و انتقاد از مسئولان
- ۶۳ ۱۰- پاسخ به پرسشی در مورد اعطاء فدک به حضرت زهرا علیها السلام
- ۶۴ ۱۱- پاسخ به پرسشی پیرامون بحث «غلو».
- ۶۴ منظور از غلاة چه کسانی هستند؟
- ۶۵ برخورد ائمه با غلاة
- ۶۶ نظر مامقانی و بروجردی درباره اتهام غلو به بزرگان.
- ۶۷ ۱۲- مصاحبه خبرنگار شبکه خبری «ان تی وی» ترکیه.
- ۶۷ در ابتدا اختلاف نظری با آیت‌الله خمینی نداشتم.
- ۶۸ تخلف از وعده استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی
- ۶۹ جمهوری یعنی گردش نخبگان، آزادی بیان و احزاب.
- ۶۹ حکومت مردمی یعنی دخالت مردم در حدود و بقاء دولت از طریق احزاب.
- ۶۹ ولی فقیه باید ناظر باشد نه حاکم علی‌الاطلاق
- ۷۰ در همه شرایط نظر مردم ملاک است نه نظامیان.
- ۷۰ تأمین حق هسته‌ای و جلب اعتماد جهانی و مذاکره با آمریکا.

- مردم زیر بار حرف زور نمی‌روند..... ۷۱
- انتقاد به روابط ترکیه و اسرائیل، خطای اشغال سفارت آمریکا و وجوب تحصیل دانش هسته‌ای ۷۱
- حمله به ایران اشتباه است..... ۷۲
- ترکیه جزو جهان اسلام است..... ۷۳
- ۱۳- دیدار و گفتگوی جمعی از اعضای انجمن‌های اسلامی دانشگاهها
- (دفتر تحکیم وحدت شاخه علامه)..... ۷۴
- قبول نداشتن ولی فقیه و ولایت فقیه منافعی مسلمانی نیست..... ۷۴
- ولایت فقیه باید برآمده از جمهوریت و اسلامیت باشد..... ۷۵
- ولایت فقیه محدود به فقه و عدم دخالت در همه شئون است..... ۷۶
- ولی فقیه ایدئولوگ منتخب مردم است..... ۷۷
- لازمه جمهوریت، انتخابی بودن ولی فقیه و نقش زیربنایی احزاب است..... ۷۸
- امر به معروف و نهی از منکر متوقف بر تحزب است..... ۷۸
- وجوب تشکل و تحزب..... ۷۹
- جمهوری یعنی نقش مردم در حدوث و بقای حکومت..... ۸۰
- نظر مردم ملاک است نه نظامیان..... ۸۰
- پرسش و پاسخ:..... ۸۱
- کسب علم و مطالعه کردن واجب است..... ۸۱
- اشغال سفارت آمریکا اشتباه بود..... ۸۲
- حجاب واجب است اما نه به زور..... ۸۳
- ۱۴- پیام به مناسبت درگذشت حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ نصرالله صالحی..... ۸۴
- ۱۵- پیام به مناسبت درگذشت آیت الله حاج شیخ نعمت الله صالحی نجف آبادی..... ۸۵
- ۱۶- مصاحبه آقای فاضل رشاد صالح النعمة رئیس خبرگزاری مستقل عراق..... ۸۷
- دغدغه عراق و ارتباط با آیت الله سیستانی..... ۸۷
- مبانی قرآنی و روایی اصل تشکیل حکومت..... ۸۸
- ولایت فقیه حکومت فرد نیست..... ۸۹
- لزوم همکاری بین‌المللی در دهکده جهانی و دوری از شعارهای تشنج‌آمیز..... ۹۰
- آمریکا در مورد ایران، آزموده را آزمودن خطاست..... ۹۰

- دفاع در برابر تجاوز، تفاهم برای ساختن کشور عراق ۹۱
- ۱۷- پاسخ به پرسشی پیرامون تجاوزات اسرائیل به فلسطین و لبنان ۹۲
- اسرائیل مولود استعمار است ۹۲
- یهودیان حساب خود را از صهیونیسم جدا کنند ۹۳
- دولتی برآمده از همه ساکنان فلسطین راه حل بحران ۹۳
- جواز صرف وجوهات شرعیه برای حمایت از مردم فلسطین ۹۴
- ۱۸- پیام به همایش جهانی «ادیان برای صلح» کیوتو - ژاپن ۹۵
- احترام به حقوق بشر و همزیستی ادیان برای کاهش جنگ و خشونت ۹۵
- ۱۹- دیدار و گفتگوی اعضای شورای مرکزی سازمان و ادوار دفتر تحکیم وحدت ۹۷
- فعالیت سیاسی فرمایشی در دانشگاهها و محرومیت از تحصیل دانشجویان ۹۹
- حکومت با لجبازی ۹۹
- خشونت علیه من و اطرافیانم به جرم نصیحت به حاکمان ۱۰۱
- متصدیان امور باید با مردم بسازند و از تنگ نظری دوری کنند ۱۰۲
- پرسش و پاسخ: ۱۰۳
- شهید آیت مبدع ولایت فقیه نبود ۱۰۳
- رهبر در مقابل خبرگان مسئول است نه خبرگان در برابر رهبر ۱۰۳
- ۲۰- بیانات معظم له در درس اخلاق به مناسبت رحلت آیت الله یثربی کاشانی ... ۱۰۵
- خاطره ای درباره مرحوم یثربی کاشانی ۱۰۵
- رسالت حوزه و روحانیت فقط مسأله گویی نیست ۱۰۶
- پاسخ به شبهات با زبان زور ۱۰۷
- ۲۱- پاسخ به پرسشی پیرامون انتساب مناظره میان معظم له و دکتر سینا ۱۰۸
- ۲۲- پیام تسلیت به مناسبت ارتحال آیت الله العظمی حاج شیخ میرزا جواد تبریزی ۱۱۱
- ۲۳- پاسخ به سؤالات مجله عراقی «قطوف» درباره اوضاع عراق ۱۱۲
- نگرانی از تجزیه عراق در اثر تشدید جنگ شیعه و سنی ۱۱۲
- ریشه های جنگ سنی و شیعه در عراق پس از صدام ۱۱۲
- وظیفه شیعیان در تعامل با اهل سنت ۱۱۳
- عدم تناسب ولایت فقیه با شرایط اجتماعی عراق ۱۱۴

- مطلوبیت تعدد مرجعیت و احزاب در عراق ۱۱۴
- چگونگی برخورد با اشغال عراق ۱۱۵
- چگونگی نجات عراق از تفکر سلفی‌گری (وهابیت) ۱۱۵
- خطر تشدید جنگ داخلی و تجزیه عراق و نقش علمای عراقی در رفع خطر ۱۱۵
- ۲۴- پاسخ به سؤالات سایت اینترنتی «شهروند» ۱۱۸
- درباره آقای مصباح یزدی، استفاده ابزاری از دین، آینده حکومت دینی، ریشه عقب ماندگی، بازجویی، برخورد با جوانان و روابط دختران و پسران ۱۱۸
- محدودیت‌های سخت برای مجازات تازیانه و قصاص و سایر حدود ۱۲۱
- ۲۵- مصاحبه خبرنگار نشریه «فرانکفورتر آگ ماینه» آلمان ۱۲۳
- ولایت فقیه و پذیرش مردم ۱۲۳
- شرایط زمامدار در اسلام ۱۲۴
- ولایت فقیه، نظارت ایدئولوگ اسلامی است ۱۲۵
- پیامبر و ائمه هم ولایت مطلقه ندارند ۱۲۵
- نفی شاخص بودن فرد در حکومت ۱۲۵
- ولایت فقیه را علما قبول دارند چون اختراعی نیست ۱۲۶
- مردم اساس حاکمیت‌اند ۱۲۶
- اسلام با ترور و اجبار در عقیده مخالف است ۱۲۷
- تفاهم ملی و رأی اکثریت راه نجات عراق ۱۲۷
- سیاست یک بام و دو هوای حاکمان ایران ۱۲۸
- حرمت ذاتی انسان و نفی اجبار در عقیده ۱۲۸
- لزوم تعامل و گفتگوی پیروان همه ادیان ۱۲۹
- تفاهم تمدن‌ها و انسان‌ها به جای برخورد تمدن‌ها ۱۲۹
- قربانی اعمال سانسور و محدودیت ۱۳۰
- رابطه دین و سیاست ۱۳۰
- خبرنگار امانت‌دار است ۱۳۱
- ۲۶- بیانات معظم‌له در دیدار جمعی از علاقه‌مندان مرحوم مهندس بازرگان ۱۳۲
- فضائل و سجایای مهندس بازرگان ۱۳۲

- ۱۳۳ تصدی حکومت ارزشی جز برای پیداشتن حق ندارد.
- ۱۳۴ به اندازه توان اشکالات را بگوئید.
- ۱۳۴ برخورد عاقلانه و مذاکره با قدرت‌ها.
- ۱۳۵ چرا مردم با وجود ثروت نفت و گاز فقیرند؟
- ۱۳۷ صبر در مشکلات ناشی از توأسی به حق.
- ۱۳۸ سخنان آقای دکتر ابراهیم یزدی.
- ۲۷- دیدار اعضای انجمن دفاع از حقوق زندانیان ۱۴۰
- ۱۴۰ کارهای انسانی را با عزم جزم و صبر تا آخر ادامه دهید.
- ۱۴۱ به جای فشار در داخل و امتیاز در خارج با مردم مهربان باشید.
- ۱۴۲ تقسیم شهروندان به خودی و غیر خودی برخلاف قرآن است.
- ۱۴۲ مشورت با مخالفان در قرآن.
- ۱۴۳ انواع زندان در اسلام و منع حبس بیش از ۶ روز.
- ۱۴۳ دلایل عدم قابلیت اثبات و اجرای سنگسار.
- ۲۸- پاسخ به پرسش‌هایی به مناسبت سالروز پیروزی انقلاب اسلامی ایران ۱۴۵
- ۱۴۶ انقلاب اسلامی برای کسب آزادی و عدالت اجتماعی و نفی استبداد بود.
- ۱۴۷ علل دست نیافتن به اهداف انقلاب.
- ۱۴۸ ولایت مطلقه عامل شکست حاکمیت دینی.
- ۱۴۸ فقر و بحران نتیجه فروکاستن همه حقوق ملت به حق هسته‌ای.
- ۱۴۹ پیوندهای عمیق و تاریخی ایران و عراق مجوز دخالت در امور داخلی آنها نیست.
- ۱۵۰ عراق با وحدت همه فرقه‌ها نجات می‌یابد.
- ۱۵۰ سیاست خارجی و رابطه با آمریکا باید تابع شرایط سیاسی و اقتصادی و مصالح باشد.
- ۲۹- پیام به مناسبت سالگرد توهین و تخریب حرم مقدس امامین عسکریین علیهم‌السلام ۱۵۲
- ۱۵۲ جنایت وهابیان علیه حرم عسکریین را نباید به حساب اهل سنت نهاد.
- ۳۰- مصاحبه خبرنگار روزنامه «مانیچی» ژاپن ۱۵۴
- ۱۵۴ تأمین حق هسته‌ای با جلب اعتماد جامعه بین‌المللی.
- ۱۵۵ منع ایران از حق هسته‌ای ظالمانه است.
- ۱۵۵ سلاح‌های اتمی باید نابود شوند.

- باید با اجتناب از تندروی و با گفتگو بهانه تحریم و حمله را گرفت ۱۵۶
- وعده‌های بی عمل دولت ۱۵۷
- پول نفت مال مردم است نه دولت و دیگر کشورها ۱۵۷
- مخالفان هم جزو مردم‌اند و باید انحصارطلبی را کنار گذاشت ۱۵۸
- انواع محدودیت و خشونت و حصر تاوان یک انتقاد ۱۵۹
- آزادی برای موافق و مخالف و آزادی پس از بیان ۱۵۹
- پاسخ به اینکه چرا چند ماه دیگر صبر نکریدید تا رهبر شوید؟ ۱۶۰
- ۳۱- واکنش به فتوای مفتی سعودی مبنی بر انهدام اماکن مقدس شیعیان ۱۶۲
- فتوای مفتی وهابی برای تشدید اختلاف شیعه و سنی و جنگ در عراق است ۱۶۲
- فلسفه زیارت قبور در شیعه ۱۶۳
- ۳۲- پیام تسلیت به مناسبت درگذشت حجة الاسلام والمسلمین سید محمود مطلبی .. ۱۶۵
- ۳۳- مصاحبه خبرنگار سایت خبری «روزآنلاین» ۱۶۶
- گزارش آزارها، محدودیت‌ها، فعالیت‌های علمی و روزمره ۱۶۶
- نگرش‌های متفاوت در شاگردان ۱۶۷
- وحدت دستوری نیست و با تنگ‌نظری، انحصارطلبی و نفی حقوق شهروندان حاصل
نمی‌شود. ۱۶۸
- اتهامات بی اساس و بازداشت ناراضیان و فاصله حاکمان با مردم مانع وحدت ۱۶۹
- مردم مرجع قضاوت درباره عملکرد کارگزارانند ۱۷۰
- سالی پر از شعار و فشار ۱۷۱
- هر تبعیضی ظلم نیست و هر اظهارنظری ممنوع نیست ۱۷۱
- لزوم نظرخواهی در امور مهم کشور ۱۷۲
- حقوق دیگری جز انرژی هسته‌ای هم داریم ۱۷۲
- مصادیق نقض حقوق شهروندی ام ۱۷۲
- ۳۴- پیام تسلیت به مناسبت درگذشت مرحوم آقای فخرالدین حجازی ۱۷۴
- ۳۵- پیام تسلیت به مناسبت درگذشت همسر مرحوم آیت الله طالقانی ۱۷۵
- ۳۶- پاسخ به سؤالات مهندس مصطفی ایزدی پیرامون خاطرات آیت الله مهدوی کنی . ۱۷۶
- نقد اظهارات آیت الله مهدوی کنی و نقل ماجرای تشکیل دانشگاه امام صادق ۱۷۸

- ۱۸۰ استدلال‌های نادرست.
- ۱۸۲ غضب سایر مؤسسات و مکان‌های شخصی یا تحت تولیت
- ۱۸۲ دلایل تذکرات انتقادی خصوصی به امام خمینی
- ۱۸۵ سکوت به طمع رهبری در روزهای پایانی حیات امام، فرصت‌طلبی و عافیت‌طلبی بود.
- ۱۸۶ -۳۷ پیام تسلیت به مناسبت درگذشت آیت‌الله حاج آقا حسن طباطبایی قمی ...
- ۱۸۹ -۳۸ بیانات معظم‌له در ابتدای درس اخلاق پیرامون حادثه سامرا.
- ۱۸۹ عترت، بالاتر از امامت
- ۱۹۰ چگونگی جلوگیری از غربت سامرا
- ۱۹۱ ممانعت از نشر کتابی در نقد وهابیت، دفاع از شیعه و وحدت مسلمین
- ۱۹۲ نگذارید سامرا غریب بماند
- ۱۹۲ تأمین امنیت عراق بر عهده اشغالگران است.
- ۱۹۳ کار آمریکا در سقوط صدام خوب و ماندن در عراق بد است.
- ۱۹۴ -۳۹ پیام تسلیت به مناسبت درگذشت آیت‌الله حاج شیخ محمد فاضل لنکرانی.
- ۱۹۵ -۴۰ پیام به نشست مطبوعاتی حق صلح
- ۱۹۵ صلح در قرآن
- ۱۹۵ هدف صلح
- ۱۹۶ صلح اصل اساسی در خانواده، جامعه و نظام بین‌الملل
- ۱۹۶ همزیستی پیروان ادیان
- ۱۹۷ گسترش صلح و پرهیز از جنگ‌طلبی
- ۱۹۷ وجوب وفا به امان مشرک حربی
- ۱۹۹ -۴۱ پاسخ به پرسش‌های خبرنگار «بی بی سی» در مورد مسائل روز ایران
- ۱۹۹ ارعاب و زور در برخورد با بی‌حجابی نتیجه عکس می‌دهد
- ۲۰۰ برخورد با مجرم و متهم فقط در چارچوب قانون
- ۲۰۱ ضرورت رعایت حقوق متهم
- ۲۰۱ درباره منع حضور در کنفرانس‌های علمی خارج کشور توسط وزارت اطلاعات
- ۲۰۱ آزادی فکری و سیاسی در مراکز علمی و دانشگاهی
- ۲۰۲ مردم مرجع ارزیابی وضعیت اقتصادی خود هستند

- ۲۰۲ ضرر سلب آزادی بیان برای روزنامه‌نگاران
- ۲۰۲ اشتباه رد صلاحیت‌ها
- ۲۰۳ ظالمانه بودن تحریم‌ها و بهانه سازی‌های دولت
- ۲۰۳ حق داشتن انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز
- ۲۰۴ ۴۲- پاسخ به پرسشی پیرامون حکم سنگسار در اسلام
- ۲۰۴ فلسفه حکم سنگسار
- ۲۰۵ ۴۳- گفتگوی آقای عمادالدین باقی با حضرت آیت‌الله منتظری
- اغتشاش فدائیان اسلام در قم، هتاکی به آیت‌الله بروجردی و انتقادات آیت‌الله خمینی
- ۲۰۶ به آنان
- ۲۰۷ گفتگوی انتقادی آقای مطهری با نواب صفوی
- ۲۰۸ چگونگی القای بدبینی نسبت به آیت‌الله خمینی و آقای مطهری در ذهن آیت‌الله بروجردی
- ۲۰۹ گزارش منفی به آیت‌الله بروجردی درباره آقایان خمینی، منتظری و مطهری
- ۲۱۰ امتناع آیت‌الله بروجردی از دریافت نامه آقای مطهری
- ۲۱۰ واگذاری اداره مدارس به آیت‌الله امینی و ارزیابی وی از مدارس آیت‌الله منتظری
- ۲۱۱ شباهتی در اعدام فدائیان اسلام و سید مهدی هاشمی
- ۲۱۲ اعدام‌های سال ۶۷ و دست‌اندرکارانش
- ۲۱۳ حتی در اتهام قتل سقف بازداشت موقت فقط ۶ روز است
- ۲۱۴ بازداشت‌های بی‌مورد سیاسی بحران‌زاست
- ۲۱۴ تنبیه حامیان حقوق زندانیان به جای تشویق!
- ۲۱۴ بازداشت به بهانه انقلاب مخملی و اعدام بحران‌زا و بدتر از انقلاب مخملی
- ۲۱۵ به سوی زندان‌زدایی و نفی اعدام‌های بی‌اساس
- ۲۱۶ در انتقادات طمعی ندارم
- ۲۱۶ در رژیم شاه به افکار عمومی جهان اهمیت می‌دادند
- ۲۱۷ نظارت بین‌المللی بر زندان‌ها در زمان شاه
- ۲۱۸ روحیه نقادی و انتقاد به آیت‌الله بروجردی
- ۲۱۸ دادگاه ویژه روحانیت غیر قانونی است
- ۲۱۹ مجوز شرعی و قانونی بدرفتاری‌ها با من و اطرافیانم چیست؟

- ۲۲۰ ممانعت از چاپ کتابی در دفاع از شیعه و نقد وهابیت
- ۲۲۱ زندگی با کمونیستها از جمله محمد علی عمویی در زندان
- ۲۲۳ اعزام نماینده به زندانها و جلوگیری از اعدام ۶ هزار زندانی
- ۲۲۳ کمک مالی به خانواده زندانیان بدون اعتنا به عقیده و اتهام آنها
- ۲۲۴ اعدامهای سال ۶۷
- ۲۲۵ سکوت به طمع رهبری جایز نبود
- ۲۲۶ ۴۴- گزارش برگزاری نماز عید سعید فطر
- ۲۲۸ ۴۵- دیدار اعضای شورای مرکزی ادوار تحکیم وحدت
- ۲۲۸ انتقاد از بازداشت دانشجویان
- ۲۲۹ انتقاد به بازداشت آقایان قابل و باقی
- ۲۲۹ در رژیم شاه هم دانشجویان را ستاره‌دار نمی‌کردند
- ۲۳۰ تشدید فشارها بی‌رابطه با انتخابات ریاست جمهوری دهم نیست
- ۲۳۰ انکار توهین به مقدسات مسموع است
- ۲۳۰ فقر روزافزون برای ملتی ثروتمند
- ۲۳۱ تهدیدهای خارجی و اغوای مردم
- ۲۳۱ زمینه جنگ را از بین ببرید
- ۲۳۱ منتقدان سکوت نکنند
- ۲۳۲ توصیه به صبر و استقامت و تحصیل علم برای دانشجویان
- ۲۳۳ ۴۶- پاسخ به پرسش‌های سایت خبری «روزآنلاین»
- ۲۳۳ انگیزه سخنرانی ۱۳ رجب
- ۲۳۴ در دوره اصلاحات کوتاهی شد
- ۲۳۴ موانع اصلاح‌طلبی در ایران
- ۲۳۵ نظارت استصوابی برخلاف قانون اساسی است
- ۲۳۵ دروغگویی مسئولان به مردم در هیچ شرایطی جایز نیست
- ۲۳۶ نباید با شعارهای تحریک‌آمیز زمینه جنگ را درست کرد
- ۲۳۶ انتخابات آزاد

- ۴۷- گزارش دیدار مجمع زنان اصلاح طلب ۲۳۸
- سخنان خانم دکتر زهرا شجاعی ۲۳۸
- عمومیت امر به معروف و نهی از منکر ۲۴۰
- ترک انتقاد بستر تسلط اشرار ۲۴۱
- شورای نگهبان نباید قیم مردم شود ۲۴۱
- حکمت قانون ارث ۲۴۳
- ۴۸- مصاحبه خبرنگار هفته نامه ایتالیایی «اسپرسو» ۲۴۴
- از وعده استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی فقط اسمش باقی مانده است ۲۴۴
- مفهوم انتخابات آزاد ۲۴۴
- صاحبان نفت و معادنی که فقیرند ۲۴۵
- مردم با بی تفاوت نبودن سرنوشت خود را به دست گیرند ۲۴۵
- برخی اشکالات قانون اساسی ۲۴۶
- وعده های انقلاب (خصوصاً آزادی بیان و آزادی سیاسی) عملی نشد ۲۴۶
- انرژی هسته ای حق ماست ۲۴۷
- اجرای حکمی که موجب وهن اسلام باشد جایز نیست ۲۴۷
- ۴۹- گزارش دیدار یاران مرحوم مهندس مهدی بازرگان ۲۴۸
- یکی بودن قول و عمل مهم ترین صفت مهندس بازرگان ۲۴۸
- تناقض ادعای سال اتحاد با رد صلاحیت نامزدها ۲۴۸
- عده ای خیال می کنند عقل کل هستند ۲۴۹
- مجلس گره گشا باید نماینده افکار مختلف باشد ۲۴۹
- ۵۰- پاسخ به پرسش های خانم درخشش (خبرنگار ایرانی مقیم آمریکا) ۲۵۱
- نباید در برابر کارهای خلاف سکوت کرد ۲۵۱
- کارهای رژیم شاه پس از انقلاب با اسم دیگری تکرار شد ۲۵۲
- آزادی مظلوم واقع شد ۲۵۲
- دلایل قطع رابطه با آمریکا ۲۵۳
- رابطه با آمریکا باید بر اساس کارشناسی و منافع ملی برقرار شود ۲۵۴
- ۵۱- پیام تسلیت به مناسبت درگذشت آیت الله حاج شیخ محمد رضا توسلی ... ۲۵۵

- ۲۵۶ ۵۲- پاسخ به پرسش های آقای احمد رأفت مدیر خبرگزاری «آکی» ایتالیا
- ۲۵۷ حق همگانی هسته‌ای و رفتار مسئولین
- ۲۵۷ حمایت از ملت‌ها غیر از دخالت است
- ۲۵۸ رد صلاحیت نامزدها فاصله مردم و حاکمیت را زیاد می‌کند
- ۲۵۸ کمک به کشورها مشروط به در تنگنا نبودن مردم
- ۲۵۹ مجلس برآمده از نظارت استصوابی نماینده مردم نیست
- ۲۵۹ لزوم دوری نظامیان از سیاست
- ۲۶۰ لزوم دوری روحانیت از قدرت
- ۲۶۰ مبنای بسیاری از اعدام‌ها مخدوش است
- ۲۶۲ ۵۳- بیانات معظم‌له در آغاز درس اخلاق درباره حملات اسرائیل به غزه
- ۲۶۲ کشتار مردم بی دفاع غزه
- ۲۶۲ اسرائیل غاصب است
- ۲۶۳ چرا کشورهای اسلامی عربی در برابر جنایات اسرائیل ساکت هستند؟
- ۲۶۳ اسرائیل با کشتار استحکام نمی‌یابد
- ۲۶۴ چرا مردم آمریکا بی تفاوت هستند؟
- ۲۶۶ ۵۴- دیدار اعضای شورای مرکزی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی
- ۲۶۶ تفسیر سوره والعصر
- ۲۶۷ سکوت و ترک امر به معروف و نهی از منکر اشرار را مسلط می‌کند
- ۲۶۹ ۵۵- دیدار مدیر مسئول و هیأت تحریریه نشریه نشریه توقیف شده «نامه»
- ۲۷۰ وعده آزادی و نفی استبداد از آغاز انقلاب عملی نشد
- ۲۷۰ شورای نگهبان قرار بود نگهبان آزاد انتخابات باشد نه سالب آزادی آن
- ۲۷۱ آیت‌الله خمینی هم با حبس مخالفین خود موافق نبود
- ۲۷۲ دانشجویان غیر مسلمان هم باید آزادی بیان داشته باشند
- ۲۷۴ ۵۶- مصاحبه خبرنگار «راديو زمانه»
- ۲۷۴ نادرستی استفاده ابزاری و سیاسی از عقاید دینی
- ۲۷۵ آماده کردن مسیر و گروه استقبال، موجب بدبینی به حضرت حجت
- ۲۷۵ عدم استرداد مکان‌های غصب شده

- حبس یاران آیت‌الله منتظری ۲۷۶
- ظلم پایدار نیست ۲۷۶
- ختم ولایت فقیه ۲۷۶
- ۵۷- دیدار اعضای شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت ۲۷۷
- زندانی کردن افراد برای درس عبرت دادن به دیگران ۲۷۷
- تخلف از وعده‌های آزادی اوایل انقلاب ۲۷۸
- ظلم به اسم اسلام ۲۷۸
- حبس خدمتگزاران نشانه غیر اسلامی بودن حکومت ۲۷۸
- در رژیم شاه هم دانشجویان مخالف ستاره‌دار نشدند ۲۷۹
- اهمیت مصونیت حریم خصوصی ۲۷۹
- اهمیت تحصیل علم ۲۸۰
- ۵۸- دیدار شورای مرکزی انجمن اسلامی معلمان ایران و شورای انجمن اسلامی معلمان قم ۲۸۱
- برخلاف وعده استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی عمل شد ۲۸۳
- هدم آزادی انتخابات و دو مرحله‌ای کردن توسط شورای نگهبان ۲۸۴
- از نظر امام، دوستدار رجوی و مخالف خمینی هم نباید زندانی شود ۲۸۴
- ضرورت تأمین معاش و مسکن معلمان ۲۸۵
- آثار آقای صالحی نجف‌آبادی خواندنی است ۲۸۵
- استفاده ابزاری از اسلام و امام زمان گناه بزرگی است ۲۸۶
- قانون اساسی فقط ولایت فقیه نیست، اصول دیگر و حقوق ملت هم هست ۲۸۶
- ولایت فقیه برای نظارت بود نه خودکامگی ۲۸۶
- حبس منتقدان و خدمتگزاران ۲۸۷
- در توصیه به حق از سختی و زندان و مرگ نهراسید ۲۸۷
- درآمد نفت برای رفع فقر مردم است ۲۸۸
- ۵۹- دیدار جمعی از اعضای انجمن‌های اسلامی دانشجویان دانشگاه‌های تهران (دانشگاه هنر)، شهرکرد و کاشان و همچنین جمعی از افسار مختلف مردم ۲۸۹
- وجوب آموزش علوم ۲۸۹

- ۲۹۰ با تحصیل خود آینده کشور را بیمه کنید.
- ۲۹۰ محرومیت از تحصیل به جرم عقیده
- ۲۹۰ با تحمل مشکلات امر به معروف و نهی از منکر مانع تسلط اشرار شوید
- ۲۹۱ در مورد سال ۶۸ همه چیز را نگفته‌ام.
- ۲۹۱ معارف، اخلاق، فقه و سه مرحله وجودی انسان.
- ۲۹۲ با کتاب خواندن و افزایش آگاهی، خود و فرزندان را از دوزخ حفظ کنید.
- ۲۹۳ صبر بر مشکلات از کمالات است
- ۲۹۳ برنامه‌ریزی و محاسبه در زندگی
- ۲۹۴ آذوقه مردم با شعار تأمین نمی‌شود
- ۶۰- پاسخ به پرسش‌های مهندس لطف‌الله میثمی درباره قانون اساسی و نقش شورای نگهبان در تفسیر آن ۲۹۵
- ۲۹۷ قانونگزاری تابع مصالح و مفاسد است
- ۲۹۸ در موارد تعارض، اصل بر شریعت است و در تراحم ملاکات، اصل بر مصلحت برتر
- ۲۹۸ عدل امری عقلی و برون دینی است
- ۲۹۸ احکام ثانوی مستلزم ولایت مطلقه نیست
- ۲۹۸ قانونگزاری در موضوعات احکام، امری عرفی و عقلایی است
- ۲۹۹ چگونگی انتخاب مدیران و اداره جامعه خارج از شمول اصل چهارم قانون اساسی است
- ۲۹۹ نیاز به تأیید مجدد قانون اساسی توسط مردم
- ۲۹۹ تفاوت مبنای نصب و نخب در ولایت فقیه و آثار عملی آن
- ۳۰۰ ضوابط تفسیر قانون اساسی توسط شورای نگهبان
- ۳۰۱ یکدست بودن و فقدان تضارب آراء، سبب تفسیرهای خاص شورای نگهبان
- ۶۱- پاسخ به پرسش‌های «گاهنامه اطلاع» پیرامون تشکیک درباره کتاب خاطرات معظم‌له ۳۰۳
- ۳۰۴ در مقابل تاریخ‌نگاری فرمایشی
- ۳۰۵ آیت‌الله خمینی از نگاه من
- ۳۰۵ استفاده سیاسی از نام آیت‌الله خمینی

تاریخ‌سازی‌ها و حذف چهره‌های کلیدی انقلاب موجب تردید مردم به تاریخ اسلام	
هم می‌شود	۳۰۶
سندیت و اعتبار کتاب خاطرات	۳۰۷
قائم‌مقامی، بز اخفش بودن نیست	۳۰۸
بالاترین درجهٔ نزدیکی با آیت‌الله خمینی و یادی از شب رحلت آیت‌الله بروجردی	
و جو آن زمان	۳۰۹
اجازهٔ مصرف وجوهات به آقای رفسنجانی در ایام تبعید به خلخال	۳۱۰
تلاش بی‌حاصل برای حذف آقای منتظری از تاریخ	۳۱۰
در دنیای ارتباطات نمی‌شود سر زیر برف کرد	۳۱۰
سخنرانی ۱۳ رجب افتخار من است	۳۱۱
۶۲- دیدار اعضای شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت	۳۱۲
دعوت دانشجویان به امر به معروف و نهی از منکر و استقامت در برابر مشکلات ...	۳۱۳
۶۳- دیدار اعضای سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی	۳۱۵
توافق اصلاح‌طلبان بر نامزد واحد و اتمام حجت با رهبری	۳۱۵
وظیفهٔ ولی فقیه نظارت است نه دخالت	۳۱۵
مدارا با اهل سنت و دوری از تفرقه	۳۱۶
۶۴- گزارش برگزاری نماز عید سعید فطر	۳۱۷
ترک انتقاد، اشرار را مسلط می‌کند	۳۱۸
سکوت و تملق در برابر منکرات حکومتی گناه است	۳۱۸
غصب حسینه و اموال شخصی و ادعای آزادی	۳۱۹
۶۵- دیدار اعضای مجمع نیروهای خط امام	۳۲۰
لزوم انجام کار تشکیلاتی و پرهیز از افراط و تندروری	۳۲۰
مبانی فقهی تشکیل حزب	۳۲۰
خالی شدن عرصه از منتقدان، بدان را حاکم می‌کند	۳۲۱
استفاده از حداقل امکانات برای آگاهی دادن به جامعه	۳۲۱
مشکلات مانع حق‌گویی نشود	۳۲۱

- ۳۲۳ - ۶۶- مصاحبه روزنامه «ماینیچی» ژاپن به مناسبت سی‌امین سالگرد انقلاب اسلامی
- ۳۲۴ حساسیت بر حقوق زندانیان
- ۳۲۵ تندروی‌های دوجانبه و سنت بدی که تحمیل شد
- ۳۲۵ مخالفت با خشونت، علیرغم سابقه مخالفت با مجاهدین خلق و شهادت فرزندم توسط آنان
- ۳۲۶ آیت‌الله خمینی می‌گفت مگر من اصول دین هستم! مخالف من نباید زندان باشد
- ۳۲۷ رکن دوم و سوم «استقلال»، «آزادی»، «جمهوری اسلامی» پایمال می‌شود
- ۳۲۸ بجز اصل ولایت مطلقه فقیه، بقیه اصول پایمال و به جای نظارت، دخالت می‌شود
- ۳۲۹ راه منطقی برای کناره‌گیری من از قائم مقامی وجود داشت
- ۳۳۰ امید به بازگشت افرادی از مجاهدین خلق
- ۳۳۰ نقض حقوق بشر سخت‌تر از گذشته است
- ۳۳۲ ۶۷- بیانات معظم‌له در سالروز شهادت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
- ۳۳۲ تقلین، یادگاری دو چیز گرانبها
- ۳۳۴ ۶۸- دیدار اعضای «پویش دعوت از خاتمی»
- ۳۳۴ تکذیب شکوه از خاتمی در بحبوحه فعالیت انتخاباتی
- ۳۳۵ خالی کردن صحنه، فرصت برای بدان
- ۳۳۵ شرط پیروزی اصلاح‌طلبان، اجماع بر یک نامزد
- ۳۳۶ ۶۹- مصاحبه خبرنگار شبکه «الجزیره» به مناسبت سی‌امین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی
- ۳۳۷ دلایل مبارزه با رژیم شاه
- ۳۳۷ عوامل بروز و پیروزی انقلاب اسلامی
- ۳۳۹ نحوه برخورد رژیم پهلوی با مبارزین و دلایل حبس و تعقیب من
- ۳۴۰ رفتار با من در زندان شاه
- ۳۴۰ همکاری ما با آیت‌الله خمینی و نقش وی در پیروزی انقلاب
- ۳۴۱ به اهداف آزادی و عدالت در انقلاب اسلامی دست نیافته‌ایم
- ۳۴۳ ۷۰- دیدار گروه «اصلاح طلبان کرد»
- ۳۴۳ ارتباط با اهل سنت در ایام تبعید
- ۳۴۴ مخالفت با هفته وحدت

- ۳۴۴ به جای تضعیف یکدیگر، عقاید جوانان را تقویت کنیم
- ۷۱- ملاقات اعضای سازمان دانش‌آموختگان ایران (ادوار تحکیم وحدت)،
 ۳۴۵ حزب جامعه مدنی استان همدان و انجمن اسلامی دانشگاه بوعلی سینا
- ۳۴۵ مردم‌سالاری امام حسن
- ۳۴۵ شکست، نتیجه عدم اجماع اصلاح‌طلبان بر نامزد واحد است
- ۳۴۶ بی‌تفاوتی مردم زمینه حاکمیت اشراکات
- ۳۴۶ در صورت بی‌تفاوت نبودن مردم و اتحاد شما، شورای نگهبان هم تسلیم می‌شود
- ۷۲- دیدار دو تن از علمای اهل سنت سیستان و بلوچستان ۳۴۸
- ۷۳- پیام پیرامون قتل عام مردم مظلوم غزه به دست اسرائیل غاصب ۳۴۹
- ۳۴۹ فشارهای اسرائیل مسبب نقض آتش‌بس از سوی فلسطینی‌ها
- ۳۵۰ مرزبندی یهود با صهیونیسم
- ۳۵۰ بی‌تفاوتی دولت‌ها در برابر جنایات غزه
- ۳۵۱ اجازه صرف وجوهات برای کمک به غزه
- ۷۴- پیام تسلیت به مناسبت درگذشت آیت‌الله جمی ۳۵۲
- ۷۵- توصیه‌هایی به دانشمندان، نواندیشان و پژوهشگران علوم اسلامی ۳۵۳
- ۳۵۳ دلایل و زمینه‌های تهاجم گسترده به باورهای دینی
- ۳۵۴ روشنفکران و تکرار شبهات کهنه
- ۳۵۴ سرکوب منتقدان به جای گفتگو
- ۳۵۴ بسیاری از شبهات معلول عملکرد متصدیان امور دینی و حاکمان است
- ۳۵۵ لزوم توجه ویژه به عقاید، کلام، تفسیر و تاریخ اسلام
- ۳۵۶ لزوم شجاعت‌ورزی برای حفظ استقلال حوزه‌ها از حکومت
- ۳۵۶ پرهیز از سیاسی کردن مباحث علمی
- ۳۵۷ جبران کاستی‌ها و یافتن پاسخ‌ها به جای انفعال و انکار
- ۳۵۷ امید یاری از روشنفکران
- ۷۶- پیام تسلیت به مناسبت درگذشت حجة الاسلام والمسلمین آقای مسافری ۳۵۸
- ۷۷- بیانات معظم‌له در ابتدای درس اخلاق پیرامون مسائل غزه ۳۵۹
- ۳۵۹ اسلام، کلاس بالاتر از یهود و مسیحیت

- ۳۶۰ مکافات زورگویی یهودیان
- ۳۶۰ ادعای یهودی سوزی زمينه غصب فلسطين
- ۳۶۰ يهود غير از صهيونيزم است
- ۳۶۱ اسرائيل، تلافی شکست لبنان در غزه و وظیفه مسلمانان در برابر آن
- ۳۶۲ گناه کودکان و زنان کشته شده چیست؟
- ۷۸- دیدار اقشار مختلف مردم نجف آباد با معظم له در اعتراض به برخورد دادگاه ویژه روحانیت با حجة الاسلام آقای قیصری ۳۶۳
- سخنان حجة الاسلام قیصری ۳۶۳
- انقلاب اسلامی برای آزادی بود ۳۶۵
- وظیفه مردم اعلام اعتراض و وظیفه حکومت توجه به حقوق مردم است ۳۶۶
- ۷۹- دیدار جمعی از دوستان و یاران زنده یاد مرحوم مهندس بازرگان ۳۶۷
- شعار اصلی انقلاب ۳۶۷
- مزاحمت برای مردگان و گورستان علیرغم وعده آزادی حتی برای کمونیست‌ها ۳۶۷
- ضرورت انعطاف و آشتی با مردم ۳۶۸
- نهی از منکر و بزرگداشت بزرگان ۳۶۸
- کتاب بخوانید و بنویسید ۳۶۹
- ۸۰- دیدار دانشجویان دفتر تحکیم وحدت ۳۷۰
- فراموشی شعارهای انقلاب: استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی ۳۷۱
- حکومت عدل علی یعنی آزادی ملت و آزادی بیان ۳۷۲
- مردم‌سالاری و تقویت احزاب ۳۷۲
- ۸۱- دیدار اقشار مختلف مردم در روز ۲۲ بهمن ۳۷۴
- وعده‌های انقلاب را فراموش نکنید و از کارهای خلاف توبه کنید ۳۷۴
- قانون اساسی فقط ولایت فقیه نیست ۳۷۵
- ۸۲- دیدار جمعی از خانم‌های فعال در امور سیاسی، فرهنگی و اجتماعی ۳۷۶
- در انتقاد کردن زنان و مردان بر هم ولایت دارند و به یک اندازه مسئولند ۳۷۶
- در مرجعیت و وزارت تفاوتی میان زن و مرد نیست مگر در امر ولایت ۳۷۷
- ۸۳- پیام تسلیت به مناسبت رحلت همسر حضرت امام خمینی علیه السلام ۳۷۸

- ۸۴- پیام تسلیت به مناسبت ارتحال حضرت آیت الله العظمی بهجت رحمته الله ۳۷۹
- ۸۵- پاسخ به پرسشی پیرامون کاندیداهای انتخابات ریاست جمهوری ۳۸۰
- ۸۶- پاسخ به دو پرسش پیرامون رعایت قوانین انتخابات ۳۸۱
- پرسش اول ۳۸۱
- حرام بودن تقلب و دستکاری در آرای مردم ۳۸۲
- پرسش دوم ۳۸۳
- تغییر آرای مردم موجب عدم مشروعیت، غضب، خیانت در امانت و استبداد است .. ۳۸۳
- ۸۷- پیام معظم له پیرامون دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ۳۸۵
- انتخابات تقلیدی نیست ۳۸۵
- فلسفه وضع شورای نگهبان و مغایرت با عملکرد کنونی آن ۳۸۵
- افشاگری در انتخابات خلاف شرع است ۳۸۶
- وعده‌های غیر عملی مصداق فریبکاری است ۳۸۷
- آرای مردم امانت، و دستکاری در آن، خیانت است ۳۸۷
- ۸۸- پاسخ به پرسش‌های خبرنگار صدای آمریکا ۳۸۸
- امیدواری به جبران گذشته از سوی آمریکا در دوره اوپاما ۳۸۸
- رابطه با آمریکا به صورت کارشناسی، بر اساس منافع و با پرهیز از شعارهای تحریک‌آمیز ... ۳۸۹
- انتخابات آزاد حق خدادادی ملت‌ها و نظارت استصوابی مغایر با آن است ۳۸۹
- ۸۹- بیانات معظم له پس از شرکت در انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری ۳۹۰
- ۹۰- پیام در رابطه با نتایج انتخابات ریاست جمهوری و حوادث پس از آن ۳۹۲
- هیچ عقل سلیمی نتایج اعلام شده را نمی‌پذیرد ۳۹۲
- اقتدار در شرح صدر و جذب مخالفین است ۳۹۳
- لزوم پاسخ‌های معقول به شبهات و احراز امانتداری دست‌اندرکاران ۳۹۳
- اعتراض‌ها بدون خشونت و بهانه دادن به حکومت ادامه یابد ۳۹۴
- مسئولان دین خود را به دنیای دیگران نفروشد و از خشونت علیه مردم دست بردارند ۳۹۴
- ۹۱- پیام در اعتراض به عملکرد نامناسب مسئولان و سرکوب مردم ۳۹۶
- ۹۲- پاسخ به نامه فرزند دکتر سعید حجاریان ۳۹۹
- نامه تظلم خواهی فرزند دکتر سعید حجاریان ۴۰۱

- ۹۳- پاسخ‌های به پرسش‌های حجة الاسلام والمسلمین دکتر محسن کدیور ۴۰۳
- سقوط شرایط تصدی موجب سقوط قهری ولایت است ۴۰۴
- در صورت ادامه تصدی به زور، مردم باید با رعایت مراتب و با اتحاد و تشکیلات آنان را برکنار کنند ۴۰۵
- معاصی ذکر شده موجب خروج از عدالت و مصداق ظلم و دارای مجازات است ۴۰۷
- حفظ نظامی اوجب واجبات است که برپا کننده عدل باشد نه زندان و زور و شکنجه ۴۰۸
- اعتراف‌گیریه‌ای استالینی تحت زندان و شکنجه، محکوم و بی‌ارزش است و عاملان اعتراف‌گیری مجرمند ۴۰۸
- مردم حق تجمع برای دفاع از حقوق خود را دارند ۴۰۹
- ولایت جائز یعنی مخالفت عمدی با احکام شرع و موازین عقل و میثاق‌های ملی ... ۴۱۰
- هر کس به قدر توان در برابر بی‌عدالتی مسئول و ترس از مخلوق شرک است ۴۱۰
- خداوند از عالمان تعهد گرفته در مقابل ظلم سکوت نکنند ۴۱۱
- ۹۴- پیام در اعتراض به کشتار مسلمانان در کشور چین ۴۱۲
- ۹۵- اعتراض به توهین و مزاحمت برای حجج اسلام والمسلمین کربوبی و نوری ۴۱۴
- در توهین و تعرض به مردم و شخصیت‌ها، سب اقوی از مباشر و گناه برگردن مسئولان است ۴۱۴
- ۹۶- پاسخ به نامه جمعی از نخبگان و شخصیت‌های فرهنگی و سیاسی ۴۱۶
- از تجربه حکومت شاه و سایر رژیم‌های استبدادی درس نگرفته‌اند ۴۱۷
- مشروعیت نظام را زیر سؤال برده‌اند ۴۱۷
- نظامیان را به برادرکشی واداشته‌اند ۴۱۷
- اعتراف‌گیری‌های تحت زور و شکنجه جرم و آمرین و عاملین آن باید مجازات شوند ۴۱۸
- ۹۷- پیام در اعتراض به دادگاه‌های فرمایشی ۴۱۹
- اقرارگیری‌هایی که سالهاست رایج شده، غیرقانونی، جرم و از منکرات بزرگ است .. ۴۱۹
- حقوق تضییع شده مردم در انتخابات را جبران کنید ۴۲۰
- کشور متعلق به مردم است و آنها حق تجمع آرام و ابراز نظرات از رسانه‌ها را دارند .. ۴۲۱
- ۹۸- پیام به مناسبت درگذشت آقای حاج حسن مهرآبادی ۴۲۲
- ۹۹- پاسخ به نامه ۲۹۳ نفر از روشنفکران و نخبگان ۴۲۳
- حاکمان، چشم و گوش خود را بسته‌اند ۴۲۳

- اسلام دین آزادی عقیده، بیان و برهان است. ۴۲۴
- شجاعت کنید و اعلام نمایند حکومت نه جمهوری است نه اسلامی و کسی حق انتقاد ندارد. ۴۲۴
- ۱۰۰- دیدار دانشجویان عضو شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت. ۴۲۵
- «تواصی بالحق» زندان اوین را به دنبال دارد و صبر می‌طلبد. ۴۲۶
- محرومیت از تحصیل ظلم بزرگی است. ۴۲۶
- منظور از نظام یک شخص نیست. ۴۲۶
- شخصیت‌های انقلاب در زندانند. ۴۲۷
- نسبت به زندانیان بی تفاوت نباشید. ۴۲۷
- ۱۰۱- پیام به مراجع عظام تقلید، علماء و حوزه‌های علمیه. ۴۲۸
- هدف از انقلاب اسلامی تغییر رسم‌ها بود نه اسم‌ها. ۴۲۸
- نظام موجود، ولایت نظامیان است نه ولایت فقیه. ۴۲۹
- مراجع و علما، پناهگاه مردم در مقابل تجاوزات حکومت‌ها. ۴۲۹
- مبارزه با بدعت‌ها و امر به معروف و نهی از منکر برای جلوگیری از سلطه اشرار
- و وظیفه مراجع و روحانیت. ۴۳۰
- سرکوب مردم به نام دین. ۴۳۱
- بازداشت‌ها، اعتراف‌گیری‌ها، دادگاه‌های فرمایشی و انواع فشارهای دیگر موجب
- تخریب اعتقاد مردم. ۴۳۲
- انتظار بزرگ مردم از مراجع و علما در این شرایط خطیر. ۴۳۳
- سکوت مراجع در برابر ظلم به مردم به نام دین جایز نیست. ۴۳۳
- امید به اصلاح با همفکری مراجع، معترضان و نمایندگان عاقل و امین نظام. ۴۳۴
- ۱۰۲- پاسخ به نامه آقای مهندس میرحسین موسوی. ۴۳۵
- متن نامه آقای مهندس میرحسین موسوی. ۴۳۵
- سربلندی مهندس موسوی در آزمایش و ابتلاء. ۴۳۷
- تقویت شبکه‌های اجتماعی مطابق با قرآن است و سنگ بنای اصلاح نظام. ۴۳۷
- دلایل غیرقانونی و غیرشرعی بودن اعتراف‌گیری‌ها و دادگاه‌های نمایشی. ۴۳۸
- ۱۰۳- پاسخ به نامه مجمع زنان اصلاح طلب. ۴۴۲
- متن نامه مجمع زنان اصلاح طلب. ۴۴۲

- از سرنوشت مستبدان عبرت گیرید، با حبس نخبگان و تکریم چاپلوسان نجات
 نخواهید یافت..... ۴۴۶
- صبر در برابر آزمایش‌ها..... ۴۴۷
- ۱۰۴- بیانات معظم‌له در درس اخلاق پیرامون مسائل روز..... ۴۴۸
- در جامعه صالح، نیروهای مسلح قساوت قلب ندارند، رحیم‌اند..... ۴۴۸
- عدم دخالت نظامیان در سیاست منافات با حقوق شهروندی ندارد..... ۴۴۹
- حفظ نظام واجب نفسی نیست..... ۴۵۰
- آزادی بیان و پس از بیان شعار انقلاب بود..... ۴۵۰
- ۱۰۵- پاسخ به پرسش‌های حجة الاسلام والمسلمین دکتر محسن کدیور..... ۴۵۱
- متن نامه حجة الاسلام والمسلمین دکتر کدیور..... ۴۵۱
- ممنوعیت شرعی سرمایه‌گذاری، تولید، نگهداری و بکارگیری انرژی هسته‌ای در
 ساخت سلاح کشتار جمعی بلکه هر سلاح دیگری برای کشتن..... ۴۵۵
- ۱۰۶- برگزار نشدن مراسم عید ولادت حضرت امام رضا علیه السلام برای همدردی با
 خانواده‌های زندانیان سیاسی..... ۴۵۷
- ۱۰۷- پاسخ به پرسش‌های پایگاه اینترنتی «موج سبز آزادی»..... ۴۵۹
- تأیید اولیه اشغال سفارت و مخالفت بعدی با آن..... ۴۶۰
- دلیل قطع رابطه با آمریکا و لزوم برقراری رابطه برحسب منافع ملی و مخالفت لابی اسرائیل
 با آن..... ۴۶۰
- عدم توازن منطقی در رابطه با آمریکا و روسیه تعدیل شود..... ۴۶۱
- قدرت نظام در سطح بین‌المللی با همراهی مردم حاصل می‌شود نه با سرکوب..... ۴۶۲
- آزادی زندانیان و مطبوعات و گزینش‌ها و شایسته‌سالاری راه اقتدار در مذاکرات بین‌المللی..... ۴۶۲
- استکبارستیزی یعنی دفاع از حقوق ملت در برابر قدرت طلبان داخلی و خارجی..... ۴۶۲
- ۱۰۸- پاسخ به پرسش‌های پایگاه اینترنتی «روز آنلاین»..... ۴۶۴
- اعتراف‌گیری زندانیان فاقد ارزش قانونی و شرعی است و عاملان آن مجرم‌اند..... ۴۶۴
- امکان شرعی لغو اعدام زیر ۱۸ سال..... ۴۶۵
- ۱۰۹- پاسخ به نامه تظلم‌خواهی مادر یکی از زندانیان حوادث پس از انتخابات..... ۴۶۶
- متن نامه مادر آقای حسین نورانی نژاد..... ۴۶۶

- ۱۱۰- بیانات معظم له در روز عید سعید قربان در جمع علاقه‌مندان ۴۶۹
- فرصتی برای قربانی کردن نفس شیطانی ۴۶۹
- مراتب چهارگانه نفس انسان ۴۶۹
- فلسفه تشکیل بسیج، بسیج در راه خدا نه راه شیطان ۴۷۰
- چرا مردم را به جای طلب مشورت، می‌زنید؟ ۴۷۰
- چرا برای دنیای دیگران جهنم می‌روید؟ ۴۷۰
- ۱۱۱- پاسخ به پرسش‌هایی پیرامون جنبش سبز مردم ایران ۴۷۲
- برخی از دستاوردهای داخلی و خارجی جنبش سبز ۴۷۳
- موانع و آسیب‌شناسی‌های جنبش سبز ۴۷۴
- نباید در دستیابی به پیروزی شتاب کرد ۴۷۴
- خطر تبدیل اختلافات تاکتیکی به اختلاف استراتژیک ۴۷۴
- منتقدان، خود عامل به معروف و تارک منکر و باطل باشند ۴۷۵
- مسئولان به همه اصول قانون اساسی و حقوق ملت تمکین کنند ۴۷۵
- ۱۱۲- اعطای تندیس «تلاشگر حقوق بشر» به آیت‌الله العظمی منتظری از سوی
کانون مدافعان حقوق بشر ایران ۴۷۶
- ضرب و شتم مردم به بهانه وجوب حفظ نظام جایز نیست ۴۷۸
- تقسیم به خودی و غیر خودی برخلاف آیه شوراست ۴۷۸
- در رژیم استبدادی شاه نسبت به زندانیان عاقلانه‌تر برخورد می‌کردند ۴۷۹
- رأی مردم، اساس حاکمیت ۴۸۰
- حق تجمع و آزادی بیان وعده رهبر انقلاب بود و در قانون اساسی هم تضمین شده است ۴۸۰
- ملاک حقوق بشر، انسان صرف نظر از عقیده اوست ۴۸۱
- ۱۱۳- پاسخ به پرسش‌های پایگاه اطلاع‌رسانی و نظرسنجی «نظر شما» ۴۸۲
- رادیکال شدن مطالبات مردم در پی سرکوب و خشونت ۴۸۴
- مشروعیت نظام در رضایت عامه است ۴۸۴
- شایستگی آقایان موسوی و کروبی ۴۸۴
- سانسور شدید، علت گرایش به رسانه‌های بیگانه ۴۸۵

- حاکمیت دینی، تفکیک قوا و نظارت فقیه است ۴۸۵
- اتهام براندازی بهانه سرکوب و تخریبها توسط عوامل نفوذی حکومت است ۴۸۵

و آخرین گفتار...

- ۱۱۴-بیانات معظم له در پایان درس نهج البلاغه پیرامون سوء استفاده ابزاری و سیاسی
از پاره کردن تصویر امام خمینی ۴۸۷
- با مردم همچون درنده خویان نباشید ۴۸۷
- عفو وظیفه حکومت است و عفونویسی خلاف قرآن و روایات و برای شکستن افراد است ... ۴۸۸
- انتقاد به پاره کردن تصویر امام خمینی و بزرگنمایی آن توسط رسانه های حکومتی .. ۴۸۸
- استفاده ابزاری از امام خمینی ۴۸۹
- وعدۀ امام و انقلاب، آزادی مردم بود نه آزادی دولت ۴۸۹
- از حبس کردن و اعتراف گیری برگردید ۴۸۹
- و جوب حفظ نظام، نفسی نیست ۴۹۰

دیباچه‌ای غم‌آلود:

﴿ بسمه تعالی ﴾

این سوّمین و واپسین جلد از کتاب «دیدگاهها» است و دو مقدمه دو جلد پیشین برای این جلد هم معتبر و خواندنی است. نوشتن مقدمه برای این جلد از دیدگاهها دردناک بود، چه اینکه مقدمه‌ای بر پایان دیدگاههاست و خالق آن دیگر در قید حیات دنیوی و مادی نیست.

۱- تمامیت خواهی محدود به سلطه بر زندگان نیست بلکه آنان دست از سر مردگان هم برنمی‌دارند و حتی دست از سر تاریخ نیز؛ به گونه‌ای که تاریخ‌سازی می‌کنند، به آسانی می‌کشند کسانی را از تاریخ اخراج و کسانی را وارد کنند. اما تاریخ حتی با انگشتان بریده قربانیان دیکتاتوری به حقیقت وفادار خواهد ماند؛^(۱) و بر ماست که با بیان و نشر اسناد تاریخی دست کم این بخش هویت ملت را از گزند جعل و تحریف مصون داریم.

متنی با عنوان «مناظره دکتر علی سینا با آیت‌الله منتظری» در حیات ایشان منتشر گردید که طبق آنچه در این جلد دیدگاهها آمده است مجعول بود و نشان می‌داد دیکتاتوری از نوع غالب و مغلوب آن همسان است.

۲- عادی‌ترین و ساده‌ترین سخنان و مواضع ایشان حتی تبریک‌ها و تسلیت‌ها نیز

۱- در دوره حکومت استالین، زندانیان تبعید شده به سیبری در صدها کیلومتر دورتر از کاشانه‌شان و در جایی که امکان فرار و دسترسی به دیگر آدمیان وجود نداشت دوره محکومیت خود را سپری می‌کردند و در همانجا جان می‌دادند و کسی از مکان آنها خبر نداشت. آنان نه تنها افکار و عقاید که تمام وجودشان سانسور شده بود و در دیار خاموشی می‌مردند و در گور فراموشی می‌ماندند. یکی از زندانیان انگشت خود را برید و به تنه درختی بست که در رودخانه روان بود تا شاید صدها کیلومتر دورتر به دست کسانی بیفتد و از وجود انسان‌هایی فراموش شده و سانسور شده در جهنم استالین آگاه شوند.

در برهه حساس زندگی ما حاوی معنا و پیام بوده‌اند. برای مثال تسلیت درگذشت مرحوم مهندس بازرگان یا مرحوم فروهر در زمانه غربت و سانسور آنان، جریان‌ساز هم بود. گاه سخن نگفتن و سکوت چنین شخصیتی نیز فریاد بوده است. حملات بی‌شمار رسانه‌های حکومتی همراه با هتک حرمت و اهانت‌های رکیک و بی‌شمار، تأثیر اظهارات و بازتاب گسترده آن در رسانه‌های غیر حکومتی و برون مرزی، همه حاکی از این بود که تمامی حرکات و سکنات و سکوت و کلامش زیر ذره‌بین همگانی قرار داشته است.

۳- به لحاظ محتوایی، همه مطالب کتاب از حیث وزن و محتوا یکسان نیستند. برخی مصاحبه فی‌البداهه و برخی سخنرانی است. برخی در حال کسالت و برخی در وضع سلامت و نشاط بوده، و برخی حاصل فرصت و حوصله و تأملات فزونتر بوده‌اند؛ مانند گفتگو با مجله چشم‌انداز که پرمغز و پرنکته بود و از وزن و اعتبار ویژه‌ای برخوردار است. پاره‌ای از اظهارنظرهای مرحوم آیت‌الله العظمی منتظری نیز در جایگاه گفتار تحلیلی و یا راهبردی به شمار نمی‌آیند و یک اظهار نظر کلی هستند، همچون آنچه درباره نادرستی اشغال سفارت آمریکا گفته شده و جز در یک مورد که جنبه تحلیلی و توضیحی دارد، در سایر موارد صرفاً انتقاد اشاره‌وار است. اما این سخنان نیز به ماده مهمی برای تحلیل‌های معاصران و آیندگان در باب آن حادثه تبدیل شده است و نفس این انتقاد را با اهمیت دانسته‌اند؛ زیرا کارنامه زیست او را مفسر و پشتوانه کلامش می‌شناسند.

۴- از نظر زبان و نگارش نیز متن‌ها یکدست نیستند؛ زیرا برخی با لحن خطابی در نشست‌ها، و برخی گفتگوی شفاهی و پاسخ‌هایی که از روی نوار پیاده شده، و برخی گفتگوی کتبی بوده‌اند؛ برخی هم از اساس نوشتاری بوده که در مجال کافی و با دقت نوشته شده و متنی منقح و پیراسته و منسجم را تشکیل می‌دهند.

۵- موضوعات مطرح شده در دیدگاهها طیف گسترده و متنوعی از مسائل سیاسی، کلامی، فقهی و... را دربر می‌گیرد. موضوعاتی چون آزادی بیان، مطبوعات، انتخابات آزاد، نظارت استصوابی، قضاوت، اعدام، قصاص، سنگسار، زندان و زندانیان، اخلاق،

آرمانهای انقلاب و میزان تحقق آن، سیاست خارجی، اشغال سفارت آمریکا، انرژی هسته‌ای و دهها موضوع دیگر.

۶- وسعت دیدارها و گفتگوها، نشانگر آن است که ایشان کانون توجه قشرهای گوناگون جامعه بوده‌اند؛ گرچه به سبب کهولت سن و وفور اشتغالات علمی و محدودیت‌های سیاسی فقط بخشی از درخواست‌ها برای گفتگو و دیدار اجابت می‌شدند.

۷- نکته‌ای که در مجموعه دیدگاهها به چشم می‌آید و اهمیت ویژه‌ای دارد این است که درست برعکس تهمتی که مخالفان قدرت‌طلب ایشان نثارش می‌کردند هیچگاه بازیچهٔ جوّ روزگار و رسانه‌ها و دیدارها و افراد و احزاب نبوده است. سخنان او در سی سال گذشته بیانگر استقلال رأی و تفکر اوست؛ در عین حال با افکار دیگر، ترشرویی نمی‌کرد بلکه همه را می‌شنید و احسن را برمی‌گزید. در پاره‌ای از زمینه‌ها همچون احکام قصاص و ارث دیدگاههای دینی خویش را مطرح می‌کرد و نگران نبود که مورد ملامت قرار گیرد؛ و ترجیح می‌داد با همگان صادق باشد و فقط آنچه را باور دارد بر زبان آورد. همین خصوصیت، اعتماد به وی و نفوذ کلامش را افزونتر می‌ساخت و از همین رو مخالفانش در حکومت نیز از کلام او می‌هراسیدند؛ و این ترس در کلامشان آشکار است.

حاصل اینکه منتظری یک فقیه سنتی پویا و اهل تعامل با اندیشه‌های نو، و یک انقلابی وفادار به آرمان‌های انقلاب سال ۱۳۵۷ و آزادیخواه و انسان‌گرا بود و آزادی بیان و انتقاد کردن و انتقاد شنیدن را عمیقاً باور داشت.

۸- از حیث سندیت گرچه مجلدات پیشین در زمان حیات آیت‌الله العظمی منتظری و با نظارت ایشان عرضه شده‌اند اما افزون بر آن، تمامی مطالب مندرج در سه جلد دیدگاهها در حیات آن بزرگوار در رسانه‌های چاپی و اینترنتی از جمله سایت معظم‌له منتشر گردیده‌اند. چنان که در این جلد ملاحظه می‌شود خود ایشان بارها به دو جلد کتاب دیدگاهها که پیش از این منتشر شده است استناد کرده و پرسندگان را به آنها ارجاع داده‌اند.

۹- بخشی از مطالب سه جلد کتاب دیدگاهها مکمل و مؤید کتاب گرانسنگ «خاطرات» است. برخی از نکات کتابچه «انتقاد از خود» را به طور پراکنده در این سه جلد هم می توان مشاهده کرد. همچنین پاره ای از نظرات سیاسی و فقهی مندرج در دیدگاهها هم در حکم شرح و تعلیقه ای بر آثار فقهی معظم له است. از این رو می توان گفت که به طور کلی سه جلد کتاب «دیدگاهها» هم مکمل و هم پیونددهنده و هم تعلیقاتی بر همه آثار فقهی و سیاسی ایشان به شمار می آیند.

۱۰- از نظر آراستن مطالب نیز نظر ایشان بر عنوان گذاری و میان تیترو آراستن مطالب برای تسهیل بازیابی مطالب و روان تر ساختن استفاده از آن بود که در حیات شان با نظارت خودشان انجام می گردید و در این جلد بر اساس همان رویه انجام شد.

برخی تیترها مفهوم گیری از متن و با در نظر گرفتن پس و پیش سخن بوده است و برخی هم اخذ مستقیم از متن. دلیل عدم وحدت رویه در عنوان ها این بود که هدف اصلی از کار ارائه چکیده تمام نما و مفهوم کلی از مطالب بوده است.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

پاییز ۱۳۸۹

« ۱ »

مصاحبه خبرنگار هفته‌نامه «گاردین»

۱۳۸۴/۱۱/۱۱

﴿ بسمه تعالی ﴾

* سؤالی که من دارم در مورد ظهور امام دوازدهم است بخاطر اینکه به تازگی در واقع تبدیل به مرکز یک سری مباحثات در عرصه سیاسی ایران شده است. من مایلم بدانم که جهت‌گیری و نظر شما در باره وضعیت و جهت‌گیری فعلی کشور ایران با توجه به وضع کنونی و رئیس جمهور جدید ایران چیست؟ آیا موافق هستید.

﴿ اعوذ بالله من الشيطان الرجيم ﴾

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

راجع به امام زمان (عج) سؤال کردید. امام زمان به اعتقاد ما یک واقعیتی است، از زمان پیغمبر ما، خود پیغمبر و ائمه علیهم‌السلام همه وعده داده‌اند که حضرت حجت (عج) در آخرالزمان می‌آید و ایشان از فرزندان امام حسین علیه‌السلام هستند.

راجع به امام زمان (عج) بعضی‌ها تشکیک‌هایی کرده‌اند از جمله آقای عبدالرحیم ملاًزاده یک جزوه‌ای دو سه سال پیش برای من ایمیل کرده بود و حدود سی اشکال علیه امام زمان مطرح کرده و من شبهات و اشکالات را مفصل جواب داده‌ام که به نام «موعود ادیان»، چاپ شده و خدمت شما هم می‌دهند. بنابراین امام زمان جزو معتقدات ماست؛ اما معنی اینکه ما معتقدیم به امام زمان این نیست که بعضی از اسم ایشان سوء استفاده‌های سیاسی کنند. ما با این قبیل سوء استفاده‌ها مخالفیم.

سوء استفاده از اسم مقدسات دینی سبب می شود که مردم و نسل جوان از دین بیزار شوند. در صورتی که اسلام به ذات خود ندارد عیبی، هر عیب که هست در مسلمانی ماست.

* در واقع شما می فرمایید که اسلام توسط استفاده های سیاسی مذموم می شود.

یعنی سوء استفاده ها سبب می شود که مردم از اسلام زده شوند و واقعیت اسلام برای آنان مشخص نباشد. البته ما با اصل سیاست مخالف نیستیم اما سیاستی که بخواهد سوء استفاده کند از واقعیات یا از تاریخ یا از بزرگان، با آن مخالفیم و گرنه اداره هر کشوری باید مطابق سیاست صحیح باشد. امیرالمؤمنین علیه السلام هم سیاستمدار بود. ائمه علیهم السلام ما از القابشان «ساسة العباد» یعنی سیاستمداران نسبت به بندگان بود. البته سیاست صادقانه نه سیاست آمیخته به دروغ و مزورانه.

[به وعده های آزادی عمل نشد]

* آیا شما فکر می کنید سیاست مزورانه همان سیاستی است که در حالت فعلی وجود دارد؟

من نمی خواهم تمام سیاست فعلی را این گونه توصیف کنم ولی بالاخره سیاست غلط را مردم می فهمند و می دانند، من نمی خواهم بگویم همه رفتار حاکمیت غلط است، آنها دلشان می خواهد یک کارهایی بکنند، اما شعارهایی که می دهند مورد عمل قرار نمی گیرد. ما می بینیم که در اول انقلاب شعاری که مردم می دادند: استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی بود. استقلال یعنی سرنوشت کشور دست خود مردم باشد. جمهوری یعنی حکومت مردمی، اسلامی یعنی بر اساس موازین اسلام، اسلامی که اهل فن آن مراجع، بزرگان و اهل تشخیص هستند. نه اینکه هر کسی با مختصر سواد بخواهد در مسائل اسلامی اظهار نظر کند. متأسفانه می بینیم آن آزادی و جمهوری اسلامی که هم آیت الله خمینی به مردم وعده دادند هم ما به تبع ایشان وعده دادیم عملی نمی شود.

[درآمدهای نفتی کجاست؟]

یکی از مشکلات مهم کشور که خود دولتی‌ها هم می‌گویند، مسائل اقتصادی است. خوب ما هم اشکال می‌کنیم، می‌گوییم: یک زمانی نفت ما بشکته‌ای دو، سه یا پنج دلار فروخته می‌شد و با این حال کشور را اداره می‌کردند. در حال حاضر نفت بیش از ۶۰ دلار است و در هر روز چند میلیون بشکه نفت را می‌فروشند آن وقت این پول نفتی که از درآمد کشور است، پول گازی که صادر می‌شود چطور اینها به قول آقایان توی سفره مردم نمی‌آید. همه‌اش خرج تشریفات، مسافرت‌های تشریفاتی و گروه‌های مختلف می‌شود. برای مردم فقیر باید کار و شغل درست کنند، صنایع را پیش ببرند. متأسفانه سرمایه‌گذاری در امور زیربنایی کمتر دیده می‌شود. اشکالی که ما به دولت داریم این است که آن شعارهایی که ما اول انقلاب دادیم شما هم همان شعارها را می‌دهید چرا عمل نمی‌کنید؟ معضلات اقتصادی و بیکاری را، با این همه منبع درآمد که شما دارید چرا حل نمی‌کنید؟ فقط با شعار می‌خواهند سر مردم را بند کنند. بایستی دولت خرج‌های تشریفاتی را کم کنند، وعده‌هایی ندهند که محتوا ندارد و نمی‌توانند عمل بکنند، و آنچه که واقعاً به نسل جوان وعده می‌دهند عمل کنند و آنان را راضی کنند.

[عوام فریبی به اسم امام زمان]

* البته این شعار یعنی در واقع بردن درآمد حاصل از فروش نفت بر سفره مردم شعاری بود که آقای احمدی‌نژاد در ابتدای ریاست جمهوری‌شان دادند و با همین شعار هم پیروز شدند، آیا شما فکر می‌کنید آقای احمدی‌نژاد با مطرح کردن و پیش کشیدن امام زمان و ظهور ایشان اگر دولتشان و سیاست‌هایشان موفقیت‌آمیز نباشد، باعث ایجاد کج‌فهمی و یا خراب کردن چهره امام زمان در پیش مردم بشوند؟

عرض کردم که ما با سوء استفاده از اسم امام زمان (عج) مخالفیم. در روایات داریم

اگر کسی ادعای دیدن حضرت حجت را کرد او را تکذیبش کنید. البته خود حضرت حجت وقتی که ظهور می‌کند، علامتهایی هست که با آن عالم را خبردار می‌کنند. حتی در روایات وارد شده که صدای حضرت حجت را همه مردم در آن واحد می‌شنوند، و ما این گفته را از معجزات حساب می‌کنیم، زیرا احتمال هست که از وسایل امروزی چون ماهواره و تلویزیون و اینترنت استفاده کنند. اما اینکه کسی بگوید به اسم امام زمان (عج) یک روز در فلان جا چه کنیم و مثلاً خیابانها را مهیا کنیم برای استقبال امام زمان اینها طرح‌های غلطی است و همین‌ها سبب می‌شود که مسأله ظهور نزد نسل جوان سبک بشود. خود آیت‌الله خمینی که رهبر انقلاب بود هیچ وقت وعده نمی‌داد که ای مردم! داریم می‌رویم به استقبال امام زمان و تهران را مهیا کنید برای آمدن ایشان! ما نمی‌دانیم زمان ظهور چه وقتی است، شاید سالها طول بکشد. بایستی دولتیها پرهیز کنند از شعارهایی که بوی عوام‌فریبی می‌دهد.

* فکر می‌کنید که چرا دولت فعلی - که در واقع دولت آقای احمدی‌نژاد باشد - دارد از این شیوه

استفاده می‌کند؟

شاید به خیال‌شان با این شیوه می‌توانند مردم را جذب کنند ولی اشتباه می‌کنند.

[نسبت آقای مصباح یزدی با انقلاب و جمهوری]

* سؤال دیگر این است که این اواخر صحبت آقای مصباح یزدی خیلی شده هم در روزنامه‌های کشور هم رسانه‌های بین‌المللی انعکاس داشت و اینکه آقای احمدی‌نژاد در واقع از پیروان عقیدتی آقای مصباح یزدی هستند. شما نظری در این مورد و نظری در مورد نظریات آقای مصباح یزدی که تا زگی خیلی انعکاس داشته دارید؟

با آقای مصباح یزدی ما از قدیم آشنا بودیم. قبل از انقلاب یک جلسه یازده نفری داشتیم، امثال آقای خامنه‌ای و آقای هاشمی رفسنجانی و همین آقای مصباح عضو بودند، بازجویی‌ها و محاکماتی که در رژیم گذشته داشتیم روی آن جلسه یازده نفره

خیلی حساس بودند و یکی از اموری که به واسطه آن من و آقای ربانی شیرازی را محاکمه و زندانی کردند، همین جلسه بود. ولی بعد از آن ما از آقای مصباح یزدی فعلیتی در رابطه با انقلاب ندیدیم و ایشان کنار بود. حالا یک دفعه چیزی را عنوان کرده که خلاف مطلبی است که آیت‌الله خمینی عنوان کردند و دیگران هم عنوان می‌کردند. حرفهای آقای مصباح حساسیت ایجاد کرده و از ما بارها سؤال کرده‌اند. ایشان می‌خواهد بگوید: اصلاً آیت‌الله خمینی به جمهوریت اسلامی نظر نداشته و اگر چه گفته ولی نظر واقعی نداشته است. این مطلب، معنایش این است که آیت‌الله خمینی را متهم کنیم که عوام فریبی داشته، چون چیزی را که عقیده نداشته به دروغ عنوان می‌کرده است.

* پس آقای خامنه‌ای که در واقع آن موقع جزو جمع یازده نفره بود در مورد بخش جمهوری نظام کاملاً جدی هستند و معتقدند که وجود دارد. ظاهراً این جور است، چون دم از امام خمینی می‌زنند لابد حرفهایش را هم قبول دارند.

* پس به این ترتیب می‌شود گفت که آیت‌الله خامنه‌ای که معتقد به جمهوریت نظام هستند با توجه به اینکه پیرو آیت‌الله خمینی هستند با آنچه آقای مصباح یزدی معتقدند، مخالف هستند. علی القاعده باید این جور باشد. ان شاء الله موفق باشید.

« ۲ »

مصاحبه خبرنگار تلویزیون فرانسه

۱۳۸۴/۱۱/۱۱

* به عنوان سؤال اول، نظر شما راجع به اظهارات اخیر رئیس جمهور فرانسه (ژاک شیراک) درباره استفاده از تسلیحات هسته‌ای چیست؟

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

[قدرت، طغیان و غرور می آورد]

قرآن کریم می‌گوید: ﴿ان الانسان ليطغى ان راه استغنى﴾ انسان طبعش این است وقتی که می‌بیند بی‌نیاز شده، ثروتی و مقامی پیدا کرده، طغیان می‌کند و سایر جهات را فراموش می‌کند. در صورتی که بایستی تمام قدرتمندان و کسانی که با حکومت سروکار دارند، توجه کنند که حافظه تاریخ گفته‌های قدرتمندان را حفظ می‌کند و تاریخ و مردم این سخنان را فراموش نمی‌کنند و این گفتار و رفتارها در آینده مورد قضاوت قرار می‌گیرد.

کلامی از مولا امیرالمؤمنین علیه السلام داریم در کتاب غرر و درر که باید با آب طلا نوشته شود. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «من اختال فی ولايته ابان عن حماقته» هر کس در حکومتی که پیدا کرد خودش را گرفته و تکبر پیدا کند، حکایت از حماقت این شخص می‌کند. برای اینکه توجه ندارد تنها چند روزی قدرت در دست اوست و رفتار او هم در دنیا منعکس می‌شود هم در تاریخ می‌ماند. بنابراین باید قدرتمندان در اظهار نظر و رفتارشان با تأمل و دقت عمل کنند. شما قدرتمندان که از دموکراسی، حکومت مردمی و حقوق بشر دم می‌زنید چگونه تهدید می‌کنید که ما قدرت اتمی را

به کار می‌بریم؟! شما به ایران می‌گویید اصلاً نباید انرژی هسته‌ای داشته باشد ولی خودتان تهدید به استفاده از بمب هسته‌ای می‌کنید! آیا این تناقض نیست؟! این تهدیدها زمانش گذشته است. روزگاری دنیا دنیای استعمار بود، مدتی فرانسه استعمارگر بود، یک مدتی انگلستان، حالا هم آمریکا آمده است. حاکمان آمریکا هم باید بدانند این هم می‌گذرد.

[ولایت فقیه انتخابی در برابر ولایت مطلقه]

* بنده نظراتان را راجع به ولایت فقیه می‌خواهم بدانم، شما موافق با ولایت فقیه هستید یا

مخالف؟

من از جمله پایه‌گذاران نظریه ولایت فقیه بودم. اما منظور از ولایت فقیه این است که وقتی بناست جمهوری اسلامی باشد، جمهوری یعنی حکومت مردمی، اسلامی یعنی حکومت بر اساس موازین اسلام اداره شود. پس باید کسی در رأس باشد که ایدئولوگ احکام و موازین اسلام باشد که این فرد زمام امور را در دست داشته باشد اما حکومت او مردمی باید باشد. یعنی مردم کسی که معیارهای دینی را می‌داند انتخاب کنند و انتخاب شونده بر همان شرایطی که انتخاب می‌کنند باید عمل کند، نه اینکه دارای قدرت مطلقه باشد، آن‌گونه که در بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ کلمه «مطلقه» را اضافه کردند و مشکلات زیادی درست کردند. پس ما با ولایت فقیه مخالفتی نداریم، بلکه با ولایت مطلقه فقیه مخالفیم. چون اگر بناست امر دایر بشود مابین عالم و جاهل، به حکم عقل عالم بر جاهل مقدم است.

* به نظر شما این رهبری مطلقه در ایران حضورش لازم است؟

اگر حکومت بخواهد بر طبق موازین اسلام باشد، چون اکثریت قاطع مردم ایران -چه اهل سنت چه شیعه- مسلمانند و می‌خواهند که موازین اسلامی در کشور پیاده شود، بنابراین یک کسی که ایدئولوگ اسلام باشد بایستی بر اجرای امور نظارت داشته

باشد. چنانچه وقتی که حکومت شوروی بر اساس مارکسیسم و کمونیسم بود، یک کسی را که ایدئولوگ مارکسیسم بود روی کار می آوردند. اگر ما می خواهیم اسلام اساس حاکمیت باشد باید ایدئولوگ اسلام سرکار بیاید.

قرآن در همین باره می گوید: ﴿افمن يهدى الى الحق احق ان يتبع امن لا يهدى الا ان يهدى فما لكم كيف تحكمون﴾ «آیا کسی که مردم را به حق هدایت می کند سزاوار پیروی است یا کسی که خودش هم هدایت نمی شود مگر اینکه دیگران هدایتش کنند؟» پس اصل ولایت فقیه لازم است؛ شعارهای انقلاب هم بر همین جهت، اسلامیت علاوه بر جمهوریت بود؛ اما در بازنگری قانون اساسی کلمه «مطلقه» را اضافه کردند و تبدیل به حکومت مطلق شد؛ و ما با آن مخالفیم.

[خلف وعده‌ها و فقر مردم عامل گریز از اسلام]

* شما امروز برای ایران با این رئیس جمهور نگران نیستید؟

برای آینده از این جهت نگرانم که از اول انقلاب آیت‌الله خمینی و دیگران شعارهایی دادند برای مردم، امکانات هم در اختیار داشتند، ولی وعده‌ها عمل نشد. از طرفی چون به اسم اسلام فشارهایی به مردم می آوردند مردم را به اسلام بدبین می کنند. در مباحث اقتصادی و معیشتی، نفتی که روزی ۵ دلار بوده الآن به بالاتر از شصت دلار رسیده، اما وضعیت مردم بدتر شده است. بنابراین نسل جوان از اسلام و حاکمیت زده می شود؛ مردم هم ناراحت هستند مگر اینکه آقایان در روشهای خود تغییر بدهند، از شعار بکاهند و عمل کنند.

[هولوکاست و حقوق فلسطینی ها]

* آقای احمدی نژاد خیلی موجب ترس و وحشت شده برای خارجی‌ها، از این جهت که اظهاراتی درباره اسرائیل کرده‌اند و گفتند که نباید باشد و اینکه درباره هولوکاست یک نظری داده‌اند، نظر شما چیست؟

البته من این را بگویم - چون واقعیات را باید گفت - چندین سال قبل من در اعلامیه نوشتم که فرض می‌کنیم شش میلیون یهودی در آلمان نازی و هلند و اتریش کشته شدند، چرا غرامتش را فلسطینی‌ها بدهند؟! آنها را نازی‌ها کشته‌اند ولی فلسطینی‌ها را آواره می‌کنند برای اینکه می‌خواهند برای اسرائیلی‌ها دولت درست کنند. فلسطینی‌ها چه گناهی کرده‌اند که حالا پنج میلیون فلسطینی آواره شوند و خانه و زندگیشان را یهودی‌ها که از جاهای دیگر جمع کردند بگیرند. آنها یهودی‌های فلسطینی نیستند.

ولی حالا باید چه کرد؟ بایستی یک انتخابات آزاد برگزار بشود؛ یهود، مسیحی و مسلمان طبق اکثریت یک دولتی آنجا تشکیل بدهند.

* شما در رابطه با اظهارات آقای احمدی نژاد که گفته‌اند باید اسرائیل را نابود کرد چه فکری می‌کنید؟
من نمی‌دانم آقای احمدی نژاد منظورشان چیست، بالاخره یهود را در فلسطین آورده‌اند، یهودی‌ها را که آنجا مستقر شده‌اند به دریا که نمی‌توانیم بریزیم. گرچه کار غلطی کردند و از آمریکا، اروپا و آفریقا و جاهای دیگر یهود را جمع‌آوری کردند، از همین اصفهان یهودی برده‌اند آنجا و خانه‌های فلسطینی‌ها را غصب کردند، اینکه ظلمی بزرگ شده کسی منکر نیست، اما در عین حال نمی‌توانیم بگوییم که حالا اینها را بریزید به دریا. در حال حاضر حقوق فلسطینی‌ها را باید تأمین کرد، و پنج میلیون فلسطینی آواره شده و آنها باید به حقوق خویش دست یابند.

متأسفانه آنها هر روز تحت فشار اسرائیل قرار می‌گیرند و باید جلو ظلم آنها گرفته شود. شما که دم از حقوق بشر می‌زنید آیا فلسطینی‌ها بشر نیستند؟! آنها حقوق داشتند و حقوقشان تضییع شده است. بنابراین اگر یک انتخابات آزاد در آنجا به طور کلی انجام بشود که یهود، مسلمان، مسیحی و همه آنها یک کشور مستقل داشته باشند و حاکمیتی بر طبق آراء اکثریت پا بگیرد، تقریباً با این کار می‌توان تا حدی جبران ظلمها را نمود.

[حق هسته‌ای ایران و تجاوز در پوشش حقوق بشر]

* روی دو موضوع، حمایت از حماس و فعالیت‌های هسته‌ای ایران، تمام جناح‌های ایران موافق هستند یا نه، و نظر خودتان چیست؟

من از طرف دیگران نمی‌توانم اظهار نظر کنم، باید از خود آنان پرسید. البته حماس از باب اینکه دفاع از کشورشان می‌کنند، همگی به آنها حق می‌دهند. و انرژی هسته‌ای ایران اگر واقعاً صلح‌آمیز باشد حق مشروع مردم ماست و دیگران حق ندارند ما را از آن منع کنند. آمریکایی که خودش بمب‌های اتمی درست کرده و در ناکازاکی و هیروشیما جنایت علیه بشریت انجام داده است حالا آمده به اسم دفاع از حقوق بشر جلوفن آوری صلح‌آمیز را می‌گیرد. آنها چنین حقی ندارند. متأسفانه این جور شده که به اسم حقوق بشر و به اسم دموکراسی ظلم و تعدی می‌شود. بارها این را گفته‌ام که کشورهای خاورمیانه گرفتار استعمار انگلستان بودند و آمریکا را فرشته آزادی می‌دانستند، اما آمریکا وقتی آمد در صحنه از انگلستان هم بدتر عمل کرد، و اینها همه به اسم دموکراسی و حقوق بشر ظلم می‌کنند.

* نظرتان راجع به اظهارات آقای مصباح یزدی و حرف‌های اخیر ایشان چیست؟

من راجع به آقای مصباح یزدی قبلاً گفته‌ام، قبل از انقلاب ما با ایشان جلسه‌ای داشتیم یازده نفره، که آقای مشکینی، آقای خامنه‌ای، برادر آقای خامنه‌ای، آقای ربانی شیرازی و دیگران عضو بودند. برای آن جلسه من و مرحوم ربانی شیرازی محاکمه شده و زندانی شدیم. بعداً آقای مصباح را دیگر کسی در انقلاب ندید. ایشان از صحنه‌های انقلاب به طور کلی کنار بودند. حالا ایشان آمده مطلبی می‌گوید که تقریباً اهانت به آیت‌الله خمینی هم هست، برای اینکه آیت‌الله خمینی می‌فرمودند: حکومت مال مردم است و همه کاره مردم هستند، جمهوری اسلامی می‌گفته نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد. اما ایشان می‌گوید: آیت‌الله خمینی واقعاً نظرش اینها

نبود. معنی حرف ایشان این است که آیت‌الله خمینی بر خلاف عقیده‌اش به مردم یک چیزی می‌گفته و خدای ناکرده بر سر مردم کلاه گذاشته است. این اهانت به آیت‌الله خمینی است.

[طلب حکومت مردمی و انتخابات آزاد]

* شما موافق تغییر رژیم هستید یا خیر؟

اگر منظور تغییر انقلاب و بازگشت به قبل است، من قبول ندارم. آنچه ما می‌خواهیم همان است که آیت‌الله خمینی فرمود: جمهوری یعنی حکومت مردمی یعنی انتخابات آزاد. و اسلامی یعنی بر طبق موازین اسلام. این با دموکراسی هم منافات ندارد. برای اینکه اکثریت قاطع مردم مسلمانند می‌خواهند موازین اسلامی پیاده شود، با ظلم و تعدیات و تجاوزاتی که برخی مسئولین می‌کنند مردم مخالفند ولی با اصل انقلاب مخالفتی ندارند. باید واقعاً جمهوری اسلامی باشد.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

« ۳ »

پاسخ به پرسشی در مورد واقعه تخریب حسینیه شریعت قم

۱۳۸۴/۱۱/۳۰

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

حضرت آیت الله العظمی آقای منتظری دامت برکاته

پس از سلام - خواهشمند است در صورت امکان نظر شریف خود را در مورد واقعه اخیر تخریب حسینیه شریعت قم و ضرب و جرح تعدادی از هموطنان در این واقعه را اعلام بفرمایید. با سپاس و احترام فراوان

﴿ بسمه تعالی ﴾

[محکومیت تخریب حسینیه و ضرب و شتم در ایش]

پس از سلام و تحیت - متأسفانه پس از گذشت ۲۷ سال از استقرار جمهوری اسلامی هنوز اعمال مخالف شرع و قانون از ناحیه متصدیان امور کشور انجام می شود، و با راه انداختن عده‌ای به نام مردم و ملت فجایع تندی اتفاق می افتد که با هیچ منطقی قابل توجیه نیست، و طبعاً این گونه اعمال موجب تضعیف نهادهای قانونی جمهوری اسلامی می گردد. و نسبت دادن این قبیل اعمال به مردم از مسئولین مربوطه رفع مسئولیت نمی کند. و با کمال تأسف همۀ این فجایع به نام اسلام و مذهب و روحانیت انجام می شود و قهراً نسل جوان را به اسلام و روحانیت بدبین می نمایند. اسلام دین رحمت است و در آن حقوق همۀ مردم حتی اقلیت های دینی و اهل ذمه محترم است چه رسد به حقوق مسلمانان و شیعیان.

تخریب منزل شخصی افراد و حسینیه و ضرب و شتم بندگان خدا به ویژه خواهران هیچ توجیه شرعی ندارد و باطل دانستن برخی افکار و نظریات آنان مجوز هتک و ضرب آنان و تخریب و تصرف غاصبانه در اموال آنان نمی باشد. اگر این کارها به دستور بالاترها انجام شده که وامصیبتا، و اگر خودسرانه انجام گرفته و اُسفا. سوء استفاده از قدرت و ابزار قدرت موجب سخط الهی می باشد.

این جانب ضمن محکوم نمودن اعمال انجام شده از مسئولین محترم شهر مقدس قم مصرانه می خواهم که نسبت به ظلمهایی که در این روزها انجام شد تجدیدنظر جدی نمایند، و بدانند که اعتراف به اشتباه و جبران آن شایسته هر مسلمان معتقد به خدا و قیامت می باشد، و اصرار بر اشتباه در شأن جمهوری اسلامی نیست.

والسلام علیکم.

قم - حسینعلی منتظری

۱۳۸۴/۱۱/۳۰

« ۴ »

پاسخ به پرسشی پیرامون اسائه ادب به پیامبر گرامی اسلام ﷺ

۱۳۸۴/۱۲/۱

با عرض سلام

من در قسمت بیانات سایت معظم له، نظر شما را در مورد اسائه ادب به ساحت پیامبر گرامی ﷺ ندیدم. بنده از مقلدین شما می باشم، و مشتاقم نظر جنابعالی را در این مورد بدانم.

والسلام علیکم و علی عبادالله الصالحین.

از نروژ

﴿ بسمه تعالی ﴾

پس از سلام، هر چند اسائه ادب به ساحت مقدس رسول خدا ﷺ موجب نگرانی و تأسف همه مسلمانان جهان می باشد و من به سهم خود بسیار متأثر شدم، ولی به نظر می رسد که یک نشریه محلی در دانمارک یا نروژ کاریکاتوری را پخش کردند، اگر کسی اعتنا نمی کرد در دنیا منتشر نمی شد و آثار سوء کمتری داشت. «امت الباطل بترک ذکره». ولی اشاعه آن در جهان خودش از مصادیق اشاعه فحشا می باشد. و دیدیم که دامن زدن به آن چه آثار سوئی از قبیل: تلف نفوس محترمه و آتش زدن سفارتخانه ها را در پی داشت. و بر این اساس من صلاح ندیدم خود را وارد این بحران نمایم، و تفصیل در نامه نمی گنجد.

۱۳۸۴/۱۲/۱ - حسینعلی منتظری

پیام به مناسبت توهین و تخریب حرم مقدس امامین عسکریین علیهما السلام

۱۳۸۴/۱۲/۳

﴿ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ﴾

﴿ وَ سِیَعْلَمُ الَّذِیْنَ ظَلَمُوا اِیَّیْ مَنْقَلَبٌ یَنْقَلِبُوْنَ ﴾

[اهل سنت از القاعده و جنایت آن علیه حرم عسکریین تبری بجویند]

حادثه دلخراش تخریب گنبد و حرم مطهر دو امام مظلوم و عظیم الشان حضرت هادی و حضرت عسکری علیهما السلام به وسیله بمب گذاری موجب تأثر و تأسف شدید گردید. به نظر می رسد این فاجعه که مصیبت بزرگی برای امت اسلامی می باشد حلقه جدیدی است از فتنه گروه منحرف القاعده و امثال آن که متأسفانه خود را به اسلام منسوب کرده و مأموریت اصلی آنها بدنام کردن اسلام واقعی و ایجاد جنگ داخلی بین مذاهب اسلامی در کشور عراق می باشد. آنچه در خنثی نمودن ابعاد فتنه این گروههای منحرف مؤثر است اولاً آگاهی و تنبه اهل سنت و جدا کردن حساب این گروههای فتنه گر از خودشان و اظهار تبری از آنها، و ثانیاً قطع حمایت های مادی و معنوی از آنان می باشد.

برادران اهل سنت در عراق بدانند اگر با منزوی نمودن این گروه و قطع حمایت از آنان، فتنه آنان را از بین نبرند سال های متمادی کشورشان دچار جنگ داخلی خواهد شد و جز ضربه به اسلام عزیز و اتلاف نفوس و از بین رفتن سرمایه های کشور مظلوم عراق عاقبتی نخواهد داشت.

انتظار می رود سازمان کنفرانس اسلامی با یک اقدام جدی و به دور از شعار،

تدبیری اتخاذ کند تا کشورهای اسلامی برای مهار نمودن و از بین رفتن این گروه‌های خشن و جلاد چاره‌ای بیندیشند و اگر خدای ناکرده از ناحیه بعضی از آنها مساعدت‌هایی به این گروه‌ها می‌شود آن را قطع نمایند.

اینجانب این مصیبت بزرگ را به حضرت ولی عصر ارواحنا فدا و به حوزه‌های علمیه و حضرات مراجع و علمای اعلام و همه مسلمانان جهان تسلیت می‌گویم. و از خداوند متعال عاجزانه مسألت دارم که هر چه زودتر امنیت و آسایش را در کشور اسلامی عراق مستقر سازد، و دست قدرت‌های خارجی را از کشور مظلوم عراق کوتاه نماید.

والسلام علی جمیع الاخوة و الاخوات و رحمة الله و برکاته.

۲۳ محرم الحرام ۱۴۲۷ - ۱۳۸۴/۱۲/۳

حسینعلی منتظری

« ٦ »

پاسخ به پرسشی در مورد معاملات شرکتهای اینترنتی (گلدکوئست)

۱۳۸۴/۱۲/۱۰

خدمت حضرت آیت الله العظمی منتظری دامت برکاته

سلام علیکم

احتراماً می خواستم نظر حضرتعالی در مورد فعالیت در شرکت کوئست اینترنتشال یا گلدکوئست را بدانم.

باتشکر

﴿ بسمه تعالی ﴾

[گلدکوئست و لزوم احتیاط]

پس از سلام و تحیت - به طور کلی معاملات اینترنتی در صورتی که موضوع معامله اجناس حلال باشد و شرایط معامله رعایت شود اشکال ندارد، و گرفتن حق دلالی و واسطه گری نسبت به معاملات حلال نیز مانعی ندارد، ولی در رابطه با این قبیل معاملات که اخیراً به انحاء گوناگون رایج شده و ریشه آنها واضح و روشن نیست و دولت نیز نسبت به آنها حساسیت دارد بجاست برادران و خواهران با احتیاط عمل نمایند و خود را گرفتار آنها ننمایند.

۱۳۸۴/۱۲/۱۰

حسینعلی منتظری

« ۷ »

مصاحبه رئیس بخش بین الملل تلویزیون دولتی اتریش

۱۳۸۴/۱۲/۲۳

* شما یک آیت الله العظمی هستید و آدم اهل مطالعه؛ تجربه و دانش شما خیلی فراتر است از آنچه که من می دانم. اگر سؤالها خیلی ساده و پیش پا افتاده ای است باید به بزرگواری خودتان مرا ببخشید.

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

[بی اعتباری القاب اعتباری]

من یک طلبه ای از طلاب قم هستم؛ من هیچ وقت در زندگی مقید به این آداب و القاب نیستم، و روابط همه چون انسانند بایستی روابط دوستانه باشد. دیگر ملاحظات اعتباری را باید دور بریزیم و دو نفر انسان باید به راحتی بتوانند با هم صحبت و سؤال کنند و پاسخ دهند.

* ما در زبان آلمانی ضرب المثلی داریم شبیه آن ضرب المثل فارسی است که می گوید: هر درختی که ثمره اش بیشتر می شود شاخه هایش افتاده تر می شود، هر چه که انسان از نظر علمی پربارتر بشود افتاده تر می شود، و این افتادگی شما به خاطر پربار بودن شماست. تشکر می کنم از اینکه وقتتان را به من دادید و من می توانم در خدمتتان باشم. برنامه ای که من تهیه می کنم یک برنامه مذهبی است که در تلویزیون اتریش پخش خواهد شد و سؤالهایم بیشتر در رابطه با مسأله امام زمان، ظهور و موقعیت امام دوازدهم نزد مسلمانان است.

می خواهم بدانم چرا موضوع امام زمان در ایران تبدیل به یک موضوع سیاسی شده، و نظر شما

در این مورد چیست؟

[موعود گرایی منحصر به اسلام نیست]

اصل وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف امری مذهبی است و از عقاید ماست. و اینکه در بعضی نوشته‌ها گاهی می‌گویند نواب اربعه فقط معرف امام زمان هستند اشتباه است، چون از زمان پیغمبر ما ایشان وعده داده بودند که مهدی می‌آید و زمین را پر از عدل و داد می‌کند. پس از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هم ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام همه وعده ظهور ایشان را داده‌اند. اخباری که راجع به حضرت مهدی هست هم شیعه و هم سنی به نحو تواتر نقل کرده‌اند. حتی کتابی داریم به نام «عقد الدرر فی الامام الثانی عشر» که متعلق به شافعیه است، و موضوع آن امام زمان است. اینکه در آخرالزمان یک مصلح جهانی می‌آید، منحصر به اسلام نیست؛ ادیان دیگر چون یهود، مسیحی و زرتشتی‌ها هم اجمالاً ظهور ایشان را وعده داده‌اند. در روایات ما معین کرده‌اند که ایشان فرزند امام حسن عسگری عَلَيْهِ السَّلَام است، و نسل نهم امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام است.

[استفاده ابزاری از مهدویت به تشکیک در آن می‌انجامد]

اما اینکه امر دینی را ما ابزار سیاسی قرار دهیم و به وسیله آن بخواهیم به اهداف سیاسی خود برسیم غلط است. نباید امور دینی و مذهبی را ابزار و دستاویز امور سیاسی قرار داد به گونه‌ای که مردم در اصل امور دینی هم تشکیک کرده و بگویند: از امام زمان سوء استفاده می‌کنند بنابراین نسبت به اصل وجود حضرت حجت هم تشکیک می‌کنیم. حکومت و حاکمیت بایستی بر طبق مصلحت جامعه کشور را اداره کند و هیچ‌گاه از اموری که معتقدات مردم است استفاده ابزاری در جهت تثبیت قدرت خود نکند. نه اینکه معتقد به ظهور نباشند، آنها هم باید معتقد به امام زمان باشند و ترویج هم نکنند اما نخواهند سوء استفاده سیاسی نمایند. ما با سوء استفاده سیاسی مخالفیم.

[ظهور امام زمان، پایان تاریخ نیست]

* آیا بازگشت حضرت امام زمان معنایش تمام شدن تاریخ بشریت و انسانهاست؟
نه! بلکه قیامت پایان تاریخ است. قیامت غیر از مسأله ظهور امام زمان است. فرق است میان قیام حضرت حجت و قیامتی که تمام انسانها که مرده‌اند دوباره زنده می‌شوند.

* چرا در این زمان خاص موضوع امام زمان در مسائل سیاسی ایران دخیل شده و دارد یک نقشی را ایفا می‌کند؟

[ظهور مهدی (عج) واکنش به ظلم است و نباید از آن سوء استفاده شود]

من نمی‌دانم، از آنهایی که سوء استفاده می‌کنند باید پرسید که چرا امور دینی را ابزار سیاسی قرار می‌دهند.

عبارت معروفی است که می‌گویند: «کل شیء تجاوز عن حدّه انقلب الی ضدّه» هر چیزی که از حدّ خودش تجاوز کند منقلب می‌شود به ضدّش. پس مسأله ظهور امام زمان امری طبیعی است. در روایات آمده است هنگامی که ظلم و جور تمام دنیا را بگیرد و مردم به ستوه بیایند، آن وقت شرایط شرایی می‌شود که پذیرای آمدن یک مصلح جهانی هستند. چون مردم همه به ستوه آمده‌اند راهی جز این ندارند که پذیرای یک مصلح جهانی شوند و آن مصلح جهانی در حقیقت عکس‌العمل آن ظلم‌ها و تعدّیات است. بنابراین هر وقت جهان به طور کلی رو به فساد رفت و ظلم و جور زیاد شد و زمینه پذیرش مهیا شد آن وقت حضرت حجت ان‌شاءالله ظهور می‌کند. این مقتضای روایات است و یک امر طبیعی است. اما اینکه از آن سوء استفاده می‌کنند و می‌گویند ما می‌خواهیم خیابانها را مهیا کنیم تا حضرت حجت از این خیابان عبور کنند، کسی به این حرفها اهمیت نمی‌دهد و مهم نیست؛ گرچه کارهای خلافی است.

درباره امام زمان کتاب «موعود ادیان» من را به شما می دهند می توانید آن را ملاحظه کنید و پاسخ بسیاری از پرسش های خود را در آن کتاب خواهید یافت.

* در مذهب شیعه مرگ یک نقش بسیار مهم و جایگاه بسیار بزرگی پیدا کرده، می خواهم بدانم چرا در مذهب شیعه این گونه است؟

[غفلت و عبرت از مرگ]

اعتقاد به مرگ منحصر به شیعه نیست بلکه همه انسانها آن را خواهند چشید. خدا در قرآن به پیغمبر ﷺ می فرماید: ﴿إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ﴾ پیغمبر تو می میری و همه مردم هم خواهند مرد. همچنین می فرماید: ﴿كُلٌّ مِّنْ عَلَيْهَا فَأَنِّ وَبَيْتِي وَجْهٌ رَبُّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ﴾ یعنی تمامی کسانی که بر روی زمین هستند فانی خواهند شد، تنها خداست که فناپذیر نیست. انسانها از مرگ غفلت دارند. اینکه این همه جنایات در دنیا به دست انسانها انجام می شود برای این است که نوعاً از مرگ غفلت دارند. ما دیده ایم این همه قدرتمندان، رئیس جمهورها و پادشاهان همه آمدند چندصباحی حکومت کردند و رفتند. بجاست اینهایی که الآن قدرت دستشان است از گذشتگان عبرت بگیرند، ولی متأسفانه عبرت نمی گیرند. در قرآن در سوره «عصر» می فرماید: ﴿وَالْعَصْرِ، إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ﴾ قسم به روزگار و زمانه که همه انسانها در ضرر و زیانند. قسم های قرآن براساس آن مطلبی است که در پی می آید، قسم به عصر و زمانه که پر است از قدرتمندان و سیاستمداران و گذشتگان ستمگر، همه انسانها در ضرر و زیانند مگر کسانی که ایمان دارند و کارهای نیک انجام می دهند. بنابراین یکی از آثار بسیار مهم به یاد مرگ بودن این است که انسانها از جنایات و ظلم ها دست برمی دارند.

* کدام یک از فیلسوفهای غربی کتابهایشان در حوزه های علمیه به ویژه در قم تدریس می شود، و کدام یک از آنها بیشتر شهرت دارند و به اصطلاح شناخته شده هستند یا اینکه روی کتابهایشان کار می شود؟

[جایگاه فلسفه در حوزه]

از میان فلاسفه غربی افلاطون و ارسطو هر دو معروف هستند و برخی آگاهی از فلسفه این دو فیلسوف دارند، اما از کتابهای فلسفی آنچه که بیشتر در حوزه‌های علمیه تدریس می‌شود همان اسفار مرحوم ملاصدراست، و کتابهای ملاصدرا محور تدریس فلسفه در حوزه‌های علمیه است. و در حقیقت جمع کرده بین حکمت مشاء استدلالی و حکمت اشراق عرفانی. ولی آنهایی که در فلسفه عمیق هستند علاوه بر اسفار ملاصدرا به شفای ابن سینا و کتابهای ارسطو و افلاطون هم مراجعه می‌کنند.

[آمریکا در روش خود تجدید نظر کند]

ضمناً من پیامی دارم که می‌خواهم به وسیله شما منتشر شود. سن اینجانب الآن هشتاد و چهار سال است و یاد دارم وقتی که ایران ما تحت استعمار انگلستان بود و از آن طرف شوروی هم به ایران زور می‌گفت، در آن وقت صحبت آمریکا که می‌شد آمریکا مثل یک فرشته نجاتی برای مردم ایران تصوّر می‌شد و می‌گفتند: اگر آمریکا بیاید ظلم و جور انگلستان و شوروی برطرف می‌شود. ولی متأسفانه چهره خوبی که آمریکا در بین مردم داشت، آن پرستیژی که آمریکا در ایران داشت، در اثر کارهای تندی که آمریکایی‌ها کردند خودشان میراث‌خوار استعمار شدند. متأسفانه قدرت وقتی که دست افراد بیفتد گره‌ای که می‌شود با دست باز کرد سعی می‌کنند با دندان باز کنند. آمدن آمریکا در عراق و افغانستان - هر چند منافی هم داشته اما - مردم را به ستوه آورده و خودشان می‌گویند: حدود دویست میلیارد دلار خرجشان شده، در این دو کشور چقدر هم تلفات داده‌اند، ماندن آنان دیگر عاقلانه نیست و نتیجه‌اش این شده که همه کشورهای شعار علیه آمریکا بدهند.

کشوری که فرشته نجات بود الآن چون دیوی شده و مردم علیه آن شعار می‌دهند، و این برای تندیهایی است که انجام می‌دهند. اگر نفت می‌خواهند، گاز می‌خواهند،

نفت و گاز را کشورهای اسلامی ناچارند به دنیا بفروشند و انرژی شما طبعاً تأمین می شود. چالش ها و تشنج هایی که در کشورها درست می کنند سبب می شود که نفت و گاز قیمتش بالا رود و همیشه هم درگیری ادامه داشته باشد. اگر در مواردی هم نیت خیر و اصلاحی دارند و می خواهند راهنمایی کنند، به کشورها زور نگویند و با زور اعمال قدرت نکنند. اسمش را هم می گذارند دموکراسی؛ اما دموکراسی ای که با زور و چماق باشد در این کشورها جا نمی افتد. به نظر می رسد مصلحت آمریکا و آمریکایی ها این است که در روش خود تجدید نظر کنند.

[خطای اشغال سفارت آمریکا و لزوم روابط حسنه]

نکته ای که بارها از زبان من شنیده اید این است که: من مخالفم که ما با آمریکا روابط نداشته باشیم، اینکه یک روز سفارت آمریکا را اشغال کردیم نیز کار اشتباهی بود، و بایستی روابط فیما بین بهبود یابد. فقط رابطه با اسرائیل را ما اشکال داریم، برای اینکه اسرائیل زمین های فلسطینی ها را غصب کرده است؛ ولی با آمریکا باید روابط حسنه برقرار گردد و در موضوعات مورد اختلاف هم باید دوستانه مسائل حل شود و نخواهند با چماق و با زور برخورد کنند. واقعیت این است که این دشمنی ها به ضرر هر دو کشور است. الآن می بینید بوش می خواهد برود پاکستان مردم علیه او شعار می دهند، هند می خواهد برود مردم علیه او شعار می دهند؛ علت آن معلوم است، رفتارهای تند آنها سبب شده پرستیژشان در دنیا از بین برود و مردم مدام مرگ بر آمریکا می گویند؛ در صورتی که این امر معلول رفتار خود آنهاست. اگر آنها نفت و گاز را می خواهند، دوستانه می شود نفت و گاز را گرفت؛ برای اینکه مردم کشورهای صاحب نفت که نمی خواهند نفت را بخورند، نفت و گاز را خواهی نخواهی به آمریکا و دیگر کشورها می فروشند. اگر تشنج و درگیری باشد انرژی هم گرانتر می شود، مثل حالا که گران شده است.

[آمریکا خود را فدای اسرائیل نکند]

حرف من به سردمداران آمریکا این است که قدری ملاحظه احساسات و عواطف مردم را بکنند. فقط تمام همشان را صرف حمایت از اسرائیل نکنند. با اینکه استفاده اقتصادی آنها از کشورهای اسلامی است، از عربستان، از ایران، از همه کشورهای اسلامی استفاده می‌کنند، ولی از اسرائیل حمایت می‌کنند که هیچ درآمدی برای آمریکا و مردمش ندارد و فقط ضرر دارد.

امیدواریم خداوند به همه ما توفیق دهد که بر طبق عقل و منطق عمل کنیم و از این زورگویی‌ها که همه جا هست دست برداریم.

* نظرتان در رابطه با مسائل هسته‌ای که بین ایران و بقیه کشورها به وجود آمده چیست، و به نظرتان آیا امکان دارد ایران را تحریم کنند؟

[حق هسته‌ای ایران، قربانی تیرگی روابط با آمریکا]

عرض کردم اگر بین دو کشور ایران و آمریکا روابط حسنه بود کار به اینجاها نمی‌کشید. وقتی که دورادور بوش علیه ایران شعار می‌دهد که ایران حامی تروریست است و می‌خواهد سلاح هسته‌ای تولید کند، ایران هم به گونه‌ای دیگر علیه آنها شعار می‌دهد، کار به اینجاها می‌رسد. حال آنکه می‌شد همه این مشکلات را دوستانه حل کرد به نحوی که حقوق مردم هم تضییع نشود. مردم ایران هم مثل سایر کشورها حق دارند از فن‌آوری هسته‌ای صلح‌آمیز استفاده کنند، اما وقتی که بنا شد دورادور اینها به آنها تندی کنند آنها به اینها، کار به اینجاها می‌رسد. همه مشکلات ناشی از همین تندرویهاست، وگرنه فن‌آوری هسته‌ای صلح‌آمیز یک حق حیاتی است برای همه کشورها. استقلال کشور معنایش این است که تصمیمی که بر اساس مصالح کشور می‌گیرند دیگران نباید در آن دخالت کنند. این دخالتها همگی ناشی از تندرویهای دو طرف می‌شود. ان شاء الله موفق باشید.

« ۸ »

پاسخ به پرسشی پیرامون تغییر دین

۱۳۸۵/۱/۹

با سلام خدمت شما

یک سؤالی داشتم در مورد تغییر دین.

مگر ما حضرت مسیح، موسی و... را دین خدا نمی دانیم؟ اگر می دانیم پس چرا اگر یک مسلمان بخواهد تغییر دین بدهد باید محاکمه شاید هم اعدام بشود؟ اگر ما به خدای خود اعتقاد داریم پس باید بسپاریم دست پروردگار خود که خود بهتر می داند. و کسی نمی تواند شخص دیگری را برای نظرش محاکمه کند. حال سؤال این است که نظر شما در مورد این موضوع چیست؟
با تشکر فراوان از شما

﴿ بسمه تعالی ﴾

[تغییر دین مجازات ندارد]

پس از اسلام، هر یک از ادیان یهودیت و مسیحیت و زردشتی در زمانی دین حق بوده است ولی دین مقدس اسلام ناسخ ادیان سابقه می باشد، و عدول از آن صحیح نیست. مثل ادیان الهی مثل کلاسهای دانشگاهی است، و دین اسلام همچون کلاس و ترم آخر است که شخص یک نحو استقلال علمی پیدا کرده است و دیگر نیاز به استاد ندارد و با عقل کامل شده خود می تواند مشکلات را حل نماید. برای ثبوت حقانیت دین اسلام می توانید به کتاب «از آغاز تا انجام» نوشته این جانب مراجعه فرمایید.
البته تبدیل دین به نحو اطلاق، حکم اعدام ندارد؛ بلکه در شرایط خاصی حکم اعدام جاری است؛ و تفصیل در نامه نمی گنجد.

۱۳۸۵/۱/۹ - حسینعلی منتظری

پاسخ به چند پرسش

۱۳۸۵/۱/۱۸

[پاسخ به چند اشکال در باب آزادی بیان، رابطه با آمریکا و انتقاد از مسئولان]

با سلام

من چندین اشکال داشتم که می‌خواستم نظر جنابعالی را بدانم.
من سنی ندارم که واقعاً بدانم حق با چه کسی بوده و دنبال حقیقت نیز هستم. در سایت شما رفتم و چندین مطلب را دیدم که لازم دانستم اشکالاتی که به نظرم آمد را بیان کنم.
شما فرموده بودید آزادی بیان در ایران نیست و شما آزادی ندارید، در حالی که چیزی که من دیدم این بود: سایت شما را فیلتر نکرده بودند و شما خیلی از کسانی که شما می‌گفتید آزادی ندارند می‌توانند افکار و حرفهایشان را به نمایش بگذارند، پس این آزادی وجود دارد.
دیگر فرموده بودید که در زمان تسخیر سفارت آمریکا شما موافق مسأله بودید و الآن مخالف.
چگونه است جریانی که همه چیز آن ثابت بوده و هیچ فرقی با الآن ندارد یک مرجع تقلید بزرگ روزی با آن موافق است و روزی با آن مخالف....

در جایی دیگر شما فرموده بودید که آقای احمدی‌نژاد اشتباه کرده و این مسأله اسرائیل را نمی‌بایست مطرح می‌کرد چرا که به ضررش تمام می‌شد، در حالی که مسأله ایشان مسأله دین و کفر است؛ مخصوصاً در قرآن دستور صریح داریم که با کفاری که شما را از خانه‌تان بیرون کردند بجنگید...
من کاملاً موافق مسئولین نیستم؛ بله فساد در اداره‌ها غوغا می‌کند ولی چرا شما اعتقاد دارید و می‌گویید باید با جنایتکار مصالحه کرد و نباید با آنها برخورد کرد؟...
و ضمناً وقتی که می‌گویید روی او شناختی ندارید چگونه بدون شناخت درباره‌اش قضاوت می‌کنید؟...

با تشکر

﴿ بسمه تعالی ﴾

با سلام و تحیت

ج ۱- اولاً: سایت مرا تاکنون چندین مرتبه فیلتر کرده‌اند یا به اشکال دیگری در آن
اخلال نموده‌اند و من مجبور شده‌ام سایت جدیدی راه بیندازم.

ثانیاً: رسانه‌های داخلی را مطلقاً در مورد من سانسور کرده‌اند و هیچ نشریه‌ای
جرات نمی‌کند از من چیزی بنویسد یا نقل کند، و اگر نشریه‌ای چنین جسارتی را پیدا
کند فوراً با او برخورد می‌شود.

ج ۲- مرجع تقلید بودن مستلزم معصوم بودن نمی‌باشد، بخصوص در
موضوعات اجتماعی یا سیاسی. ممکن است انسان نسبت به موضوعی اجتماعی یا
سیاسی نظری داشته باشد ولی پس از گذشت زمانی نظرش تغییر نماید، و اشغال
سفارت آمریکا از این مقوله است. مسائل سیاسی و اجتماعی هم تقلیدی نیست، و در
مورد نظر فقهی یک مرجع تقلید هم تا زمانی که تغییر نکرده است مقلدین او باید به
همان فتوا عمل نمایند.

ج ۳- اظهار نظر منطقی و نقد علمی صحبتها و کارهای مسئولین حق هر
شهروندی است و از باب امر به معروف و نهی از منکر و ارشاد می‌باشد و نباید آن را با
جنگ داخلی اشتباه نمود. و من هرگز در جایی نگفته‌ام باید با جنایتکار مصالحه کرد.
آنچه من گفته‌ام و می‌گویم این است که در مورد رابطه با کشورهای مخالف نیز باید
همچون پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و رابطه ایشان با کفار و مشرکین مصالح اسلام و مسلمانان را
مورد توجه قرار داد و تشخیص مصلحت یک موضوع مهمی است که اولاً- باید از
کارشناسان گوناگون نظرخواهی نمود. ثانیاً- یک امر ثابت و غیرقابل تغییر نمی‌باشد
و بستگی به شرایط و اوضاع و احوال متغیر دنیا دارد.

ج ۴- نداشتن شناخت نسبت به شخص رئیس جمهور مستلزم عدم جواز

قضاوت درباره اظهارات و روش کاری او نمی‌باشد. ممکن است انسان کسی را اصلاً نشناسد اما نسبت به گفته‌ها یا عملکرد او اظهار نظر نماید. و نقد و بررسی گفتار و رفتار حاکمان نیز نه تنها موجب دلسردی مردم نمی‌باشد بلکه باعث زیادی بصیرت و کنکاش آنها و تعقیب هر چه بیشتر مسائل مربوط به حاکمیت و مردم شده و آنها را از حاشیه به متن اجتماع و امور سیاسی، اقتصادی و فرهنگی می‌کشاند. آنچه موجب دلسردی مردم می‌گردد خمود و بی‌تفاوتی و سکوت مرگبار نسبت به مظالمی است که احیاناً بر مردم می‌رود. ان شاء الله موفق باشید.

والسلام علیکم ورحمة الله.

۱۳۸۵/۱/۱۸

حسینعلی منتظری

پاسخ به پرسشی در مورد اعطاء فدک به حضرت زهرا علیها السلام

۱۳۸۵/۱/۱۹

حضور محترم حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ حسینعلی منتظری دام ظلّه

سلام علیکم

از حضرت تعالی نقل می‌کنند که فرموده‌اید فدک متعلق به حضرت فاطمه زهرا علیها السلام نبوده است. آیا

این نقل قول از جنابعالی صحت دارد؟

با تشکر

﴿ بسمه تعالی ﴾

پس از سلام، سخن مذکور افتراء و کذب محض است. طبق اخبار معتبره از طرق فریقین پس از نزول آیه شریفه: ﴿وآت ذا القربی حقه﴾ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فاطمه علیها السلام را خواستند و فدک را به ایشان اعطاء نمودند، منتها اینجانب استنباط کرده‌ام که اعطاء فدک به حضرت زهرا، برای این بوده که همسر امام اول و مادر سایر ائمه بوده است و هدف حضرت غنای مالی بیت امامت بوده است و به همین جهت نیز مخالفین، فدک را تصاحب کردند.

برای تفصیل می‌توانید به مجلد سوم از کتاب «دراسات فی ولایة الفقیه»، صفحه ۳۲۹ مراجعه فرمایید.

۱۳۸۵/۱/۱۹

حسینعلی منتظری

پاسخ به پرسشی پیرامون بحث «غلو»

۱۳۸۵/۱/۲۰

﴿ بسمه تعالی ﴾

با سلام

اینجانب برای کنفرانس درس معارف ۲ بحث «غلو» را انتخاب نموده‌ام. چنانچه مستحضرید امروزه غلو یکی از خارهایی است که گرچه در گذشته دامنگیر عوام بوده ولیکن امروزه آن را از زبان خواصی می‌شنویم که انگشت تعجب و شگفتی را بر دندان می‌نشانند. لذا از شما بزرگ‌گرامی که تاکنون چون استادی هر چند غیر حضوری برای بنده بوده‌اید و اینجانب هم به نوبه خود از خرمن دانش و معرفت شما دانه‌هایی در خور خود برچیده‌ام خواستارم جنابعالی در این امر بنده را از راهنمایی‌های مدللانه و منتقدانه خود بهره‌مند بفرمایید.

با تشکر

﴿ بسمه تعالی ﴾

با سلام و تحیت

اگرچه جواب به نحو تفصیل مقدور نیست، ولی اجمالاً عرض می‌شود که:

[منظور از غلاة چه کسانی هستند؟]

از روایات و تاریخ استفاده می‌شود که: «غلاة» کسانی بوده‌اند که یا ائمه علیهم‌السلام را در عبودیت، خلق و رزق شریک خدا قرار می‌دادند و یا معتقد بودند که خداوند متعال کارهای عالم را به آنان تفویض نموده و خود از تدبیر عالم منعزل شده، و یا در ائمه

اطهار عليه السلام یا یکی از ائمه عليه السلام حلول کرده است یا معتقد بودند که آنها غیر از راه الهام، علم غیب می دانند یا معتقد بودند که ائمه اطهار عليه السلام انبیاء می باشند، و یا معتقد به تناسخ ارواح بعضی ائمه عليه السلام به بعض دیگر بودند و یا می گفتند معرفت ائمه عليه السلام شخص را از جمیع تکالیف بی نیاز می کند. برای بررسی بیشتر می توانید به (بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۲۶۱، باب نفی الغلو فی النبی و الائمة صلوات الله علیهم) مراجعه کنید.

[برخورد ائمه با غلاة]

و این اعتقادات باعث شد ائمه اطهار عليه السلام برخورد تندی با اینها بنمایند تا جایی که طبق نقل فرمودند: «احذروا علی شبابکم الغلاة لا یفسدوهم، الغلاة شر خلق الله، یصغرون عظمة الله و یدعون الربوبية لعباد الله، والله ان الغلاة شر من اليهود و النصارى و المجوس و الذین اشركوا.» (امالی شیخ طوسی، ص ۶۵۰؛ و بحار، ج ۲۵، ص ۲۶۵).

(بترسید برای جوانانتان از غلات که آنان را فاسد می کنند. غلات بدترین خلق خدا هستند. بزرگی خداوند را کوچک می کنند و برای بندگان خدا ربوبیت قائل می شوند. به خدا قسم غلات بدتر از یهود، نصاری، مجوس و مشرکین می باشند.)

غالیان دانسته یا ندانسته سعی می کردند تا چهره ائمه اطهار عليه السلام و همچنین شیعیان آنان را خدشه دار و از درون آنها را متلاشی کنند، این افکار غالیان باعث شده بود که شیعیان در نزد دیگر فرقه به عنوان مسلمان های بی مبالا به فروع و احکام دینی قلمداد شوند، تا جایی که: در زمانی که بحث غدیر خم در پیش ابوحنیفه می شود، ابوحنیفه می گوید: «به اصحابم گفته ام که حدیث غدیر خم را نقل نکنید، هیشم بن حبیب صیرفی می گوید به او گفتم: چرا چنین دستوری داده ای؟ آیا حدیث غدیر خم برای روایت نشده؟! ابوحنیفه گفت: بله برایم روایت شده و حدیث غدیر خم پیش من هست «و لکنک تعلم ان الناس قد غلو منهم قوم» و لکن از آنجایی که عده ای مردم غالی شده اند دستور داده ام نقل نکنند.»

ولی خوشبختانه با عملکرد صحیح ائمه اطهار علیهم السلام خصوصاً امام صادق علیه السلام و امام حسن عسگری علیه السلام شیعیان واقعی از خطر غلو و افکار انحرافی نجات یافتند. البته لازم است این نکته گفته شود که: ائمه اطهار علیهم السلام دارای مقامات و مراتبی از علم و ایمان هستند که برای افراد عادی قابل درک نمی باشد و لذا در زمان ائمه اطهار علیهم السلام و کمی بعد از زمان ائمه علیهم السلام بسیار شایع بوده که برخی از بزرگان اصحاب را به خاطر اینکه برخی از مقامات را برای ائمه علیهم السلام قائل بودند به غلو متهم می کردند.

[نظر مامقانی و بروجردی درباره اتهام غلو به بزرگان]

استاد ما مرحوم آیت الله العظمی آقای بروجردی می فرمودند: «این بدان علت بود که بعضی از شیعیان به خاطر قصور فکریشان در اعتقادات، به کسانی که عقائد کامله ایی نسبت به ائمه اطهار علیهم السلام داشتند، نسبت غلو و افراط می دادند.» (البدرا الزاهر، ص ۲۹۱).

مرحوم مامقانی در مورد محمد بن سنان که اکثراً او را ضعیف شمرده اند و عمده دلیل آنها این بوده که ایشان متهم به غلو است، می فرماید: «... ما مکرراً گفته ایم اعتمادی به اتهام افراد به غلو نمی باشد، زیرا آنچه که امروز نزد شیعه در مورد مراتب و مقامات امامان علیهم السلام ضروری مذهب است، در گذشته غلو شمرده می شد، تا آنجا که مثل مرحوم صدوق قول به اینکه پیامبر و امامان علیهم السلام سهو نمی کنند را غلو می دانسته، در حالی که امروز این نظریه جزو ضروریات مذهب است.» (تقیح المقال، ج ۳، ص ۱۲۵).

در خاتمه برای کسانی که توانایی علمی و یا مالی دارند لازم است در عرصه اعتقادات تلاشی همه جانبه انجام دهند، تا جاذبه مذهب و اهل بیت علیهم السلام را برای اهل دانش و فرهنگ و سایر ملتها و مذاهب بیشتر نمایند تا ان شاء الله مصداق این آیه شریفه قرار گیرند: ﴿الذین یبلغون رسالات الله و یخشونه و لایخشون احداً الا الله و کفی بالله حسیباً﴾ (سوره احزاب، آیه ۳۹).

ان شاء الله موفق باشید.

والسلام علیکم و رحمة الله.

مصاحبه خبرنگار شبکه خبری «ان تی وی» ترکیه

۱۳۸۵/۱/۲۲

* قبل از هر چیز از اینکه ما را به حضور پذیرفتید خیلی تشکر می‌کنم؛ هم به نام خود و هم به نام شبکه خبری. می‌خواهم سؤال اولم را از گذشته شما بپرسم. اینکه شما از ارکان و پایه‌های اصلی تشکیل دهنده انقلاب اسلامی ایران هستید، در سالهای اولیه همراه امام خمینی کارها را در تهران ادامه می‌دادید و بعد از یک مدتی به قم تشریف آوردید. می‌خواهم بدانم چه اختلاف نظری وجود داشت و باعث شد شما به قم تشریف بیاورید و کارهای خودتان را ادامه بدهید، از زبان خودتان می‌خواهم بشنوم.

﴿ اعوذ بالله من الشيطان الرجيم ﴾

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

[در ابتدا اختلاف نظری با آیت‌الله خمینی نداشتم]

من از اول با معظم‌له اختلاف نظری نداشتم. ایشان هم بعد آمدند قم. متنها برای تصویب قانون اساسی انتخاباتی انجام شده بود و من از تهران انتخاب شده بودم، لذا مجبور بودم بروم تهران برای همان تصویب قانون اساسی. وقتی که آیت‌الله طالقانی - که امام جمعه تهران بودند - از دنیا رفتند آیت‌الله خمینی مرا به عنوان امام جمعه تهران معین کردند. وقتی که مجلس خبرگان - که برای تصویب قانون اساسی بود - تمام شد، خدمت ایشان رسیدم که من چون یک طلبه هستم مایلم قم باشم، اجازه دهید بروم قم. پس مسأله اختلاف نظر نبود. نظرم این بود که بالاخره در امور سیاسی دولتی هست و دولت تشکیل شده است و مرحوم مهندس بازرگان آن روز به عنوان

نخست وزیر دولت موقت انتخاب شده بود، وزرا هم هستند، بنابراین دولت بایستی کارهای سیاسی را انجام بدهد و ما بیایم قم همان کار آخوندیمان چون درس و بحث را انجام دهیم. ولی در عین حال مراجعات به بیت ما خیلی زیاد بود و من به عنوان توصیه و سفارش به وزرا و دولت تذکراتی می‌دادم و چون مردم مراجعه می‌کردند کارهایی را هم انجام می‌دادم. منظور این است که از اول اختلاف نظری در کار نبود که من آمدم قم، بعد هم خود ایشان آمدند قم.

* بعد از بیست و هفت سال که از انقلاب اسلامی می‌گذرد، شما یکی از ارکان اساسی در پیدایش انقلاب اسلامی بودید. بعد از این بیست و هفت سال، در حال حاضر شرایط جمهوری اسلامی به آن شکلی هست که مد نظر شما در ابتدا بوده و چه کمبودهایی در حکومت فعلی یا در انقلاب فعلی هست و چه نقاط قوتی هست و اصلاً در حال حاضر حکومت را به چه شکلی ارزیابی می‌کنید؟

[تخلف از وعده استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی]

قبل از انقلاب و در بحبوحه انقلاب شعار مردم و در حقیقت شعاری که مرحوم آیت‌الله خمینی و همین‌طور ماها به مردم القاء کرده بودیم سه چیز بود: «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی». از باب اینکه در زمان شاه خارجی‌ها در کشور دخالت کامل داشتند، آمریکایی‌ها در ارتش و جاهای دیگر همه‌کاره بودند، مردم هم آزاد نبودند که حرفشان را بزنند و نظرشان را بگویند، و موازین اسلامی هم رعایت نمی‌شد. بنابراین استقلال یعنی: عدم دخالت کشورهای دیگر در سیاست ایران، آزادی یعنی: مردم آزاد باشند حرفهایشان را بزنند. جمهوری اسلامی یعنی: حکومت از مردم ناشی شده باشد و بر طبق موازین اسلام هم باشد. این شعار مردم بود، هم آیت‌الله خمینی این وعده‌ها را به مردم می‌دادند هم ما وعده می‌دادیم. ولی متأسفانه آن جور که می‌خواستیم عمل نشد و به‌ویژه می‌بینیم که مسأله آزادی و جمهوری اسلامی آن‌گونه که باید رعایت شود نمی‌شود.

[جمهوری یعنی گردش نخبگان، آزادی بیان و احزاب]

جمهوری یعنی حکومت ناشی از مردم باشد، یعنی واقعاً نخبگان جامعه و آنان که رشد سیاسی دارند حزب سیاسی داشته باشند و این احزاب سیاسی دولتها را روی کار بیاورند و بتوانند ناظر بر حکومت و حاکمیت باشند و بتوانند اعتراضشان را بیان کنند. ولی الآن دبیرکل های احزاب را احضار می کنند و به آنها فشار و تهدید روا می دارند. در صورتی که بایستی احزاب نظارت داشته باشند بر کار دولت، آنها بایستی به دولت انتقاد و اعتراض کنند؛ اما دولت مزاحم احزاب می شود.

[حکومت مردمی یعنی دخالت مردم در حدود و بقاء دولت از طریق احزاب]

به نظر می آید اگر بخواهیم حکومت واقعاً حکومت مردمی باشد بایستی نخبگان جامعه و آنهایی که رشد و عقل سیاسی دارند احزابی را تشکیل دهند و این احزاب مستقل باشند و دولت را روی کار بیاورند و بر دولت نظارت داشته باشند، این معنا عمل نشده است. ما الآن می بینیم که آقایان می گویند: به احزاب نیاز نداریم، ما همان مساجد احزابمان است. معنای اینکه مساجد احزابمان است یعنی یک آقای توی مسجد یک مطلبی را می گوید اسم شرعیّت هم روی آن می گذارد و مردم را هم تحریک می کند که بروید به فلان شخص رأی بدهید یا فلان کار را انجام بدهید. در صورتی که این کار درستی نیست. اگر ما بخواهیم واقعاً حکومت مردمی باشد باید مردم هم در حدود دولت و هم در بقائش نقش داشته باشند و نظارت بر دولت داشته باشند که دولت تخطی از قانون نکند.

[ولی فقیه باید ناظر باشد نه حاکم علی الاطلاق]

البته ولی فقیه هم در قانون آمده به اعتبار اینکه نظارت کند از موازین اسلامی

تخطی نشود، نه اینکه او حاکم علی‌الاطلاق باشد و تمام امور دست او باشد. اداره امور باید دست مردم و نخبگان سیاسی و از طریق احزاب باشد. متأسفانه در کشور ما احزاب هنوز جا نیفتاده است، در صورتی که باید حاکمیت به دست احزاب سیاسی پایدار باشد. هنوز نگذاشته‌اند حزب در جامعه ما جا بیفتد و احزاب خلق الساعة تأسیس می‌کنند بعد هم انتخاباتی درست می‌کنند و کارها را تمام شده حساب می‌کنند و به مردم وعده می‌دهند. مردم هم اگر بخواهند اعتراض کنند کسی گوش به حرفشان نمی‌دهد و آنها را سرکوب می‌کنند. بنابراین آن وعده‌هایی که آیت‌الله خمینی رحمته الله و دیگران به مردم دادند، متأسفانه آن‌گونه که می‌خواستیم عمل نمی‌شود.

[در همه شرایط نظر مردم ملاک است نه نظامیان]

در کشور ترکیه ما می‌بینیم با اینکه آنجا هم رئیس‌جمهور منتخب مردم دارد و هم نخست‌وزیر و دولت دارد اما در مواقع حساس حرف اول را ارتش می‌زند. ایران هم تقریباً دارد به این صورت می‌شود و حرف اول را نیروهای نظامی و انتظامی می‌زنند و در امور سیاسی دخالت می‌کنند. با اینکه حرف اول را مردم باید بزنند و در تمام مواقع حساس هم نظر مردم باید ملاک باشد نه نظر نیروهای نظامی.

* مسائل روز را مسلماً شما تعقیب می‌کنید، بحث روز بحثهای هسته‌ای است که در ایران در جریان است، بفرمایید آیا سیاست حکومت فعلی آقای احمدی‌نژاد را در این امور قبول دارید؟

[تأمین حق هسته‌ای و جلب اعتماد جهانی و مذاکره با آمریکا]

من عرض کردم یکی از شعارهای اول ما در انقلاب استقلال بود. معنی استقلال این است که خود دولت ایران آنچه را برای جامعه مصلحت می‌بیند باید عمل کند. و اینکه بخواهد آمریکا یا اروپا به ایران تحمیل کنند که حتی شما انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز هم نباید داشته باشید، این خود دخالت در امور ایران است. منتها چیزی که

هست - در مصاحبه‌هایم جلوتر گفته‌ام - بایستی به گونه‌ای برخورد کرد که تنش و درگیری درست نشود و کاری کرد که کشور و مردم خسارت نبینند. یکی از راههایش این است که با آمریکا که یک قدرت مطلقه است در دنیا و خواهی نخواهی دارد اعمال قدرت می‌کند مذاکره مستقیم کرد، و می‌شود در مقابل قدرتها با زبان خوش و از راه دیپلماسی حرف زد. بر فرض زمانی مصلحت نبود رابطه با آمریکا داشته باشیم ولی حالا چه اشکالی دارد روابط برقرار کنند و دوستانه مشکل را حل کنند و کاری کنند که به درگیری میان دو طرف نرسد.

[مردم زیر بار حرف زور نمی‌روند]

ولی اینکه بخواهند به ایران بگویند تو قطعاً بایستی حتی استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای هم نکنی این زور است. چون علم، دانش و فن‌آوری انحصاری نیست و از آن همه بشر است. چطور اسرائیل الآن هم انرژی هسته‌ای و هم سلاح اتمی دارد، ما که سلاح اتمی نمی‌خواهیم چرا انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز هم نداشته باشیم؟! تحمیل به ایران درست نیست، مردم هم زیر بار نمی‌روند و آمریکایی‌ها اشتباه می‌کنند که می‌خواهند نظر خود را تحمیل کنند، برای اینکه در دنیای امروز زور دوام ندارد. بنابراین باید دوستانه مشکل را حل کرد، یا روابط برقرار کنند یا واسطه بفرستند. نه اینکه بوش در آمریکا علیه ایران شعار دهد ما هم علیه بوش در ایران.

[انتقاد به روابط ترکیه و اسرائیل، خطای اشغال سفارت آمریکا

و وجوب تحصیل دانش هسته‌ای]

ضمناً اشکالی هم به دولت ترکیه داریم که همین روابط با اسرائیل است، برای اینکه اسرائیل یک کشور غاصب است، زمینهای مردم را غصب کرده و فلسطینی‌ها را آواره کرده‌اند. ما غیر از اسرائیل با کشورهای دیگر مشکل نداریم. قبلاً گفته‌ام که اگر

یک روزگاری سفارت آمریکا در ایران را اشغال کردند کار اشتباهی بود و اشتباه را باید جبران کرد، بایستی روابط برقرار کنند و مشکلات را دوستانه حل کنند؛ استفاده از فن آوری روز حق ایران است. قال رسول الله ﷺ: «طَلِبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ الْإِسْلَامِ وَاللَّهُ يُحِبُّ بُغَاةَ الْعِلْمِ» طلب علم بر هر مسلمانی واجب است. هر علمی می خواهد باشد، چه علوم دینی چه علوم دنیوی، برای اینکه دنیای امروز براساس علم می گردد. اینکه به ما بگویند شما در این قسمت علمی نباید دخالت کنید و علمش را نداشته باشید حتی صلح آمیز، این مطلب غلطی است و قهراً مردم زیر بار زور نمی روند. و عرض کردم باید یک کاری بکنند این دیوار بی اعتمادی میان دو طرف خراب شود و روابط حسنه باشد و به همدیگر اعتماد کنند.

* آیا فکر می کنید در نتیجه این مسائل هسته ای و بحثهایی که هست آیا امکان دارد که حمله ای به ایران صورت بگیرد، و اگر امکانش باشد یعنی اگر این اتفاق بیفتد فکر می کنید حکومت و یا اینکه ملت ایران چه تدابیری نسبت به این مسأله می توانند داشته باشند؟

[حمله به ایران اشتباه است]

من علم غیب ندارم؛ اما اگر بخواهند حمله به ایران داشته باشند اشتباه می کنند، برای اینکه به افغانستان و عراق که حمله کرده اند الآن با مشکلاتی درگیرند. بخصوص عراق که یک باتلاقی برای آمریکایی ها شده و ایران از عراق ضعیف و کمتر نیست. یک روزگاری که مردم از استعمار انگلستان و شوروی می نالیدند آمریکا را فرشته نجاتی فرض می کردند، ولی متأسفانه آمریکا هم وقتی که آمد نشان داد که آن هم یک میراث خوار استعمار و جزء مستعمرین است. با توجه به شرایط اگر فرضاً هم به ایران حمله کنند یک اشتباهی کرده اند و مسلماً به ضررشان است، برای اینکه مردم همه بسیج می شوند علیه آنها. امروز دنیای ما دنیای جنگ و حمله نیست، مادامی که گره ای با دست باز می شود نباید آن را با دندان باز کرد.

✽ خیلی ممنون از وقتی که در اختیار ما گذاشتید، ولی اگر در پایان خودتان چیزی را مد نظرتان هست که به مردم توصیه بفرمایید من در خدمت شما هستم.

[ترکیه جزو جهان اسلام است]

در همین اتاق مرحوم تورگوت اوزال که آن وقت نخست‌وزیر ترکیه بود بعد رئیس جمهور شد به ملاقات من آمد در وقتی که جنگ ایران و عراق بود، من به ایشان گفتم: مصطفی کمال نه خدا بود نه پیغمبر، و ترکیه یک روزگاری اصلاً مرکز اسلام بوده، برای اینکه حکومت عثمانی آنجا بوده، بنابراین اینکه در ترکیه روز یکشنبه به جای جمعه تعطیل باشد یا تاریخ تاریخ مسیحی باشد اشتباه است. شما از باب اینکه ترکیه یک کشور اسلامی است قاعده‌اش این است که تاریخستان، تاریخ اسلام باشد و تعطیلی روز جمعه باشد. ایشان خودش می‌گفت من مسلمانم و مادرم را فرستاده‌ام مکه. بنابراین باید سعی کنید که کشور ترکیه به جهان اسلام بپیوندد و اینقدر که اصرار دارید با اروپا متحد باشید آنجاها هم خبری نیست، آنها هم جز اهداف استعماری هدف دیگری ندارند، ان شاء الله موفق و مؤید باشید.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

**دیدار و گفتگوی جمعی از اعضای انجمن‌های اسلامی دانشگاهها
(دفتر تحکیم وحدت شاخه علامه)**

۱۳۸۵/۲/۷

﴿ بسمه تعالی ﴾

* در ابتدای این دیدار دبیر سیاسی دفتر تحکیم وحدت ضمن تشکر و تقدیر اظهار داشت: ما در مجموعه دفتر تحکیم، جنابعالی را نه تنها به عنوان آیت‌الله العظمی منتظری و یک مرجع و مجتهد دینی بلکه به عنوان مرجع و الگویی که در تمام ابعاد صاحب نظر هستید می‌شناسیم و از شما به عنوان مرجعمان الگوپذیری داریم.

وی افزود: خصوصیت خاص جنابعالی این است که شما به قدرت «نه» گفتید؛ هر دلیلی که مدنظرتان بود به راحتی با قدرت متارکه کردید. کاری که شما کردید خیلی‌ها حاضر به انجامش نیستند و دودستی قدرت را چسبیده‌اند. آنها کشور را امروزه متأسفانه تا حد جنگ پیش برده‌اند و به منافع ملی توجهی ندارند.

وی افزود: یکی از بحث‌هایی که خواهی نخواهی در میان مجامع علمی دانشگاهی و میان دانشجویها مطرح است بحث ولایت فقیه است و اینکه برخی مطرح کرده‌اند که مخالف ولی فقیه در مسلمان بودنش باید شک کرد! می‌خواستم در ابتدا جنابعالی در این خصوص بیاناتی بفرمایید.

﴿ اَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ﴾

﴿ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ﴾

[قبول نداشتن ولی فقیه و ولایت فقیه منافی مسلمانی نیست]

اینکه کسی شخص ولی فقیه را قبول نداشته باشد یا نظریه ولایت فقیه را، این دو

مسأله است. ولی قبول نداشتن این دو هیچ کدام منافات با مسلمانی ندارد.

[ولایت فقیه باید برآمده از جمهوریت و اسلامیت باشد]

درباره نظریه ولایت فقیه، اگر یادتان باشد - بعضی از شما شاید یادتان باشد - در اول انقلاب شعار مردم واقعاً این بود: «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی»؛ استقلال معنایش این است که بیگانگان نخواهند در مسائل و امور کشور دخالت کنند. آزادی هم یعنی مردم بتوانند حرفشان را بزنند. زیرا در زمان شاه مردم آزاد نبودند. آزادی یعنی همه گروهها در مسائل اظهار نظر کنند. از آیت‌الله خمینی در پاریس پرسیدند: کمونیست‌ها هم حق دارند اظهار نظر کنند؟ گفتند آنها هم انسانند و اظهار نظر اشکال ندارد مگر یک کسانی بخواهند قیام مسلحانه بکنند که با آنها برخورد می‌شود. جمهوری اسلامی دو تا کلمه است، جمهوری یعنی حکومت ناشی از مردم، آراء مردم اساس حکومت باشد، و اسلامی یعنی حاکمیت بر اساس موازین اسلام باشد. از باب اینکه ما عقیده‌مان این است که دین اسلام فقط منحصر به مسائل عبادی - اخلاقی نیست بلکه در همه شئون انسانها نظر دارد، اگر بنا باشد که برطبق موازین اسلام کشور اداره شود، لابد کارشناس موازین اسلام یک مجتهد عادل است بلکه اعلی، او در مسائل می‌تواند اظهار نظر کند.

در قرآن کریم می‌خوانیم: ﴿أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدِي فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ﴾ «کسی که مردم را به حق هدایت کند سزاوار پیروی است یا کسی که خودش هدایت نمی‌شود مگر دیگران هدایتش کنند.» ﴿لَا يَهْدِي﴾ اصلش «یهدی» بوده است، کسی که می‌تواند هدایت کند مردم را لابد باید علمش را داشته باشد تا هدایت کند. ﴿أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ﴾ کسی که مردم را هدایت می‌کند به حق ﴿أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ﴾ سزاوارتر است که پیروی بشود ﴿أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدِي﴾ یا کسی که خودش هدایت نمی‌شود مگر دیگران هدایتش کنند. ﴿فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ﴾ شما چه جور قضاوت می‌کنید؟ همچنین قرآن می‌گوید: ﴿هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ

يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» یعنی «آنان که عالم‌اند با غیر عالم مساوی‌اند؟» مساوی نیستند. در نهج‌البلاغه هم خطبه ۱۷۳ مولا امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِهَذَا الْأَمْرِ أَقْوَاهُمْ عَلَيْهِ وَأَعْلَمُهُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ فِيهِ» سزاوارترین مردم به امر حاکمیت - امر یعنی حاکمیت - «أقواهم» آنکه توانایی‌اش را بیشتر داشته باشد «وَأَعْلَمُهُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ فِيهِ» و داناترین مردم باشد به دستورات خدا در امر حاکمیت. یعنی در امور مربوط به حاکمیت از همه عالم‌تر و داناتر باشد.

[ولایت فقیه محدود به فقه و عدم دخالت در همه شئون است]

بر این اساس ولایت فقیه این است که جهات اسلامی حاکمیت را ولی فقیه تشخیص دهد نه اینکه اداره تمام شئون کشور دست او باشد و هر جایی بخواهد دخالت کند. چون هرکاری تخصص خاص خود را دارد. دنیای امروز دنیای تخصص است. سیاست خارجی متخصص دارد، امور اقتصادی متخصص دارد. کارهای دیگر همگی متخصص دارند. در روابط بین کشورها مثلاً با آمریکا رابطه داشته باشیم یا نداشته باشیم، اینجا بایستی کسانی که تخصص دارند در این امور نظر بدهند. بنابراین اینکه یک نفر بخواهد در همه امور دخالت کند درست نیست. و لذا در بازنگری قانون اساسی که اواخر عمر مرحوم آیت‌الله خمینی رَحِمَهُ اللَّهُ انجام شد، در بحث ولایت فقیه کلمه مطلقه را اضافه کردند ولی من قبول نداشتم، با اینکه اینجانب ولایت فقیه را نوشته‌ام و در چهار جلد چاپ شده اما کلمه مطلقه را من قبول نداشتم و به آن رأی هم ندادم و خیلی‌ها هم رأی ندادند، برای اینکه خلاف عقیده‌مان بود. مرحوم شیخ محمدحسین اصفهانی کمپانی می‌فرمایند: هیچ تناسب ندارد اموری که مربوط به فقیه نیست، آن فقیه در این چیزها نظر بدهد. فقیه یعنی آن کسی که فقه بلد است بنابراین در اموری که مربوط به فقه و دانش اسلامی است متخصص می‌باشد و نظرش مُتَّبِع است، اما در اموری که او متخصص نیست اصلاً معنی ندارد بگوییم نظر او مُتَّبِع باشد بلکه بایستی به متخصصش مراجعه بشود. پس ولایت فقیه که یک مشکلی شده است

برای شماها و دیگران اگر بخواهد قدرت مطلقه باشد، من هم قبول ندارم. درست هم نیست و بر خلاف عقل و منطق هم هست. اگر می‌خواهید بگویید اصلاً فقیه دخالت نکند، بنابراین «اسلامی» که در جمهوری اسلامی گفتید باید حذف کنید؛ در صورتی که ما می‌گوییم کشور ما کشور اسلامی است و با این اضافه که دین مقدس اسلام منحصر به مسائل اخلاقی و عبادی نیست و در سایر مسائل چون اقتصاد، سیاست و نحوه حاکمیت نیز قرآن و سنت اظهار نظر کرده‌اند. عقل هم می‌گوید عالم بر غیر عالم مقدم است، توانا بر غیر توانا و عادل بر فاسق مقدم است. بنابراین مسأله ولایت فقیه را شما دیکتاتوری فرض نکنید، گرچه در مقام عمل این گونه جلوه کرده است. گاهی بعضی‌ها از آن سوء استفاده می‌کنند که کار غلطی می‌کنند. عرض کردم در بازنگری کلمه مطلقه را آوردند ولی من قبول ندارم و رأی ندادم با اینکه بنده متخصص این فن بودم.

[ولی فقیه ایدئولوگ منتخب مردم است]

در مجلس خبرگان قانون اساسی که بودیم من و مرحوم دکتر بهشتی می‌خواستیم درباره ولایت فقیه صحبت کنیم، مثال می‌زدیم و می‌گفتیم: در حکومت کمونیستی شوروی چون آنها بر اساس مارکسیسم می‌خواستند حکومت کنند قهراً یک کسی که ایدئولوگ آنان بود می‌آوردند روی کار، حالا یک وقت اشتباه می‌شد مسأله دیگری است اما بالاخره آن کسی که روی کار می‌آمد باید ایدئولوگ مسائل مارکسیسم باشد تا بتواند اقتصاد را بر اساس مسائل مارکسیسم اداره کند. ما هم که می‌گوییم: «اسلامی»، باید اداره کشور بر اساس مسائل اسلامی باشد؛ اما اینکه همه امور به او مربوط باشد غلط است. معنای دولت همین است که هر وزیری متخصص یک قسمت و امور مربوط به آن باشد. من از اینکه شما دانشجویها در عین حالی که درستان را می‌خوانید - و حتماً بخوانید برای اینکه اگر شما که متعهد هستید درس نخوانید دیگرانی که بی‌تعهدند درس می‌خوانند و آینده کشور مال آنها می‌شود، برای اینکه دنیا و آخرت

بر اساس علم می چرخد. پس درستان را خوب بخوانید و همیشه نمره بالا داشته باشید. در امور کشور هم اظهار نظر می کنید از شما تشکر می کنم.

[لازمه جمهوریت، انتخابی بودن ولی فقیه و نقش زیربنایی احزاب است]

نکته ای که درباره «جمهوریت» باید گفته شود این است که معنی جمهوری یعنی حکومت مردمی، یعنی حکومت طبق آراء مردم تعیین شود، حتی ولی فقیه هم باید از ناحیه مردم تعیین شود. در صورتی که چند نفر حائز شرایط ولی فقیه باشند مردم ببینند کدام عادل و اعلم است و او را تعیین کنند. دنیای امروز بر اساس تشکیلات و احزاب اداره می شود و بایستی احزاب زیربنای حاکمیت باشند، آنها حکومت را بیاورند روی کار، آنها همیشه به حکومت نظارت داشته باشند و حدوداً و بقائاً نقش داشته باشند.

[امر به معروف و نهی از منکر متوقف بر تحزب است]

دلیلش هم این است که خداوند تبارک و تعالی می فرماید امر به معروف بر همه واجب است، جمیع مؤمنین و مؤمنات امر به معروف و نهی از منکر کنند. امر به معروف و نهی از منکر دو مرحله دارد: یک وقت در امور جزئی است، مثلاً کسی می خواهد دروغ بگوید، بگویی دروغ نگو. یک وقت می خواهیم اساس کشور بر اساس معروف باشد و منکر در جامعه نباشد. در امور اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و امور کلی می خواهیم امر به معروف و نهی از منکر داشته باشیم که این توقف دارد بر تشکیلات و تحزب. حالا اسمش را دفتر تحکیم وحدت بگذار یا اسم دیگر. این مسأله که همه متشکل باشند مهم است چون به تنهایی نمی توان کاری کرد. بایستی تشکیلات باشد تا این تشکیلات بتواند در یک مسأله اساسی کشور اظهار نظر کند. مثلاً انرژی هسته ای داشته باشیم یا نداشته باشیم؟ در زمان پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام تشکیلات عشایری بوده، پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هم وقتی که در مدینه می آیند با

رؤسای عشایر بیعت می‌کنند، در عقبه منی هم رؤسای عشایر با پیغمبر ﷺ بیعت کردند، رئیس عشیره مثل رئیس حزب حالا بوده است، این مسأله عشیره که در صدر اسلام بوده حالا به صورت تحزب و تشکیلات چون تحکیم وحدت، حزب مشارکت، همبستگی و دیگر احزاب درآمده است. بالاخره بایستی تشکل باشد. در اصول فقه می‌خوانیم: مقدمه واجب، واجب است. اگر امر به معروف و نهی از منکر واجب باشد مقدمه‌اش تشکل است. بر این اساس نخبگان - آنهایی که عقل جامعه می‌باشند - متشکل بشوند و وظیفه‌شان را انجام دهند.

مولا امیرالمؤمنین علیه السلام در وصیت آخرشان به امام حسن و امام حسین علیهم السلام می‌فرماید: «أوصیکم و من بلغه کتابی» آنجا وصیت‌هایی می‌کنند آخرش می‌گویند: «لا تترکوا الامر بالمعروف والنهی عن المنکر فیولی علیکم شرارکم ثم تدعون فلا یتستجاب لکم» امر به معروف و نهی از منکر را - این امر به معروف و نهی از منکر همان امر به معروف و نهی از منکر در مسائل کلی اجتماعی است - ترک نکنید، اگر ترک کنید بدها فرصت را مغتنم می‌شمارند و بر شما مسلط می‌شوند سپس هر چه دعا کنید دیگر مستجاب نمی‌شود. برای اینکه هرکاری را باید از راهش وارد شوید. شما از اول تشکل داشته باشید و در مسائل اجتماعی کلی و مسائل سیاسی اظهار نظر بکنید تا قدرت دست آدمهای خوب باشد، در غیر این صورت بدها فرصت را مغتنم می‌شمارند و مسلط بر جامعه می‌شوند پس دیگر هر چه دعا کنید فایده ندارد. این وصیت‌نامه آخر امیرالمؤمنین علیه السلام است.

[وجوب تشکل و تحزب]

بنابراین این تشکل‌ها امر واجبی است، البته سعی کنید آدمهای نخبه بی‌غرض که اهل فکر و اهل تأمل هستند انتخاب کنید و نظریاتتان را هم بگویید، اظهار نظر بکنید، اگر عملی نشد بگویید خدایا ما آنچه وظیفه‌مان بود انجام دادیم. انسان نباید مأیوس باشد بلکه باید وظیفه‌اش را انجام دهد. من با اینکه حالا در جهات سیاسی کشور

به اصطلاح مسئولیتی ندارم، اما با این حال نظریاتی اگر دارم در مصاحبه‌ها و جاهای دیگر می‌گویم و این را به عنوان انجام وظیفه می‌گویم.

[جمهوری یعنی نقش مردم در حدوث و بقای حکومت]

من ضمن تشکر از حضور شما عرض می‌کنم: اولاً درس خوب بخوانید که آینده مال شما باشد، و ثانیاً در مسائل کشور نیز اظهار نظر کنید برای اینکه معنی جمهوری یعنی حکومت هم حدوثاً و هم بقائاً وابسته به مردم است. در مصاحبه‌ای که اخیراً با خبرنگاری از ترکیه داشتم - شاید دیده باشید - این جهت را تذکر دادم که اگر یک حاکمیتی باشد، حرف اول را در مسائل مهم همیشه مردم باید بزنند.

[نظر مردم ملاک است نه نظامیان]

در کشور ترکیه با اینکه رئیس جمهور و نخست‌وزیر دارد اما ارتش به قدری مسلط است که در مسائل مهم، ارتش حرف اول را می‌زند. متأسفانه کشور ما هم دارد این جور می‌شود، حرف اول را نیروهای نظامی و انتظامی و بسیج می‌خواهند بزنند، و این درست نیست. بایستی نظر مردم باشد. همین انرژی هسته‌ای هم واقعاً باید نظر مردم ملاک باشد. و اینکه بخواهند از خارج به ما تحمیل کنند و بگویند شما حق انرژی هسته‌ای ندارید، درست نیست. البته چیزی که هست عقلای قوم که قدرت دستشان هست نخواهند با زور برخورد کنند. دنیای امروز دنیای جنگ و زور نیست. در جنگ ویتنام که آمریکا با ویتنام جنگ می‌کردند، جنگ در ویتنام برقرار بود ولی در پاریس هم جلسه مذاکره دیپلماسی داشتند. بایستی که مسائل با دیپلماسی و با زبان خوش حل بشود. همه‌اش درگیری و تنش نباشد که ما شعار بدهیم علیه آنها و آنها هم علیه ما. بالاخره صاحبان قدرت چه بسا چماقی برخوردار می‌کنند، جلوی زبان زور را حتی المقدور باید گرفت، عقل به آدم این جور می‌گوید. اما در عین حال زیر بار زور هم نروید.

ان شاء الله شما موفق و مؤید باشید و مایوس هم نشوید و آنچه را وظیفه‌تان تشخیص می‌دهید با مشورت و با هم‌اندیشی و ترک تکروی و ظایف خود را انجام بدهید. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

پرسش و پاسخ:

* حاج آقا در حد مقدور ما را نصیحت کنید.

[کسب علم و مطالعه کردن واجب است]

عرض کردم هیچ وقت درستان را فدا نکنید، خوب بخوانید و بدانید که دنیا و آخرت مربوط به علم است. در «باب العلم کافی» حدیث از پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است: «قال رسول الله: طلب العلم فريضة على كل مسلمٍ ألا وإن الله يحبُّ بُغَاةَ العلم» طلب علم بر هر مسلمانی واجب است، آگاه باشید خدا طالبین علم را دوست می‌دارد. «بغاة» جمع «باغی» یعنی طالب. آن وقت که شما اهل مطالعه باشید خدا دوستتان دارد. من این را همیشه برای آقایان عرض کرده‌ام که دو قسم علم داریم: یک علم‌هایی واجب عینی است، یک قسم واجب کفایی. واجب کفایی هم واجب است، اصول عقاید و اخلاق اسلامی و فروع دین که مربوط به دین است واجب عینی است که باید همه بلد باشیم. یک علوم می‌هم واجب کفایی است، مثلاً مهندسی؛ مردم نیاز به مهندس دارند. در زندگی امروز باید مهندس و پزشک در قسمت‌های مختلفی که مورد نیاز جامعه است باشند، اینها نیز واجب است. ولی واجب کفایی یعنی به اندازه نیاز. اگر ما دکتر و مهندس به اندازه نیاز داشته باشیم به وظیفه عمل شده، اگر کمبود داشته باشیم همه گناهکارند که چرا نرفتند این کمبود و خلأ را پر کنند. پس شما در آن رشته که درس می‌خوانید به واجب کفایی عمل می‌کنید. واقعاً ما پزشک اگر به اندازه کفایت نداشته باشیم و یک عده از مردم دچار مرض و مرگ بشوند همه مسئولیت دارند.

* حاج آقا ببخشید من از اینکه مزاحم وقتتان می شوم معذرت خواهی می کنم. قبل از اینکه بخواهم سؤال کنم یک توضیحی راجع به جمع حاضر بدهم، اینها همه بزرگترینشان متولدین اوایل دهه شصت هستند، زمانی که حضرت تعالی قائم مقام رهبری بودید، اصلاً حتی به ذهنشان نمی آید، به قول آقای کدیور می گفتند روز به روز که می گذرد به تاریخ که رجوع می کنی ما به ارزش افرادی مثل شما بیشتر پی می بریم، سؤالی من اینجا دارم راجع به مسائل هسته ای است، نمی دانم شما بیانیه هسته ای ما را خواندید؟ می خواهم راجع به همین مسائل سؤال کنم، ما در بیانیه اشاره ای داشتیم در این زمینه که در حکومت حاضر ما برخی حاکمان ناشایسته ای داریم حالا خیلی رک و پوست کنده بخواهم بگویم الآن در حال حاضر برخی از کسانی که زمامدار حکومت ایران هستند بر قد و قواره آنها این قبا سنگینی می کند. مسأله هسته ای به یکی از مسائل روز تبدیل شده است، ما وقتی نگاه می کنیم می بینیم که گرچه این پدیده را به عنوان یک پروژه ملی یاد می کنند ولی ملت ما کوچکترین نقشی در مسائل هسته ای ما ندارند، حتی حضرت تعالی در دیدارتان با اعضاء نهضت آزادی حدیثی را بیان کرده اید. به هر حال عوام نگاه می کنند ببینند باد به پرچم چه کسی دارد می خورد.

مولا امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه در خطبه ۲۱۰ می فرمایند: «و انما الناس مع الملوك والدنيا الا من عصم الله» مردم نوعاً با پادشاهان و قدرتمندان و دنیا هستند مگر کسی که خدا حفظش کند. یعنی مردم نوعاً درک سیاسیشان کم است. البته این در سابق بوده حالا نوعاً مردم بیدار شده اند، نخبگان در جامعه زیاد هستند که مسائل را تشخیص بدهند، این طور نیست که دولت هم بتواند از مردم مسائل را مخفی کند. واقعاً بایستی با نخبگان جامعه مشورت کنند و از نظرات آنها بهره برند.

* نظر شما در مورد برنامه هسته ای فعلی جمهوری اسلامی - که من احساس می کنم کشور دارد

تا آستانه جنگ پیش می رود - چیست؟

[اشغال سفارت آمریکا اشتباه بود]

در مصاحبه های اخیر عرض کرده ام نباید بگذارند به جنگ و درگیری برسد، باید دوستانه مسائل را حل کنند. من بارها گفته ام که روزگاری فکر می کردیم اشغال

سفارت آمریکا درست بوده - که آن هم درست نبوده - حتی ما هم آن وقت تأیید کردیم، اما درست نبود چون اشغال سفارت معنایش اشغال یک قسمتی از کشور آمریکاست. آن گذشت ولی فعلاً بایستی مصالح کشور در نظر گرفته شود. به عقیده من غیر از اسرائیل که ما نمی‌توانیم روابط با آن داشته باشیم چون دولت غاصبی است با دولت‌های دیگر باید روابط حسنه باشد و دوستانه مسائل را حل کنند.

* حاج‌آقا ما معذرت می‌خواهیم که وقتتان را گرفتیم، دربارهٔ مسألهٔ حجاب در جامعه چه می‌فرمایید؟

[حجاب واجب است اما نه به زور]

دربارهٔ حجاب و امثال آن ما آیه: ﴿لَا اِكْرَاهُ فِي الدِّينِ﴾ را داریم، اما اگر فرض کردیم به گونه‌ای باشد که بخواهند عده‌ای بی‌حجاب شده و باعث شود جوانها به فساد کشیده شوند و افراد فاسد سوء استفاده کنند و به‌طور کلی عفت عمومی لطمه می‌خورد، اینجا می‌تواند دولت جلوگیری کند و بگوید در جامعه این‌گونه رفت و آمد نشود. بالاخره مصالح جامعه را هم باید در نظر گرفت گرچه اکراه در دین نیست. حجاب امر واجب است، اگر بی‌حجابی بخواهد توسعه پیدا کند و سبب بشود برخی سوء استفاده کنند و جو فاسد و بی‌عفتی ایجاد شود دولت باید دخالت کند. امر به معروف و نهی از منکر یکی از مصادیقش هم اینجاست که جو جامعه از فساد به صلاح برسد، تشخیصش را باید عقلای قوم بدهند. البته با فشار و زور و بگیر و ببند هم حجاب درست نمی‌شود. حتی المقدور باید با نصیحت و موعظه و کار فرهنگی عمل شود؛ ولی بالاخره نمی‌شود در جامعه افراد آزاد مطلق باشند و هر کس هر کار می‌خواهد بکند، دلیل مهم آن این است که مصالح اجتماع بر مصالح فرد مقدم است، به عبارت دیگر حق اجتماع بر حق فرد تقدم دارد.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

پیام به مناسبت درگذشت حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ نصرالله صالحی

۱۳۸۵/۲/۹

﴿ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ﴾

﴿ اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ ﴾

پس از سلام و تحیت؛ با کمال تأسف خبر ناگوار درگذشت مرحوم مغفور عالم بزرگوار و روحانی خدمتگزار جناب مستطاب حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ نصرالله صالحی - طاب ثراه - را دریافت نموده و بسیار متأثر شدم. عالم متعهدی که عمر شریف خویش را در راه ارشاد و تبلیغ دین مبین اسلام و مذهب تشیع و مبارزه با فساد و انحراف سپری نمود و در این مسیر مقدس همه مشکلات و گرفتاری‌ها و برخوردهای مخالفین را تحمل نمود، و در زندگی ساده و بی‌آلایش خود الگویی برای فضلا و طلاب محترم محسوب می‌شد.

اینجانب این مصیبت را به حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و حضرات علمای اعلام و حوزه علمیة اصفهان و مردم شریف آن منطقه و خانواده و فرزندان و علاقه‌مندان آن مرحوم تسلیت می‌گویم؛ و از خداوند کریم رحیم برای آن مرحوم علو درجات و حشر با ائمه طاهرین - سلام الله علیهم اجمعین - و برای همه بازماندگان و علاقه‌مندان محترم صبر جمیل و اجر جزیل مسألت می‌نمایم.
والسلام علی جمیع الاخوة والاختوات و رحمة الله و برکاته.

اول ربیع الثانی ۱۴۲۷ - ۱۳۸۵/۲/۹

قم المقدسة - حسینعلی منتظری

پیام به مناسبت درگذشت آیت‌الله حاج شیخ نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی

۱۳۸۵/۲/۱۶

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

« اذا مات المؤمن الفقيه ثلم في الاسلام ثلثة لا يسدها شيء »

(کافی، ۳۸/۱)

با کمال تأسف، خبر ناگوار درگذشت عالم خبیر و دانشمند محقق و متتبع مرحوم مغفور آیت‌الله آقای حاج شیخ نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی طاب‌ثراه را دریافت نموده و بسیار متأثر شدم.

روحانی خدمتگزاری که عمر شریف و پربار خویش را در راه روشنگری و ارشاد و ترویج دین شریف اسلام و مذهب اهل بیت عصمت و طهارت سلام‌الله علیهم اجمعین و تحقیق در مسائل گوناگون و تجزیه و تحلیل موضوعات مختلف اسلامی و تألیف کتابهای ارزشمند پربها در این زمینه‌ها سپری نمود، و متأسفانه در این رابطه نه تنها از او قدردانی نشد که با برخوردهای تند و غیرمنطقی نیز مواجه گشت. و این سنت همیشه تاریخ است که ارزش انسان‌های وزین در حیاتشان شناخته نمی‌شود و مجهول می‌ماند. از دست رفتن این گونه استوانه‌های علمی ثلمه‌ای است برای عالم اسلام و روحانیت شیعه.

اینجانب این مصیبت را به حضرت ولی عصر عجل‌الله تعالی فرجه الشریف و حضرات آیات و علمای اعلام ادام‌الله برکاتهم و حوزه‌های علمیه و مردم شریف نجف‌آباد و به خانواده محترمه و فرزندان محترم و همه بازماندگان و علاقه‌مندان آن مرحوم تسلیت

می‌گوییم و از خداوند کریم رحیم برای آن مرحوم علو درجات و حشر با ائمه طاهرین سلام‌الله‌علیهم اجمعین و برای خانواده و فرزندان و همه بازماندگان و علاقه‌مندان سلامت و توفیق خدمت به اسلام عزیز و صبر جمیل و اجر جزیل مسألت می‌نمایم. والسلام علی جمیع الاخوة والاخوات و رحمة الله وبرکاته.

هشتم ربیع‌الثانی ۱۴۲۷ - ۱۶/۲/۱۳۸۵

قم المقدسة - حسینعلی منتظری

مصاحبه آقای فاضل رشاد صالح النعمة رئیس خبرگزاری مستقل عراق

۱۳۸۵/۲/۲۸

* نقش شما در حوزه علمی قم چیست؟ و الآن به چه کارهایی مشغول هستید؟ و آیا با حوزه علمی نجف و با مردم عراق ارتباطی دارید؟

﴿ اعوذ بالله من الشيطان الرجيم ﴾

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

من تا آن زمانی که کمتر کسالت داشتم یکی از مدرسین حوزه علمی قم بودم، هم در مسجد اعظم در جوار حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام و هم در حسینیه شهدا - که متعلق به بیت من بود و الآن از طرف حکومت توقیف شده - درس فقه و اصول می گفتم که طلاب زیادی هم حضور پیدا می کردند. خیلی از آقایان که الآن جزو بزرگان هستند در درس این جانب شرکت می کردند. ولی حالا با کهولت سن دیگر کار علمی زیاد نمی توانم انجام دهم. الآن هفته ای دو شب حدیث می خوانم برای طلاب، و دیدارهای روزانه ای هم از طبقات مختلف دارم، شهریه مختصری هم پرداخت می کنم. سؤالهای زیادی در زمینه های مختلف ارسال می شود که جواب می دهم.

[دغدغه عراق و ارتباط با آیت الله سیستانی]

راجع به عراق، در این مدتی که صدام سقوط کرد و حتی قبل از آن، من پیامهای زیادی در رابطه با مسائل عراق داشته ام و به عربی هم ترجمه و پخش شده است؛ اما با

حوزه علمیه نجف ارتباط مستقیمی ندارم، گاهی به آیت‌الله سیستانی پیامهایی شفاهی می‌دهم و ایشان هم شفاهی پاسخ می‌دهند، اما ارتباط مکاتبه‌ای و امثال آن نداریم.

* نظرتان نسبت به حوزه علمیه نجف چیست؛ یک حوزه‌ای که جوابگو باشد و بخصوص شخص آقای سیستانی نقششان چیست؟ نظرتان را در این موضوع بفرمایید؛ و خلاصه شرایط حوزه نجف را چگونه می‌بینید؟

حوزه علمیه نجف سابقه هزار ساله دارد، ولی متأسفانه در زمان حکومت صدام ارتباط حوزه نجف با حوزه قم کاملاً قطع بود، و من دقیقاً اطلاعی از اوضاع حوزه نجف ندارم. ولی آیت‌الله سیستانی مرجعی بزرگ است که به خوبی اشراف دارند بر مسائل عراق و حوزه نجف، و در ایران و دیگر کشورها هم ایشان مقلد زیاد دارند. نوع شیعه‌های عراق از ایشان تقلید می‌کنند، ایشان هم اشراف دارند. اما تفصیلاً وضع حوزه نجف در حال حاضر چگونه است من خیلی اطلاع ندارم.

[مبانی قرآنی و روایی اصل تشکیل حکومت]

* خلاصه نظرتان راجع به ولایت فقیه چیست، یک نظریه دینی است یا مسأله سیاسی است؟ این جهت را ما می‌دانیم که دین مقدس اسلام مسائلی منحصراً به مسائل اخلاقی و عبادی نیست بلکه تمام زندگی و نیازهای بشر را در نظر گرفته، و از جمله قرآن شریف و سنت راجع به اصل حاکمیت و شرایط آن هم دستوراتی دارند. مثلاً ما در سوره یونس می‌خوانیم: ﴿أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ﴾. بنابراین از کسی باید پیروی کرد که خودش هدایت شده و راه را بلد است. حالاً که زمان غیبت امام زمان (عج) است و مردم ناچارند از کسی دیگر پیروی کنند، قرآن می‌گوید کسی که هدایت می‌کند و عالم است سزاوار پیروی است. لذا از کسی که کارشناس مسائل اسلام باشد باید پیروی کرد.

باز در قرآن می‌فرماید: ﴿هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ آیا دانایان و نادانان یکسانند.

و همین‌طور مولا امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه ۱۷۳ از نهج البلاغه می‌فرماید: «إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِهَذَا الْأَمْرِ أَقْوَاهُمْ عَلَيْهِ وَ أَعْلَمُهُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ فِيهِ» سزاوارترین مردم به امر حاکمیت - امر یعنی حاکمیت - کسی است که توانایی بیشتر داشته باشد و داناترین مردم باشد به دستورات خدا در امر حاکمیت. یعنی در امور مربوط به حاکمیت از همه عالم‌تر و داناتر باشد. رجوع جاهل به عالم مسأله‌ای است ارتكازی. در دین مقدس اسلام همان‌طور که گفتم مسائل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و جزائی که مورد احتیاج بشریت است وجود دارد و چنانچه بخواهیم در این امور از کسی پیروی کنیم عقل بشر می‌گوید: عالم بر غیر عالم، عادل بر غیر عادل، و مدیر و مدبر بر غیرمدیر و مدبر مقدم است. بنابراین بایستی کسی که اعلم بامرالله است حاکم باشد. یا خودش مستقیماً متصدی امور باشد یا نظارت کند بر دولتی که روی کار می‌آید تا بر اساس موازین اسلامی عمل کند. پس ولایت فقیه نظریه‌ای دینی است اما به هر حال سیاسی هم هست چون دین از سیاست جدا نیست.

[ولایت فقیه حکومت فرد نیست]

البته فقیه، کارشناس مسائل اسلامی است و از جهت اسلامیت نظام بایستی اشراف داشته باشد، چون کارشناس و متخصص مسائل اسلام است. اما او متخصص همه جهات نیست. امور دیگر مثل سیاست خارجی، ایجاد امنیت در کشور و غیر اینها کارشناس‌ها و متخصص‌هایی دارند که بایستی به آنان ارجاع شود، نه اینکه یک نفر بخواهد همه کارها را انجام دهد و در همه امور دخالت کند.

* در زمینه روابط دیپلماتیک آیا شما طرفدار بازبودن درها به طرف غرب هستید؟ یعنی شما در

این باره یک فقیه سنتی بسته هستید یا اینکه نظرتان این است که باید با جامعه جهانی مرتبط بود؟

[لزوم همکاری بین‌المللی در دهکده جهانی و دوری از شعارهای تشنج آمیز]

درباره ارتباط با غرب و به‌ویژه آمریکا به عقیده من یک وقتی در یک شرایط خاصی سفارت آمریکا اشغال شد و روابط ایران و آمریکا قطع شد. اگر فرض کنیم آن وقت هم مصلحت بوده ولی این مصلحت دائمی نیست. بایستی که در این زمان که دنیا مثل خانواده و دهکده واحد شده قهرماً طبقات جامعه جهانی با هم ارتباط داشته باشند، هم ارتباط سیاسی هم اقتصادی، غیر از اسرائیل از باب اینکه آن را دولت غاصب می‌دانیم و ارتباط با اسرائیل را موافق نیستیم، اما با آمریکا و اروپا و کشورهای دیگر ارتباط فی‌مابین اعم از سیاسی و اقتصادی باید باشد و ابناء بشر کمبودهایشان را به وسیله همدیگر برطرف کنند. این‌گونه که شعار علیه یکدیگر بدهیم و تشنج درست کنیم و بدینی درست شود، ما با اینها مخالفیم. همه طبقات و گروهها در دو کشور باید بتوانند ارتباط فرهنگی، اقتصادی و سیاسی داشته باشند. همان‌گونه که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به تمام سلاطین در زمان خودش نامه می‌نوشت برای اینکه می‌خواست ارتباط برقرار کند.

* چون مصالح ما به هم گره خورده یک سؤال این است که با توجه به وضعیت خاص ایران و مسأله هسته‌ای اگر بر علیه ایران از بمب اتم استفاده شود و مناطق حساس ایران مورد تعرض قرار گیرد، آیا شما حکم جهاد می‌دهید؟

[آمریکا در مورد ایران، آزموده را آزمودن خطاست]

اجمالاً این روشی که الآن دولت دارد که در اینجا شعارهایی علیه آنها می‌دهند که محرک است، بوش هم از آن طرف یک شعارهایی علیه ایران می‌دهد، اینها هر دو غلط است. بایستی دو کشور مشکلات را با تفاهم حل کنند. و آمریکا هم اگر به ایران حمله کند به عقیده من اشتباه می‌کند، برای اینکه چیزی را که تجربه کردند دیگر نباید تکرار

کنند، آمریکا در ویتنام شکست خورد و ویتنام برایش یک باتلاقی شد. در عراق هم مشکل دارند. آمریکایی‌ها آنجا دارند کشته می‌شوند. بنابراین عراق هم برای آمریکا یک باتلاق دیگری شده است. با لجبازی دولت‌ها پیش نمی‌برند. دولت باید به مصلحت ملتش کار کند. آمریکا را یک زمانی - هنگامی که ایران تحت نفوذ انگلیس و روس بود - ما یک فرشته نجاتی فرض می‌کردیم ولی این فرشته نجات هم آمد و میراث‌خوار استعمار شد، و به ضرر ملت آمریکا هم عمل کردند. بنابراین این تدریجها که آمریکا می‌کند و این تهدیدها غلط است.

✽ اما اگر آمریکا به ایران حمله کند یا اگر حتی در عراق بیشتر از این حدی که الان هست دخالت کند شما تحت چه شرایطی فرمان جهاد می‌دهید؟

[دفاع در برابر تجاوز، تفاهم برای ساختن کشور عراق]

وجدان همه انسانها می‌گوید که دفاع حق همه مردم است، تجاوز نباید باشد؛ اما دفاع یک امر طبیعی است و همه مردم از کشورشان دفاع می‌کنند. در پایان درباره عراق عرض می‌کنم که چون اکثریت مردم عراق مسلمانند حالا چه شیعه و چه سنی، چه گرد و چه عرب، واجب است با هم تفاهم کنند؛ و این کشتارها و ترورهایی که هست هم به ضرر کشور عراق است و هم به ضرر اسلام. بایستی همه با هم تفاهم کنند. قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا». همچنین قرآن می‌فرماید: «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ». دولت باید فراگیر باشد و در درجه اول باید یک امنیت کامل در عراق ایجاد کند. عراق به دلیل اینکه یک کشور زیارتی است جاذبه‌های توریستی و اقتصادی زیادی دارد و چنانچه امنیت باشد مردم کشورهای اسلامی و دیگران برای زیارت عتبات عالیات و سفرهای تجارتي به عراق می‌آیند، و همه اینها به نفع پیشرفت کشور عراق خواهد بود.

والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته

پاسخ به پرسشی پیرامون تجاوزات اسرائیل به فلسطین و لبنان

۱۳۸۵/۵/۸

﴿ بسمه تعالی ﴾

حضرت آیت الله العظمی منتظری دامت برکاته

پس از عرض سلام و آرزوی سلامت جنابعالی، چنانچه استحضار دارید تجاوز مداوم و پیاپی اسرائیل به سرزمین های فلسطین و لبنان و بمباران آنجا از هوا و زمین و دریا و کشتار مردم بیگناه و زنان و کودکان و تخریب منازل و تاسیسات زیربنایی، وارد مرحله جدیدی شده است و با حمایت مستقیم آمریکا و سکوت مجامع جهانی و دولت ها، دامنه جنایات هر روز گسترده تر می شود. مردم عزیز فلسطین و لبنان مظلومانه این فشارها را تحمل می کنند و هر روز شاهد کشته و مجروح شدن عده ای از آنان و از دست دادن امکانات رفاهی، اقتصادی و معیشتی ایشان می باشیم. فلذا آیا شما اجازه می فرمایید از وجوہات شرعی به این مردم مظلوم کمک رسانی شود تا شاید از این طریق بخشی از جراحات مادی و معنوی ایشان جبران گردد؟

جمعی از طلاب و مقلدین

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

﴿ و سيعلم الذين ظلموا ای منقلب ینقلبون ﴾

[اسرائیل مولود استعمار است]

در روزگاری که همه طبقات و جوامع انسانی از عدالت و دموکراسی و حقوق انسانها سخن می گویند، استعمارگران جهانی برای تسلط بر کشورهای اسلامی و

منابع خدادادی آنان با جمع نمودن صهیونیست‌های سلطه‌طلب از اطراف جهان و تقویت آنان و غصب اراضی فلسطین و کشتار مردم بی‌دفاع آنجا و آواره نمودن ایشان، دولت خودسر اسرائیل را ایجاد نمودند، و از آن روز تا به حال این دولت متجاوز به تحریک اربابان خود، آرامش را از سرزمین وحی و انبیای الهی سلب نموده است و به بهانه‌های گوناگون به کشورهای مجاور حمله می‌کند.

این جانب توجه عموم را به نکات ذیل جلب می‌نمایم:

[یهودیان حساب خود را از صهیونیسم جدا کنند]

۱- حدود سیزده قرن ملت یهود که دارای شریعت آسمانی و دارای احترام می‌باشند در کشورهای مختلف جهان با مسیحیان و مسلمانان در آرامش زندگی می‌کردند و جز تنش‌های جزئی که لازمه همه اجتماعات است مسأله مهمی در بین نبود. اما با تأسف، حزب سلطه‌طلب صهیونیست به بهانه حمایت از آنان، آنها را وسیله قدرت خود قرار داده و به عنوان یک ملت متجاوز نشان داده است. بجاست کسانی که به شریعت الهی حضرت موسی علیه السلام ایمان دارند، خود را از فتنه‌های صهیونیست‌ها جدا نمایند و فریب تبلیغات و وعده‌های دروغین آنان را نخورند.

۲- اگر دولت غاصب اسرائیل می‌خواهد با این تجاوزات وحشیانه به لبنان و فلسطین برای مردم خود امنیت و آرامش ایجاد نماید، زهی خیال باطل دارد. در قرآن کریم که به اعتقاد ما کتاب آسمانی است در این رابطه فرموده است: ﴿و اذ تأذن ربک لیبعثن علیهم الی یوم القیامة من یشومهم سوء العذاب﴾ (سوره اعراف، آیه ۱۶۷). و این امر مطابق نظام طبیعت است، زیرا تجاوزات پیاپی عکس‌العمل‌های گوناگون را در پی خواهد داشت.

[دولتی برآمده از همه ساکنان فلسطین راه حل بحران]

۳- سرزمین فلسطین قبل از ایجاد دولت اسرائیل محل سکونت مسلمانان،

مسیحیان و یهودیان بود و در کمال آرامش با یکدیگر زندگی می‌کردند. در جهان امروز که همه دم از عدالت، دموکراسی می‌زنند، اگر واقعاً کشورها و سازمان ملل متحد بخواهند مسأله فلسطین را حل نمایند، لازم است همه سعی کنند تا یک دولت مقتدر و عدالت خواه با رعایت حقوق همه ادیان و مذاهب - همچون سایر سرزمین‌ها - در منطقه روی کار آید و ریشه همه این جنایت‌ها خشکانده شود.

[جواز صرف وجوهات شرعیه برای حمایت از مردم فلسطین]

۴- حال که اسرائیل مرتکب این همه جنایت‌ها در فلسطین و لبنان شده و می‌شود، مردم متعهد، آزاده و بیدار دنیا، از هر ملت و دین، بر حسب وجدان انسانی و شرایع آسمانی لازم است به کمک برادران و خواهران خود که مورد تجاوز قرار گرفته‌اند بشتابند و به اندازه توان در رفع نیازها و کمبودهای آنان کوشش نمایند.

در این رابطه برادران و خواهران مسلمان مجازند علاوه بر تبرعات و نذورات خود، از ثلث بدهی سهم امام در این راه کمک کنند و سعی نمایند راههای مورد اطمینان را برای ارسال کمک‌ها شناسایی نمایند.

خداوند به همه شما اجر جزیل عنایت فرماید و به قدرت مطلقه خود شر دشمنان را به خودشان بازگرداند و همه شهدا را مشمول رحمت و اسعه خود قرار دهد و با اولیاء محشور نماید، و به همه بازماندگان صبر و اجر مرحمت فرماید.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

۱۳۸۵/۵/۸

قم - حسینعلی منتظری

پیام به همایش جهانی «ادیان برای صلح» کیوتو - ژاپن

۱۳۸۵/۵/۲۷

﴿ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ﴾
﴿ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى
وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا ﴾

(سوره حجرات، آیه ۱۳)

[احترام به حقوق بشر و همزیستی ادیان برای کاهش جنگ و خشونت]

سلام به شما شرکت‌کنندگان در همایش جهانی «ادیان برای صلح» که یکی از خواسته‌های بزرگ جامعه بشریت، یعنی «استقرار صلح و همزیستی در جهان» را مورد بررسی قرار می‌دهید.

ادیان الهی در تحقق صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز و کاهش دادن جنگ‌ها و تعصب‌ها می‌توانند نقشی اساسی را ایفا کنند. صلح و دوستی با تحمل و بردباری مذهبی، رعایت حقوق بشر و کرامت انسان حاصل می‌گردد.

«قرآن کریم» کتاب مقدس و آسمانی مسلمانان، انسان را خلیفه‌الله بر روی زمین و مورد سجده فرشتگان و بهترین آفریده خداوند معرفی می‌کند. در آیه ۷۰ سوره اسراء می‌خوانیم: ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ... وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾. نوع انسان - به جهت انسانیت - چون صاحب عقل، شعور و قوه تشخیص حق از باطل می‌باشد دارای کرامت و فضیلت است. پیامبر اسلام ﷺ فرموده است: «مردم همچون دانه‌های شانه مساوی‌اند». یعنی در حقوق فطری و اجتماعی مساوی

می باشند؛ و مولی امیرالمؤمنین علیه السلام در نامه به مالک اشتر - که او را حاکم مصر قرار داده بود - فرموده است: «دلت را از رحمت و محبت مردم لبریز کن و بر آنان درنده خوی مباش، زیرا آنان یا برادر دینی تو هستند و یا در آفرینش با تو برابرند».

یکی از مشکلات امروز بشریت، اعمال خشونت به نام دین است؛ در صورتی که تجاوز و کشتار در هر کجای دنیا و با هر ایده و عقیده‌ای - عقلاً و شرعاً - مذموم است. دین مقدس اسلام دینی منطبق بر عقل بوده و با خشونت و جنگ دینی مخالف است. همه جنگ‌های صدر اسلام دفاعی بوده و دفاع امری غریزی و فطری است. متأسفانه امروز کسانی هستند که با برداشتهای غلط و ناصواب از دین و تحجرگرایی و دگماتیسم مذهبی باعث شده‌اند چهره نورانی اسلام در کشورهای اسلامی و غیراسلامی تند و خشن نمایانده شود.

از این رو بهترین روش، شناخت و فهم دقیق آموزه‌های دینی و کاهش تعصب‌های جاهلانه و ترویج آن در جوامع است؛ و این مهم جز با بردباری مذهبی و تحمل و نشستن در کنار یکدیگر و گفتگوهای دوستانه حاصل نمی‌گردد؛ بر این اساس عمل شما برادران و خواهران مورد تقدیر و تشکر است.

در پایان - ضمن ابلاغ سلام و اظهار محبت به همه مخاطبانی که این نوشتار را ملاحظه می‌کنند - برای همه آنانی که در راه انجام وظایف انسانی و دینی تلاش می‌نمایند و همه کسانی که برای اجرای صلح و عدالت و رفع ستم و تجاوز و دستیابی به آرمانهای بشری کوشش می‌کنند آرزوی موفقیت دارم.

والسلام علی جمیع الاخوة و الاخوات و رحمة الله و برکاته.

۱۳۸۵/۵/۲۷ هجری شمسی - ۲۰۰۶/۸/۱۸ میلادی

حسینعلی منتظری

دیدار و گفتگوی اعضای شورای مرکزی سازمان و ادوار دفتر تحکیم وحدت

۱۳۸۵/۷/۶

* در ابتدا یکی از اعضای شورا ضمن اشاره به بازداشت آقای مهندس موسوی خوئینی‌ها گفتند:

جمعی که در خدمت شما هستند اعضای شورای مرکزی ادوار تحکیم و اعضای شورای مرکزی تحکیم و دوستان این دو تا مجموعه هستند.

فکر می‌کنم غیر از عرض ادب و سلامتی و خسته نباشید خدمت شما، این دو مسئله مدنظر دوستان بوده که دوست داشتند با حضرت‌تعالی در میان بگذارند. حضرت‌تعالی هم مطلع شوید. یک مسئله، مسئله‌ای است که احتمالاً از ماهها قبل شنیده‌اید؛ ادامه بازداشت آقای مهندس موسوی خوئینی است که دبیرکل سازمان ادوار هست و با دوستان تحکیم هم به دلیل نزدیکی‌های فکری که داشتند رابطه نزدیکی داشتند.

دبیرکل دانش‌آموختگان ادوار دفتر تحکیم وحدت اظهار داشت:

ایشان بیش از صد روز است که در سلول انفرادی هست و تاکنون یک بار با وکیلشان ملاقات داشته آن هم کمتر از ده دقیقه و علی‌رغم اینکه ایشان پدرشان مرحوم شده دو سه بار تحت الحفظ توانسته است در مجلس ختم پدرشان شرکت کنند. در طول این مدت هیچگونه ارتباطی با دنیای بیرون نداشته و در یک فضای انفرادی نگه داشته شده.

ایشان با شرکت در تجمع و یاکه در داخل مجلس مسائل را پیگیری می‌کردند که بهانه شده تا این برخوردها صورت گیرد. آن زمان که حضرت‌تعالی در حصر بودید آقای مهندس موسوی جزو معدود نماینده‌هایی بودند که به طور جدی پیگیر رفع حصر حضرت‌تعالی بودند و پس از رفع حصر خدمت رسیدند. ما خودمان همراهشان بودیم به نظر می‌رسد ایشان دارند تاوان آن دوران نمایندگی‌شان را

می دهند. نطقهایی که ایشان داشتند، دفاعی که از حقوق شهروندی داشتند. در عین حال مسأله اساسی که ایشان پیگیری می کردند قانون مند کردن بازداشتگاهها بود، آن موقع کمیته ای تشکیل شد که مسئولیتش به عهده آقای مهندس موسوی بود قرار شد که بازداشتگاههای غیرقانونی را تعطیل کنند و در این خصوص هم موفق شدند چند بازداشتگاه غیرقانونی را تعطیل کنند و همینطور قانونمند کردن برخورد با زندانیان سیاسی. در هر صورت به نظر می رسد ادامه بازداشت ایشان نه توجیه قانونی دارد نه توجیه منطقی و نه توجیه شرعی.

وی در ادامه ضمن اشاره به مشکلاتی که برای ادامه تحصیل برخی دانشجویان سیاسی پیش آمده است گفت: برخی از این دانشجویان به دلیل فعالیت سیاسی و وجود دیدگاه نقادانه نسبت به حاکمیت و پیگیری مسایل حقوق بشر و دموکراسی، در مقطع کارشناسی ارشد برای ثبت نام با مشکلاتی برخورد کرده اند و از ثبت نام آنها جلوگیری کرده اند و از حقوق بدیهی هر انسانی با هر عقیده ای که همان درس و تحصیل باشد محروم کرده اند.

به نظر و باور ما این گونه برخوردها نه با دین ما سازگار است نه با اصول مدنی، چون برخورداری از حق تحصیل که یکی از حقوق شهروندی است پیش شرط ایدئولوژیکی ندارد. که اگر من بخواهم از حقوق اجتماعیم برخوردار شده درس بخوانم حتماً باید وفاداری خودم را به حکومت اعلام کرده یا حتی مسلمان باشم یا التزام به ولایت فقیه داشته باشم. فکر می کنیم اینها هیچ تناسبی با اصول دینی هم ندارد. در هر حال خدمت حضرت عالی رسیدیم که در این زمینه اگر اظهارنظری داشته باشید استفاده کنیم.

﴿ اَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ﴾

﴿ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ﴾

اولاً من تشکر می کنم از برادران که نسبت به مسائلی که در کشور پیش می آید بی تفاوت نیستند و احساس و وظیفه می کنید و از حرکت و تلاش باز نایستاده و در حد وسع خود فعال هستید.

[فعالیت سیاسی فرمایشی در دانشگاهها و محرومیت از تحصیل دانشجویان]

بنده از طریق روزنامه‌ها اخبار مربوط به دانشجویان را پیگیری می‌کنم که یک عده‌ای به عنوان یک ستاره و دو ستاره و سه ستاره محروم از تحصیل شده‌اند. من تعجب کردم و گفتم چطور هیچکس واکنش نشان نمی‌دهد. با اینکه این یک چیز واضحی است، نمی‌توان کسی را برای اینکه نظرش را اظهار کرده از تحصیل و از درس خواندن محروم کرد. البته آقایان سعی کرده‌اند تکذیب نمایند - خود آقایان همیشه سفارش می‌کردند که دانشجویان در امور سیاسی دخالت کنند؛ پس معلوم می‌شود اینکه می‌گفتند دانشجویان در امور سیاسی دخالت کنند یعنی آنها بگویند: زنده باد شما و صد درصد مطیع باشند و در مخالفت ما هیچ حرفی زده نشود و همه موافق ما باشند. هر کسی بالاخره عقل و هوشی دارد و حق دارد در مسائل اظهار نظر کند. و اگر کسانی در مسائل کشور اظهار نظر کردند بیاییم از درس خواندن محروم می‌کنیم. این واقعاً مسأله‌ای است که در دنیا به ما می‌خندند که بگوییم این شهروند حق ندارد درس بخواند. برای اینکه در دانشگاه مطابق میل ما عمل نکرده است.

[حکومت بالجبازی]

مسأله دیگر بازداشتها به طور کلی و مخصوصاً بازداشت آقای مهندس موسوی خوئینی است که من هم متأثر شدم. به نظر می‌آید که یک کسانی در این کشور هستند که با لجبازی می‌خواهند حکومت بکنند. همیشه در کشور بحران درست می‌کنند، شما یادتان هست درباره آقای گنجی سه سال کشور را بحرانی کردند. یک نفر مثل اکبر گنجی نظراتی داشته که نه ضد خدا و نه ضد پیغمبر و نه ضد اسلام است. انسانی است که به مسایل دینی اهمیت می‌دهد در انقلاب هم فعالیت داشته است. البته ممکن است اشتباهات جزئی هم داشته باشد. دیدید که او را در زندان سالها نگه داشتند روی لجبازی به حدی که دنیا ما را محکوم کرد. همان روش هم درباره آقای موسوی

خوئینی به کار برده شده که واقعاً در برخی مسائل احساس وظیفه می‌کرد و سکوت نمی‌کرد تا حدی که من با ایشان آشنا بودم هیچ‌گاه هم تندی نداشتند. متأسفانه او را زندانی کرده با شکنجه و برخوردهای تند با او می‌شود و آبروی کشور و انقلاب و اسلام را با این اقدامات از بین می‌بریم، از همه بدتر اینکه به اسم اسلام هم دارند این کارها را می‌کنند به گونه‌ای که دنیا هم به ما می‌گوید این اسلام است که شما می‌گویید دین شکنجه و خشونت نیست. ایشان روزی نماینده مردم در مجلس بوده و در راستای وظایف نمایندگی نظراتی اظهار کرده، فرض کنید نظرش با نظر بعضیها موافق نبوده آیا باید این گونه برخوردهای تند، شکنجه و سختگیری کنند و از حقوق زندانی مثل ملاقات و چیزهای دیگر محروم بشوند؟ اینها غیر از اینکه یک بحرانی برای کشور درست کند چیز دیگری نیست. مرزهای اطلاع رسانی گسترده است، امروز دنیا بسته نیست، دنیا به هم مربوط است و مثل خانواده واحد، مثل دهکده واحد می‌ماند. یک کار جزییی که اینجا در کشور می‌کنند در دنیا منعکس می‌شود. چون شما هم به اسم اسلام دارید این گونه خشن برخورد می‌کنید هم دنیا ما را محکوم می‌کنند، هم جوانها و مردم ما از اسلام زده می‌شوند.

برای من نقل کرده‌اند متأسفانه برخی از واجبات مثل روزه را در برخی مراکز آموزشی اهمال می‌کنند و انجام نمی‌دهند چون به دین اسلام و انقلاب بدبین شده‌اند. آقایان خیال می‌کنند تعدادی که در برخی تجمعات برای آنها شعار می‌دهند، همه مردم همین‌ها هستند. من زمانی به مرحوم امام گفتم: آقا شما خیال نکنید مردم همین تعدادی هستند که به دیدار شما می‌آیند حتی اینها که پیش شما شعار می‌دهند از برخی مسایل دلشان خون است؛ اما مسلمانند به اسلام و انقلاب علاقه‌مندند مردم هم همه اینها نیستند. مردم عقل و هوش و آگاهی دارند و رفتارهای ما را تحت نظر دارند.

آقای موسوی خوئینی هیچ وقت بر خلاف مصالح کشور نمی‌خواست اقدام کند هیچ وقت ضد انقلاب نیست هیچ وقت ضد اسلام نیست. به چه مناسبت او را

شکنجه‌اش کرده‌اند، چه اعترافی می‌خواهند از او بگیرند؟! به نظر می‌رسد دستی در کار هست در بین نیروهای امنیتی و قضایی که نمی‌خواهند اوضاع آرام و بدون بحران باشد.

[خشونت علیه من و اطرافیانم به جرم نصیحت به حاکمان]

شما ملاحظه کنید بنده در دوران مبارزه زندان رفته‌ام، فعالیت داشته‌ام و در میان طلبه‌ها هیچکدام به اندازه من نسبت به مرحوم امام وفاداری نداشت. زمانی که ایشان در ترکیه یا نجف تبعید بودند کسانی از ایشان انتظاراتی حتی مالی داشتند اما به ایشان دسترسی نبود من حتی شهریه خودم را که می‌گرفتم می‌دادم به آنها که مثلاً ناراضی از ایشان نباشند. علاوه بر خودم خانواده و فرزندانم از ایشان دفاع می‌کردند. با این سوابق برای اینکه یک روزگاری بنده نصایحی را از سر دلسوزی مطرح کردم واقعیتی را بیان کردم و گفتم بعضی افراد که صالح بعضی مقامها نیستند نباید مدعی باشند در پی آن برخوردهای تند و خشنی شد که هنوز هم ادامه دارد. الان همین حسینیه شهدا که محل تدریس فقه بود - و برخی از همین آقایان هم می‌آمدند - تفسیر و مراسم سوگواری و روضه خوانی برقرار بود نزدیک ۹ سال است بسته‌اند و عکس امام و آقای خامنه‌ای را به دیوارش نصب کرده‌اند و با اینکه ما با کمبود جا مواجه هستیم آن را با همان حالت فجیع و خراب بسته‌اند. به گونه‌ای که هر کس مشاهده می‌کند متأثر می‌شود و این گذشته از برخی تزییقاتی است که برای افراد مرتبط و برخی مقلدان انجام می‌دهند. مثلاً یکی از افراد بیت من برای گرفتن امتیاز تاکسی اقدام کرده است تا از آن طریق امرار معاش کند، اما گفته‌اند چون شما در دفتر فلانی رفت و آمد می‌کنید نمی‌توانیم به شما تاکسی بدهیم.

درباره انتخابات آینده هم اینقدر تبلیغ می‌کنند که مردم رغبت کرده در انتخابات شرکت کنند با این برخوردهایی که می‌شود مردم میلی برای شرکت نخواهند داشت. من به آقایان می‌گویم حکومت مال خودتان کسی به آن طمع ندارد اما بیایید در

رفتارتان حتی برای آینده خودتان تجدیدنظر کنید، و اینجور برخوردهای تند را نداشته باشید با خشونت و لجبازی نمی شود حکومت کرد. در یک خانه که اجتماع کوچک است هم اگر لجبازی باشد همیشه اوضاع خانه بحرانی است ولی اگر با صمیمیت باشد همه با صلح و صفا زندگی می کنند. همه آقایانی که شما دارید از حقوقشان محروم می کنید واقعاً به اسلام و انقلاب علاقه مند هستند اما بعضی کارهای شما را قبول ندارند.

[متصدیان امور باید با مردم بسازند و از تنگ نظری دوری کنند]

دوستانه به آقایانی که متصدی امورند می گویم: برگردید و با ملت بسازید. در برخوردهای تجدیدنظر کنید و کاری نکنید که کشور ما بحرانی نشان داده شود و در دنیا علیه ما سروصدا ایجاد کنند.

انشاءالله مسئولین به برکت ماه رمضان از تنگ نظریها دست بردارند و با ملت و با مردم همساز شوند و کشور را بحرانی نشان ندهند، انتظار نداشته باشند که مردم عقلشان را زیر پایشان بگذارند و صد درصد بگویند کار شما درست است. مردم نظر دارند، نظرشان را ابراز می کنند. آنهایی که نظر مخالف دارند جنگ مسلحانه راه نیاندخته اند که بخواهید با آنها برخورد کنید. اظهار نظر که جرم و گناه نیست.

مولی امیرالمؤمنین علیه السلام - با اینکه ما ایشان را معصوم می دانیم - در خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه می فرماید: «فلا تكفوا عن مقالة بحق او مشورة بعدل فانی لست فی نفسی بفوق ان اخطیء و لا آمن ذلك من فعلی الا ان یکفی الله» خودتان را از گفتار حق یا مشورت عادلانه باز ندارید زیرا من ذاتاً فوق خطا نیستم و از آن در کار خویش ایمن نیستم مگر اینکه خدا مرا کفایت کند. علی علیه السلام می گوید: من فوق خطا نیستم، آن وقت شما که انسان غیر معصومید فوق خطائید؟! امام معصوم علیه السلام سفارش می کند نظر و مشورت بدهید و اهل گفتار و سخن با حاکم باشید آن وقت آقایان می گویند همه باید ساکت شوند. امیدواریم که خداوند به دل آقایان بیندازد تا خود را اصلاح کنند.

پرسش و پاسخ:

* حاج آقا فکر نمی‌کنید تمام این مشکلات ناشی از ساختار سیاسی کشور یعنی ولایت فقیه باشد که آقای آیت آن را مطرح نمود؟!

[شهید آیت مبدع ولایت فقیه نبود]

مبدع بحث ولایت فقیه آن‌گونه که می‌گویند شهید آیت بود صحیح نیست، بنده و مرحوم دکتر بهشتی بیش از همه از این تئوری دفاع می‌کردیم و پیش از آن آیت‌الله خمینی علیه السلام در نجف پیرامون آن بحث کرده بودند. ولی ولایت مطلقه را هیچ وقت ما نگفتیم. آقایان آمدند در بازنگری ولایت مطلقه گفتند و من هم رأی ندادم. نامه هم آن روز نوشتم در این رابطه.

در هر حال امیدوارم افراد بیگناه را که در زندان نگه می‌دارند آزاد کنند. کسی را نزد حجاج آوردند گفت: این را اعدام کنید! گفت: چرا مرا اعدام کنند گفت: می‌دانم تو گناهی نداری اما می‌خواهیم تو را اعدام کنیم تا دیگران عبرت بگیرند. حالا هم آقایان یک موسوی خوئینی یا یک اکبر گنجی را زندانی می‌کنند که به خیال خودشان دیگران را ساکت کنند نمی‌دانند که در دل دیگران عقده ایجاد می‌کنند و این عقده‌ها یک روزی سر باز می‌کند.

* در مورد خبرگان اگر صلاح می‌دانید دوستان مایلند نظر شما را بدانند.

[رهبر در مقابل خبرگان مسئول است نه خبرگان در برابر رهبر]

خبرگان آنچه در شرح وظیفه‌شان آمده عمل نمی‌کنند و به آنها اشکال وارد است. چهار پنج سال پیش که من در همین خانه محصور بودم در یکی از جلسات خبرگان، رئیس خبرگان در نطق افتتاحیه‌اش گفت: ما در مقابل خدا و مقام رهبری مسئولیت

داریم. غافل از اینکه رهبر در مقابل خبرگان مسئولیت دارد و باید پاسخگو باشد. شما هستید که او را نصب کرده‌اید. آیا شما در مقابل او مسئولیت دارید؟ وقتی مسئولان خبرگان اینجور اظهار نظر می‌کند حساب بقیه روشن است.

ان شاء الله مؤید باشید، و دلسرد هم نشوید هیچ وقت هم با جنگ و دعوا کار پیش نمی‌رود. با زبان خوش و با ملایمت انجام وظیفه کنید.

ان شاء الله موفق باشید.

بیانات معظم له در درس اخلاق به مناسبت رحلت آیت الله یثربی کاشانی

۱۳۸۵/۷/۱۰

* آیت الله العظمی منتظری در ابتدای سلسله درسهای اخلاق - شرح کتاب جامع السعادات مرحوم نراقی - سخنانی را درگرمی داشت یاد آیت الله یثربی کاشانی و لزوم اهتمام به حوزه‌ها و تربیت طلاب در جهت پاسخ‌گویی به شبهات مطرح شده امروزه بیان فرمودند. مشروح این سخنان که در هشتمین روز ماه مبارک رمضان در دفتر معظم له ایراد شده در پی می‌آید:

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

[خاطره‌ای دربارهٔ مرحوم یثربی کاشانی]

مطلع شدم که حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج سید مهدی یثربی کاشانی امام جمعهٔ محترم کاشان (طاب ثراه) مرحوم شدند. یادم هست با مرحوم حاج شیخ اسدالله نوراللهی نجف‌آبادی سالها قبل برای تبلیغ به کاشان رفتیم - آن زمان ما سطح و خارج می‌خواندیم - آن وقت آقای حاج سید مهدی برادر کوچک مرحوم آیت الله حاج میرسید علی یثربی هم آنجا بود. آیت الله یثربی خیلی مرد جلیلی بود. مادر عین حال که تبلیغ رفته بودیم دههٔ محرم را نزد ایشان «مسألهٔ ترتب» [از مباحث اصول فقه] را شروع کردیم. روزی سه یا چهار ساعت بحث می‌کردیم. در همان موقع ما با مرحوم حاج سید مهدی آشنا شدیم و گاهی میزبان ما بود. ایشان خیلی محبوب مردم بود، تازه طلبه و معمم شده بود. و چون پسر کوچک مرحوم حاج سید محمدرضا بود و آن مرحوم هم از علمایی بود که خیلی محبوب بود در کاشان، چون عالم خوش مشربی

بود. مرحوم حاج سید مهدی یثربی بعد آمدند قم و یک مدتی هم قم بودند. درس کفایه من هم حاضر می شدند. گرچه این اواخر دیگر روابط و رفت و آمدی با هم نداشتیم. آن مرحوم نسبت به حوزه علمیه و تربیت طلاب در کاشان مرد موفقی بود. تعداد زیادی طلبه داشت و تربیت می کرد و به امور طلاب رسیدگی می نمود و فقط به امام جمعه بودن قناعت نمی کرد. کار آخوندی هم خوب انجام می داد. تربیت طلاب خیلی کار بزرگی است، اگر آقایان بتوانند در هر جا به تربیت طلاب بپردازند، متأسفانه خیلی از مردم دارند از روحانیت زده می شوند. آقایان سعی و تلاش کنند جوانها به دروس حوزوی رغبت پیدا کرده و بیایند درس بخوانند. چون اگر می خواهیم دین پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام حفظ بشود راهش حفظ حوزه های علمیه است.

[رسالت حوزه و روحانیت فقط مسأله گویی نیست]

مرحوم آیت الله العظمی خمینی رحمته الله می گفتند اینکه چرا خداوند دستورات اسلام را در قرآن و یا پیغمبر و ائمه در یک کتاب جامع ننوشته و دست مردم نداده اند تا مردم راحت بشوند، علتش این است که آن وقت دیگر کسانی سراغ تحصیل علم نمی رفتند که از اسلام و تشیع دفاع کنند. یادم هست اوائل تأسیس رادیو در ایران، سخنرانی مرحوم فلسفی را می گذاشتند یکی از عوام گفته بود: بالاخره ما از شر آخوندها راحت شدیم، حالا همه رادیو گوش می دهیم. رسالت حوزه ها و روحانیت فقط مسأله گفتن برای مردم نیست. دفاع از اسلام و تشیع و ردّ شبهاتی که بر دین وارد می شود از جمله مسئولیت های سنگین حوزه هاست. به ویژه در این زمان که سایتهای اینترنتی زیادی هست علیه اسلام، قرآن و پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تبلیغات سوء می کنند و این حوزه های علمیه هستند که باید در مقابل این حمله ها و شبهات بایستند و پاسخ مستدل و قانع کننده بدهند.

[پاسخ به شبهات با زبان زور]

زمانها و فرهنگها فرق می کند، در حال حاضر دانشگاهی ها زبان خاصی دارند، باید کسانی باشند که بتوانند متناسب با همان فرهنگ دانشگاهی، اسلام و دین را تبیین و از اسلام دفاع بکنند. بنابراین اصل وجود حوزه های علمیه، طلاب، فضلا و تربیت آنها همراه با ابزار روز ضرورت دارد. برخی از طلاب از امکانات امروزی حوزه ها استفاده نمی کنند. من بارها به جوانها می گویم آن وقت که ما درس می خواندیم کسی به ما تذکر نمی داد، امکانات محدود بود. الان حوزه های علمیه مجهز و کتابخانه ها هست. مختصری شهریه هم آقایان می دهند ولی بالاخره فرصت را مغتنم بشمارید. وقتتان را صرف درس و بحث و مباحثه کرده و غنای علمی پیدا کنید. تأکید می کنم شبهاتی که امروزه در مقابل اسلام و تشیع هست بایستی آقایان وارد شده و بتوانند با زبان و فرهنگ روز با تیپ دانشجو، و دانشگاهی و دیگر اقشار باسواد مسائل اسلام را بیان کنند.

خداوند ان شاء الله درجات آقای یثربی را عالی کند و من وفات ایشان را به خانواده و فرزندان عزیزشان و دیگر بازماندگان بخصوص آیت الله آقای حاج سید محمد ابطحی کاشانی خواهرزاده آن مرحوم تسلیت می گویم. خداوند ان شاء الله به همه بازماندگان ایشان صبر و اجر عنایت بکند و همه رفته گان خاک را مشمول رحمت و اسعه خودش قرار بدهد و عاقبت همه ما را هم ختم به خیر بفرماید.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

۱۳۸۵/۷/۱۰

دفتر آیت الله العظمی منتظری

پاسخ به پرسشی پیرامون انتساب مناظره میان معظم له و دکتر سینا

۱۳۸۵/۷/۲۵

﴿ بسمه تعالی ﴾

جناب آقای سید سلمان علوی وفقکم الله لمرضاته
با سلام و تحیت و آرزوی توفیق برای شما در خدمت به اسلام و تشکر از پیگیری
مسائل مربوطه.

پس از آگاهی یافتن حضرت آیت الله العظمی منتظری از نوشته ارسالی در
موضوعات مختلف و با عنوان «مناظره میان آیت الله العظمی منتظری و دکتر علی
سینا» معظم له فرمودند: اینجانب چیزی را به عنوان مناظره مذکور به خاطر ندارم، این
چگونه مناظره‌ای است که:

۱- قطع نظر از صحت و سقم مطالب آن، مشحون از اهانت به ساحت مقدس
پیامبر اکرم اسلام ﷺ است در حالی که در مناظره صحیح باید هر کدام از طرفین آن با
حفظ اصول اخلاقی، مدعای طرف مقابل را نقض یا مقدمه دلیل او را منع کرده و یا هم
عرض دلیل او بر ادعای خویش دلیل بیاورد.

۲- در مناظره باید مقدمات دلیلی که هر کدام از دو طرف اقامه می نماید مورد
پذیرش برای طرف مقابل باشد. حال اینکه در بسیاری از موارد نوشته مزبور استناد به
احادیثی از کتاب صحیح بخاری از کتب عامه شده است که طبعاً مورد تسلیم و اعتماد
طرف مقابل یعنی معظم له که یک مرجع شیعی می باشند نبوده و نمی تواند به عنوان
اصل موضوع پذیرفته شده و تکیه گاه در استدلال بر ردّ نظر و مدعای معظم له تلقی
گردد.

۳- در فایل اول نوشتار یاد شده، در هفت صفحه، با نام «سن پایین عایشه» مطالبی همراه با تفصیل از سوی فرد مزبور و به عنوان یک طرف مناظره نقل گردیده و از معظم‌له به عنوان طرف دیگر مناظره مطالبی جسته گریخته ذکر شده است.

۴- در فایل دوم آن، در حدود یازده صفحه، با نام «جنگ‌های پیغمبر» با اینکه در صدرش آن را به عنوان مناظره با معظم‌له مطرح کرده است ولی در هیچ جایی از آن از معظم‌له سخنی را نقل نکرده است جز یک مورد که آن هم تنها یک سطر است که به دروغ در آن گفته شده که معظم‌له جنگ‌های پیامبر اسلام را دفاعی نمی‌دانند بلکه پیامبر ﷺ را مهاجم می‌دانند در حالی که معظم‌له معتقدند تمامی جنگ‌های پیامبر اسلام ﷺ حالت دفاعی داشته است. تعجب است از مناظره‌ای که طرف ندارد جز در یک مورد دروغین و تهمت‌زا.

۵- در فایل سوم آن، در دوازده صفحه، با نام «قتل عام یهودیان» نیز تنها چهار سطر به عنوان سخنان معظم‌له ذکر گردیده و باقی آن سخنانی منسوب به فرد مزبور می‌باشد.

۶- در بخش آخر نوشته ارسالی فایلی با نام «زن ستیزی» در هفده صفحه است که اساساً عنوان مناظره با معظم‌له را هم ندارد.

حال با توجه به نکات ذکر شده این چه نوع مناظره‌ای می‌باشد که مدعی آن یک طرف آن را سربلند پنداشته است. این مانند آن است که کسی یک طرفه و بدون طرف دیگر دعوا به قاضی رفته و خوشحال و سربلند درآمده است. چنان‌که در آخرین فایل بدین‌گونه به محکمه قضا رفته شده است!!

کسی که آن نوشتار را به عنوان مناظره تنظیم کرده است یا مفهوم مناظره را نمی‌داندسته و یا در ارائه مصداق آن مغالطه نموده و یا طرف مقابل خود را نشناخته و یا خوانندگان را نادان فرض کرده است و در هر صورت ادب مناظره را نیز که تحفظ بر اصول اخلاقی و احترام به اعتقاد طرف مقابل است رعایت ننموده است.

متأسفانه در عصر حاضر که عصر اطلاعات و شبکه‌های وسیع و مختلف رسانه‌ای

است و می‌بایست با اطلاع‌رسانی صحیح بیش از پیش حقایق آشکار و ممتاز گردند
القاء شبهات ویرانگر و تهمت‌های ناروا در بخش‌های مختلف فرهنگی، دینی،
سیاسی افزایش پیدا نموده است.

جوانان باید خود بر این نکته آگاهی یافته و مطالب به‌ویژه علوم و معارف اسلامی
را از مخازن اصلی آن دریافت نمایند.

ان شاء الله موفق باشید

۱۳۸۵/۷/۲۵

دفتر آیت‌الله العظمی منتظری

پیام تسلیت به مناسبت ارتحال آیت‌الله العظمی حاج شیخ میرزا جواد تبریزی

۱۳۸۵/۸/۳۰

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

﴿ انا لله و انا اليه راجعون ﴾

﴿ اذا مات المؤمن الفقيه تلم في الاسلام تلمة لا يسدها شيء ﴾

(کافی، ج ۳۸/۱)

با کمال تأسف خبر ناگوار درگذشت عالم ربانی و مرجع بزرگوار حضرت آیت‌الله آقای حاج میرزا جواد تبریزی -اعلی‌الله مقامه- را دریافت و بسیار متأثر شدم. عالم متعهدی که عمر شریف خویش را در راه تعلیم و تدریس علوم دینی و تربیت طلاب و دفاع از حریم اسلام عزیز و مکتب اهل بیت عصمت و طهارت -سلام‌الله علیهم اجمعین- سپری نمود و بسا با بی‌مهری‌هایی نیز مواجه شد. این جانب این مصیبت را به حضرت ولی عصر -عجل‌الله تعالی فرجه الشریف- و حضرات مراجع و علماء اعلام و حوزه‌های علمیه و شاگردان معظم‌له و خانواده محترم و فرزندان و علاقه‌مندان ایشان تسلیت می‌گویم. و از خداوند کریم رحیم برای معظم‌له رحمت واسعه الهی و علو درجات و حشر با ائمه طاهرین -سلام‌الله علیهم- و برای همه اهل بیت و فرزندان محترم و علاقه‌مندان ایشان صبر جمیل و اجر جزیل و توفیق خدمت به اسلام عزیز را مسألت می‌نمایم. والسلام علی جمیع الاخوة و الاخوات و رحمة الله و برکاته.

۲۹ شوال ۱۴۲۷ - ۱۳۸۵/۸/۳۰

حسینعلی منتظری

پاسخ به سؤالات مجله عراقی «قطوف» دربارهٔ اوضاع عراق

۱۳۸۵/۹/۳

حضرت آیت الله العظمی منتظری

ضمن تشکر، مستدعی است به سؤالات مجله «قطوف» پاسخ فرمائید:

جنگ داخلی در عراق و ریشه‌های عقیدتی آن

سؤال ۱- نظر جنابعالی نسبت به اوضاع جاری عراق چیست؟

سؤال ۲- به نظر شما آیا آنچه در عراق جریان دارد یک امر طبیعی است که پس از سقوط هر نظام

طاغوتی و استبدادی پیش می‌آید، یا اینکه نتیجهٔ دخالت‌های بیگانه در اسقاط نظام طاغوتی می‌باشد؟

﴿ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ﴾

[نگرانی از تجزیهٔ عراق در اثر تشدید جنگ شیعه و سنی]

ج ۱ و ۲- اوضاع جاری در عراق و تشدید جنگ طائفی بین شیعه و سنی که در اثر آن هر روز شاهد ریخته شدن خون افراد بیگناه می‌باشیم موجب تأسف و ناراحتی برای هر انسان با غیرتی شده است، اعم از عراقی و غیرعراقی. شکی نیست که ادامهٔ این وضع اسفناک برای ملت و دولت عراق خطرناک می‌باشد و خدای ناکرده ممکن است به تجزیه عراق منتهی گردد. چیزی که به نفع اجانب اشغالگر می‌باشد و آنان در صدد آن بوده‌اند.

[ریشه‌های جنگ سنی و شیعه در عراق پس از صدام]

البته پس از سقوط نظام طاغوتی صدام و منحل شدن ارتش و دستگاه‌های امنیتی

بعثی و آزاد شدن مردم و گروههای مذهبی و سیاسی که مورد فشار و سرکوب شدید قرار داشتند، تضارب افکار و اندیشه‌ها امری طبیعی می‌باشد که چاره‌ای از آن نیست؛ اما از آنجا که نظام صدام خود را منتسب به اهل سنت می‌دانست، شاید اکنون که ساقط شده است، اهل سنت احساس کنند که ممکن است به طور کلی از قدرت و حکومت منعزل شوند و تمام قدرت در دست شیعیان بیفتد و نیز ممکن است اهل سنت گمان کنند که شیعیان در صدد انتقام از آنچه بر آنها در نظام سابق گذشته است برآیند.

به نظر می‌رسد این احساس، منشأ اصلی جنگهای داخلی بین شیعه و سنی می‌باشد. و از بین بردن این احساس باطل، وظیفه مراجع عظام و علماء و متفکرین و سیاسیون و شیوخ عشائر عراقی است. آنان می‌توانند این احساس خطر کاذب را - که در اهل سنت به وجود آمده است - از بین ببرند.

[وظیفه شیعیان در تعامل با اهل سنت]

از طرف دیگر گروهها و تشکلهای و احزاب شیعی و تمام شیعیان عراقی که در نظام ساقط شده صدام تحت فشار و انواع محنتها و سختیها قرار داشتند و اکنون نجات پیدا کرده و تا حدودی به قدرت رسیده‌اند، لازم است در تعامل و روابط خود با اهل سنت به شکلی برخورد نمایند که این احساس باطل در آنها تقویت نشود و آنان خیال نکنند که اکنون شیعیان در صدد انتقام از آنان می‌باشند. بدیهی است تقویت این احساس موجب شعله‌ور شدن بیشتر جنگ داخلی و گسترش آن خواهد شد. در چنین شرایطی لازم است ملت مظلوم عراق، حکومت مردمی و منتخب خود را تقویت کند و از هر آنچه موجب فتنه و اختلاف داخلی و جنگ طائفی می‌باشد، پرهیز نماید.

از حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) نقل شده که فرمودند: «شیر سرکش از سلطان و حاکم ظالم بهتر است. و حاکم ظالم از فتنه دائمی و مستمر بهتر می‌باشد.» ملت مظلوم عراق بدانند که

ادامه جنگهای داخلی موجب استمرار اشغال آن کشور و از بین رفتن نیروهای مفید و فعال و نیز از بین رفتن ثروت و سرمایه‌های کشور خواهد شد.

[عدم تناسب ولایت فقیه با شرایط اجتماعی عراق]

سؤال ۳- به نظر جنابعالی آیا نظریه و طرح ولایت فقیه یا شورای مراجع در عراق قابل تحقق می‌باشد؟

ج ۳- نظریه ولایت فقیه و شورای مراجع با طبیعت و ساختار کشور عراق که از اقوام و طوایف و صاحبان ادیان و مذاهب مختلف و گوناگون تشکیل شده است مناسبت ندارد.

بلی اگر اکثریت قاطع مردم عراق خواهان تشکیل و تأسیس حکومت دینی باشند، به نحوی که قوانین مصوب در پارلمان با احکام شریعت مخالفتی نداشته باشد، باید: اولاً- شکل حکومت دینی را به نحوی که با ساختار مردم عراق متناسب باشد معین نموده و در قانون اساسی به آراء مردم برسانند.

و ثانیاً- علماء عراق اعم از شیعه و سنی هیأتی از رجال دین را به مردم پیشنهاد کرده تا آن هیئت پس از انتخاب آنان توسط مردم، بر قوانین مصوب پارلمان نظارت نمایند.

[مطلوبیت تعدد مرجعیت و احزاب در عراق]

سؤال ۴- به نظر حضرتعالی تعدد مرجعیت و تعدد احزاب، آیا امر مطلوب و مفیدی است برای کشور عراق یا خیر؟

ج ۴- اصولاً تعدد مرجعیت و تعدد احزاب فی نفسه از آن جهت که زمینه تضارب افکار و تکثر اندیشه می‌باشد امر مطلوبی است، اما به شرط آنکه موجب تصادم و اختلاف و تضعیف یکدیگر نشوند. بلی امر تقلید، موضوع دیگری است که شرایطی دارد، و از آن جمله: اعلم بودن مرجع است، و باید بدون هرگونه ملاحظات سیاسی و قومی مراعات گردد.

[چگونگی برخورد با اشغال عراق]

سؤال ۵- به نظر جنابعالی با موضوع اشغال عراق توسط قوای اجانب چگونه باید برخورد شود، با کار سیاسی یا مبارزه مسلحانه؟

ج ۵- به نظر اینجانب بهترین راه برخورد با موضوع اشغال عراق، ایجاد زمینه‌های سیاسی برای مردم عراق و آگاه ساختن آنان، و نیز تقویت و حمایت حاکمیت منتخب مردم و حضور مردم در صحنه سیاسی کشور و وحدت کلمه آنان و از بین بردن جنگ داخلی می‌باشد، زیرا در این شرایط است که افکار عمومی داخل و خارج کشور، زمینه خروج نیروهای خارجی را فراهم می‌کند.

[چگونگی نجات عراق از تفکر سلفی‌گری (وهابیت)]

سؤال ۶- پس از اشغال عراق، تفکر ارتجاعی سلفی رشد پیدا کرد. به نظر شما چگونه می‌توان مردم عراق را از عوارض و عواقب منفی این تفکر که موجب فساد در آن کشور شده است نجات داد؟

ج ۶- متأسفانه تفکر منفی سلفی که در زمان ما فرقه «وهابیت» و «القاعده» مظهر بارز آن می‌باشند، خود را به اسلام منتسب کرده و تاکنون در اثر ترویج خشونت و ترور، ضربه‌های زیادی به اسلام عزیز وارد ساخته و آن را در دنیا موهون نموده است. از این رو بر علماء دین و متفکرین و سیاسیون و روشنفکران مذهبی در هر منطقه و کشوری لازم است حساب این فرقه و این تفکر خطرناک را از اسلام جدا سازند و اسلام واقعی و حقیقی که دین رحمت و صلح و آزادی است را به مردم معرفی کرده، و مسلمانان گرفتار این تفکر را بیدار نمایند.

[خطر تشدید جنگ داخلی و تجزیه عراق و نقش علمای عراقی در رفع خطر]

سؤال ۷- حضرتعالی چه نصایح و رهنمودهایی برای مردم عراق، اعم از طلاب علوم دینی و دانشگاهیان و روشنفکران آن کشور دارید؟

ج ۷- یک بار دیگر تکرار کرده و در مورد خطر جنگ داخلی جاری در کشور عراق را هشدار می‌دهم و متذکر می‌شوم که ادامه آن، کلیت دین را در عراق و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی را به خطر می‌اندازد. و این همان چیزی است که استعمارگران نسبت به کشورهای اسلامی از قدیم در صدد آن بوده‌اند.

و با اظهار تأسف شدید، در عراق، کار به جایی رسیده است که هدف اصلی و مهم برای هر کدام از شیعه و سنی، کشتن یک دیگر به دست خود می‌باشد. و خدا می‌داند این روند خونین و خطرناک تا کجا و تا کی ادامه خواهد داشت؟

در چنین شرایط حساسی بر همه طبقات ملت عراق، اعم از مسلم و غیرمسلم واجب است کشور خود را از خطر تجزیه و اضمحلال و نابود شدن نیروهای معنوی و مادی حفظ کنند.

و شیعه و سنی و سایر مذاهب بدانند تا زمانی که جنگ داخلی و قومی در کشور عراق جریان داشته باشد نیروهای نظامی اجانب، به بهانه حفظ امنیت در این کشور باقی خواهند ماند.

در خاتمه، کلمه‌ای را خدمت مراجع عظام و علمای محترم عراق ایدهم‌الله تعالی عرض می‌کنم و آن، اینکه از نفوذ معنوی خود استفاده کنند و به هر نحو که مصلحت می‌بینند زمینه اختلافات و خصومات مذهبی که منشأ اصلی جنگ داخلی جاری است را از بین ببرند. موفقیت در این کار مهم اقتضا می‌کند که آن حضرات با رجال دین و عالمان اهل سنت مخصوصاً آنهایی که نفوذ بیشتری در بین اهل سنت دارند یک تعامل جدی داشته باشند و برای متوقف نمودن این جنگ داخلی و ایجاد فضائی از صلح و وفاق آنگونه که خدای متعال در قرآن شریف امر کرده و فرموده: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلْمِ كَافَّةً﴾ (سوره بقره، آیه ۲۰۸) با یکدیگر تبادل نظر و تشریک مساعی نمایند.

امروز علمای محترم شیعه در عراق قدرت بر این امر را دارند و در توان آنان

می باشد که با تدبیر و شرح صدر در این کار مهم که تنها راه نجات کشور از فتنه ها و خونریزی ها است پیشقدم شوند.

و بر رجال حکومتی عراق نیز فرض و لازم است که با تدبیر و کیاست از نفوذ معنوی و سیاسی دولت های همسایه و مجاور برای متوقف نمودن جنگ داخلی عراق و ایجاد زمینه صلح و آرامش در آن کشور و در منطقه و نیز اخراج نیروهای نظامی اجانب استفاده کنند.

در پایان برای شما آرزوی توفیق در جهت خدمت به اسلام و یاری حق و عدالت را دارم.

از خدای متعال نصرت و عظمت اسلام و مسلمین را مسألت دارم.
والسلام علی جمیع الاخوة والاختوات و رحمة الله و برکاته.

دوم ذی القعدة ۱۴۲۷

قم المقدسة - حسینعلی منتظری

« ۲۴ »

پاسخ به سؤالات سایت اینترنتی «شهروند»

۱۳۸۵/۹/۱۱

حضرت آیت الله العظمی منتظری

با عرض سلام و عرض ادب

پیرو گفت و گوی تلفنی با دفتر حضرت تعالی در مورد درخواست «شهروند» برای گفت و گو، فرمودند که از طریق ایمیل یا فکس سؤالات را برایتان ارسال کنیم تا به سؤالات پاسخ دهید.
با تشکر - سردبیر شهروند

* نظر حضرت آیت الله در مورد نظرات اخیر آقای مصباح چیست؟ آیا نظرات ایشان را خطری برای دین و انقلاب می دانید؟

[درباره آقای مصباح یزدی، استفاده ابزاری از دین، آینده حکومت دینی، ریشه عقب ماندگی، بازجویی، برخورد با جوانان و روابط دختران و پسران]

﴿ بسمه تعالی ﴾

پاسخ - با سلام و تحیت

اطلاع زیادی از نظرات ایشان ندارم.

* آقای دکتر سروش نیز چندی پیش گفتند که من نه آقای مصباح را فقیه می دانم نه فیلسوف و نه

حتی عالم. آیا با این نظر دکتر سروش موافقت می کنید؟

پاسخ - موافقت یا مخالفت من نه ثمره علمی برای شما دارد و نه ثمره عملی. و اصولاً این گونه سؤالات دامن زدن به اختلافات می باشد.

* از این بحث بگذریم، آیا شما مبانی حقوقی اسلام را به عنوان مبانی حقوق عمومی کشور به رسمیت می شناسید؟

پاسخ - مبانی حقوقی اسلام اگر به شکل صحیح فهمیده و اجتهاد و اجرا شود قابل به رسمیت شناختن برای جوامع می باشد.

* با توجه به سوء استفاده از دین در دست قدرتها بخصوص در دوران قرون وسطی، آیا این مطلب در مورد ایران و اسلام اتفاق نیفتاده است؟

پاسخ - در هر زمانی چه قبل از اسلام یا بعد از آن در هر کشور و منطقه ای، اگر دین ابزار سیاسی در دست قدرتهای حاکمه شود خطرناک است. و متأسفانه در دوران خلافت امویان و عباسیان و بعد از آنها این جریان اتفاق افتاد و ضربه های زیادی به اسلام و مردم مسلمان وارد ساخت.

* به نظر شما عاقبت حکومت دینی در ایران به کجا خواهد کشید؟

پاسخ - خدا می داند، اما اگر نارضایتی ها زیادتر و فاصله بین حاکمیت و مردم بیشتر شود احساس خطر می شود. و ضربه بزرگی نیز به نظریه حکومت دینی وارد می شود.

* ریشه عقب ماندگی در ایران را کجا می بینید؟

پاسخ - ریشه عقب ماندگی در هر کشوری جهل و فقر فرهنگی مردم و تحقیر آنان توسط حاکمیت ها می باشد.

* نظرتان راجع به برخوردهای قرون وسطایی با جوانان در ایران چیست؟ این برخوردها در اسلام چه جایگاهی دارد؟

پاسخ - اسلام با برخوردهای خشن و غیرمنطقی و غیرعادلانه با هر شهروندی مخالف است، بخصوص جوانان که سرمایه‌های معنوی کشور می‌باشند.

* آیا در فقه اسلامی و مذهب شیعه مسأله منکرات و برخورد با آن مطرح شده است؟
پاسخ - امر به معروف و نهی از منکر از فرایض مهم اسلام است، ولی مطلق و بدون شرایط نیست. باید تمام شرایط و مراتب آن رعایت شود، و در غیر این صورت مشروعیت ندارد. و چه بسا اگر به شکل غیرمنطقی و غیرعقلانی باشد آثار سوء و منفی خواهد داشت.

* آیا اسلام دستور بازجویی و نفوذ به خانه‌های مردم و دخالت در مسائل خانوادگی آنها را می‌دهد؟

پاسخ - دخالت در امور شخصی و خانوادگی مردم و یا اطلاع از آنها به هر نحو باشد جایز نیست و مصداق «منکر» می‌باشد که قابل پیگیری شرعی و قانونی خواهد بود.

* از نظر دین اسلام می‌شود از دختر و پسرهایی که بیرون از منزل با هم به تفریح رفته‌اند بازجویی کرد؟

پاسخ - اگر شئون اسلامی را مراعات نکنند، در حد ارشاد با منطق و دلیل بین اشکالی ندارد؛ اما برخوردهای خشن و غیراصولی جایز نیست و آثار منفی و بدتری در پی دارد.

* آیا مجوز استفاده از خشونت در منکرات وجود دارد؟

پاسخ - از جوابهای قبلی روشن می‌شود.

[محدودیت‌های سخت برای مجازات تازیانه و قصاص و سایر حدود]

* جایگاه حدود اسلامی مانند تازیانه و اعدام و سنگسار در حقوق ایران چیست؟

پاسخ - تفصیل در نامه نمی‌گنجد، اما اجمالاً احراز شرایط اجرای حدود اسلامی بسیار سخت است به نحوی که بندرت زمینه تحقق آنها در جامعه پیدا می‌شود. و بعضی از مجازاتها برفرض ثبوت شرایط آنها اگر آثار سوئی در دنیا برای اسلام داشته باشد و موجب تنفر مردم از اسلام بشود حاکم اسلامی باید مانع اجرای آنها بشود.

* ضعف‌های سیستم اسلامی مانند مجازاتهای اعدام را چگونه با شرایط جهان امروز تفسیر می‌کنید؟

پاسخ - اولاً در سیستم قضایی اسلام، اعدام در مورد قصاص نفس از جمله حقوق مقتول و اولیای او می‌باشد و سلب این حق مجوزی ندارد. البته اسلام راه عفو و گذشت را نیز باز نموده، بلکه آن را بهتر دانسته و مورد تشویق قرار داده است. (که تفصیل آن در نامه نمی‌گنجد.)

و در مورد غیر قصاص نفس، علاوه بر اینکه بسیار محدود است، مشروط به شرایطی سخت و نادر می‌باشد و مربوط است به جایی که حق یا حقوق مهمتری تضییع شده باشد، نظیر فرد یا گروه محاربی که در حقیقت جنگ با خدا و رسول مردم را تدارک دیده و عالماً عامدا وارد آن شده است. و ثانیاً اعدام در موارد خاصی در سیستم قضائی جوامع متمدن نظیر آمریکا نیز وجود دارد، و منحصر به اسلام نمی‌باشد.

* آیا نظرات شما مورد تایید علمای اسلام و مسؤولین حکومتی می‌باشد؟ آیا این دیدگاهها

دیدگاه غالب مسؤولین اجرایی است؟

* آیا رهبر ایران با این دیدگاهها موافق است؟

پاسخ - از خود آنان سؤال نمایید.

* در صورتی که خودتان مسئولیت اجرایی داشتید همه این اعتقادات را اجرا می‌کردید؟
پاسخ - اکنون که چنین مسؤلیتی ندارم. ضمناً منظور شما از «اعتقادات» مجمل و نامفهوم است. اگر منظورتان تذکراتی است که در مورد حفظ حقوق مردم در گذشته و حال به مسؤولین داده و می‌دهم، جواب شما مثبت است، و گذشته این جانب که تا حدودی قدرت داشتم دلیل آن می‌باشد.

* با داشتن این دیدگاه در ایران احساس خطر جانی یا غیره نمی‌کنید؟ آیا تا به حال تهدید شده‌اید؟ از طرف چه کسی یا گروهی؟
پاسخ - عوارض دیدگاههای خود و اظهار آنها را علاوه بر احساس، عملاً سالهاست تحمل کرده و می‌کنم.

* آیا مایلید در میزگردی در کانادا یا آمریکا با حضور رهبران ادیان دیگر شرکت کنید و از اعتقاداتتان دفاع کنید و به سؤالاتشان پاسخ دهید؟
پاسخ - با شرایط جسمی و ضعف حالی که دارم امکان چنین میزگردی برای من وجود ندارد، اما امکان پاسخ به سؤالات دینی رهبران ادیان دیگر تا حدودی وجود دارد.

* در پایان هر پیشنهاد یا انتقادی به مسؤولین مملکتی و نیروهای نظامی و انتظامی و دادگاههای ایران دارید بفرمایید.

پاسخ - نظریات انتقادی یا پیشنهادی این جانب در دو جلد کتاب «دیدگاهها» جمع‌آوری شده و در سایت من نیز وجود دارد. در صورت تمایل مراجعه نمایید.
 ان شاء الله موفق باشید.
 والسلام علیکم ورحمة الله.

۱۳۸۵/۹/۱۱

حسینعلی منتظری

مصاحبه خبرنگار نشریه «فرانکفورتر آگ ماینه» آلمان

۱۳۸۵/۹/۲۵

* افتخار بزرگی است که مرا به حضور پذیرفتید. خیلی از شما متشکرم. حضرتعالی در نوشته‌هایتان از اولین کسانی بودید که راجع به ولایت فقیه مطالبی نوشتید و نظریه خودتان را در این مورد اعلام کردید. ظاهراً یک سری اصلاحات و تغییراتی در نظریاتتان پیش آمد. مبنای این تغییرات کجا بود، چه چیزی باعث شد که این تغییرات صورت بگیرد، و اگر ممکن است برای ما بگویید که این تغییرات به چه سمت و سوی پیش می‌رود؟

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

[ولایت فقیه و پذیرش مردم]

تغییراتی در نظریات بنده نبوده، از اول نظر من یک جور بود. نظریه ولایت فقیه را قبل از من آیت‌الله خمینی علیه السلام در نجف که بودند سیزده درس راجع به آن گفتند، که درسهای ایشان در ایران پخش شد و این خود برای طرح مسأله ولایت فقیه زمینه شد. بحث ولایت فقیه از آیات و روایات استفاده می‌شود و دارای پشتوانه علمی است. اجمالاً ولایت فقیه را قبول داریم، نه به این گونه‌ای که آقایان به مطلقه رسانده‌اند و اینکه ولی فقیه همه کاره باشد. ما مسلم می‌دانیم که اصل حکومت برای مردم لازم است و حاکمیت هم مادامی که پایگاه مردمی نداشته باشد فایده ندارد. بایستی مردم آن را بپذیرند. دستورات دین مقدس اسلام منحصر در مسائل عبادی و اخلاقی نیست، بلکه اسلام برای همه نیازهای بشری و از جمله حاکمیت و شرایط آن دستور و برنامه دارد. چون اکثریت مردم ایران مسلمانند و به موازین اسلامی ملتزمند، ما از

کتاب و سنت برای حاکمیت بر مسلمین شرایطی را استفاده می‌کنیم که بسا عقل هم با آنها مساعد باشد.

[شرایط زمامدار در اسلام]

اگر فرض کنیم امر دائر شود بین اینکه یک نفر عالم به موازین اسلامی حاکم باشد یا یک نفر غیر عالم. پیداست عالم به موازین اسلامی مقدم است؛ چون مردم مسلمانند و می‌خواهند کشور مطابق موازین اسلامی اداره شود.

قرآن هم می‌فرماید: ﴿هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾: «آیا آنهایی که عالم‌اند با آنهایی که عالم نیستند یکسانند؟! آدمهای عاقل این را می‌دانند.»

در سوره یونس (آیه ۳۵) خدا می‌فرماید: ﴿أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَى﴾: «آیا کسی که مردم را به حق هدایت کند سزاوار پیروی است یا کسی که دیگران باید او را هدایت کنند؟»

امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه ۱۷۳ نهج البلاغه می‌فرماید: «إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِهَذَا الْأَمْرِ أَقْوَاهُمْ عَلَيْهِ وَعَلِمَهُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ فِيهِ»: «همانا سزاوارترین مردم به امر حاکمیت، تواناترین ایشان بر آن و داناترین آنان به فرمان خدا در آن.»

بنابراین اگر بنا باشد مطابق موازین اسلامی حاکمیت برپا شود، باید حاکم آگاه به موازین اسلام، مدیر، مدبر، شجاع و عادل باشد و حریص و طماع نباشد. اینها شرایطی است که ما در کتاب ولایت فقیه - که چهار جلد عربی و ترجمه به فارسی هم شده - ذکر کردیم. هر عاقلی می‌فهمد عالم بر غیرعالم مقدم، و مدبر و مدیر بر غیرمدبر و مدیر و عادل بر غیرعادل مقدم است. اما در عین حال حاکمیت بر مردم، چون اساسش مردمند باید با رأی و نظر مردم شکل گیرد. حتی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هم بعد از آنکه مردم با ایشان بیعت کردند حاکم شدند. امام حسن مجتبی علیه السلام در نامه‌ای به معاویه می‌فرماید: وقتی که پدرم از دنیا رفت «ولانی المسلمون الامر من بعده» مسلمانها

مرا والی قرار دادند. پس معلوم می‌شود تحقق ولایت از ناحیه مردم است. پس از پیامبر ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام مردم چون مسلمانند و متعهد به موازین اسلامند، شرایطی که اسلام در کتاب و سنت برای حاکم ذکر کرده اگر در فقهی وجود داشت، با رأی و نظر مردم حاکم می‌شود.

[ولایت فقیه، نظارت ایدئولوگ اسلامی است]

ما در مجلس خبرگان که بودیم مثال می‌زدیم و می‌گفتیم که مردم شوروی از باب اینکه مارکسیست بودند طبیعی است کسی را که ایدئولوگ مارکسیسم باشد سرکار می‌آوردند، برای اینکه می‌خواستند کشورشان بر اساس موازین مارکسیسم اداره شود. ما هم چون مسلمانیم و اسلام منحصر در امور عبادی و اخلاقی نیست موازین حکومت، اقتصاد و سیاست را هم متعرض است، بنابراین آن کسی که حاکم می‌شود بایستی -بجز عدالت و مدیریت- به موازین اسلامی هم عالم باشد. تأکید می‌کنم حتماً باید مردم او را انتخاب کنند، و پس از انتخاب هم مردم ناظر بر حاکمیتش باشند. خودسرانه کار نکنند، بلکه طبق موازین اسلام عمل کنند.

[پیامبر و ائمه هم ولایت مطلقه ندارند]

حتی پیغمبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام هم ولایت مطلقه به این معنی نداشتند. قرآن می‌فرماید: ﴿فَأَحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ﴾ پیامبر بر طبق آنچه که به او دستور داده می‌شود باید عمل کند. این نظر ما در ولایت فقیه است. اما ولایت مطلقه‌ای را که آقایان در بازنگری اضافه کردند من این را قبول نداشتم و به آن رأی هم ندادم.

[نفی شاخص بودن فرد در حکومت]

معنی این ولایت مطلقه فقیه که آقایان می‌فرمایند این است که یک نفر به عنوان شاخص قرار داده شود و در همه امور دخالت کند و کسی هم حق نداشته باشد به

خطاها اعتراض کند. در صورتی که حتی امیرالمؤمنین علیه السلام با اینکه ما آن حضرت را معصوم می‌دانیم در خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه می‌فرمایند: «فَلَا تَكْفُوا عَنْ مَقَالَةٍ بِحَقِّ اوْ مَشُورَةٍ بَعْدَ فَاْتِي لِسْتُ فِي نَفْسِي بِفَوْقِ اَنْ اُخْطِئُ»: «شما خودتان را باز ندارید از گفتار حق و مشورت عادلانه، برای اینکه من فوق خطا نیستم.» بایستی مردم حاکم را راهنمایی و هدایت کنند تا به استبداد نرسد.

* در مورد نظریه شما در مورد ولایت فقیه، چند نفر از آیات عظام در قم و در جهان تشیع هستند که نظر شما را قبول دارند؟

[ولایت فقیه را علما قبول دارند چون اختراعی نیست]

آقایان نوعاً و اجمالاً ولایت فقیه را قبول دارند. این نظریه اختراعی نیست، چون از کتاب و سنت استفاده می‌شود. از گذشته مسأله ولایت فقیه مطرح بوده ولی به صورت مدوّن در کتابها کمتر بوده است. مرحوم آیت‌الله خمینی در این زمینه در نجف سیزده درس گفتند، بعداً هم در مجلس خبرگان مطرح شد، چیز تازه‌ای نیست.

[مردم اساس حاکمیت‌اند]

من از همان اوّل نظرم این بود که اساس حاکمیت مردمند. مرحوم آیت‌الله خمینی نیز می‌فرمود: میزان رأی ملت است. حالا آقایان دم از رأی ملت می‌زنند اما انتخاباتشان تقریباً به انتصابات منجر می‌شود!

* حضرت‌عالی چه توصیه‌ای برای مردم عراق دارید، با توجه به ناآرامی‌هایی که در آن کشور هست؛ و چه درسی را می‌شود از این تاریخچه‌ای که در ایران بوده گرفت و به مردم عراق داد که زودتر به صلح و آرامش برسند و این درگیریها کمتر بشود؟

[اسلام با ترور و اجبار در عقیده مخالف است]

مردم عراق شیعه و سنی چون همه مسلمانند بایستی بر طبق موازین اسلامی عمل کنند. این قتل عامها و ترورهایی که انجام می شود همه مخالف موازین اسلام است. از پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده که فرمودند: «الاسلام قید الفتک» یعنی: «اسلام ترور را منع می کند.» وقتی که ابن زیاد آمد در کوفه، یاران امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام در آنجا با مسلم بن عقیل صحبت کردند که در مجلسی که ابن زیاد می آید او را ترور کند اما مسلم بن عقیل او را ترور نکرد، پرسیدند چرا او را ترور نکردی با اینکه ابن زیاد شری بود که ریشه اش باید برداشته شود؟ در جواب گفت: من یادم آمد که پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «الاسلام قید الفتک». بنابراین این ترورهایی که برخی گروهها به اسم اسلام انجام می دهند آبروی اسلام را می برند؛ اسلام با ترور اشخاص مخالف است، و قرآن هم درباره آزادی و عدم اکراه می گوید: ﴿لَا اِكْرَاهَ فِي الدِّينِ﴾: «در دین اکراه و اجبار نیست.» همچنین می فرماید: ﴿لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِي دِينٌ﴾.

[تفاهم ملی و رأی اکثریت راه نجات عراق]

قاعده اش این است که مردم عراق اعم از شیعه و سنی، کرد و عرب، همه تفاهم کنند و یک حکومت طبق نظر اکثریت تشکیل دهند؛ چون نمی شود نظر همه افراد در حاکمیت اجرا شود. پس حتماً بایستی در رأی گیری ملاک اکثریت باشد، اکثریت هر نظر دادند به همان عمل کنند. گروهها و سلاقی مختلف باید منافع ملی کشورشان را ملاحظه نمایند. هر گروه از خواست های خودشان کمی کوتاه بیایند قطعاً به توافق می رسند. با جنگ و ترور کار به جایی نمی رسد. وضعیت عراق برای همه اهمیت دارد. من بارها درباره عراق مطالبی گفته ام و نوشته ام. البته در گذشته و تاریخ عراق حدود هشتاد سال حکومت دست اهل سنت بوده، با اینکه شیعه در عراق اکثریت دارند.

حالا بعد از سقوط صدام شیعه‌ها معتقدند چون اکثریت با آنهاست پس حاکمیت باید با نظر آنان باشد. در مقابل اهل سنت می‌خواهند همان‌گونه که هشتاد سال متصدی حاکمیت بودند در حال حاضر نیز حاکمیت دست آنان باشد!

البته دنیا عوض شده و در همه دنیا ملاک اکثریت است، ولی حقوق اقلیت هم باید حفظ شود حتی حقوق غیرمسلمانها مانند مسیحیها، یهودیها، مجوسیها و... چون درباره حفظ حقوق اهل ذمه دین اسلام خیلی تأکید کرده است.

* جنابعالی در صحبتهایتان به اختلافاتی که در شیعه و سنی هست اشاره کردید، با توجه به اختلافی که میان شیعه و سنی در عراق هست و شما می‌فرمایید باید توافق صورت گیرد، الان منازعات سیاسی که در لبنان هست باز هم ظاهراً بین یک گروه شیعه و دولت سنی است، به نظر شما چه جور گفتگویی باید صورت بگیرد بین اهل سنت و شیعیان تا اختلافها به حداقل برسد؟

[سیاست یک بام و دو هوای حاکمان ایران]

باید هر گروهی از انحصارطلبی بیرون آمده و دیگران را بپذیرند و به رسمیت بشناسند. متأسفانه در لبنان هم سیاستهای غلطی دنبال می‌شود. مخالفان با نافرمانی مدنی علیه دولت قیام کرده‌اند، مقامات ایران هم از نافرمانی مدنی آنها حمایت می‌کنند؛ حال آنکه در ایران خودمان اگر کسانی تجمع کنند یا حرفی بزنند می‌گویند این براندازی نظام است. در کار آقایان تضاد هست که میان داخل و خارج تفاوت قائل می‌شوند.

[حرمت ذاتی انسان و نفی اجبار در عقیده]

در لبنان و عراق همه باید تفاهم کنند. اسلام با اینجور مشاجرات مخالف است. عرض کردم قرآن فرموده: ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ﴾. این آیه به ما درس می‌دهد که در دین اکراه نیست و همه مسلمانها حق دارند، اهل کتاب هم حق دارند از این انسان بمانند.

انسان حرمت ذاتی دارد و با خشونت‌ها و ترورها حرمت انسان از بین می‌رود، هم در عراق هم در فلسطین. مردم مظلوم فلسطین را هم آواره کرده‌اند و هر روز مزاحمشان می‌شوند. گروه‌های فلسطینی هم اگر با تفاهم و دوستانه مسائل را حل می‌کردند کار به کشمکش بین آنان نمی‌رسید. طمع زیادی که بعضی گروه‌ها دارند افراد را تحریک می‌کنند و کار به اینجا می‌رسد که خود فلسطینی‌ها به روی هم اسلحه می‌کشند.

[لزوم تعامل و گفتگوی پیروان همه ادیان]

* بحث گفتگوی بین فرق مذهبی پیش آمد، شاید این سؤال من هم به نوعی به آن مرتبط باشد. می‌خواستم در مورد امکان گفتگو بین جهان اسلام و جهان مسیحیت صحبت کنید. مسلمانها با همه مذاهب حتی با یهود هم باید تعامل و گفتگو داشته باشند. البته ما با صهیونیسم مخالفیم اما با یهود هیچ مخالفتی نداریم. آنها هم تابع پیغمبر خدا حضرت موسی علیه السلام هستند. بنابراین تمام فرقی که معتقد به خدا هستند باید با هم تفاهم داشته باشند؛ به ویژه مسیحیان. قرآن می‌فرماید: ﴿لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِّلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَ لَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَّوَدَّةً لِّلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى ذَلِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ قِسِّيَّيْنَ وَ رُهْبَانًا وَ أَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ﴾. مسیحیها نوعاً استکبار ندارند گرچه بعضی از حکومت‌هایشان مستکبرانه عمل می‌کنند. ولی باید با پیروان اسلام بنشینند و در جهات مختلف اعم از سیاست و اقتصاد و... با هم هماهنگ باشند.

* آیا می‌توانیم از صحبت‌های شما چنین نتیجه‌گیری کنیم که می‌توان جلوی برخورد تمدنها را گرفت و لازم نیست برخوردی به وجود بیاید؟

[تفاهم تمدن‌ها و انسان‌ها به جای برخورد تمدن‌ها]

بله تفاهم تمدن‌ها باید باشد، بلکه تفاهم انسان‌ها. مولای ما امیرالمؤمنین علی علیه السلام در نامه‌ای که به مالک اشتر می‌نویسد می‌فرماید: «و لا تكوننَّ عَلَیْهِمْ سَبْعاً ضَارِياً تَغْتَمُّ أَكْلِهِمْ»

فإنهم صنفان إما أخ لك في الدين أو نظير لك في الخلق»: «با مردم همچون جانور درنده مباش که خوردن آنان را غنیمت شماری زیرا آنان دو دسته‌اند یا برادر دینی تو‌اند یا انسانی همچون تو در آفرینش.»

* نظرات جنابعالی به عنوان نظریات معتدل و میانه‌رو در جهان اسلام معروف است. من می‌خواهم بدانم که آیا رسانه‌ای یا کانال ارتباطی با مردم و با جهان اسلام دارید؟

[قربانی اعمال سانسور و محدودیت]

تنها کانال ارتباطی و اطلاع‌رسانی من سایت است که تا به حال سه مرتبه فیلتر شده. و نشریات و رسانه‌ها حق انتشار مطالب من را ندارند و اگر مطلبی منتشر کنند با آن نشریه برخورد قضایی می‌شود.

* با توجه به شرایطی که امروز هست وضعیت تدریستان و ارتباط شما با شاگردانتان چگونه است؟

البته با بالا رفتن سن انسان نمی‌تواند زیاد کار بکند ولی من شبهای سه‌شنبه، چهارشنبه و پنج‌شنبه از کتاب جامع السعادات نراقی - که کتاب خوبی است - درس اخلاق می‌گویم. با مردم هم ارتباط دارم. متأسفانه درب حسینیه شهدا که محل تدریس و برگزاری مراسم سوگواری و عزاداری بود بسته‌اند، دو تا عکس از آقایان به دیوارش نصب کرده‌اند و باعث بدبینی مردم نسبت به آنها شده‌اند. از نظر جا در مضیقه هستیم؛ و باید پرسید بستن درب حسینیه چیست؟

[رابطه دین و سیاست]

* سؤال آخر از حضور جنابعالی. شما فکر می‌کنید دین و امور حکومتی تا چه میزان باید با هم تداخل داشته باشند و تا چه میزان باید از همدیگر جدا باشند؟

من عرض کردم دین مقدس اسلام منحصر به مسائل عبادی و اخلاقی نیست، مسائل حکومت و سیاست و اقتصاد و... نیز در اسلام هست. بنابر همین مطلب است که آیت‌الله خمینی می‌گفتند کسی که بخواهد دین را از سیاست جدا کند نه دین را فهمیده است نه سیاست را. البته از دین نباید استفاده ابزاری کرد. آقایان متأسفانه استفاده ابزاری از دین می‌کنند، و الا اگر به موازین دینی ملتزم باشند و حقوق دیگران را رعایت کنند اشکالی پیش نخواهد آمد. سوء استفاده سیاسی از دین به دین ضرر می‌زند.

* من از صحبت‌های شما خیلی تحت تأثیر قرار گرفتم. از اینکه این فرصت را در اختیار من قرار دادید خیلی ممنونم. افتخار بزرگی بود برای من. امیدوارم خدا به شما سلامتی بدهد و همیشه سالم و سربلند باشید.

[خبرنگار امانت‌دار است]

ان شاء الله شما هم در کارتان موفق باشید. سعی کنید به عنوان خبرنگار واقعیات را منعکس کنید، خبرنگار امانت‌دار است و باید آنچه را مشاهده می‌کند گزارش کند. مبادا یک جایی تحت تأثیر جوّ قرار بگیرید و حقایق را منعکس نکنید. خبرنگاری شغل شریفی است اما به شرط اینکه امانت‌دار خوبی هم باشید. ان شاء الله موفق باشید.

بیانات معظم له در دیدار جمعی از علاقه‌مندان مرحوم مهندس بازرگان

۱۳۸۵/۱۰/۳۰

در سالگرد درگذشت آقای مهندس مهدی بازرگان دبیرکل نهضت آزادی ایران و نخست‌وزیر دولت موقت، اعضای شورای مرکزی نهضت آزادی و علاقه‌مندان مرحوم بازرگان از شهرهای مختلف پس از شرکت در مراسمی که در قم بر سر مزار آن مرحوم تشکیل شده بود با حضرت آیت‌الله العظمی منتظری دیدار و گفتگو کردند؛ مشروح این دیدار که با بیانات معظم له آغاز شد بدین شرح است:

﴿ اَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ﴾

﴿ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ﴾

﴿ وَ لَنْبَلُوْنَکُمْ بِشَیْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَ نَقْصِ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ. الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُّصِیْبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلّٰهِ وَ إِنَّا إِلَیْهِ رَاجِعُونَ. أُولَئِكَ عَلَیْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَ رَحْمَةٌ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ ﴾

[فضائل و سجایای مهندس بازرگان]

در آغاز، سالروز درگذشت مرحوم مهندس بازرگان را به شما برادران و خواهران و همه علاقه‌مندان، تسلیت می‌گویم درجانش عالی است، خداوند متعالی گرداند و به همه بازماندگان و علاقه‌مندان ایشان صبر و اجر عنایت کند. مرحوم مهندس بازرگان از افرادی بودند که واقعاً الگوی دیگران بود و در برهه‌ای

از زمان بسیاری از کسانی را که از دین بیگانه شده بودند به اسلام، دین و معنویت جذب کرد. آن مرحوم نسبت به دین و معنویت، مرد عمل بود. خاطره‌ای را در این خصوص قبلاً عرض کردم؛ یک وقتی در حسینیه ارشاد آقای میناچی یک عده‌ای را دعوت کرده بود از جمله: شهید مطهری، مرحوم شیخ نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی و مرحوم بازرگان و بنده در آن جلسه بودیم. جلسه‌ای بود که مباحث مختلف تاریخی، سیاسی و انتقادی مطرح می‌شد. ناگهان دیدیم مرحوم مهندس بازرگان در جلسه نیستند؛ بعد دیدیم رفته است گوشه‌ای سجاده‌اش را انداخته و چون وقت نماز بود داشت نماز اول وقت می‌خواند؛ مرحوم آقای مطهری گفتند: ما یک عده آخوند و روحانی اینجا نشستیم و مباحث بی‌فایده‌ای را مطرح می‌کنیم و مهندس رفته نمازش را اول وقت می‌خواند. - ان شاء الله من هم عرائضم را زودتر تمام می‌کنم آقایان هم به نمازشان می‌رسند - خلاصه اینکه ایشان وجودش واقعاً برای تمام نسل‌ها به‌ویژه نسل جوان جاذبه داشت. این‌گونه نیست که قدرت جذب افراد به دین و معنویت از آن روحانیون تنها باشد. ایشان مردی بود که در عین حالی که دانشگاهی، درس خوانده و سیاسی بود و متخصص در این امور بود با این حال به جهات دینی بسیار اهمیت می‌داد.

[تصدی حکومت ارزشی جز برای پیاداشتن حق ندارد]

توصیه می‌کنم به خودم و هم به شما برادران و خواهران که دنیا خوب یا بد می‌گذرد. مولی امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «مَا أَصِفُ مِنْ دَارٍ أَوْلَهَا عَنَاءٌ وَ آخِرُهَا فَنَاءٌ» «من چگونه توصیف کنم دنیایی را که اولش سختی و پایانش فناست» همه ما رفتنی هستیم پس باید برای آن عالم فعالیت و کار کرد. امیرالمؤمنین علیه السلام هنگامی که فرمانده کل قوای مسلمین بودند در ذی قار - ظاهراً منطقه‌ای بوده نزدیک همین العماره کنونی در عراق - نشسته بودند کفششان را وصله می‌کردند. حضرت به ابن عباس - که ظاهراً اعتراض داشت - فرمودند: «این کفش من چقدر می‌ارزد؟» گفت: قیمت ندارد، و به

نقلی گفت: «کِسْرَةُ دَرَهْمٍ!» یک درهم شکسته! بنابر آنچه در نهج البلاغه (خطبه ۳۳) آمده حضرت فرمودند: «وَاللَّهِ لِي أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ إِمْرَتِكُمْ إِلَّا أَنْ أُقِيمَ حَقًّا أَوْ أَدْفَعَ بَاطِلًا» «به خدا قسم این کفش پاره محبوب تر است نزد من از حکومت بر شما مگر اینکه حقی را بیا دارم یا جلوی باطلی را بگیرم» برای اینکه کفش رفع حاجت آدم را می‌کند اما حکومت جز مسئولیت هیچ چیز دیگری نیست و آدم عاقل حتی المقدور سراغ مسئولیت نمی‌رود مگر اینکه از باب ضرورت به عهده‌اش بیفتد که آن وقت وظیفه است؛ لذا فرمودند: «مگر اینکه حقی را به پا دارم یا باطلی را برطرف و دفع کنم» حکومتی که انسان نتواند کاری برای اسلام و جامعه انجام بدهد جز وبال و گرفتاری نیست.

[به اندازه توان اشکالات را بگوئید]

آقایان به اندازه قدرت و توانتان در مسائل باید تذکر بدهید. که ان شاء الله تذکر برای مؤمنین مفید است. برخی مسئولین خیال می‌کنند باید مردم خفه شده و هیچ نگویند؛ در خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه مولی امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «فَلَا تَكْفُوا عَن مَقَالَةٍ بِحَقِّ أَوْ مَشُورَةٍ بَعْدَ فَاتِي لَسْتُ فِي نَفْسِي بِفَوْقَ أَنْ أَخْطِئَ إِلَّا أَنْ يَكْفِيَ اللَّهُ». علی علیه السلام با اینکه ما ایشان را معصوم می‌دانیم می‌فرماید: «شما خودتان را باز ندارید از گفتار حق و مشورت عادلانه، من ذاتاً فوق خطا نیستم»؛ سپس می‌فرماید: «مگر اینکه خدا مرا کفایت کند». این دستور حضرت است که از گفتار حق و مشورت عادلانه دست برندارید و باید مسائل گفته شود الحمدلله آقایان به اوضاع و امور توجه دارند و لازم است به اندازه قدرت و توانتان اشکالات را بگوئید. در حال حاضر دو موضوع خیلی به نظر من در کشور ما مهم است:

[برخورد عاقلانه و مذاکره با قدرت‌ها]

نکته اول: اینکه؛ بالاخره آمریکا - گرچه ما می‌گوییم مرگ بر آمریکا - ولی اینها

قدرتی هستند، امکانات هم دستشان هست من نمی‌خواهم بگویم سیاست آنها درست است، با اینکه رفتاری که آنها دارند در آینده به ضرر خودشان است چنانچه آمریکا در ویتنام شکست خورد در عراق با اینکه میلیارها دلار خرج کرد شکست خورد و به اهداف خود نرسید - و باید از عراق خارج شده و حکومت را به دست خود عراقی‌ها بدهند - اما دست بردار نیستند؛ با این اوصاف انسان باید با دشمن عاقلانه برخورد کند و به گونه‌ای نباشد که آنها را تحریک کنیم، اینها باعث می‌شود مشکلاتی برای کشور ما پدید آید باید با گفتگو مسایل را حل کرد. من یادم هست در جنگ ویتنام آمریکایی‌ها با ویت‌کنگ‌ها که جنگ داشتند در ویتنام جنگ ادامه داشت اما در پاریس با هم جلسه داشتند و مذاکرات برقرار بود. تندروها به ضرر مردم و کشور است و بایستی این مسأله جوری باشد که دشمنان ما تحریک نشوند. وزیر خارجه آمریکا به منطقه آمده و کشورهای عربی را دارند علیه ما به ناحق بسیج می‌کنند. ما با این ناحق باید جوری برخورد کنیم که دودش در چشم ملت نرود.

البته اینکه چه کار باید کرد؟ عقلای قوم و اهل خبره و بصیرت می‌دانند که باید چگونه با ظرافت برخورد کرد و مسائل و مشکلات را حل کرد و از شعارهای تند و تحریک‌آمیز پرهیز نمود تا هزینه کمتری را مردم متحمل شوند. این نکته اول.

[چرا مردم با وجود ثروت نفت و گاز فقیرند؟]

نکته دوم: آنچه خیلی ما لمس می‌کنیم، و به ما مراجعه می‌کنند، مردم همه می‌نالند و از رسانه‌ها هم معلوم می‌شود؛ مسأله فشار اقتصادی و گرانی سرسام‌آور است. در این باره آیا نباید مسئولین تلاش کنند؟! بعضی کشورها نفت و گاز ندارند با این حال کشورشان را از نظر اقتصادی اداره می‌کنند و روی پایشان ایستاده‌اند اما ما با اینکه این همه نفت و گاز و منابع دیگر داریم خرجهای بیهوده انجام می‌دهیم و به فکر دیگر کشورها هستیم ولی به فکر رفتاری مردم خودمان نیستیم و متأسفانه روز به روز

مایحتاج عمومی گران و گران تر می شود. آقایان برای حل معضلات اقتصادی تصمیمات مقطعی انجام می دهند مثلاً می گویند به حقوق کارمندان فلان مقدار اضافه کرده ایم! برخی از مسئولان علی رغم گرانی ها و فشارها می گویند: بیش از ۱۳٪ تورم نداریم در صورتی که انسان وقتی که بررسی و سؤال می کند می بیند در برخی مانند مسکن و... بیش از ۵۰٪ قیمت ها بالا رفته است؛ اینکه بیایم تحلیل کرده، مصاحبه کنیم و بگوییم: «تورم از ۱۳٪ بیشتر نیست و گرانی نداریم و وضعمان الحمدلله خوب است» با این تحلیل ها و شعارها که مشکلات و معضلات اقتصادی برطرف نمی شود! در هر صورت بایستی که دولت و مسئولین از خرجهای بیهوده از مسافرتها، که هیچ فایده ای برای مردم و کشور ندارد جلوگیری کنند. واقعاً این نفت و گاز مالکش همه مردم هستند، مردم فقط یک عده خاص نیستند که برخی حقوق و امکانات کلان داشته باشند و یک کارمند، یک معلم و یک کارگر با حقوق خیلی کم و بخور و نمیر بخواهد زندگی کند. مردم ما با اینکه به این وضعیت اعتراض نمی کنند و ساکت اند، اما می فهمند و خوب هم می فهمند. بایستی برای مردم کاری کرد! و شما آقایان برادران و خواهران و همه اقشار هم به اندازه قدرتان، به اندازه توانتان، دوستانه به آنهایی که دست اندرکارند تذکر بدهید. مردم دولت را انتخاب کرده اند نه برای شعار دادن! بلکه شعار مقدمه کار است و ما خیال می کنیم با شعار دادن کشور اداره می شود. هر روز تکرار می کنیم که: فلان چیز حق مسلم ماست. خیلی خوب! حقتان است؛ اما حق را باید به گونه ای گرفت که مشکلات پدید نیاید و بهانه به دست دیگران نداد و مگر حق مسلم ما فقط همین است که آقایان می گویند و ما حق و حقوق دیگری نداریم!؟

برادران و خواهران که تشریف دارید از علاقه مندان به مرحوم مهندس بازرگان هستید ایشان از آن گروه آدمهایی بود که ساکت نبود و برای همین در زمان شاه یادتان هست به چه تبعیدها و زندانها - مثل زندان برازجان و جاهای دیگر گرفتار می شد - با این حال ایشان وظایف خود نسبت به جامعه را انجام می داد.

[صبر در مشکلات ناشی از توأسی به حق]

انسان وظیفه دارد حقایق را بگوید و صبر هم داشته باشد. خداوند در سوره «والعصر» می‌فرماید: ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ﴾ (قسم به عصر و زمانه همانا انسانها در زیانند) ﴿إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾ (مگر کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام دهند) اگر ما صالحات را انجام دادیم کافی است؟ نه ﴿وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾ «تواصوا» باب تفاعل است یعنی: به یکدیگر سفارش کنید به اینکه پشتیبان حق باشید و حق را بگویید. طبیعی است که گفتن حق دنبالش زندان اوین و جاهای دیگر در پی دارد لذا می‌فرماید: ﴿وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾ صابر و بردبار باشید در مشکلات.

در این سوره به عصر و زمانه قسم می‌خورد. این قسم به «عصر» به نظر می‌آید قسم به تاریخ باشد همیشه خدا قسم‌هایی که دارد با مطالبی که دنبالش می‌آید تناسب دارد. قسم به عصر و زمانه یعنی: به تاریخ که پر است از حوادث سخت و ناگوار که انسان‌ها در ضرر و زیانند مگر کسانی که ایمان کامل دارند و کارهای نیک را انجام می‌دهند و در مقابل جامعه هم مسئولیت دارند.

خدایا ما را وادار به آنچه رضای تو در آن است. بازدار از آنچه سخط تو در آن است. خدایا ملتمسین دعا، ملتمسات دعا، حاجت روا فرما. خدایا رفتگان خاک و مرحوم مهندس بازرگان و سایر بزرگانی که به اسلام و دین خدمت کردند درجاتشان را عالی کن و با محمد ﷺ و آل محمد ﺍﻟﻤﺤﺴﻮﺮﯨﻦ محشورشان فرما. خدایا بحق محمد و آل محمد تعجیل در فرج امام زمان (عج) بفرما. عاقبت همه ما را ختم به خیر بفرما. خدایا به این برادران و خواهرانی که زحمت کشیدند از تهران و جاهای دیگر جمع شدند و آمدند، اجر عنایت فرما.

من در پایان از همه برادران و خواهران عذرخواهی می‌کنم وقت نماز و وقت نهار است و قاعده‌اش هم بود از بیانات آقایان استفاده کنیم. حالا اگر آقای دکتر یزدی مطلبی دارند بفرمایند. ان شاء الله همگی موفق و موید باشید.

سخنان آقای دکتر ابراهیم یزدی:

﴿ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وَ بِهٖ نَسْتَعِیْنُ ﴾

من از طرف خودم و از طرف اعضاء شورای مرکزی نهضت آزادی ایران و دیگر اعضاء و علاقه مندان نهضت از شهرستانهای مختلف ایران از اصفهان، زنجان، قزوین، نائین، کاشان، تبریز، میاندوآب، قم و شهرهای مختلف که اینجا آمده اند؛ از فرمایشات جنابعالی تشکر می کنم و از رهنمودهایی که دادید. ما وظیفه خودمان می دانیم که هر بار که بر سر مزار مرحوم مهندس بزرگان گردهم می آییم تا پیمانهایمان را تجدید بکنیم و از روح بزرگ آن مرحوم مدد بگیریم، خدمت حضرت تعالی هم برسیم. شما مجسمه استقامت و مقاومت هم در دوران استبداد ستم شاهی بودید و هم در این دورانی که به نام حکومت اسلامی کارهایی شده است و می شود که حقاً درست نیست که اینها به نام اسلام انجام شود. خوشبختانه نهضت آزادی ایران با پیروی از آن سنت های نیکویی که بزرگان به جا گذاشته اند و جنابعالی هم اشاره ای فرمودید، دست از مقاومت و ایستادگی خودش برداشت و نمی دارد به رغم اینکه فشارها علیه نهضت همچنان ادامه دارد؛ بعضاً از تشکیل جلسات ما خودداری می کنند و دوستان ما را در تهران و شهرستانها مرتباً وزارت اطلاعات می برد و می آورد. هر کس هم که در جلسات شرکت کند مورد ایذاء و اذیت قرار می گیرد، پرونده محاکمات نهضت آزادی دوستان و اعضا همچنان مفتوح است، وثیقه های سنگینی که از دوستان ما گرفته اند به رغم گذشت زمان همچنان آزاد نمی کنند. کسانی هستند که پس از محاکمه هنوز وثیقه دارند. به عنوان مثال در خراسان یکی از علاقه مندان شش ماه زندان موقت بود اما دادگاه فقط او را به چهار ماه زندان محکوم کرده - دو ماه هم طلب دارد - اما سندهای وثیقه او را آزاد نمی کنند. دائماً دوستان ما را اذیت می کنند. جلسات را بعضاً می آیند به هم می زنند اما به فضل الهی و با استمداد از ارواح بزرگان؛ دوستان نهضت آزادی ایران همچنان محکم ایستاده اند. پیرامون آن مسائلی که حضرت تعالی اشاره کردید چون مسأله گرانی و مسأله بحران انرژی هسته ای و سیاستهایی که در زمینه های بین المللی به کار برده می شود و دائماً دشمن تراشی می کنند در تمام این موارد نهضت آزادی مواضع

خود را بیان کرده است و می‌کند و از این فشارها هم نهراسیده است و نمی‌هراسد. تا زمانی که نفس داریم و این قلبهایمان می‌تپد ما احساس می‌کنیم که وظیفه داریم حق مردم را بیان کنیم با هر زبانی که باشد البته با زبان ادب، احترام و قانون و نه فراتر از قانون و نه چیزی کمتر از قانون گفته‌ایم و می‌گوییم.

برخی از مطالبی که در این ماههای اخیر یا در این روزهای اخیر پیرامون مسائل مبرمی که فرمودید وجود دارد، نهضت مطالبی نوشته است که بنده نُسخی را آورده‌ام که خدمتان تقدیم کنم علاوه بر این مجموعه اسناد نهضت آزادی ایران در طول چهل و پنج سال گذشته به صورت لوح فشرده تکمیل شده خدمتان تقدیم می‌کنیم.

مجدداً از فرمایشات و از رهنمودهایتان صمیمانه تشکر می‌کنیم امیدواریم همچنان دعای خیر شما بدرقه راه پویندگان و جویندگان راه حقیقت و مبارزین نهضت آزادی باشد؛ تا زمانی که آزادی برای ملت ما تحقق پیدا نکرده است جنبش برای آزادی ادامه دارد، نهضت ادامه دارد و امیدوار هستیم که خداوند هم کمک کند «من حیث لا یحتسب» که بر توفیقات این مجموعه افزوده بشود. مهمترین مسأله این است که ما به مردم بگوییم نباید ناامید شوید باید امیدوار بود و به دلیل اینکه بعضی از کارها صورت می‌گیرد ما نباید منفعل بشویم و صحنه را خالی نکنیم. خوشبختیم و به درگاه ایزد مَنّان دعا می‌کنیم که خداوند این توفیق را به این جمع ما داده است که به رغم همه ناملایمات همچنان در صحنه حضور داشته باشیم.

والسلام علیکم ورحمة اللّٰه وبرکاته.

۱۳۸۵/۱۰/۳۰

دفتر آیت‌الله العظمی منتظری

دیدار اعضای انجمن دفاع از حقوق زندانیان

۱۳۸۵/۱۱/۷

* اعضای انجمن دفاع از حقوق زندانیان روز جمعه ۱۳۸۵/۱۱/۶ در قم با حضرت آیت‌الله العظمی منتظری دیدار و گفتگو کردند. در ابتدای این دیدار آقای عمادالدین باقی دبیر انجمن ضمن معرفی اعضاء، همکاری حقوق دانان، وکلاء و اعضاء را فقط بر اساس حس انسان دوستی و داوطلبانه اعلام، و فعالیت انجمن را حمایت از حقوق همه زندانیان اعم از سیاسی و غیرسیاسی توصیف و معرفی وکیل برای زندانیانی که توان یا جرأت گرفتن وکیل را ندارند از دیگر فعالیت‌های این انجمن نام برد. به گفته وی این انجمن بزرگ‌ترین تشکل غیردولتی در سالهای اخیر است که به حقوق بشر به ویژه زندانیان اهتمام دارد.

پس از سخنان دبیر انجمن، حضرت آیت‌الله منتظری به ایراد سخن پرداختند:

﴿ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِهِ نَسْتَعِينُ ﴾

[کارهای انسانی را با عزم جزم و صبر تا آخر ادامه دهید]

در ابتدا از آقایان و خانم‌ها به واسطه زحمات طاقت‌فرسایی که تحمل می‌کنید تقدیر و تشکر می‌کنم و از خداوند بزرگ می‌خواهم شما را همیشه موفق و مؤید بدارد تا در این امر انسانی روز به روز با استقامت‌تر از گذشته به فعالیت ادامه دهید. انسان یا نباید پای در کاری بگذارد یا اینکه عزم خودش را جزم کند که تا آخر با صبر و تحمل بماند. این جاست که خداوند هم به او کمک می‌کند و اجر می‌دهد. خداوند در سوره «والعصر» می‌فرماید: ﴿ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالْعَصْرُ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ﴾

قسم به عصر و زمانه، همانا انسانها در زیانند): ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾ (مگر کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام دهند): اگر ما صالحات را انجام دادیم کافی است؟ نه! ﴿وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾؛ (و سفارش به حق و صبر کنید). در پی خیلی فعالیتها برخورد و زندان هست ولی باید صبر و تحمل کرد. در قرآن آن قدر که مقام و منزلت برای صابران قایل شده است برای دیگران قایل نشده است. می فرماید: ﴿أَنَّمَا يُوفَى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾؛ (همانا به صابران بدون حساب، مزد و اجر داده می شود). دنیا محل تزامم حق و باطل است. و طبعاً زندان، محرومیت و دیگر گرفتاریها را در پی دارد. در زمان هبوط آدم، دو فرزندش یکی حق بود و یکی باطل و بین آنان برخورد وجود آمد؛ و این سنت ادامه دارد. ما دائم در حال امتحان شدن هستیم. قرآن می فرماید: ﴿الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاتَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾ (خداوند مرگ و زندگی را خلق کرد تا مشخص شود کدام یک از شما عمل احسن و برتر دارید)؛ خدا این را می داند؛ می خواهد در عمل به ما هم ثابت شود. بنابراین دنیا محل تزاممات و تصادم هاست.

[به جای فشار در داخل و امتیاز در خارج با مردم مهربان باشید]

درباره وضعیت فعلی کشور و فشارهای بین المللی که ما به طور جدی با آن روبرو هستیم مطلبی را لازم است بگویم: آیا عاقلانه ترین راه چیست؟ آیا بهتر نیست - علاوه بر پرهیز از تندرویها - فضای باز سیاسی در کشور حاکم شود؟ آیا نباید با مردم خودمان مهربان تر شویم؟ متأسفانه هنوز در برخی جاها از اساتید دانشگاه، دانشجویان، فرهیخته گان و مردم عادی به بهانه های واهی یا سیاسی زندانی اند. روش عاقلانه در این وضعیت حساس این است که آنها آزاد شوند. متأسفانه برخی در مقابل خارجی ها حاضرند کوتاه بیایند اما در مقابل مردم خودمان کوتاه نمی آیند. زمانی که ما در زندان بودیم پس از گذشت شش ماه در سلول انفرادی و برگشت از پرونده خوانی، شب لباس های مرا آوردند و به بهداری زندان اوین منتقل کردند. در

بهداری زندان آیت‌الله طالقانی و آقایان هاشمی رفسنجانی، انواری، لاهوتی، مهدوی کنی و خلاصه هفت نفر روحانی بودیم ما را در آنجا جمع کردند. وقتی همدیگر را دیدیم گویا دنیا را به ما داده‌اند. من در بین صحبت‌ها گفتم: چرا حکومت ایران در مقابل روس‌ها که شهرهای ایران چون قفقاز را گرفته است این قدر کوتاه آمده‌اند! آنجا ظاهراً شنود گذاشته بودند. فردایش که روز عاشورا بود سرهنگ وزیری به سراغ ما آمد، در ضمن صحبت‌ها گفت آخر ما توان مقابله با روس‌ها را نداریم آنها قدرت دارند! واقعیت هم همین‌گونه است برخی‌ها زورشان به مخالفان خارجی نمی‌رسد ولی بر مخالفان فشار می‌آورند. به قول سعدی:

گر به شیر است در گرفتن موش لیک موش است در مصاف پلنگ!

[تقسیم شهروندان به خودی و غیر خودی برخلاف قرآن است]

این نظریه‌ای که آقایان مطرح می‌کنند به نام «خودی و غیر خودی» و به واسطه آن بسیاری از نخبگان و مردم را به حساب نمی‌آورند و تنها اقلیتی را صاحب کشور و انقلاب می‌پندارند برخلاف آن چیزی است که قرآن از پیامبرش ﷺ می‌خواهد. خداوند در خطاب به پیامبر ﷺ می‌فرماید: ﴿فَمَا رَحْمَةٌ مِنْ اللَّهِ لَئِنْ لَمْ يَكُنْ فَظًا غَلِيظًا الْقَلْبِ لَانْفُسُوا مِنْ حَوْلِكَ﴾، (ای پیامبر در اثر رحمت خدا نرم‌خو هستی برای مردم و اگر تندخو و خشن بودی از کنارت پراکنده می‌شدند)، ﴿فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ﴾، (آنان را عفو کن و برای آنان استغفار نما).

[مشورت با مخالفان در قرآن]

﴿وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ﴾، نکته جالب اینکه پس از دستور عفو و استغفار برای آنان که طبعاً مخالفین می‌باشند، می‌فرماید: با آنان در امور مشورت کن. و به قول امروزی‌ها آنان را به بازی بگیر. این نکته دارای اهمیت است. موافقان که همیشه با تو هستند مهم این است که به مخالفان بها دهی و از نظرات آنها استفاده کنی. با این

روش دیگر خودی و غیرخودی معنی ندارد. متأسفانه ما از مخالفان خود که در میان آنها افراد نخبه، متعهد و متخصص هم هست به بهانه غیرخودی بودن استفاده نمی‌کنیم. من امیدوارم تا دیر نشده است مسئولان کمی بیدار شوند و از انحصارطلبی‌ها دست بردارند.

[انواع زندان در اسلام و منع حبس بیش از ۶ روز]

نکته دیگری که به مناسبت فعالیت شما برادران و خواهران در باره زندانیان باید تذکر دهم این است که ما در اسلام سه نوع زندان داریم: ۱- زندان به عنوان حدّ ۲- زندان به عنوان تعزیر ۳- و زندان اکتشافی. در نوع سوّم، برای ثبوت جرم و تحقیق و کشف جرم، مجرم را زندان می‌کنند. در روایت معتبری از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نقل شده که فرمودند: «إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَحْبِسُ فِي تَهْمَةِ الدَّمِ سِتَّةَ أَيَّامٍ، فَإِنْ جَاءَ أَوْلِيَاءُ الْمَقْتُولِ بِثَبَاتٍ وَالْأَخْلَى سَبِيلَهُ»، (وسائل الشیعه، ج ۱۹، ص ۱۲۱) در این روایت معتبر امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام از نبی اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل می‌کند که در مورد متهم به قتل پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عملاً او را تنها شش روز زندانی می‌کرد اگر اولیای دم دلیل محکمی علیه متهم اقامه می‌کردند جرم ثابت می‌شد و گرنه آزادش می‌کردند.

اما متأسفانه در این زمان ماهها افراد را بازداشت موقت و پس از مدت مدیدی آزادش می‌کنند گاهی هم تبرئه می‌شود. در روایات داریم که: «رُبَّ ذَنْبٍ مِقْدَارِ الْعُقُوبَةِ عَلَيْهِ اِعْلَامُ الْمُذْنِبِ بِهِ»، یعنی چه بسا جرم و گناهی که مقدار عقوبت آن فقط اعلام گناه به مجرم است که تو این کار را کرده‌ای و ما اطلاع داریم، و همین برای او کافی است.

[دلایل عدم قابلیت اثبات و اجرای سنگسار]

نکته‌ای که یکی از خواهران سؤال کردند در باره سنگسار بود. پاسخ در این مجال نمی‌گنجد ولی به طور مختصر می‌دانید که اصل این حکم در دین یهود بود. آنها زیاد این حکم را اجرا می‌کرده‌اند. در زمان پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هم کم و بیش موردی بوده که این

حکم اجرا شده است. اما دو مطلب اینجا هست یکی اینکه: ثابت شدن زنای با احصان که علت سنگسار است؛ خیلی مشکل و قریب به محال است. چون یا باید طرف از روی اختیار و نه تهدید، ترس یا شکنجه چهار بار اقرار کند. یا چهار نفر شاهد عادل همزمان شهادت دهند که او را به نحو خاص دیده‌اند و در این جا علم قاضی هیچ اعتباری ندارد. مطلب دیگر اینکه: اگر شخص اقرار کرد اما پس از اقرار انکار کرد در اینجا انکارش مسموع است و حکم رجم برطرف می‌شود و اگر انکار نکرد باید جوری باشد که مجرم بتواند فرار کند. در باره اجرای احکام از برخی روایات استفاده می‌شود که اگر شرایطی است که موجب وهن و سستی دین می‌شود - مثلاً در کشورهای خارجی - نباید حکم اجرا شود. و بالاخره اثبات جرم زنای با احصان که به موجب آن حکم سنگسار اجرا می‌شود، بسیار مشکل است و این حکم در حقیقت خاصیت بازدارندگی - به قول معروف مترسک را - دارد.

* لازم به ذکر است که در پایان به درخواست حضار، آیت‌الله منتظری به ذکر خاطراتی از زندان

و شهید محمد منتظری پرداختند.

۱۳۸۵/۱۱/۷

دفتر آیت‌الله العظمی منتظری

پاسخ به پرسش‌هایی به مناسبت سالروز پیروزی انقلاب اسلامی ایران

۱۳۸۵/۱۱/۱۹

حضرت آیت‌الله العظمی منتظری

با عرض سلام و آرزوی سلامت و تندرستی برای جنابعالی، موجب امتنان خواهد بود که به سؤالات زیر پاسخ فرمایید:

پرسش ۱: برخی معتقدند که انقلاب، در ابتدا از مسیر خود منحرف شد. در صورتی که با این نظر موافقت می‌کنید، دلایل آن را چگونه ارزیابی می‌فرمائید؟

پرسش ۲: برخی معتقدند که مشکلات ایران حاصل خارج شدن دین از قلمرو رسالت خویش و ورود آن به قلمرو حکومت است. نظرتان را بیان فرمائید؟

پرسش ۳: وضعیت فعلی کشور و فشارهای بین‌المللی در ایران را چگونه ارزیابی می‌فرمائید، دلایل و راه حل آن چیست؟

پرسش ۴: نقش ایران در سیاست عراق را چگونه ارزیابی می‌فرمائید؟ و نظرتان را درباره اختلافات شیعه و سنی بیان فرمائید؟

پرسش ۵: نظرتان را درباره برقراری رابطه با آمریکائیان بیان فرمائید؟

با احترام و امتنان - ستاره درخشش

۱۷ بهمن ماه ۱۳۸۵

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

پس از سلام و تحیت متقابل؛

[انقلاب اسلامی برای کسب آزادی و عدالت اجتماعی و نفی استبداد بود]

چون در آستانه سالگرد پیروزی انقلاب هستیم، قبل از پرداختن به پاسخ‌های جنابعالی، ذکر این نکته ضروری است که مردم ما در آغاز انقلاب در شعارهای خود می‌گفتند: «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی»؛ در زمان شاه نفت ما به قیمت خوب فروخته می‌شد و پول ما نیز در جهان ارزش داشت، ولی چیزی که مردم را رنج می‌داد و آنان را به سوی انقلاب سوق می‌داد استبداد شاهانه و اختناق، قانون‌شکنی، فشار ساواک، سلب آزادیها و غارتگریها و فساد اجتماعی بود؛ مردم در برابر این خصلت‌ها برای کسب آزادی، عدالت اجتماعی، رفع تبعیضات و تشکیل جمهوری اسلامی یعنی حکومتی مردمی توأم با موازین اسلامی قیام کردند؛ در نظر مردم استبداد است، خواه از ناحیه شاه باشد خواه از ناحیه روحانیت. مردمی که شعارشان «جمهوری اسلامی» بود معلوم بود حاکمیت اسلام را پذیرفته‌اند و مقصودشان از آزادی، آزادی بیان و اظهارنظر در مسائل سیاسی و اجتماعی می‌باشد، رسانه‌های گروهی کشور متعلق به همه طبقات جامعه است نه قشر خاصی، و بالاخره مردم می‌دیدند اختناق در جامعه حکم فرماست، لذا برای نجات از این وضعیت به انقلاب روی آوردند.

به عبارت دیگر پیش از انقلاب در کشور رژیم مستبد و خودسر با زور و اختناق و بی‌اعتنای به عقاید و افکار عمومی و با تکیه بر قدرتهای خارجی حکومت می‌کرد، و وابستگان رژیم در سایه قدرت سلطنت، کشور و ثروت آن را ملک طلق خود می‌پنداشتند، ثروت کشور به یغما می‌رفت در صورتی که اکثریت قاطع مردم در فقر و محرومیت به سر می‌بردند. در این صورت هم عقل و هم شرع حکم می‌کرد که مردم نباید در برابر ظلم‌ها و زورگویی‌ها و چپاول‌ها ساکت و بی‌تفاوت باشند، همان‌گونه که ظلم و تعدی گناه است تحمل ظلم نیز گناه است مگر اینکه انسان ناتوان باشد. خدا غیرت و شهامت را در سرشت انسان قرار داده تا از حق خود، ناموس خود، کشور

خود و دین خود دفاع کند. پس بر این اساس اصل قیام برای انقلاب اسلامی یک وظیفه و جدانی و شرعی بوده است.

با این مقدمه به پاسخ پرسش‌های جنابعالی می‌پردازم:

پاسخ ۱: اصل انقلاب و تشکیل نظام «جمهوری اسلامی» کار بزرگ و مقدّسی بود که به وسیله نهضت همه طبقات ملت و به رهبری مرحوم آیت‌الله خمینی انجام شد، و به مردم وعده‌های زیادی و از جمله آزادی سیاسی و توسعه اقتصادی و فرهنگی داده شد و اهداف والا و با ارزشی در نظر بود که متأسفانه به بسیاری از آنها دست نیافتیم. کارکرد نظام رانه می‌توان مطلقاً منفی شمرد و نه مثبت. هم کارهای مثبتی انجام شده و هم کارهای زیانباری که برخلاف مصالح اسلام و ملت و کشور بوده است و متأسفانه نوعاً به نام اسلام انجام شده و می‌شود.

[علل دست نیافتن به اهداف انقلاب]

به طور اجمال علت مشکلات پیش آمده را می‌توان چنین بیان نمود:

الف: روشن نبودن ابعاد حکومت دینی برای متصدیان امور؛ فقهای شیعه به دلیل انزوای سیاسی در طول قرون متمادی، توفیق تبیین ابعاد حکومت دینی متناسب با زمان و وظایف حاکم و حقوق ملت را پیدا نکرده بودند، و جمهوری اسلامی اولین تجربه حکومت دینی به وسیله فقهای شیعه بود.

ب: قانون اساسی نیز اولین تجربه‌ای بود که توسط خبرگان - هر چند دلسوز - ولی بدون تجربه تنظیم شد، و طبعاً دارای نقائص و تضادهایی می‌باشد از جمله اینکه مسؤولیت‌ها نوعاً بر عهده رئیس‌جمهور و قوه مجریه است، ولی اهرمهای قدرت در اختیار رهبری قرار داده شده بدون اینکه پاسخگو باشد، و بر این اساس بسیاری از کارهای اساسی و مهم را کد می‌ماند و در این میان کسی پاسخگو نیست.

د: مسؤولین و متصدیان امور پس از اینکه به قدرت رسیدند گرفتار یک گونه انحصارطلبی شدند و بر این اساس بسیاری از نیروهای مفید و فعال کشور حذف

شدند و صفا و صمیمیت گذشته فراموش شد، و به جای استقرارِ نظامِ عدالت و قسط، نظامِ خودی و غیر خودی شکل گرفت و بیگناهی به زندان افتادند. نتیجه این گونه سیاست این است که کارها در اختیار جناحی خاص قرار می‌گیرد و به تذکرات و انتقادات بی‌اعتنایی می‌شود و بر اساس سنت الهی و تجربه تاریخ هنگامی که کارهای بزرگ به دست افراد کوچک و کارهای کوچک به دست افراد بزرگ قرار داده شد اختلال امور و تضییع حقوق و مصالح کشور را در پی خواهد داشت، و بالاخره عدم تجربه و خودمحوری متصدیان امور و عدم تحمل انتقادات دیگران منشأ عمده مشکلات است.

[ولایت مطلقه عامل شکست حاکمیت دینی]

پاسخ ۲: اگر منظور شما از ورود دین به قلمرو حکومت اصل ولایت فقیه است، باید گفت: اصل ولایت فقیه به طور اجمال و نیز ضرورت آن به معنای صحیح و معقول از مسائل اساسی فقه اسلامی است و عقل و کتاب و سنت بر صحت آن دلالت می‌کند، ولی معرفی‌های اغراق‌آمیز - به‌ویژه اضافه کردن قید مطلقه به آن - و مطلق‌نگری و عدم توجه به سایر اصول قانون اساسی و از جمله اصول مربوط به حقوق ملت موجب بروز تضاد و چالش در اداره کشور گردیده و خسران و زیانهایی را به دنبال داشته است.

همان‌گونه که من قبلاً گفته‌ام با این روش که آقایان دارند و این‌گونه که عمل می‌کنند حاکمیت دینی شکست خواهد خورد. و با کمال تأسف چون کارهای خلاف خود را با نام اسلام توجیه می‌کنند، قهراً مردم به اسلام و هر نوع حکومتی که به نام اسلام باشد روی خوش نشان نخواهند داد.

[فقر و بحران نتیجه فروکاستن همه حقوق ملت به حق هسته‌ای]

پاسخ ۳: اینکه ما در حال حاضر در وضعیت کم نظیر بحرانی، چه از داخل چه از

خارج، به سر می‌بریم در آن شکی نیست. گذشته از لحاظ سیاسی و فرهنگی، از جهت اقتصادی مردم ما با مشکلات عدیده‌ای دست و پنجه نرم می‌کنند، مردم گله‌مند هستند. کشوری که این همه منابع متنوع دارد به دلیل نبود مدیریت اقتصادی کارآمد از بسیاری از کشورها که دارای نفت و گاز نیستند عقب مانده است. مسؤلان هم با ارائه آمارهای غیر واقعی و شعار به توجیه‌های غیر قابل قبول روی آورده‌اند، از آن مهم‌تر اینکه فشارهای بین‌المللی بر سر بحث انرژی هسته‌ای هم یکی از عوامل ایجاد مشکلات اقتصادی شده است. ما هم اعتقاد داریم که انرژی هسته‌ای حق ماست اما آیا ما حق و حقوق دیگری نداریم که بر سر آن این همه هزینه بپردازیم؟ ما نباید با شعارهای تند و بدون پشتوانه، دیگر کشورها را علیه خود تحریک کنیم. تندرورها به ضرر ملت و کشور است و دودش در چشم مردم می‌رود. باید در بحران از همه ظرفیت‌ها، نخبگان و اهل بصیرت استفاده کرد.

[پیوندهای عمیق و تاریخی ایران و عراق]

[مجوز دخالت در امور داخلی آنها نیست]

پاسخ ۴: به واسطه همگونی در بسیاری از مسائل ایران و عراق، آینده دو کشور از لحاظ سیاسی و فرهنگی نمی‌تواند از هم جدا باشد و خواهی نخواهی بر یکدیگر تأثیر خواهند گذاشت. حاکمیتی هم که در عراق پا می‌گیرد باید بر طبق نظر اکثریت جامعه آنجا باشد و حکومت مردمی مطابق خواست آنها باید برقرار باشد و چون مردم عراق مانند مردم ایران متدین هستند، حاکمیت آن نمی‌تواند بدون در نظر گرفتن دین و مذهب باشد، و اقلیت‌ها هم باید آزادانه بتوانند از حقوق شهروندی برخوردار باشند.

صدام یکی از اشتباهاتش این بود که می‌خواست علقه و وابستگی این دو کشور و مردم آنها را از هم جدا کند. دو کشور ایران و عراق ارتباطات تنگاتنگ فرهنگی، دینی و مذهبی با یکدیگر دارند، و مشاهده مشرفه عراق مورد توجه و احترام همه شیعیان

جهان است. البته ما حق دخالت در امور داخلی عراق را نداریم و مردم آنجا خودشان برای آینده خود تصمیم گیرنده‌اند و حاکمیت آنها نیز باید طبق خواست مردم و اکثریت باشد.

[عراق با وحدت همه فرقه‌ها نجات می‌یابد]

اما متأسفانه برخی از گروه‌های شیعه و سنی عراق با تندروی‌ها آب به آسیاب دشمنان هر دو فرقه می‌ریزند و تا تمام فرقه‌های عراقی متحد و هم‌آهنگ نشوند کشور آنها از هرج و مرج و اشغال نجات پیدا نخواهد کرد. شیعه و سنی هر دو مسلمانند و اسلام دین رحمت و مسالمت است نه ستیز و خشونت. در قرآن کریم می‌خوانیم: ﴿يا ايها الذين آمنوا ادخلوا في السلم كافة ولا تتبعوا خطوات الشيطان﴾، ﴿واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا﴾، ﴿ولا تنازعوا فتفشلوا و تذهب ريحكم﴾.

[سیاست خارجی و رابطه با آمریکا]

[باید تابع شرایط سیاسی و اقتصادی و مصالح باشد]

پاسخ ۵: نظر به اینکه آمریکا محرک کودتای ۲۸ مرداد زاهدی علیه دکتر مصدق و برگشت شاه بود و پس از کودتا آمریکا تقریباً همه شئون سیاسی و اقتصادی کشور را قبضه کرد، و پس از انقلاب نیز پولهای ایران را بلوکه کرد، در آغاز انقلاب مردم ایران از آمریکا عصبانی بودند و در نتیجه دانشجویان سفارت آن را در ایران اشغال نمودند و آمریکا هم رابطه خود را با ایران قطع نمود؛ و بر این اساس مرحوم امام علیه السلام ارتباط با آن کشور را به طور کلی نهی کردند، ولی واضح است که چنین حکمی موقتی است و ممکن است برحسب شرایط سیاسی و اقتصادی عوض شود، و این امر در گرو این است که رابطه به نفع کشور باشد و به اصطلاح از قبیل رابطه دو کشور مستقل باشد نه از قبیل رابطه گرگ و میش، این موضوعی است که افراد متخصص و کارشناس در سیاست خارجی ایران هماهنگ با وزارت خارجه باید بدون لحاظ جناح‌بندیهای

کشور، منافع و مضار آن را در شرایط فعلی بررسی نمایند. اگر بنا باشد سوء سابقه موجب ترک رابطه باشد انگلیس و روس در گذشته بیش از آمریکا به ایران ضربه زده‌اند، پس ملاک شرایط فعلی کشور و جهان و مصالح انقلاب و نظام است نه جریان‌های گذشته، به نظر من امروز دیگر قطع رابطه با آمریکا به مصلحت کشور نیست. البته آمریکا نیز لازم است از اشغال افغانستان و عراق و خسارتهای انسانی و مالی فراوانی را که متحمل شده درس بگیرد و توجه نماید که ملتها بیدار شده‌اند و دیگر با جوسازیها و تهدیدها نمی‌تواند حاکمیت خود را بر جهان تحمیل نماید. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

۱۳۸۵/۱۱/۱۹

قم - حسینعلی منتظری

پیام به مناسبت سالگرد توهین و تخریب حرم مقدس امامین عسکریین علیهما السلام

۱۳۸۵/۱۱/۲۳

﴿ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ﴾

﴿ قُلْ لَا اَسْأَلُكُمْ عَلَیْهِ اِجْرًا اِلَّا الْمُوَدَّةَ فِی الْقُرْبٰی ﴾

برادران و خواهران مسلمان. السلام علیکم و رحمة الله و بركاته
در سالگرد مصیبت حمله و حشیانه به حرم مطهر امامین عسکریین علیهما السلام و تخریب
آن توسط گروهی منحرف و اغفال شده، ضمن اظهار نگرانی شدید و تسلیت مجدد به
همه مسلمانان جهان دو نکته را یادآور می شوم:

[جنایت و هابیان علیه حرم عسکریین را نباید به حساب اهل سنت نهاد]

۱- اینکه اهل سنت همچون شیعیان به اتکاء حدیث شریف ثقلین - که متواتر بین
شیعه و سنی می باشد - از موالیان و علاقه مندان اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و عترت آن
حضرت می باشند و هرگز به این گونه اعمال - که موجب آزرده گی و تأثر شدید روح
شریف پیامبر اسلام می باشد - راضی نمی باشند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در حدیث شریف
«ثقلین» عترت خود را عدل قرآن معرفی نمودند و تمسک به آن دو را تا روز قیامت
مورد تأکید قرار دادند. بنابراین برادران اهل سنت نیز همچون شیعیان از چنین
بی حرمتی بزرگی که به حرم شریف دو امام عزیز که از عترت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هستند
ناراحت و متأثر می باشند و نباید کار یک عده و هابی منحرف که ناشی از اغراض
سیاسی و در جهت اهداف دشمنان اسلام است را به حساب اهل سنت گذاشت و

اختلاف کلمه و چه بسا جنگ داخلی که خواست دشمنان شیعه و سنی می باشد را دامن زد.

۲- انتظار می رود علما و مراجع محترم عراق و شیعیان غیور و افراد مؤثر آن کشور با حمایت کامل دولت عراق شهر مقدس سامراء و حرم مطهر امامین عسکریین علیهم السلام را از غربت درآورند و با تشریک مساعی و تدبیر کامل به طور دائم کاروان های زیارتی با شکوه و هیأت مذهبی را با اسکورت نیروهای امنیتی به آن شهر مقدس روانه نمایند تا ان شاء الله به تدریج شهر سامراء از وضعیت اسفناک و غربت کنونی درآید و کانونی قوی از موالیان و علاقه مندان عترت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گردد.

از خدای متعال نصرت و عظمت اسلام و وحدت کلمه مسلمین و دفع شرّ اجانب را مسألت دارم.

والسلام علی عبادالله الصالحین.

۱۳۸۵/۱۱/۲۳

قم المقدسة - حسینعلی منتظری

مصاحبه خبرنگار روزنامه «مانیچی» ژاپن

۱۳۸۵/۱۲/۱

* بحث روز بین‌المللی در رابطه با ایران و مسأله هسته‌ای ایران است. الآن فشار غرب زیاد است تا در ایران فعالیت‌های هسته‌ای را متوقف کنند. جنابعالی منافع ملی کشور را در چه راه حلی می‌بینید یعنی ایران اگر به چه شکل عمل کند بهترین راه برای منافع ملی کشور خواهد بود؟

﴿ اعوذ بالله من الشيطان الرجيم ﴾

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين ﴾

[تأمین حق هسته‌ای با جلب اعتماد جامعه بین‌المللی]

پاسخ - ما باید شعارهایی را که تحریک‌کننده آمریکا و غرب است کنار بگذاریم. ولی با این حال انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز چیزی است که ضرورت دارد، در دنیا همه کشورها برای اینکه پیش‌بینی می‌کنند نفت و گاز در آینده تمام می‌شود به انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز روی آورده‌اند و این برای کشورها ضروری است. ما هم با سلاح‌های اتمی و مخرب مخالفیم. وانگهی چرا آمریکا و غرب به ایران فشار می‌آورد، در حالی که اسرائیل هم اسلحه اتمی دارد. خود آمریکا با اسلحه اتمی به دو شهر ناکازاکی و هیروشیما ژاپن حمله کرد و هزاران نفر را کشت. الآن هم در زرادخانه‌هایش این کلاهک‌ها را دارد. کشوری که خودش اسلحه مخرب دارد حق ندارد به امثال ایران تحمیل کند که انرژی صلح‌آمیز هم نباید داشته باشی؟

[منع ایران از حق هسته‌ای ظالمانه است]

این حکم ظالمانه است. اروپاییها هم از دست آمریکا می‌نالند چون می‌خواهد در همه جا دخالت کند. در اخبار آمده بود که آمریکا هواپیماهای جاسوسی‌اش را به کشورهای اروپایی می‌فرستد، آنها اعتراض دارند که چه حقی دارد آمریکا در کشورهای ما تصرف کند.

ایران هم یک کشور مستقل و بزرگی است و اگر دولت و ملت یک چیزی به مصلحت‌شان باشد کشور دیگری حق ندارد با آن مخالفت نماید.

[اسلح‌های اتمی باید نابود شوند]

البته اسلحه مخرب اتمی و هسته‌ای را همه ما مخالفیم. آمریکا و اسرائیل هم که دارند باید آنها را نابود کنند زیرا وجود این سلاح‌ها در دنیا به ضرر جهانیان تمام می‌شود.

حکام آمریکا ممکن است روزی دوباره بی‌عقلی کرده و مانند هیروشیما و ناکازاکی بخواهند نقطه دیگری از جهان را بمباران کنند به‌ویژه اینکه این سلاح‌ها پیشرفته‌تر شده و دنیایی را خراب می‌کند.

تعجب ما از ملت آمریکا است که چرا به دولت خود اعتراض نمی‌کند که پرستیژ و آبروی ما را دارید در دنیا می‌برید. از باب مثال همین حملاتی که آمریکا به عراق و افغانستان کرد در صورتی که همه دخالت‌ها تا حال به ضرر خودش بوده است، در عراق متوقف شده و هر روز مورد حمله واقع می‌شود و بیش از سه هزار سرباز آمریکایی در عراق کشته شدند؛ میلیاردها دلار هزینه می‌کند و با این حال تقصیر کشتارهایی که در عراق انجام می‌شود به گردن آمریکاست چون بر اساس قوانین بین‌المللی اشغالگر مسئول تأمین امنیت کشور اشغال شده است.

* در رابطه با مسأله استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای، جامعه بین‌المللی و آمریکا فشاری که آورده‌اند این است که به طور کلی ایران غنی‌سازی را تعلیق کند و اگر تعلیق نکند تحریم‌های بیشتری در راه خواهد بود و این تحریمها بیشتر به گرانی‌ها و عدم رضایت عمومی منجر خواهد شد. آیا شما فکر نمی‌کنید اگر غنی‌سازی ادامه یابد در نهایت باز هم تحریم‌های بیشتری اعمال شود و به ضرر مردم ایران شود؟

[باید با اجتناب از تندروی و با گفتگو بهانه تحریم و حمله را گرفت]

پاسخ - این تحریم‌ها تازه نیست، سالهاست آمریکا ایران را تحریم کرده و به کشورهای دیگری که با ایران مبادله اقتصادی دارند فشار می‌آورد که رابطه‌شان را به هم بزنند. ملت ما با همه مشکلات خود گرفته‌اند ولی تحریم‌های بین‌المللی مطرح شده برای ما مشکل‌ساز خواهد بود. من این نکته را قبلاً عرض کردم که بایستی در عرصه بین‌المللی تندروی کرد بلکه بایستی افراد عاقل، متخصص و موجه بیایند و مسائل و مشکلات را با گفتگو حل کنند و نگذارند کار به جای باریکی برسد که آمریکا هم سوژه به دست بیاورد و سر موضع بیاید و خدای نکرده مثل حمله به عراق و افغانستان به ایران هم تعرض کند.

البته اگر این کار را انجام بدهد دیوانگی محض است و همه ضرر می‌کنند. اما با این حال بایستی که وزارت خارجه و سایر مسئولین مربوطه با مذاکرات مشکل را حل کنند. من یادم هست در جنگ ویتنام با اینکه ویت‌کنگ‌ها با آمریکاییها جنگ می‌کردند اما در پاریس جلسات صلح‌آمیزی بود که با هم مذاکره می‌کردند. بایستی مذاکرات در هر حال در بین باشد و هر دو از سر لجاجت پایین بیایند.

* در مورد رئیس‌جمهور فعلی آقای احمدی‌نژاد؛ شما در گفته‌هایتان از ایشان انتقادهایی داشته‌اید و گفته‌اید صحبت‌های افراطی به نوعی به ضرر مملکت تمام می‌شود. در مورد سیاست اقتصادی ایشان نظرتان چیست؟ آیا سیاست اقتصادی دولت فعلی می‌تواند به نفع ملت کارساز باشد؟

[وعده‌های بی عمل دولت]

پاسخ - وقتی ایشان می‌خواست انتخاب شود وعده‌های زیادی به مردم دادند و می‌خواستند «نفت را سر سفره مردم بیاورند». حتی جاهایی که می‌روند، مسافرت‌هایی که به استانها می‌کنند، بسیاری از اوقات مردم انتقاد دارند که وعده‌هایی که در آن استانها داده شده درصد کمی عملی شده و بسیاری از طرحها و قول و قرارها هنوز اجرایی نشده است. بایستی از شعار کاست و به عمل افزود. خلاصه وعده‌هایی که اول دادند برای انتخابشان، اکثراً انجام نشده است. راه حل هم دارد که متخصصان باید نظر دهند. کشور ما از نظر منابع نفت، گاز و منابع دیگر غنی است و از خیلی کشورها بیشتر داریم. کشورهایی که نفت و گاز ندارند بهتر از ما اداره می‌شوند.

[پول نفت مال مردم است نه دولت و دیگر کشورها]

بایستی خرج‌های بیهوده نکنند و در راه رفاه مردم قدم بردارند. نفت و گاز مال مردم است نه مال دولت، و باید خرج خود مردم کنند نه خرج تشریفات دولتی و دیگر کشورها! این مقامهایی که رئیس جمهور، وزراء، استاندارها و دولتی‌ها دارند امانت است، مردم این امانت‌ها را به عهده اینها گذاشته‌اند بایست امانت‌ها را ادا کنند. در قرآن آمده است: ﴿ان الله یامرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها﴾ (خدا به شما امر می‌کند امانت‌ها را به اهلش بدهید) مردم این پستها را به شما داده‌اند و انتظار دارند پول مردم را خرج مصالح آنان کنید.

* در اظهارات شما در جایی خوانده‌ام که شما فرموده‌اید: طبق شرایط زمان، ما شعارها و رفتارمان را باید عوض کنیم، آنها را به روز کنیم؛ الآن در شرایط امروز شما فکر می‌کنید ما چطور باید مسائل انقلاب و شعارهای انقلاب را پیش ببریم؟

[مخالفان هم جزو مردم اند و باید انحصارطلبی را کنار گذاشت]

پاسخ - روشی که آقایان پیش گرفته اند این است که: در کارهایشان نوعی انحصارطلبی وجود دارد و یک قشر خاص خیال می کنند صاحب و مالک انقلاب بوده و حاکمیت و ثروت کشور هم باید در اختیار اینها باشد، باید اینها از این اشتباه دست بردارند. بدانند که اولاً همه قشرها حتی مخالفان را بایستی به حساب آورد. در قرآن، خدا به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خطاب می کند: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» یعنی: ای پیغمبر! در اثر رحمت خدا تو نرم خو هستی و اگر خشن بودی از اطراف تو پراکنده می شدند، اینها را عفو کن و برایشان استغفار کن. عفو و استغفار مربوط به مخالفین است. بعد می فرماید با همین مخالفها مشورت کن، نمی فرماید: با موافقها. آقایان خودی و غیر خودی درست کردند و همه مشورتها، کارها، و پست ها از آن خودی هاست، و دیگر مردم را هیچ فرض کردند؛ در صورتی که همه مردم صاحب انقلاب هستند، در بدو انقلاب همه قشرها سهیم بودند. معروف است می گویند: «انقلاب فرزندان خودش را می خورد!» الآن به گونه ای شده آنهایی را که در انقلاب نقش داشتند، از انقلابیون اصیل بودند و به مصالح کشور علاقه مندند کنار می زنند و یک قشر خاصی می خواهند حکومت کرده و اقتصاد هم دست آنها باشد. این روش کاملاً اشتباه است. اگر چنانچه دولت می خواهد واقعاً کشور اداره شود و خارجی ها هم به ما زور نگویند، بایستی از انحصارطلبی ها دست بردارند. گاهی برای یک انتقاد جزئی افراد را زندان می کنند. آنهایی که در انقلاب سهیم بودند تحت فشار قرار می گیرند. این بازداشتها، زندانها و کارهای تندی که انجام می دهند اینها به خصوص در مواقع بحرانی به ضرر کشور و ملت است و همین هم سبب می شود خارجیها در کشور ما طمع کنند.

خلاصه خداوند به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: همین هایی که مخالفند عفو شان

کن و برایشان استغفار کن و با اینها مشورت کن. وقتی که با مخالف مشورت کردی و به او بها دادی آنها هم می آیند و در مواقع بحرانی همکاری می کنند.

[انواع محدودیت و خشونت و حصر تاوان یک انتقاد]

از باب مثال عرض می کنم؛ همه اعتراف دارند که بعد از آیت الله خمینی در ایران کسی که نقش محوری در مبارزات را داشت اینجانب بودم. امام علیه السلام سالها از کشور دور بودند؛ در ترکیه و نجف بودند. آنهایی که انقلابی بودند به بنده مراجعه می کردند. ولی در اثر یک سخنرانی در سیزده رجب سال هفتاد و شش، پنج سال و نیم مرا در همین خانه محصور کردند و مانع درس و بحث و ملاقاتها شدند. در حالی که در آن سخنرانی حقایقی را ذکر کردم و تذکراتی را از باب وظیفه مطرح کردم. در تهاجمی که بعد از سخنرانی شد این حسینیه شهدا را تصاحب کردند. الآن هم درب حسینیه را بسته اند، هر چه افراد تذکر می دهند - حتی در روز عاشورا یکی از گویندگان هم تذکر داد - که مگر حسینیه چه گناهی کرده، ولی گوششان بدهکار نیست. الآن حدود نه سال است درب حسینیه را بسته اند و ما برای مجالس سوگواری و درس با کمبود جا مواجه هستیم. با دیگر انتقادکنندگان هم همین روش را داشته اند، قهراً دشمن هم احساس می کند در بین ملت اختلاف هست و طمع می کند. اگر می خواهند دشمن قطع امید کند باید در داخل با ملت هماهنگ شوند و دست از تنگ نظریها بردارند، من این را از باب مثال عرض کردم. در دانشگاه هم این انحصارطلبیها رایج است.

[آزادی برای موافق و مخالف و آزادی پس از بیان]

گاهی از اوقات اساتید دانشگاهها و دانشجویان را برایشان سخنرانی می کنند. از جمله در سخنرانیها می گویند: شما بایستی در سیاست کشور سهیم باشید و اظهار نظر کنید، اما اگر دانشجویان انتقاد کنند با آنها برخورد قضایی و امنیتی می کنند و آنان را از ادامه تحصیل باز می دارند. این تضادها را بایستی حل کنند و آزادی مردم و

مخالفان را تأمین نمایند. اول انقلاب می‌گفتیم: «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی»؛ آزادی نه معنایش آزادی مسئولین یا قشر خاصی است بلکه منظور آزادی همه ملت است. یادم هست که مرحوم آیت‌الله خمینی علیه السلام در پاریس که بودند از ایشان پرسیدند: آیا کمونیست‌ها هم حق دارند نظرشان را بگویند، ایشان در جواب گفتند: «در جمهوری اسلامی کمونیست‌ها نیز در بیان عقاید خود آزادند».

اینکه آزادی بیان باشد اما آزادی پس از بیان نباشد و مخالفان به زندان و حصر بروند، این معنی‌اش آزادی نیست.

[پاسخ به اینکه چرا چند ماه دیگر صبر نکردید تا رهبر شوید؟]

* من در پایان سؤالی دارم، البته برایم سخت است پرسیدن آن، ولی اگر جسارت نیست می‌پرسم؛ شما در اظهارنظراتی که در آخرین ماه‌های دوران مسئولیت خود داشتید انتقادهایی که فرمودید؛ بعد از آن ظاهراً دو سه ماه بعدش آیت‌الله خمینی علیه السلام فوت کردند و شما به هر حال به رهبری انقلاب انتخاب می‌شدید آیا بهتر نبود که شما صبر می‌کردید و بعد از اینکه رهبری را به دست می‌گرفتید شروع می‌کردید و اصلاحاتی را انجام می‌دادید و آنچه که مد نظرتان بود اجرا می‌کردید؟ آن زمان آن اظهارات را کردید و باعث سوء تفاهمی شد برای آیت‌الله خمینی و باعث مسائلی بعد از آن شد، آیا بهتر نبود که شما صبر می‌کردید؟

پاسخ - معنای این پیشنهاد شما این است که اگر انسان مطالب خلاف حقی را مشاهده کرد و دید به عده‌ای در جامعه ظلم می‌شود با خیال راحت بگوید: خوب! به جهنم که ظلم به مردم می‌شود. الآن مصلحت نیست اعتراض کنم و بگذارم حق زیر پا گذاشته شود. برای اینکه می‌خواهد در آینده نزدیک مقام پیدا کند! چنین چیزی خلاف شرع، انسانیت و منطق است، ما نباید حقیقت را فدای مصلحت کنیم. خدا در قرآن کریم در سوره «عصر» می‌فرماید: ﴿وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ، الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ، وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾، قسم به عصر و زمانه، همانا انسان در زیانکاری است مگر کسانی که ایمان بیاورند و اعمال صالح انجام بدهند.

آیا پس از ایمان وظیفه تمام شد؟ نه! باید به یکدیگر نسبت به حق سفارش کنند و حق را متذکر شوند؛ البته حق را که می‌گوییم ممکن است پُست و مقام ما را بگیرند، به زندان انداخته و مشکلات ایجاد کنند. لذا می‌فرماید: یکدیگر را سفارش به صبر کنید که اگر هزینه‌ای داشت باید تحمل کرد. پس ما باید در هر حال حق را بگوییم.

وانگهی این مقام‌های دنیوی بی‌ارزش‌اند، امیرالمؤمنین علیه السلام وقتی که به طرف کوفه می‌آمدند در ذی قار - نزدیک عماره عراق - نشسته بودند کفش خود را وصله می‌کردند، ابن عباس به حضرت علیه السلام عرض کرد: «در این موقعیت نشسته‌اید کفش وصله می‌کنید، شما فرمانده کل قوا و امیر و حاکم هستید». حضرت علیه السلام فرمودند: «این کفش من چقدر ارزش دارد؟». ابن عباس عرض کرد: «کثیره درهم» به اندازه یک درهم شکسته! سپس حضرت علیه السلام می‌فرماید: «والله لاهی احب الی من امرتکم الا ان اقیم حقاً او ادفع باطلاً»، به خدا قسم این کفش پاره محبوبتر است نزد من از حکومت بر شما، مگر اینکه بتوانم حقی را بیا دارم یا باطلی را دفع کنم. بنابراین اگر جوّ به گونه‌ای باشد که من نتوانم حقی را اقامه کنم یا باطلی را برطرف کنم این حکومت جز مسئولیت چیز دیگری نیست و از کفش پاره هم کمتر است چون کفش رفع حاجت انسان را می‌کند اما حاکمیتی که مقامی در آن داشته باشم ولی نتوانم کاری برای احقاق حق مردم انجام دهم فقط یک مسئولیت بیهوده است.

والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته

واکنش به فتوای مفتی سعودی مبنی بر انهدام اماکن مقدس شیعیان

۱۳۸۵/۱۲/۲

* در پی صدور فتوای انهدام اماکن مقدس شیعیان از سوی عبدالله بن جبرین مفتی وهابی سعودی، آیت‌الله العظمی منتظری در آغاز درس اخلاق طی بیانات کوتاهی ضمن اشاره به فتوای صادر شده از سوی این مفتی وهابی گفتند:

﴿ اَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ﴾

﴿ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وَ بِهِ نَسْتَعِیْنُ ﴾

[فتوای مفتی وهابی برای تشدید اختلاف شیعه و سنی و جنگ در عراق است]

اخیراً یکی از مفتیان وهابی سعودی طی فتوایی اعلام کرده است که: قبور ائمه شیعه بایستی تخریب گردد. این شخص چند سال پیش در پاسخ به سؤالی در باره ذبیحه اهل تشیع گفته بود: «ذبیحه آنان خوردنش حرام است چون اغلب شیعیان مشرک هستند»، با اینکه برخی از اهل سنت خوردن ذبیحه اهل کتاب را جایز می‌دانند این مفتی خوردن ذبیحه شیعه را حرام می‌داند و شیعه را از اهل کتاب بدتر می‌داند! چنین اشخاصی از بقایای همان کسانی هستند که قبور ائمه بقیع علیهم‌السلام و یاران و اصحاب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را تخریب کردند اینها قبر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و زیارت آن را هم شرک می‌دانستند و قصد تخریب آن را هم داشتند که با مخالفت جهان اسلام مواجه شدند، هدف اصلی از این قبیل فتاوا ایجاد اختلاف و تشدید آن در بین شیعه و سنی است و هدف دیگر تضعیف شیعیان است چون در ایران حکومتی شیعی حاکم است و در عراق هم چون اکثریت با شیعه است قهراً حاکمیت از آنان خواهد بود؛ که موجب

نگرانی اینها شده است؛ از این جهت با حمایت‌هایی که از آنها می‌شود درصدد تحریک طرفداران خویش برای تضعیف شیعه هستند و از این سو هم برخی شیعیان را تحریک نمایند تا جنگ بین شیعه و سنی راه‌اندازی شود.

[فلسفه زیارت قبور در شیعه]

تمام مسلمانانی که تا به حال برای زیارت قبر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به مدینه رفته‌اند هیچ کدام برای عبادت پیامبر به مدینه نمی‌روند یا مسلمانانی که برای زیارت ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام به مشاهد شریفه مشرف می‌شوند فقط برای ادای احترام به آنهاست و نه عبادت و پرستش آنها؛ مگر این بزرگان، اهل بیت پیامبر عَلَيْهِمُ السَّلَام نیستند که در قرآن در شأن آنها آمده است: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾، آیا مودت و احترام قربای پیامبر شرک و کفر است؟! وانگهی قبل از اسلام قبوری که متعلق به بزرگان بوده احترام برایش قائل بوده‌اند؛ مانند انبیاء و اولیاء الهی که در فلسطین و لبنان هنوز آثاری از آن وجود دارد. وقتی که اسلام غلبه کرد و صاحب فتوحات شد هیچ‌گاه نگفتند اینها مظاهر شرک است و باید آنها را خراب کنید.

احترام به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ذریه ایشان به پا داشتن و تعظیم شعائر الهی است و توسل به آنها در حقیقت توسل به خداوند است و شرک نیست.

برادران و خواهران اعم از شیعه و سنی، باید توجه داشته باشند که این قبیل مفتیان که حتی از تخریب قبر عسگرین عَلَيْهِمُ السَّلَام حمایت کردند و هر روز هم در عراق جنایاتی را مرتکب می‌شوند، نه سنی هستند و نه شیعه. اعمال تروریستی که در عراق رخ می‌دهد و عاملان آن خود را از اهل سنت معرفی می‌کنند مورد تأیید اهل سنت هم نیستند. آنها عده قلیلی از وهابیین هستند که حتی اهل تسنن هم با آنها مخالفند و چنین نیست که بگوئیم سنی‌ها در عراق شیعه‌ها را می‌کشند بلکه اینها دشمنان هم شیعه و هم سنی هستند که با تحریک دشمنان اسلام هر روز خون مسلمین را به زمین می‌ریزند. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

❖ لازم به ذکر است شیخ عبدالله بن عبدالرحمن بن جبرین از شاگردان شیخ بن باز است که پس از عبدالرحمن البراک دومین مفتی وهابی هاست. وی در تاریخ ۱۴۱۲/۳/۲۲ هـ. ق طی فتوایی خوردن ذبیحه شیعیان را به دلیل مشرک دانستن آنها حرام قلمداد کرده بود که پس از صدور این فتوا آیت الله العظمی منتظری طی بیانیه‌ای در تاریخ ۱۴۱۲/۶/۱۰ (۱۳۷۰/۹/۲۷) با عنوان: «رسالة مفتوحة الى اخواننا في الحجاز والمنطقة الشرقية»، به پاسخ‌گویی به این فتوای باطل و تفرقه‌افکن پرداختند و از شیعیان آن منطقه خواستند در برابر این گونه فتاوا تحمل خویش را از دست ندهند. این رساله مختصر با اضافاتی به کتاب تبدیل و به برخی از شبهات وهابیون در باره عقاید شیعه پاسخ داده است.

۱۳۸۵/۱۲/۲

دفتر حضرت آیت الله العظمی منتظری

پیام تسلیت به مناسبت درگذشت حجة الاسلام والمسلمین سید محمود مطلبی

۱۳۸۵/۱۲/۱۵

﴿ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ﴾

﴿ اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ ﴾

رضوان شهر، جناب مستطاب حجة الاسلام آقای حاج سید کریم مطلبی

دامت افاضاته

پس از سلام و تحیت، با کمال تأسف خیرناگوار درگذشت مرحوم مغفور عالم متعهد و روحانی خدمتگزار حجة الاسلام آقای حاج سید محمود مطلبی - طاب ثراه - ابن عمّ بزرگوار جنابعالی و امام جمعه سابق رضوان شهر را دریافت نموده و بسیار متأثر شدم، سید بزرگواری که عمر شریف خویش را در راه خدمت به اسلام عزیز و ترویج مذهب تشیع سپری نمود و بسا با ناملایماتی نیز مواجه شد. این جانب این مصیبت را به حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و علماء و روحانین محترم رضوان شهر و به جنابعالی و خانواده محترمه ایشان و همه فرزندان و بازماندگان و علاقه مندان و مردم شریف رضوان شهر تسلیت می گویم و از خداوند کریم رحیم برای آن مرحوم علو درجات و حشر با اجداد طاهرین - سلام الله عليهم اجمعین - و برای همه بازماندگان و علاقه مندان صبر جمیل و اجر جزیل و برای جنابعالی سلامت و توفیق خدمت بیشتر به اسلام عزیز را مسألت می نمایم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

۱۶ صفر ۱۴۲۸ - ۱۳۸۵/۱۲/۱۵

حسینعلی منتظری

((۳۳))

مصاحبه خبرنگار سایت خبری «روز آنلاین»

۱۳۸۶/۱/۲۸

* با سلام و عرض ادب

سئوالات زیر برای آگاهی از نظریات شما برای درج در نشریه روز آنلاین، ارسال می شود.
پیشاپیش از محبت شما سپاسگزاری می کنم

خبرنگار سایت روز

سؤال ۱- بسیاری می پرسند آیت الله منتظری آزاد است یا در «حبس» به سر می برد. در پاسخ گفته می شود شما در حبس خانگی نیستید. این پاسخ دقیقی است؟ شما در چه وضعیتی قرار دارید؟

سؤال ۲- کلاس های درس شما برقرار است؟ در چه وضعیتی؟ شاگردان شما همان گونه به شما دسترسی دارند که در دوران پیش از «حبس خانگی»؟

سؤال ۳- در کلاس های درس تان از چه مقولاتی سخن می گوئید؟

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

پس از سلام و تحیت و آروزی موفقیت برای شما.

[گزارش آزارها، محدودیت ها، فعالیت های علمی و روزمره]

جواب ۱ و ۲ و ۳- این جانب در بهمن ماه ۱۳۸۱ پس از تحمل بیش از ۵ سال حبس خانگی آزاد شده و در حال حاضر مراجعه کنندگان شامل شاگردان و دیگر

اقتضای مردم، بدون مانع می‌توانند با من ملاقات نمایند. فعالیت‌های علمی روزانه این جانب شامل، پاسخ‌گویی به پرسش‌های مختلف با موضوع‌های فقهی، قرآنی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... است که یا از طریق نامه، مراجعه حضوری و یا از طریق ایمیل می‌باشد. تدریس کتاب جامع‌السعادات مرحوم نراقی با موضوع اخلاق و برخی بحث‌های فلسفی یا فقهی هم از فعالیت‌های علمی در طول هفته است. برخی از آثار هم یا چاپ نشده یا باید تجدید چاپ شود که بر روی آنها هم نظارت مستقیم دارم.

سؤال ۴- جدا از سئوالات مشخص دینی، مهم‌ترین سئوالاتی که از جانب شاگردان و طرفداران شما با شما مطرح می‌شود چیست؟ چه تغییری در جنس این سئوالات می‌بینید؟ مایلید نمونه‌هایی از آن را نقل کنید؟

جواب- به جز پرسش‌های دینی، فقهی و کلامی؛ در زمینه‌های سیاسی، فرهنگی و مسائل روز پرسش‌های بسیاری از راه‌های مختلف واصل می‌شود (به ویژه مسائل روز که به فراخور تحولات ایجاد شده برای مردم مطرح می‌شود) می‌توانید برای اطلاع از موضوعات مختلفی که در این زمینه طرح می‌گردد به سایت این جانب مراجعه فرمایید.

سؤال ۵- امروز در باورهای دینی و سیاسی شاگردانتان چه ویژگی‌هایی را مشاهده می‌کنید که با گذشته تفاوت دارد و توجه شما را برمی‌انگیزد؟

[نگرش‌های متفاوت در شاگردان]

جواب- شاگردان این جانب هر یک با توجه به استعداد، تلاش، کوشش و تحقیق خویش دارای نگرش‌های متفاوتی هستند که حق هم همین است که آنان پس از فراگیری روش‌ها نزد استاد، خود در موضوعات مختلف علمی، سیاسی، اجتماعی و

فرهنگی صاحب رأی و نظر باشند و بر باوری که به آن معتقد شده‌اند پافشاری نمایند. برخی از شاگردان این جانب با توجه به تحول و تطور سریع در اندیشه بشری، نسبت به حقوق طبیعی انسان و چگونگی تطبیق موضوعات با احکام، فعالیت‌های علمی قابل ارزش و تقدیری انجام داده‌اند که امیدوارم هر یک در هر کجا هستند با استقلال رأی و نظر، از تحقیق، تأمل و تتبع در متون بازمانده، علم‌اندوزی را به عنوان یک اصل اولی فراموش نکنند.

سؤال ۶- حضرت آیت‌الله، بسیاری سال ۸۶ را برای ایران سال دشواری ترسیم می‌کنند. شما

این سال را چگونه می‌بینید؟

جواب- من نیز چون بسیاری از مردم ایران با توجه به وضعیت داخلی و خارجی به ویژه مشکلاتی که در حوزه سیاست و اقتصاد مشاهده می‌کنم مشکلات را قابل پیش‌بینی می‌دانم که امیدوارم با درایت و تنش‌زدایی در عرصه‌های داخلی و خارجی از وقوع معضلات پیش‌رو جلوگیری گردد.

سؤال ۷- مسئولین جمهوری اسلامی، این سال را سال «اتحاد ملی و انسجام اسلامی»

نامیده‌اند. این ترکیب از نظر شما چه معنایی دارد و چشم‌انداز اجرایی شدن آن را چگونه می‌بینید؟

سؤال ۸- در سخنان مسئولین «ایجاد تفرقه و تضعیف وحدت ملی ایرانیان» مورد نکوهش قرار

گرفته. به نظر شما چه کس یا کسانی و چه گروه یا گروه‌هایی موجب «ایجاد تفرقه و تضعیف وحدت

ایرانیان» می‌شوند؟ چگونه؟

[وحدت دستوری نیست و با تنگ‌نظری، انحصارطلبی

و نفی حقوق شهروندان حاصل نمی‌شود]

جواب- اگر شعارهای داده شده مبنی بر ایجاد وحدت و یکپارچگی - چه در سطح

ملیت و چه اسلامیت - تنها در مرحله حرف، بیان و تبلیغات رسانه‌ای باشد چون

گذشته آثار عملی بر آن بار نخواهد شد. «وحدت» امری دستوری نیست که با اوامر فرادستان به منصفه ظهور برسد. نمی‌توان دیگران را غیرخودی دانست، برخی را از حقوق شهروندی محروم کرد، در مدیریت‌ها و تصمیمات کلان تنگ‌نظری و انحصارطلبی را نصب‌العین قرار داد و مردم را نامحرم پنداشت و از سویی از وحدت و همدلی - آن هم یک طرفه - سخن به میان آورد. البته به مقتضای «الناس علی دین ملوکهم» چنانچه رهبران جامعه دست از تنگ‌نظری بردارند و مخالفان فکری خود را تحمل کنند و مثلاً در انتخابات آینده آنان را حذف نمایند و فضای سیاسی را آزاد کنند، این‌گونه امور می‌تواند به اتحاد و انسجام واقعی در بین آحاد ملت کمک فراوانی نماید و امیدوارم به بهانه ایجاد وحدت، مردم از حقوق شهروندی خویش محروم نشوند.

سؤال ۹- گفته می‌شود «دشمنان به بهانه‌هایی همچون قومیت، مذهب و گرایش‌های صنفی درصدد هستند وحدت کلمه ملت ایران را از بین ببرند و در جهان اسلام نیز اختلافات مذهبی را دامن بزنند و با به‌راه‌انداختن جنگ شیعه و سنی میان ملت ایران و جوامع اسلامی فاصله ایجاد کنند». شما با این باور موافقید؟ منشأ این بهانه‌ها کجاست و چیست؟

[اتهامات بی‌اساس و بازداشت ناراضیان و فاصله حاکمان با مردم مانع وحدت]

جواب- ایجاد اختلاف میان اقوام و مذاهب و گرایش‌های دینی از سیاست‌های دیرینه استعمار است که متأسفانه برخی از همین مذاهب و اقوام با تأکید بر اختلافات - بدون در نظر گرفتن مشترکات - به دام دشمنان خود افتاده‌اند. اما در باره گرایش‌های صنفی باید گفت اعتراضات اخیر، ناشی از برخی شعارهای بدون پشتوانه اقتصادی است. متأسفانه قشرهایی چون معلمان و کارگران که باید مورد احترام و تکریم باشند در برخی بخش‌ها از مشکلات معیشتی رنج می‌برند. قهراً آنان نیز چون دولت فعلی با شعار توسعه اقتصادی به عرصه آمده‌اند و پس از عدم تحقق وعده‌ها اعتراضات خود

را مطرح می‌کنند که در برخی شهرها با بازداشت و برخوردهای تند مواجه شده‌اند. بدون دلیل و ارائه اسناد و مدارک نمی‌توان به اعتراض کنندگان تهمت ارتباط با بیگانه زد و آنها را عامل اختلاف و برهم زننده وحدت ملی دانست. وجود فاصله میان حاکمان و اقشار، مذاهب و اقوام مهم‌ترین عامل تفرقه و جدایی است که قهراً بیگانگان از این آب‌گل آلود بهره می‌برند.

سؤال ۱۰- آقای احمدی‌نژاد رئیس جمهوری اسلامی در پیام نوروزی خود، سال ۸۵ را «سالی سرشار از کوشش، جوشش، عزت، مجاهدت همگانی و افتخار برای ملت ایران» دانسته و گفته است: «در سال گذشته در عرصه علمی و فناوری پیشرفت‌های بزرگ و دستاوردهای ارزشمندی برای ملت ایران به دست آمد و در عرصه اقتصادی نیز گام‌های بلندی در زمینه‌های مختلف از جمله در سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و سازندگی برداشته شد. به طوری که حجم تقاضا برای سرمایه‌گذاری داخلی دو برابر و در سرمایه‌گذاری خارجی نیز این حجم چند برابر شده است. در سال ۸۵ در عرصه فرهنگی امید و تلاش، ایمان و محبت و عشق به انسان‌ها و آرمان‌های الهی در ایران موج زد». این جملات بی‌غلط است؟

[مردم مرجع قضاوت درباره عملکرد کارگزارانند]

جواب- عمده موفقیت‌های فعلی مرهون تلاش و کوشش دولت‌های قبلی هم هست. امیدوارم آمار، ارقام و گزارش‌هایی که در باره پیشرفت‌ها در عرصه‌های مختلف ارائه می‌گردد، در زندگی روزمره مردم به ویژه اقشار ضعیف مردم، مستمری بگیران و کارگران قابل لمس باشد. در حقیقت این مردم هستند که باید درباره صحت یا سقم این اظهارات نظر دهند.

سؤال ۱۱- اگر شما قرار بود سال ۸۵ را تصویر کنید از چه جملاتی استفاده می‌کردید؟

[سالی پر از شعار و فشار]

جواب - سال گذشته دارای فراز و نشیب‌هایی بود. اما سالی پر از شعار، فشار اقتصادی، ایجاد تنش در سطح جهانی، بهره‌بردن از نیروهای دلسوز و انقلابی، سکوت نخبه‌گان، تشدید سانسور و...

سؤال ۱۲- آرزوی شما برای سال ۸۶ چیست؟

جواب - آرزوی قلبی من سعادت و سلامت ملت ایران، رفاه و گشایش در امور اقتصادی و امکان رشد معنوی آنان و مصون ماندن از گزند مشکلات داخلی و خارجی است. و این معنا محقق نمی‌شود جز با جلب رضایت عامه مردم و عدم تبعیض در عرصه‌های مختلف توسط حاکمیت.

[هر تبعیضی ظلم نیست و هر اظهارنظری ممنوع نیست]

سؤال ۱۳ - امروز فعالین زن در جامعه ایران، کمپینی تحت عنوان «یک میلیون امضا برای رفع تبعیض از زنان» به راه انداخته‌اند. در جریان این کمپین هستید؟ نظر شما درباره دستگیری فعالین این حرکت چیست؟

جواب - صرف نظر از اینکه معنا و مراد از تبعیض در مورد زنان چیست و اینکه آیا هر تبعیضی ظلم محسوب می‌شود یا نه؟ نظرم این است که نباید مانع از اظهار نظر شد و نباید اظهار نظر را با زندان و مجازات و توهین پاسخ داد.

سؤال ۱۴ - خانم شیرین عبادی پیشنهاد کرده برای حل مسأله اتمی ایران، بهتر است دولت جمهوری اسلامی «رفراندوم هسته‌ای» برگزار کند و نظر مردم را جویا شود. سؤال این است که به نظر شما، الف: این رفراندوم کارساز است؟ ب: آیا زمینه‌های برگزاری این رفراندوم را می‌بینید؟ ج: از دید شما این مسأله با توجه به جمیع جهات، چه راه‌حلی دارد؟

[لزوم نظرخواهی در امور مهم کشور]

جواب - در امور بسیار مهمی که به مصالح کشور مربوط است مانند موضوع مورد سؤال باید علاوه بر استفاده از نظر کارشناسان مختلف - اعم از آنهایی که داخل نظام می‌باشند یا غیر آنان - از مردم یا نمایندگان آنان نظرخواهی شود. ولی بعضی از قسمت‌های مورد سؤال که جنبه کاملاً تخصصی دارد را باید کارشناسان نظر دهند. البته در چنین امری که قدرت‌های جهان نسبت به آن حساسیت پیدا کرده‌اند برای عبور از بحران جاری نباید با شعارهای تحریک‌آمیز و بدون خاصیت حساسیت آنها را تشدید نمود و آنها را به اجماع و مقابله با کشور واداشت.

[حقوق دیگری جز انرژی هسته‌ای هم داریم]

گاه در تزاخم میان اهم و مهم عقل حکم می‌کند که برای حفظ امر اهم از مهم صرف نظر کرد و اگر «انرژی هسته‌ای» حق ماست - گذشته از اینکه ما حقوق دیگری هم به جز این داریم - قطعاً با شعارهای تند و گاه بی‌محتوا نمی‌توان از آن حراست کرد، بلکه سرمایه عظیم حمایت مردمی می‌تواند در این راستا کارساز باشد.

سؤال ۱۵ - شما از حقوق شهروندی خود برخوردارید؟

[مصادیق نقض حقوق شهروندی ام]

جواب - گرچه وضعیت این جانب به ظاهر عادی است اما برخی اقدامات امنیتی و قضایی درباره شاگردان، مقلدان و اماکن مربوط به اینجانب، و به‌ویژه نشر اندیشه‌های علمی و سیاسی ادامه دارد. چنانچه برخی از علاقه‌مندان، شاگردان و منسوبان پس از سالها هنوز با قرار وثیقه‌های سنگین آزادند ولی پرونده‌های آنان هنوز مفتوح است. در سال گذشته تعداد دیگری از آنان احضار و محاکمه شده‌اند. جرایم از انتشار

نظرات این جانب منع شده‌اند و در موارد نادر هم با سانسور همراه است. برخی رسانه‌ها آزادانه مطالب خلاف واقع و تهمت‌هایی را مطرح می‌کنند که برای ما امکان پاسخ‌گویی فراهم نیست و حق دفاع از خود را نداریم. چاپ کتاب‌های علمی و مذهبی هم در برخی موارد دچار اشکال و بهانه‌جویی می‌شود. حسینیه شهدا در کنار بیت، دفتر اصفهان و مشهد هم هنوز توسط نیروهای امنیتی و دادگاه ویژه روحانیت بازپس داده نشده است. با این اوصاف نمی‌توان گفت که حقوق شهروندی به طور کامل اجرا می‌شود.

توفیق شما و همکاران تان را از خداوند متعال خواستارم.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

« ۳۴ »

پیام تسلیت به مناسبت درگذشت مرحوم آقای فخرالدین حجازی

۱۳۸۶/۲/۳۱

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

﴿ انا لله وانا اليه راجعون ﴾

تهران، خانواده محترم دانشمند بزرگوار و خطیب توانا مرحوم مغفور آقای
فخرالدین حجازی - طاب ثراه -

پس از سلام و تحیت، با کمال تأسف خبر درگذشت آن مرحوم که عمر خویش را
در راه دفاع از اسلام و مکتب اهل بیت عصمت و طهارت سپری نمود دریافت و متأثر
شدم.

این جانب این مصیبت را به حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف -
و حضرات علماء اعلام و اخوان مؤمنین و مؤمنات و به شما بازماندگان محترم
تسلیت می گویم و از خداوند قادر متعال برای آن مرحوم علو درجات و حشر با
ائمه اطهار - سلام الله عليهم اجمعین - و برای همه بازماندگان محترم و علاقه مندان صبر
جمیل و اجر جزیل مسألت می نمایم.

والسلام علیکم.

۴ جمادی الاولی ۱۴۲۸ - ۱۳۸۶/۲/۳۱

حسینعلی منتظری

« ۳۵ »

پیام تسلیت به مناسبت درگذشت همسر مرحوم آیت الله طالقانی

۱۳۸۶/۲/۳۱

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

﴿ انا لله وانا اليه راجعون ﴾

سرکار مخدیره اعظم خانم طالقانی دامت توفیقاتها
پس از سلام و تحیت، با کمال تأسف خبر درگذشت مؤمنه صالحه، والده مکرمه
شما و همسر مرحوم آیت الله طالقانی - طاب ثراه - را دریافت و متأثر شدم.
مادری که در دامان خویش فرزندى همچون جنابعالی که از مبارزین سابقه دار و از
مدافعین اسلام عزیز و انقلاب اسلامی و حقوق حقه مستضعفین و محرومین بوده و
هستید تربیت نمود. این جانب این مصیبت را به شما و همه بازماندگان محترم تسلیت
می گویم و از خداوند کریم رحیم برای آن مرحومه مغفوره و پدر بزرگوارتان مرحوم
آیت الله طالقانی - اعلی الله مقامه - علو درجات و حشر با ائمه طاهرین - سلام الله علیهم
اجمعین - و برای شما و همه بازماندگان محترم صبر جمیل و اجر جزیل، و برای
جنابعالی سلامت و توفیق بیشتر برای خدمت به اسلام عزیز و بندگان خدا را مسألت
می نمایم. والسلام علیکم.

۴ جمادی الاولی ۱۴۲۸ - ۱۳۸۶/۲/۳۱

حسینعلی منتظری

پاسخ به سؤالات مهندس مصطفی ایزدی پیرامون خاطرات آیت‌الله مهدوی‌کنی

۱۳۸۶/۳/۵

﴿ به نام خدا ﴾

محضر مبارک فقیه عالیقدر حضرت آیت‌الله العظمی منتظری دامت برکاته

با عرض سلام و آرزوی سلامتی و توفیق حضرت‌عالی به استحضار می‌رساند که اخیراً از سوی مرکز اسناد انقلاب اسلامی کتابی تحت عنوان «خاطرات آیت‌الله مهدوی‌کنی» به چاپ رسیده است در این کتاب مطالبی پیرامون تأسیس «جامعه الامام الصادق علیه السلام» و نیز خاطراتی در ارتباط با حضرت‌عالی آمده که برخلاف اسناد و مدارک موجود و بعضاً مغایر با گفته‌های شما در کتاب شریف «خاطرات» می‌باشد. هر چند که از این مغایرت‌ها در بعضی از نوشته‌ها و خاطرات بعضی از افراد دیگر هم وجود دارد، اما از آنجا که آیت‌الله مهدوی‌کنی منصوب جناب‌عالی در رأس دانشگاه امام صادق علیه السلام می‌باشد، اظهارات ایشان می‌تواند قابل توجه باشد. لذا به منظور رفع پاره‌ای از ابهامات که برای خوانندگان اینگونه خاطرات پیش می‌آید لازم دیدم در خصوص سه نکته از گفته‌های ایشان نظر حضرت‌عالی را جويا شوم چنانچه ضرورت می‌بینید و وقت پاسخگوئی دارید تقاضا مندم علاقه‌مندان به تاریخ انقلاب اسلامی را از نظرات خویش آگاه فرمائید:

۱- در زمینه تشکیل دانشگاه امام صادق علیه السلام و اساسنامه آن نوشته‌اند:

«در این اساسنامه آیت‌الله منتظری به عنوان ریاست عالی آمده است. اختیارات کلی این جامعه در اختیار هیئت امنا بود. البته عنوان ریاست عالی برای آیت‌الله منتظری مبتنی بر این بوده که ایشان به سمت قائم مقام رهبری توسط مجلس خبرگان تعیین شده بود. ولی پس از عزل ایشان از این سمت، قهراً ریاست عالی موضوعاً منتفی گردید و پس از بروز مشکلاتی که مانع از حضور ایشان در جلسات هیئت امنا و قهراً منجر به استعفای ایشان شد، سرانجام ادامه کار هیئت امنا بدان شکل غیر ممکن می‌نمود. مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مصلحت دیدند تا زمان اصلاح

اساسنامه و تعیین امنای جدید، جریان کارهای جامعه با نظر حقیر انجام گیرد و در واقع من به عنوان جانشین هیئت امنا با تعیین هیئت مدیره‌ای مرکب از بعضی از اعضای امنا و جز آنان، مسئولیت اداره جامعه را عهده‌دار شدیم.» (ص ۳۹۷)

۲- در مورد تذکرات شما در دوران قائم مقامی رهبری، گفته‌اند:

«قائم مقام قاعدتاً باید آنچه را که رئیس اصلی می‌گوید بگوید. اگر ایشان قائم مقامی را پذیرفته بودند اقتضا داشت ببینند امام چه می‌گوید، ایشان هم همان را بگویند؛ به خصوص پس از اینکه رسماً به عنوان قائم مقامی منصوب و معرفی شدند و امام هم قبول کردند و حتی عنوان آیت‌الله را پذیرفتند و در برخی از مکتوبات نیز نوشتند. معنای قائم مقامی چیزی جز این نیست؛ مگر می‌شود قائم مقامی روش یا سیاستی را اتخاذ بکند که برخلاف نظر رئیس و رهبر اصلی باشد؛ ولی جناب آقای منتظری غالباً نظرات خودشان را بیان می‌کردند، نقدهایی نسبت به مسائل سیاسی کشور از جمله سپاه، قوه قضائیه و دولت داشتند؛ گاهی هم به خود امام - مستقیم یا غیرمستقیم - اشکال و ایراد می‌گرفتند.» (ص ۳۵۹)

۳- ایشان ضمن تشریح علت برکناری حضرت‌عالی از قائم مقامی و بیان اینکه روش انتقادی شما دیگر قابل تحمل نبود، به ملاقات علمای صاحب‌نفس در انقلاب با مرحوم امام در سال آخر حیات ایشان اشاره کرده و اظهار داشته‌اند:

«پس از پایان مجلس، امام به آیت‌الله منتظری فرمودند شما بنشینید، با شما کار دارم - ظاهراً همان مجلس بود - امام باز ایشان را به طور خصوصی نصیحت کردند. امام فرمودند شما دیگر چنین حرفهایی نزن، تا کجا شما می‌خواهید به این حرفهایی که دشمن از آن سوء استفاده می‌کند، ادامه بدهید. البته ما از آن جلسه بیرون آمدیم و ایشان به تنهایی نشستند، این را خود آقای منتظری نقل کردند، ولی پیدا بود که این نصیحت را نپذیرفته بودند. آقای منتظری می‌گفتند من احساس وظیفه می‌کنم، باید این حرفها را بزنم. عملاً هم این طور بود که باز هم ادامه دادند و به روش سابقشان عمل کردند تا به عزل منتهی شد.» (ص ۳۶۱)

امیدوارم همیشه و در همه حال در ذیل توجهات حضرت ولی عصر (عج) نستوه و سربلند باشید.

با سپاس فراوان، ارادتمند:

۱۳۸۶/۲/۲۴ - مصطفی ایزدی

﴿ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ﴾

محقق محترم جناب آقای مصطفی ایزدی دام توفیقه

با سلام و تحیت

نامه شما را خواندم، ضمن تقدیر از توجه شما به مسائل انقلاب و حوادث گذشته و پیگیری نسبت به آنها یادآور می شوم:

[نقد اظهارات آیت الله مهدوی کنی و نقل ماجرای تشکیل دانشگاه امام صادق]

اینجناب جناب آیت الله مهدوی کنی دامت افاضاته را - که از دوستان قدیم می باشند - فردی متدین، اخلاقی و معتقد به قیامت و حساب و کتاب می دانم و لذا احتمالاً مطالب نقل شده از ایشان (و نیز برخی دیگر از مطالب این کتاب) به خاطر فراموشی و عدم مراجعه به اسناد موجود و یا حداقل عدم استفسار از کسانی است که هنوز دست سیاست موجب فراموشی آنان نشده است. اینجناب به خاطر مصالحی قصد پاسخ دادن به بسیاری از مطالب خلاف واقعی را که علیه من در این مدت منتشر شده - و اخیراً در قالب خاطره گویی و غیره بر حجم آن افزوده شده است - نداشته ام و به حداقل اکتفا کرده ام؛ اما تحریف وقایع و بیان مطالب خلاف از امثال ایشان دور از انتظار و موجب شگفتی و تأسف است. ذیلاً به طور اجمال به نکات مورد سؤال می پردازم:

ج ۱- تأسیس جامعه الإمام الصادق علیه السلام در اصل به پیشنهاد اینجناب بوده که در ابتدای اساسنامه این جامعه به آن تصریح شده است. پیش از پیروزی انقلاب، سه نفر از افراد خیر و متعهد زمین وسیعی را برای امور دینی خریده و در نظر گرفته بودند، که یکی از آنان جناب آقای حاج سید رحیم خانیان بود که در زندان اوین با ایشان آشنا شده بودم. پس از آزادی از زندان و پیروزی انقلاب، یک روز ایشان و آقای محمدعلی نوید و آقای مهدیان - که صاحبان این زمین بودند - به من مراجعه کردند و

گفتند ما آن را در اختیار شما می‌گذاریم تا در آن کاری فرهنگی و دینی به هر شکل که صلاح می‌دانید انجام گیرد، و اوراق سهام آن را که به منزله سند مالکیتش بود به اینجانب دادند. چون تازه انقلاب به پیروزی رسیده بود و در آن زمان صحبت از انتخاب سفرا و کارداران برای خارج بود با مشورت خود آقایان تصمیم گرفتیم در این مکان دانشگاهی بنا شود که در آن افرادی برای تصدی پست سفارت یا کارداری و یا خانه فرهنگ و در ضمن تبلیغ اسلام در خارج از کشور تربیت شوند و هم علوم روز و هم علوم اسلامی به آنان آموزش داده شود. سپس محل دیگری که ساخته و آماده بود برای دانشگاه در نظر گرفته شد و این زمین به عنوان پشتوانه مالی آن قرار گرفت؛ بعداً با پیگیری من و تلاش جدی آقای نوید و برخی آقایان یک کارخانه بزرگ نساجی در مشهد نیز به عنوان پشتوانه دیگر مالی جامعه تأسیس شد. نامه‌ها و پیگیری‌های اینجانب در این ارتباط موجود و بعضاً در روزنامه‌های آن زمان نیز منعکس شده است.

بعد از مشورت با آقایان فوق‌الذکر، افرادی را برای هیأت امنای جامعه الإمام الصادق علیه السلام معرفی کردم که از جمله آنان حضرات آقایان: مشکینی، خامنه‌ای و مهدوی کنی بودند. «جامعه» دارای اساسنامه‌ای است که از نظر حقوقی به ثبت رسیده و در آن ریاست عالیّه جامعه برعهده بنده گذاشته شده است؛ و در حقیقت من هم جزو هیأت مؤسس و هیأت امناء هستم و هم ریاست عالیّه آن را برعهده دارم و حتی آقای مهدوی با حکم اینجانب مسئولیت اداره آن را به عهده گرفتند. و اینکه گفته شده: «عنوان ریاست عالی برای آیت‌الله منتظری مبتنی بر این بود که ایشان به سمت قائم‌مقام رهبری توسط مجلس خبرگان تعیین شده بود» خلاف واقع است؛ زیرا اولاً: مطابق ماده ۹ اساسنامه ریاست عالیّه به عنوان «رکن اول و بالاترین مرجع جامعه» به شخصیت حقیقی و نه حقوقی اینجانب - آن هم به صورت «مادام‌العمر» - واگذار شده است و در آن هیچ نامی از عناوینی مثل قائم مقامی رهبری یا رئیس مجلس خبرگان قانون اساسی و... نیامده است. سایر اعضای هیأت امناء نیز به عنوان شخص حقیقی

عضو هستند نه حقوقی، چرا که در این صورت باید موضوع عضویت تعدادی از آنان منتفی گردد!

ثانیاً: اعلام قائم مقامی من توسط مجلس خبرگان رهبری - که از نگاه آقای مهدوی مبنای عنوان ریاست عالی دانسته شده است - در سال ۱۳۶۴ بوده؛ در حالی که اساسنامهٔ جامعهٔ الإمام الصادق علیه السلام برحسب تاریخ آخر اساسنامه در ۱۳۶۱/۸/۱۵ به تصویب رسیده است.

و ثالثاً: اگر فرضاً این گونه بود که ایشان گفته‌اند، چرا پس از - به قول ایشان برکناری - مکرر واسطه فرستادند و تقاضای تفویض اختیارات کردند؟

[استدلال‌های نادرست]

همچنین اینکه گفته شده: «پس از بروز مشکلاتی که مانع از حضور ایشان در جلسات هیأت امنا و قهراً منجر به استعفای ایشان شد...» برخلاف واقع و خلاف مواد اساسنامه است؛ زیرا براساس تصریح مادهٔ ۱۳ اساسنامه: «در صورتی که هر یک از اعضای هیئت امنا به استثنای ریاست عالی به عذر موجه شخصاً به مدت سه ماه در جلسه شرکت ننماید مستعفی تلقی خواهد شد و هیأت امنا مراتب را کتباً به نشانی قانونی وی ابلاغ و در صورتی که با گذشت دو ماه از تاریخ ابلاغ، تمایل خود را به شرکت در جلسات اعلام ننماید استعفای او قطعی خواهد بود.» و مطابق تبصرهٔ ۴ مادهٔ ۹: «حداقل هر شش ماه باید جلسات هیأت امنا در حضور ریاست عالی تشکیل گردد.»

بنابراین نه تنها ریاست عالی موظف به حضور در جلسات هیأت امنا نمی‌باشد بلکه سایر اعضای هیأت امنا موظفند حداقل هر شش ماه یک بار در حضور وی تشکیل جلسه دهند.

و نیز اینکه گفته شده آقای خامنه‌ای مصلحت دیدند که تا زمان اصلاح اساسنامه و تعیین امنای جدید، جریان کارهای جامعه با نظر آقای مهدوی انجام گیرد و ایشان به

عنوان جانشین هیأت امنا باشد، خلاف مقررات ماده ۱۲ اساسنامه و دو تبصره آن است و جناب آقای خامنه‌ای تنها یکی از مؤسسين و از اعضای هیأت امنا می‌باشند. ریاست عالیة جامعة الإمام الصادق علیه السلام برای من مقامی نیست و جز مسئولیت و گرفتن وقت ثمره‌ای نداشته و ندارد؛ ولی هیچ‌کس شرعاً مجاز به تخلف از مواد اساسنامه نیست و نمی‌تواند برخلاف اساسنامه برای هیأت امنا جانشین تعیین کند یا بدون پیش‌بینی در اساسنامه، آن را اصلاح و یا امنای جدید منصوب نماید. و صرف‌نظر از بحث مصداقی، موارد رجوع به «ولی فقیه جامع‌الشرائط» در اساسنامه مشخص شده است. (تبصره ۲ از ماده ۹، بند «ع» ماده ۱۱ و ماده ۳۶)

آقای مهدوی خود به‌خوبی می‌دانند که در تشکیل جلسات در حضور اینجانب -کما فی‌السابق- نه مانع شرعی وجود داشت و نه مانع قانونی؛ فقط مخالف میل برخی آقایان بود. آقای مهدوی واسطه‌ای را فرستاده بودند که من اختیارات را به ایشان تفویض نمایم؛ و چون این کار مخالف اساسنامه بود از آن استنکاف کردم. و این مسائل در زمانی اتفاق افتاد که در سطح کشور کتابها و مقالات مختلفی در تیراژهای میلیونی و با پول بیت‌المال علیه من پخش و تهمتها و دروغهای فراوانی به من نسبت داده می‌شد و من هیچ امکان دفاع نداشتم؛ و سرانجام من از روی اکراه و به خاطر اینکه در این میان حقوق یک عده دانشجوی بیگناه تضییع نشود و امر دانشگاه مختل نگردد، در ذیل نامه هیأت امنا نوشتم که آنچه اکثریت هیأت امنا تأیید کنند مورد قبول اینجانب است. این نوشته که تحت فشارهای سیاسی امضا شد -برفرض اعتبار شرعی- به هیچ وجه به معنای استعفا و تفویض ریاست عالیة نبوده و ماده ۹ اساسنامه و تبصره‌های ۱ و ۴ آن همچنان به قوت خود باقی بوده و هست. و آقایان اگر خود را پایبند شرع و اخلاق بدانند موظفند مطابق اساسنامه (بویژه مواد ۵، ۶، ۹، ۱۳-۱۱، ۱۸، ۳۳-۲۹ و ۳۷) عمل کنند و حق تخطی از آن را ندارند.

و از این جهت در تاریخ ۱۳۷۴/۹/۱۲ نیز -که چند سال از حوادث سال ۶۸ می‌گذشت- به‌دنبال تقاضای یکی از اعضای هیأت امنا در نامه‌ای به آقای مهدوی‌کنی

از ایشان خواستم مقرر کنند اوقات تشکیل جلسات هیأت امناء قبلاً به اینجانب ابلاغ شود تا نماینده‌ای را برای شرکت در آن بفرستم، و نیز خواستم صورت کارهایی که تا آن مدت انجام شده اجمالاً برای اینجانب ارسال شود؛ ولی هیچ پاسخی از ایشان به دستم نرسید!

[غصب سایر مؤسسات و مکان‌های شخصی یا تحت تولیت]

یادآوری می‌کنم در طول سالهای گذشته، مؤسسات و امکنه‌های مختلفی که شرعاً و قانوناً من مؤسس یا ناظر و یا متولی آنها هستم و هیچ ارتباطی با عنوان قائم مقامی نداشته‌ام و حتی بعضاً مالک قانونی آنها می‌باشم از سوی آقایان غصب شده است که دارالشفاء، مرکز فرهنگی لندن، تشکیلات مرکز جهانی علوم اسلامی و مدرسه حجیه از جمله آنها می‌باشد. علاوه بر این حدود ده سال است که حسینیه شهداء و دفتر مشهد را توقیف کرده‌اند و چند سال است دفتر اصفهان را با حکم دادگاه ویژه مصادره کرده‌اند. انتظار نبود آقایان با «جامعه الإمام الصادق (علیه السلام)» نیز این‌گونه عمل کنند.

[دلایل تذکرات انتقادی خصوصی به امام خمینی]

ج ۲- تذکرات و انتقادهای اینجانب در آن مقطع - در دیدار مسئولین با اینجانب - که ضمن تأیید و حمایت از آنان ارائه می‌دادم، مربوط به کارهای خلافی بود که به نظر اینجانب برخلاف مصالح کشور و انقلاب و بعضاً برخلاف نظر مرحوم امام توسط بعضی نهادها انجام می‌شد و موجب نارضایتی مردم و بدبینی آنها به اصل اسلام و انقلاب و چهره مرحوم امام شده بود. و در بعضی موارد که نظری برخلاف نظر امام (علیه السلام) داشتم آن را ضمن نامه‌های محرمانه با احترام کامل و حفظ موقعیت ایشان به اطلاع ایشان می‌رساندم. و این در شرایطی بود که بسیاری از بزرگان و شخصیتها - که بعضاً در خاطرات ذکر کرده‌ام - نزد من می‌آمدند و از اوضاع جاری و خلافتکاریها اظهار

شکایت و ناراحتی می‌کردند و حتی بعضی که عضو خبرگان بودند به من گفتند: «ما شما را قائم مقام معرفی کرده‌ایم برای اینکه مطالب را به عرض امام برسانید.» و اینجانب او را از نامه‌ای که در همان روزها برای امام فرستاده بودم مطلع ساختم و او خدا را حمد کرد که مطالب و حقایق به اطلاع امام رسیده است. و بعضی از آقایان که از اوضاع جاری سخت ناراحت و نگران بودند و اظهار می‌داشتند که همه مطالب به اطلاع امام نمی‌رسد، در پاسخ این درخواست من که شما مطالب را به اطلاع امام برسانید، می‌گفتند: ما جرأت نمی‌کنیم صراحتاً این مطالب را به ایشان بگوییم. گناه من این بود که آنچه دیگران با ملاحظات سیاسی به امام نمی‌گفتند من از باب وظیفه و دلسوزی و برای اینکه در تصمیم‌گیری‌های امام مؤثر باشد صریحاً و بدون تعارف به ایشان می‌گفتم و راههای پیشنهادی را نیز به ایشان ارائه می‌دادم.

و به نظر من اگر دیگران همان اشکالاتی را که نزد من مطرح می‌کردند خودشان بدون واهمه و ملاحظه به مرحوم امام نیز می‌گفتند، قطعاً در تصمیم‌گیری‌ها و در روند اجرای امور و اصلاح اوضاع کشور تأثیر مثبت داشت. و این در شرایطی بود که در بعضی موارد یقین داشتم گزارشهای خلاف واقعی به ایشان رسیده است به نحوی که اگر حقیقت مطلب به اطلاع ایشان برسد تصمیم دیگری در امور جاری و مهم خواهند گرفت.

آیا در چنین وضعیتی وظیفه شرعی و عقلی اینجانب این نبود که آنچه را حق می‌دانستم به اطلاع رهبر انقلاب برسانم؟ آیت‌الله خمینی علیه السلام هیچ‌گاه مدعی عصمت خویش نبودند، و تذکر دوستانه وظیفه همه مؤمنین به ویژه مسئولین بوده است. و معنای «قائم مقامی» بز اخفش بودن و عدم انجام وظایف شرعی نیست. در ضمن شما می‌دانید که من از اول با اعلام خود به عنوان «قائم مقام» مخالف بودم و رسماً آن را به رئیس مجلس خبرگان رهبری نوشتم. (خاطرات، ج ۱، ص ۴۷۲ و ۴۷۳)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با آنکه دارای مقام عصمت و مرتبط با وحی بودند مورد خطاب ﴿و شاورهم فی الامر﴾ قرار گرفتند و به اصحاب و یاران خود می‌فرمودند:

«اشيروا علی» (مغازی، ج ۱، ص ۲۰۹) یعنی مرا از نظر مشورتی خود آگاه سازید و حضرت امیر علیه السلام نیز با آن مقام عصمت که داشتند به اصحاب خود فرمودند: «فلاتکفوا عن مقالة بحق او مشورة بعدل فإني لست فی نفسی بفوق أن أخطئ ولا آمن ذلک من فعلی الا أن یکفی الله...» (خطبه ۲۱۶ صبحی صالح) یعنی از گفتن سخن حق یا نظر مشورتی خودداری نکنید، زیرا من برحسب ذات فوق خطا نیستم و از آن ایمن نمی باشم مگر اینکه خدا کفایت نماید.

به نظر اینجانب آنهایی که نظرات خود را به اطلاع ایشان نمی رسانند و در مقابل کارهای خلاف شرع سکوت مقرون به امضا و تأیید می کردند صحیح عمل نکردند نه اینجانب که نظراتم را به پیروی از کتاب و سنت به اطلاع رهبر فقید انقلاب می رساندم، یا در دیدارها و سخنرانیها تذکراتی را برای اصلاح امور می دادم.

اکنون که سالها از آن زمان می گذرد و نامه های من به امام در خاطرات منتشر شده است تاریخ و مردم بهترین گواه می باشند، اینجانب خود را معصوم نمی دانم ولی خوب است جناب آقای مهدوی کنی یک نمونه از - به قول ایشان - ایرادهایی را که به امام گرفتم و برخلاف حق و حقیقت بوده است، ارائه می دادند. یا بخشی از نقدهای خلاف واقعی را که به بعضی ارگانها داشته ام - و در رسانه ها منتشر شده است - یادآور می شدند، آیا به نظر ایشان مسئولین ارگانهای مورد نظرشان از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت امیر علیه السلام بالاتر بودند؟

اینجانب علاوه بر اینکه در انقلاب و تأسیس نظام نقش بسزایی داشتم و طبعاً در کارهای خلاف نیز سهم و شریک محسوب می شدم، به واسطه عنوان قائم مقامی رهبری که مردم به من داده بودند و خیرگان آن را تصویب و تأیید کرده بودند، خودم را در مقابل خدا و مردم مسئول می دانستم و سکوت و بی تفاوتی در برابر تندیها و کارهایی که آنها را خلاف شرع و خلاف مصلحت اسلام و انقلاب می دیدم و تزییع حقوق و اوضاع زندانها و زندانیها و اعدامها و مصادره های غیر شرعی و بردن آبروی افراد مختلف را حرام می دانستم و به همین جهت در آن مقطع برای اصلاح امور

کارهای زیادی با کمک بسیاری از شخصیتها و دوستان دلسوز و متعهد انجام دادم که به نظرم در دفاع از اسلام و انقلاب و چهرهٔ مرحوم امام و رضایت اقشار مختلف مردم نقش زیادی داشت، که به بخشی از آنها در خاطرات اشاره کرده‌ام.

[سکوت به طمع رهبری در روزهای پایانی حیات امام،

فرصت طلبی و عافیت طلبی بود]

و اگر آدم فرصت طلب و عافیت طلبی بودم در آن مقطع به‌ویژه چند ماه پایانی حیات مرحوم امام سکوت می‌کردم و با همان شعارهایی که هر روز مردم برایم می‌دادند سرگرم می‌شدم و به حفظ مقام و قدرت دل خوش می‌کردم و متخلفین از شرع و قانون را - که تخلفات آنان با نام امام انجام می‌گرفت - از خود ناراحت نمی‌کردم.

ج ۳- در رابطه با کنار رفتن از قائم مقامی رهبری در کتاب خاطرات به بخشی از مسائل و جریانات پشت پرده که منتهی به آن شد، اشاره کرده‌ام و عمدهٔ آن، ذهنیتی بود که در اثر گزارشهای کذب و مغرضانه توسط بعضی نهادها برای امام علیه‌السلام پیدا شده بود مبنی بر اینکه بیت من در اختیار مجاهدین خلق است و من در صدد آن هستم که بعد از رحلت امام، مجاهدین خلق را به قدرت و حاکمیت برسانم.

اما ملاقاتی که آقای مهدوی به آن اشاره کرده‌اند ظاهراً مربوط است به دعوتی که مرحوم امام از عده‌ای از علما و شخصیتها و مسئولین بالای نظام کرده بودند تا وصیتنامهٔ ایشان را به مشهد یا مجلس شورای اسلامی ببرند. من هم جزو مدعوین بودم. در آن ملاقات و نیز در هیچ یک از ملاقاتهایی که من با مرحوم امام داشتم ایشان با من این‌گونه - که آقای مهدوی نقل کرده‌اند - سخن نگفتند.

ان شاء الله موفق باشید.

والسلام علیکم ورحمة الله.

«۳۷»

پیام تسلیت به مناسبت درگذشت آیت‌الله حاج آقا حسن طباطبایی قمی

۱۳۸۶/۳/۲۱

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

«اذا مات المؤمن الفقيه ثلم في الاسلام ثلثة لا يسدّها شيء»

(اصول کافی، ج ۱، ص ۳۸)

حضرت مستطاب عالم متقی آیت‌الله آقای حاج آقا تقی طباطبایی قمی دامت برکاته پس از سلام و تحیّت، با کمال تأسف خبر درگذشت عالم بزرگوار و فقیه عالی‌مقدار حضرت آیت‌الله آقای حاج آقا حسن طباطبایی قمی -اعلی‌الله مقامه - برادر محترم جنابعالی را دریافت و متأثر شدم.

عالم بزرگواری که عمر شریف خویش را در راه دفاع و حمایت از اسلام عزیز و مذهب شریف اهل بیت عصمت و طهارت -سلام‌الله علیهم اجمعین - سپری نمود؛ و از پیش‌گامان و پایه‌گذاران انقلاب اسلامی و از مبارزان در این راه بود و طبعاً متحمل حصر و حبس و تبعید و نامالایمات بسیاری شد، و پس از پیروزی انقلاب نیز متأسفانه مورد بی‌مهریها و محرومیت‌های زیادی واقع شد.

این جانب این مصیبت را به حضرت ولیّ عصر -عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف - و به حضرات علماء اعلام و حوزه‌های علمیه و به جنابعالی و آقازادگان محترم ایشان و همه بازماندگان و علاقه‌مندان و بیت شریف مرحوم آیت‌الله العظمی حاج آقا حسین طباطبایی قمی -اعلی‌الله مقامه - تسلیت می‌گویم.

و از خداوند قادر متعال برای آن مرحوم علوّ درجات و حشر با اجداد طاهرین

-سلام الله عليهم اجمعين- و برای همه بازماندگان و علاقه‌مندان صبر جمیل و اجر جزیل و برای جنابعالی سلامت و سعادت و توفیق خدمت بیشتر به اسلام عزیز را مسألت می‌نمایم. والسلام علیکم

۲۵ جمادی الاولی ۱۴۲۸ - ۱۳۸۶/۳/۲۱

حسینعلی منتظری

هم‌چنین فقیه عالیقدر در آغاز درس شرح جامع السعادات مرحوم نراقی در جمع طلاب و عموم مردم ضمن درخواست علو درجات برای آن عالم ربانی ضمن اشاره به مبارزات آن مرحوم خاطر نشان کردند:

آیت‌الله طباطبایی قمی از سابقون و پیشگامان و پایه‌گذاران انقلاب اسلامی بودند. به گونه‌ای که می‌توان گفت استان خراسان به واسطه محوریت ایشان به تحرک درآمد که در پی آن متحمل زندان و تبعید شد چنانچه مدتی ایشان به همراه مرحوم امام علیه السلام و مرحوم آیت‌الله محلاتی در زندان بودند و با هم آزادی نسبی پیدا کردند و سپس هر سه بزرگوار محصور شدند. پس از آن هم مدتی به کرج تبعید شدند. یادم هست که پس از مدتی از کرج به قم آمده بودند -نمی‌دانم مرخصی آمده بودند یا آزاد شده بودند- یکی از دوستان ما، مرحوم شیخ محمود خادمی نجف‌آبادی که با بیت امام در تماس بود آمد و گفت: احمدآقا خمینی گفته است چون امام در قم نیستند شما از طرف امام از ایشان محترمانه تجلیل نمایید که من هم به دیدن ایشان رفتم و سپس ایشان را به منزل خود در محله عشقعلی قم دعوت کردم که پسر خواهر ایشان مرحوم حاج‌آقا رضا صدر هم همراه ایشان بودند.

در هر صورت زحمات ایشان در به ثمر رسیدن انقلاب قابل‌نسیان نیست اما متأسفانه به واسطه برخی سوء تفاهات پیش آمده نسبت به ایشان بی‌مهریهایی پس از انقلاب انجام شد که آن هم گذشت.

من این ضایعهٔ اسفبار را به بیت آن مرحوم و به بازماندگان، علاقه‌مندان و به‌ویژه آیت‌الله حاج آقا تقی قمی برادر ایشان - که از اعظم علماء می‌باشند و در قم تشریف دارند - تسلیت می‌گویم و برای آنان صبر جزیل و اجر جمیل خواستارم. امیدوارم خداوند درجات ایشان را عالی فرماید.

۱۳۸۶/۳/۲۱

دفتر حضرت آیت‌الله العظمی منتظری

بیانات معظم له در ابتدای درس اخلاق پیرامون حادثه سامرا

۱۳۸۶/۳/۲۳

﴿ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ﴾

﴿ فی بیوت اذن اللّٰه ان ترفع و یذکر فیها اسمہ یسیح له فیها بالغدو و الآصال

رجالاً لا تلهیهم تجارة و لا بیع عن ذکر اللّٰه... ﴾

با کمال تأسف پس از ۱۶ ماه از فاجعه‌ای که بیار آمد و گنبد و حرم شریف سامرا تخریب شد، مجدداً امروز جنایتکاران جرأت کرده و به گونه دیگر حرم عسکریین علیهم السلام را مورد تعرض و تخریب قرار دادند. این جنایت علاوه بر شیعه، از سوی اهل سنت نیز محکوم و مورد انزجار واقع شده است. چون آنان نیز حفظ حرمت ائمه شیعه را لازم می‌دانند.

[عترت، بالاتر از امامت]

بر حسب حدیث «ثقلین» متواتر بین شیعه و سنی پیامبر صلی اللّٰه علیه و آله و سلم بعد از خود، مردم را به کتاب خدا و عترت خویش ارجاع داده است. از باب مثال در صحیح مسلم (۱۸۷۳/۴) آمده است: «انا تارک فیکم ثقلین: اولهما کتاب اللّٰه... ثم قال: و اهل بیتی.» و در سنن ترمذی (۳۲۸/۵) نقل شده: «انی تارک فیکم ما ان تمسکتُم به لن تضلوا بعدی... کتاب اللّٰه جبل ممدود من السماء الی الارض و عترتی اهل بیتی» آن حضرت عترت و اهل بیت خویش را در عرض قرآن قرار داده است و همان‌گونه که تمسک به کتاب خدا عمل به دستورات خداست تمسک به عترت پیامبر صلی اللّٰه علیه و آله و سلم نیز عمل به دستورات

آنان می باشد و آنچه آنان می فرمایند با واسطه از طرف خدا نازل شده است. در حدیث معتبر از امام صادق علیه السلام آمده است: «حدیثی حدیثُ اَبی وَ حدیثُ اَبی حدیثُ جدی وَ حدیثُ جدی حدیث الحسین... و حدیث امیرالمؤمنین حدیثُ رسول الله و حدیثُ رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم» (الوسائل ۵۸/۱۸) آنچه که ائمه اطهار علیهم السلام می گفتند از خودشان نبود بلکه فرموده های رسول خداست. مرحوم آیت الله العظمی بروجردی می فرمودند: اگر بفرض ما از مسأله امامت هم صرف نظر کنیم خود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در رابطه با احکام اسلامی علاوه بر کتاب خدا ما را به عترت خودشان ارجاع داده اند. عترتی که حتی قاتلین آنان و خلفای جوروی که به هر طریقی آنان را به شهادت رسانیدند، به علم، عظمت و بزرگواری آنان اعتراف داشتند. ولی با این حال این سیره مردم دنیا و دنیاپرستان است که برای حفظ دنیای خویش هر کاری را انجام می دهند.

[چگونگی جلوگیری از غربت سامرا]

این جانب در ۱۶ ماه قبل به شیعیان به ویژه به علمای نجف و جاهای دیگر پیغام دادم که رها و ترک کردن سامرا کار درستی نیست و باید بر اساس یک برنامه مشخص هر روز و هر شب تعدادی از مردم شهرهای مختلف در قالب کاروانهای زیارتی با هزینه خود مردم برای زیارت حرم عسکریین و کاظمین علیهم السلام با اسکورت و حفاظت نیروهای امنیتی عراق در این اماکن مقدسه حاضر شوند و نگذارند این مکانهای مقدس غریب بمانند.

در خبرها آمده بود که حتی یک نفر هم در ماجرای اخیر کشته نشده معلوم می شود حتی یک زائر هم حضور نداشته است. درست است که گفته می شود آنجا ناامنی است ولی در نجف و کربلا هم بمب گذاری می شود، با ترک و رها کردن این اماکن مقدسه قطعاً وضعیت بهتر نخواهد شد. من یادم هست که مرحوم آیت الله سید محمد شیرازی رحمته الله مقید بودند شب های جمعه تعدادی را برای زیارت به سامرا بفرستند.

اینکه ما آن منطقه را به حال خود واگذاریم گناه بزرگی است و ما متأسفانه در این مورد کوتاهی کرده ایم و نباید آن منطقه از نظر مذهبی یک دست باشد. خدا رحمت کند مرحوم آیت الله حججی از علمای روشن نجف آباد می گفتند: من با اینکه آقای حاج میرزا حسن شیرازی را مرد بزرگی می دانم و به عظمت ایشان اعتراف دارم ولی یک اشکال به ایشان دارم که چرا ایشان که در سامرا بودند منطقه شیعه نشین را وسعت نداده اند و فقط به ساخت تنها یک مدرسه اکتفا کرده است. در سامرا زمین های بسیاری بود از شط تا برج متوکل. قاعده اش این بود که عشایر شیعه از جنوب عراق در آنجا اسکان داده می شدند تا به گونه ای نباشد که شهر سامرا تماماً یک طرفه باشد. اگر به این امور عمل شده بود ما امروز شاهد غربت قبور ائمه علیهم السلام نبودیم.

این فجایع را گروهی به نام اسلام انجام می دهند که جایگاهی در میان مسلمین ندارند. آن روزی که رفت و آمد در بیت ما جرم و حرام نبود! آقای دکتر ولایتی وزیر خارجه وقت به من گفتند: ملک فهد خودش به من می گفت: «شما فکر می کنید ما وهابی هستیم حال آنکه این گونه نیست. ما هم با آنها مخالفیم اما چه کنیم ناچاریم و از برخی آخوندهای وهابی هراس داریم».

[ممانعت از نشر کتابی در نقد وهابیت، دفاع از شیعه و وحدت مسلمین]

نکته ای را که در این جا لازم است تذکر دهم اینکه حدود ۱۶ سال پیش از یکی از علمای عربستان به نام عبدالله بن جبرین - که از اعضای هیأت استفتای آنهاست - سؤال شده بود آیا می توان از قصابی که شیعه است گوشت خرید؟ وی در جواب گفته بود: نمی شود چون شیعه ها مشرک و مرتدند ذبیحه آنها حرام است. در حالی این فتوا صادر شده است که اکثر اهل سنت ذبیحه اهل کتاب را حلال می دانند.

اینجانب آن روز در نقد این فتوا نامه ای سرگشاده به برادران شیعه خود در منطقه حجاز نوشتم که ترجمه آن در کتاب خاطرات اینجانب وجود دارد. در این اواخر نیز ۳۸ نفر از علمای وهابی از جمله ایشان فتوا به تخریب قبور امامان شیعه دادند و ایشان

گفته بود تخریب سامرا کار خوبی است. من علاوه بر نقد فتوای قبلی، این نظریه را هم نقد کردم و آن نامه تبدیل به کتابچه‌ای حدود ۸۰ صفحه شد. وقتی برای گرفتن مجوز چاپ مراجعه کردند به وزارت ارشاد از آن موقع حدود سه ماه می‌گذرد و وزارت ارشاد از دادن مجوز چاپ کتابی که در دفاع از عقاید شیعه و نقد علمی مخالفان است طفره می‌رود. ما خودمان طرفدار اتحاد مسلمانان هستیم بر همین اساس اعتقاد داریم فتوای افرادی چون عبدالله بن جبرین وحدت و انسجام مسلمین را خدشه‌دار می‌کند. سؤال من این است که چرا وزارت ارشاد از چاپ کتابی مانع می‌شود که طرفدار وحدت مسلمین است؟ چرا از چاپ کتابی جلوگیری می‌کند که در نقد کسانی است که تخریب قبور امامان شیعه را لازم می‌دانند؟ شما از نشر کتابی که در نقد کسانی است که شیعیان را مشرک و مرتد می‌دانند و تخریب قبور امامان را تجویز می‌کنند جلوگیری کرده‌اید! و در ضمن این کتابچه در سایت اینجانب ثبت است.

[نگذارید سامرا غریب بماند]

من مجدداً به عنوان طلبه‌ای از قم اعلام می‌کنم که واجب است بر علمای نجف، کربلا، سایر بلاد و بر متصدیان امور، دولت عراق و دولت ایران و سایر دول اسلامی و همه مسلمین جهان که نگذارند شهر سامرا در غربت بماند. دولت ایران باید از دولت عراق بخواهد که در این زمینه کوتاهی نشود.

[تأمین امنیت عراق بر عهده اشغالگران است]

البته کشور عراق در اشغال است و اشغالگران بر اساس قوانین و کنوانسیونهای بین‌المللی باید امنیت کشور اشغال شده را تأمین کنند ولی دولت عراق هم نباید دست روی دست بگذارد و علاوه بر آن همگی مسلمانان در این خصوص مسئولیت دارند. ﴿و من يعظم شعائر الله فانها من تقوى القلوب﴾ و چه تعظیم شعائر الهی بالاتر از اینکه پایگاه اسلام و مسلمین احیا گردد.

[کار آمریکا در سقوط صدام خوب و ماندن در عراق بد است]

البته در این جا باید گفت: آمریکایی ها گرچه با سقوط صدام کار خوبی انجام دادند اما کشور عراق دولت با ثبات می خواهد، مردم عراق پذیرای شما نیستند. به نفع شماست که بیش از این میلیاردها دلار مردم آمریکا را صرف ماندن در کشوری نکند که هر روز در آن تلفات می دهید چنانچه تا کنون بیش از سه هزار تلفات داده اید. و در عوض هم در بین ملت ها بهت آمریکا شکسته شود و آبروی کشورتان برود. من یادم هست هنگامی که نوجوان بودم مردم چون از استعمار انگلیس و روس به تنگ آمده بودند آمریکا را فرشته نجاتی فرض می کردند غافل از اینکه آمریکا خودش میراث خوار استعمار و بدتر از آنها عمل می کند. مگر آمریکا قیم دیگر مناطق جهان است؟ رئیس جمهور آمریکا با وجود مخالفت هایی حتی از داخل آمریکا - مثل کنگره - دست از لجبازی بر نمی دارد و به اشغال عراق و افغانستان ادامه می دهد و هر روز هم ایران را تهدید می کند، مگر شما چه کاره دنیا هستید؟! دنیای امروز با زور و تهدید سازگار نیست.

من مجدداً این ضایعه اسف بار را به شما برادران و خواهران و همه مسلمین و ملل عدالت خواه جهان و به ویژه خدمت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف تسلیم عرض می کنم، و از خدا می خواهم عاملان این جنایت را متنبه کند و اگر متنبه نمی شوند ریشه کن فرماید. ان شاء الله.
والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

۱۳۸۶/۳/۲۳

دفتر حضرت آیت الله العظمی منتظری

پیام تسلیت به مناسبت درگذشت آیت الله حاج شیخ محمد فاضل لنکرانی

۱۳۸۶/۳/۲۶

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

«اذا مات المؤمن الفقيه ثلم في الاسلام ثلمة لا يسدها شيء» (الكافي، ۳۸/۱)

جناب مستطاب فاضل محترم حجة الاسلام والمسلمين آقای محمد جواد فاضل

دامت افاضاته

پس از سلام و تحیت، با کمال تأسف خبر درگذشت مرحوم مغفور عالم بزرگوار و روحانی خدمتگزار حضرت آیت الله آقای حاج شیخ محمد فاضل لنکرانی طاب ثراه والد محترم جنابعالی را دریافت و متأثر شدم.

فقیه بزرگواری که عمر خویش را در راه دفاع از اسلام عزیز و مکتب اهل بیت عصمت و طهارت - سلام الله عليهم اجمعين - و تدریس علوم دینی و تربیت فضلا و طلاب محترم سپری نمود تا به رحمت ایزدی واصل شد.

اینجانب این مصیبت را به حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - و حوزه های علمیه و علماء اعلام و به جنابعالی و همه بازماندگان و علاقه مندان تسلیت می گویم، و از خداوند قادر متعال برای آن مرحوم علو درجات و حشر با ائمه طاهرین - سلام الله عليهم اجمعين - و برای همه بازماندگان و بستگان و علاقه مندان صبر جمیل و اجر جزیل، و برای جنابعالی سلامت و توفیق خدمت بیشتر به اسلام عزیز را مسألت می نمایم.

والسلام علیکم.

۱ جمادی الثانی ۱۴۲۸ - ۱۳۸۶/۳/۲۶

حسینعلی منتظری

پیام به نشست مطبوعاتی حق صلح

۱۳۸۶/۴/۳

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

پس از حمد و سپاس خداوند و با سلام و احترامات فائقه خدمت حضار محترم و برگزارکنندگان نشست مطبوعاتی حق صلح، از اینجانب خواسته شده که درباره صلح و همزیستی مسالمت آمیز از دیدگاه اسلام مطالبی بیان کنم.

[صلح در قرآن]

قرآن کریم کتاب مقدس و آسمانی بارها درباره صلح سخن گفته و از ابعاد گوناگون به این موضوع مهم پرداخته، از کوچکترین نهاد اجتماعی یعنی خانواده تا همزیستی جامعه و در میان ملت‌های مختلف.

خداوند در سوره انبیاء، آیه ۱۰۷ پیغمبر اسلام را رسول رحمت برای همه مردم جهان نامیده است: ﴿و ما ارسلناک الا رحمة للعالمین﴾.

[هدف صلح]

هدف اصلی صلح در اسلام ایجاد آرامش و از بین بردن خصومت و جنگ و برگزیدن زندگی مسالمت آمیز در حیات اجتماعی و ایجاد فضای معنوی است و این در صورتی است که کسی نخواهد و اگر بخواهد نتواند بر دیگری برتری جویی کند، به مقررات اجتماعی پایبندی نشان دهد و حقوق اجتماعی دیگر انسانها را رعایت کند.

در اهمیت صلح در جامعه ایمانی می فرماید: ﴿انما المؤمنون اخوة فاصلحوا بين اخويكم﴾. (سوره حجرات، آیه ۱۰) همانا مؤمنان با هم برادرند، پس در میان برادرانتان اصلاح کنید.

چنان که در جایی دیگر به زبانی دیگر می فرماید: ﴿يا ايها الذين آمنوا ادخلوا في السلم كافة و لا تتبعوا خطوات الشيطان انه لكم عدو مبين﴾. (سوره بقره، آیه ۲۰۸) ای مؤمنان همگی در صلح و مسالمت وارد شوید و از گامهای شیطان - که در پیش روی انسانها می نهد - تبعیت نکنید.

[صلح اصل اساسی در خانواده، جامعه و نظام بین الملل]

از سوی دیگر اسلام برای همبستگی در نهاد خانواده اهمیت قائل است و راهکارهایی جهت پایداری آن ارائه می دهد و در صورت بروز مشکل به صلح دعوت می کند و به اصل کلی اشاره می کند. ﴿والصلح خیر﴾ (سوره نساء، آیه ۱۲۸). و این جمله نشان می دهد که نه تنها صلح و آرامش در خانواده بلکه در اجتماع و کشور و نظام بین المللی اصل اساسی است.

[همزیستی پیروان ادیان]

این همزیستی مسالمت آمیز و پرهیز از تشنج شامل همه پیروان ادیان بلکه همه انسانها می شود. در این باره خطاب به پیامبر و مسلمانان می فرماید: ﴿و ان جنحوا للسلم فاجنح لها و توکل علی الله﴾ (سوره انفال، آیه ۶۱) و اگر دشمنان تمایل به صلح و مسالمت جویی داشتند بپذیرید و بر خدا توکل کنید.

این نکته در همزیستی با پیروان ادیان کاملاً روشن می شود و می فرماید: ﴿لا ینهاکم الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین و لم یخرجوکم من دیارکم ان تبروهم و تقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین﴾ (سوره ممتحنه، آیه ۸) خدا شما را از نیکی کردن و دادگری نسبت به کسانی که در دین با شما کارزار نکرده اند و شما را از خانه هایتان

بیرون نرانده‌اند باز نمی‌دارد؛ به درستی که خدا عدالت پیشگان را دوست می‌دارد.

[گسترش صلح و پرهیز از جنگ طلبی]

بر این اساس است که در روایت معتبر از امام صادق علیه السلام وارد شده است: «وافش السلام فی العالم»: مسالمت و صلح را در جهان گسترش دهید. از نظر اسلام تمام گفتار و رفتار مسلمانان و به ویژه حاکمان کشورها باید به گونه‌ای باشد که پیامد جهانی خشونت و جنگ طلبی نداشته باشد و بهانه به جنگ طلبان ندهد. و از سوی دیگر نسبت به همزیستی مسالمت آمیز، یعنی به رسمیت شناختن یکدیگر و احترام متقابل و پذیرفتن وجود تفاوتها در میان انسانها تاکید شده است.

امام علی علیه السلام در نامه به مالک اشتر بر روی مشترکات انسانها تاکید کرده می‌فرماید: اصولاً مردم دو دسته‌اند: یا هم‌کیش تواند و مسلمان، و یا همانند تو در خلقت‌اند و انسان؛ پس مواظب باش زبانی به آنان نرسد و با آنان مهربان باش. اینکه در برخی گفته‌ها از دین رحمت الهی تصویری ارائه شود که جز جنگ و خشونت تداعی نشود، قطعاً برخلاف اهداف دین و ناسازگار با آموزه‌های قرآن کریم است و هرگونه اقدامی در جهت برهم زدن زندگی مسالمت جویانه و برخلاف عقل و شرع است و تا کسانی اقدام به رفتار ستیزه جویانه نکرده باشند، مسلمانان نباید فضای ستیزه‌گری را ترویج کنند.

[وجوب وفا به امان مشرک حربی]

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: اگر لشکری از مسلمین قوم مشرکی را محاصره کنند و یکی از مشرکان امان بخواهد و یکی از مسلمانان به او امان بدهد واجب است بر دیگران و حتی فرماندهان لشکر اسلام که به این امان وفا کنند. (وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۶۷).

در پایان با تشکر از دست‌اندرکاران این گردهمایی و آرزوی صلح جهانی و انزوای جنگ طلبان، توفیق ترویج همزیستی میان همه انسانها را از خداوند متعال خواستارم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

جمادی‌الثانی ۱۴۲۸ - سوّم تیرماه ۱۳۸۶

قم - حسینعلی منتظری

پاسخ به پرسش‌های خبرنگار «بی بی سی» در مورد مسائل روز ایران

۱۳۸۶/۴/۹

محضر حضرت آیت‌الله منتظری

با سلام و ادب

احتراماً از حضرت‌تعالی درخواست می‌شود با توجه به وقایع اخیر که در کشور روی داده است و با توجه به مسائل بین‌المللی بذل توجه نموده سؤالات این شبکه خبری را پاسخ دهید.

با تشکر فراوان

فرانسیس هریسون، خبرنگار مقیم بی بی سی در تهران

* اخیراً شاهد شکل‌گیری و شدت سرکوب در ایران هستیم. هزاران نفر را به جرم بدحجابی در تهران دستگیر کرده یا با آنها بدرفتاری نموده‌اند، برخی از خانمها حتی در تهران توسط پلیس مرد در ملأ عام کتک خورده‌اند بدون اینکه جرم آنها در دادگاه ثابت شده باشد، بسیاری از افراد به عنوان اراذل و اوباش دستگیر شده و در ملأ عام با آنها بدرفتاری شده است بدون آنکه در دادگاه حاضر شده و یا از خود دفاع کرده باشند. به نظر شما رفتار پلیس در این گونه موارد مفید فایده است یا مضر و خلاف موازین شرعی است؟

﴿ بسمه تعالی ﴾

پاسخ - با سلام و تحیت

[ارعاب و زور در برخورد بایی حجابی نتیجه عکس می‌دهد]

هر چند اکثریت مردم، مسلمان و مخالف با بی‌حجابی و بی‌بند و باری می‌باشند و

طبعاً نباید حقوق آنان نادیده گرفته شود، اما از طرف دیگر تأمین حقوق اکثریت - علاوه بر اینکه نباید موجب تضییع حقوق اقلیت گردد - باید با روش منطقی و معقول و مفید و مؤثر انجام شود، نه با زور و ارباب و برخوردارهای فیزیکی و خشن؛ زیرا اینگونه روشها اثر منفی دارد و انگیزه بی حجابی را تقویت می کند. و از سوی دیگر موجب متهم شدن دین به تأیید و ترویج خشونت می شود و چهره نظام اسلامی را مشوه و خراب می سازد.

[برخورد با مجرم و متهم فقط در چارچوب قانون]

برخورد با اراذل و اوباش یا هرکس دیگری که سلب امنیت کند و مزاحم نوامیس مردم شود و زورگیری کند، لازم است لکن باید در چهارچوب قانون و با روشهای تحقق عدل و سازنده، آنها را از ادامه کارشان بازداشت؛ و هرگونه مجازات و ضرب و شتم قبل از اثبات اتهام در دادگاه صالح، مشروع نیست.^(۱)

* بسیاری از معلمان و کارگران تنها به خاطر تقاضای صنفی دستگیر و زندانی شده اند. آیا آنها واقعاً باید به خاطر درخواستهای صنفی زندانی شوند؟

پاسخ - خواسته های صنفی معلمان، کارگران و دیگر اصناف باید با گفتگو و مسالمت و در چهارچوب قوانین با رعایت عدل و انصاف پاسخ داده شود و دولت

۱- اهمیت این نکته در آن است که در سال ۱۳۸۶ نیروی انتظامی با هدایت رهبران کشور طرحی موسوم به امنیت اخلاقی و طرح دیگری موسوم به امنیت اجتماعی را اجرا کرد که در طرح نخست برخورد وسیع با بدحجابها صورت گرفت و در طرح دوم دستگیری های گسترده خشونت آمیز در مناطق مختلف انجام شد که همراه با ضرب و شتم و خشونت بود و در تلویزیون و مطبوعات تصاویر تکان دهنده ای از این صحنه ها و سیمای خونین مضروبین و گرداندن آنها در داخل شهر با آویزان کردن آفتابه بر گردن شان را نمایش می دادند و هدف آن را ایجاد رعب در اراذل و اوباش اعلام می کردند. هنگامی که این اعمال مورد انتقاد حقوقدانان و مطبوعات قرار گرفت آنها نیز تهدید به برخورد و متهم به حمایت از اراذل و اوباش شدند. آیت الله منتظری در چنین شرایطی نظرات مذکور را بیان کرده اند.

موظف است علل و ریشه‌های نارضایتی اصناف مختلف را کشف و برطرف نماید. روشن است که مشکلات با سرکوب و زندان حل و فصل نمی‌شود. البته ممکن است به طور مقطعی و در کوتاه مدت صدای معترضین خاموش شود، اما قطعاً نارضایتی به صورت عقده در خواهد آمد و برای کشور و دولت خطر آفرین می‌شود.

[ضرورت رعایت حقوق متهم]

* تعدادی از شهروندان با ملیت دوگانه ایرانی - آمریکایی در ایران به جرم جاسوسی دستگیر شده‌اند. هاله اسفندیاری حق ملاقات و کیلش را ندارد. این مورد تا چه حد می‌تواند بر روابط خارجی ایران تأثیر بگذارد و چه پیامی می‌تواند برای ایرانیان خارج از کشور داشته باشد؟

پاسخ - اینجانب از ماهیت مورد سؤال و اتهام مذکور اطلاعی ندارم، اما به طور کلی اعلام مجرمیت قبل از ثبوت جرمی در دادگاه صالح، شرعاً و قانوناً ممنوع است و هر متهمی حقوقی دارد که باید از آن استفاده نماید.

[درباره منع حضور در کنفرانس‌های علمی خارج کشور توسط وزارت اطلاعات]

* نظر حضرتعالی درباره اطلاعیه وزارت اطلاعات مبنی بر عدم رابطه ایرانی‌ها با خارجی‌ها و ممنوع کردن آنها از شرکت در مجالس آنها و یا شرکت در کنفرانسهای علمی خارج از کشور چیست؟

پاسخ - از هدف اطلاعیه مذکور اطلاعی ندارم و قضاوتی نمی‌کنم، اما صرف شرکت در مجالس و کنفرانسهای علمی که موجب تبادل معلومات و کسب تجربیات دیگران می‌باشد نه تنها ضرری برای کشور و نظام ندارد، بلکه موجب رشد سطح علمی کشور نیز خواهد بود.

[آزادی فکری و سیاسی در مراکز علمی و دانشگاهی]

* نظر حضرتعالی درباره اغتشاشات دانشگاه امیرکبیر چیست؟ آیا به نظر شما دانشگاهها نیازمند دومین انقلاب فرهنگی است؟ آیا بسیاری از اساتید باید از دانشگاهها اخراج شوند؟

پاسخ - اصولاً آزادی فکری و سیاسی در مراکز علمی و فرهنگی نباید محدود گردد، مگر اینکه مخّل به آزادی و حقوق دیگران باشد. به جای این محدودیت، باید زمینه پاسخ به شبهات دانشگاهیان را فراهم نمود. همچنین محروم ساختن دانشگاه از اساتید متبحّر به خاطر اختلافات فکری و سیاسی، ظلم به دانشگاه و محیطهای علمی و خلاف شرع و عقل سلیم است.

[مردم مرجع ارزیابی وضعیت اقتصادی خود هستند]

* دولت معتقد است وضع اقتصادی ایران بحرانی نیست، اما ۵۷ اقتصاددان در نامه‌ای به رئیس جمهور اوضاع را بحرانی قلمداد کردند. به نظر شما فقرا در چه وضعیتی هستند و آیا فاصله غنی و فقیر در ایران زیاد شده است؟

پاسخ - قضاوت نهایی و صحیح در این موضوع با مردم است. شما می‌توانید با یک نظرسنجی مردمی و بدون سانسور از وضعیت اقتصادی مردم و فقرا اطلاع دقیق پیدا کنید.

[ضرر سلب آزادی بیان برای روزنامه‌نگاران]

* آیا به نظر شما دولت اجازه دارد از روزنامه‌نگاران بخواهد درباره اوضاع اقتصادی یا حقوق بشر سخن نگویند؟

* آیا این گونه رفتارها شرایط سیاسی ایران را حادثر می‌کند؟

پاسخ - منع روزنامه‌نگاران از سخن گفتن درباره حقوق بشر و اوضاع اقتصادی در افکار عمومی تأثیری ندارد، بالاخره معیار، رضایت عامه مردم است، مردم از اوضاع خودشان بهتر از هرکسی دیگر آگاه هستند. تلقی معمولی از منع مذکور، سلب آزادی بیان است، و این عنوان برای چهره حاکمیت دینی ضرر خواهد داشت.

[اشتباه رد صلاحیت‌ها]

* آیا حضرتعالی درباره شرایط انتخابات مجلس هشتم نگرانی دارید؟ در دوره قبل بسیاری از

اصلاح طلبان رد صلاحیت شدند. آیا فکر می‌کنید این امر دوباره تکرار شود؟

پاسخ - پیشتر در بیانیه‌های متعدد راجع به رد صلاحیت‌هایی که از سوی شورای نگهبان انجام شده است، اظهار نظر کرده‌ام. امیدوارم مسئولین مربوطه اشتباهات گذشته را تکرار نکنند، این اشتباهات و نظائر آن که در سالهای گذشته مشاهده شد آسیب‌های فراوانی به چهره حاکمیت در بین مردم و در جهان وارد نمود.

[ظالمانه بودن تحریم‌ها و بهانه‌سازی‌های دولت]

* درباره تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران چه احساسی دارید؟ بسیاری معتقدند فشارهای غرب بر ایران به خاطر بحث هسته‌ای این بهانه را به دولت می‌دهد که فشارهای بیشتری برای سرکوب آزادیها اعمال نماید. نظر شما چیست؟

پاسخ - تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران، کاری است ظالمانه و هرگز با شعارهای حقوق بشری دولتهای ذی نفوذ در آن سازمان جهانی تناسبی ندارد. البته دولت ایران نیز نباید بهانه و سوژه به دست قدرتمندان بدهد. امیدوارم فشارهای غرب بهانه‌ای برای سرکوب بیشتر آزادیهای مشروع نباشد.

[حق داشتن انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز]

* به نظر شما هزینه‌ای که ایران برای انرژی هسته‌ای می‌دهد به انزوای بین‌المللی ایران در جامعه جهانی می‌ارزد؟

پاسخ - به هر حال دستیابی ملت ایران به انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز حق طبیعی آنان می‌باشد و دولتهای ذی نفوذ حق ندارند مانع آن شوند و موجبات انزوای ایران را فراهم آورند. ان شاء الله موفق باشید.
والسلام علیکم ورحمة الله.

۱۳۸۶/۴/۹

حسینعلی منتظری

پاسخ به پرسشی پیرامون حکم سنگسار در اسلام

۱۳۸۶/۴/۲۱

به دنبال اجرای حکم سنگسار یک مرد متهم به زناى محصنه در هفته گذشته در تاجکستان، پرسش‌های مکرری از محضر مبارک حضرت آیت‌الله العظمی منتظری (دامت‌برکاته) از سوی برخی مقلدین، تشکل‌های حقوق بشری داخلی و خارجی و خبرنگارها مطرح گردیده، که معظم‌له در پاسخ مرقوم فرمودند:

[فلسفه حکم سنگسار]

﴿ بسمه تعالی ﴾

پس از اسلام، حکم سنگسار در تورات به نحو وسیعی وجود داشته، ولی در اسلام فقط در زناى با احصان با شرایطی ثابت است. و راه اثبات آن: ۱- شهادت چهار نفر عادل که با چشم خود عمل را مشاهده کرده باشند. - که تحقق آن بسیار بعید است - ۲- اقرار خود متهم چهار مرتبه در جو و محیط آزاد، نه در زندان یا تحت فشار. و اجرای آن به مجرد علم قاضی محل اشکال است. و آنچه اخیراً در تاجکستان اتفاق افتاد بر خلاف موازین بوده است. و اگر طرف بعد از اقرار انکار نمود، انکار او بر حسب موازین فقهی مسموع است؛ و در صورت اقرار، طرف حق فرار دارد و اگر فرار کرد تعقیب او جایز نیست. و اگر در زمانی یا مکانی اجرای حکم شرعی موجب وهن مذهب باشد، باید از اجرای آن خودداری نمود. با این خصوصیات که ذکر شد در حقیقت حکم سنگسار مترسکی بیش نیست، برای پرهیز مردم از گناه بسیار بزرگ.

۱۳۸۶/۴/۲۱ - حسینعلی منتظری

گفتگوی آقای عمادالدین باقی با حضرت آیت‌الله منتظری^(۱)

۱۳۸۶/۶/۱۲

* قبل از اینکه به سؤالهای اصلی بپردازم همیشه در ذهنم بود که در یک فرصت مناسب این سؤال را از شما بپرسم.

سال ۶۹ و ۷۰ من با یکی از دوستان برای دیدن مرحوم آقای آشتیانی به مشهد رفته بودیم، آقای آشتیانی از سوابق و خاطراتش با شما صحبت می‌کرد، ایشان می‌گفت: بعضی از کسانی که به آیت‌الله منتظری توهین می‌کنند، ایشان را نمی‌شناسند و نمی‌دانند ایشان چه کسی هستند؛ بعد به این مناسبت اشاره کرد که من (آقای آشتیانی) یک بار برای دیدن آقای منتظری به روستای وشنوه رفتم، دیدم که آقای منتظری بی‌قرار و ناراحت هستند و مدام قدم می‌زنند و حرص می‌خورند، به ایشان گفتم: چرا شما ناراحت هستید؟ آقای منتظری گفتند: به دلیل اینکه آقای بروجردی با آقای خمینی

۱- این گفتگو به صورت متنی در شهریور ۱۳۸۶ روی سایت آیت‌الله منتظری انتشار یافت و متعاقباً برخی از سایتها آن را نقل کردند؛ اما بخش‌هایی از این گفتگوی تصویری که به مدت سی دقیقه گزینش شده بود نخستین بار در روز درگذشت معظم‌له پخش شد و طی سه روز به صورت مکرر فیلم این گفتگو در بخش‌های مختلف خبری و غیر خبری بی‌بی‌سی انتشار یافت. بازتاب و تأثیر شگرف مصاحبه مذکور در آن روزهای خاص سبب واکنش فوری حکومت گردید و بعد از چند روز آقای عمادالدین باقی به اتهام انجام این مصاحبه و پخش آن توسط بی‌بی‌سی با یورش مأموران امنیتی به خانه‌اش بازداشت و روانه زندان گردید. ایشان پس از شش ماه بازداشت موقت که پنج ماه آن در سلول انفرادی بود در دادگاهی که به اتهام این مصاحبه برگزار شد به شش سال حبس محکوم گردید. بنابر گفته آقای باقی، بازجو در پاسخ اینکه این قبیل مصاحبه‌ها در دنیای امروز امری عادی است و با چنین واکنش‌ها و مجازات‌هایی روبرو نمی‌شود، گفته است: ما بیست سال منتظری را بایکوت خبری و تصویری کردیم و از خاطره‌ها محو شده بود اما شما در نیم ساعت، زحمت بیست ساله ما را هدر دادید.

برخورد تندی کرده‌اند و ایشان را طرد کردند، من به آقای منتظری گفتم: به جای اینکه ناراحتی کنید به دیدن آقای بروجردی بروید و با ایشان صحبت کنید؛ که آقای منتظری به دیدن آقای بروجردی رفته و به آقای بروجردی گفته بودند: چرا آقای خمینی را طرد کردید، مگر چند تا مثل ایشان در قم وجود دارد، آینده قم را به چه کسی می‌خواهید بسپارید؟! بعد آقای منتظری به من گفتند که اگر امر دائر شود بین آقای خمینی و آقای بروجردی، چون آقای بروجردی خیلی طرفدار دارد و آقای خمینی خیلی تنهاست، من از آقای خمینی حمایت می‌کنم؛ خلاصه ایشان آنجا از آقای خمینی طرفداری کردند و طرف آقای خمینی را گرفتند. آقای آشتیانی گفت: آقای منتظری به دیدن آقای بروجردی رفتند تا شفاعت کنند که آقای بروجردی موضعش نسبت به آقای خمینی تلطیف بشود. آقای آشتیانی یک چنین داستانی را تعریف کرد و من همیشه دلم می‌خواست بدانم اصل ماجرا چه بوده است.

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

[اغتشاش فدائیان اسلام در قم، هتاکی به آیت‌الله بروجردی

و انتقادات آیت‌الله خمینی به آنان]

پاسخ: اصل این موضوع اجمالاً زمانی بود که فداییان اسلام و طرفداران مرحوم نواب صفوی به قم آمده بودند، تعدادشان هم زیاد بود و تقریباً قم را داشتند قبضه می‌کردند. من یادم هست که مرحوم واحدی وقتی می‌خواست حمام برود، تعداد زیادی طلبه به دنبالش راه می‌افتادند که ایشان را بدرقه کنند. و تقریباً حوزه قم محل سخنانی فداییان اسلام شده بود، خود نواب صفوی به قم آمد و یک سخنرانی ایراد کرد و منبری رفت و سوره ﴿الهیکم التکائر﴾ را با یک شوری می‌خواند، و آقای سیدهاشم و مرحوم آقای واحدی سخنرانی‌های تندی می‌کردند، این افراد بالاخره مرحوم آیت‌الله بروجردی را مورد حمله قرار دادند و در حقیقت می‌گفتند که پیرمرد مرجعیت شیعه را قبضه کرده و ساکت است و هیچ چیز نمی‌گوید و اسلام در خطر است، و نسبت به خود مرحوم آیت‌الله بروجردی در تعبیراتشان هتاکی داشتند.

دولتی‌ها هم چون اینها روحانی بودند نمی‌خواستند بدون نظر آیت‌الله بروجردی دخالت کنند.

من یادم هست که ما نزد آیت‌الله خمینی که تعدادمان پنج شش نفر بود درس زکات می‌خواندیم که صحبت از فداییان اسلام به میان آمد، آقای خمینی گفتند: اینکه وضع نشد، این افراد حوزه را به هم ریخته‌اند، اینها حوزه را از حوزویت خارج کرده‌اند، اصلاً به عقیده من باید دولت اینها را تعقیب کند، یعنی چه، این چه معنی دارد؟! اگر با آقای بروجردی حرف دارند باید محترمانه حرفشان را به آقای بروجردی بگویند نه اینکه مرجع تقلید را مورد هجوم و حمله قرار دهند. بالاخره مرحوم آیت‌الله خمینی از اینها ناراضی بودند.

[گفتگوی انتقادی آقای مطهری با نواب صفوی]

و مرحوم مطهری گفتند که من با دیدن چنین اوضاعی رفتم با نواب صفوی بیش از یک ساعت دنبال رودخانه راه رفتیم و صحبت کردیم که بالاخره کیان تشیع همیشه به مرجعیت بوده و شما هم اگر حرفی و صحبتی دارید دوستانه مطرح کنید و بنویسید و این طور حمله کردن به مرجع شیعه درست نیست. مرحوم آقای مطهری هم از آقای بروجردی دفاع کرده بودند. البته آقایان در حسن نیت آقای نواب و فداییان اسلام تردید نداشتند ولی روش تند آنان را تخطئه می‌کردند. و بالاخره یک تعدادی مثل آقای حاج شیخ اسماعیل معزی و جمعی دیگر با چوب و چماق آنهایی را که در قم سخنرانی می‌کردند بیرون کردند و نگذاشتند که شهربانی دخالت کند، وگرنه شهربانی خیلی متمایل بود که دخالت کند. بالاخره آقای خمینی و مطهری با روش آنها (فداییان اسلام) مخالف بودند، هر چند آنان را دارای نیت خوب می‌دانستند. ولی افرادی که می‌خواستند تفتین کرده و پرونده درست کنند نزد مرحوم آیت‌الله بروجردی وانمود کردند که آقای خمینی و آقای مطهری طرفدار فداییان اسلام هستند و از این تندروی‌هایی که فداییان اسلام انجام دادند حمایت می‌کردند.

[چگونگی القای بدبینی نسبت به آیت‌الله خمینی و آقای مطهری

در ذهن آیت‌الله بروجردی]

این را هم بگویم که از طرف آیت‌الله بروجردی به آقای حاج آقا عبدالله تهرانی پیشنهاد شده بود که شما یک عده از طلبه‌هایی را که با هوش و بی‌غرض هستند معین کنید که در حوزه اگر یک طلبه‌ای دنبال کارهای خلافی است و آبروریزی می‌کند اینها را گزارش بدهند. در حقیقت گزارشگر حوزه باشند تا بعد با طلبه‌های متخلف صحبت بشود و تنبیه شوند. مرحوم حاج آقا عبدالله عده‌ای از جمله من را دعوت کرد، آقای جلال آشتیانی، و آقای مولایی هم - که مدتی متولی آستانه حضرت معصومه بود - دعوت شدند، به آقا جلال آشتیانی و من و جمعی دیگر که حدود ۷ یا ۸ نفر بودیم گفتند که اگر کار خلافی در حوزه انجام شد گزارش بدهیم. یک روز من در روستای وشنوه خدمت مرحوم آیت‌الله بروجردی بودم، ۷ یا ۸ نفر دیگر هم حضور داشتند و آقای آشتیانی هم حضور داشتند، آقا جلال شروع کردند علیه فداییان اسلام صحبت کنند و بعد به آقای بروجردی گفت: اینها را که از قم بیرون کردند پیش مرحوم آقای کاشانی رفتند و آقای کاشانی اینها را تشویق کرده و به هر نفر از آنها ۵۰ تومان داده است. بلافاصله آقای بروجردی گفتند: من نمی‌دانم چرا بعضی از عقلای قوم با اینها همکاری می‌کردند؟! هر کس که بود می‌فهمید که منظور از عقلای قوم همان تیپ آقای خمینی است. بعد آقای بروجردی بلافاصله به حاج محمدحسین احسن گفتند: راستی حاج محمدحسین آن نامه‌ای را که حاج آقا روح‌الله از مشهد نوشته بود بیاور تا جواب آن را بدهیم. اینجا من یقین کردم منظور آقای بروجردی از عقلای قوم، آقای خمینی بوده؛ و صحبت‌های آقا جلال تحریک‌آمیز بود. من ناراحت شدم و به آقا جلال گفتم که پیدا است آقای بروجردی نسبت به آقای خمینی سوءظن پیدا کرده، در صورتی که خود من در درس آقای خمینی حضور داشتم و آقای خمینی گفتند که این کارها اشتباه است و باید شهربانی

دخالت کند، اینها حوزه را به هم زده‌اند و حفظ حوزه و حریم مرجعیت از همه چیز واجب‌تر است. آقای خمینی این طور گفتند اما حالا در ذهن آقای بروجردی این طور رفته، مشخص است که یک عده می‌خواهند برای آقای خمینی و آقای مطهری پرونده درست کنند. که این طور هم شد، به طوری که آقای بروجردی نامه‌ی آقای مطهری را نگرفت و دلیل آن هم به خاطر همین جوسازی‌ها بود. منظور این است که من همان جا با آقا جلال صحبت کردم که ایشان نسبت به آقای خمینی نباید این طور فکر کنند. به آقا جلال گفتم که: باید یک کاری بکنیم که این مطلب که آقای خمینی محرک فداییان اسلام بوده است از ذهن آقای بروجردی بیرون بیاید، و من عکس این مطلب را از آقای خمینی شنیده‌ام. این اصل جریان بود.

سر اعدامشان هم آقای خمینی و هم آقای بروجردی مخالفت کردند. من جریان را طی یک نامه به آقای مطهری که در آن زمان در فریمان بودند نوشتم که آقای خمینی مشهود است و این جریانی را که نزد آقای بروجردی اتفاق افتاده است ایشان به آقای خمینی بگویند، آقای مطهری هم به مشهود رفته و جریان را برای آقای خمینی تعریف کرده بودند. من در حقیقت از آقای خمینی حمایت کردم. این جریان بیشتر از این نبود.

[گزارش منفی به آیت‌الله بروجردی درباره‌ی آقایان خمینی، منتظری و مطهری]

بعد آن‌گونه که نقل شد: کسانی می‌خواستند آقای خمینی، آقای مطهری و من را در ذهن آقای بروجردی ملکوک کنند که اینها طرفدار فداییان اسلام هستند، تا ما سه نفر مطرود آقای بروجردی شویم. وقتی که گزارش را تهیه کردند اسم من هم در آن بوده، اما هنگامی که خواستند نزد آقای بروجردی ببرند یک کسی گفته بود آقای بروجردی به آقای منتظری خیلی علاقه دارد چون مقرر درسش است، اگر آقای منتظری را ضمیمه کنید آن دو نفر هم مورد تردید آقای بروجردی واقع می‌شوند، آن وقت اسم من را قلم گرفتند و به آقای بروجردی راجع به آقای خمینی و آقای مطهری گزارش

دادند که ایشان را ناراحت کردند و بعد هم سبب شد آقای خمینی تا چند وقت خانه آقای بروجردی نمی رفتند.

[امتناع آیت الله بروجردی از دریافت نامه آقای مطهری]

مرحوم مطهری وقتی می خواست به تهران کوچ کند به آقای بروجردی نامه ای نوشت به عنوان اینکه: من آدمم با شما خدا حافظی کنم که موفق نشدم ایشان نامه را به من دادند. من روز پانزدهم شعبان خدمت آقای بروجردی بودم، جمعیت زیادی هم بودند، از جمله حاج آقای اشراقی هم بود، من به آقای بروجردی گفتم آقای مطهری می خواست به تهران برود و نتوانست خدمت شما برسد این نامه را خدمت شما فرستاد، آقای بروجردی از گرفتن نامه امتناع کردند، که معلوم شد ذهن ایشان را خیلی پر کرده اند. آقای حاج میرزا ابوالحسن گفت: مگر نمی دانی که در ذهن ایشان کرده اند که آقای مطهری هم از حامیان فداییان اسلام بوده است؟ حالا تو آمده ای نامه مطهری را می خواهی به آقا بدهی؟!*

* به همین قیاس این همه اطلاعاتی را که به آقای بروجردی گزارش می دادند خیلی شبیه به اتفافی است که راجع به خود شما پیش آمد، همین کار با آقای خمینی شده، طوری مسائل را به ایشان می گفتند که ایشان از شما ناراحت می شدند و انگار که بیت شما «پایگاه منافقین»^(۱) است و بعد هم تصور شد که مدارس شما پایگاه منحرفین در قم است.

[واگذاری اداره مدارس به آیت الله امینی و ارزیابی وی از مدارس آیت الله منتظری]

پاسخ: مدارس تحت نظارت اینجانب را هنگامی که متوجه شدم نسبت به من

۱- این عیناً تعبیری است که در نوشته های مخالفان حکومتی آیت الله منتظری از جمله در رنجنامه مرحوم سید احمد خمینی آمده و نقل قول است.

حساسیت پیدا شده، خودم در اختیار آقای امینی گذاشتم، یادم هست روزی که آقای امینی گزارش مدارس را می‌دادند گفتند در مدرسهٔ بعثت طلبه‌هایی هستند به قدری با استعداد و خوش قلم که واقعاً موجب آبروی حوزه هستند و برخی را اسم بردند، ایشان می‌خواستند من را امیدوار کنند. ارزیابی آقای امینی در بارهٔ جو سازی‌های آن زمان که علیه مدارس تحت اشراف بنده شده بود خوشبختانه مثبت بود.

* راجع به زندان و اعدام کردن فدائیان اسلام خاطره‌ای دارید؟

[شباهتی در اعدام فدائیان اسلام و سید مهدی هاشمی]

پاسخ: اما اعدام فدائیان اسلام؛ برحسب مسموع وقتی که صحبت اعدامشان شده بود آیت‌الله بروجردی حاج احمد را به تهران فرستاده بودند که به شاه بگوید و وساطت کند و جلوی اعدام اینها را بگیرد. آن وقت شاه ابعلی رفته بود و آنها کاری کردند که آنها را اعدام کردند و بعد حاج احمد را پیش شاه فرستادند. دقیقاً مثل جریان سید مهدی هاشمی که من به مرحوم امام از طریق آقای سید سراج موسوی پیغام دادم که سید مهدی خودش قاتل نیست بر فرض هم که امر به قتل باشد حکمش اعدام نیست، به هر حال ایشان قاتل نیست. این طور که برای من گفتند ری شهری و عوامل او گفته بودند: اگر آقای سراج پیش امام برود همه چیز را به امام می‌گوید، بنابراین سریعاً سید مهدی را اعدام کردند و زمانی که نامه به دست امام رسیده بود وقتی بود که اعدامش کرده بودند.

یکی از اشکالات به نامهٔ ۱/۶ این است که در آن نامه از سید مهدی تعبیر به قاتل شده، بالاخره باید موازین شرعی رعایت شود، امر به قتل خیلی با قاتل فرق دارد. من در نامه‌ای که به آقای سید سراج دادم که به امام بدهد نوشتم که شما عجله نکنید، زنده را می‌شود اعدام کرد ولی مرده را نمی‌شود زنده کرد.

* اما راجع به زندان و اعدام فداییان و راجع به اعدام سید مهدی و دوستانش دو سؤال کلیدی داشتم، یکی درباره اعدام و دیگری درباره زندان، سؤال راجع به اعدام این است که به هر حال این اتفاقات نشان می‌دهد که کشور با اعدامهای سیاسی همیشه مواجه بوده و از آن جمله با اعدامهای سال ۶۷، و در واقع یک سؤال این است در قرآن تنها جایی که خداوند به مجازات به قتل نفس مجوز داده است در مسئله قتل نفس است، یعنی غیر از این مثلاً در موارد سیاسی و غیره مجازات به قتل وجود ندارد ﴿من قتل نفساً بغير نفس أو فساد فی الارض﴾، «فساد» را شما در کتاب ولایت فقیه استناد کردید و می‌گویید که این فساد به تنهایی کافی نیست و در واقع ملاک مرگ نمی‌شود.

[اعدام‌های سال ۶۷ و دست‌اندرکارانش]

پاسخ: اعدام‌های سال ۶۷ یکی از نقطه ضعف‌های جمهوری اسلامی است؛ برای اینکه در عملیات مرصاد یک عده‌ای می‌خواستند به تهران بیایند و بالاخره تعدادی از آنها بازداشت می‌شوند و حکم اعدام آنها صادر شد؛ و من در نامه‌ای به مرحوم امام نوشتم نسبت به اعدام این افراد مردم حرفی نمی‌زنند اما کسی که جلوتر در زندان بوده و به ۲ یا ۳ سال محکوم شده حالا از او پرسید تو هنوز سر موضع خود هستی، به محض اینکه می‌گویند که من سر موضع هستم این هم با نظر اکثریت سه نفر، یعنی قاضی و دادستان و نماینده اطلاعات آن وقت؛ فوری او را اعدام کنید! روش درستی نیست. که متأسفانه با همین شیوه از قرار مسموع ۲۸۰۰ یا ۳۸۰۰ نفر را - تردید از من است - اعدام کردند. بعداً آقای پورمحمدی و آقای اشراقی که دادستان بود و آقای نیری قاضی و آقای رئیسی، چهار نفر بودند که من آنها را احضار کردم و به آنها گفتم: الآن ماه محرم است و لا اقل به احترام این ماه دست نگه دارید؛ آقای نیری گفت ما الآن هفتصد نفر دیگر را در اوین آماده کرده‌ایم که اعدام کنیم بگذارید این هفتصد نفر را اعدام کنیم و بعد فرمایش شما را اجرا می‌کنیم؛ گفتم یعنی چه؟! من می‌گویم در ماه محرم هستیم احترام آن را حفظ کنید. من در خاطراتم همه این اتفاقات را گفته‌ام. در آن زمان من قائم مقام بودم و از من یک مقدار ملاحظه می‌کردند.

* آن چیزی که من می‌خواستم مطرح کنم این بود که شما در کتاب «دراسات فی ولایة الفقیه» این بحث را دارید و در کتاب «دیدگاهها» هم نوشته‌اید و بیان کرده‌اید: ﴿أَوْ فساد فی الارض﴾ فقط فساد کافی نیست و هر فسادی موجب اعدام نمی‌شود؛ در واقع دو تا نکته می‌خواهم بگویم، یکی اینکه اصلاً به طور کلی نظر شما راجع به اعدام‌های سیاسی چیست؟ و دوم اینکه: بحث زندان که حالا از دو-سه زاویه مطرح است، یکی اصل زندان و یکی هم یک ویژگی که شما داشتید و ما در کس دیگری این ویژگی را ندیدیم، یعنی یکی از عناصر مهم فکری و عملی زندگی شما بوده که برای خود من هم همیشه الگو بوده و من از بچگی یادم هست که از پدرم می‌شنیدم که تعریف می‌کردند از اینکه شما همیشه به خانواده زندانیان خیلی عنایت داشتید و سخاوتمندانه عمل می‌کردید و کمک می‌نمودید؛ و من طی سالها می‌دیدم که شما افراد را صرف نظر از اینکه چه گرایشی و چه فکری دارند به خانواده‌شان کمک می‌کردید.

[حتی در اتهام قتل سقف بازداشت موقت فقط ۶ روز است]

پاسخ: راجع به زندان، ما روایت معتبر داریم و سائل جلد ۱۹ ص ۱۲۱ چاپ اسلامیة که می‌گوید: «پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ کسی را که متهم است به اینکه کسی را کشته و قاتل است تا شش روز اجازه دادند این فرد را حبس کنند، در طی شش روز مدعیان قتل اگر شاهد آوردند و ثابت کردند بسیار خوب، و اگر شاهد نیاوردند پیامبر او را آزاد می‌کرد». برای اینکه به زندگی افراد اهمیت می‌داد. کسی که متهم به قتل بود پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرمود برای تحقیق تا شش روز می‌توانید او را نگه دارید. حالا در این زمانه که تحقیق خیلی راحت‌تر است، چرا باید تا یک اتفاقی رخ می‌دهد چند نفر را بگیریم و زندانی کنیم. اتهام قتل که این قدر مهم است شش روز بیشتر اجازه نداده‌اند که متهم زندانی شود. روایت هم معتبر است.

من خدا را شاهد می‌گیرم که هر چه راجع به نظام و ایران می‌گویم قصد خیرخواهی دارم و هدفم این است که حالا که بعد از قرن‌ها یک نظامی به نام اسلام روی کار آمده سوژه کمتر داشته باشد.

[بازداشت‌های بی‌مورد سیاسی بحران‌زاست]

ما می‌بینیم راجع به اتهام قتل، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بیشتر از شش روز اجازه نمی‌دهد که متهم را زندانی کنند ولی حالا به یک اتهامات مبتذل افرادی را مدتها زندانی و بازداشت می‌کنند؛ مثلاً همین تحکیم وحدتی‌ها و دانشجویان، یک روز دولت با دانشجویان برخورد می‌کند و یک روز زنها را بازداشت می‌کند برای اتهامات واهی؛ مثل اینکه خیال می‌کنند کشور با بحران اداره می‌شود. چنین فکری اشتباه است، اگر می‌خواهند کشور را اداره کنند باید آرامش حکم‌فرما باشد. توجه ندارند که بازداشت‌ها، چه دانشجویان باشند چه غیر دانشجویان، کشور را بحرانی می‌کند و در خارج زود منعکس می‌شود.

[تنبیه حامیان حقوق زندانیان به جای تشویق!]

مثلاً اگر کسانی کارشان رسیدگی به امور زندانیان و حقوق زندانیان باشد، اصلاً دولت باید به چنین کسانی که این کارها را انجام می‌دهند و برای زندانی‌ها کاری می‌کنند که باعث می‌شود مردم یک مقدار امیدوار شوند جایزه بدهد، مردم می‌گویند: اگر فلان کس زندان رفته کسانی هستند که از آنها حمایت می‌کنند و اگر نیازی دارند تا جایی که بتوانند نیاز آنها را برطرف می‌کنند، به جای اینکه دولت از چنین افرادی تقدیر کند همین امر را بهانه می‌کند و آنان را محاکمه و محکوم می‌کند. خلاصه کشور با آرامش اداره می‌شود نه با بحران.

[بازداشت به بهانه انقلاب مخملی و اعدام بحران‌زا و بدتر از انقلاب مخملی]

متأسفانه ما هر روز می‌بینیم که یک بحران در کشور ما درست می‌شود، یک روز کسانی که از آمریکا آمده‌اند به بهانه اینکه قصد انقلاب مخملی! و یا قصد دیگری داشته‌اند از آنها مصاحبه می‌گیرند؛ یک روز تحکیم وحدتی‌ها را بازداشت می‌کنند،

در صورتی که اینها هیچ وقت مخالف نظام نبوده بلکه می‌خواهند حقوق مردم تأمین شود و جمهوری اسلامی ثابت و برقرار باشد. امروز دنیا به هم مربوط است، یک دانشجوی را شما زندانی می‌کنید یکی دو ساعت بعد رادیوهای خارجی این مطلب را منعکس می‌کنند، و طبعاً بحران درست می‌شود. بایستی دولت اگر می‌خواهد نظام برقرار باشد کاری کند که آرامش در کشور حکم‌فرما شود نه به بهانه‌های مختلف کسانی را زندانی کنند. گفتم پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای اتهام قتل شش روز بیشتر اجازه نمی‌دهد کسی را زندانی کنند، آن وقت شما به اتهامات واهی مدتها افراد را زندانی می‌کنید و محاکمات مبتذل و مهمتر از همه اعدامهای رائج بی‌اساس به بهانه حفظ امنیت کشور انجام می‌دهید، چه کسی مخالف امنیت کشور است؟ هیچ عاقلی نمی‌خواهد کشور بحرانی باشد. مردم الان همه اوضاع عراق را می‌بینند که یک عده‌ای هر روز تعدادی را به بهانه‌های مختلف می‌کشند. بنابراین مردم همه می‌خواهند کشور امنیت داشته باشد، بحران ایجاد نکنید. این بازداشت‌ها، این زندانی‌ها، زندان ۲۰۹ و زندانهای دیگر، مدام به بهانه‌های واهی زندانهای این شکلی ایجاد می‌کنید، به طور کلی کار غلطی است.

[به سوی زندان‌زدایی و نفی اعدام‌های بی‌اساس]

نزد امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام وقتی راجع به خیریت بن راشد - که از رؤسای خوارج بود - و گروه او صحبت کردند بعضی گفتند چرا بازداشتشان نمی‌کنید؟ حضرت فرمودند: اگر بخواهم اینها را زندانی کنم «اذاً ملأنا السجن منهم» آن وقت زندانها را از آنها پر کرده‌ایم. معلوم می‌شود پرکردن زندانها کار عاقلانه‌ای نیست. خود آقای سید محمود هاشمی هم می‌بینیم که در تعبیراتش با زندان مخالف است. وقتی می‌بینیم پیامبر برای قتل شش روز بیشتر اجازه زندان نمی‌دهد، چرا شما برای امر واهی هشتاد روز، دو سه ماه، یک سال، سه سال افراد را زندانی می‌کنید و بسا اعدامهایی بی‌اساس انجام می‌دهید؟!

[در انتقادات طمعی ندارم]

ما همه به جمهوری اسلامی و اصل نظام علاقه مندیم؛ و از من هم دیگر گذشته است، من نه می‌خواهم مرجع تقلید باشم و نه می‌خواهم رهبر کشور باشم، و هیچ وقت امید این القاب و عناوین را نداشتم، و از اول هیچ وقت شوق رسیدن به مقام را نداشتم. نه خودم به فکر مقام و موقعیت بودم نه پدرم به فکر این مسائل بود. پدرم آدم متدینی بودند علاقه داشتند که من درس بخوانم و فرد مفیدی برای مردم و جامعه باشم، و من اگر مربی داشتم با آن حافظه قوی که داشتم باید خیلی بیش از این درس می‌خواندم.

* شما می‌بینید که در رسانه‌ها، سازمانهای حقوق بشر وقتی گزارش می‌دهند که در دنیا چند تا دیکتاتور است و اسم می‌برند می‌گویند مثلاً بن لادن، معمر قذافی، بشار اسد و... این نتیجه روزنامه بستن‌ها و بازداشتها و محاکمات مبتذل است. ما اینها را که می‌بینیم ناراحت می‌شویم که شما نمی‌خواهید کشورمان در صدر قرار بگیرد، کشوری با سابقه تاریخی ارزشمند.

[در رژیم شاه به افکار عمومی جهان اهمیت می‌دادند]

پاسخ: دنیا به هم مربوط است، یک قضیه کوچک در دنیا منعکس می‌گردد سپس پیرامون آن تحلیل می‌کنند و از آن نتیجه‌گیری می‌کنند. در همین رابطه من از زمان سابق خاطره‌ای یادم آمد؛ ما در زندان اوین بودیم، یک روز دیدیم از غندی بازجو آمد دست عباس اشراقی را گرفت و او را بیرون برد، (عباس اشراقی یکی از مجاهدین خلق و یکی از همین اشراقی‌های قم بود) این عباس اشراقی بیماری صرع داشت و غش می‌کرد. آن روز به از غندی که روزی بازجویم بود گفتم: او را کجا بردی؟ گفت: آزادش کردم، گفتم: چطور؟ گفت: اگر فردا این جا می‌مُرد، توی دنیا برای ما معرکه می‌گرفتند، چرا ما باید برای خودمان معرکه درست کنیم؟ آنان با اینکه طاغوت بودند ولی این قبیل ملاحظات را هم داشتند.

* یعنی به افکار عمومی اهمیت می‌دادند برای حفظ وجهه خودشان؟

[نظارت بین‌المللی بر زندان‌ها در زمان شاه]

پاسخ: خاطره‌ای دیگر؛ یک روز مرا که در بند یک اوین با علما بودیم خواستند، بعد از غندی گفت که: آقای منتظری من از طرف اعلیحضرت برای شما پیام آورده‌ام، حالا راست می‌گفت یا دروغ نمی‌دانم، از عفو بین‌الملل آمده‌اند و اسم دو نفر را آورده‌اند که با این دو نفر مصاحبه کنند یکی شما و یکی هم یوسفی از کردها، اینها آمده‌اند پیش اعلی‌حضرت شما را نام بردنده‌اند و من از طرف اعلی‌حضرت برای شما پیغام آورده‌ام که آبروی کشور را حفظ کنید، حرفی از شکنجه و این جور چیزها نگویند که آبروی کشور حفظ بشود، و مدام تکرار می‌کرد که من از طرف اعلی‌حضرت برای شما دو نفر پیغام آورده‌ام. گفتم از من رَدش کن! گفت نمی‌شود، چون آن کسی که آمده این دو اسم را آورده. بالاخره ما را مجبور کردند که یک روز برویم، ما رفتیم و دیدیم که حتی تیمسار ثابتی هم آمده بود، علاوه بر سرهنگ افشار رئیس زندان اوین و از غندی بازجو ده پانزده نفر از جمله طباطبایی که جزء معاونین تیمسار مقدم رئیس ساواک بود نیز آمده بودند. بالاخره حدود پانزده نفر نشستند، یک نفر مصاحبه‌کننده که بلژیکی بود یکی یکی سؤال می‌کرد و من هم جواب می‌دادم. تقریباً دو ساعت مصاحبه طول کشید، مثلاً وضعیتان چگونه است و خوراکتان و غذاتان چگونه است، بعد دست آخر گفت: من یک سؤال دارم راستش را بگو! آیا در زندانهای ایران شکنجه هم وجود دارد؟ - من در کتاب خاطرات هم این داستان را گفته‌ام - من گفتم: «I can't answer this question»: من این سؤال را نمی‌توانم جواب بدهم. خندید و همه خندیدند و تمام شد. بعد از غندی گفت: آقای منتظری شما انگلیسی بلد بودید؟ چرا این سؤال را به انگلیسی جواب دادید؟ گفتم: ترسیدم مترجم بد ترجمه کند. دیگر نگفتم که خوب گفتم یا بد، ولی نزد افراد خیلی خوب منعکس شد که من هم واقعیت را گفتم و هم پرده‌داری نکردم. منظور این است که آنها

روی این جهت خیلی اهمیت می‌دادند که چیزی خلاف مصالح کشور گفته نشود؛ اما آقایان گاهی از اوقات یک کارهایی می‌کنند که انعکاس پیدا می‌کند در دنیا و رادیوهای خارجی در صدر خبرهای خود مطرح می‌کنند ولی اینها باکشان نیست. شما می‌خواهید با بحران کشور را اداره کنید! نمی‌شود. بالاخره یک جا سر باز می‌کند. یک کاری بکنید که مردم را راضی کنید. دانشجو همین اندازه که می‌گوید من به نظام اسلامی معتقدم، قبول کنید. امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه می‌فرمایند: «فلا تكفوا عن مقالة بحق أو مشورة بعدل فإنی لست فی نفسی بفوق أن أخطئ إلا أن يكفی الله» از گفتار حق و مشورت عادلانه خودتان را باز ندارید، چرا که من ذاتاً فوق خطا نیستم. مگر اینکه خدا کفایت کند. حضرت علی علیه السلام با اینکه معصوم‌اند می‌فرماید: من فوق خطا نیستم مگر اینکه خدا کفایت کند، اما این چند نفر آقایان که سر کار هستند مثل اینکه خودشان را فوق خطا می‌دانند و معصوم، و مابقی دیگر هیچ هستند!

[روحیه نقادی و انتقاد به آیت‌الله بروجردی]

روزی یکی از علمای تبریز به خانه آیت‌الله بروجردی آمده بود و به او بی‌احترامی شده بود، من مطلع شدم و روحم در عذاب بود، خدمت آیت‌الله بروجردی رفتم و گفتم: آقا شما، آقا، مرجع کل، تاج سر همه، ولی بقیه هیچ نیستند، یک آقای تبریزی در شهر خودش موقعیت دارد، اینجا آمده است باید با ایشان محترمانه برخورد شود. من واقعیات را می‌گفتم و عقیده‌ام این است که بگویم. حالا نیز واقعاً دوستانه تذکر می‌دهم که: آقایان در روششان تجدیدنظر کنند، این بازداشت‌ها، این زندانی‌ها و این محاکمات و حتی دادگاه ویژه روحانیت و... خلاف قانون است.

[دادگاه ویژه روحانیت غیر قانونی است]

دادگاه ویژه به گونه‌ای خاص در زمان امام بود ولی مثل حالا نبود بعد آقای ری شهری با یک سؤال و جواب از آقای خامنه‌ای دوباره آن را به جریان انداخت،

اینها همه غلط است. این را هم صاف و بدون غرض بگویم که اگر یک وقت مقامهای بالا بخواهند بگویند به ما ربطی ندارد و دستگاههای پایین هستند که این کارها را انجام می‌دهند، این اشتباه است؛ همان طور که در زمان شاه مردم همه کارهای خلاف را گردن شاه می‌انداختند الآن نیز همه این بازداشت‌های ناحق و کارهای خلاف قانون و خلاف شرع را گردن مقامهای بالا می‌گذارند، بنابراین باید در روش خود تجدیدنظر کنند.

* اگر مقام بالا مخالف باشد باید یک حرفی بزند، و جلوگیری کند؛ برخی مراجع تقلید هم اگر با این بگیر و ببندها مخالف باشند و بدانند با این کارها آبرو و حیثیت کشور در دنیا برده می‌شود باید یک کلمه حرف بزنند و مخالفت کنند.

[مجوز شرعی و قانونی بدرفتاری‌ها با من و اطرافیانم چیست؟]

پاسخ: من یک سخنرانی کردم در ۱۳ رجب، اتفاقاً همین روزها دهمین سالگرد آن است، من عقیده‌ام بود حرفهایی که گفته بودم حق بود، حالا شما بگویید: فرضاً یک مقدار حرف‌های من اشکال داشت، ولی نزدیکان من، شاگردان، مقلدان و علاقه‌مندان چه گناهی کرده‌اند که بسیاری از آنها توسط نهادهای امنیتی و دادگاه ویژه روحانیت بازداشت و زندانی شدند، خیلی از این افراد هنوز با وثیقه‌های سنگین آزادند و سالهاست وثیقه‌های آنها بدون دلیل توقیف شده یا ممنوع‌الخروج شده‌اند، این حسینیه ما چه گناهی کرده است؟! ۱۰ سال است درب این حسینیه را بسته، دفتر مشهد را هم بسته‌اند و همچنان در غصب است، دفتر اصفهان که بدتر آقای علی رازینی روی آن حکم نوشته که فروش برود به نفع دادگاه ویژه. به آقای محسنی اژه‌ای گفته‌اند، او گفته: بله! روی آن حکم شده، مثل اینکه حکم امام زمان است! با کدام قانون و شرع ملک شخصی را می‌توانند یک چنین حکمی برایش بدهند؟ تازه دفتر من در اصفهان شرعاً ملک آقای رجایی است. دفتر مشهد ما را هم درش را بسته‌اند،

کتابهای زیادی خریده بودیم و کتابخانه‌ای داشت که افراد می‌آمدند مطالعه می‌کردند، آن را نیز تصرف کردند و معلوم نیست آن همه کتاب چه شد. منظور این است که با من برخورد های تندی کردند و می‌کنند، به چه مجوز شرعی و قانونی؟!

همین حسینیه شهدا جنب منزل من، هر کس که از جلوی آن ردّ می‌شود می‌بیند آنجا را پلمب کرده‌اند و یک عکس از آقای خمینی و یک عکس از آقای خامنه‌ای بر روی دیوار آن نصب کرده‌اند، معنایش این می‌شود که این دو نفر سبب بستن اینجا شده‌اند. یک وقت هم باد عکس‌ها را پاره می‌کند دوباره از نو عکس جدید نصب می‌کنند. آقای هادی قابل روز عاشورای سال گذشته که در دفتر من روضه بود و ایشان خطیب این مراسم بودند وقتی دیدند جمعیت زیادی در داخل دفتر، راهرو دفتر و حتی در کوچه نشسته‌اند گفتند: من دوستانه به مسئولین محترم تذکر می‌دهم که بعد از چند سال حسینیه درش باز شود برای اینکه این حسینیه غیر از اینکه در آن درس فقه و اصول و روضه بوده چیز دیگری در آن نبوده. من تقریباً مطمئن شدم که آقایان دنبال بهانه می‌گردند و می‌آیند حسینیه را تحویل می‌دهند، نتیجه چه شد؟ چند ماه بعد آمدند جوشها را محکم‌تر کردند به خیال اینکه یک وقت ما درب آن را باز نکنیم!

[ممانعت از چاپ کتابی در دفاع از شیعه و نقد وهابیت]

من یک رساله در ردّ وهابیت تقریباً شانزده سال پیش، ۱۴۱۲ قمری، ۱۳۷۰ شمسی نوشتم. زیرا از فردی به نام عبدالله بن جبرین که الان هم زنده است و در عربستان جزء مفتیان سعودی محسوب می‌شود سؤالی کرده بودند که آیا می‌توانیم از یک قصاب که شیعه است و به مهمان‌خانه‌ها گوشت می‌دهد گوشت بخیریم؟ ایشان در جواب نوشته بود که: شیعه‌ها کافرند و ذبیحه آنها نجس و حرام است و شما حق ندارید این کار را بکنید. در صورتی که آنان ذبیحه اهل کتاب را می‌خورند اما در مورد شیعه گفته بود که ذبیحه‌شان حرام است. من آن زمان یک ردّی برای او به عربی نوشتم با نام «نامه سرگشاده به برادران ما در حجاز و منطقه شرقی» که در کتاب خاطرات من

همان جواب عربی و ترجمه‌اش ثبت است، پیوست ۱۹۷ جلد ۲ ص ۱۳۵۴ به بعد. تا اینکه باز پارسال دوباره همین آقای عبدالله بن جبرین خراب کردن حرم شریف سامرا را تأیید کرده و گفته بود که باید این مقبره‌ها خراب شود. یک عده از علمای سنت نیز همین فتوا را دادند که علمای قم هم جواب دادند. من در اثر این معنا همان نامه سرگشاده را یک مقدار توسعه دادم و شبهه آنها را پاسخ گفتم و تذکر دادم که آن پاسخ برای شانزده سال پیش بوده حالا بر آن اضافه شده و آن رساله در سایت این جانب ثبت است، اوایل اسفند سال گذشته این رساله را برای اجازه چاپ به وزارت ارشاد داده‌ایم و هنوز اجازه چاپ نداده‌اند، اصلاً مگر چاپ این قبیل کتابها عقلاً و شرعاً احتیاج به اجازه چاپ دارد؟

یادش به خیر آقای سید مرتضی پسر مرحوم آیت‌الله سید محمد شیرازی یک روز با من صحبت می‌کردند می‌گفت هر کتابی که نمی‌شود چاپ کنید ببرید لبنان و در لبنان هم اگر نشد چاپ کنید ببرید اسرائیل! شما یک کتاب از اول تا آخر علیه اسرائیل و صهیونیسم بنویسید در اسرائیل می‌شود چاپ کرد. آنها آن جور برخورد می‌کنند و شما این جور مانع تراشی می‌کنید. کتابی که در ردّ وهابیت و به نفع شیعه، به نفع اسلام، به نفع وحدت مسلمین نوشته می‌شود، آقایان پنج شش ماه وقت کشی می‌کنند و نهایتاً نیز اجازه چاپ نمی‌دهند. این مسأله خودی و غیر خودی که راه انداخته‌اید برای مردم قابل هضم نیست، مردم همه خودی هستند و اسلام و کشور برای همه مردم است نه برای یک قشر خاصی. ان‌شاءالله خداوند نگاهی عبرت‌آموز از حوادث روزگار به همه مسئولان عنایت فرماید و بدانند که این مسئولیت‌ها میدان آزمایش افراد است و این پست و مقامها پایان یافتنی است، چیزی که می‌ماند اعمال نیک و بد ماست که برای آن باید حساب پس داده شود.

[زندگی با کمونیستها از جمله محمد علی عمویی در زندان]

* یک مطلب کوچک هم درباره آقای عمویی که از افسران کمونیست بوده و با شما در زندان

بودند می خواستم بپرسم. ایشان خیلی ذکر خیر از دوره زندانشان که با شما بوده می کنند.

پاسخ: بله مرحوم محمد هم همیشه با آنان بحث می کرد، آنها افسران کمونیست بودند و ما با آنها سلام علیک داشتیم؛ حتی یک روزی که ما از بند سه به بند چهار زندان قصر آمده بودیم می خواستند از ما پذیرایی کنند، خودشان به ما گفتند ما حسین توسکی را که مسلمان است می گوییم غذا بپزد تا برای شما اشکال نداشته باشد.

* برای اولین بار کجا در زندان آقای عمویی را دیدید، و خاطراتی اگر با ایشان دارید بازگو کنید. ایشان در خاطراتشان خیلی از شما تعریف و تمجید می کنند، از جمله می گویند که حضرت آیت الله منتظری جزء معدود کسانی بودند که بعد از انقلاب به طور واقعی توسط نمایندگانشان به زندانها سرکشی می کردند و نگران احوال زندانیان بودند و اوج این مسأله هم دقیقاً در همان سال ۶۷ بود که ایشان تنها کسی بودند که راجع به آن اتفاق و فاجعه ملی موضع گیری کردند. من می خواهم اگر خاطراتی دارید به طور خلاصه بیان کنید.

پاسخ: عرض کردم در زندان قصر ایشان به اصطلاح جزء کمون ما نبود و جزء کمون کمونیست ها بود، و من، آقای علی بابایی و دکتر شیبانی و جمعی دیگر تیپ مذهبی ها بودیم؛ من از همان اول عقیده ام این بود که با افراد باید برخورد خوبی داشته باشیم. اخلاقاً با آقایان رفت و آمد می کردیم و صحبت می کردیم ولی آنها برای خودشان بودند ما هم برای خودمان. به هر حال یک عده از افسران بودند، رئیس شان آن وقتی که ما بودیم آقای محمدتقی کی منش بود بعد آقای حجری، آقای شلتوکی و همین آقای محمد علی عمویی و دیگران بودند.

* بعد از انقلاب یعنی سال ۶۱ دوباره ایشان (آقای عمویی) بازداشت می شوند و در خاطراتشان یادآوری می کنند که هیئت های متعددی از طرف شما به زندانها سرکشی می کردند و مخصوصاً شما توسط یکی از افراد که نماینده شما در زندانها بودند جویای احوال ایشان بودید، اگر ممکن است راجع به خاطرات آن دوران و راجع به اتفاقات سال ۶۷ بگویید.

[اعزام نماینده به زندانها و جلوگیری از اعدام ۶ هزار زندانی]

پاسخ: یکی از کارهایی که من در آن سالها انجام دادم این بود که نماینده‌هایی را به زندانها می‌فرستادم به این منظور که ظلم به افراد نشود و یا حقی پایمال نگردد. یادم هست آقای محمدی گیلانی یک روز می‌گفت: وقتی که شما دادگاه عالی را در قم درست کردید و گفتید که هر چه اعدامی هست باید پرونده آنها به قم بیاید، به من که قاضی القضاات اوین بودم خیلی برخورد، گفتم پرونده‌ای که زیر دست من بوده حالا برود قم زیر دست شاگردانم و آنها روی آن نظر بدهند؟ اول من ناراحت شدم اما حالا می‌فهمم که حق با شما بوده است. برای اینکه حداقل شش هزار نفر از افرادی که اعدامی بودند و شما به وسیله دادگاه عالی جلوی اعدامشان را گرفتید حالا ما آنها را آزاد کردیم و به هیچ جای کشور هم لطمه نمی‌خورد. من افرادی را که نمایندگان من بودند می‌فرستادم که در زندان بررسی می‌کردند و حتی از زندانیان نامه می‌آوردند.

[کمک مالی به خانواده زندانیان بدون اعتنا به عقیده و اتهام آنها]

تا اندازه‌ای که می‌توانستم از حقوق آنها دفاع می‌کردم و حتی گاهی اوقات به افراد زندانی یا خانواده آنان کمک مالی هم می‌کردم. در رژیم گذشته هم من به خانواده زندانیان رسیدگی می‌کردم، یادم هست از غندی در بازجویی‌ها به من می‌گفت: شما به زندانی‌ها کمک کردید، گفتم: مگر خلاف شرع کردم؟ زندانی هم یک بشر است؛ شما زندانش کردید به جای خود، اما او خودش خرج دارد زن و بچه‌اش خرج دارند حالا خرج خودش را شما می‌دهید زن و بچه‌اش هم خرج دارند من وجدانم حکم می‌کند که به زن و بچه‌اش کمک کنم. از همان زمان از غندی این را جزء جرمهای من گرفته بود.

* نکته مهمی که من می‌خواستم در سؤالم بیاورم این است که شما - چنانچه من بخشی از آن را لاقفل در این سالها شاهد بودم - آدمها را صرف نظر از اینکه چه عقیده و فکری دارند کمک می‌کنید!

پاسخ: مهم اینکه هرکسی با هر عقیده‌ای، یک «انسان» است. امیرالمؤمنین علیه السلام در نامه ۵۳ نهج البلاغه به مالک اشتر می‌نویسد: با مردم با انصاف رفتار کن. «فإنهم صنفان: إما أخ لك في الدين أو نظير لك في الخلق»: چون یا برادر دینی توست و یا یک انسانی مثل تو است. یعنی ولو کافر است ولی انسان است. با انصاف با آنها رفتار کن. من افرادی را که می‌گفتند وضع زن و بچه‌شان خوب نیست به هر جور بود به قدر توان کمک می‌کردم. مثلاً مرحوم آیت‌الله خمینی ترکیه بودند بعد هم نجف بودند من هم یک وقتی وضعم خوب نبود اما حتی شهریه خودم را که می‌گرفتم می‌دیدم یک نفر زندانی است به زن و بچه‌اش کمک می‌کردم، می‌گفتم توکل بر خدا، خدا بعد برای ما می‌رساند، و وظیفه‌ام را انجام می‌دادم.

[اعدام‌های سال ۶۷]

* عذر می‌خواهم فقط یک توضیح مختصر در مورد موضع‌گیریهاتان در رابطه با اعدام‌های

سال ۶۷ بفرمایید.

پاسخ: این موضوع در کتاب خاطرات این جانب پیوست ۱۵۲ جلد ۱ ص ۶۲۴ به بعد به نحو تفصیل مذکور است. اما به طور اختصار می‌گویم که مرحوم امام نامه راجع به اعدام زندانیان را روز پنج‌شنبه نوشته بودند، روز شنبه این نامه به وسیله یکی از قضات به دست من در قم رسید و ایشان گفت حالا ما با این نامه چه کنیم؟ من هم با آقایان سیدهادی هاشمی و قاضی خرم‌آبادی صحبت کردم، آنان گفتند امام ناراحت می‌شود چیزی نمی‌خواهد بنویسید و رفتند خانه‌شان. بالاخره من دیدم وجدانم ناراحت است، با قرآن کریم استخاره کردم برای امام نامه بفرستم، این آیه آمد: ﴿وهدوا إلى الطيب من القول وهدوا إلى صراط الحميد﴾ من یک نامه به امام نوشتم و یک نسخه از آن را هم به شورای عالی قضایی فرستادم برای اینکه آنها را مسئول می‌دانستم، که اعدام اینها درست نیست، و بعد از آن هم نامه دیگری به امام نوشتم، بعد هم صحبت‌هایی با آقای پورمحمدی و دادستان و قاضی و آقای رئیسی کردم که اینها در خاطرات هست.

[سکوت به طمع رهبری جایز نبود]

✽ بعضی‌ها می‌گویند اگر شما این کار را نکرده بودید آن حساسیت‌ها به وجود نمی‌آمد و شما بعد از امام زمام رهبری را در دست می‌گرفتید.

پاسخ: من هیچ وقت دنبال اینکه بخواهم رهبر شوم نبودم. آنچه وظیفه‌ام بود انجام می‌دادم. معنی حرف آن بعضی این است که: من بگذارم مردم را بکشند! خلاف شرع انجام شود، برای اینکه بعد می‌خواهم رهبر شوم؟! اصلاً و ابداً وجدانم به چنین امری راضی نمی‌شد، خدا را شاکرم، الآن آرامش و سکون دارم، وجدانم هم راحت است چون آنچه را وظیفه خود می‌دانستم انجام دادم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

۱۳۸۶/۶/۱۲

دفتر حضرت آیت‌الله العظمی منتظری

گزارش برگزاری نماز عید سعید فطر

۱۳۸۶/۷/۲۱

﴿ بسمه تعالی ﴾

پس از یک ماه بندگی و خضوع در برابر خالق هستی در پرتو پرهیز از چرب و شیرین طعام، عید عاشقان فرارسید و سروشیان آسمان بر زمینیان غبطه خوردند که آنان چگونه نفس اماره را با ریسمان عقل و ایمان به زنجیر کشیدند و نظاره گر قدسیان صفتانی بودند که شانه به شانه مراسم نیایش به درگاه «اهل الکبریاء والعظمة» را شکر گزاردند.

همزمان با این عید بزرگ مسلمین، دفتر حضرت آیت الله العظمی منتظری پذیرای تعداد کثیری از مؤمنانی بود که از راههای دور و نزدیک جهت اقامه نماز و شکرگزاری به درگاه حق و تبریک به فقیه عالیقدر به قم آمده بودند. به دلیل اشغال حسینیه شهدا، از آغاز حصر معظم له (آبان ۱۳۷۶) تا به حال، و در مضیقه بودن مکان جهت برگزاری نماز عید، علاقه مندان از ساعت ها قبل صفوف نماز را تشکیل داده بودند؛ به گونه ای که تا یک ساعت قبل از حضور معظم له مکان مذکور مملو از جمعیت شده بود، و پس از حضور فقیه عالیقدر جهت اقامه نماز، بسیاری از شرکت کنندگان در کوچه منتهی به دفتر به اقامه نماز پرداختند.

آیت الله العظمی منتظری پس از اقامه نماز طی خطبه های نماز ضمن عرض تبریک و تهنیت حلول ماه شوال و عید سعید فطر، حاضران را به تقوا، پرهیز و دوری از گناه و معصیت سفارش، و فلسفه اصلی روزه را براساس آیات قرآن تقوا و پایداری در مقابل معاصی ذکر، و توبه اصلی را جبران حق الناس و حق الله دانستند.

ایشان ضمن اشاره به خطبه‌ای از حضرت علی علیه السلام، مرگ را یکی از مهم‌ترین موانع عصیان خداوند برشمردند، و ضمن قرائت آیه‌ای از قرآن کریم به اعتراف شیطان در اغوای انسانها با استفاده از راهها و طرق متفاوت اشاره کردند.

در پایان معظم‌له ضمن قرائت سوره «والعصر» مردم را به صبر و پایداری در برابر ناملایمات در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و ... سفارش کردند.

لازم به ذکر است قبل از برگزاری مراسم نماز عید حجة الاسلام والمسلمین محمدعلی کوشا از فضایی حوزه علمیه و عضو مجمع محققین و مدرسین قم ضمن سخنانی با ذکر فرازهایی از یکی از خطبه‌های نهج البلاغه، عید واقعی را دوری انسان از گناه دانست. وی با اشاره به کثرت جمعیت و کمبود جا برای برگزاری مراسم مختلف مذهبی و درس، گفت: «در حکومت دینی و نظامی که روحانیت در رأس آن حاکم است چرا باید حسینیه‌ای که به نام شهدا و محل برگزاری مراسم مذهبی است بیش از ۹ سال درب آن بسته باشد و مردم اینگونه در تنگنا قرار داشته باشند؟!» وی از خداوند برای بازگشایی این مکان و حصول فرج دعا کرد.

همچنین در این مراسم علاوه بر ائمه‌العلماء مختلف مردم آقایان: عبدالله نوری، محسن کدیور، عیسی سحرخیز، علیرضا علوی تبار، سید محمد علی ایازی، ابوالفضل موسویان، حسن متقی، حسین مجاهد، و جمعی از فعالان جنبش دانشجویی و ... ضمن شرکت در مراسم نماز با معظم‌له دیدار و گفتگو کردند. در این دیدار فقیه عالیقدر ضمن پرسش از وضعیت حجة الاسلام والمسلمین هادی قابل که در اولین روز ماه مبارک رمضان توسط دادگاه ویژه روحانیت قم بازداشت شده است، از ادامه بازداشت وی به اتهامات سیاسی اظهار نگرانی کرده و این گونه بازداشت‌ها را با ادعای مسئولان مبنی بر «وجود آزادی کم‌نظیر بیان در ایران» در تعارض دانستند.

۱۳۸۶/۷/۲۱

دفتر حضرت آیت‌الله العظمی منتظری

دیدار اعضای شورای مرکزی ادوار تحکیم وحدت

۱۳۸۶/۸/۱۱

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

[انتقاد از بازداشت دانشجویان]

اعضای شورای مرکزی ادوار تحکیم وحدت روز جمعه ۱۳۸۶/۸/۱۱ در قم با حضرت آیت الله العظمی منتظری دیدار و گفتگو کردند. این دیدار در پی محکومیت تعدادی از دانشجویان و اعتراض دانشجویی به این گونه احکام صادره صورت گرفت. معظم له ضمن تشکر از صبر و استقامت دانشجویان با اظهار تأسف شدید از برخوردهای تند و خشن با منتقدان به ویژه فرهیختگان و دانشجویان، این گونه احکام را غیر شرعی، غیر قانونی و غیر عاقلانه دانسته فرمودند:

در روایات ما رسیده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله متهم به قتل را فقط تا شش روز بازداشت می کردند، اگر شاکیان و مدعیان قتل دلیل و شاهد کافی برای اتهام زده شده می آوردند مورد بررسی قرار می دادند و الا متهم را آزاد می کردند. آنچه ما در این عمرمان از سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام به دست آورده ایم این است که این بزرگان برای آزادی و حق مردم ارزش قائل بودند. افرادی را که به اتهامات واهی در پی پرونده سازی های معمول بازداشت می کنند اکثرشان را می شناسم؛ آنان افرادی متدین و معتقد به ارزش ها هستند. از اتهام ضدیت با انقلاب و کشور هم کاملاً مبرا می باشند. آنها فقط از عقل و شعور خود استفاده کرده و انتقاد می کنند.

[انتقاد به بازداشت آقایان قابل و باقی]

ایشان ضمن اشاره به بازداشت حجة الاسلام والمسلمین هادی قابل و آقای عمادالدین باقی گفتند: این آقایان را با پرونده‌سازی‌های واهی و اتهامات ساختگی با احکام سنگین روبرو و روانه زندان کرده‌اند. همین آقای باقی که در زندان است مگر چه فعالیتی انجام می‌داد جز حمایت از حقوق زندانیان و خانواده‌های آنان؟! تلاش بی‌مزد آقای باقی این بود که اگر خانواده‌ای نان‌آورش در زندان است کمتر سختی بکشد و زندانی بتواند از حقوق خودش آگاه باشد و استفاده نماید. برایش فرقی هم نمی‌کرد زندانی سیاسی باشد یا غیرسیاسی. آیا این چنین افرادی را باید زندان کرد یا بر اساس تدبیر و عقلانیت باید جایزه داد؟ آیا فعالیت‌های امثال ایشان و دیگرانی که معتقدند و فعالیت‌های حقوق بشری می‌کنند باعث نمی‌شود که فشارها بر روی کشور ما از این لحاظ کمتر باشد؟!]

[در رژیم شاه هم دانشجویان را ستاره‌دار نمی‌کردند]

برخوردهایی هم که با دانشجویان می‌شود بدون دلیل شرعی و قانونی است به ویژه اینکه آنها را ستاره‌دار می‌کنند^(۱) و حتی از حق طبیعی تحصیل محروم می‌نمایند. همین احمد ما با اینکه من زندانی و از مخالفان سرسخت شاه بودم و شهید محمد هم فراری بود، با این حال از سوی وزارت فرهنگ و یا ساواک از تحصیل محروم نشد و توانست در دانشگاه پلی‌تکنیک مدرک مهندسی‌اش را بگیرد.

۱- منظور از دانشجویان ستاره‌دار کسانی بودند که پس از انتشار لیست قبول شدگان، اسامی آنها با ستاره‌هایی مشخص می‌شد و وقتی برای ثبت‌نام مراجعه می‌کردند معلوم می‌شد با وجود احراز صلاحیت علمی و قبولی در آزمون، از حق تحصیل به دلیل داشتن فعالیت سیاسی در انجمن‌های اسلامی یا انتساب به خانواده متقصدان یا محکومان سیاسی محروم شده بودند و تنها معدودی از آنها سابقه بازداشت‌های کوتاه مدت داشتند.

[تشدید فشارها بی رابطه با انتخابات ریاست جمهوری دهم نیست]

ایشان ضمن اشاره به نزدیکی فصل انتخابات آینده، این گونه فشارها را بی ارتباط با برگزاری انتخابات ندانسته فرمودند:

فشارها روزه روزه افزایش می یابد تا شرایطی فراهم شود و همراه با نظارت استصوابی یک انتخابات ظاهری که نتیجه آن از قبل مشخص شده برگزار گردد. ایشان ادامه دادند: آقایان قضاتی که به راحتی برای منتقدان و دانشجویان حکم صادر می کنند بدانند احکام آنها غیرشرعی و غیرقانونی است.

[انکار توهین به مقدسات مسموع است]

قبلاً هم درباره دانشجویانی که احکام سنگینی برای آنها صادر شده از من سؤال شد من هم نوشتم: حرف آنها - که می گویند توهین به مقدسات نکرده اند - مسموع است و حکمی علیه آنها نمی توان صادر کرد.

آقایان قضات که چنین احکامی را صادر می کنند آیا مفهوم زندان را می فهمند و درک می کنند؟ مدتی خودتان به زندان به ویژه انفرادی بروید تا درک کنید زندان یعنی چه! من خودم بیش از پنج سال در رژیم گذشته زندان بودم و سه سال تبعید؛ و در این رژیم هم بیش از پنج سال در حصر غیرقانونی؛ به خوبی درد زندان و زندانی را لمس می کنم.

[فقر روزافزون برای ملتی ثروتمند]

فقیه عالیقدر ضمن اشاره به مشکلات فزاینده اقتصادی و معیشتی مردم گفتند: با اینکه نفت بیش از نود دلار شده و معادن و پول این نفت مال مردم است و باید برای رفع مشکلاتشان هزینه شود، با این حال وضعیت تورم بر اثر بی درایتی روزه روزه بدتر می شود و بر اثر برخی شعارها فقر و مشکلات افزایش پیدا کرده است. اخباری

که به ما می‌رسد واقعاً ناراحت کننده است. در خبرها می‌خواندم که پدری به واسطه فقر، دختر نوجوانش را به دویست هزار تومان فروخته است؛ تازه خریداران چهل هزار تومان بیشتر به او نداده‌اند!

[تهدیدهای خارجی و اغوای مردم]

تهدیدها و فشارهای خارجی به کشور از دیگر محورهای سخنان ایشان بود که فرمودند:

من بی‌اطلاع و بی‌خبر از اخبار روز نیستم. توجه به برخی گزارشات باید جدی باشد. آقایان بیش از حد اوضاع را طبیعی جلوه می‌دهند و فکر می‌کنند اگر جنگی دربگیرد آب از آب تکان نمی‌خورد؛ ولی باید بدانید این مردم دیگر مردم گذشته نیستند که داوطلبانه روی مین می‌رفتند. اگر در فکر گذشته‌اید اشتباه می‌کنید. درست است که روزی می‌گفتند: «آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند» اما اگر بی‌تدبیری کرد و حتی به نقاطی خاص نیز حمله کرد خسارت آن را مردم متحمل می‌شوند؛ مردمی که دیگر مردم گذشته نیستند.

[زمینه جنگ را از بین ببرید]

بنابراین نباید بگذاریم حتی زمینه جنگ و حمله هم فراهم شود. باید با مذاکره مستقیم مشکلات را حل کرد. من یادم هست که آمریکایی‌ها در عین جنگ در ویتنام، در پاریس با ویت‌کنگ‌ها در حال مذاکره بودند. از نظر داخلی هم مردم را «آدم» حساب کنید، آنها را «محرم» بدانید. حال که بحران خارجی هست نخواهید با ایجاد بحران داخلی، کشور را مطابق میل خود اداره کنید.

[منتقدان سکوت نکنند]

افرادی هم که انتقاد به وضع موجود دارند سکوت نکنند، اما به گونه‌ای باید انتقاد

کرد که هزینه کمتری داشته باشد و نیروها حفظ شوند. امر به معروف و نهی از منکر واجب است و از مصادیق کامل تر آن درباره حاکمان است که اگر این واجب اجتماعی سیاسی ترک شود بر اساس وصیت امام علی علیه السلام به امام حسن و امام حسین علیهما السلام، «بدها» و «اشرار» بر مردم مسلط می شوند.

[توصیه به صبر و استقامت و تحصیل علم برای دانشجویان]

در پایان آیت الله العظمی منتظری ضمن تقدیر و تشکر از فعالیت های دانشجویان و فعالان سیاسی با قرائت سوره «والعصر» آنها را به صبر و استقامت سفارش کرده، و تحصیل علم را همراه با این گونه فعالیتها توصیه کردند، و از دانشجویان خواستند برای آینده کشور و اداره آن از علم اندوزی بازمانند و گرنه بی دردها، فرصت طلبها و خشک مغزها آینده کشور را قبضه خواهند کرد.

۱۳۸۶/۸/۱۱

دفتر حضرت آیت الله العظمی منتظری

«۴۶»

پاسخ به پرسش‌های سایت خبری «روز آنلاین»

۱۳۸۶/۸/۲۳

۱- ده سال پیش در چنین روزهایی جنابعالی از سوی شورای عالی امنیت ملی ایران، در حصر قرار گرفتید. به نظر شما علت اصلی عصبانیت این شورا و مجموعه حاکمیت از شما چه بود؟

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

با سلام و تحیت

[انگیزه سخنرانی ۱۳ رجب]

علت اصلی عصبانیت حاکمیت از سخنرانی اینجانب - که جز نصیحت و خیرخواهی و نقد منطقی نبود - را باید از خود آنان سؤال نمائید. من در این سخنرانی هیچ هدف و نظری جز تذکر و دفاع از حریم مرجعیت نداشتم. حالا اگر حاکمیت تلقی دیگری کرده و دست به کارهای زشت و خلاف شرع و قانون زد، مربوط به من نمی‌باشد؛ خود حاکمیت باید پاسخگو باشد.

۲- آیا اکنون که حصر شما برطرف شده است، جنابعالی به عنوان یک مرجع تقلید در بیان اعتقادات خود کاملاً آزاد هستید؟

۳- آیا جنابعالی از همان آزادیهایی که سایر مراجع تقلید برخوردار هستند، برخوردار هستید؟ اینجانب گهگاهی در مصاحبه‌ها و دیدارها تذکراتی به مسئولین کشور می‌دهم،

ولی نشریات از درج آنها ممنوع شده‌اند؛ و چنانچه یک نشریه‌ای برخلاف منع و نهی آقایان کلمه‌ای از من را منتشر نماید مورد تعقیب و مؤاخذه قرار می‌گیرد.

۴- زمانی که شما در حصر قرار گرفتید، دولت آقای خاتمی با شعار اصلاحات روی کار آمده بود اما امروز مجموعه حاکمیت به صورت یکپارچه در اختیار محافظه‌کاران قرار گرفته است. آیا به نظر شما دوران اصلاحات، نتایج ملموسی در زمینه آزادی بیان و تحقق اهداف خود داشته است؟

[در دوره اصلاحات کوتاهی شد]

متأسفانه از فرصتی که شما به آن اشاره کردید خوب استفاده نشد در صورتی که امکان داشت استفاده‌های بیشتری از آن بشود. و در هر حال معنای اصلاحات واقعی و به دور از شعار آن است که اهداف و ارزشهای منظور در اصل انقلاب که احیاناً بخاطر مرور زمان یا عوامل دیگر رو به فراموشی و غفلت یا تحریف قرار گرفته است مجدداً احیا گردد و مورد عمل حاکمیت قرار گیرد. طبیعی است وقتی یک نظام در کوران حوادث و فراز و نشیب هائی قرار می‌گیرد چه بسا در اثر عوامل مختلفی دچار انحرافات بشود که نیاز به اصلاحات جدی خواهد داشت. در چنین شرایطی وظیفه اقشار و افراد صاحب نظر و خیرخواه که مقبولیت مردمی نیز دارند این است که از تذکرات و انتقادات منطقی و سازنده و نیز از ارائه طرحهای مفید و در جهت اصلاح ساختار نظام کوتاهی نکنند. تذکرات و انتقادات اینجانب نیز چه در گذشته و چه در حال بر همین اساس بوده است.

[موانع اصلاح طلبی در ایران]

۵- به نظر شما موانع اصلاح طلبی در ایران چیست؟

آنچه می‌تواند مانع اصلاح یک نظام مشروع و مردمی شود منافع مادی یا سیاسی قشری است که اصلاحات را مانع و سدّ راه خود می‌بیند. البته کسی که مدعی

اصلاح‌طلبی است نیز باید در درجه اول فکر و عمل او مطابق با اسلام و اهداف انقلاب باشد، وگرنه نمی‌تواند منشأ تحول و اصلاح امور قرار گیرد.

[نظارت استصوابی برخلاف قانون اساسی است]

۶- در آستانه انتخابات مجلس هشتم قرار داریم. آیا رویه فعلی در بررسی صلاحیت‌ها را مطابق اهداف نویسندگان قانون اساسی و یا حتی موافق شرع می‌دانید یا خیر؟

امیدوارم در بررسی صلاحیت‌ها اغراض سیاسی و گروهی دخالت نداشته باشد تا مردم اعتماد بیشتری پیدا نمایند و بتوانند نمایندگان مورد نظر خود را انتخاب کنند. چون در رژیم سابق مقامات بالا در انتخاب نمایندگان مجلس دخالت می‌کردند و کسانی را تحمیل می‌کردند در مجلس خبرگان قانون اساسی برای جلوگیری از این امر نظارت شورای نگهبان تصویب شد، ولی متأسفانه آقایان نظارت را به نظارت استصوابی تفسیر کردند و خود شورای نگهبان در تعیین صلاحیت کاندیداها دخالت می‌کند و در حقیقت انتخابات دو مرحله‌ای شده است و این امر برخلاف نظر خبرگان قانون اساسی و نقض غرض آنان می‌باشد.

[دروغگویی مسئولان به مردم در هیچ شرایطی جایز نیست]

۷- در طول سالهای اخیر رسم شده است که برخی از سران جناح حاکم با بهانه تأمین مصلحت، دروغهای زیادی به مردم می‌گویند که در رسانه ملی نیز انتشار پیدا می‌کند. آیا دروغگویی به ملت تحت عنوان مصلحت جایز است؟

دروغ گفتن به مردم آن هم در اموری که به مردم و مصالح آنان مرتبط است در هیچ شرایطی جایز نیست. و متأسفانه چنین احساسی در بسیاری از مردم ما نسبت به حداقل بخشی از حاکمیت به وجود آمده است که تداوم آن برای نظام خطرناک می‌باشد و موجب زیاد شدن فاصله مردم با نظام و بی‌اعتقادی کامل آنان خواهد شد.

[نباید با شعارهای تحریک‌آمیز زمینه جنگ را درست کرد]

۸- برخی از کارشناسان معتقدند که هم اکنون افکار عمومی جهان برای جنگ با ایران آماده شده است و از چنین جنگی حمایت می‌کند. شما چه توصیه‌ای به مسئولان کشورمان دارید؟

اینجانب در چندین مصاحبه متذکر شده‌ام که نباید مسئولین مربوطه با طرح شعارهای تحریک‌آمیز سوژه به دست دشمنان بدهند و زمینه جنگ جدیدی را علیه ملت و کشورمان به وجود آورند. این گونه شعارها اثری جز ایجاد بحران و حساس نمودن کشورهای مختلف و فاصله گرفتن آنها از ما و تشدید تحریم‌های اقتصادی برای کشور ما ندارد، و این همان چیزی است که اسرائیل درصدد آن می‌باشد.

۹- در شرایطی که سخنرانی‌های آتشین و مواضع تند برخی مدیران دولت سبب شده است که کشور در معرض تهاجم نظامی و فشار اقتصادی قرار گیرد، به نظر شما نخبگان، روشنفکران و دانشگاهیان چه اقدامی برای جلوگیری از وقوع رخدادهای تلخ می‌توانند انجام دهند؟

نخبگان، روشنفکران و تمام اقشار وظیفه دارند خطر این سخنرانی‌های آتشین و مواضع تند بعضی مدیران را به شکل منطقی و مستدل به اطلاع آنان برسانند، تا بلکه ان‌شاءالله از وقوع رخدادهای تلخ برای کشور و ملت جلوگیری شود.

[انتخابات آزاد]

۱۰- حاکمیت شرکت در انتخابات تحت هر شرایطی را یک تکلیف شرعی می‌خواند. شما چه نظری در این باره دارید؟ آیا اگر انتخاباتی آزاد نبود و مردم احساس کردند که در بررسی صلاحیت یکجانبه و خلاف عمل شده است، آیا باز هم مردم موظف به شرکت در انتخابات هستند و یا تکلیف دیگری دارند؟

دخالت در سرنوشت خود یک وظیفه شرعی و عقلی است به نحوی که هرکسی به نحو آزاد و آگاهانه بتواند در سرنوشت خود و امور مربوط به کشور خود دخالت

نماید؛ و این وظیفه هیچ‌گاه ساقط نمی‌شود. حال اگر موانعی بر سر راه عمل به این وظیفه وجود داشته باشد تکلیف اصلی ساقط نمی‌شود، بلکه باید به نحو معقول و منطقی و با مراعات شرایط امر به معروف و نهی از منکر زمینه رفع موانع موجود را به وجود آورد تا هرکسی بتواند آزادانه و آگاهانه با شرکت در انتخابات، سرنوشت خود را معین نماید. و متصدیان انتخابات نیز توجه داشته باشند اگر با تنگ‌نظری و انحصارطلبی همچون بیشتر انتخابات گذشته عمل نمایند، بیشترین ضربه را به مشروعیت نظام وارد می‌سازند و پشتوانه مردمی آن را ضعیف و طبعاً فاصله نظام را با مردم بیشتر می‌کنند.

ان شاء الله موفق باشید.

والسلام علیکم ورحمة الله.

۱۳۸۶/۸/۲۳

حسینعلی منتظری

گزارش دیدار مجمع زنان اصلاح طلب

۱۳۸۶/۱۰/۶

اشاره:

مجمع زنان اصلاح طلب در آستانه عید غدیر خم در قم با حضرت آیت الله العظمی منتظری دیدار کردند.

در آغاز این دیدار خانم دکتر زهرا شجاعی به نمایندگی از مجمع طی سخنانی به فعالیت زنان ایران اسلامی در عرصه های سیاسی، اجتماعی و مدیریتی اشاره کرد. وی ضمن اشاره به انتخابات پیش رو و بیان دغدغه خاطر بانوان در این رابطه خواستار رهنمود از سوی فقیه عالیقدر شد. پس از آن حضرت آیت الله العظمی منتظری در چند محور به ایراد سخن پرداختند.

سخنان خانم دکتر زهرا شجاعی:

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

ضمن تقدیر و تشکر از حضرت تعالی و تبریک عید غدیر خم و آرزوی سلامتی برای جنابعالی، جمع حاضر ترکیبی است از زنان اصلاح طلب که در عرصه های مختلف سیاسی و اجتماعی اعم از نمایندگی مجلس، معاونت رئیس جمهوری و دیگر عرصه ها بوده و فعال هستند. خوشحالیم که به برکت انقلاب اسلامی زمینه حضور زنان در حوزه های علمی، سیاسی و اجتماعی فراهم شده است. در قیل از انقلاب تنها ۲۵ درصد زنان ما باسواد بودند که در حال حاضر ۸۱ درصد آنها از نعمت سواد برخوردارند. حضور در دانشگاهها ضد ارزش بود ولی در حال حاضر ۶۴ درصد ورودی دانشگاهها را دختران تشکیل می دهند. در این زمینه در سالهای گذشته محدودیتی نبود ولی متأسفانه در سال گذشته طرحی با عنوان سهمیه بندی جنسیتی تصویب شد که در برخی

رشته‌ها زنان محروم شدند و تنها ۴۰ درصد حق به آنها داده شد. به نظر ما این ظلم و بی‌عدالتی نسبت به آنهاست. در حوزه مدیریتی و سیاسی همچنان تفکر مردسالاری حاکم است و به آنها اجازه ورود به عرصه‌هایی این چنینی داده نمی‌شود. با اینکه زنان و دختران در مبارزات زمان انقلاب نقش مهمی داشتند. پس از انقلاب با شکل‌گیری مجلس خبرگان با تلاش زیاد تنها یک خانم توانست به این مجلس راه یابد. و در مجالس بعدی تا به حال از وجود آنها استفاده نشده است.

در مجلس شورای اسلامی هم در دوره اول ۴ خانم و سپس ۷ و در حال حاضر ۱۳ خانم در مجلس حضور دارند. این در حالی است که در مجلس زمان طاغوت - آخرین مجلس - ۲۰ زن حضور داشتند. در مجلس فعلی درصد حضور زنان ۴/۴ درصد است حال آن‌که میزان حضور زنان در مجالس دنیا اعم از آمریکا، اروپا، آفریقا و حتی کشورهای همسایه ۱۵ درصد است. حال آن‌که زنان ما همراه با سلامت اخلاقی و تلاش در مشارکت امر خانواده و تربیت فرزند دوشادوش همسران خود؛ از توانمندی‌های بسیاری برخوردارند و پس از انقلاب توانستند با طرح مدلی جدید وارد عرصه‌ها شوند. ولی متأسفانه در انتخابات مختلف رد صلاحیت از این قشر مهم جامعه بسیار است به گونه‌ای که حیثیت و آبروی آنها با رد صلاحیت مورد خدشه واقع شده است. اگر انتخابات آینده هم این‌گونه باشد حتماً بر مشروعیت و مقبولیت تأثیر خواهد گذاشت و ما از این جهت بیش از همه نگران اصل نظام هستیم تا حقوق زنان. ما در تلاش هستیم که با رایزنی با احزاب و گروه‌های ذی نفوذ به این مهم توجه شده و زمینه برای مشارکت حداکثری زنان فراهم شود. متأسفانه در مجلس فعلی طرح‌هایی به تصویب رسیده است که ناشی از حضور کم‌رنگ خانم‌هاست که با عدم شناخت و دفاع از سوی زنان صورت گرفته است. امیدوارم با رفع برخی ابهامات و با تلاش و نفوذ امثال حضرتعالی مسائل حل شود و خانم‌ها بتوانند با حضور بیشتر در لیست کاندیداها زمینه حضور بیشتر را فراهم کنند.

پس از پایان سخنان خانم شجاعی یکی دیگر از بانوان حاضر خواستار آن شد که با توجه به اینکه حکومت ما بر اساس فقه شکل گرفته است و قوانین از مباحث فقهی بیرون کشیده می‌شود؛ جنابعالی و دفتر شما بر روی قوانین موضوعه در حوزه زنان تحقیق کرده و شاهد پیشرفت درباره قوانین مثل ارث و دیه پیرامون زنان باشیم که بتواند در مجالس آینده مورد توجه و متمرکز باشد و براساس فتاوی جنابعالی قوانین در رابطه با حقوق زنان شکل گیرد.

پس از اظهار نظر حاضرین، فقیه عالیقدر فرمودند:

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

من هم به نوبه خود فرارسیدن عید بزرگ و سعید غدیر خم را به شما زنان که احساس وظیفه کرده‌اید و نسبت به مسائل کشور و انقلاب حساس بوده و بی تفاوت نیستید تبریک می‌گویم. من در اینجا به چند نکته مهم اشاره می‌کنم:

[عمومیت امر به معروف و نهی از منکر]

نکته اول اینکه: همان‌گونه که می‌دانید امر به معروف و نهی از منکر یک واجب شرعی است که از نص صریح قرآن استفاده می‌شود. من بارها عرض کرده‌ام هنگامی که در باب واجبات در قرآن خطابی آمده است خطاب به مردان است. مثلاً می‌فرماید: ﴿اقیموا الصلاة﴾ یا ﴿اتوا الزکاة﴾ و موارد دیگر که می‌گوییم از باب اشتراک در تکلیف شامل زنان هم می‌شود. اما درباره امر به معروف و نهی از منکر در سوره توبه هم مردان و هم زنان هر کدام را جداگانه ذکر کرده است و می‌فرماید: ﴿والمؤمنون والمؤمنات بعضهم اولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر﴾. در بدو امر خداوند به دلیل اینکه کسی اشکال نکند که شما چه کاره‌اید که در امور ما دخالت می‌کنید مؤمنان - اعم از زن و مرد را - ولی یکدیگر قرار داده است. ولایت در این جا به معنی دوستی نیست بلکه یک نحو ولایتی، خدا که ولی و خالق همگی است به امر و ناهی داده است. البته این ولایت به قول فلاسفه مقول به تشکیک است یعنی نوعی و حصه‌ای از ولایت. پس هر یک طبق این آیه درباره امر به معروف و نهی از منکر نسبت به یکدیگر صاحب اختیارند و اجازه تصرف دارند.

مطلب دیگر اینکه امر به معروف و نهی از منکر با عمومیت آن درباره مردان و زنان، مربوط به مسایل جزئی فقط نیست که مثلاً یک خانمی چندتا مویش بیرون آمده به او تذکر داده شود. بلکه شامل تمام مسائل اجتماعی و سیاسی جامعه است.

[ترک انتقاد بستر تسلط اشرار]

چنانچه از تعلیل حضرت امیر علیه السلام در وصیت پایان عمرشان به دست می آید آنجا که می فرماید: «لا تتركوا الامر بالمعروف والنهي عن المنكر، فيؤتى عليكم شراركم ثم تدعون فلا يستجاب لكم»، یعنی اگر شما امر به معروف و نهی از منکر را ترک کردید طبعاً بدها و اشرار بر شما مسلط می شوند. آن وقت هر چه دعا کنید دعایتان مستجاب نمی شود. چون از راهش وارد نشدید، بی تفاوت نسبت به سرنوشت جامعه بودید و آن وقت نتیجه طبیعی آن تسلط اشرار بر جامعه خواهد بود. نتیجه اینکه این واجب شرعی عام است و مخصوص قشر خاص نیست و شما زنان گرامی هم وظیفه دارید اگر من آخوند پام را کج گذاشتم به من انتقاد کنید و تذکر دهید و اگر این وظیفه را انجام ندادید گناه کرده اید. و به ویژه درباره حاکمیت و مسئولان همگی وظیفه داریم که بی تفاوت نباشیم و در برابر اشکالات سکوت روا نیست.

نکته دوّم اینکه:

[شورای نگهبان نباید قیم مردم شود]

درباره انتخابات به صراحت می گویم متأسفانه انتخابات وضعیت خیلی بدی پیدا کرده است و گناه آن گردن آقایان شورای نگهبان است. چون شورای نگهبان خود را بر خلاف قانون قیم جامعه می دانند. اخیراً هم یکی از آقایان گفته اند: اصل بر برائت نیست. در مقام نقد این اظهار نظر استناد کردن به اصل ۳۷ قانون اساسی که مربوط به قضاوت است درست نیست. اما من به عنوان کسی که رئیس مجلس خبرگان قانون اساسی بودم، مرحوم شهید بهشتی هم نایب رئیس بودند، وظیفه دارم به آقایان تذکر بدهم که فلسفه وجودی تصویب اصل ۹۹ این نیست که آقایان آن را به استصوابی تفسیر کرده اند. در مجلس خبرگان قانون اساسی بحث شد که برای اینکه گذشته تکرار نشود و از دخالت حکومت در امر انتخابات جلوگیری شود، بنا شد گروهی از

افراد نخبه و خبره جامعه - که تشخیص داده شد شورای نگهبان که هم از مجتهدین می‌باشند و هم منصوب امام - بر این مهم نظارت داشته باشند.

من یادم هست مثلاً در شهر نجف آباد به مردم تحمیل شد که آقای محمود محمود باید نماینده شود. برای عدم تکرار این دخالت‌ها از سوی استاندار، فرماندار یا بخشدار اصل ۹۹ تأسیس شد تا آزادی انتخاب مردم تضمین شود. متأسفانه آقایان به گونه‌ای عمل می‌کنند که خود را صاحب اختیار مردم می‌دانند و به خود حق می‌دهند که بگویند در فلان شهر فلانی نباشد و فلانی باشد!! درست است که اگر خواسته شود کسی به عنوان فرماندار یا استاندار منصوب شود باید حتماً تحقیق نمایند که فرد صالحی باشد اما در امر انتخابات شورای نگهبان چنین حقی ندارد. و اصلاً در حیطه وظایف شورای نگهبان نیست تا بیاید و به اصل براءت تمسک نماید یا تمسک ننماید. اینکه در صلاحیت‌ها اصل بر براءت هست یا نیست جایی است که بحث صلاحیت‌ها کار و وظیفه شما باشد. حال آن که از اول و در قانون اساسی چنین وظیفه و کاری به شما محول نشده است. گزارشاتی می‌رسد که از همین الآن آقایان گفته‌اند فلانی و فلانی را نمی‌گذاریم پایشان به مجلس برسد. بحث صلاحیت‌ها هم طبق قانون مشخص شده و وزارت کشور باید به آن رسیدگی کند آن هم بدون اغراض و مطامع سیاسی.

عمل شورای نگهبان و نظارت استصوابی یعنی چند میلیون شهروند در فلان شهر یا استان عقل جمعی‌شان نمی‌رسد ولی ۶ نفر عقل منفصل مردم هستند و آنها نسبت به کاندیداها و توان آنان از مردم مطلع‌ترند!! عمل آقایان یعنی تشخیص جامعه هیچ و رأی و نظر چند نفر همه چیز! به ویژه اینکه آقایان از روی جهات سیاسی برخی اعمال نظرات را دارند. شماها تلاش کنید آقایان هم در شورای نگهبان تجدیدنظر کنند و زمینه انتخابات آزاد را برای حضور مردم فراهم کنند. در آغاز انقلاب شعار مردم این بود استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی.

نکته سوم اینکه:

[حکمت قانون ارث]

در سخنان برخی خانم‌ها بود که برخی قوانین و فتاوا برای حقوق زنان تغییر و اصلاح شود. اصل تحقیق و تتبع امر خوبی است و باید به آن اهتمام داشت اما در برخی موارد چون ارث نمی‌توان اجتهاد در مقابل نص صریح قرآن کرد. وانگهی در باب ارث، اینکه مردان دو برابر زنها ارث می‌برند حکمتی وجود دارد که به آن باید توجه داشت، برخی تبعیض‌ها روی حساب است و خلاف عدل نیست. معمولاً حدود سی سال یک بار ثروت عمومی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود، ثروت باید دست کسی باشد که مولد است و تولید می‌کند. در جوامع نوعاً مردها علاوه بر اینکه تولید کننده هستند، مخارجی چون مسکن، نفقه زن، خرج فرزندان، جهیزیه، مهریه به عهده آنهاست. زن‌ها معمولاً گرفتار حمل و زایمان و خانه‌داری و تربیت اولاد می‌باشند و کمتر می‌توانند خود را گرفتار تولید و تکثیر ثروت و کارهای سنگین نمایند. در قبال مولد بودن مرد و مخارجی که به عهده وی از سوی شرع گذاشته شده است دو سهم می‌برد و زن که مولد نیست و مخارج خانه و خانواده به عهده وی نیست یک سهم می‌برد. این یک سهم را خداوند از باب تفضل و مخارجی که مخصوص زن است قرار داده است. پس خداوند ظلمی در حق خانم‌ها نکرده است. این مطالب و مطالبی از این قبیل محل خود را می‌طلبند، و در این مختصر نمی‌توان تمام زوایای بحث را با توجه به تخصصی بودن آن و با عنایت به مبانی توضیح داد.

امیدوارم خداوند به شما در انجام وظایف خود توفیق و سلامت عنایت فرماید.

ان شاء الله موفق و مؤید باشید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

دفتر حضرت آیت‌الله العظمی منتظری

مصاحبه خبرنگار هفته‌نامه ایتالیایی «اسپرسو»

۱۳۸۶/۱۱/۴

* با تشکر از اینکه وقت خود را در اختیار ما گذاشتید، من چهار سال پیش در ایام انتخابات سفری به ایران وقم داشتم.
در حال حاضر هم بحث‌های انتخاباتی داغ است. و انتخابات با این شرایط «بلایی» برای مردم ما شده است.

[از وعده استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی فقط اسمش باقی مانده است]

* با توجه به اینکه مشکلات زیادی از جهت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی برای مردم حاصل شده با انتخابات چه چیزی باید عوض شود؟
شعارهای اولیه و اصیل انقلاب «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» بود. از برخی از این شعارها فقط اسمش باقی مانده است و از عمل به آن خبری نیست؛ از جمله آزادی و آزادی انتخابات.

[مفهوم انتخابات آزاد]

هنگامی می‌توان از آزادی آن هم در انتخابات سخن گفت که شرایط به گونه‌ای عادلانه و مناسب باشد که تمام اقشار و به‌ویژه نخبگان و افراد متخصص بتوانند وارد عرصه شوند نه اینکه افراد خاص با گرایش خاص فقط بتوانند خود را در معرض رأی مردم قرار دهند و بسیار کسانی که لیاقت دارند جرأت حضور نداشته باشند چون هراس دارند به آنها اتهام‌های واهی زده شود. ملاحظه می‌کنید که آقایان امسال را سال

اتحاد ملی نام گذاشته‌اند و کشور ما را آزادترین کشور دنیا می‌دانند ولی به گونه‌ای عمل کرده‌اند که قشر وسیعی ردّ صلاحیت شده‌اند تا جایی که برخی از نمایندگان فعلی مجلس هم از نظر آقایان صلاحیت ندارند. معلوم می‌شود آنها در نطق‌ها و سخنان خود مطابق میل آقایان حرف زده‌اند. انتخابات آزاد یعنی مردم انتخاب کننده باشند نه شورای نگهبان و قشر خاص و گرنه این دیگر اسمش «انتخابات» است نه «انتخابات»!

[صاحبان نفت و معادنی که فقیرند]

با این اوصاف چه انتظاری هست که مردم اوضاعشان عوض شود و کشوری که از نظر منابع زیرزمینی مثل گاز، نفت و معادن کشور فقیری نیست! مشکلات اقتصادی‌اش تغییر کند. مردم فقط شعارها را شنیدند بدون اینکه جهت رفع مشکلات آنها اقدام عملی شود و روز به روز تورم و گرانی سرسام‌آور مردم را با مشکل روبرو کرده است.

[مردم با بی تفاوت نبودن سرنوشت خود را به دست گیرند]

* ساختار قدرت در ایران به حدی «قوی» و «سخت» است که از این بابت مشکلات حادث شده است؛ از زمانی هم که آقای احمدی‌نژاد آمد معضلات افزوده شده است به نظر شما چگونه می‌توان اوضاع را عوض کرد؟

علت مشکلات، عمل نکردن به وعده‌های اجتماعی - اقتصادی است. در این جا تصمیم‌گیرنده اصلی برای مناسب شدن اوضاع، مردم هستند که بخواهند گشایشی ایجاد شود یا نشود؛ یعنی اگر مردم بی تفاوت نباشند و در مقابل اعمال حاکمیت - البته به طور مسالمت‌آمیز - عکس‌العمل نشان دهند و نظر خود را شفاف بیان نمایند حتماً در تصمیم‌گیری‌های مسئولین تأثیر خواهد داشت. چنانچه در قرآن کریم می‌خوانیم: ﴿ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم﴾.

[برخی اشکالات قانون اساسی]

✽ چه تغییراتی در قانون اساسی باعث تغییر اوضاع به نفع مردم خواهد شد؟

قانون اساسی ما هر چند دارای اشکالات و تناقضاتی است. از جمله اینکه نیروها و امکانات و رسانه‌های مؤثر در اختیار رهبری است که پاسخگو نیست و قوه مجریه که باید پاسخگو باشد ابزار لازم در اختیار ندارد؛ ولی با این حال مشکل فعلی و مقطعی ما قانون نیست؛ اگر حتی به همین قانون اساسی به خصوص بخش‌های مربوط به حقوق ملت عمل شود و حقوق ملت ضایع نشود وضعیت بهتری خواهیم داشت.

[وعده‌های انقلاب (خصوصاً آزادی بیان و آزادی سیاسی) عملی نشد]

✽ فکر می‌کنید نسبت به کدامیک از آرمانهای انقلاب خیانت شده است؟

من تعبیر به خیانت نمی‌کنم ولی شعارهای اصیل انقلاب عملی نشده است. آیت‌الله خمینی شعارهایی دادند - ما هم مطرح کردیم - و مردم در پی آن شعارها در صحنه مبارزه آمدند و هزینه‌های سنگینی پرداخت کردند ولی وعده‌ها عملی نشد. علاوه بر شعارهای اقتصادی و فرهنگی ما به دنبال آزادی سیاسی هم بودیم از داشتن زندانی سیاسی انتقاد می‌کردیم. قرار بود در انقلاب هر کس آزاد باشد حرفش را بزند و آزادی بیان باشد ولی گرفتار زندانی سیاسی و محدود کردن آزادی بیان شدیم. افراد دلسوز انقلاب و کشور به بهانه‌های واهی زندانی شدند. در سالی که سخن از اتحاد و انسجام به میان آمده روز به روز نیروهای کارآمد، دلسوز و انقلابی با انحصارطلبی‌ها مواجه شده و از صحنه حذف می‌شوند. در حالی که قاعده‌اش این است که مردم در قالب احزاب سیاسی شکل گرفته با آزادی کامل و با برنامه وارد میدان شوند نه اینکه از فعالیت آنها به بهانه‌هایی جلوگیری شود. یکی از آقایان گفته بود: «حزب ما مساجد ماست» یعنی ما با امام جماعت هماهنگ می‌شویم و از او می‌خواهیم که او بگوید مردم به چه کسی رأی بدهند!

* آیا امکان دارد آقای هاشمی رفسنجانی جایگزین برای حکومت باشد؟
من علم به غیب ندارم!

[انرژی هسته‌ای حق ماست]

* آیا ایران در قبال فشارهای اروپا و آمریکا تصمیم ندارد از انرژی هسته‌ای دست بردارد؟
اروپا و آمریکا چنین حقی ندارند که به کشوری مستقل بگویند چه چیزی باید داشته و چه چیزی نداشته باشند. وانگهی! مگر خود اروپا و آمریکا و حتی اسرائیل دارای چنین امکاناتی حتی نظامی‌اش نیستند؟! مگر همین آمریکایی‌ها ناکازاکی و هیروشیما را با سلاح اتمی ویران نکردند؟ کشور ما هم مانند دیگر کشورها روزی انرژی‌های فسیلی‌اش تمام می‌شود و به انرژی هسته‌ای نیاز پیدا می‌کند؛ البته در بعد نظامی نباید باشد، خود آنها هم اعتراف کرده‌اند که ایران به دنبال استفاده نظامی نیست. من قبلاً هم گفته‌ام این انرژی حق ماست ولی مردم ما حقوق دیگری هم دارند که باید آنها هم استیفا شود.

[اجرای حکمی که موجب وهن اسلام باشد جایز نیست]

* سؤال پایانی من درباره اجرای حکم سنگسار در اسلام است، نظر شما در این باره چیست؟
اگر اجرای حکم سنگسار موجب وهن اسلام باشد اجرای آن جایز نیست؛ وانگهی با شرایط سختی که در فقه ما آمده است به این راحتی احراز موضوع آن میسر نیست، و اگر با اقرار ثابت شده باشد - اقراری که از روی اختیار باشد نه اجبار و زندان - اگر انکار کرد از او پذیرفته می‌شود. این‌ها در فقه ما آمده است ولی متأسفانه به آن عمل نمی‌شود.

* از اینکه وقت خود را به ما دادید سپاسگزارم.

من هم از شما تشکر می‌کنم و یادآور می‌شوم که شغل خبرنگاری شغل حساسی است چون باید واقعیات را همان‌طور که هست منعکس نمایید. ان شاء الله موفق باشید.

والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته

گزارش دیدار یاران مرحوم مهندس مهدی بازرگان

۱۳۸۶/۱۱/۵

روز جمعه (۱۳۸۶/۱۱/۵) تعدادی از دوستان و یاران مرحوم مهندس مهدی بازرگان پس از حضور بر مزار آن مرحوم در قم با حضرت آیت الله العظمی منتظری دیدار و گفتگو کردند. در این دیدار آقایان دکتر یزدی، دکتر توسلی، مهندس توسلی، مهندس صباغیان و آقای بسته نگار و بسیاری از چهره‌های سیاسی دیگر حضور داشتند. حضرت آیت الله منتظری ضمن ابراز تأسف از جلوگیری از برگزاری مراسم سالگرد ارتحال مهندس بازرگان و قرائت فاتحه برای آن مرحوم فرمودند:

﴿ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ﴾

[یکی بودن قول و عمل مهم‌ترین صفت مهندس بازرگان]

بهترین تعریفی که برای مرحوم مهندس بازرگان می‌توان نمود اینکه او منافقانه برخورد نمی‌کرد و قول و عملش مثل هم بود. در قرآن کریم از منافق بسیار مذمت شده است. در اول سوره بقره چهار آیه مربوط به متقین، دو آیه مربوط به کفار و سیزده آیه مربوط به منافقین است، و این اهمیت نفاق و ضرر آن را می‌رساند که ضرر منافق بسیار بیشتر از کافر است. نفاق این است که قول انسان با عملش مطابق نباشد.

[تناقض ادعای سال اتحاد با رد صلاحیت نامزدها]

یکی از مسائلی که امروز مطرح است انتخابات و رد صلاحیت‌های زیادی است

که انجام شده و بسیار باعث تأسف است، مخصوصاً اینکه می‌گویند: التزام عملی فرد به اسلام ثابت نشده، که من نفهمیدم این عدم التزام عملی به اسلام را از کجا می‌فهمند. همه ما اعتقاد به خدا و پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام داریم، نماز می‌خوانیم و روزه می‌گیریم و به احکام اسلام پایبندیم؛ حال با چه معیاری تشخیص می‌دهند که عده‌ای التزام عملی به اسلام دارند و عده‌ای ندارند! مخصوصاً اینکه امسال را سال اتحاد ملی نامیده‌اند که با این رد صلاحیت‌های گسترده جور در نمی‌آید. اگر واقعاً سال اتحاد ملی است باید به نحوی عمل کنید که همه ملت با هم باشند، نه اینکه عده زیادی را که اکثر از نخبگان جامعه می‌باشند رد صلاحیت کرده و بگویید التزام عملی آنها به اسلام احراز نشده است. من بسیاری از شما آقایان را می‌شناسم که در پیروزی انقلاب اسلامی نقش بسزایی داشته‌اید و پس از پیروزی نیز زحمت زیادی کشیده و دلسوز مملکت هستید. حال وقتی امثال شما را رد صلاحیت می‌کنند این با شعارهایی که می‌دهند اصلاً سازگار نیست.

[عده‌ای خیال می‌کنند عقل کل هستند]

اصل ۹۹ قانون اساسی برای این تصویب شد که حکومتها نتوانند وکلای مجلس را به مردم تحمیل کنند و با نظارت بر حسن اجرای انتخابات مردم بتوانند نماینده واقعی خود را انتخاب نمایند، نه اینکه عده‌ای در مرکز خیال کنند عقلشان از مردم بیشتر است و باید مردم مطابق میل آنها عمل کنند؛ این می‌شود انتصابات نه انتخابات.

[مجلس گره‌گشا باید نماینده افکار مختلف باشد]

مردم بایستی بتوانند آزادانه نمایندگان با افکار متفاوت و از همه اقشار انتخاب نموده تا بر اثر تضارب و برخورد افکار، در مجلس قوانینی مناسب و جامع تصویب شود.

الان مسائل اقتصادی مهمترین مسأله کشور است که نخبگان و متخصصان جامعه

باید شور و مشورت کنند و قوانین مناسب تصویب نموده و مملکت را از این معضل ویرانگر نجات دهند، ولی متأسفانه با این رد صلاحیت‌های گسترده فقط یک عده خاص با طرز فکری مشابه و خاص به مجلس می‌روند و لذا این اهداف تحقق نمی‌یابد؛ و با این شرایطی که پیش آورده‌اند اصلاً آنانی که به درد این جور امور می‌خورند رغبت نمی‌کنند که در این مسائل وارد شوند. امیدوارم خداوند کریم همه ما را هدایت فرماید.

والسلام علیکم ورحمة اللّٰه وبرکاته.

دفتر آیت‌الله العظمی منتظری

۱۳۸۶/۱۱/۵

پاسخ به پرسش‌های خانم درخشش (خبرنگار ایرانی مقیم آمریکا)

۱۳۸۶/۱۱/۱۷

حضرت آیت‌الله منتظری

با عرض سلام و آرزوی تندرستی برای جنابعالی، موجب امتنان خواهد بود که به سؤالات زیر پاسخ فرمایید:

۱- عواملی که باعث شد جنابعالی در مقام دوم بعد از آیت‌الله خمینی و یا در حالی که رئیس مجلس خبرگان بودید، اعتراض فرمودید به ستمی که به مردم می‌شد؟ از نظر اسلامی نظر جنابعالی با این نوع رفتار با مردم چیست؟

۲- وضعیت فعلی کشور، انتخابات، فشارهای بین‌المللی، دلایل و راه حل آن چیست؟

۳- نظرتان را در مورد برقراری رابطه با آمریکا بیان فرمایید.

با احترام و امتنان: ستاره درخشش

۱۳ بهمن ۱۳۸۶

﴿ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ﴾

[نباید در برابر کارهای خلاف سکوت کرد]

با سلام و تحیت

جواب ۱- هر انسانی چه دارای مقامی باشد یا نباشد، با هر عقیده و اندیشه‌ای وظیفه دارد در مقابل اعمال خلاف قانون، شرع و حقوق انسانی از خود واکنش نشان داده و سکوت نکند. در این جا نمی‌توان به کسانی که اعتراض کرده‌اند خرده گرفت

بلکه در مقابل کارهای خلاف، کسانی که تأیید کردند و یا سکوت کردند همگی مسئول هستند و باید جوابگو باشند. در اسلام امر به معروف و نهی از منکر واجب همگانی است و امام علی علیه السلام می فرماید: «اگر آن را ترک کنید انسان های شرور بر شما مسلط می شوند و شما هر چه دعا کنید دعاهایتان مستجاب نمی شود؛ چون در انجام وظیفه کوتاهی کردید.»

[کارهای رژیم شاه پس از انقلاب با اسم دیگری تکرار شد]

پس از پیروزی انقلاب قرار بر این بود که کارهای سابق که در رژیم شاه انجام می شد تکرار نشود و هیچ بیگناهی زندانی نشود و مردم از نظر اقتصادی مشکل نداشته باشند و جلوی خودسری ها گرفته شود و در تمام امور تحول صورت گیرد ولی متأسفانه اسم انقلاب اسلامی مانده ولی محتوا به مرور عوض شده است و کارهای خلاف با اسم و رسم دیگری انجام شده و می شود و چون این اعمال با نام اسلام صورت می گیرد چهره اسلام خشن جلوه می کند. حال آن که دین اسلام دین رحمت و عطوفت است و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام و دیگر بزرگان این نبود که امروز انجام می شود. دین ما دینی است که پیامبرش «رحمة للعالمین» است و امام علی علیه السلام از اینکه یک خلخال از پای یک دختر غیرمسلمان درآورده اند به شدت ناراحت می شود.

اینجانب احساس می کنم با نوشتن نامه ها به شخص آیت الله خمینی و یا تذکرات شفاهی که به مسئولین وقت می دادم توانسته ام تا حدودی وظیفه خود را انجام دهم.

[آزادی مظلوم واقع شد]

جواب ۲- وضعیت فعلی کشور مناسب مردم عزیز ایران نیست. مردمی که با شعار استقلال و آزادی هزینه های زیادی را تحمل نمودند اکنون مورد بی مهری مسئولین واقع شده اند. در مورد استقلال می توان گفت تا حدود زیادی موفق بوده ایم

اما شعار دیگر یعنی آزادی که مورد تأکید اسلام و تصریح شده در قانون اساسی است مظلوم واقع شده است. وجود زندانیان سیاسی به بهانه‌های واهی و مطبوعات توقیف شده فراوان که خیرخواهانه نظرات انتقادی خود را بیان می‌کردند شاهد این مدعاست.

نمونه بارز و بسیار تأسف‌آور آن ردّ صلاحیت‌های گسترده این دوره از انتخابات است که بدون در نظر گرفتن قانون و مصالح ملی و صرفاً با اغراض سیاسی صورت گرفته است. مخصوصاً متهم نمودن رجال سیاسی متدین به التزام عملی نداشتن به اسلام گناهی است نابخشودنی که عواقب آن گریبان همه را خواهد گرفت. ﴿وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً﴾.

امیدوارم مسئولین امر تجدیدنظر کلی در رفتار خود نمایند و با کنار گذاشتن خودخواهی‌ها، مصالح مردم و اسلام شریف را رعایت نمایند و روش‌های ناپسند خود را اصلاح کنند.

اینجانب به عنوان فردی از افراد این ملت که عمری سردی و گرمی روزگار را چشیده است؛ به مسئولان امر متذکر می‌شوم ادامه وضعیت فعلی باعث تضعیف کشور در ابعاد داخلی و خارجی است و از فاصله گرفتن حاکمیت و ملت جز بدخواهان کسی سود نمی‌برد و این مردم رنج کشیده‌اند که باید تاوان آن را پس دهند؛ مردمی که برای پیاده کردن احکام حیات‌بخش اسلام و برای اجرای عدالت سیاسی و اقتصادی به میدان آمدند.

[دلایل قطع رابطه با آمریکا]

جواب ۳- در رابطه با آمریکا چنانچه قبلاً هم بیان کرده‌ام: نظر به اینکه آمریکا محرک کودتای ۲۸ مرداد سرهنگ زاهدی علیه دکتر مصدق و برگشت شاه بود و پس از کودتا آمریکا تقریباً تمام شؤون سیاسی و اقتصادی کشور ما را در دست داشت، و پس از انقلاب اموال ایران را بلوکه کرد و... دلیل عصبانیت مردم از آمریکا شد و

دانشجویان، سفارت آن کشور را در ایران اشغال کردند، و آمریکا هم رابطه خود با ایران را قطع کرد، و مرحوم آیت‌الله خمینی هم آمریکا را شیطان بزرگ نامید و از ارتباط با آنها به طور کلی نهی کردند.

[رابطه با آمریکا باید براساس کارشناسی و منافع ملی برقرار شود]

ولی واضح است که چنین حکمی موقتی است و امکان دارد بر اساس شرایط عوض شود. باید کارشناسی شود که آیا رابطه با آمریکا به نفع کشور هست یا نیست؛ در این جا افراد متخصص سیاست خارجی بدون حب و بغض و جناح بندی و تندروی باید منافع و مضار آن را بررسی نمایند. و مسئولین به این نکته نیز توجه داشته باشند که اگر بناست سوء سابقه موجب ترک روابط باشد، انگلیس و روسیه در گذشته بیش از آمریکا به ایران ضربه زده‌اند. البته تا برقراری ارتباط می‌توان مذاکره کرد و پای میز مذاکره از حقوق ملت و کشور دفاع کرد. از برخی قرائن و شواهد به دست می‌آید که در آمریکا صهیونیست‌ها مخالف این ارتباط هستند؛ چنانچه در کشور ما هم برخی منافع خود را در تنش و عدم رابطه جستجو می‌کنند.
ان شاء الله موفق باشید.

۱۳۸۶/۱۱/۱۷

حسینعلی منتظری

پیام تسلیت به مناسبت درگذشت آیت الله حاج شیخ محمد رضا توسلی

۱۳۸۶/۱۱/۲۷

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

﴿ انا لله و انا اليه راجعون ﴾

تهران، خانواده محترم عالم بزرگوار و روحانی خدمتگزار مرحوم مغفور
حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ محمد رضا توسلی - طاب ثراه -
پس از سلام و تحیت، با کمال تأسف خبر ناگوار درگذشت ایشان را دریافت و
بسیار متأثر شدم.

آن مرحوم از شاگردان و ملازمان مرحوم آیت الله العظمی امام خمینی و از
وزنه های علمی و معنوی بیت معظم له بودند، و خدمات ایشان به اسلام و انقلاب بر
کسی پوشیده نیست.

این جانب این مصیبت را به حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و بیت
شریف امام و حضرات علماء اعلام و خانواده و فرزندان و بستگان آن مرحوم،
از جمله جناب مستطاب حجة الاسلام آقای ولایی دامت افاضاته داماد محترم ایشان
تسلیت می گویم.

و از خداوند قادر متعال برای ایشان علو درجات و حشر با ائمه معصومین
- علیهم السلام - و برای همه خانواده و فرزندان و علاقه مندان صبر جمیل و اجر جزیل
مسألت می نمایم.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

۸ صفر ۱۴۲۹ - ۱۳۸۶/۱۱/۲۷

حسینعلی منتظری

پاسخ به پرسش‌های آقای احمد رأفت مدیر خبرگزاری «آکی» ایتالیا

۱۳۸۶/۱۲/۴

پس از عرض سلام و پوزش از مزاحمت
سؤالهایی که برای جنابعالی ارسال می‌شود از طرف آژانس خبری کرونوس بین‌المللی یا آکی که
از ماه نوامبر گذشته مدیریت آن را به من واگذار کرده‌اند، است.
آکی در ایتالیا بعد از آژانس خبری دولتی در رده دوم قرار دارد و به سه زبان ایتالیایی، انگلیسی و
عربی در سطح اروپا، آسیا و خاورمیانه خبر پخش می‌کند.
در این ایام که متأسفانه نام ایران به عنوان نمونه‌ای منفی در سطح جهان بر سر زبان‌هاست،
نظرات آیت‌الله العظمی منتظری می‌تواند بسیاری از مسائل را از دید دیگری مطرح سازد.
با تشکر مجدد از شما
احمد رأفت

سؤال اول - فشارهای بین‌المللی بر جمهوری اسلامی ایران روز به روز افزایش می‌یابند و
شورای امنیت سازمان ملل متحد سرگرم مذاکره تصویب تحریم‌های جدیدی است. آیا در این
چنین شرایطی پافشاری بر ادامه غنی‌سازی اورانیوم در جهت منافع کشور است؟

﴿ بسم‌الله الرحمن الرحیم ﴾

جناب آقای احمد رأفت دام‌توفیقه
پس از سلام و تحیت
پاسخ سؤالات شما معمولاً در مصاحبه‌های اینجانب داده شده، ولی با توجه به
عنایت شما اجماًلاً به آنها اشاره می‌کنم:

[حق همگانی هسته‌ای و رفتار مسئولین]

در اینکه داشتن انرژی اتمی در انحصار هیچ دولتی نباید باشد و همه دولت‌ها و ملت‌ها حق دارند دارای چنین انرژی و فنون علمی آن باشند شکی نیست، ولی اشکال کار در این است که دولت ما با طرح بعضی شعارهای تحریک‌آمیز و حساب نشده بسیاری از دولت‌ها را نسبت به دولت ایران حساس و بدبین نموده است و آنان را در جهت ایجاد وحدت علیه ما و منافع ملی ما تحریک کرده تا آنجا که روزه روزه فشارها را تشدید می‌کنند و آثار آن نیز بر مردم مظلوم ما خواهد بود، که بسیار جای نگرانی است و امیدوارم مسئولین مربوطه در شرایط سختی که برای ملت ما پیش آمده است به دور از احساسات تند و با عقلانیت بیشتر بتوانند از این بحران خارج شوند و بیش از این کشور را منزوی نکنند و مردم را تحت فشار سیاسی و اقتصادی قرار ندهند.

[حمایت از ملت‌ها غیر از دخالت است]

سؤال دوم - در مجامع بین‌المللی گفته می‌شود که برنامه اتمی جمهوری اسلامی ایران تنها علت تشدید فشارهای بین‌المللی نیست و جامعه جهانی هم چنین نگران سیاست‌های ایران در کشورهای منطقه به‌ویژه لبنان، افغانستان و عراق است. نظر جنابعالی در رابطه با سیاست‌های دولت کنونی در کشورهای منطقه چیست و آیا این سیاست‌ها را در جهت منافع جمهوری اسلامی می‌دانید؟

حمایت‌های مادی و معنوی از کشورهای یاد شده به خصوص با توجه به نیاز شدید آنان و تقاضای کمک از کشور ما و نیز با توجه به فرهنگ و دین مشترک بین آنان و کشور ما کاری است انسانی و اخلاقی، ولی حمایت از آنان نباید به صورت دخالت در آن کشورها باشد؛ همانگونه که کشورهای قدرتمند نیز نباید به بهانه کمک به کشورهای در حال رشد و نیازمند، در سرنوشت مردم آن کشورها دخالت نمایند.

سؤال سوم - موقعیت در درون کشور نیز مناسب به نظر نمی آید، علاوه بر مشکلات اقتصادی، فشار بر اقشار مختلف جامعه به ویژه زنان، دانشجویان و روزنامه نگاران و هم چنین اقلیت های قومی نیز افزایش یافته است. در چنین شرایط مردم قرار است به پای صندوق رأی رفته و نمایندگان شان را انتخاب کنند، هر چند که بسیاری از کاندیداها نیز رد صلاحیت شده اند و عملاً نمی توان از رقابت انتخاباتی صحبت کرد، به نظر شما در صورت ادامه سیاست های داخلی و خارجی کنونی، چه سرنوشتی در انتظار جمهوری اسلامی ایران خواهد بود؟

[رد صلاحیت نامزدها فاصله مردم و حاکمیت را زیاد می کند]

تندرویهها و سخت گیری هایی که نسبت به قشر دانشجو و روزنامه نگاران و بعضی اقشار دیگر می شود، و نیز رد صلاحیت های افراد زیادی از نیروهای مفید و با تجربه که متأسفانه انجام شد عاقبتی جز زیاد شدن فاصله بین مردم و حاکمیت و در نتیجه کم شدن مقبولیت آن نخواهد داشت در شرایطی که کشور در معرض تهدید خارجی است من نمی دانم چرا مسئولین به عاقبت کارهای خود فکر نمی کنند و هر روز علاوه بر مشکلات اقتصادی و گرانی و تورم رو به رشد، نارضایتی جدیدی برای مردم بوجود می آورند.

سؤال چهارم - حمایت های مالی دولت کنونی از سازمان ها و کشورهای خارجی در خاورمیانه تا آمریکای لاتین با اعتراض مردم مواجه است. آیا به نظر شما در کشوری که در پیامد عدم دسترسی به سوخت در زمستان امسال برخی حتی جان خود را از دست دادند کمک به کشورهای خارجی جایز است؟

[کمک به کشورها مشروط به در تنگنا نبودن مردم]

بدیهی است کمک به کشورهای دیگر نباید به قیمت نارضایتی ملت خودمان و در تنگنا قرار گرفتن آنان تمام شود. البته بخشی از این سختی هایی که به خصوص در زمستان برای مردم چند استان کشور پیش آمد معلول عدم پیش بینی های لازم توسط مسئولین مربوطه بود.

سؤال پنجم - آیا انتخابات در شرایط کنونی و با توجه به رد صلاحیت‌ها می‌تواند راه‌گشای مشکلات کنونی کشور باشد، مجلس آینده برای پاسخگویی به احتیاجات جامعه کدام وظایف را باید در دستورکار قرار دهد؟

[مجلس برآمده از نظارت استصوابی نماینده مردم نیست]

با رد صلاحیت‌های زیاد از نیروهای مفید و عدم امکان رقابت واقعی در انتخابات قهراً یک انتخاب صوری و یک مجلس یک دست پیش‌بینی می‌شود و چنین مجلسی نمی‌تواند نمایندگی اکثریت مردم را داشته باشد و در نتیجه تابع و پیرو و مجری نظریات یک اقلیت خواهد شد، و در نهایت نمی‌تواند وظائف مهم و اصلی خود را انجام دهد.

سؤال ششم - در این روزها بسیاری صحبت از خیانت به آرمان‌های انقلاب می‌کنند، آیا واقعاً خیانتی صورت گرفته است و انقلاب از مسیر اصلی‌اش خارج شده است؟
در هر حال ما به بسیاری از آرمان‌های اصلی انقلاب و از جمله آزادی‌های مدنی و سیاسی نرسیدیم، ولی من کسی یا کسانی را متهم به خیانت نمی‌کنم، اما نمی‌توان از تندروها و انحصارطلبی‌ها و قدرت‌خواهی‌ها و تمامیت‌طلبی‌های عده‌ای در یک جناح خاص چشم‌پوشی نمود.

[لزوم دوری نظامیان از سیاست]

سؤال هفتم - حضور نظامیان در صحنه اقتصاد، سیاست، فرهنگ و هنر روز به روز پررنگ‌تر می‌شود. منتقدین این حضور مورد حمله شدید طرفداران دولت قرار گرفته‌اند و حتی آقای حسن خمینی هم از این تعرضات مصون نبوده است. آیا خطر این می‌رود که در آینده نظامیان، جانشین روحانیت در صدر حکومت شوند؟

در مورد دخالت نظامیان در مسائل سیاسی - همانگونه که رهبر فقید انقلاب

مرحوم آیت‌الله خمینی معتقد بوده و اصرار داشتند - مصلحت کشور و نیروهای مسلح در دور بودن آنان از مسائل سیاسی و خط بازیهای گروهی است.

[لزوم دوری روحانیت از قدرت]

سؤال هشتم - در عراق آیت‌الله العظمی سیستانی مخالف شدید حضور روحانیون در دولت و در مقام‌های اجرایی است. نظر جنابعالی با توجه به عملکرد روحانیت در ۲۶ سال گذشته در جمهوری اسلامی ایران در این رابطه چیست؟

نظر اینجانب نیز همین است که روحانیت باید حتی المقدور از مجاری امور و قدرت به دور باشد تا بتواند وظایف اصلی خود را انجام دهد و پایگاه معنوی‌اش در بین مردم مخدوش نشود، و این نظر را به مرحوم آیت‌الله خمینی نیز ارائه دادم.

سؤال نهم - در سال گذشته میلادی احکام اعدام به اجرا درآمده نسبت به سال قبل تقریباً دو برابر بوده است و در سال جاری میلادی نیز تنها در ۳۰ روز اول ۳۵ نفر اعدام شده‌اند و روز به روز بر شمار احکام اعدام صادر شده توسط دادگاه‌ها افزوده می‌شود. آیا کلیه این احکام با موازین اسلامی تطبیق دارند؟

[مبنای بسیاری از اعدام‌ها مخدوش است]

اصل حکم اعدام در موارد قصاص نفس با درخواست اولیای مقتول و نیز در بعضی موارد دیگر که به ندرت شرایط آن محقق می‌شود جای تردید نیست، ولی اصولاً مبنای بسیاری از اعدام‌ها اقرار متهم در زندان و در حالت تهدید و احیاناً با کتک و مانند آن می‌باشد، و چنین اقراری بنا به حکم عقل و اخبار وارده و فتوای تمام علمای شیعه حجت نمی‌باشد و نمی‌توان شرعاً کسی را به استناد چنین اقراری محکوم به اعدام نمود و حجت بودن علم قاضی نیز به طور کلی محل اشکال است و سیره پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و حضرت امیر عَلَيْهِ السَّلَام قضاوت براساس علم خودشان نبوده است، بلکه براساس موازین قضائی یعنی اقرار در حال آزادی و بدون ترس متهم و یا شهادت عدول و یا قسم بوده است.

سؤال دهم - در روزهای گذشته پدری دختر ۱۴ ساله‌اش را به ظن ارتباط نامشروع سنگسار کرد. آیا احکام سنگسار که اخیراً از سوی قضات صادر شده‌اند در رفتار نامناسب این پدر تأثیرگذار بوده است؟ نظر شما در رابطه با احکام سنگسار که در ماه‌های اخیر صادر شده‌اند با توجه به تأثیر آنها در اذهان عمومی چیست؟

شرایط سنگسار بسیار سخت و کمیاب، زیرا زناى محصنه که حکمش سنگسار است یا با اقرار متهم ثابت می‌شود و یا با شهادت چهار مرد عادل که صحنة عمل را با چشم دیده باشند. بدیهی است چنین شهادتی که چهار مرد عادل صحنة زنا را ببینند کمتر اتفاق می‌افتد، و اقرار متهم نیز اگر در زندان و در حال غیر عادی و با تهدید و امثال آن باشد حجت نمی‌باشد. و در قتل و سنگسار، انکار بعد از اقرار نیز - برحسب اخبار وارده - پذیرفته می‌شود. علم قاضی نیز در امور جنسی قطعاً حجت و نافذ نیست. از طرف دیگر بر فرض اینکه متهم به زناى محصنه در حال عادی و خارج زندان اقرار کند هر چند باید مورد حدّ قرار گیرد، ولی باید بتواند فرار کند و نباید طوری قرار دهند که نتواند فرار کند و مطابق بعضی روایات اگر پس از اصابت حتی یک سنگ ریزه به او فرار کرد نباید مورد تعقیب قرار گیرد.

و در مورد سؤال که دختر چهارده ساله سنگسار شده است علاوه بر اشکالات ذکر شده، چنانچه او بدون شوهر بوده - که ظاهراً چنین بوده است - حکم او قطعاً سنگسار نبوده است، زیرا سنگسار مربوط به زناى مرد و زنی است که دارای همسر باشند آن هم با شرایط دیگری که در فقه مطرح شده است؛ وانگهی حکم سنگسار و اجراء آن وظیفه حاکم شرع است و پدر دختر حق ندارد چنین کاری را انجام دهد.

ان شاء الله موفق باشید.

والسلام علیکم ورحمة الله.

قم - حسینعلی منتظری

بیانات معظم له در آغاز درس اخلاق دربارهٔ حملات اسرائیل به غزه

۱۳۸۶/۱۲/۱۵

﴿ اعوذ بالله من الشیطان الرجیم ﴾

﴿ بسم الله الرحمن الرحیم ﴾

[کشتار مردم بی دفاع غزه]

متأسفانه فجایعی صورت می‌گیرد که دل هر انسان منصفی را به درد می‌آورد و نمی‌تواند در برابر آنها ساکت باشد. چند روز قبل دیدیم اسرائیل از نوار غزه عقب‌نشینی کرد. خدای را شکر کردیم که گویا ذره‌ای عقل و شعور در آنها پیدا شده است، اما الآن مشاهده می‌کنیم که به‌طور کم سابقه‌ای با انواع و اقسام سلاح‌های هوایی و زمینی مردم بی‌پناه غزه، بچه‌های شیرخوار، کودکان و زنان بی‌پناه هر روز بر اثر بمباران‌ها و یا موشک‌های اسرائیل به خاک و خون کشیده می‌شوند.

[اسرائیل غاصب است]

اسرائیل دولتی است که با زور و غصب سرکار آمده است. این را همهٔ مردم دنیا می‌دانند. آنها مانند کسی هستند که غاصبانه وارد خانهٔ کسی بشود، جای او را غصب کند، بیشتر خانه را تصاحب نماید، خیلی از اهالی خانه را نابود کند، سپس بگوید: بیاید خانه را با هم تقسیم کنیم!
اسرائیل یک سال پیش در لبنان شکست سنگینی خورد و ظاهراً به دنبال آن است

که آن شکست مفتضحانه را به گونه‌ای جبران کند. برای همین دیوانه‌وار از مردم غزه انتقام می‌گیرد، آن هم تهاجم‌کننده‌ای که انواع ساز و برگ نظامی را داراست. اما در عوض مردم غزه بی‌پناه و بی‌دفاع هستند.

[چرا کشورهای اسلامی عربی در برابر جنایات اسرائیل ساکت هستند؟]

آیا کشورهای عربی و اسلامی که قدرت انرژی دنیا یعنی نفت و گاز را در اختیار دارند نباید از خود واکنش نشان دهند؟
آمریکا و اروپا به نفت و گاز شما احتیاج دارند، با این حال در مقابل حملات اسرائیل و حمایت‌های آمریکا از این رژیم غاصب محافظه‌کاری می‌کنید. خطاب من به سران و مردم کشورهای اسلامی و عربی است که چرا شما سابقه کشور فلسطین را فراموش کرده‌اید؟ شما که صدای ضجه نوزادان و کودکان شیرخوار را که در بمبارانها از درد به خود می‌پیچند می‌شنوید، صدای گریه و زاری و بی‌تابی مادران بچه مرده به گوش شما می‌خورد، پس چرا ساکت هستید؟ هر زمانی که اسرائیل به جنایاتی دست می‌زند وزیر خارجه آمریکا در منطقه راه می‌افتد تا کشورهای منطقه را به سکوت دعوت کند.

[اسرائیل با کشتار استحکام نمی‌یابد]

اسرائیل باید به این نکته توجه نماید: اگر شما خیال می‌کنید با زورگویی، آدم‌کشی، بمباران، تخریب خانه‌های مردم بی‌پناه فلسطین و به‌ویژه غزه، قدرت بلامنازع منطقه شوید و کسی مزاحم شما نشود، تصویری محال و خام دارید. جوانان فلسطین هم انسان‌اند، آنها هم حبّ وطن دارند و روز به روز مجهزتر از گذشته از خود واکنش نشان خواهند داد و شما هر روز گرفتار خواهید شد و خشم و غضب فلسطینی‌ها شما را راحت نخواهد گذاشت. خداوند در قرآن کریم درباره این قوم فرموده است:
﴿وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبِّكَ لِيُبْعَثَنَّ عَلَيْهِمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ يَسُومُهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ إِنَّ رَبَّكَ

لسریع العقاب) (سورة اعراف، آیه ۱۶۷) خدا در قرآن خبر می دهد و خداوند صادق است هنگامی که پروردگار تو اعلام داشت که قطعاً خواهد برانگیخت تا روز قیامت کسانی را که آنان را عذاب دهند. پس اسرائیلی ها خیال نکنند با زور و کشتار پای خود را در منطقه محکم می کنند، این خیال واهی است. زور و فشار عکس العمل دارد.

[چرا مردم آمریکا بی تفاوت هستند؟]

ما علاوه بر اینکه از کشورهای اسلامی و عرب متعجب هستیم که در قبال جنایات این رژیم سکوت می کنند، از مردم آمریکا هم تعجب می کنیم که چگونه به دولت خود اجازه می دهند که آبرو، حیثیت و امکانات مردم آمریکا را خرج کشوری غاصب و زورگو کند و بدین ترتیب از اعتبار آمریکا به واسطه دفاع از اسرائیل بکاهد و مردم آمریکا باید تاوان آن را پس دهند. آیا از خود سؤال کرده اید که چرا ۵ یا ۶ میلیون صهیونیست باید شاهرگ های سیاسی، اقتصادی و رسانه ای آمریکا را در دست داشته باشند و در این زمینه ها در آن کشور اعمال قدرت و نفوذ کنند و اعتبار بیش از سیصد میلیون جمعیت آمریکا را خدشه دار نمایند.

اینجانب مجدداً به کشورهای اسلامی و عربی متذکر می شوم که چرخ اقتصاد آمریکا با منابع خدادادی که به دست شماست می چرخد و آمریکا عوض اینکه از این کشورها دفاع کند از دشمن این کشورها یعنی اسرائیل دفاع می کند. شما می توانید با همین امکاناتی که در دست دارید به آمریکا فشار آورید که حمایت خود را از این رژیم غاصب قطع نماید و از مردم بی پناه فلسطین حمایت کند.

خدایا ما که از آن دیار و مردم آن دوریم و امکاناتی هم نداریم اما از تو می خواهیم به صاحبان قدرت و ثروت غیرت و حمیت عطا کن تا از مظلومین فلسطین دفاع کنند. و همه ما وظیفه داریم که از مظلومان عالم دفاع کنیم. چنانچه حضرت امیر علیه السلام در آخرین وصیت خودشان به امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام سفارش می کنند که: «کونا للظالم خصماً و للمظلوم عوناً».

«اللّٰهُمَّ انصُرِ الْاِسْلَامَ وَالْمُسْلِمِيْنَ وَاخْذِلِ الْكُفْرَانَ وَالْمُنَافِقِيْنَ،
اللّٰهُمَّ انصُرْ مَنْ نَصَرَ الدِّيْنَ وَاخْذِلْ مَنْ خَذَلَ الْمُسْلِمِيْنَ»
وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ.

۱۳۸۶/۱۲/۱۵

دفتر حضرت آیت‌الله العظمی منتظری

دیدار اعضای شورای مرکزی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی

۸۷/۱/۲۲

﴿ بسمه تعالی ﴾

شورای مرکزی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی صبح پنج‌شنبه ۱۳۸۷/۱/۲۲ در قم با حضرت آیت‌الله العظمی منتظری دیدار کردند. در ابتدای این دیدار معظم‌له ضمن خوشامدگویی و آرزوی موفقیت برای اعضای آن سازمان، از آنها به دلیل انجام وظیفه در مقاطع مختلف تشکر و قدردانی کردند. و از آنها خواستند بواسطه وجود موانع موفقیت، از انجام وظایف خود شانه خالی نکرده و در این راه صبر و تحمل داشته باشند. آیت‌الله منتظری در همین باره ضمن قرائت سوره «عصر» فرمودند:

[تفسیر سوره العصر]

این سوره کوچک دارای مضامین عالی است. در این سوره خدا به عصر و تاریخ قسم می‌خورد و قسم خوردن به تاریخ و زمان نشان از اهمیت آن است. ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ﴾، یعنی تمامی انسانها در خسران و زیانند و تاریخ این را نشان داده که انسان‌ها با وجود عقل و ادراک و شعور در ضررند و در حال هدر دادن عمرند چون بر اساس عقل و منطق و ادراک خود عمل نمی‌کنند. پس عمر بهترین سرمایه است و باید آن را حفظ کرد و در اصلاح آن کوشش نمود تا بتوانیم انسان کامل شویم. پس از این واقعیت کلی افرادی را استثناء می‌کند: ﴿إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾، یعنی افرادی در خسارت و زیان نیستند، آنها که در وهله اول ایمان به خدا آورند و به واقعیات هستی از خدا تا قیامت اعتقاد داشته باشند؛ و بدانند که جهان هستی بی‌هدف

خلق نشده است. سپس که اعتقاد محکم شد، -بر خلاف برخی از فرقه‌ها که می‌گویند دلت را درست کن عمل می‌خواهی چه کنی!- قرآن می‌فرماید: ﴿وَعَمَلُوا الصَّالِحَاتِ﴾ یعنی بر اساس اعتقاد و ایمانش عمل صالح انجام دهد که شامل اعمال صالح فردی چون نماز، روزه، حج و... می‌شود و شامل اعمال صالح اجتماعی چون صرف عمر و مال در امور خیر، کمک به دیگران.

در این جا مرحله سوّم پیش می‌آید یعنی حالا که ایمان آوردیم و عمل صالح انجام دادیم کامل شدیم؟ نه! برای اینکه در ادامه می‌فرماید: ﴿وَتَوَاصُوا بِالْحَقِّ﴾، باید یکدیگر را توأصی و سفارش به حق نمایند، پشتیبان حق و حقیقت باشند و در همین راستا امر به معروف و نهی از منکر کنند. یعنی پس از ساختن خود به فکر ساختن دیگران و کل جامعه هم باشند. گرچه ممکن است در این راه برایمان پرونده بسازند، بند ۲۰۹ زندان اوین جایمان باشد که در این باره می‌فرماید: ﴿وَتَوَاصُوا بِالصَّبْرِ﴾. یعنی به یکدیگر سفارش کنید که در مقابل مشکلات و ناملازمات روزگار صابر و بردبار باشند و تحمل خود را از دست ندهند. خداوند در هیچ کجا نفرموده است در مقابل عمل شما اجر بی حد و حساب دارید جز برای صبر: ﴿إِنَّمَا يُؤْفَى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾. پس نباید میدان را خالی کرد و انجام وظیفه نکرد. البته ما با کسی جنگ و دعوا نداریم ولی پا روی حق هم نمی‌گذاریم و از اظهار حق و دفاع از آن ابا نداریم. البته جنگ بین حق و باطل همیشه بوده و هست و این از خصوصیات نظام وجود است و این باطل است که خودش را حق مطلق می‌داند و خیال می‌کند همیشه حق است.

[سکوت و ترک امر به معروف و نهی از منکر اشرار را مسلط می‌کند]

در باب اهمیت امر به معروف و نهی از منکر حضرت امیر علیه السلام در وصیت خود پس از ضربه خوردن می‌فرماید: «امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که اگر ترک کردید، بدهای شما بر شما مسلط می‌شوند و آن وقت هر چه دعا می‌کنید مستجاب نمی‌شود». مشخص است که امر به معروف و نهی از منکر تنها منحصر به امور جزئی

نیست بلکه شامل مسایل کلی و اساسی جامعه هم هست؛ اعم از اقتصاد، سیاست و فرهنگ. و اگر شما سکوت کردید و عافیت طلب شدید و انجام وظیفه نکرده و صحنه را خالی کردید آن وقت بدها بر شما مسلط شدند، به زمین و زمان بد نگوید، بلکه خود شما مقصرید. حالا اگر ما وظیفه‌مان را انجام دادیم و نتیجه مورد علاقه حاصل نشد، می‌گوییم خدایا ما وظیفه خودمان را انجام دادیم. و او بیش از این از ما تکلیفی نمی‌خواهد. البته عرض کردم در این راه با کسی جنگ و ستیزی هم نداریم، اما از گفتن حق شانه خالی نمی‌کنیم. ان شاء الله سال خوبی داشته باشید و امیدوارم مسئولان کشور نسبت به آنچه که در جامعه و نسبت به مردم می‌گذرد احساس مسئولیت کرده و متنبه شوند.

پس از سخنان آیت‌الله منتظری آقای محمد سلامتی دبیرکل سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ضمن ارائه گزارشی از سیر برگزاری انتخابات مجلس نهم، آن را به «انتصابات» تشبیه و ضمن اشاره به رد صلاحیت‌های گسترده اصلاح‌طلبان و افرادی که سالها به خوش‌نامی معروف بودند گفت:

«کسانی که به دنبال مدیریت انتخابات به نفع جناح خاصی بودند اجازه ندادند ۲۵۰۰ نفری که قرار بود ناظر بر صندوق‌ها باشند سر صندوق‌ها حاضر شوند و تنها به ۸۰۰ نفر اجازه دادند و حتی آنها هم در بسیاری موارد اجازه اظهار نظر نداشتند. کار به جایی رسید که به انتخابات خدشه وارد شد.»

وی افزود: «در این انتخابات برخی دوستان اصلاح‌طلب با مطرح کردن مسایلی چون کندروی و تندروی و حوادث مجلس ششم به امید عنایتی بودند که شامل شان شود ولی همان برخوردی که با دیگر اصلاح‌طلبان شد با آنها هم شد و شگرد همگرایی افاقه نکرد. در این انتخابات تنها در ۴۰ کرسی امکان رقابت برای اصلاح‌طلبان بود و در مابقی این امکان وجود نداشت و اقلیت محدودی همان‌گونه که آنها می‌خواستند، راهی مجلس شدند. در دور دوم هم دوستان اصلاح‌طلب با توجه به تمایل کاندیداها در حال جمع‌بندی نظرات هستند.»

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

۱۳۸۷/۱/۲۲

دفتر آیت‌الله العظمی منتظری

دیدار مدیر مسئول و هیأت تحریریه نشریه توفیق شده «نامه»

۱۳۸۷/۱/۲۳

﴿ بسمه تعالی ﴾

جمعه بیست و سوم فروردین ۱۳۸۷ آیت الله العظمی منتظری پذیرای آقایان: دکتر محمد ملکی، مهندس صمیمی، دکتر علیرضا رجایی، شایا شهبوق، خانم میثمی و دیگر اعضای تحریریه ماهنامه «نامه» بودند. در این دیدار آقای مهندس صمیمی طی سخنانی ضمن اشاره به فعالیت‌های آزادی خواهانه آیت الله منتظری طی سالیان قبل و پس از انقلاب و حمایت از حقوق مخالفان - حتی مخالفان فکری خود - به بیان وضعیتی پرداخت که ممکن است درباره برخورد با مخالفان صورت پذیرد. وی در همین باره فشار بر افراد ضعیف چون دانشجویان چپ را، سرآغاز فشار بر دیگران دانست و بویژه از اصلاح طلبان خواست نسبت به این وضعیت آگاه بوده و جهت جلوگیری از سرایت فشارها به حلقه‌های دیگر در مقابل حق‌کشی‌ها، بدون در نظر گرفتن افکار و عقاید مظلوم، سکوت پیشه نکنند. وی از فقیه عالیقدر خواست با توجه به عنایت ایشان در دفاع از حقوق مخالفان در این باره به اصلاح طلبان نیز تذکر دهند.

هم‌چنین در این دیدار آقای دکتر علیرضا رجایی دغدغه خاطر دلسوزان را نسبت به دو مورد بیشتر دانست: ۱- انقلاب و آرمان‌های اصیل آن ۲- اسلام و خطراتی که از ناحیه افکار خشن و بنیادگرا متوجه آن شده است. وی آیت الله منتظری را شخصیتی توصیف کرد که تنها باقی مانده از قافله انقلابیون اصیل است که دارای وزنه مؤثری درباره موارد فوق می‌باشد که حتی مخالفینش هم به حسن نیت او اعتقاد دارند، بنابراین از ایشان خواست بیش از پیش با توجه به جوانب امر و لحاظ مصالح، برای ثبت در تاریخ مواضع اصیل اسلام و انقلاب را به آگاهی جامعه برسانند.

سپس آیت‌الله العظمی منتظری ضمن دعای خیر و سفارش حضار به انجام وظیفه شرعی و اجتماعی فرمودند:

[وعدۀ آزادی و نفی استبداد از آغاز انقلاب عملی نشد]

آنچه مایه تأسف است اینکه آیت‌الله العظمی خمینی رحمته الله وعده‌هایی دادند ما هم به تبع ایشان همان‌ها را مطرح کردیم، مردم هم به خیال اجرای آنها در صحنه آمدند، انقلاب کردند و هزینه‌های سنگینی هم دادند، اما آن وعده‌ها عملاً محقق نشد. خیلی‌ها برای من ایمیل می‌زنند و بنده را شریک آن وعده‌ها می‌دانند و اینکه وعده‌ها محقق نشد مرا مقصر و شریک می‌دانند. درست هم می‌گویند ما به مردم قول دادیم که آزادی باشد، استبداد نباشد و به مردم و نظرات آنها بها داده شود ولی نشد؛ البته من در حد خود وظیفه‌ام را انجام دادم ولی کسی به نصایح و خیرخواهی‌ها توجه نکرد. حالا هم نظرات من سانسور می‌شود. بعضی افراد که به بیت من رفت و آمد کرده‌اند به آنها گفته شده چرا بیت فلانی رفته‌اید؟

[شورای نگهبان قرار بود نگهبان آزادانتخابات باشد نه سالب آزادی آن]

درباره انتخابات آنچه که هم ما و هم مردم می‌خواستیم این نبود که حالا انجام می‌شود. زمان سابق مردم هیچ‌کاره بودند از جمله در نجف‌آباد ما مردم مهیا شدند برای رأی دادن که از طرف دربار آمدند و گفتند: آقای محمود محمود باید نماینده مردم آنجا شود. و از انجمن نظارت بر انتخابات آن وقت خواستند که نام ایشان را از صندوق‌ها درآورند. برای همین پس از انقلاب در مجلس خبرگان قانون اساسی - که بنده رئیس آن بودم و شهید بهشتی نایب رئیس - آنجا اصل ۹۹ تأسیس شد تا از دخالت دولتی‌ها جلوگیری شود و قدیس‌تر از فقهای شورای نگهبان جهت نظارت بر امر انتخابات سراغ نداشتیم؛ چون منصوب مرحوم امام خمینی رحمته الله بودند. ولی

متأسفانه آنچه می‌خواستیم نشد و همین شورای نگهبان که باید نگهبان آزادی انتخابات باشد عملاً آزادی انتخاب را از مردم گرفت و مردم مجبورند به کسانی رأی دهند که در وهله اول مورد نظر آقایان باشند. حال آن که مردم فاقد عقل و شعور نیستند. آنها حاضر نیستند به افراد فاسد و وطن فروش رأی دهند و آنها نیازی به قیّم ندارند. شورای نگهبان برخی از کسانی را که علاقه‌مند، خدمتگذار و متخصص بودند و سالیان سال در پست‌های حساس کشور خدمت کردند با انگ عدم التزام به اسلام فاقد صلاحیت اعلام کردند.

من به آقایان بارها عرض کرده‌ام این گناه و خلاف شرع بین است. شما کسانی را که در خط اسلام هستند متهم به بی‌دینی می‌کنید و این کار شما با موازین اسلام سازگار نیست. حتی پس از انتخاب فردی توسط مردم و رأی آوردن برای اینکه فرد مورد نظر خودشان به مجلس رود رأی‌ها جابجا می‌شود چنانچه چند سال قبل آرای همین آقای دکتر رجایی با دیگری جابجا شد تا آن فرد به مجلس برود! من آن روز خیلی غصه خوردم که آنچه امام و ما به مردم قول دادیم این نبود.

سفارش من به شماها این است که ناامید نشوید، ما نیامده‌ایم تا حکومت کنیم، خدا از ما انجام وظیفه خواسته است ما به قدر توان و قدرتمان انجام وظیفه می‌کنیم و خدا هم می‌داند بیش از این قدرت نداریم. من بارها برای دوستان گفته‌ام سوره کوچکی مثل «والعصر» را زیاد بخوانید و در مضامین آن دقت کنید و آن را دستورالعمل زندگی قرار دهید. در این سوره خدا افرادی را که عمل صالح انجام می‌دهند و توأصی به صبر و حق می‌کنند از کسانی می‌داند که در عمرشان دچار خسران و زیان نشده‌اند. و جای دیگر اجر صابران را بدون حساب می‌داند.

[آیت‌الله خمینی هم با حبس مخالفین خود موافق نبود]

درباره برخوردهایی که با مخالفان می‌شود خاطره‌ای از آیت‌الله خمینی نقل کنم

که روزی خدمت ایشان رسیدم، سؤال کردم آقا! کسی در زندان است و می‌گوید: من به مسعود رجوی علاقه دارم چون با ایشان رفاقت داریم، از آخوندها هم بدم می‌آید، از آقای خمینی هم خوشم نمی‌آید؛ اما دیگر از سیاست خسته شده‌ام می‌خواهم مثلاً بروم دنبال کشاورزی و ما هم می‌دانیم راست می‌گوید؛ آیا این شخص را باید باز هم در زندان نگه داشت؟! ایشان فرمودند: نه! چرا نگه داریم اگر کسی مرا قبول ندارد نداشته باشد مگر من خدا و یا پیغمبرم! این نظر ایشان بود؛ اما الآن آقایان نظر دیگری دارند.

درباره برخورد با زندانیان ما سعی کردیم وظایف مان را در دفاع از حقوق آنها انجام دهیم. آقای محمدی گیلانی (قاضی القضاة وقت زندان اوین) از اینکه من در قم دادگاه عالی برای رسیدگی به پرونده‌ها تشکیل داده بودم در اوایل راضی نبودند، ولی بعداً گفتند شما کار خوبی کردید، چون که از اعدام ۶۰۰۰ نفر بیگناه جلوگیری شد و آنها آزاد شدند و مشکلی هم ایجاد نشد.

[دانشجویان غیر مسلمان هم باید آزادی بیان داشته باشند]

برخوردهایی که با برخی از دانشجویان با عقاید غیراسلامی می‌شود و شما هم به آن اشاره کردید، یادم هست آیت‌الله خمینی در پاریس گفتند حتی کمونیست‌ها هم در نظام آینده ما آزادند که اظهار نظر کنند.

نگرانی و ناراحتی من این است که تمام خلاف‌کاری‌ها به نام اسلام انجام می‌شود؛ به مردم اهانت می‌شود به اسم اسلام؛ افراد به بی‌دینی متهم می‌شوند به اسم اسلام؛ افراد خدمت‌گذار و متدین بایکوت می‌شوند به اسم اسلام. نظامی که نتواند افرادی چون آقای حجة الاسلام هادی قابل با آن همه سوابق خدمت به اسلام و انقلاب را تحمل کند و به اتهامات واهی ایشان را روانه زندان کند چگونه نامش اسلامی است؟! او نه ضد نظام است نه ضد دین. او و امثال او افرادی خدمت‌گذارند که حرف‌ها و

افکار آنها با نظرات برخی‌ها مخالف است. زمان سابق و رژیم گذشته هر کاری می‌شد پای اسلام وسط نمی‌آمد ولی حالا همه خلاف کاری‌ها پای اسلام گذاشته می‌شود. من با اینکه آفتاب لب بامم اما در عین حال کارم چندین برابر گذشته شده است. ولی در حد توان خودم، وظایف را انجام می‌دهم؛ و هم گذشته و هم حال هیچ قصدی جز خیر و اصلاح نداشته و ندارم. از شما هم تشکر می‌کنم که وظیفه خود را انجام می‌دهید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

۱۳۸۷/۱/۲۵

دفتر آیت‌الله العظمی منتظری

مصاحبه خبرنگار «رادیو زمانه»

۱۳۸۷/۲/۱

سؤال: حضرت آیت الله منتظری، با توجه به فضای کنونی و دولت جدید، استفاده از نام امام زمان (عج) برای اهداف سیاسی خیلی باب شده و همین طور شنیده شده که در برخی جلسات صندلی خالی و بشقابی برای حضرت صاحب الامر (عج) گذاشته می شود. نظر حضرت عالی در این مورد چیست؟

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

[نادرستی استفاده ابزاری و سیاسی از عقاید دینی]

اگر این طور باشد که شما می فرمایید، نتیجه اش، این می شود که مردم هم به امام زمان (عج) و دیگر امور دینی ایمان شان کم شود و اینکه بخواهیم در امور سیاسی از عقاید دینی استفاده ابزاری بکنیم کار غلطی است. من بارها عرض کرده ام که در زمان شاه هرکار می کردند - که کار خلاف زیاد می کردند - اما به اسم دین و مذهب نبود و دین و مذهب را ابزار قرار نمی دادند. ولی حالا متأسفانه افرادی را بازداشت می کنند، برای آنها پرونده می سازند و اینها همه به اسم دین و اسلام انجام می شود و در نتیجه سبب بدبینی جوانان به اسلام و دین می شود. درباره حضرت حجت (عج) هم همین طور است. نباید از نام آن حضرت استفاده ابزاری کرد.

[آماده کردن مسیر و گروه استقبال، موجب بدبینی به حضرت حجت]

حتی من دیدم که گاهی اوقات صحبت می‌شود که برخی می‌خواهند برای ظهور ایشان گروه استقبال، و حتی مسیر حرکت آماده کنند؛ این‌ها کار درستی نیست. این کارهای سبک و سوء سبب می‌شود که مردم و مخصوصاً جوانان نسبت به امور دینی و حضرت حجت(عج) و دیگر امور، بدبین شده و ایمان‌شان کم شود؛ به‌ویژه این قسم کارها اموری است که موجب لوث، وهن و تضعیف عقاید می‌شود.

* برخی از شخصیت‌های روحانی گفته بودند لیست نمایندگان فعلی را امام زمان(عج) امضا کردند. و برخی از چهره‌های حوزوی هم این دیدگاه‌ها را ترویج می‌کنند و حمایت می‌کنند. یعنی آن آقایان معصوم هستند؟ آیا نظر آنها و هر کاری که کردند حجت است برای ما؟ چنین نیست که آنها معصوم باشند و کار و حرف آنها درست باشد. ممکن است آنها هم اشتباه کرده باشند. معنی این حرف آقایان این است که هر کار خلافی اگر از نمایندگان سر بزنند به حساب امام زمان(عج) گذاشته شود!

* در خصوص مسجد جمکران هم دولت جدید تلاش می‌کند که آن را بسیار ترویج بدهد... این دنباله همان استفاده ابزاری از امور دینی است و کار درستی نیست.

[عدم استرداد مکان‌های غصب شده]

* آیا اماکنی که از شما گرفته بودند پس داده‌اند؟

پس از صحبت‌های خیرخواهانه این جانب در چند سال پیش که بیش از ۵ سال محصور بودم، حسینیه شهدا، که محل سوگواری و تدریس فقه بود را پلمب کرده‌اند. دفتر اصفهان را هم تصاحب کرده‌اند. راجع به دفتر مشهد هم جواب درستی نمی‌دهند که در حقیقت آن را هم صاحب شده‌اند، به چه مجوزی؟ خدا می‌داند!

[حبس یاران آیت الله منتظری]

* آیا از طرفداران شما، کسی در زندان است؟

چندی قبل حجة الاسلام آقای هادی قابل را زندان کردند، به چه مجوز قانونی و شرعی، نمی دانم! آقای عمادالدین باقی هم زندانی است. بسیاری هم هنوز پرونده شان مفتوح است. حکومتی که نتواند افرادی مثل هادی قابل یا عمادالدین باقی را تحمل کند، نمی توانیم بگوییم حکومت اسلامی است. با اینکه این آقایان هم سابقه انقلابی دارند، از خانواده شهدا هستند، زندان رفته اند و فعالیت های زیادی داشته اند، دلیلی برای زندانی کردن شان وجود ندارد. آقایان در تهران و مرکز، سیاست ها و برنامه ها را ریخته و پیاده می کنند و مردم از آن خبر ندارند. بعد از گذشت نزدیک ۳۰ سال از انقلاب وعده هایی که ما به مردم دادیم، وعده هایی که آیت الله خمینی به مردم دادند، با کارهایی که آقایان می کنند مناسبت ندارد.

[ظلم پایدار نیست]

* ولی در آموزه های دینی همیشه گفته می شود که ظلم پایدار نیست، آیا شما فکر می کنید این ظلم پایدار می ماند؟
بالاخره هر حکومتی که ظلم کند پایدار نمی ماند: «الملك یبقی مع الکفر ولا یبقی مع الظلم».

[ختم ولایت فقیه]

* ولی ظاهرش این است که تا اینجا پایدار مانده است.
نه، پایدار نمی ماند. ما حوصله مان کم است؛ و الا پایدار نمی ماند. در نوشته های قبلی من بود که «ولایت فقیه این جور که آقایان عمل می کنند، از آقای خمینی شروع شد و به این آقا ختم می شود» و دیگر بعدش ولایت فقیه در این کشور جا نمی افتد.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

دیدار اعضای شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت

۱۳۸۷/۲/۸

در ابتدای این دیدار اعضای شورای مرکزی اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان سراسر کشور (دفتر تحکیم وحدت) از برخوردهای صورت گرفته با دانشجویان منتقد در دانشگاهها و محاکم قضایی و همچنین وضعیت علمی دانشگاهها گزارشی ارائه نمودند و ادامه دادند: متأسفانه با آغاز سال جدید شاهد افزایش برخورد با فعالین مدنی در جامعه هستیم و گروهی تلاش می نمایند با هر شیوه‌ای صدای منتقدان را خاموش نمایند، از سوی دیگر معیار انتصاب افراد تخصص نیست و افراد هر چه بیشتر تملق‌گویی نمایند به پستهای کلیدی تری دست می‌یابند، که نمونه بارز آن انتصاب فردی به سرپرستی وزارت کشور است که گفته بود: شخصی به من گفت اگر قرار بود پیامبر دیگری بیاید آن احمدی نژاد بود.

همچنین برخوردهای شدید انضباطی و محرومیت دانشجویان از تحصیل، طرح امنیت اجتماعی، طرح سهمیه‌بندی جنسیتی از دیگر مواردی بود که اعضای این اتحادیه به صحبت در خصوص آن پرداختند.

حضرت آیت‌الله العظمی منتظری طی بیاناتی فرمودند:

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

[زندانی کردن افراد برای درس عبرت دادن به دیگران]

متأسف هستیم برای حکومتی که حتی آقایان باقی و قابل و دانشجویان را نیز تحمل نمی‌کند.

ایشان در پی ابراز نگرانی اعضای این اتحادیه از وضعیت سه دانشجوی امیرکبیر و حکم ناعادلانه برای آنها هم فرمودند:

متأسفانه می خواستند این دانشجویان در زندان باشند و دنبال بهانه می گشتند و می خواستند مایه عبرت دیگران باشند و به دنبال پرونده سازی هستند.

ایشان ادامه دادند:

[تخلف از وعده های آزادی اوایل انقلاب]

آنچه مایه تأسف است اینکه آیت الله خمینی وعده هایی دادند ما هم به تبع ایشان همان ها را مطرح کردیم، مردم هم به خیال اجرای آنها در صحنه آمدند، انقلاب کردند و هزینه های سنگینی هم دادند، اما آن وعده ها عملاً محقق نشد. ما به مردم قول دادیم که آزادی باشد، استبداد نباشد و به مردم و نظرات آنها بها داده شود، ولی نشد. البته من در حد خود گفتم ولی کسی به نصایح و خیرخواهی ها توجه نکرد.

ایشان ادامه دادند:

[ظلم به اسم اسلام]

البته در زمان شاه هم کارهایی می شد و ظلمهایی بود اما به اسم دین و اسلام نبود، ولی امروز حرفهایی زده می شود و کارهایی انجام می شود و نگرانی و ناراحتی من این است که تمام خلاف کاری ها و تبعیض ها به نام اسلام انجام می شود؛ به مردم اهانت می شود به اسم اسلام؛ افراد به بی دینی متهم می شوند به اسم اسلام؛ افراد خدمتگزار و متدین کنار گذاشته می شوند به اسم اسلام.

[حبس خدمتگزاران نشانه غیر اسلامی بودن حکومت]

نظامی که نتواند افرادی چون آقای حجة الاسلام هادی قابل با آن همه سوابق خدمت به اسلام و انقلاب را تحمل کند و به اتهامات واهی ایشان را روانه زندان کند

چگونه نامش اسلامی است؟! ایشان نه ضد نظام است نه ضد دین. آنها و امثال آنها افرادی خدمتگزارند که حرف‌ها و افکار آنها با نظرات برخی‌ها مخالف است. زمان سابق و رژیم گذشته هر کاری می‌شد پای اسلام وسط نمی‌آمد، ولی حالا همه خلافکارها پای اسلام گذاشته می‌شود.

[در رژیم شاه هم دانشجویان مخالف ستاره‌دار نشدند]

در برخورد با دانشجویان هم متأسفانه از حقوق شهروندی و حق تحصیل محرومند. در حالی که زمان سابق من زندان بودم، محمدما هم فراری بود، اما احمد ما در همین دانشگاه پلی‌تکنیک درس خواند و مدرک گرفت و کسی هم مزاحمش نشد؛ اما حالا دانشجویان را ستاره‌دار کرده از تحصیل محروم می‌کنند.

[اهمیت مصونیت حریم خصوصی]

ایشان ضمن مخالفت با ورود به حریم خصوصی مردم و رفتار نادرست صورت گرفته با مردم نیز فرمودند:

خلیفه دوّم وقتی خلیفه بود شبها در مدینه می‌گشت، از خانه‌ای صدای موسیقی می‌آمد از دیوار بالا رفت و سرش را داخل خانه کرد و گفت: چشم خلیفه را دور دیدید؟ مرد صاحب خانه که آدم شجاعی بود گفت: اگر ما یک گناه انجام دادیم تو سه گناه انجام دادی، اوّل اینکه از دیوار خانه بالا آمدی در صورتی که در قرآن می‌خوانیم: ﴿ادخلوا البيوت من ابوابها﴾. دوّم اینکه سلام نکردی و در قرآن می‌خوانیم: ﴿اذا دخلتم بيوتا فسلموا على اهلها﴾. و سوّم تجسس کردی؛ و در قرآن آمده: ﴿لا تجسسوا﴾. خلیفه پس از شنیدن این استدلال محکم برکار خلافتش گفت: پس به هم در. و صرف نظر کرد و نگفت او را بازداشت کنید چون به خلیفه توهین کرده است. بنابراین مشخص است که اسلام با این رفتارها موافق نیست. و بدتر از همه اینکه متأسفانه اخیراً شنیدیم که برخی از مجریان این طرح خود نیز دچار لغزش شده‌اند.

[اهمیت تحصیل علم]

حضرت آیت الله العظمی منتظری در پایان یادآور شدند:
دانشجویانی که احساس مسئولیت دارند باید بهتر نیز درس بخوانند، زیرا در غیر
این صورت افراد بی تفاوت و عافیت طلب به مدارج بالای علمی می رسند و
مسئولیت هایی را قبول می کنند و این امر اصلاح امور را مشکل تر می کند.

۱۳۸۷/۲/۸

دفتر آیت الله العظمی منتظری

دیدار شورای مرکزی انجمن اسلامی معلمان ایران و شورای انجمن اسلامی معلمان قم

۱۳۸۷/۲/۱۰

﴿ بسمه تعالی ﴾

شورای مرکزی انجمن اسلامی معلمان ایران به همراه شورای انجمن اسلامی معلمان قم ضمن حضور در بیت حضرت آیت الله العظمی منتظری با ایشان دیدار و تبادل نظر کردند. مشروح سخنان دیدارکنندگان و سپس سخنان فقیه عالیقدر چنین است:

* آقای محمدی (مسئول دفتر مرکزی انجمن اسلامی معلمان ایران) ضمن عرض تشکر همانگونه که اطلاع دارید انجمن اسلامی معلمان قبل از انقلاب تشکیل شد و مؤسس آن شهیدان بهشتی، باهنر و رجایی بودند و برخی دیگر که الآن بین ما نیستند و تعدادی هم شهید شده‌اند. این انجمن همواره در جریان مبارزات به ویژه در آموزش و پرورش منشأ اثر بوده است و در حقیقت واسطه‌ای است میان مسئولین آموزش و پرورش و معلمین سراسر کشور که به قم آمده‌اند تا از محضر علما کسب فیض کنند. دوستانی که خدمت رسیده‌اند همگی از پیش‌کسوتان عرصه تعلیم و تربیت و مدیران اجرایی این بخش و بخش‌های دیگر بوده‌اند که متأسفانه در انتخابات اخیر علی‌رغم سوابق درخشان خدمت و مدیریت به اتهام عدم التزام به اسلام برخی از آنان رد صلاحیت شدند.

* آقای الحسینی (عضو شورای مرکزی انجمن اسلامی معلمان) من هم به نوبه خودم تشکر می‌کنم. بحثی که فعلاً مطرح است ارتباط فرهنگ عمومی جامعه و خرافاتی است که روز به روز به آنها دامن زده می‌شود و خود موجب نابهنجاری‌هایی شده است، که این روند به شدت روی جامعه اثر گذاشته و از سویی فرقه‌گرایی به ویژه در نقاط سنی‌نشین تشدید شده است. بحث دیگر انفعال

مردم است که به شدت مردم از جهت سیاسی تحقیر شده‌اند، رأی آنها کم اثر شده است و وضعیت انتخابات مجلس هشتم را هم که ملاحظه فرمودید. وضعیت فقر عمومی هم از مباحث مهم است که توان و رمق از مردم گرفته شده است و این تحقیرهای همزمان در عرصه سیاسی و اقتصادی موجب شده است که فقر فرهنگی هم شدت یابد. خروجی‌های مدارس از دو دسته خالی نیستند یا آدم‌های افراطی تربیت شده‌اند که به ظاهر عبادت می‌کنند، اما به شدت از منطق‌گریزان هستند، افرادی خشک و متعصب که موجب زدگی دیگران هم شده‌اند. دسته دیگر آدم‌هایی هستند که از آن طرف لائیک شده و هیچ قید و بند مذهبی ندارند. این رفتارها همگی عکس‌العمل کارهای مسئولان فرهنگی، سیاسی و اقتصادی است و رفتار نظام تعلیم و تربیت روی آنها اثر گذاشته است. متأسفانه بحث فقر اقتصادی معلمان هم موجب شده که آنها انگیزه کافی برای تدریس نداشته باشند. با توجه به خط فقری که اعلام شده - ۶۵۰ هزار تومان در ماه - معلمان زیر خط فقرند و بر این اساس، شغل دوّم و سوّم آنها اجازه نمی‌دهد متوجه تعلیم و تربیت شوند. تحقیرهای عمومی روی آنها هم اثر گذاشته است و سبب شده است بچه‌های مردم که امانت دست آنها هستند از لحاظ علم و تربیت موفق نباشند.

امیدواریم علمای حوزه که خود این دردها را احساس می‌کنند ما را راهنمایی کنند، چاره‌اندیشی کنند که ما هم بتوانیم وظیفه‌مان را به خوبی انجام دهیم.

* آقای دوزدوزانی (عضو انجمن، اولین فرمانده سپاه و وزیر ارشاد شهید رجایی) بنده هم از بزرگواری حضرت‌عالی تشکر می‌کنم. هفته معلم است و لازم دیدیم خدمت بزرگان برسیم. دوستان مطالبی گفتند که حرف همه است. بحث آمیخته شدن جامعه به خرافات خیلی جدی است و جامعه را تحت تأثیر قرار داده است. جامعه ما «اسلامیت» را یدک می‌کشد اما اسلامی که استشمام می‌کنیم ظاهراً از اسلام حقیقی دور است. از یک سو شعارها و فریاد و سرو صدا هست اما از محتوا خالی شده‌ایم. من پیش خود فکر می‌کردم اگر ما از اسلام دم نمی‌زدیم بهتر بود. در هر حال در این وضعیت احساس کردیم لازم است خدمت بزرگان برسیم که بدانیم واقعاً حوزه و علما برای این معضل چه طرحی و برنامه‌ای دارند تا با پیگیری آن به وضعیت روشنی برسیم تا اسلام زلال و ناب را که بتواند قرائت‌های مختلف را جواب دهد بهتر بشناسیم و بتوانیم شبهات را پس بزنیم. در باره

انجمن اسلامی معلمان هم که اطلاع دارید در جریان انقلاب و پس از آن حرکت‌های موفق‌تری داشت و اعضای آن دارای سوابق درخشانی در دوره‌های مختلف مجلس بوده‌اند ولی امثال این‌جانب به عنوان عدم التزام عملی به اسلام معرفی می‌شوم و توسط شورای نگهبان رد صلاحیت شده‌ام. خیلی هم راحت در این نظام چنین تهمتی می‌زنند. امیدوارم با رهنمودهای خود ما را راهنمایی فرمایید.

﴿ اَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ﴾

﴿ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ﴾

در وهله اول از آقایان تشکر می‌کنم که احساس مسئولیت کرده‌اید و زحمت می‌کشید و مطالب و مشکلات را مطرح می‌کنید. همین احساس مسئولیت شما مطلب مهمی است که امیدوارم به نتایج خوبی برسد.

[برخلاف وعده استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی عمل شد]

آیت‌الله خمینی علیه السلام شعارهایی مطرح کردند چون: «استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی». ایشان درباره آزادی بیان در پاریس می‌گفتند: «در حکومت آینده ما حتی کمونیست‌ها هم آزادند تا نظرات خودشان را مطرح کنند». ما هم به پیروی از ایشان به مردم وعده آزادی دادیم. گفتیم: در رژیم آینده دیگر کسی زندانی نمی‌شود، تبعید نمی‌شود ان شاء الله اوضاع عوض خواهد شد. خود مرحوم آیت‌الله خمینی بارها می‌گفتند: میزان رأی مردم است اما با این همه شعار و حرف کار به جایی رسیده است که افراد با سابقه، متدین و خدمت‌گذار به مسلمان بودن متهم می‌شوند و به آنان تهمت می‌زنند که ملتزم به اسلام نیستند. آیا فکر کرده‌اند متهم کردن افراد مسلمان، معتقد و متدین به عدم التزام به اسلام گناه بزرگی است. این «تفسيق» مردم است، آیا شرعاً جایز است؟!]

[هدم آزادی انتخابات و دومرحله‌ای کردن توسط شورای نگهبان]

برخوردهایی که در ایام انتخابات شد واقعاً خلاف شرع و قانون بود. بندگان خدا را با انحصارطلبی از حقوق خود محروم کردند. بارها عرض کردم فلسفه وجودی اصل ۹۹ این بود که در زمان شاه دولتی‌ها در امر انتخابات دخالت می‌کردند. می‌گفتند فلانی باید از صندوق‌ها بیرون بیاید. پس از انقلاب در مجلس خبرگان برای جلوگیری از دخالت‌های متصدیان امور و برای جلوگیری از تکرار وضعیت سابق آنجا مطرح شد به نظرمان آمد شورای نگهبان نظارت کند چون منصوب از طرف امام و لابد نهادی قدیس‌اند و جلوی دخالت‌ها و تصرف‌ها را خواهند گرفت و ضامن اجرای آزادی در جامعه خواهند بود. غافل از اینکه آقایان خودشان را فعال مایشاء قرار داده‌اند و انتخابات شده است دو مرحله‌ای، اول آقایان انتخاب می‌کنند سپس مردم از بین منتخب‌های آنان انتخاب می‌کنند. در این دوره که وزارت کشور هم وارد این کارها شد. این درست نیست که اگر کسی ما را قبول ندارد او را انگ عدم التزام به اسلام بزنیم و مزاحم او شویم، یا بگوییم او متعهد نیست.

[از نظر امام، دوستدار رجوی و مخالف خمینی هم نباید زندانی شود]

یک وقتی من به مرحوم امام خمینی گفتم آقا! یک کسی است می‌گوید من با رجوی رفیقم به او هم علاقه دارم و از آخوندها و حتی آیت‌الله خمینی خوشم نمی‌آید اما می‌خواهم دنبال کسب و کارم باشم، و کاری هم با شما ندارم، آیا این شخص باید در زندان نگهداری شود یا آزادش کنیم؟ ایشان گفتند: برای چه نگاهی داریم من نه خدایم نه پیامبر نه امام معصوم! حالا من را قبول ندارند نداشته باشند. وقتی قصد ضربه زدن ندارد برود دنبال زندگی‌اش با هر عقیده‌ای که دارد.

[ضرورت تأمین معاش و مسکن معلمان]

این ایام مصادف است با هفته معلم و شهادت آیت الله مرتضی مطهری که می بینیم همزمان با این ایام نام ایشان مطرح می شود، عکس ایشان پخش می شود؛ در صورتی که خوب است فقط جنبه شعاری و صوری نباشد و واقعاً اهداف ایشان بیان شود. واقعیت مطلب این است که در اقشار زحمت کش جامعه ما مظلومتر از قشر معلم وجود ندارد. برای اینکه حقوق و درآمد آنها از نصف یک زندگی فقیرانه هم کمتر است. اگر صاحب مسکن نباشد که این حقوق دریافتی آنها کفاف کرایه خانه را هم نمی دهد - امامان علیهم السلام ما اگر مشکلات داشته اند حداقل مستأجر نبودند - در حالی که پست های زیادی در کشور هست که به بهانه های مختلف حقوق های کلانی دارند، پول های کلانی به خارج از کشور می دهند ولی معلم ها از نظر معیشت در رده پایینی قرار دارند. با اینکه اگر به فرهنگ و تعلیم و تربیت اهمیت می دهیم اگر آینده کشور و آیندگان را می خواهیم باید به همین قشری که فرزندانمان را در مدارس تربیت می کنند بها بدهیم. هر کسی می آید وعده هایی می دهد، بر اثر فشارها معلم ها تحصن و تجمع می کنند اما جز وعده و وعید خبر دیگری نیست. اگر به دنبال فراگیری معارف دینی هم هستیم در همین مدارس می توانیم زمینه سازی کنیم و مبانی دینی فرزندان را تقویت و محکم کنیم. ان شاء الله مسئولین از خواب غفلت بیدار شوند و در مسئله مهم فرهنگ، تعلیم و تربیت واقعاً سرمایه گذاری کنند.

[آثار آقای صالحی نجف آبادی خواندنی است]

این ایام ضمناً مصادف است با درگذشت عالم ربانی دیگر مرحوم آیت الله حاج شیخ نعمت الله صالحی که حقیقتاً از علمای زاهد و با تقوا بود. و متأسفانه مورد ظلم واقع شد، با اینکه کتب با ارزش ایشان خواندنی است. من کتاب با ارزش «غلو» ایشان را نخوانده بودم - شما به بحث خرافات و غلو اشاره کردید - اخیراً من این کتاب را تا

آخر خواندم، خیلی با ارزش است. حالا هم غلو و خرافات در جامعه دارد رشد پیدا می‌کند. دین، امامت، امام زمان (عج) جنبه ابزاری پیدا کرده است. مسئله دارد لوث می‌شود، جوری می‌شود که کم‌کم نسل جوان می‌گوید اصلاً پیداست خبری نیست.

[استفاده ابزاری از اسلام و امام زمان گناه بزرگی است]

یک روز بحث استقبال از ایشان مطرح می‌شود. اینها استفاده ابزاری از اسلام و امام زمان (عج) است و گناه بزرگی است. بارها گفته‌ام زمان شاه اگر کار خلافی می‌شد به آن رنگ و بوی اسلام نمی‌دادند. حالا چند نفر از آقایان خودشان را اسلام مجسم می‌دانند.

[قانون اساسی فقط ولایت فقیه نیست، اصول دیگر و حقوق ملت هم هست]

واقعیت این است که با این جور برخوردها مردم را از دست می‌دهند. باید کاری کرد که دل مردم به دست آید، بیت‌المال مال این مردم است. این گونه نیست که اختیارش دست چند نفر باشد هر جور بخواهند تصمیم‌گیری کنند. اگر ولایت فقیه هم در قانون اساسی آمده معنی اش این نیست که یک نفر همه کاره باشد و مابقی مردم اهمیت نداشته باشند. در قانون اساسی ما فقط اصل ولایت فقیه نیست، اصول دیگری هم هست مانند اصول مربوط به حقوق ملت. آنها را رها کرده‌اند فقط همین را گرفته‌اند. و تا چیزی گفته می‌شود می‌گویند: مرگ بر ضد ولایت فقیه و آن را چماق کرده‌اند برای زدن بر سر افراد.

[ولایت فقیه برای نظارت بود نه خودکامگی]

این ولایت فقیه را ما پر و بال دادیم، کتاب درباره‌اش نوشتیم، ولایت فقیه یعنی فقیه ناظر باشد که احکام اسلامی در کشور اجرا شود، نه اینکه یک نفر فعال مایشاء باشد. پیامبر ﷺ و حضرت امیر علیه السلام هم خودشان را فعال مایشاء نمی‌دانستند. خود

امیرالمؤمنین در خطبه ۲۱۶ فرمودند: «فلا تكفوا عن مقالة بحق او مشورة بعدل فاني لست في نفسي بفوق ان اخطيء» یعنی شما از گفتار حق و مشورت عادلانه صرف نظر نکنید. من ذاتاً فوق خطا نیستم. حضرت با اینکه معصوم‌اند این گونه حرف می‌زنند و خود را ذاتاً فوق خطا نمی‌دانند.

[حبس منتقدان و خدمتگزاران]

حالا جواری شده است که هر کس انتقادی و اشاره‌ای به آقایان می‌کند فوراً به زندان محکوم می‌شود. از باب مثال حجة الاسلام آقای هادی قابل با سوابق انقلابی‌اش و خدمت پس از انقلاب، یا آقای عمادالدین باقی - که از حقوق زندانیان دفاع می‌کرد - زندانی شده‌اند.

[در توصیه به حق از سختی و زندان و مرگ نهراسید]

در هر صورت مشکلات بسیار است ولی با این حال امیدوارم ناامید نشوید، عافیت طلبی و بی تفاوتی پیشه نکنید و به فکر جامعه باشید و صبر و تحمل داشته باشید. سوره «والعصر» را بخوانید که انسانهای باایمان را دارای صبر و تحمل می‌داند و می‌گوید آنها توأسی به حق و صبر می‌کنند. انسان با احساس مسئولیت نباید از مشکلات هراس داشته باشد. فوقش زندان می‌کنند یا می‌کشند. یک وقت یکی از بزرگان به من گفت: ائمه علیهم السلام در مقابل حکومت‌ها ساکت بودند، گفتم: که اولاً: ساکت نبودند اگر ساکت بودند پس چرا شهیدشان می‌کردند و ثانیاً: امام حسین علیه السلام هم جزو ائمه بودند. گفت: حالا او حسابش جداست. گفتم: یعنی امام حسین علیه السلام امام نبود؟! در زیارت نامه امام حسین علیه السلام می‌خوانیم: «اشهد انک قد اقمت الصلوة و آتیت الزکاة و امرت بالمعروف و نهیت عن المنکر» پس باید از امام حسین علیه السلام الگو گرفت و ایشان را اسوه قرار داد و بی تفاوت نبود و به اندازه قدرت و توان از دین اسلام و حقوق مردم دفاع کرد.

[درآمد نفت برای رفع فقر مردم است]

مشکلات اقتصادی مردم هم که اشاره کردید واقعاً مهم است. نفتی که الآن حدود ۱۱۵ دلار است و پیش‌بینی می‌شود تا ۲۰۰ دلار هم برسد با این حال اقشار بی‌بضاعت جامعه در زندگی‌شان بهبودی ایجاد نشده است. این پول‌ها باید برای مردم صرف شود و حداقل زندگی‌شان را بتوانید تأمین کنید.

خداوند کسانی را که دلسوزند و زحمت می‌کشند اجرشان بدهد، رفته‌گان خاک درجاتشان را عالی کند و به شما هم توفیق و اجر عنایت فرماید و عاقبت همه ما را ختم به خیر نماید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

دفتر حضرت آیت‌الله العظمی منتظری

**دیدار جمعی از اعضای انجمن‌های اسلامی دانشجویان دانشگاه‌های تهران
(دانشگاه هنر)، شهرکرد و کاشان و همچنین جمعی از اقشار مختلف مردم**

۱۳۸۷/۳/۹

طی دیدار کوتاه جمعی از اعضای انجمن اسلامی دانشگاه‌های تهران (دانشگاه هنر)، شهرکرد و کاشان در روز پنج‌شنبه ۱۳۸۷/۳/۹ با حضرت آیت‌الله العظمی منتظری، ایشان ضمن تشکر از فعالیت‌های دانشجویان در دانشگاه‌ها به‌ویژه انجمن‌های اسلامی درباره اهمیت کسب علم و دانش فرمودند:

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

[وجوب آموزش علوم]

هیچ دینی به اندازه اسلام به اهمیت علم‌اندوزی تصریح ندارد. خدا در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿هل يستوی الذین یعلمون والذین لا یعلمون﴾ در روایات هم آمده است: «طلب العلم فريضة على كل مسلم» اینکه می‌فرماید: «طلب العلم فريضة» هم شامل واجب کفایی است و هم واجب عینی. تحصیل برخی علوم واجب کفایی است، چنانچه مردم منطقه‌ای احتیاج به برخی تخصص‌ها دارند مانند پزشکی که بر همه افراد لازم است تا برآورده شدن نیاز به پزشک، به این رشته و تخصص بپردازند. برخی از علوم هم فراگرفتنش واجب عینی است. مانند اصول عقاید، اخلاق و فقه. بر حسب مراحل سه‌گانه وجودی انسان. از اهمیت همه که بگذریم علم اخلاق آنقدر اهمیت دارد که پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «بعثت لا تتم مكارم الاخلاق». متأسفانه امروزه ارزش‌های اخلاقی در دانشگاه‌ها، حوزه‌ها و به‌ویژه در حوزه سیاست خیلی کم‌رنگ شده است و

مباحث اخلاقی را کوچک می‌شمارند. حال آن‌که اساس بعثت پیامبر ﷺ برای اکمال مکارم اخلاق بوده است.

طلب علم و دانش در اسلام از نظر مکان، زمان، استاد و شرایط، دارای محدودیت نیست. در اصول کافی آمده است: «لو يعلم الناس ما فی طلب العلم لطلبوه ولو بسفک المہج و خوض اللجج»، یعنی اگر مردم می‌دانستند آنچه را که در تحصیل علم بدست می‌آید آن را طلب می‌کردند هر چند به ریخته شدن خون دلها و فرو رفتن در گردابها باشد.

[با تحصیل خود آینده کشور را بیمه کنید]

دانشجویان عزیز که احساس وظیفه می‌کنید و در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی وارد می‌شوید، توجه داشته باشید اگر شما درس نخوانید، بی‌دردها و عافیت‌طلب‌ها درس‌ها را می‌خوانند و آینده کشور و اسلام را قبضه خواهند کرد و آن وقت دردی از دردهای مردم دوا نمی‌شود.

[محرومیت از تحصیل به جرم عقیده]

متأسفانه از گوشه و کنار اخباری هنوز به گوش می‌رسد که مزاحمت برای دانشجویان از لحاظ جلوگیری از تحصیل علم ادامه دارد و به بهانه‌های مختلف آنها را از آموختن علم باز می‌دارند، مثلاً آنها را ستاره‌دار می‌کنند و این درست نیست که کسی به صرف ابراز عقیده یا مخالفت با برخی افراد از حقوق اجتماعی خود محروم شود.

[با تحمل مشکلات امر به معروف و نهی از منکر مانع تسلط اشرار شوید]

با همه این مشکلات و گرفتاری‌ها که برای شما ایجاد می‌شود، سفارش من این است که امر به معروف و نهی از منکر را که وظیفه همگانی است فراموش نکنید. بنابر

آنچه که امیرالمؤمنین علیه السلام در وصیت خود به امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام فرموده‌اند: «امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که اگر ترک کنید اشرار و بدان بر شما مسلط می‌شوند و آن وقت هر چه دعا کنید مستجاب نمی‌شود». امر به معروف و نهی از منکر را منحصر ندانید در مسایل جزئی؛ بلکه در مسایل اجتماعی و سیاسی باید هر یک در حد توان خود سکوت نکرده و توأسی به حق و در صورت بروز مشکلات توأسی به صبر نمایید.

در پایان این دیدار یکی از دانشجویان درباره‌ی علت برکناری ایشان از قائم مقامی رهبری در سال ۱۳۶۸ سؤالی کردند که ایشان فرمودند:

[در مورد سال ۶۸ همه چیز را نگفتم]

من از چند ماه قبل از آن اتفاق احساس می‌کردم که برنامه‌ای در کار است، مطالبی هم هنوز هست که من نخواستم پرده‌داری کنم ولی از برکناری‌ام هیچ ناراحتی نداشته و ندارم. حتی پدر مرحوم من وقتی خبر کناره‌رفتن من را شنیده بود سجده‌ی شکر بجا آورده بود که مسئولیت از روی دوش من برداشته شده است. اصلاً آدم عاقل سعی می‌کند که کمتر مسئولیت داشته باشد. دنیا هم از این بالا و پایین‌ها زیاد دارد. مهم این است که انسان وظیفه‌اش را انجام دهد تا نزد خدا حجت داشته باشد.

همچنین معظم‌له طی دیدار جمعی از ائمه‌سازان مردم در روز جمعه ۱۳۸۷/۳/۱۰ با ایشان، فرمودند:

[معارف، اخلاق، فقه و سه مرحله‌ی وجودی انسان]

امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: «الکمال کل الکمال التفقه فی الدین و الصبر علی النائبة و تقدیر المعیشة» در این حدیث پر محتوا امام باقر علیه السلام بالاترین کمال را یکی فهم دین و

فرورفتن در آن برای درک معارف دین می‌داند. تفقه که در این روایت می‌فرماید به این معنی نیست که همگی علم فقه را فراگیرند و فقیه شوند. انسان سه مرحله وجودی دارد: عقل و تفکر که با آن مآل‌اندیشی می‌کند و حیوانات از این نعمت محرومند؛ اصول و معارف مربوط به این مرحله است یعنی اعتقاد به مبداء و معاد، نبوت، ملائکه الهی و...؛ مرحله دیگر مرحله عواطف، غرائز و احساسات است که در این مرحله انسان نوعی تجرد دارد اما این تجرد برزخی است و کامل نیست؛ حیوان‌ها هم این مرحله را دارند. برای تنظیم این مرحله وجودی علم اخلاق کاربرد دارد که این علم می‌گوید: عاطفه، محبت و غیرت خوب است و خشونت، حسد، بداخلاقی و بی‌غیرتی ناپسند است؛ و در پی آن مرحله سوم که مربوط به اعضاء و جوارح است می‌آید که عبارت است از حلال و حرام خدا و اوامر و نواهی که علم فقه متصدی آن است. اما آنچه که در این حدیث به عنوان یکی از کمالات دانسته و می‌فرماید: «التفقه فی الدین» یعنی فرورفتن در فهم دین مربوط به همه این سه مرحله است و معنی‌اش فقه اصطلاحی نیست.

ابا کتاب خواندن و افزایش آگاهی، خود و فرزندان را از دوزخ حفظ کنید!

در این زمانه که جهان را رسانه‌ها فراگرفته است، سایت‌ها و شبکه‌های ماهواره‌ای مختلفی علیه دین تبلیغات می‌کنند. در مقابل آنها با شعار و خشونت نمی‌توان از دین دفاع کرد، بلکه باید مردم اطلاعات و آگاهی‌های دینی خود را افزایش دهند. سعی کنید کتاب خواندن را جزو کارهای روزانه خود قرار دهید. جوانان و فرزندان خود را تشویق کنید که با کتب علمی و دینی آشنا شوند. در قرآن سفارش شده است که علاوه بر خودتان خانواده خود را هم از آتش دوزخ دور نگه دارید؛ قرآن می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا﴾ البته در این راه مواظب باشید نسل امروزی با گذشته تفاوت دارند و نمی‌توان با پرخاش، تنبیه و تندی آنها را تربیت کرد بلکه با عاطفه، محبت و مهربانی باید با

آنها برخوردار کرد. مادران که دامنه‌شان اولین کلاس برای تربیت فرزندان است، در این جا نقش مهمی دارند.

بنابراین از کتاب و کتاب خوانی غفلت نکنید اگر کسی می‌خواهد کار خیر و باقیات الصالحات انجام دهد بسیار مناسب است که کتاب تهیه کرده در مراکزی مثل مساجد و کتابخانه‌ها قرار دهد تا اهل مطالعه از این نظر در مضیقه نباشند که این عمل در بالابردن فرهنگ مردم اثر مهمی دارد.

[صبر بر مشکلات از کمالات است]

در فقره دوم این روایت می‌فرماید: «والصبر علی النائبة» یعنی از دیگر کمالات صبر بر مشکلات و گرفتاری‌هاست. آنقدر صبر و تحمل و سعه صدر داشتن اهمیت دارد که قرآن کریم در مقام صابران می‌فرماید: ﴿انما یوفی الصابرون اجرهم بغير حساب﴾ یعنی به صبرپیشه‌گان بدون حساب و کتاب اجر داده می‌شود.

[برنامه‌ریزی و محاسبه در زندگی]

در سومین فراز می‌فرماید: «و تقدیر المعیشة» انسان باید در امور معیشتی خود اهل اندازه‌گیری و برنامه‌ریزی باشد. در زمان گذشته مردم اهل قناعت بودند و در امورات زندگی اهل زیاده‌روی، اسراف و تجمل نبودند و انتظارات خود را پایین می‌آوردند و به همین دلیل زندگی و معیشت را مدیریت می‌کردند.

اما گذشته از مردم که باید در معیشت خود، اندازه‌گیری داشته باشند؛ چون اقتصاد ما اکثراً دولتی است و آزاد نیست و دولت در بیشتر شؤون اقتصادی دخالت دارد و متصدی آن است چون مسئولیت معیشت مردم و تنظیم بازار در دست دولت است، پس باید در این باره برنامه‌ریزی و مال‌اندیشی داشته باشد. گاهی مشاهده می‌شود خود دولت عامل گران‌فروشی است؛ چنانچه برنج، گندم و... را از خود کشاورزان خریداری کرده و خیلی گران‌تر به مردم می‌فروشد.

[آذوقه مردم با شعار تأمین نمی شود]

دولت باید کاری کند که آذوقه مردم تأمین شود تا اقشار ضعیف و کم درآمد صدمه نخورده و بتوانند به راحتی خود و خانواده‌شان را تأمین کنند. فقط با حرف و شعار، عزل و نصب‌ها، برنامه‌نویسی و... امور اقتصادی حل نمی‌شود. حرف و شعار برای مردم مسکن و آذوقه نمی‌شود. اگر هم می‌گویید خشکسالی آمده است برای آن هم باید از قبل برنامه‌ریزی می‌شد و راه‌کارهای مقابله با خشکسالی شناسایی می‌گردید تا امروز به راحتی این مشکل حل می‌گشت و مردم در مضیقه قرار نمی‌گرفتند. ان شاء الله موفق باشید.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

**پاسخ به پرسش‌های مهندس لطف‌الله میثمی
در باره قانون اساسی و نقش شورای نگهبان در تفسیر آن**

۱۳۸۷/۳/۱۱

﴿ بسمه تعالی ﴾

برادرگرامی جناب آقای آیت‌الله العظمی حسینعلی منتظری

سلام علیکم بما صبرتم فنعم موسی عقبی الدار.

همان‌طور که می‌دانید انقلاب شکوهمند توحیدی اسلامی و مردمی ملت ایران در بهمن ۱۳۵۷ به ثمر رسید. مرحوم امام خمینی، رهبر این انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی سعی بلیغی داشتند تا قانون اساسی جمهوری اسلامی هر چه زودتر تدوین و به آرای عمومی ملت برای تصویب نهایی گذارده شود. با اینکه مجلس خبرگان قانون اساسی ثمره انتخابات طبیعی و دموکراتیک بود و ملت ایران با بسیج فوق‌العاده در این انتخابات شرکت کردند، با وجود این مرحوم امام اصرار داشتند که ثمره این تلاش ارزشمند و اندیشه ورزی سازمان یافته برای تصویب نهایی به رأی مردم گذاشته شود.

در جریان تدوین قانون اساسی با اینکه ۴۵ مجتهد جامع‌الشرایط و چند مرجع تقلید، بنیانگذار جمهوری اسلامی و اندیشمندان و روشنفکران زیادی این سند قانون اساسی را امضا کردند و مشروعیت مذهبی و عرفی یافت، ولی در جریان تدوین قانون اساسی و تشکیل اولین مجلس شورای ملی (بعدها اسلامی) از سوی برخی از علمای دینی زمزمه‌هایی به گوش رسید که «نیازی به قانون اساسی نداریم.» و «مگر حلال و حرام محمدی تا ابد حلال و حرام نیستند.» و «مگر این احکام مدون و موجود نیست.» و....

از آنجاکه امام خمینی هم زمان رهبر انقلاب، مرجع سنتی، رهبر قانونی و همچنین مردمی و

کاریزما بودند، این دسته از علما یارای مخالفت و مقاومت در برابر انقلاب به رهبری امام را نداشتند. از این رو این حرکت شکل دیگری یافت؛ متوسل شدند به احکام اولیه و حتی مقاومت در برابر تصویب قوانین از طریق احکام ثانویه و... تا اینکه در سال ۱۳۶۶ مرحوم امام، ولایت مطلقه یا عامه را مطرح کردند که با تکیه به روح قرآن، حاکمیت مستضعفین بر مستکبرین سیر احکام اولیه ثانویه رایج در رساله‌ها و آموزش‌های جاری را دور زده و حاکمیت و اولویت احکام اجتماعی قرآن بر احکام فردی و فرعی مندرج در رساله‌ها و فقه مصطلح را مطرح کردند و به نظر می‌رسد شاید در این راستا بود که جایگاهی را برای قانون اساسی و قانونگرایی در اسلام تبیین نمودند.

وقتی قانونگرایی تثبیت و سه بار قانون اساسی به رأی مردم گذاشته شد، این دسته از علما مطرح کردند که بالاخره تفسیر قانون اساسی با فقهاست، آن هم بر اساس آموزش‌های رایج فقهی مصطلح که مراجع تقلید در این راستا نسبت به آنها مقام علمی بالاتری داشتند. در ادامه مطرح کردند که تک تک مواد قانون اساسی مشروط است به اصل چهارم قانون اساسی و اصل چهارم هم مشروط است به موازین اسلامی، موازین اسلامی هم مشروط است به فهم فقهای شورای نگهبان. حال با توجه به اینکه اگر این مقدمات درست باشد خواهشمندیم ما را راهنمایی کرده و در صورت موافقت با پرسش‌های زیر درج در نشریه چشم‌انداز ایران پاسخ دهید. باشد که گامی در جهت احیای قانون اساسی ثمره انقلاب برداشته شود.

۱- جایگاه قانون اساسی و قانونگرایی (با توجه به نمونه قانون اساسی انقلاب مشروطیت و

انقلاب اسلامی) در اسلام چیست؟

۲- آیا می‌توان قانون اساسی را در ردیف احکام اجتماعی قرآن که بر احکام فردی اولویت دارد

تلقی کرد؟

۳- آیا تفسیر قانون اساسی توسط فقهای محترم شورای نگهبان بایستی روش، چارچوب و آیین

نامه‌ای داشته باشد یا نه، یعنی وفادار به متن قانون اساسی باشد که مشروعیت هم دارد و یا اینکه باید

به موازین فقهی و اجتهاد مصطلح ارجاع داده شود؟

با تشکر - لطف‌الله میثمی

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

ایمیل و نامه شما که متضمن چند سؤال در مورد جایگاه قانون اساسی در اسلام و ملاک اسلامی بودن آن و نیز نقش شورای نگهبان در تفسیر قانون اساسی و چارچوب آن بود واصل و ملاحظه شد.

ضمن تقدیر از توجه و پیگیری شما نسبت به مسائل مهم و کلیدی کشور یادآور می‌شوم:

اینجانب نسبت به نقاط قابل تأمل در قانون اساسی مواردی را قبلاً متذکر شده‌ام که در کتاب «دیدگاهها» وجود دارد و نکات گفتنی دیگری هست که فعلاً مجال بیان آنها نیست، اما به طور اجمال نسبت به سؤالات فعلی شما چند نکته را متذکر می‌شوم:

[قانونگزاری تابع مصالح و مفاسد است]

۱- اصل قانونگزاری و قانونگرایی در جامعه در راستای حفظ نظم آن و استیفای حقوق از بدیهیات عقل عملی و زیرمجموعه‌های حسن عدالت است که شرایع الهی نسبت به آن حکم تأسیسی و مولوی و خارج از چارچوب فهم همگانی عاقلان ندارند، ولی به لحاظ اینکه از نظر عقل و عقلانی باید تشریح و تدوین هر قانونی مبتنی بر مصالح و مفاسد باشد و از دیدگاه ادیان آسمانی که به هدف سوق دادن انسان از فرش طبیعت و عالم ماده به عرش برین ماوراء طبیعت و گشودن دریچه‌های عالم معنا از سوی حق تعالی فرو فرستاده شده‌اند، مصالح و مفاسدی که باید ملاک تشریح قوانین باشند منحصر به اموری که زندگی دنیوی انسان را تأمین کند نیست، بلکه باید با توجه به هدف اصلی شرایع و حیانی و تحقق و تأمین نیازهای مادی و معنوی و دنیا و آخرت مورد نظر و سنجش و کشف قرار گیرند، و چنین نظر و سنجشی، دیدی تیزبین و فراتر از افق انسان مادی می‌خواهد.

[در موارد تعارض، اصل بر شریعت است و در تراحم ملاکات، اصل بر مصلحت برتر]

بر این اساس تنظیم قانون و تشریح و گرایش عملی و اجرایی به آن باید بر پایه قوانین شرع و عدم مخالفت با آن صورت پذیرد؛ و در موارد تعارض با آن، جانب شریعت اتخاذ گردد؛ مگر در مواردی خاص که با دید کارشناسان دینی و امور جامعه مصلحتی برتر وجود داشته باشد، که در این قبیل موارد که در حقیقت از موارد تراحم ملاکات احکام اولی و ثانوی دینی می باشد با توجه به احکام ثانوی دینی که ناظر به موارد اضطرارند ترجیح با جانب مصلحت اهم و برتر است.

[عدل امری عقلی و برون دینی است]

و بنابراین اصل قانونگذاری و قانونگرایی امری عقلایی بلکه براساس پذیرش حسن عقلی، عدل، امری عقلی و برون دینی است، ولی کیفیت تنظیم و مفاد و اجرای آن در جامعه دینی، امری درون دینی است که باید بر پایه قواعد شرع تحقق یابد.

[احکام ثانوی مستلزم ولایت مطلقه نیست]

۲- قبول احکام ثانوی مستلزم ولایت مطلقه فقیه نمی باشد، زیرا تمام فقهای که ولایت مطلقه فقیه یا اصل ولایت فقیه را قبول ندارند قائل به احکام اولیه و ثانویه می باشند، منتها بحث در تشخیص موارد احکام ثانویه است؛ که طبعاً در احکام فردی به عهده خود مکلف است و در احکام اجتماعی که به حاکمیت مربوط است به عهده اهل خبره مورد قبول حاکمیت و مردم می باشد.

[قانونگذاری در موضوعات احکام، امری عرفی و عقلایی است]

۳- اکثر اصول قانون اساسی یا قوانین عادی اولاً: مستلزم و به معنای تغییر حلال و حرام دین نیست تا خیال شود با «حلال محمد حلال الی یوم القیامة و حرامه حرام الی یوم

القیامة» منافات دارد، زیرا قانونگذاران در قوانین مذکور درصدد تشریح احکام یا استنباط آنها نبوده‌اند، بلکه درصدد تشخیص و تنقیح موضوعات احکام بوده‌اند، آن هم موضوعاتی که تعیین آنها و بیان حدود و شرایط و موانع آنها با شارع نمی‌باشد. و نیز درصدد احراز عناوین اولی و ثانوی موضوعات احکام و کیفیت اجراء احکام اولی و ثانوی بوده‌اند و این گونه امور برعهده شارع مقدس نمی‌باشد و کاملاً عرفی و عقلانی خواهد بود.

[چگونگی انتخاب مدیران و اداره‌جامعه خارج از شمول اصل چهارم قانون اساسی است]

ثانیاً: اصل چهارم قانون اساسی به مناسبت حکم و موضوع مربوط به آن اصولی است که در ارتباط با احکام شرع باشد؛ بنابراین اصولی که به چگونگی انتخاب مدیران جامعه یا نحوه اداره جامعه و یا احراز و اجراء احکام شرع مربوط است، موضوعاً از این اصل خارج می‌باشند.

ثالثاً: ارائه برداشتی از اصل چهارم که موجب بی‌اثر شدن قانون اساسی گردد، نه مقصود تدوین کنندگان قانون اساسی بوده و نه اکثریت مردمی که به آن رأی مثبت دادند چنین برداشتی داشته‌اند.

[نیاز به تأیید مجدد قانون اساسی توسط مردم]

و در هر صورت چون قانون اساسی مربوط به مدیریت کلان جامعه و تصرف در شئون مختلف آن می‌باشد، اکنون که نزدیک به سه دهه از آن می‌گذرد و ترکیب جمعیت به طور غالب تغییر کرده، قانون اساسی کشور باید مورد رضایت اکثریت مردم حاضر قرار گیرد.

[تفاوت مبنای نصب و نخب در ولایت فقیه و آثار عملی آن]

۴- شما می‌دانید مبنای فقهی اینجانب در مورد ولایت فقیه با مبنای فقهی مشهور

و مرحوم امام در کتب فقهی ایشان تفاوت دارد. ایشان ولایت فقیه را از باب نصب می‌دانستند و طبعاً لوازم خاص خودش را خواهد داشت، ولی اینجانب ادله نصب را از نظر ثبوت و اثبات مخدوش می‌دانم که در جلد اول کتاب «ولایة الفقیه» به تفصیل متعرض آن شده‌ام. بنابر نظریه نخب، مشروعیت ولایت «فقیه جامع الشرایط» موقوف به انتخاب صحیح او توسط مردم و بیعت آنان با او می‌باشد، و قهراً مردم که یک طرف عقد بیعت هستند حق دارند ضمن بیعت و انتخاب، مدت ولایت را محدود و نیز شرائطی را که خلاف شرع نباشد و مصلحت می‌بینند در آن مقرر نمایند؛ و فقیه منتخب نیز شرعاً باید مطابق شرایط مندرج در بیعت عمل نماید. مطابق نظریه نخب همان گونه که اصل نصب به ولایت از نظر دلیل مخدوش است، به طریق اولی دلیل ولایت مطلقه فقیه - به معنای رائج و معمول فعلی - نیز مخدوش می‌باشد. و به همین جهت اینجانب در همه پرسشی بازنگری قانون اساسی که ولایت مطلقه را به آن اضافه کردند شرکت نکردم و به آن رأی ندادم. بنابراین اساس همان گونه که مشروعیت ولایت فقیه جامع الشرایط موقوف به رأی مردم است مشروعیت اجرائی قانون اساسی که ضوابط کلی مدیریت کشور را معین می‌کند نیز بستگی به آراء مردم دارد، زیرا اعمال قانون اساسی در کشور نوعی تصرف در مقدرات مردم و ایجاد محدودیت برای سلطه آن نسبت به نفوس و اموال و کشورشان می‌باشد، و تصرف در سلطه دیگران بدون اجازه شارع مقدس و رضایت آنان جایز نیست. البته عدم مخالفت هر یک از اصول قانون اساسی با اسلام توسط خبرگان قانون اساسی که بسیاری از آنان از مجتهدین و اسلام شناسان متعهد بوده‌اند تضمین شده است و جای تردید نمی‌باشد.

[ضوابط تفسیر قانون اساسی توسط شورای نگهبان]

۵- تفسیر اصول قانون اساسی - چنانچه نیاز به تفسیر داشته باشند - هر چند مطابق اصل ۹۸ به عهده شورای نگهبان است، اما تفسیر هر متنی ضابطه و قاعده‌ای دارد؛

و مهمترین ضابطه و قاعده آن این است که نباید مخالف نص و ظاهر آن متن و فهم اهل لسان از کلمات و لغات و اصطلاحات مندرج در متن باشد، چنان که نباید مخالف اراده و نظر ماتن و قانونگذار و هدف او از تدوین قانون باشد؛ وگرنه موجب نقض غرض خواهد بود. و اگر گفته شود فقهای شورای نگهبان چون منصوب ولایت مطلقه فقیه هستند حق دارند قانون اساسی را مطابق مصلحت زمان تفسیر کنند، باید گفت لازمه این تصور، بطلان قانون اساسی به کلی و عدم نیاز به آن و صوری بودن آن است، در صورتی که مردم هرگز چنین نظری نداشتند و آن را به عنوان میثاق انقلاب تلقی کردند. نظر مرحوم امام نیز چنین نبود، ایشان هم در تدوین قانون اساسی و هم در عمل به آن کاملاً جدی بودند و هرگز آن را صوری و ظاهری نمی دانستند. بنابراین هر تفسیری که مخالف نص یا ظاهر قانون اساسی و نیز روح آن باشد شرعاً و قانوناً اعتباری ندارد.

[یکدست بودن و فقدان تضارب آراء، سبب تفسیرهای خاص شورای نگهبان]

۶- به نظر می‌رسد نگرانی که در مورد تفسیرهای خاص شورای نگهبان وجود دارد که عوارض آن از جمله در انتخابات مختلف و اعمال نظارت استصوابی در چند سال گذشته ظاهر شده یکی از علل آن یکدست بودن فقهای شورای نگهبان از نظر دیدگاه فقهی و سیاسی می‌باشد، به یقین اگر شورای نگهبان از نظر فقهی و سیاسی یکدست نبود علاوه بر اینکه تضارب آراء و افکار بهتر صورت می‌گرفت مشکلات مربوط نیز به وجود نمی‌آمد، و چه بسا مرحوم امام هم تشکیل شورای مصلحت را لازم نمی‌دیدند.

در شرایط فعلی و با ساختار کنونی قانون اساسی و صرف نظر از نکات ذکر شده علاج موقت همین است که ترکیب فقهای شورای نگهبان از حالت یکدست بودن و تمایل داشتن به جناح خاص خارج شود، تا هم در اثر تضارب آراء و افکار مختلف نتایج مطلوبتری به دست آید و هم پشتوانه مردمی بیشتری داشته باشد؛ و عملاً

بسیاری از این بدبینی‌ها و فاصله‌ها از بین برود. البته تمایل داشتن به جناح خاص اگر موجب تضييع حقوق انسانها نگردد نافی عدالت آنان نیست، ولی عوارض منفی آن برای مدیریت کشور و حفظ حقوق تمام جناحهای سیاسی علاقه‌مند به نظام جمهوری اسلامی قابل انکار نمی‌باشد.

۱۳۸۷/۳/۱۱

حسینعلی منتظری

پاسخ به پرسش‌های «گاهنامه اطلاع»
پیرامون تشکیک درباره کتاب خاطرات معظم له

۱۳۸۷/۵/۱۵

اشاره:

«خاطرات حضرت آیت‌الله العظمی منتظری طی سال‌های ۷۶-۷۴ توسط ایشان بیان شده و پس از طی مراحل فنی در سال ۱۳۷۹ برای اولین بار بر روی شبکه اینترنت قرار گرفت. از همان روز انتشار با توجه به اهمیت مطالب طرح شده در کتاب خاطرات و ساختار شکنی حاکم بر آن که بر اساس برخی اسناد و مدارک و ناگفته‌هایی از زبان معظم له بود تاکنون این کتاب با نقد و نظرهای فراوانی روبرو بوده است و افراد، گروه‌ها، نهادها و برخی جراید مخالف آن، پس از آنکه از نقد محتوایی کتاب، به‌زعم خویش فارغ شدند این روزها و به ویژه با تولد برخی نشریات جدید بر آن شده‌اند که اصل انتساب آن را به آیت‌الله العظمی منتظری مورد خدشه قرار داده و کتاب را ساخته و پرداخته اطرافیان بدانند یا اگر «خاطرات» را منتسب به ایشان بدانند مطالب آن را القاء شده از سوی اطرافیان قلمداد نمایند! «گاهنامه اطلاع» در پس این شبهه‌افکنی‌ها بر آن شد که علی‌رغم تأکیدات قبلی ایشان مبنی بر اینکه «خاطرات» از خود ایشان است و کسی هم القاء نکرده است، مجدداً جهت رفع جوسازی‌های پردامنه اخیر این شبهه را مطرح و از ایشان بدون پروا استفسار نماید که این اقدام در نهایت و برخلاف منویات‌شان این خیر بزرگ را داشت که یکبار دیگر حضرت آیت‌الله منتظری در حیات خویش بر مطالب کتاب صحه بگذارند و بیش از پیش آن را تحکیم نمایند. آنچه در پی می‌آید متن کامل این پرسش و پاسخ است»

اطلاع: با تشکر از وقتی که در اختیار ما گذاشتید این اواخر شنیده شده برخی رسانه‌ها مطرح می‌کنند که خاطراتی که از شما منتشر شده از طرف شما نوشته نشده است بلکه برخی از افراد به اسم شما انجام داده‌اند.

﴿ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وَ بِهٖ نَسْتَعِیْنُ ﴾

[در مقابل تاریخ نگاری فرمایشی]

بعضی آقایان دلشان می خواهد مثل برخی وقایع نگاران سلاطین، مطابق میل همان پادشاه وقایع را منعکس کنند، حالا حق باشد یا باطل! جوری که او خوشش آید. وقایع نگاران معمولاً این جورند. و لذا تاریخ هایی که نویسنده آنها همین وقایع نگاران سلاطین بوده اند صددرصد اعتماد به آنها مشکل است به همین جهت که اینها نوعاً رضایت خاطر همایونی آن شخص را در نظر می گرفتند.

حالا هم آقایان دلشان می خواسته من چنانچه خاطراتی از انقلاب دارم مطابق میل آنها بنویسم و وقایع نگار آقایان باشم! در صورتی که آزادانه سؤالاتی از من کردند و جواب دادم و همه اش مربوط به خود من است. همان اول کتاب خاطرات هم هست اگر کسی مراجعه کند؛ از اول گفتم برای اینکه تاریخ تحریف می شد اقدام کردم و آنچه در ذهن من بود گفته و نوشته ام. من ادعای عصمت نمی کنم کما اینکه دو مورد که تذکر دادند؛ در جوابی که به آقای مصطفی ایزدی دادم آن دو مورد ذکر شده و جزیی بود پس سؤال از من شده و من هم جواب دادم.^(۱) بعد هم چند مرتبه خودم مراجعه کردم اگر به نظرم جایی اصلاح لازم بوده است انجام دادم و از باب اینکه بعضی چیزها ممکن بود به اشخاص بر خُورد، لذا از برخی خاطرات صرف نظر کردم، چنانچه اول آن کتاب هم نوشته ام «بخشی از خاطرات». اطلاعاتی را راجع به اشخاص داشتم نخواستم افشاگری کنم. آنچه مورد توجه من بود [این بود] که آنچه واقعیت دارد و مربوط به انقلاب است یادداشت کنم.

۱- الف: کتاب خاطرات، صفحه ۴۰۷، سطر ۱۶ که رضا، حسین نوشته شده بود و تصحیح شد.
ب: آخر صفحه ۵۹۰، و جریان نماز پشت سر آقا که تصحیح شده است.

[آیت‌الله خمینی از نگاه من]

با اینکه مرحوم آیت‌الله خمینی این اواخر با من خوب برخورد نکرد من هیچ وقت نسبت به ایشان اهانت نکرده‌ام. البته آقایان دلشان می‌خواهد آقای خمینی را در حدّ یک امام معصوم برسانند؛ خود آیت‌الله خمینی هم چنین ادعایی نداشت. ایشان مردی بود متدین، مجتهد و انقلابی اما معصوم از خطا نبود.

آقایان هر که را بخواهند از حواریون ایشان حساب می‌کنند، به عقیده من هیچ کس به اندازه من مربوط به ایشان نبوده است و ارتباط با ایشان نداشته است. من و فرزندم [شهید محمد] و تمام خانواده و فرزندانم به انقلاب و ایشان خیلی خدمت کردیم و قصدمان هم خدا بود که انقلاب پیروز شود، که الحمدلله هم پیروز شد.

[استفاده سیاسی از نام آیت‌الله خمینی]

آقایان پس از آن که آیت‌الله خمینی از دنیا رفته است دارند یک آیت‌الله خمینی درست می‌کنند که خودشان به برکت ایشان به مقاصدشان برسند با اینکه می‌دانند ایشان دیگر رهبر انقلاب نیست و خواهی نخواهی مرگ همه را فرا می‌گیرد حتی آیت‌الله خمینی را. خدا پیامبر ﷺ را در قرآن خطاب می‌کند که: ﴿إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ﴾. بنابراین خاطرات نوشته شده را از من سؤال کردند، من جواب دادم؛ بعداً هم مراجعه کردم. اول کتاب هم گفته‌ام برای اینکه تاریخ از تحریف مصون باشد مطالبی را ذکر می‌کنم و پایان آن هم از کسانی که سؤالها را مطرح کردند تشکر کردم.

بالاخره هر چه در آن کتاب هست مربوط به اینجانب است؛ منتهی مطابق میل آقایان بسا نباشد و من وقایع‌نگار آقایان نبودم حتی وقایع‌نگار آیت‌الله خمینی هم نبودم. به آیت‌الله خمینی علاقه داشتم، شاگردش هم بودم، از ایشان استفاده هم کردم، آدم خوبی هم بود اما معصوم نمی‌دانستم. آنچه که به نظرم رسید در خاطرات یادداشت کردم و خاطره نویسی تقریباً پس از این خاطرات خیلی گُل کرد و خیلی‌ها

خاطره‌نویس شدند ولی واقع مطلب این است همان واقعیاتی را که اطلاع داشتیم بدون اینکه بخواهم کسی را تحقیر کنم یا اهانت کنم [آوردم] حتی عرض کردم بعضی از چیزها که به نظرم نسبت به اشخاص تند بود بسا من ذکر نکرده‌ام لذا گفته‌ام بخشی از خاطرات.

[تاریخ‌سازی‌ها و حذف چهره‌های کلیدی انقلاب موجب تردید مردم

به تاریخ اسلام هم می‌شود]

پس تشکیک‌هایی که آقایان می‌کنند توجه کنند شما دارید قلب واقعیات می‌کنید مردم هم می‌فهمند و کارهایی که شما می‌کنید مثل «مستند روح الله» و امثال آنها، اینها چنین نیست که صد درصد به نفع آیت‌الله خمینی باشد. این‌ها به ضرر اسلام و انقلاب و همچنین آیت‌الله خمینی است؛ برای اینکه چه بسا مردم بگویند شاید نسبت به معصومین هم نکند مثل همین چیزها و روشی است که آقایان دارند نسبت به آیت‌الله خمینی ذکر می‌کنند. جوانها که آیت‌الله خمینی را ندیده‌اند اما پیرها آیت‌الله خمینی را دیده بودند. روابط ما با ایشان را همه می‌دانند، همه می‌دانند که من در متن انقلاب بودم؛ چه بسا حالا می‌خواهند یک داستان را برای کسی بنویسند اسم مرا هم نمی‌نویسند و سانسور می‌کنند؛ مردم که می‌دانند و می‌گویند پس معلوم می‌شود آن داستان‌هایی که نسبت به ائمه علیهم‌السلام می‌گویند آنها هم همین جوری است و انتخابی است و هر چه خواستند می‌گویند و مطابق میل شان تاریخ را می‌گویند. و اینها به ضرر آیت‌الله خمینی و به ضرر اسلام است. من عقیده‌ام این است که مؤسسه نشر آثار امام باید اعتراض کنند به این جور چیزها و سوء استفاده‌هایی که از امام می‌کنند. و وسیله قرار دادن ایشان و نام ایشان برای اغراض سیاسی آقایان در حقیقت اهانتی به ایشان است. ایشان را نباید ابزار اغراض سیاسی خودشان قرار دهند و متأسفانه این جوری شده است و الا همه می‌دانند آیت‌الله خمینی هر چه بودند از دنیا رفته‌اند و دیگران دارند کشور را اداره می‌کنند؛ پس غرضشان این است که نام ایشان را ابزار قرار دهند و

به برکت ایشان برای خودشان یک چیزهایی را درست کنند و یک عده را بکوبند. ما هم الحمدلله از اول که در صحنه بودیم بنا نبود اسم مان باشد. هر چه انسان مسئولیت نداشته باشد بهتر است چون پاسخ‌گویی دارد. بنابراین من شکر خدا را هم به جا می‌آورم که مسئولیتی در مقابل کارها ندارم. ولی مردم قضایا را می‌دانند و این جور که شما مستندسازی می‌کنید مطابق میل تان؛ به ضرر هم آیت‌الله خمینی و هم به ضرر اسلام است و مردم نسبت به همه چیز بدبین می‌شوند.

اطلاع: برخی آقایان می‌گویند خاطرات مال شما است ولی بر اساس حرف‌های دروغی بوده که اطرافیان شما به شما گفته‌اند و شما بر اساس آن اطلاعات اشتباه این حرفها را بیان کرده‌اید!

[سندیت و اعتبار کتاب خاطرات]

اگر همگی کتاب خاطرات را مطالعه کنید عمده اسنادش است. اسناد را که آنها نمی‌توانند حاشا کنند. نامه‌های آیت‌الله خمینی، نامه‌های این جانب، نامه‌هایی که به افراد نوشته‌ام اینها را که نمی‌شود حاشا کرد. عمده خاطرات هم همین اسنادی است که در آن هست، ۲۵۵ سند است. اینها کدامش دروغ است؟! آقای گفته بود خاطرات فلانی سرتاپایش دروغ است؟! آیا اینها همه‌اش افتراء است؟ ۲۵۵ سند است که خیلی‌هاش خط آیت‌الله خمینی یا دیگران است چه داعی دارند که اینها را دروغ و افتراء و القائنات بدانند! من خاطرات و واقعیات و نه القائنات را نوشته‌ام؛ آیت‌الله خمینی هم استادم بوده و هم به ایشان علاقه داشته و علاقه دارم و ایشان را آدم شجاعی می‌دانستم ولی مصون از خطا نمی‌دانستم، خود ایشان هم خودشان را مصون نمی‌دانستند. خود آیت‌الله خمینی در وصیت نامه‌شان گفته‌اند هر چه به من نسبت دادند، یا صدای من باشد یا خط من؛ حال چیزهایی به ایشان نسبت می‌دهند که نه با خط ایشان مناسب است نه صدای ایشان است. عرض کردم ایشان دیگر محل ابتلاء مردم نیستند آن‌که محل ابتلاء مردم است آقایان [فعلی] هستند که امام را ابزار سیاسی

خودشان کرده‌اند و برای خودشان چانه زنی می‌کنند.

اطلاع: بحثی را از آقای مهدوی کنی مطرح کردند در مصاحبه‌ای که اخیراً داشته‌اند و گفته‌اند: «اشکال آقای منتظری این بود که به مقتضای قائم مقام رهبری عمل نمی‌کردند مثلاً امام اعلام کردند نهضت آزادی را راه ندهید و کسی که قائم مقام است بگوید خیر راه بدهید. این تضاد در حکومت ایجاد می‌کند» خواستم بدانم استنباط شما درباره قائم مقامی چه بود؟

[قائم مقامی، بز اخفش بودن نیست]

اولاً من نخواستم مرا قائم مقام قرار دهند و آقایان می‌دانند خبرگان که مرا قائم مقام قرار داد من خودم به آن اعتراض کردم و نامه‌ای نوشتم که این کار، کار اشتباهی بوده است. من به هیچ وجه مایل نبودم که مرا به عنوان قائم مقام قرار دهند.

ثانیاً من هم بشری بودم که درس خوانده بودم و اطلاعات داشتم. معنی قائم مقامی یعنی بز اخفش و هیچ نگویید گرچه اشتباه در بین باشد؟! اصلاً قائم مقام باید اشتباهات آن رئیس را بگوید برای اینکه نمی‌شود بز اخفش باشد و رئیس هر چه گفت او ساکت باشد. من قائم مقام هستم یعنی نزدیک به رهبر و اگر اشتباهاتی هست باید تذکر بدهم و الا خیانت است. تو که قائم مقامی، نزدیک رهبری و تو می‌توانی حرف‌ها را بزنی. امر به معروف و نهی از منکر و ارشاد و وظیفه انسان است و من تذکراتی که می‌دادم همه را به نفع اسلام و انقلاب می‌دانستم، حالا یک عده آنها را به ضرر خودشان می‌دانستند و قدرت دست آنهاست هر چه می‌خواهند بگویند. خُب بگویند! چون واقعیات با این گفته‌ها از بین نمی‌رود مردم هم واقعیات را می‌فهمند.

شبی نزد مرحوم امام راجع به آقای شریعتمداری صحبت می‌کردم و گفتم: آقا! ۵۰ سال دیگر بالاخره تاریخ قضاوت می‌کند که حاج آقا رضا صدر را که [آیت‌الله شریعتمداری] وصیت کردند بر او نماز بخواند نگذاشتند نماز بخواند. او این ماجرا را نوشته و در دسترس هم هست. توی تاریخ هم هست گرچه ۵۰ سال دیگر،

می‌گویند آقای خمینی به یک مرجع که رقیبش بود حتی نگذاشت نماز بخوانند. این را به ایشان گفتم. پس واقعیات را باید گفت آنهایی که انجام نمی‌دهند گناه می‌کنند.

اطلاع: به نظر شما خود مرحوم امام خمینی روش شما را می‌پسندید که شما همیشه مؤید نباشید.

[بالاترین درجه نزدیکی با آیت‌الله خمینی]

و یادی از شب رحلت آیت‌الله بروجردی و جوآن زمان]

نمی‌دانم در ذهن ایشان چه بوده، از اول من احتمال نمی‌دادم که خیال کنند من می‌خواهم علیه ایشان کاری انجام دهم. من و ایشان به طوری با هم مربوط بودیم که شبی که آیت‌الله بروجردی از دنیا رفت بحرانی بود. شب با ایشان نماز مغرب و عشا را در خانه ایشان خواندم و دو سه ساعت با ایشان صحبت کردم، حتی راجع به مرجعیت و مراجع آینده. حتی راجع به آقای حکیم که ایشان گفتند من آقای حکیم را ندیده‌ام اما اگر مقام علمی ایشان تنها مستمسک [العروة الوثقی] باشد خیلی مهم نیست، اگر علم ایشان در حد این کتاب باشد خیلی مهم نیست. آن شب یک نفر نیامد در خانه ایشان را بزند و راجع به مرجعیت از ایشان سؤال کند. فردا صبح رفتم محله عربستان قم، خانه آقای گلپایگانی، قبلاً آنجا خانه داشتند، جمعیت آمده بودند با سلام و صلوات ایشان را ببرند فاتحه آقای بروجردی. جوآن بود، با ایشان من مأنوس و مربوط بودم. ایشان جوری بود که در مجلسی [که می‌نشست] خیلی ابهت داشت و همیشه روزهای عید که افرادی دیدن ایشان می‌آمدند، همین طور نشسته بود، همه منتظر بودند که من بروم و احیاناً یک شوخی بکنم سپس مجلس خودمانی می‌شد. اینها را همه می‌دانستند و ما نسبت به ایشان خودی حساب می‌شدیم و مطالب را می‌گفتم. هم خود هم خانواده‌ام به ایشان و انقلاب خدمت کردیم. این آقایانی که حالا ادعا می‌کنند که از حواریون بودند هیچ کدام به اندازه من نزدیک به امام نبودند.

[اجازه مصرف وجوهات به آقای رفسنجانی در ایام تبعید به خلخال]

من یادم هست خلخال تبعید بودم. روزی لباس هایمان جمع شده بود می خواستیم بشوییم. کنار نهر آبی رفتیم. خانواده می شست و من آب می کشیدم. آقای هاشمی رفسنجانی برای اینکه دسترسی به امام نداشت و می خواست وجوهاتی را اجازه بگیرد و در راهی مصرف کند آن راه طولانی را تا خلخال آمده بود و سراغ من را گرفته بود. از راه که رسید گفت: کارت به لباس شویی رسیده است! و خلاصه آمده بود اجازه پولی را بگیرد برای مصرف. یعنی [در آن زمان] پس از امام من را رهبرانقلاب می دانستند.

[تلاش بی حاصل برای حذف آقای منتظری از تاریخ]

حالا بعضی هر چه خواستند گفتند و خواسته اند مرا به طور کلی از صحنه حذف کنند حالا نشده است. از باب مثال در یک مجله ای دیدم کسی گفته است در جامعه مدرسین یک جلسه ۱۱ نفر داشتیم که نام آقای مصباح یزدی و آقای هاشمی رفسنجانی در آن هست. اسم همگی را آورده اند و نوشته اند ۱۱ نفر بوده اند اما ۱۰ نفر را اسم برده اند. با اینکه من هم جزو آن جلسه بودم اسم من را حذف کرده اند. آخر این چه جور برخوردی است. من با این جور چیزها بزرگ نمی شوم ولی این سبکی شما را می رساند. این قدر سانسور که یک جلسه ۱۱ نفری را که من هم جزو آن بودم اسم ۱۰ نفر را می آورند و اسم من را حذف می کنند.

اطلاع: نقدی که بر خاطرات وارد می کنند اینکه آقای منتظری با انتشار خاطرات باعث شده است خوراک برای بیگانگان تهیه شود علیه انقلاب و علیه نظام.

[در دنیای ارتباطات نمی شود سر زیر برف کرد]

یعنی هیچ حرف حقی را انسان نباید بزند! ما حرف حق زدیم. خود آقای خمینی

در پاریس که بود با رادیوهای خارجی مصاحبه می‌کرد. از من هم بعضی مسائل را سؤال کرده‌اند من هم جواب داده‌ام. دنیا الآن به هم مربوط شده است یک دهکده جهانی شده است. حرف‌ها منعکس می‌شود. من هم نگویم دیگری می‌گوید. این برخوردهایی که آقایان دارند و خیال می‌کنند سرمان را زیر برف کردیم دیگر کسی ما را نمی‌بیند اشتباه می‌کنند.^(۱) تمام حوادث که در ایران می‌گذرد مثل بازداشت‌های بی‌جا منعکس می‌شود. کسی آمده مطالبی را گفته است راجع به افرادی، نباید بازداشتش کرد بلکه آن مسائل را باید جبران کرد. نه اینکه یک عده دیگر را بازداشت کنیم که چرا این حرفها را گفته‌اید و واقعیات را گفته‌اید. دنیا به هم مربوط است. رادیو، تلویزیون، اینترنت و ماهواره هست. آقایان خیال کردند سر زیر برف کرده‌اند دیگر کسی آنها را نمی‌بیند. از من هم یک واقعیاتی را سؤال کردند من هم جواب گفته‌ام.

اطلاع: در ایام ۱۳ رجب هستیم. احساس شما از سخنرانی ۱۳ رجب (آبان ماه ۱۳۷۶) چیست؟

[سخنرانی ۱۳ رجب افتخار من است]

سخنرانی ۱۳ رجب مطالب حقی بود که گفته‌ام و آقایان برخورد بدی کردند. آن سخنرانی از افتخارات من است. آقایان مایلند مطابق میل آنها وقایع منعکس شود و تاریخ را بیان کنند. همیشه این جور بوده است. آقایان می‌گویند چرا این جور شده است و یک واقعیاتی که خلاف میل ماست منعکس شده است. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

۱۳۸۷/۵/۱۵

دفتر حضرت آیت‌الله العظمی منتظری

۱- کنایه از این ضرب‌المثل است که می‌گویند کبک در زمستان برای فرار از صیاد سر خود را زیر برف می‌کند، با این خیال که وقتی او کسی را نمی‌بیند لابد دیگران هم او را نمی‌بینند و به این ترتیب کبک به آسانی شکار و قربانی می‌شود.

دیدار اعضای شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت

۱۳۸۷/۶/۲۸

شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت در آستانه سال تحصیلی و در ابتدای دوره جدید فعالیت این شورا با آیت‌الله العظمی منتظری دیدار کردند.

در این دیدار ابتدا اعضای شورای مرکزی دفتر تحکیم گزارشی از وضعیت دانشگاهها ارائه کردند و نسبت به فضای حاکم بر دانشگاهها و کشور شدیداً انتقاد کرده و ابراز داشتند: «اواخر سال تحصیلی گذشته، ما شاهد اعتراضات صنفی دانشجویان در چند دانشگاه بودیم. در دانشگاه زنجان دانشجویان نسبت به سوء استفاده معاون دانشجویی آن دانشگاه از قدرت و جایگاه خویش جهت ارتکاب اعمال منافی عفت در محیط دانشگاه اعتراضات چند هزار نفری در چند روز متوالی داشتند. در نهایت مسئولین دانشگاه ضمن پذیرش این اشتباه و عذرخواهی از دانشجویان به آنها قول دادند به این امر رسیدگی کنند و با هیچ یک از معترضین برخوردی صورت نگیرد. اما پس از تعطیلی دانشگاهها همان مسئولین خلف وعده کردند و ۵ نفر از دانشجویان را در این رابطه بازداشت کردند، دانشجویان زیادی را به کمیته انضباطی فرا خواندند و سعی کردند مسأله را به کلی وارونه جلوه داده و دانشجویان بیگناه را مقصر قلمداد کنند.»

اعضای دفتر تحکیم در ادامه ضمن اعتراض به ستاره‌دار کردن دانشجویان و بازنشستگی اجباری و گسترده اساتید مجرب، به وضعیت سایر دانشگاهها اشاره کرده و گفتند: «در دانشگاه تربیت معلم نیز ما شاهد وضعیت مشابهی بودیم. دانشجویان نسبت به مشکلات صنفی اعتراضاتی داشتند و در نهایت مسئولین دانشگاه با مطالبات دانشجویان موافقت کرده و قول دادند که با هیچ یک از معترضین برخوردی صورت نگیرد. ولی باز در تابستان بیش از ۱۰ نفر از دانشجویان به دادگاه انقلاب احضار شدند، چندین نفر آنها بازداشت شدند و احکام سنگین محرومیت از تحصیل

توسط کمیته انضباطی به صورت غیابی برای آنها صادر شد. در دانشگاه سهند تبریز هم ما شاهد چنین وضعیتی بودیم. همچنین از ابتدای تابستان جمع کثیری از دانشجویان دانشگاه تبریز بازداشت شده‌اند که همچنان در زندان به سر می‌برند.»

دانشجویان همچنین به مسائل جاری کشور و سوء مدیریت که کل کشور را فرا گرفته پرداختند و خاطرنشان کردند: «متأسفانه در اثر سوء مدیریت گسترده مسئولین، نابسامانی‌های فراوانی کشور را فرا گرفته است. در کنار تمام مشکلات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ... آنچه بیش از همه مایه تأسف است فضای غیراخلاقی است که حاکمیت ما دچار آن شده و جامعه را نیز با خود به سمت این فضا سوق می‌دهد. در حال حاضر برای سرکوب دانشجویان تنها به ابزارهایی چون محرومیت از تحصیل، بازداشت، احکام سنگین قضایی و ... بسنده نمی‌کنند بلکه دست به سناریوسازی می‌زنند و با دست آویز قرار دادن مقدمات و مراجع، سعی می‌کنند با القاءات رسانه‌ای و فشار و اذیت و آزار، دانشجویان را متهم به لاقیدی کنند. همین افراد وقتی منافع فردی و بانندی شان اقتضا کند تندترین توهین‌ها را به مراجع می‌کنند و از کسی صدایی هم بلند نمی‌شود. نه از کفن پوشان خبری می‌شود و نه از مومنین دو آتشی‌ای که خونشان به جوش بیاید و رگ غیرتشان بالا بزند.»

[دعوت دانشجویان به امر به معروف و نهی از منکر

و استقامت در برابر مشکلات]

آیت‌الله منتظری پس از استماع سخنان دانشجویان، در سخنان کوتاهی ضمن تبریک به اعضای جدید شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت، آنها را به صبر و استقامت در برابر مشکلات و دشواری‌ها توصیه کردند.

ایشان همچنین وضعیت فعلی کشور را نامناسب توصیف کردند و ضمن انتقاد از کارهای نادرست مسئولین، دانشجویان را به امر به معروف و نهی از منکر در این زمینه فراخواندند.

سپس آیت‌الله منتظری به حدیثی از حضرت علی ع در خصوص امر به معروف و نهی از منکر اشاره کردند و گفتند: «وضعیت فعلی کشور اصلاً خوب نیست و باید

تلاش کنیم وضعیت بهتر از این بشود. حضرت علی علیه السلام می فرماید اگر امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنید بدان بر شما مسلط می شوند و هر چه دعا کنید خدا دعای شما را مستجاب نمی کند. شما را به امر به معروف و نهی از منکر و همچنین صبر و استقامت در برابر مشکلات دعوت می کنم. تمام افراد باید به اندازه وسع و توان خود تلاش و کوشش کنند، حتی اگر این تلاشها به نتیجه نرسد. ما باید تلاش خود را بکنیم، اگر به نتیجه نرسید تکلیف از گردن ما ساقط است.»

دفتر آیت الله العظمی منتظری

«۶۳»

دیدار اعضای سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی

۱۳۸۷/۶/۳۰

اعضای سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در قم با حضرت آیت‌الله العظمی منتظری دیدار و گفتگو کردند.

در این دیدار که آقای مهندس بهزاد نبوی نیز حضور داشت ابتدا آقای محمد سلامتی ضمن ارائه گزارشی از کنگره اخیر این سازمان گفت: سازمان تصمیم بر این دارد که با جدیت در انتخابات آینده ریاست جمهوری شرکت کرده و از آقای خاتمی حمایت نماید.

سپس حضرت آیت‌الله منتظری فرمودند:

[توافق اصلاح طلبان بر نامزد واحد و اتمام حجت با رهبری]

اولاً در مورد اینکه چه کسی کاندیدا شود و شما از چه کسی حمایت می‌کنید من نظری ندارم؛ ولی مسأله‌ای که لازم است رعایت شود اینکه حتماً اصلاح طلبان یک کاندیدای واحد داشته باشند و روی یک نفر توافق نمایند.

ثانیاً: هر کس که به عنوان رئیس جمهور انتخاب شد باید با مقام رهبری اتمام حجت کند که چون مردم به او مسئولیت داده‌اند باید مطابق آن اختیار هم داشته باشد و بتواند کابینه خود را هماهنگ انتخاب کند تا در اجرای امور موفق باشد نه اینکه افراد کابینه و یا استاندارها و دیگر امور به او تحمیل شود.

[وظیفه ولی فقیه نظارت است نه دخالت]

مرحوم حاج شیخ محمد حسین اصفهانی می‌فرماید: فقیه بما آنه فقیه متصدی فقه

است و نه چیز دیگر. ولی فقیه باید نظارت کند که در قوه مقننه قانون خلاف اسلام تصویب نشود، مسئولین اجرایی خلاف اسلام کاری نکنند و قوه قضائیه خلاف اسلام قضاوتی نکند نه اینکه در همه امور سیاسی و اقتصادی و غیره دخالت مستقیم کند.

در پایان حضرت آیت الله منتظری از حاضرین تشکر کردند که در امور سیاسی و اجتماعی جامعه دخالت می کنند و نسبت به تحولات و سرنوشت جامعه بی تفاوت نیستند و در واقع امر به معروف و نهی از منکر می نمایند و زحمت آن را به جان می خرند.

[مدارا با اهل سنت و دوری از تفرقه]

پس از آن یکی از حاضرین از بعضی گویندگان مذهبی انتقاد کردند که مطالبی وحدت شکن در سخنرانی مطرح می کنند و برادران اهل سنت را رنجیده خاطر می نمایند.

آیت الله منتظری در این مورد فرمودند: سیره پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بر این بود که تمامی مسلمین را تحمل می فرمودند و تا آخر عمر شریف خود با تمامی اصحاب مدارا و کار می کردند و با تمام توجه و علاقه ای که به حضرت علی علیه السلام داشتند، دیگران را هم مورد لطف و محبت قرار می دادند.

این جانب از این مسأله ای که اشاره کردید نسبت به برادران اهل سنت مطرح شده است بسیار ناراحت شدم و امیدوارم گویندگان این گونه مطالب مصالح اسلام و مسلمین را در نظر داشته باشند و از تکرار و مطرح کردن چنین سخنان تفرقه افکن پرهیز نمایند.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

دفتر حضرت آیت الله العظمی منتظری

گزارش برگزاری نماز عید سعید فطر

۱۳۸۷/۷/۱۱

﴿ بسمه تعالی ﴾

امسال نیز چون سالهای گذشته دفتر آیت‌الله العظمی منتظری شاهد صفوف به هم فشرده مردمی بود که پس از یک ماه عبادت و بندگی آمده بودند که نماز عید فطر را به امامت معظم له اقامه کنند.

ایشان پس از اقامه نماز به ایراد خطبه پرداختند و در خطبه اول نماز ضمن قرائت آیات و روایاتی درباره فلسفه روزه و روزه‌داری، تقوا و پرهیز از گناه را فلسفه اساسی روزه ذکر کردند و ضمن تبیین معنا و مفهوم تقوا آن را پروا داشتن و خودداری از انجام گناهان دانستند که بایستی انسان اعضاء و جوارح خویش را در اختیار و کنترل عقل و شرع قرار دهد.

آیت‌الله العظمی منتظری همچنین ضمن قرائت روایتی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و پرهیز از گناه «زبان»، «شکم» و «شهوة» را باعث جلوگیری از افتادن در ورطه گناه و سقوط ارزشهای انسانی برشمردند و ضمن آن بدترین گناه در ماه مبارک رمضان را دروغ‌بستن به خدا و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ دانسته و به حدیثی اشاره کردند که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: روزگاری فرا خواهد رسید که مطالب کذبی به من نسبت داده خواهد شد. آیت‌الله منتظری در خطبه دوم نماز پس از سفارش مجدد به رعایت تقوا و پرهیزکاری پس از قرائت سوره *والعصر* فرمودند: در این سوره خداوند به عصر و زمانه یا تاریخ قسم می‌خورد که نشان از اهمیت لحظه لحظه آن است و می‌فرماید تمامی انسانها در خسران و زیان هستند و عمر و زمان را با خسارت سپری می‌کنند،

مگر آنان که به واقعیات جهان هستی یعنی خدا و وسائط فیض و قیامت ایمان آورند. سپس انسان که از نظر اعتقادی به باور رسید در پی آن بایستی عمل صالح انجام دهد و همچنین مؤمنین باید یکدیگر را توأسی و سفارش به حق نمایند یعنی تمام مردم جامعه امر به معروف و نهی از منکر را در جامعه عملی کنند و کسی از این واجب مهم شانه خالی نکند. ممکن است در این راه مشکلاتی برای انسان پدید آید؛ مثلاً پرونده‌سازی کنند یا زندانی شود یا مشکلات دیگر، برای همین در ادامه می‌فرماید: ﴿وَتَوَاصُوا بِالصَّبْرِ﴾ و یکدیگر را سفارش به صبر و تحمل در مقابل مشکلات و موانع کنند.

[ترک انتقاد، اشرار را مسلط می‌کند]

ایشان در ادامه ضمن تأکید بر فریضه امر به معروف و نهی از منکر آن را منحصر به امور جزئی و پیش پا افتاده در جامعه ندانسته، تذکر و انتقاد از حاکمان را مهم‌ترین مصداق این واجب الهی ذکر کردند و در این باره گفتند: حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام در وصایای پایانی خود می‌فرماید: امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید، ممکن است شما سؤال کنید که اگر ترک کنیم چه تأثیری دارد؟ حضرت در پاسخ می‌فرماید: که اثر طبیعی‌اش این است که اشرار و بدان بر شما مسلط می‌شوند و هر چقدر شما به درگاه الهی دعا کنید دعاهایتان مستجاب نمی‌شود. همچنین از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده که فرموده‌اند: «کما تكونوا یولی علیکم» یعنی همان گونه که باشید بر شما حکومت می‌کنند یعنی تا شما وظایف خود را به خوبی انجام ندهید و خود را عوض نکنید دیگران از این موقعیت استفاده کرده و بر شما مسلط می‌شوند.

[سکوت و تملق در برابر منکرات حکومتی گناه است]

آیت‌الله العظمی منتظری در ادامه ضمن انتقاد از کسانی که فقط ستایشگر مسئولان و حاکمان هستند، سکوت آنان در مقابل منکراتی که انجام می‌گیرد را گناهی

بزرگ برشمرد و پس از اشاره به شعارهای اولیه انقلاب چون استقلال آزادی و جمهوری اسلامی که مردم بر این اساس جانفشانی می‌کردند آزادی را یکی از مهم‌ترین خواسته‌های مردم در انقلاب ذکر کردند و ضمن اشاره به سخنان رئیس جمهوری در آمریکا که مدعی شده بود، آزادی در ایران بیشتر از همه جای دنیا وجود دارد گفتند:

[غصب حسینی و اموال شخصی و ادعای آزادی]

چرا شعارهای شما با عمل کردتان در داخل مناسبت ندارد، از سویی آنجا ایران را آزادترین کشور دنیا می‌دانید اما در کشور ما آزادی‌های مشروع و قانونی را سلب می‌کنید. از باب نمونه شما مردم امروز از نظر جا و مکان در این محل در مضیقه هستید در حالی که بیش از ده سال است درب حسینیۀ شهدا که مکان تدریس فقه آل محمد علیهم‌السلام و سوگواری آن بزرگواران بود توسط مسئولان پلمب شده است. خوب است بدانید که حتی یک ریال از بودجه این حسینیۀ از وجوهات شرعیۀ یا دولتی پرداخت نشده و پول آن کاملاً شخصی است. وقتی با من که همه می‌دانند در انقلاب نقش بسزایی داشتم این گونه برخورد می‌شود و اماکن ما غصب می‌شود و گفته‌های ما سانسور می‌شود وای به حال مردم عادی. اگر آقایان از این موضوع خبر دارند و دم از آزادی می‌زنند که اوویلا و اگر اطلاع ندارند و اسفا. ما دعا می‌کنیم که خداوند به مسئولان و حاکمان عقل و درایت عنایت کند و آنچه می‌گویند و انجام می‌دهند همراه با عقل و درایت باشد. خداوند گرفتاری گرفتاران را برطرف گرداند. ملتسمین دعا را حاجت روا فرماید و باران رحمت خودش را بر ما نازل نماید، طاعات و عبادات ناچیز ما را در این ماه مورد قبول درگاهش قرار دهد.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

۱۳۸۷/۷/۱۱

دفتر آیت‌الله العظمی منتظری

دیدار اعضای مجمع نیروهای خط امام

۱۳۸۷/۷/۱۴

اعضای سازمان جوانان و دانشجویان، و شاخه تهران آن مجمع در قم با آیت‌الله العظمی منتظری دیدار و گفتگو کردند.

در ابتدای این دیدار جوانان خط امام به بیان مطالب و دغدغه‌های خود پرداختند و نگرانی خود از برخی معضلات سیاسی و اجتماعی را برشمردند.

[لزوم انجام کار تشکیلاتی و پرهیز از افراط و تدریج]

سپس آیت‌الله منتظری ضمن تشکر از آنان به دلیل حساسیتی که درباره مسایل روز جامعه دارند از آنها خواستند در عین فعالیت و تلاش جهت رفع نقایص، پرهیز از افراط و تدریج در تمام عرصه‌ها را ضروری شمردند.

ایشان ضمن اینکه تصریح کردند: «بروید و کار تشکیلاتی کنید»، بر لزوم انسجام فکری و تشکیلاتی جوانان مسلمان و سیاسی تأکید کرده و فرمودند: امروز وضعیت به گونه‌ای است که فعالیت فردی و پراکنده بازده مناسبی در جامعه ندارد و باید با برنامه و تشکیلات منسجم به فعالیت در جامعه روی آورد.

[مبانی فقهی تشکیل حزب]

ایشان مبانی فقهی تشکیل حزب را از باب مقدمه واجب یعنی امر به معروف و نهی از منکر دانسته و فرمودند: امر به معروف و نهی از منکر از واجبات الهی است که متأسفانه در جامعه ما فقط منحصر به امور جزئی از جمله چند تار موی یک خانم شده

است که از زیر روسری اش بیرون آمده، حال آن که بدترین منکرات در جامعه چون، ظلم، تعدی، تضييع حقوق شهروندان و سلب آزادی‌ها رواج می‌یابد و کسی هم از این بدی‌ها و منکرات نهی نمی‌کند.

[خالی شدن عرصه از منتقدان، بدان را حاکم می‌کند]

ایشان در این باره به وصیت امام علی علیه السلام اشاره کردند که می‌فرمایند: امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که اگر ترک کنید بدان و اشرار بر شما مسلط خواهند شد. ایشان علت تسلط بدها را خالی شدن عرصه از حضور مردم و منتقدان دانستند که دیگران از این عرصه خالی سوء استفاده کرده و بر مردم حاکم خواهند شد و به بیان امام علی علیه السلام در این جا دیگر دعا و استغاثه هم فایده‌ای ندارد، برای اینکه خود ما از انجام وظیفه شانه خالی کردیم و به وظیفه خود عمل نکردیم.

[استفاده از حداقل امکانات برای آگاهی دادن به جامعه]

ایشان وجود مشکلات و موانع و همچنین نبود وسایل ارتباطی میان نیروهای دلسوز جامعه با مردم را مانع از انجام رسالت آنان ندانسته فرمودند: باید از حداقل‌های موجود استفاده برده و جامعه را آگاه ساخت که اگر جامعه به رشد فکری رسید مسائل کلان آن قابل حل خواهد بود.

[مشکلات مانع حق‌گویی نشود]

آیت‌الله منتظری ترویج نفاق و نفاق‌پروری، ثناگویی و دین‌گریزی در میان جوانان را از مهم‌ترین تهدیدها و آسیب‌های اجتماعی ذکر و فرمودند: انسان مسلمان باید با توکل بر خدا با حریت و آزادی و بدون تنش و بحران‌سازی حرف خود را بزند و در راه انجام وظیفه از افتادن در ورطه روزمرگی و بی‌تفاوتی پرهیز کرده و مشکلات، مانع حق‌طلبی و حق‌گویی نشود؛ چرا که خداوند در سوره «والعصر» پس

از ایمان، عمل صالح و توصیه به حق، توصیه به صبر، پایداری و بردباری را از اوصاف انسان‌های با ایمان می‌داند.

آیت‌الله منتظری انقلاب را حاصل مبارزات، شکنجه‌ها، شهادت‌طلبی و تلاش تمامی اقشار مردم دانستند و حفظ آن را در گرو اصلاح امور و رفع ضعف‌ها و ناکارآمدی‌ها دانسته و در پایان مجدداً از دل مشغولی جوانان خط امام علیه السلام دربارهٔ اوضاع سیاسی و اجتماعی کشور تقدیر کردند و برای موفقیت آنان در تمام عرصه‌ها دعا کردند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

دفتر آیت‌الله العظمی منتظری

مصاحبه روزنامه «ماینیچی» ژاپن به مناسبت سی امین سالگرد انقلاب اسلامی

۱۳۸۷/۷/۲۶

حضرت آیت الله العظمی منتظری دامت برکاته

با آرزوی قبولی طاعات و عبادات حضرت تعالی و آرزوی سلامتی و طول عمر، و ابراز تشکر و قدردانی از پذیرش سؤالات این روزنامه.

با توجه به اینکه انقلاب اسلامی ایران به زودی سی امین سالگی خود را جشن خواهد گرفت، روزنامه ماینیچی ژاپن قصد دارد به مناسبت سی سالگی انقلاب اسلامی ایران مجموعه مصاحبه‌هایی را با شخصیت‌های طراز اول کشور به انجام برساند. با توجه به نقش و جایگاه حضرت تعالی در به ثمر رسیدن انقلاب و رویدادهای بعد از آن، اگر اجازه بفرمایید گزارش اول در این زمینه را با مصاحبه حضرت تعالی در روزنامه درج کنیم.

با تشکر فراوان

مدیر دفتر روزنامه ماینیچی: تاکایوکی کاسوگا

سؤال ۱ - حضرت تعالی در کتاب خاطرات خود ذکر کردید که:

«من همیشه زندانبان‌ها و مسئولین زندان را از برخورد غیر اسلامی با زندانیان برحذر می‌داشتم، من به زندان‌ها نماینده می‌فرستادم که زندان‌ها را بازرسی کنند که اخلاق اسلامی در آنها رعایت شود و به زندانیان ظلم نشود و حقوق آن‌ها پایمال نگردد، درست است که یک کسی زندانی ما شده ولی نباید به او ظلم بشود هر چند - به قول آقایان - از منافقین باشد، آقایان انصاری نجف‌آبادی و محمدی یزدی مدت‌ها نماینده من در زندان‌ها بودند و به شکایات زندانیان رسیدگی می‌کردند؛ خلاصه من با تندروی‌ها مخالف بودم، نسبت به هر کسی که می‌خواست باشد؛ حتی

تعبیر به «منافق» هم صحیح نیست» (خاطرات ص ۶۲۰).

اما برخی بر این باورند که سخت‌گیری و حذف نیروهای ضد انقلاب از قبیل مجاهدین خلق باعث استحکام پایه‌های انقلاب اسلامی تا به حال در ایران شده است. البته این دیدگاه به معنای قبول استفاده از «قهر مذهبی در صورت لزوم» است. حضرت‌تعالی در این باره چه نظری دارید؟

﴿ بسمه تعالی ﴾

با سلام و تحیت و اعتذار از تأخیر جواب

[حساسیت بر حقوق زندانیان]

جواب - همان‌گونه که در مطالب مورد ذکر شما از خاطرات این جانب آمده است، آنچه که مورد عنایت و حساسیت بنده در گذشته و حال بوده است این است که تمامی افراد کشور اعم از مخالف یا موافق، حقوقی انسانی دارا هستند که باید آن حقوق رعایت شود. این حساسیت هنگامی بیشتر شد که من مشاهده می‌کردم افرادی بازداشت شده‌اند و به دلیل اینکه مخالف حکومت هستند به بدترین وجه در زندانها با آنها برخورد می‌شود. گاهی احکام صادره همخوانی با جرم ندارد. در زندان هم که در حال سپری کردن محکومیت خویش‌اند حقوق انسانی آنها رعایت نمی‌شود. بدتر از همه پس از عملیات مرصاد برخی از آنها که قبلاً به چند سال زندان محکوم شده بودند فقط به دلیل اینکه مثلاً سر موضع‌اند اعدام شدند. این جانب مخالف این نبوده و نیستم که اگر کسی جرمی مرتکب شده است توسط دادگاه صالحه با طی مراحل دادرسی اعم از صدور کیفرخواست، اخذ وکیل، فرجام‌خواهی و... حکمش صادر و اجرا شود ولی معتقد بودم، اولاً با قوه قهریه نمی‌توان با تفکر و اندیشه برخورد کرد. و ثانیاً اگر حکمی هم صادر شده است چرا محکوم‌علیه حق دفاع یا اخذ وکیل یا فرجام‌خواهی نداشته باشد؟! چرا با او چون یک انسان برخورد نشود؟! در یک کلام بنده از تندروی‌ها و حق‌کشی‌ها انتقاد می‌کردم.

[تندروی‌های دوجانبه و سنت بدی که تحمیل شد]

البته باید به این نکته هم اشاره کنم که مخالفان در برهه‌ای از زمان تندروی‌هایی کردند. آنها دست به سلاح بردند و باعث شدند با خشونتشان، سخت‌گیری بر نظام و انقلاب تحمیل شود و برخی با ذکر موارد ترور و آدم‌کشی‌های آنان سوژه به دست آورده از آن روز تاکنون بر مخالفان بتازند. در این جا تندروی از هر دو سوی میدان باعث شد که سنت و روش بدی بر نهادهای امنیتی و قضایی کشور با هدف استحکام پایه‌های نظام تحمیل شود که ما هنوز گرفتار آن هستیم.

[مخالفت با خشونت، علیرغم سابقه مخالفت با مجاهدین خلق

و شهادت فرزندم توسط آنان]

سؤال ۲- علی‌رغم اینکه حضرت‌عالی فرزندگرامی‌تان را در حمله تروریستی مجاهدین خلق از دست دادید، به برخورد همراه با عطف اسلامی تکیه داشتید و آن را به امام نیز پیشنهاد کرده‌اید. به عنوان پدر کسی که فرزندش را در حملات تروریستی مجاهدین خلق از دست داده است، آیا نسبت به این گروه احساس نفرت داشتید؟

جواب - مخالفت‌های فکری این جانب پس از آن که سازمان مجاهدین خلق دچار تغییر ایدئولوژیک شد در سالهای قبل از انقلاب برکسی پوشیده نیست. آن زمان بنده به همراه برخی چون آیت‌الله طالقانی در زندان، با آنها حشر و نشر داشتیم و چون آنها به تغییر ایدئولوژی و مذهب مارکسیسم گرایش یافتند با آنها از نظر فکری و عملی به مخالفت پرداختیم. از همان زمان با سران و افکار آنها آشنا شدم و به غرور کاذب آنها پی بردم و بر همین اساس آنها پس از انقلاب خود را تافته جدا بافته از ملت حساب کردند. پس از آن این گروه را هیچ‌گاه پذیرا نبودم در حالی که آنها با اسم و رسم و آرم خود با آیت‌الله خمینی دیدار و گفتگو می‌کردند. البته شاید ایشان هم می‌خواستند با آنها اتمام حجت نمایند. آقایان سازمان مجاهدین سهم زیادی می‌خواستند که با خوی

انحصارطلبی دیگر انقلابیون سازگار نبود. آنها به اعمال و فعالیت‌های خشن روی آوردند و نه تنها فرزندان من که بسیاری از بزرگان ملت و افراد نخبه حوزوی و دانشگاهی و مردم عادی را ترور کردند و از این مسیر خسارات بسیاری بر کشور تحمیل شد. همان روزی که در ۷ تیر ۱۳۶۰ فرزندانم محمد شهید شد پیام دادم و علاوه بر آن که غصه از دست رفتن فرزندانم را بخورم - که سالها مبارزه کرد، شکنجه و زندانی شد و آوارگی کشید - بیشترین ناراحتی من از این جهت بود که بچه‌های پاک و نورسته این کشور، گول شعارهای پوچ سران این سازمان را بخورند که این وضعیت سنگین‌تر از شهادت فرزندانم بود.

سؤال ۳- حضرت‌عالی قبل از رحلت امام خمینی، طی دو نامه‌ای که در مورخه ۱۳۶۷/۵/۹ و ۱۳۶۷/۵/۱۳ به ایشان نوشته‌اید، نسبت به نقض حقوق بشر در زندان‌ها نارضایتی عمیق خود را نشان دادید. آیا آیت‌الله خمینی در آن زمان از این نقض حقوق بشر یا دادگاه‌های ناعادلانه خبر نداشتند؟ یا اینکه آگاهی داشتند و اقدامی انجام ندادند؟

سؤال ۴- حضرت‌عالی در خاطرات خود با اشاره به «اطرافیان» امام، به این مسأله اشاره کردید که در سال‌های پایانی عمر امام «بسیاری از مواقع از نام امام سوء استفاده می‌شد» (همان، ص ۶۶۳). این برداشت وجود دارد که این اشخاص احمد آقا خمینی و یا آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بوده‌اند. در آن زمان چه کسی قدرت سیاسی را بر عهده داشت؟

[آیت‌الله خمینی می‌گفت مگر من اصول دین هستم!

مخالف من نباید زندان باشد]

جواب - بعید می‌دانستم ایشان از وضعیت نابسامان زندانها اطلاع داشته باشند. برخی‌ها که حتی خود ایشان روی آنها نظر داشتند هم نمی‌توانستند یا نمی‌خواستند گزارش‌ها را به ایشان بدهند یا اطرافیان ایشان اخبار و گزارش‌ها را به واسطه رعایت حال ایشان، سعی می‌کردند به ایشان داده نشود. روزی من به آیت‌الله خمینی عرض

کردم آقا! کسی هست در زندان که انقلاب و شما را قبول ندارد اما می خواهد دنبال کار خودش برود، فعالیت هم نمی کند، آیا ما حق داریم او را در زندان نگه داریم؟ ایشان گفتند: نه! مگر من اصول دین هستم که اگر کسی مرا قبول نداشت باید در زندان نگه داشته شود. نظر ایشان این گونه بود. برخی ها هم مطالبی را با اسم و رسم ایشان بیان می کردند یا عملی به نام ایشان انجام می گرفت که در نتیجه موجب ضرر و خسران به اسلام، انقلاب و شخص آیت الله خمینی شد.

سؤال ۵- حضرتعالی در مصاحبه قبلی با این روزنامه به تاریخ ۲۰۰۷/۰۲ فرمودید: «انقلاب به خاطر آزادی همه ملت بود، نه آزادی حکومت ها تا دهن مخالفان خود را ببندند.» الان با گذشت سی سال از وقوع انقلاب اسلامی ایران، این انقلاب را چطور می بینید؟

[رکن دوّم و سوّم «استقلال»، «آزادی»، «جمهوری اسلامی» پایمال می شود]

جواب - شعاری را آیت الله خمینی مطرح کردند ما هم به تبع ایشان و مردم هم با همان شعارها وسط میدان آمدند و انقلاب به پیروزی رسید شعار استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی بود. استقلال تا حدی حاصل شده است اما درباره آزادی و جمهوری اسلامی هنوز که هنوز است راه باقی است. درباره آزادی باید گفت علی رغم شعارهای فعلی مسئولان که به عنوان نمونه در آمریکا گفته اند ایران آزادترین کشور دنیاست چنین مطلبی صحت ندارد و آزادی های مشروع و مصرح در قانون اساسی به راحتی با مصونیتی که آقایان در برابر قانون و شرع! برای خود می پندارند، پایمال می شود. هنوز خیلی از احزاب آزادی ندارند، برخی گروه های سیاسی چون مخالف سلیقه حاکمان اند غیرقانونی شمرده شده اند. رسانه هایی که شناگوی حاکمان اند آزادند که هر چه می خواهند یا دستور گرفته اند بنویسند ولی رسانه های مستقل از حاکمیت مشکلاتی را از ناحیه مقام ها و نهادهای امنیتی و قضایی متحمل می شوند. برخی افراد در کشور ممنوع التصویر هستند.

مسئولین ما در سخنرانی‌ها از وجود ظلم و بی‌عدالتی در جهان سخن می‌گویند؛ آیا در ایران ما ظلم و بی‌عدالتی و تجاوز به حقوق دیگران وجود ندارد؟ این جانب در خطبه نماز عید فطر گفتم: چرا ده سال است حسینیه را که از پول شخصی ساخته شده است و محل تدریس فقه و اخلاق اسلامی و اقامه مجالس مذهبی بود بسته و پلمب کرده‌اند؟ و دیدیم که چه عکس‌العملی نشان دادند. حجة الاسلام آقای مجتبی لطفی یکی از اعضاء دفتر را بازداشت و منزل او و منزل داماد این جانب [آقای مجتبی فیض] را مورد بازرسی قرار دادند و اشیاء زیادی را با خود بردند. چرا دفتر من در مشهد و اصفهان را اشغال کرده‌اند؟

درباره جمهورییت هم باید گفت: با دخالت‌های ناروای ارگان‌هایی انتصابی چون شورای نگهبان یا برخی نهادهای نظامی، عملاً انتخابات به انتصابات تغییر پیدا کرده است. افراد لایق و انقلابی و کارآمد برای جامعه و مردم را به بهانه‌های واهی بی‌دین و ضد نظام قلمداد می‌کنند، تنها به این دلیل که به آقایان انتقاد دارند. و عملاً در این مسیر آنها را رد صلاحیت می‌کنند و کسانی که باب میل خودشان است از صندوق‌ها بیرون می‌آیند و آنها خود را به غلط نماینده مردم می‌دانند! و مشخص است که آنها می‌شوند وکیل الدولة نه وکیل الملة!

[بجز اصل ولایت مطلقه فقیه، بقیه اصول پایمال و به جای نظارت،

دخالت می‌شود]

آقایان فقط ولایت مطلقه فقیه را مورد توجه قرار می‌دهند و دیگر اصول قانون اساسی را زیر پا می‌گذارند. ولایت مطلقه که آقایان آن را فوق قانون می‌دانند منجر به حکومت فردی و دیکتاتوری می‌شود حال آن که فقیه بما انه فقیه باید نظارت داشته باشد تا در قوای سه‌گانه کاری بر خلاف موازین اسلام انجام نشود نه اینکه در تمام جزئیات کشور حق دخالت داشته باشد و مردم و آنها که با رأی واقعی مردم سرکار آمده‌اند، هیچ قدرتی نداشته باشند.

از نکات مهم دیگر مسأله معیشت و اقتصاد مردم است. علی رغم شعارهایی که تا به حال داده شده است روز به روز مردم گرفتارتر شده اند.

سؤال ۶- از مضمون دو نامه منسوب به امام خمینی که برای حضرتعالی فرستاده اند و حضرتعالی را از کار سیاسی برحذر داشته اند، این طور برداشت می شود که حضرتعالی با مجاهدین خلق ارتباط داشته اید. حمایت های شما از زندانیان بعد از انقلاب نیز به این برداشت دامن زده است. از نظر حضرتعالی، انقلاب باید خدمت گزار اسلام و مردم باشد و عطوفت اسلامی را مدنظر قرار دهد. احساس می شود که مخالفان حضرتعالی از نظریات حضرتعالی بر علیه حضرتعالی سوء استفاده کرده اند که تأسف بار است.

[راه منطقی برای کناره گیری من از قائم مقامی وجود داشت]

جواب - این جانب مسئولیت های دنیوی را اعتباری دانسته و به آنها هیچ علاقه ای ندارم، بر همین اساس هنگامی که خبرگان ملت، رأی و نظر مردم را به عنوان یک مصوبه مورد قبول و تأکید قرار دادند و من را به عنوان رهبری آینده معرفی کردند، نامه ای به رئیس خبرگان نوشته و مخالفت خود را اعلام کردم. مدتی هم که مسئولیت داشتم سعی می کردم ثناگو نباشم. صرف اینکه قائم مقام رهبر شدم از فریضه امر به معروف و نهی از منکر غافل نباشم و در مقابل خطاها سکوت نمی کردم. اگر آیت الله خمینی نظرشان بر این بود که من در کنار باشم خوب بود دوستانه یک بار به من می گفتند: شما دیگر صلاح نیست مسئولیت سیاسی داشته باشید. راهش این بود، نه اینکه با وارد کردن اتهاماتی چون حمایت از مجاهدین و بدون اینکه از این جانب توضیحی بخواهند تا بتوانم از خودم دفاع نمایم برخورد شود و بگویند شما دیگر در امور سیاسی و سیاست دخالت نکنید. مگر از سال ۴۲ و حتی قبل از آن که وارد مبارزه شدم با رأی و نظر کسی آمدم که حال بخواهم از سیاست کنار بکشم؟! مگر ما نمی گوییم سیاست ما عین دیانت ماست؟! مگر آیت الله خمینی خودشان - در کتاب

تحریرالوسیله، باب نماز جمعه - نمی گویند کسی که می گوید: «دین از سیاست جداست نه دین را فهمیده و نه سیاست را؟!» پس چرا نظر می دهند که چه کسی در سیاست دخالت کند یا نکند؟

سؤال ۷- آقای خاتمی، رئیس جمهور سابق ایران نسبت به مجاهدین خلق سیاست منعطف در پیش گرفتند و توبه بسیاری از آنها را پذیرفته و اجازه برگشت به وطن را دادند. برخی بر این عقیده اند که سیاست های آقای خاتمی زمانی بود که سیاست های سخت گیرانه جمهوری اسلامی ایران برای تضعیف سازمان مجاهدین خلق مفید واقع شده بود. نظر حضرتعالی چیست؟

[امید به بازگشت افرادی از مجاهدین خلق]

جواب - من از سیاست های آقایان اطلاعی ندارم ولی در بین مجاهدین خلق هم افرادی هستند که یا فریب خورده اند یا به دلیل برخی برخوردهای تند و خشن از وطن کوچ کرده اند و یا به هر دلیلی از کار با سازمان خسته و پشیمان شده اند که امیدوارم با عفو عمومی به دامن ملت برگردند.

سؤال ۸- بهبود وضعیت حقوق بشر در ایران نسبت به سال های قبل مشهود است. اما سازمان های حقوق بشر بین المللی از قبیل سازمان عفو بین الملل با انتقاد از وضع حقوق بشر، کماکان خواهان بهبود حقوق بشر در ایران هستند. حضرتعالی وضعیت حال حاضر حقوق بشر در ایران را چگونه ارزیابی می کنید؟ اگر مشکلاتی در این زمینه هست، چگونه باید رفع شود؟

[نقض حقوق بشر سخت تر از گذشته است]

جواب - اینکه وضعیت حقوق بشر در حال حاضر بهتر از گذشته شده است مطلب واضحی است. اما حتی آنها که آن اعمال را انجام می دادند و امروز هم به همان کارها اعتقاد دارند سعی می کنند از دایره قانون وارد شوند و کارشان را قانونی جلوه

دهند و مهم تر اینکه اکثر کارهای آنها از دید مردم و رسانه ها کمتر مخفی می شود و مجبور به پاسخ گویی می شوند. این خود زمینه مناسبی است، اما متأسفانه هنوز عده ای چون حجة الاسلام والمسلمین آقای هادی قابل و برخی از دانشجویان به جرم اظهارنظرهای انتقادی در زندان هستند. برخی ها که حتی سال ها قبل بازداشت شده اند با وثیقه های سنگین آزادند ولی تکلیف آنها روشن نمی شود و بلا تکلیف هستند. برخی اموال و اماکن تسخیر و مصادره شده و بازپس داده نشده است. برخی افراد به بهانه های واهی حتی از تحصیل علم یا انتخاب شغل محروم شده اند. در پایان از خدای بزرگ سربلندی و سرافرازی ملت را خواهانم و امیدوارم شما در انجام رسالت مطبوعاتی خود امانت را رعایت کرده و واقعیات را منعکس نمایید. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

دفتر آیت الله العظمی منتظری

بیانات معظم له در سالروز شهادت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

۱۳۸۷/۸/۴

[ثقلین، یادگاری دو چیز گرانها]

به مناسبت سالروز شهادت امام جعفر صادق علیه السلام جمعی از اقشار مردم با آیت الله العظمی منتظری دیدار کردند. در این دیدار ایشان ضمن تسلیت شهادت رئیس مذهب، حضرت امام صادق علیه السلام یادآور شدند:

افتخار ما و شما به شیعه بودن و پیروی از امام صادق علیه السلام است، جای تأسف شدید است که در بعضی کشورهایی که مسلمانند به تشیع و شیعیان حمله می کنند و چه بسا آنان را مورد اهانت قرار می دهند. در صورتی که مطابق روایت «ثقلین» که علاوه بر کتاب های محدثین و علمای شیعه در بسیاری از صحاح و مسانید علمای سنت غیر از صحیح بخاری نقل شده است، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: من از دنیا می روم و ثقلین یعنی دو چیز نفیس و گران بها را بین شما امانت می گذارم: یکی قرآن، کتاب خدا و دیگری عترت خود، و سپس فرمودند: این دو چیز گران بها و نفیس از یکدیگر جدا نمی شوند تا در قیامت بر من وارد شوند، و تا زمانی که مردم به این دو چیز چنگ بزنند هرگز گمراه نخواهند شد.

بر اساس این روایت که به نحو متواتر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است همه مسلمان ها تا روز قیامت موظفند به قرآن و عترت که همان امامان معصوم علیهم السلام هستند تمسک نمایند و آنها را محور عقائد و اخلاق و اعمال خود قرار دهند. مرحوم آیت الله العظمی بروجردی می فرمودند: ما نمی خواهیم جنگ شیعه و سنتی راه بیندازیم و بر سر خلافت بلافصل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نزاع کنیم، اما آنچه که هرگز قابل

انکار نمی باشد این است که مطابق حدیث ثقلین که ذکر شد مسلمان ها باید علاوه بر قرآن، به عترت پیامبر نیز تمسک نمایند، و قول و فعل عترت را حجت و محور زندگی خود قرار دهند.

حضرت آیت الله منتظری یادآور شدند: باید توجه شود که اولاً معنای تمسک به عترت، فقط دوست داشتن آنان نیست، بلکه باید علاوه بر دوست داشتن، کلمات و رفتار آن بزرگواران را محور قرار داده و همچون قرآن مورد عمل در تمام شئون زندگی خود قرار دهیم. و ثانیاً واضح است که عترت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، ابوحنیفه، شافعی، مالک و احمد حنبل نمی باشند، بلکه عترت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم همان امامان معصوم علیهم السلام هستند. و ثالثاً تعبیر از پیروان علی علیه السلام به لفظ «شیعه» از ناحیه خود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می باشد، در تفسیر «در المثنوی سیوطی» جلد ۶ صفحه ۳۷۹ در تفسیر سوره بینه چند حدیث در این رابطه نقل شده است.

همچنین در روایتی امام صادق علیه السلام فرمودند: حدیث من حدیث پدرم و حدیث پدرم حدیث جدّم است تا برسد به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم. بنابراین احادیث آن حضرت و سایر امامان علیهم السلام در حقیقت احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است، پس چگونه عده ای که خود را مسلمان و طرفدار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می دانند به خود اجازه می دهند کلام قطعی پیامبر اکرم در حدیث ثقلین را نادیده بگیرند و ظالمانه به تشیع و شیعیان که جز پیروی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و عترت آن حضرت گناهی ندارند حمله کنند و آنان را مورد اذیت و فشار قرار دهند؟.

در آخر ایشان متذکر شدند: البته نباید اختلاف شیعه و سنی را تشدید نمود، زیرا تشدید این اختلاف جز به نفع دشمنان اسلام و دشمن شیعه و سنی نخواهد بود، ولی باید حق را گفت و به شکل منطقی از حقیقت دفاع نمود.

دفتر حضرت آیت الله العظمی منتظری

دیدار اعضای «پویش دعوت از خاتمی»

۱۳۸۷/۸/۸

اعضای هسته مرکزی «پویش (کمپین) دعوت از خاتمی» با حضور در بیت آیت‌الله العظمی منتظری در قم با ایشان دیدار کردند.
آیت‌الله العظمی منتظری در این دیدار هرگونه اظهارنظر منفی درباره نامزدی حجة الاسلام سید محمد خاتمی را که اخیراً توسط برخی رسانه‌ها به ایشان منتسب شده بود تکذیب و خاطرنشان کردند:

[تکذیب شکوه از خاتمی در بجنوبه فعالیت انتخاباتی]

در برخی اخبار، اظهارات من در دیدار با شورای مرکزی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران چنان منعکس گردید که گویی من علیه آقای خاتمی حرفی زده‌ام؛ در حالی که اینها همه کذب است و من از ایشان هیچ گله‌ای ندارم. تکذیبیه‌ای هم در این باب از سوی دفتر من منتشر شد و بر روی سایت اینجانب قرار دارد.

در بخش دیگری از این دیدار آیت‌الله العظمی منتظری ضمن ابراز خرسندی از حساسیت جوانان نسبت به مسائل کشور، از بی تفاوتی نسبت به امور سیاسی و اجتماعی انتقاد کردند و فعالیت‌های «پویش» را از مصادیق امر به معروف و نهی از منکر دانستند و ضمن تأکید بر اهمیت فریضه امر به معروف و نهی از منکر به قسمتی از واپسین پندهای مولا امیرالمومنین علیه السلام خطاب به فرزندان ایشان اشاره نمودند:

[خالی کردن صحنه، فرصت برای بدان]

اگر نسبت به امور بی تفاوت شدید و صحنه را خالی کردید، بدان از فرصت استفاده می‌کنند و والی شما خواهند شد و بر شما حکومت خواهند کرد؛ آنگاه حتی دعا‌های شما هم دیگر مستجاب نخواهد شد.

[شرط پیروزی اصلاح‌طلبان، اجماع بر یک نامزد]

آیت‌الله منتظری همچنین بر ضرورت اجماع اصلاح‌طلبان بر بهترین نامزد و لزوم انتخاب یک کاندیدای واحد تأکید ورزیدند و کنار گذاشتن اختلاف نظرها و سوء نیت‌ها را شرط پیروزی آنان در انتخابات آینده دانستند و تأکید کردند: توافق بر یک نامزد، شرط پیروزی اصلاح‌طلبان است؛ و اگر هر دسته و گروهی یک نفر را کاندیدا کند امیدی به پیروزی نخواهد بود. برای پیروزی کاندیدای اصلاح طلب باید گزینه‌ای که عاقلانه‌تر است و احتمال پیروزی بیشتری دارد را انتخاب و بر آن اجماع کنید.

در ابتدای این دیدار اعضای هسته مرکزی «پویش دعوت از خاتمی» گزارشی از فعالیت‌های دوازده‌گانه خود برای افزایش احتمال نامزدی سید محمد خاتمی در انتخابات ارائه کردند و با عنایت به آثار نتیجه انتخابات بر سیاست و فرهنگ و اقتصاد کشور و حفظ استقلال حوزه و منزلت نهاد مرجعیت در نظر دولتمردان به دلایل درخواست خود از مراجع عظام تقلید برای حمایت از نامزدی سید محمد خاتمی اشاره کردند.

دفتر آیت‌الله العظمی منتظری

« ۶۹ »

مصاحبه خبرنگار شبکه «الجزیره»
به مناسبت سی‌امین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی

۱۳۸۷/۸/۱۹

﴿ بسمه تعالی ﴾

حضرت مستطاب آیت‌الله العظمی حسینعلی منتظری
شبکه الجزیره به زبان انگلیسی قصد دارد تا به مناسبت سی‌امین سالگرد انقلاب اسلامی ایران
برنامه‌ای مستند در چند قسمت و در مورد چگونگی و دلایل به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی تهیه و
تولید نماید و سپس در ادامه به بیان تاریخ سیاسی دوران بعد از انقلاب بپردازد.
ما با چندتن از رهبران انقلاب و همچنین رهبران مذهبی و سیاسی وقت در رابطه با آن وقایع و
تأثیراتی که آنها بر ایران و جهان داشتند گفتگو می‌کنیم.
خوشحالیم به سبب پذیرش انجام این مصاحبه، شما به عنوان یکی از رهبران نخبه مذهبی و یکی از
رهبران با دانش و بینش و بی‌همتای انقلاب اسلامی ایران کمک بسیار سودمندی برای پروژه ما هستید.
با تشکر از وقت و توجه شما
ارادتمند: مایک دیلن - مدیر بخش برنامه‌های مستند شبکه الجزیره

سؤال ۱: فعالیت مبارزاتی شما علیه رژیم پهلوی بر چه اساس و دلایلی بود و اساساً این
فعالیت‌ها و مبارزات بر چه اصول و مبانی متمرکز بود.

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

با سلام و تحیت و تقدیر از شما که به تحقیق درباره انقلاب و امور مربوط به آن
پرداخته‌اید.

[دلایل مبارزه با رژیم شاه]

جواب: اساس و دلایل مبارزات اینجانب و دیگر مبارزین، ظلم و بی عدالتی رژیم شاه و نبودن آزادی و وابستگی آنان به بیگانگان بود، در آن رژیم عده‌ای خود را با تملق و چاپلوسی به دربار که قدرت مطلقه داشت نزدیک کرده بودند و به مراکز اصلی قدرت دست پیدا کرده و هرکاری می‌خواستند می‌کردند و کسی جرأت انتقاد علیه آنان یا شاه که در رأس حکومت مطلقه بود را نداشت.

بدیهی است با چنین وضعیتی، یک اقلیت از تمام مزایای کشور در حداکثر بهره‌مند شده و اکثریت مردم از حقوق خود محروم می‌شدند و هرکسی کوچک‌ترین انتقاد را به این وضعیت می‌نمود سرنوشت آن، زندان و محاکمه و محکومیت‌های سنگین بود. از طرف دیگر بیگانگان و به خصوص امریکا مصونیت سیاسی داشتند و در مراکز اصلی قدرت نفوذ کامل پیدا کرده بودند و قهراً جریان امور در جهت تأمین منافع و مصالح آنان بود. در چنین شرایطی بود که ما براساس تکلیف دینی یعنی امر به معروف و نهی از منکر و دفاع از اکثریت مردم محروم کشورمان مبارزه با رژیم را شروع کردیم و تمام عواقب تلخ و سخت آن را نیز پذیرفتیم.

سؤال ۲: مهمترین وقایعی که سبب‌ساز بروز انقلاب اسلامی شد و باعث شد تا توده مردم مبارزین را یاری کنند با ذکر توضیحات بیان فرمائید.

[عوامل بروز و پیروزی انقلاب اسلامی]

جواب: رهبری‌های قاطع و شجاعانه رهبر فقید انقلاب مرحوم آیت‌الله خمینی و نیز تداوم مظالم رژیم شاه و برخوردهای خشن با مبارزین و سرکوب آنان و پر کردن زندانها از افراد سیاسی و مبارز و مقاومت مبارزین و مردم در حمایت از آنان از عوامل و اسبابی بود که سبب‌ساز انقلاب اسلامی شد.

کسانی که در رأس قدرت بودند با روحیه تکبر و خودبزرگ بینی که داشتند فکر می کردند هر چه بگویند و بنویسند مردم جرئت مخالفت ندارند و اگر هم عده ای مخالفت کنند مورد سرکوب کامل قرار می گیرند تا دیگران نیز عبرت بگیرند. لذا به یکی از نویسندگان گوش به فرمان خود به نام رشیدی مطلق دستور دادند مقاله ای در روزنامه اطلاعات بنویسد و به امام خمینی توهین نماید. از طرفی مرجعیت و روحانیت در آن زمان از محبوبیت خاصی در بین مردم برخوردار بود؛ لذا انتشار چنین مقاله توهین آمیزی باعث حرکت ها و تظاهراتی در قم شد که این شروع حرکت مردم بر علیه رژیم شاه در این برهه به حساب می آید.

حکومت که از نظر داشتن اسلحه و مهمات و نیز ساواک مخوف و گسترده بر خود می بالید و بسیار مغرور شده بود، برخورد مهربانانه با مردم نداشت و به جای مجازات متجاوزین به حقوق مردم، همواره مظلومین را مجازات می کرد و این باعث عصبانیت توده های مردم شده بود. در همین قضیه اهانت روزنامه اطلاعات به امام خمینی، مردم که اعتراض کردند و طلبه ای در قم به نام شهید انصاری کشته شد، اگر رژیم برخورد بی طرفانه می کرد و قاتل یا قاتلین را مجازات می نمود مردم آرام می شدند؛ اما به جای این کار به معترضین و مبارزین اتهام ارتباط با بیگانه زد و روزنامه های وابسته نوشتند که: تظاهرکنندگان از خارج مرزها دستور می گیرند. این باعث عصبانیت مردم شد و در چهلم شهادت آن طلبه شهید مردم تبریز قیام کردند و در مقابله با نیروهای رژیم چند نفر به شهادت رسیدند. باز هم رژیم علیه مردم صف آرایی کرد و در چهلم شهدای تبریز مردم یزد مورد حمله و کشتار قرار گرفتند و همین امر تداوم پیدا کرد تا جایی که بسیار دیر شده بود و پشیمانی و عذرخواهی شاه در رادیو و تلویزیون هم نتوانست مردم را آرام کند.

شاه اعلام کرد که من پیام شما ملت ایران را شنیدم. اولین سؤالی که پیش می آمد این بود که چرا پیام را این قدر دیر شنیدی؟ این همه مأمور ساواک و حقوق بگیران فراوان که داشتی چرا تو را مطلع نکردند؟ و حال که شنیدی برای جبران خسارات چه اقدام مناسبی نمودی؟

این سؤالات و هزاران سؤال دیگر که مطرح بود مردم را به این نتیجه رساند که شاه و حکومت او لیاقت اداره کردن این مملکت را ندارند و با رهبری های امام خمینی و جان بازی های مردم شریف ایران این انقلاب به پیروزی رسید.

سؤال ۳: برخورد و مقابله رژیم پهلوی با مبارزین چگونه بود؟ حضرت عالی به چه دلیل و به چه مدت در زندانهای آن رژیم بودید؟

[نحوه برخورد رژیم پهلوی با مبارزین و دلایل حبس و تعقیب من]

جواب: برخورد رژیم پهلوی با مبارزین و منتقدان سیاسی، بدنام کردن مبارزین و جعل عناوین خلاف واقع و دروغ برای آنان جهت محرومیت های گوناگون و سرانجام بازداشت و زندانی و محاکمه آنان بود. دلایل برخورد رژیم با من و زندانی کردن و محاکمه اینجانب نیز همان انتقاد از مظالم رژیم و کارهای خلاف آن و سلب آزادی های قانونی از مردم و نیز حمایت قاطع از مرجعیت و رهبری مرحوم آیت الله خمینی بود. اینجانب چندین مرتبه بازداشت و زندانی شدم که عمده آنها در سال ۱۳۴۵ به دنبال دستگیری فرزندم شهید محمد و عده ای از طلاب قم بود و دیگری در سال ۱۳۴۶ در بازگشت از عراق و ملاقات با مراجع نجف و بخصوص مرحوم آیت الله حکیم در جهت مطلع نمودن آنان از فجایع و مظالم رژیم شاه بود. این دفعه به یکسال و نیم زندان محکوم شدم و پس از آزادی و ادامه مبارزه و فعالیت های سیاسی مجدداً بازداشت و به طبرستان تبعید شدم و پس از یک سال از آنجا به خلخال و پس از مدتی به سقز و از آنجا به دنبال تظاهرات طلاب در قم و تحصن در مدرسه فیضیه و رسیدن گزارشاتی به ساواک مبنی بر نقش من و بعضی از شاگردان و منسوبین به من در آن جریان، بازداشت و به اوین منتقل شدم. پس از شش ماه ماندن در سلول و تحمل شکنجه های روحی و غیره محاکمه و در دادرسی ارتش به ده سال زندان محکوم شدم و در تجدید نظر نیز ده سال تأیید شد و

پس از تحمل حدود سه سال و نیم زندان که مبارزات مردم به اوج رسیده و شاه که تحت فشار داخل و خارج قرار گرفته بود و مجبور به آزاد کردن زندانیان سیاسی شد، آزاد شدم. یادآوری می‌کنم مشروح مبارزات و زندانها و تبعیدهای خود را در جلد اول خاطرات نوشته‌ام.

سؤال ۴: در زندانها چگونه با حضرت عالی و مبارزین برخورد می‌شد؟

[رفتار با من در زندان شاه]

جواب: رژیم با مبارزین سیاسی خیلی خشن و تند برخورد می‌نمود. سیلی و شلاق و سایر انواع شکنجه‌ها از قبیل دست‌بند قپانی و به تخت بستن و احیاناً سوزاندن مواضعی از بدن معمول بود. و با اینکه ساواک در مورد افراد مسن و معروف تا حدودی ملاحظاتی می‌کرد با این حال در مورد من از شلاق و سیلی و دست‌بند قپانی استفاده شد که هنوز آثار سیلی بازجو در گوشم باقی مانده است.

سؤال ۵: با توجه به مطالعاتی که داشتیم، حضرت عالی از شاگردان برجسته امام خمینی بودید. نقش ایشان در به ثمر رسیدن انقلاب را بیان بفرمایید.

[همکاری ما با آیت‌الله خمینی و نقش وی در پیروزی انقلاب]

جواب: بلی من و مرحوم شهید مطهری از شاگردان اولیه آیت‌الله خمینی بودیم و در تثبیت موقعیت آیت‌الله خمینی در حوزه قم و معرفی مقام علمی ایشان به دیگران و ترویج ایشان نقش زیادی داشتیم. اگر رهبری‌های مرحوم آیت‌الله خمینی نبود معلوم نبود مبارزات به ثمر و پیروزی برسد.

سؤال ۶: فعالیت مبارزاتی شما علیه رژیم پهلوی چگونه بود و با امام خمینی چگونه در این

مبارزات همکاری می‌کردید؟

جواب: مبارزات من در چند محور بود، اول: تحکیم رهبری و مرجعیت دینی آیت‌الله خمینی. رژیم شاه فوق‌العاده تلاش می‌کرد که مرجعیت ایشان تثبیت نشود و مردم، ایشان را به عنوان مرجع تقلید نشناسند. لذا سعی ما متقابلاً بر این بود که مقام علمی و صلاحیت‌های ایشان را برای مرجعیت به مردم معرفی نمائیم. دوم: رساندن پیام‌ها و منویات آیت‌الله خمینی به مردم. در آن شرایط خفقان، رساندن پیام‌های ایشان و ترویج از مرجعیت و رهبری معظم‌له مواجه با زندان و شکنجه و محرومیت‌های زیادی بود. تلاش ما این بود که از نظر مالی و روحی افرادی که آماده مبارزه و فداکاری بودند را کمک نمائیم تا پیام‌ها به اطلاع مردم برسد و ترس از محرومیت‌های سیاسی و اقتصادی مانع انجام وظیفه مبارزین نشود. سوم: حمایت از خانواده‌های زندانیان سیاسی بود. در آن مقطع یکی از اسباب ضعیف شدن مبارزات، نگرانی افراد مبارز برای خانواده‌های خود بود، و لذا ما با کمک به خانواده‌های زندانیان سیاسی نگرانی آنان را از این جهت برطرف می‌کردیم تا آنان به مبارزات خود ادامه دهند. چهارم: آگاه نمودن مردم و طلاب حوزه‌ها نسبت به مظالم رژیم توسط اعلامیه‌ها و پیام‌های دیگر و احیاناً سخنرانی.

سؤال ۷: پس از گذشت سی سال از انقلاب اسلامی ایران بفرمائید که این انقلاب به چه اهدافی دست پیدا کرده و در چه زمینه‌هایی موفق نبوده است.

[به اهداف آزادی و عدالت در انقلاب اسلامی دست نیافته‌ایم]

جواب: از جمله اهداف انقلاب، استقلال حاکمیت و عدم دخالت بیگانگان در مقدرات کشور بود. این هدف تحقق یافته و اکنون حاکمیت کشورمان مستقل است، ولی به سایر اهداف مهم نظیر آزادی و عدالت و عدم تبعیض هنوز به طور کامل دست نیافته‌ایم. هر چند شعار آزادی و عدالت زیاد است، ولی هنوز احزاب و رسانه‌های داخلی تحت فشار و سانسور قرار دارند و تعداد زیادی از روزنامه‌ها و

روزنامه‌نگاران و افراد منتقد و گروه‌های علاقه‌مند به اسلام و انقلاب و مصالح کشور مواجه با مشکلات و محدودیت‌های زیادی از طرف حاکمیت می‌باشند و هرکدام با اتهامات واهی و عناوینی ساختگی و خلاف واقع تحت پیگرد قرار می‌گیرند. خود من به‌خاطر یک سخنرانی انتقادآمیز پس از حمله به بیت و دفتر و اشغال حسینیه جنب آن، پنج سال حبس خانگی را متحمل شدم، و اکنون گرچه به حسب ظاهر آزاد شده‌ام، ولی حسینیه و دفاتر من در اصفهان و مشهد در توقیف می‌باشند. صحبت‌های من با افراد و مردم در رسانه‌ها سانسور می‌شود و هرکدام آن را منتشر کنند مواجه با پیگرد و محرومیت‌هایی می‌شوند. اخیراً مسئول اطلاع رسانی دفتر [آقای مجتبی لطفی] را بازداشت کرده‌اند و منزل او و یکی از دامادهای من را [آقای مجتبی فیض] تفتیش و چیزهای زیادی که هیچ منع شرعی و قانونی نداشته است را با خود برده‌اند. مردم ما بعد از گذشت سی سال از انقلاب هنوز برای معیشت خود مواجه با سختی‌های زیادی هستند و جز یک اقلیت با نفوذ در مراکز قدرت و اقتصاد، اکثریت مردم از گرانی و تورم بدون مهار رنج می‌برند و مدیریت کشور نتوانسته است این قشر عظیم که سرمایه‌کشور و انقلاب بوده و هستند را راضی کند. در بعد خارجی به شکلی عمل شده است که تمام کشورها را نسبت به کشورمان حساس و بدبین کرده‌ایم و همگی ما را به چشم دشمن خطرناک خود می‌بینند و از تعامل اقتصادی مفید با کشورمان پرهیز می‌کنند.

امیدوارم هرچه زودتر مسئولین کشور متوجه عواقب این‌گونه برخوردها و این وضعیت بشوند و فاصله مردم و حاکمیت را بیشتر نکنند و برای اقشار ضعیف و محروم که با تورم و گرانی دست و پنجه نرم می‌کنند یک فکر اساسی بکنند و کشور را از ورطه سقوط نجات دهند. ان شاء الله موفق باشید.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

دفتر آیت‌الله العظمی منتظری

دیدار گروه «اصلاح طلبان کرد»

۱۳۸۷/۸/۲۴

روز جمعه ۱۳۸۷/۸/۲۴ گروه «اصلاح طلبان کرد»، آقایان: دکتر جلالی زاده، دکتر توفیقی، بهمنش و سید معروف صمدی با آیت‌الله العظمی منتظری دیدار و گفتگو کردند.

در این دیدار ابتدا آقای دکتر جلالی زاده ضمن تشکر و قدردانی از نظرات معظم‌له در ایجاد وحدت بین شیعه و سنی، گزارشی از وضعیت جامعه و اختلافات مذهبی موجود ارائه کرد و از اینکه عده‌ای در پی تشدید این اختلافات و پاشیدن تخم کینه و نفاق بین مسلمانان هستند اظهار نگرانی نمودند. ایشان گفتند: همه ما اهل یک مملکت هستیم و دین مشترک داریم و باید مثل برادر زندگی کنیم. همه ما در تحکیم نظام جمهوری اسلامی نقش داشتیم. در همین جمع ما آقای دکتر توفیقی فرزند شهید است، و من هم فرزند شهید و هم برادر شهید هستم، و همه نسبت به سرنوشت مملکت حساس هستیم. متأسفانه سخنانی‌هایی که وجود دارد حاوی لعن و ناسزا به بعضی اصحاب پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد که باعث ناراحتی شدید اهل سنت می‌شود و من نسبت به آینده بسیار احساس خطر می‌کنم.

پس از آن آیت‌الله العظمی منتظری ضمن تشکر از جمع حاضر که در مسائل اجتماعی احساس تکلیف می‌کنند و در مقابل مشکلات مردم بی‌تفاوت نیستند، فرمودند:

[ارتباط با اهل سنت در ایام تبعید]

من مدتی را که در سقز کردستان تبعید بودم خاطرات خوبی از مردم و علمای آنجا

دارم. با آقای محمدی که رئیس حوزه علمیه سقز بودند در ارتباط بودم و تعدادی از کتابهای شیعه و کتاب خلاف شیخ طوسی رحمته الله را به ایشان دادم که خیلی خوشحال شدند، و بعضی کتابهای اهل سنت را از فرزند ایشان که کتابفروشی داشت خریداری کردم.

[مخالفت با هفته وحدت]

مسأله وحدت شیعیان و اهل سنت که اشاره کردید بسیار اهمیت دارد و اینجانب در اوایل پیروزی انقلاب «هفته وحدت» را پیشنهاد کردم تا اختلافات کمتر شود و همدلی به وجود بیاید، ولی برخی با همین مسأله هم مخالفت کردند و به اهانت ادامه دادند.

[به جای تضعیف یکدیگر، عقاید جوانان را تقویت کنیم]

الآن متأسفانه سایت‌های زیادی وجود دارد که اصل وجود خدا و نبوت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم را زیر سؤال برده‌اند؛ علمای شیعه و سنی باید سعی کنند این شبهات را جواب دهند و به جای صرف نیرو و امکانات خود در تضعیف و تکفیر یکدیگر، به این مسأله مهم پردازند و به حل مسائل اعتقادی جوانان کمک نمایند.

سیره پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز این بود که همه سلیقه‌ها و افراد را تحمل می‌کردند و با اینکه به امیرالمومنین علی علیه السلام علاقه خاصی داشتند، ولی با همه صحابه کار می‌کردند و همه با هم بودند. ما باید به سیره آن حضرت عمل کنیم و با دوستی و گفتگوی دوستانه و سازنده سعی کنیم اختلافات را کم کنیم تا دشمنان اسلام نتوانند سوء استفاده کنند. ان شاء الله موفق باشید.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

دفتر آیت‌الله العظمی منتظری

**ملاقات اعضای سازمان دانش آموختگان ایران (ادوار تحکیم وحدت)،
حزب جامعه مدنی استان همدان و انجمن اسلامی دانشگاه بوعلی سینا**

۱۳۸۷/۸/۲۵

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

من از اینکه برادران و خواهران به فکر مصالح و آینده کشور هستند تشکر می‌کنم. در دنیای امروز امور کشور به عهده مردم است که با تشکیل احزاب و با همفکری در اداره کشور تلاش کنند.

[مردم سالاری امام حسن]

امام حسن مجتبی علیه السلام در نامه‌ای به معاویه چنین می‌نویسد: «ولانی المسلمون الامر من بعده...»، یعنی: مسلمانان مرا بعد از آن حضرت والی قرار دادند؛ با اینکه آن حضرت امام و پیشوای مسلمانان بودند، اما می‌فرمایند مردم مرا انتخاب کردند. بالاخره کشور مال مردم است و مردم باید نظر بدهند و در امور مملکت و انتخابات تصمیم بگیرند و نظرشان را ابراز کنند. البته پرداختن به بحث انتخابات ریاست جمهوری هنوز زود است و باعث خستگی می‌شود و آن وقت در موعدش دیگر حال و حوصله برای کار کردن ندارید.

[شکست، نتیجه عدم اجماع اصلاح طلبان بر نامزد واحد است]

بنده قبلاً هم گفته‌ام که به شخص خاصی نظر ندارم، اما اگر شما چند دسته شوید و هر کدام به شخص خاصی نظر داشته باشید در نتیجه فعالیت‌های شما منجر به

شکست خواهد شد. بایستی حضرات اصلاح طلبان اتفاق نظر و هم‌آهنگی داشته باشند و فقط یک نفر را کاندیدا و بطور قاطع و همه جانبه از او حمایت کنند تا نتیجه دلخواه حاصل شود، و در غیر این صورت نتیجه‌ای نخواهند گرفت و زحماتشان هدر می‌رود.

به هر حال، کار شما پسندیده است که برای بهبود امور مملکت وقت گذاشته و دلسوزی می‌کنید.

[بی تفاوتی مردم زمینه حاکمیت اشرار]

مولا علی علیه السلام در آخرین وصیت‌نامه‌شان می‌فرمایند: «لاتترکوا الامر بالمعروف والنهی عن المنکر فیولی علیکم شرارکم ثم تدعون فلا یتجاب لکم». روشن است که امور جزئی منظور آن حضرت نیست بلکه می‌خواهند امور کلی را بفرمایند. اگر بنا شود مردم نسبت به جریانات و امور کشور و حاکمیت و کسانی که بناست کشور را اداره کنند بی تفاوت شوند و دست از امر به معروف و نهی از منکر بردارند، طبیعت‌اش این است که: «فیولی علیکم شرارکم»، یعنی: اگر مردم بی تفاوت شدند آن وقت میدان خالی خواهد شد و اشخاص بد بر سر کار خواهند آمد و آن وقت است که: «ثم تدعون فلا یتجاب لکم»، در آن موقع هر چه دعا کنید مستجاب نمی‌شود. در قرآن کریم هم در آیه ۱۳ سوره رعد می‌خوانیم: ﴿ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم...﴾.

[در صورت بی تفاوت نبودن مردم و اتحاد شما،

شورای نگهبان هم تسلیم می‌شود]

باید کاری کرد تا مردم از این بی تفاوتی بیرون بیایند. اگر در مسأله انتخابات هم بتوانید با همفکری و اتحاد بر یک نفر شخص صالح اجماع و توافق کنید، البته مردم هم با میل از این توافق استقبال جمعی خواهند کرد؛ و در این صورت شورای نگهبان

هم دیگر نمی‌تواند ایرادی بگیرد و فرد مورد نظرتان را رد کند. توجه داشته باشید که برای رسیدن به اهداف خود سعه صدر داشته باشید و با همدیگر درگیر نشوید، و البته راهی را که حق تشخیص داده‌اید بر سر آن پایدار بمانید و هرگز برخلاف عقیده‌تان اظهار نظر نکنید.

در پایان معظم‌له با قرائت سوره والعصر، موفقیت همه مسلمین را از درگاه خداوند متعال مسئلت نموده و برای موفقیت حاضرین دعا نمودند.

۱۳۸۷/۸/۲۵

دفتر آیت‌الله العظمی منتظری

«۷۲»

دیدار دو تن از علمای اهل سنت سیستان و بلوچستان

۱۳۸۷/۹/۱۵

روز گذشته دو تن از علمای اهل سنت سیستان و بلوچستان در قم با آیت‌الله منتظری دیدار و گفتگو کردند.

در این دیدار طرفین بر لزوم وحدت بیشتر بین مذاهب مختلف اسلامی و طرد افراد تندرو و بی‌منطق از هر جناحی که باشند تأکید نمودند.

آیت‌الله منتظری در این دیدار ابراز امیدواری کردند که مسئولین مملکتی واقعیت‌ها را در نظر بگیرند و حقوق همه افراد ملت از هر قوم و مذهب را رعایت نمایند. همچنین معظم‌له رعایت همه اصول قانون اساسی را خواستار شدند که در چندین اصل آن بر حقوق ملت تأکید شده است.

در پایان ایشان برای پیروزی اسلام و مسلمین و توفیق برادران اهل سنت در خدمت بیشتر به مملکت خود دعا کردند.

۱۳۸۷/۹/۱۵

دفتر آیت‌الله العظمی منتظری

پیام پیرامون قتل عام مردم مظلوم غزه به دست اسرائیل غاصب

۱۳۸۷/۱۰/۹

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

﴿ و سيعلم الذين ظلموا ايّ منقلب يتقلبون ﴾

قتل عام و کشتار مردم مظلوم غزه که این روزها توسط دولت غاصب اسرائیل در جریان است قلب هر مسلمان بلکه هر انسان آزاده‌ای را به درد می‌آورد. مردم بیگناه غزه در شرایطی هدف بمباران‌های اسرائیل قرار می‌گیرند که مدت‌ها است از نظر غذا و دارو و سایر امکانات اولیه در حصر کامل اسرائیل قرار گرفته و تمام راه‌های امدادرسانی حتی مع‌الاسف از سوی برخی دولت‌های اسلامی به سوی آنها بسته شده است.

[فشارهای اسرائیل مسبب نقض آتش‌بس از سوی فلسطینی‌ها]

بدیهی است اگر اسرائیل اقدام به حصر غزه نمی‌کرد و آن را به صورت یک زندان بزرگ در نمی‌آورد مجاهدان و مبارزان فلسطینی عکس‌العملی از خود نشان نمی‌دادند و آتش‌بس فی‌مابین نقض نمی‌شد، ولی مردم بی‌پناه غزه باید بهای گستاخی اسرائیل و زمینه‌سازی به دست گرفتن قدرت توسط دولت فعلی اسرائیل در انتخابات آینده را بپردازند. طبیعی است دولتی که از روز اول با جمع کردن صهیونیست‌ها از گوشه و کنار دنیا و غضب اراضی مسلمانان و ترور آنها تأسیس شد تداوم و بقای خود را نیز در کشتار و قتل عام مسلمانان فلسطینی خواهد دید.

[مرزبندی یهود با صهیونیسم]

آنچه قابل توجه است مرزبندی روشن بین ملت یهود و گروه متجاوز صهیونیسم و اظهار تنفر و بیزاری یهود از صهیونیسم می باشد. صهیونیسم جهانی باید بداند که طبق وعده قطعی خداوند در قرآن مجید تا ابد گرفتار رنج و مشقت و عذاب دنیوی خواهد بود و در هر دورانی خداوند آنان را توسط بندگان در عذاب و رنج قرار خواهد داد. آنجا که خدا می فرماید: ﴿و اذ تأذن ربک لیبعثنّ علیهم الی یوم القیامة من یشکم سوء العذاب...﴾ (سوره اعراف، آیه ۱۶۷).

[بی تفاوتی دولت ها در برابر جنایات غزه]

آنچه در جریان قتل عام کنونی مردم غزه مایه تأسف و تعجب است بی تفاوتی و موضع گیری های غیرجدی و زبونانه اکثر دولت های عربی و غیرعربی در کشورهای اسلامی از طرفی و تأیید ضمنی دولت های آمریکا و اروپا و سکوت مجامع بین الملل و سازمان های مدافع حقوق بشر از طرف دیگر است. من نمی دانم دولت های مدعی حقوق بشر و شورای امنیت چه پاسخی به تاریخ و نسل کنونی و آینده بشر خواهند داد که این همه مظالم و جنایات یک دولت غاصب را عملاً تأیید می کنند و حاضر نیستند یک اقدام جدی و به دور از شعارهای سیاسی در جهت حل مشکل فلسطینی ها که سالیان متمادی است از خانه و کاشانه و سرزمین های خود رانده و محروم شده اند انجام دهند؟!]

طبیعی است مردمی که از تمام حقوق اولیه خود و حتی از اراضی و خانه های خود محروم شده اند مقاومت می کنند و در صدد احقاق حقوق و رسیدن به آنها می باشند. تشکیلات عریض و طویل و پرهزینه سازمان ملل که برای حفظ حقوق ملت ها تأسیس شده است تاکنون جز صدور چند قطعنامه بدون پشتوانه اجرایی برای ملت مظلوم فلسطین و رسیدن آنان به حقوق خود چه اقدامی کرده است؟

در هر حال اینجانب ضمن اظهار همدردی با مردم غزه و خانواده‌هایی که عزیزان خود را در حمله‌های اسرائیل از دست داده و یا مجروح و معلول شده‌اند از تمام آزادی‌خواهان جهان و مدافعان راستین حقوق بشر می‌خواهم آنچه در توان دارند در جهت متوقف نمودن بمباران‌های اسرائیل و شکستن حصر غزه و حمایت از ملت مظلوم فلسطین در راه رسیدن به حقوق خود دریغ نکنند. و از دولت‌های اسلامی در کشورهای عربی و غیرعربی و اتحادیه عرب و سازمان کنفرانس اسلامی انتظار می‌رود از تمام امکانات سیاسی و غیرسیاسی خود در این جهت استفاده کنند و ننگ بی‌تفاوتی و زبونی در برابر این همه ظلم و جنایت و تضييع حقوق را در تاریخ برای خود تثبیت نمایند.

[اجازه صرف وجوهات برای کمک به غزه]

ضمناً مقلدین اینجانب مجازند یک سوّم سهم مبارک امام علیه‌السلام را از طریق مطمئن و مورد اعتماد در جهت کمک به مسلمانان مظلوم غزه صرف نمایند. از خداوند متعال عزت و عظمت اسلام و مسلمانان و حفظ وحدت کلمه آنان را در برابر دشمنان اسلام مسألت دارم.

والسلام علی جمیع عبادالله الصالحین.

اول محرم الحرام ۱۴۳۰ هـ ق - ۱۳۸۷/۱۰/۹ هـ ش

قم المقدسة - حسینعلی منتظری

«۷۴»

پیام تسلیت به مناسبت درگذشت آیت الله جمی

۱۳۸۷/۱۰/۹

﴿ بسمه تعالی ﴾

﴿ انا لله و انا اليه راجعون ﴾

با کمال تأسف خبر درگذشت عالم مجاهد و روحانی خدمت‌گزار مرحوم
حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ غلامحسین جمی امام جمعه سابق آبادان را
دریافت و متأثر شدم.

عالم بزرگواری که در راه مبارزه با رژیم سابق در آبادان نقش مهم و اساسی داشت
و در حمایت از انقلاب اسلامی و رهبر بزرگوار و فقید آن ساعی و کوشا بود. و در
کمک به رزمندگان عزیز در منطقه خوزستان در دوران جنگ تحمیلی از هیچ خدمتی
دریغ نداشت.

این جانب این مصیبت را به حضرت ولی عصر -عجل الله تعالی فرجه الشریف-
و حوزه‌های علمیه و حضرات ائمه جمعه کشور و خانواده و همه بازماندگان محترم
آن مرحوم تسلیت می‌گویم و از خداوند قادر متعال برای ایشان علو درجات و حشر
با ائمه طاهرین -سلام الله عليهم اجمعین- و برای همه بازماندگان و علاقه‌مندان صبر جمیل
و اجر جزیل مسألت می‌نمایم.

والسلام علی جمیع عبادالله الصالحین.

اول محرم الحرام ۱۴۳۰ - ۱۳۸۷/۱۰/۹

حسینعلی منتظری

توصیه‌هایی به دانشمندان، نواندیشان و پژوهشگران علوم اسلامی

۱۳۸۷/۱۰/۱۱

﴿ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ﴾

و به نستعین

دانشمندان، نواندیشان و پژوهشگران علوم اسلامی ایدهم‌الله تعالی
پس از سلام و تحیت و تسلیت ایام شهادت حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) و
یاران با وفای آن حضرت؛

[دلایل و زمینه‌های تهاجم گسترده به باورهای دینی]

همان‌گونه که استحضار دارید تهاجم به معتقدات دینی و مذهبی و القاء شبهات
گونگون نسبت به آنها، در بعضی از رسانه‌ها بخصوص در سایت‌های وابسته به
برخی قدرت‌های جهانی و مراکز ضد اسلامی و ضد تشیع رو به افزایش است. آنچه
این تهاجمات را موثر ساخته است استفاده‌های سیاسی و ابزاری از معتقدات دینی
مردم و نیز شفاف و مستدل نکردن بعضی از باورهای دینی و مذهبی است؛ و این خود
معلول فراهم نشدن شرایط گفتگو و کم توجهی دانشمندان دینی به مقوله مهم
باورهای دینی است. به یقین اگر دانشمندان اسلامی در قرون گذشته و معاصر،
معارف دینی را پیوسته بازبینی و ابهامات و نارسائی‌های استدلالی آنها را برطرف
کرده بودند، امروزه باورهای دینی و مذهبی این چنین مورد تهاجم و تشکیک قرار
نمی‌گرفت. تأسف آور این است که در حوزه‌های علمیه - که بایستی کانون اصلی
بررسی شبهات و پاسخ به آنها باشد - هنوز زمینه طرح نقدها و اشکال‌ها کاملاً فراهم

نیست و اجازه طرح بسیاری از آنها داده نمی‌شود.

[روشنفکران و تکرار شبهات کهنه]

در چنین شرایطی متأسفانه برخی از روشنفکران و قلم به دستان که انتظار می‌رود با آگاهی از باورها و مقتضیات زمان، متوجه همه جوانب بحث‌های خود باشند، به جای دفع شبهات و القانات نادرست علیه اسلام، همان شبهات را که گاه قرن هاست مطرح بوده تکرار می‌کنند، و بدون توضیح در جهت ابهام زدائی، عباراتی مجمل و غیر صریح را به کار می‌برند که چه بسا خواننده گمان می‌کند آنها نیز به شبهات وارد شده باور دارند. از سوی دیگر نقدها و حتی تهاجمات به دین را باید به شیوه «جادلهم بالتی هی احسن» پاسخ گفت نه با تکفیر و تفسیق که سخن صواب را هم از بین می‌برد؛ و همچنین در برابر نقدها و تهاجمات نباید با رنجش و واکنش عاطفی، به تعصب و عدم تحمل روی آورد؛ علاوه بر این امروزه با زبان و ابزار روز باید به بررسی و پاسخ ایرادات پرداخت و نمی‌توان چون سابق از شبهات به راحتی گذشت و یا مانع طرح و بحث آنها گردید.

[سرکوب منتقدان به جای گفتگو]

متأسفانه گاه دیده می‌شود به جای اینکه کمر همت بسته و نیروی عقلی و نقلی برای اقامه حکمت و موعظه حسنه و جدال احسن در قبال آن شبهات به کار رود، از اصل طرح شبهه استفاده ابزاری کرده و برای در هم کوبیدن مخالفین فکری و سیاسی که چه بسا خود جزو ناقدین و مهاجمین هم نیستند بهره جویی می‌شود؛ و بدین طریق نه تنها پاسخی به شبهه داده نمی‌شود بلکه در ذهن غیرمتخصصان و کسانی که دغدغه خاطر مذهبی یا سیاسی دارند، این شبهات راسخ تر می‌گردد.

[بسیاری از شبهات معلول عملکرد متصدیان امور دینی و حاکمان است]

غافل از اینکه منشأ بسیاری از این شبهات نامهربانی کردن و برخورد خصمانه با طرف مناظره و بی‌اعتنایی کردن به علل اصلی پیدایش سؤال و شبهه است؛ که گاه

ناشی از عملکرد نادرست و مشی متصدیان امور دینی و خاصه حاکمان حکومت دینی است. بدیهی است وقتی ما از جمهوریت سخن می‌گوئیم ولی برای جمهور مردم که صاحبان اصلی حکومتند طرفی نمی‌بندیم و همانند صغار و قاصران و غایبان بی‌سرپرست، در امور آنان می‌نگریم؛ و به دلخواه برای جمعیت چند ده میلیونی آنها تصمیم گرفته و بر آنان بدین شیوه حکم می‌رانیم؛ و آنگاه که لب به وجود آزادی می‌گشائیم، در عمل، آزادی را در راه اهداف خود قربانی می‌کنیم؛ و آنگاه که از دین و دیانت سخن می‌گوئیم تنها به پوسته و ظواهر آن حساسیت نشان داده و از گوهر دین و بخش مهم آن، اخلاق، غافل می‌شویم؛ و آنگاه که از عدالت و ظلم ستیزی سخن می‌گوئیم و مردم از آن قالبی تهی می‌بینند، و هنگامی که بر کرسی و عظم و خطابه به تقوا و مکارم اخلاق و عرفان و حفظ حریم دیگران دعوت می‌کنیم، اما خود به آن پایبند نیستیم، چگونه توقع داریم از تهاجم به دین و فرهنگ اسلامی در امان باشیم؟

این جانب که به مدد الهی عمری را در راه تعقیب، تحقیق، پیشبرد اهداف دین، استقلال و آزادی کشور سپری نموده و با توفیق الهی بر رنج و مرارت‌های فراوانی که در آن راه کشیده‌ام صبر کرده‌ام؛ و خداوند را هم از این بابت بسیار شاکرم؛ و با توجه به تجربه‌ای که از تاریخ آموخته‌ام، در مورد مسائل مزبور از همگان درخواستی دارم که امیدوارم به دید انصاف و رضایت نگریسته شود و اسلام مظلوم و کشور و مردم ستمدیده ما در امان بمانند.

[لزوم توجه ویژه به عقاید، کلام، تفسیر و تاریخ اسلام]

از عالمان و محققان دینی می‌خواهم که بیش از گذشته به بخش عقاید، کلام، تفسیر و تاریخ اسلام توجه نمایند و با نگرشی عمیق به بررسی و تحقیق و تعمیم پیرامون آنها بپردازند؛ زیرا اکنون نمی‌توان تنها با فقه و اصول، از پایگاه و جایگاه دین دفاع کرد، و در عوض از عقل و جایگاه آن در شرع و محدوده ادراکات آن کمتر سخن به میان آورد. اگر احیانا ارکان دین و اصول آن مورد تردید قرار گیرند، دیگر نوبت به آن مباحث نمی‌رسد و این مباحث هم راه به جایی نمی‌برند.

متأسفانه اصول عقاید، کلام، تفسیر و تاریخ، از مباحث حاشیه‌ای حوزه‌های دینی ما شده و به عنوان دروس جنبی مطرح است؛ با اینکه اگر اولیای معصوم علیهم‌السلام را بنگریم می‌بینیم که آنان نسبت به مسائل فرعی عملی، بیشتر هنگامی که مورد سؤال قرار می‌گرفته‌اند پاسخ می‌فرمودند، ولی درباره معارف بلند عقیدتی و مسائل اخلاقی بیشتر خودشان بدون پرسش، پیشگام در طرح آنها بوده‌اند. البته این بدان معنا نیست که ضرورتی برای مباحث فقهی نیست، بلکه مباحث فقهی نیز باید در جای خود بر پایه‌ای استوار و بر اساس مبانی و منابع معتبر و استدلالی مقبول و عاری از استحسان و قیاس باطل، پاسخگوی مسائل جدید باشد.

همچنین بایستی توجه داشت که خشونت‌ها و رفتارهای نامعقول، هنگامی که پوشش یا پشتوانه مذهبی پیدا کنند سبب می‌شود که این امور غیراخلاقی، جامه اخلاقی بپوشند؛ و به همین دلیل توسل به مذهب برای توجیه خشونت و اعمال نادرست، غیراخلاقی تر است.

بجاست در درون حوزه از ناقدان محترم دعوت به عمل آید و همانند دیگر مباحث علمی حوزه، اشکالات، مورد بحث و گفتگو قرار گیرد.

[لزوم شجاعت‌ورزی برای حفظ استقلال حوزه‌ها از حکومت]

و از علمای اعلام انتظار می‌رود شجاعانه حوزه‌های علمیه را - که پیشینه‌ای درخشان در استقلال از حاکمیت‌ها داشته - از خطر وابستگی که بسیار شبهه افکن و آسیب رسان به دین و روحانیت است محافظت نمایند؛ و مدیریت آن را مستقل از حاکمیت، زیر نظر و به عهده گیرند؛ چنان که مرحوم آیت‌الله العظمی خمینی طاب‌ثراه با اینکه در مسند مرجعیت و رأس حاکمیت بودند، همواره این روش را برای حوزه می‌پسندیدند و به آن عمل می‌کردند.

[پرهیز از سیاسی کردن مباحث علمی]

اما درخواستی که از ناقدان محترم دارم این است که پیرامون نقد مطالب اصلی یا

فرعی و طرح افکار و نظرات خود، تأمل بیشتری کنند و آنها را هر چند برای خودشان مورد جزم باشد، در محافل علمی ابراز دارند و از سیاسی شدن مباحث علمی پرهیز کنند، که منجر به تدافعات نفی و اثباتی بی‌محابا و خالی از استدلال، و بی‌اثر می‌گردد؛ در حالی که باید درد دین را درمان دینی و درد سیاسی را درمان سیاسی و درد اقتصادی را هم درمان اقتصادی کرد؛ و نگذاشت اینها به هم آمیخته گردند و هر یک به بهانه‌ای به تیغ دیگری قربانی شود.

[جبران کاستی‌ها و یافتن پاسخ‌ها به جای انفعال و انکار]

انتظار می‌رود که ناقدان محترم به جای اینکه در مقابل شبهات حالت انفعالی و گریز به خود گیرند، به مبانی مسلمات دین و مذهب نگاهی تازه کرده و کاستی‌هایی را که در استدلال‌های آنهاست جبران نمایند؛ و توجه نمایند که از مهم‌ترین وظایف یک مسلمان معتقد و نواندیش، پاسخ به شبهات و یافتن راه‌های جدید در پاسخگویی آنهاست، نه صرفاً بیان شبهات یا تولید شبهات جدید.

[امید یاری از روشنفکران]

امید است نواندیشان و روشنفکران مذهبی ما با قلم و زبان گویا و شیوا، دین خدا را در این آشفته بازار کم‌سابقه، یاری کنند و عزت اسلام و خود را روزافزون نمایند تا اینکه ان‌شاءالله هر چه زودتر ولی غایب منتظر(عج) ظهور کرده و خود سردمدار احیای دین و گسترش عدل گردند.

در خاتمه توفیق همگان را در خدمت به اسلام و تبیین حقایق نورانی آن از خداوند بزرگ مسألت دارم.

والسلام علیکم و علی جمیع المومنین والمومنات و رحمة الله و برکاته.

۱۱ دی ماه ۱۳۸۷ - سوّم محرم الحرام ۱۴۳۰

قم المقدّسة - حسینعلی منتظری

«۷۶»

پیام تسلیت به مناسبت درگذشت حجة الاسلام والمسلمین آقای مسافری

۱۳۸۷/۱۰/۱۳

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

﴿ انا لله و انا اليه راجعون ﴾

با کمال تأسف خبر ناگوار درگذشت عالم ربانی و روحانی خدمت‌گزار یار دیرین با وفا، مرحوم مغفور حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ ابوالقاسم مسافری - طاب ثراه - را دریافت و بسیار متأثر شدم.

عالم بزرگواری که عمر خویش را در راه تبلیغ و ترویج دین مبین اسلام و مذهب تشیع و تدریس علوم دینی سپری نمودند و از هیچ خدمتی در این مسیر دریغ نکردند.

این جانب این مصیبت را به حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - و حضرات علماء اعلام و مردم شریف منطقه نارمک تهران و فرزندان محترم ایشان و همه علاقه‌مندان تسلیت می‌گویم.

و از خداوند قادر متعال برای ایشان علو درجات و حشر با ائمه اطهار - سلام الله عليهم اجمعین - و برای همه فرزندان و علاقه‌مندان ایشان ادامه راه آن بزرگوار و خدمت به اسلام عزیز و مردم مسلمان کشور را مسألت می‌نمایم.
والسلام على جميع عباد الله الصالحين و رحمة الله و برکاته.

۵ محرم الحرام ۱۴۳۰ - ۱۳۸۷/۱۰/۱۳

حسینعلی منتظری

بیانات معظم له در ابتدای درس اخلاق پیرامون مسائل غزه

۱۳۸۷/۱۰/۲۷

﴿ اَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ﴾

﴿ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ﴾

در قرآن کریم در سوره اعراف این آیه در رابطه با یهود نازل شده: ﴿و اذ تأذن ربک لیبعثن علیهم الی یوم القیامة من یسومهم سوء العذاب ان ربک لسریع العقاب و انه لغفور رحیم﴾ (سوره اعراف، آیه ۱۶۷)

[اسلام، کلاس بالاتر از یهود و مسیحیت]

یهود در زمان پیامبر اکرم ﷺ خیلی کارشکنی می کردند، با اینکه ما دین یهود را یکی از ادیان الهی می دانیم و حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام پیامبر اولوالعزم است از طرف خداوند که شریعت یهود را آورده، چنانچه حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام را هم یکی از پیامبران اولوالعزم می دانیم، هم شریعت یهود هم شریعت نصرانیت از ادیان الهی می باشند، اما وقت شان تمام شده است. این شرایعی که خداوند فرستاده نظیر این کلاسهایی است که شما می بینید. فرض کنید در دبیرستان کلاس اول هست، کلاس دوم هست، همین طور می آیند تا کلاس آخر که در حقیقت کلاس اجتهاد است و عقل دانش آموز بالا رفته به گونه ای که مطالب کامل تر و جامع تر را فرا گیرد. شرایع آسمانی نیز همین گونه است، یعنی دین اسلام که آخر آمده است از ادیان قبلی کامل تر است.

[مکافات زورگویی یهودیان]

بالاخره این آیه شریفه که در سوره اعراف است معنایش این است: ﴿و اذ تأذن ربك﴾ ای پیامبر به یاد آور وقتی را که اعلام کرد پروردگارت ﴿لبيعتنّ عليهم الى يوم القيامة من يسومهم سوء العذاب﴾ خداوند تا روز قیامت برمی‌انگیزاند کسانی را که این‌ها را عذاب و زجرشان می‌دهند، آیا خدا دشمنی دارد با یهود که این کار را می‌کند؟ نه، این عکس‌العمل کارهایشان است، از باب اینکه اینها زورگو می‌باشند و عقیده‌شان این است که دیگران باید نوکر و مطیع اینها باشند؛ چون زور می‌گویند، و انسان هم زیر بار زور نمی‌رود، عکس‌العمل نشان می‌دهد؛ این‌ها همیشه در طول تاریخ هر جا می‌خواستند زور بگویند یک عده‌ای علیه‌شان قیام می‌کردند.

[ادعای یهودی سوزی زمینه غضب فلسطین]

در جنگ جهانی، یهود ادعای زیاد کرد که مظلوم واقع شده است از جمله اینکه در کوره‌های آدم‌سوزی آنان را سوزانده‌اند. این‌ها مظلوم‌نمایی کردند و بالاخره این صهیونیست‌ها را جمع کردند و شخص‌بالفور نیز که وزیر خارجه وقت انگلستان بود روی این جهت فعالیت زیاد کرد. اول می‌خواستند صهیونیست‌ها را در اوگاندا مستقر کنند ولی آنها گفتند نه، ما جایی در فلسطین می‌خواهیم و وعده هم دادند به افرادشان که از نیل تا فرات مال ماست و می‌گیریم. این‌ها تمام یهودیها هم نیستند، شما در گزارش‌های تلویزیونی هم دیده‌اید بعضی از اوقات خاخمها و علمای آنها را نشان می‌دهند که اظهار برائت می‌کنند از صهیونیست‌ها.

[یهود غیر از صهیونیزم است]

شریعت یهود یک شریعت آسمانی است و پیروان آن خودشان را مقید به احکام الهی می‌دانند و با ظلم و جور مخالفند، این‌ها یک عده خاصی هستند که از اطراف

جهان جمع شده‌اند و خلاصه با زور یک قسمت از سرزمین فلسطین را اشغال کردند، حالا نسبت به باقی این سرزمین هم ادعا دارند، و این زورگویی است، زور هم عکس‌العملش زور است. به قول امروزی‌ها «رفلکس». اینها خیال می‌کنند که با این زورگویی‌ها می‌توانند برای خودشان جایگاه محکمی درست کنند، ولی هرکسی زور می‌گوید توی همین دنیا باید زور بشنود. تمام عالم به واسطه اراده خدا اداره می‌شود، مشیت ما هم جزو نظام وجود است و معلول مشیت و اراده خداست. ﴿ذٰلِكَ لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ اَنْ يَّسْتَقِيمَ، وَ مَا تَشَاوُنَ اِلَّا اَنْ يَّشَاءَ اللّٰهُ﴾.

[اسرائیل، تلافی شکست لبنان در غزه و وظیفه مسلمانان در برابر آن]

نظام وجود این جوری است، بالاخره عالم، عالم اسباب و مسببات است و کارها با مشیت اشخاص ایجاد می‌شود چه کارهای خوب و چه کارهای بد و عکس‌العملش هم در این دنیا و هم در آخرت هست، صهیونیست‌ها چون در لبنان شکست فاحشی خوردند به خیال خودشان حالا در غزه می‌خواهند تلافی کنند و یک جای پای محکمی درست کنند و این جا وظیفه من و شما سنگین است، کشورهای اسلامی نیز در مقابل این حوادث وظیفه سنگینی دارند. در اصول کافی جلد دوم بابی دارد که مضمون روایاتش این است: «من سمع مسلماً - من سمع رجلاً نیز دارد - ینادی یاللمسلمین فلم یجبه فلیس بمسلم» (کسی که فریادش بلند شود و از مسلمان‌ها استمداد کند و مسلمان‌ها جوابش را ندهند اینها مسلمان نیستند)، تعجب این است کشورهای عربی و اسلامی که ذخائر نفت و گاز را در اختیار دارند و مسلماً اسرائیل هم نفت و گاز مورد احتیاجش را از همین کشورها می‌گیرد، یک چنین قدرت اقتصادی دست این کشورها هست ولی خودشان را ذلیل آمریکا و اروپا کرده‌اند، آنها به شما محتاجند اما شما کشورهای اسلامی قدر این موقعیت را نمی‌دانید و بدانید که روز قیامت باید پاسخ‌گوی این سکوت باشید که چرا در مقابل جنایات اسرائیل ساکتید.

[گناه کودکان و زنان کشته شده چیست؟]

الآن آنگونه که تلویزیون می گوید حدود چهارصد بچه تا کنون در این جنگ کشته شده اند، بچه ها چه گناهی دارند؟ خانه های زنها و بچه ها را چرا بمباران می کنند؟ شاید برای اینکه در لبنان شکست خورده اند، بدانند در اینجا هم شکست خواهند خورد، با افتضاح بیشتر.

بنابراین وظیفه همه کشورهای اسلامی است که این ها به هر قیمت هست ولو نفت و گازشان را بر آمریکا و اروپا ببندند، اسرائیل را سرجایش بنشانند. ﴿الذی خلق الموت والحیة لیبلوکم ایکم احسن عملاً﴾ اصلاً خلقت حیات و موت برای آزمایش انسان هاست، خدا الآن کشورهای اسلامی را، سران کشورهای اسلامی را امتحان می کند، همه مسئولند. ولی متأسفانه این کشورها ساکت می نشینند و اسرائیل هم غزه را بمباران و موشک باران می کند، زن و بچه ها هم فریادشان بلند است. اگر شما مسلمانید بایستی خواسته مسلمانان آنجا را اجابت کنید.

مسأله اسرائیل مسأله ای است که نباید نسبت به آن بی تفاوت ماند. حالا ما صدایمان به جایی نمی رسد اما آنهایی که صدایشان به جایی می رسد بایستی سران کشورهای اسلامی را وادار کنند که به هر نحو ممکن اقدام کنند. الآن قدرت اقتصادی در دنیا حرف اول را می زند و شما نفت و گاز و چیزهایی که مورد احتیاج آمریکا و اروپاست در دستتان است. بایستی از این اهرم استفاده کنید و صدای مظلومین فلسطین را پاسخ گو باشید.

والسلام علی عبادالله الصالحین و رحمة الله وبرکاته.

۱۳۸۷/۱۰/۲۷

دفتر آیت الله العظمی منتظری

**دیدار اقشار مختلف مردم نجف آباد با معظم له
در اعتراض به برخورد دادگاه ویژه روحانیت با حجة الاسلام آقای قیصری**

۱۳۸۷/۱۰/۲۸

حجة الاسلام والمسلمین قیصری که از اعضای دفتر آیت الله العظمی منتظری و امام جماعت حسینیه اعظم نجف آباد می باشند، در ۱۳۸۷/۱۰/۷ از طرف دادگاه ویژه روحانیت قم احضار و سپس به اداره اطلاعات آن شهر منتقل شدند. پس از چندین روز بازجویی و نگه‌داری در سلول انفرادی و در پی مخالفت‌ها و اعتراضات مردمی و تحصن در مساجد نجف آباد دادگاه ویژه ایشان را در تاریخ ۱۳۸۷/۱۰/۱۴ آزاد کردند ولی از رفتن ایشان به نجف آباد و اقامه نماز جماعت و سخنرانی در آن شهر در طول ماه‌های محرم و صفر ممانعت به عمل آوردند و حق خروج از شهر قم را به ایشان ندادند. به خاطر اعتراض به این حکم دادگاه ویژه جمعی از اقشار مردم نجف آباد روز جمعه با آیت الله العظمی منتظری دیدار کردند و ناراحتی خود را از این تصمیم تنگ‌نظرانه ابراز داشتند.

در این دیدار ابتدا حجة الاسلام قیصری مطالب ذیل را بیان نمودند:

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين والله خير ناصر و معين ﴾

قال الصادق عليه السلام: «فان فينا اهل البيت في كل خلف عدولاً ينفون عنه تحريف الغالين و انتحال

المبطلين و تأويل الجاهلين» (کافی جلد ۱، کتاب فضل العلم، باب صفة العلم، حدیث ۲)

با عرض تشکر از تمامی شما برادران و خواهران که تشریف آوردید برای زیارت بی بی فاطمه

معصومه سلام الله علیها و همچنین دیدار با مرجع بزرگوارتان.

نجف آباد شهری است که همیشه علماء و دانشمندان بزرگی را در بین مردم داشته است، تا

آنجایی که شما به یاد دارید بزرگانی همچون مرحوم حاج شیخ احمد حججی، مرحوم حاج شیخ ابراهیم ریاضی و مدتهای مدیدی شما مردم، مجاهد بزرگوار و فقیه عالیقدر و مجتهد بی نظیر حضرت آیت الله العظمی منتظری را در بین خود داشتید. روشن بینی و آگاهی و تدین شما مردم به واسطه حضور این عالمان و دانشمندان و بزرگانی است که در بین شما بودند و خدماتی را انجام دادند. همچنین مرحوم آیت الله ایزدی امام جمعه فقید شهرمان از اندیشمندانی بودند که سالیان دراز در بین شما بودند و همه اینها باعث شد تا نجف آباد شهری باشد با مردم متدین، روشن بین و آگاه و البته وظیفه علماء همین است.

روایتی است در کتاب کافی که قسمتی از آن را خدمتان قرائت کردم. امام صادق علیه السلام می فرمایند: «در ما اهل بیت در هر دوره ای جانشینان عادل هستند که از سه گروه جلوگیری می کنند، اول غلوکنندگان، دوم رخنه کنندگان به باطل و سوم جاهلان و نادانانی که تأویلاتی در دین انجام می دهند».

به هر حال شما مردم دانشمندان و اندیشمندان زیادی را در بین خودتان داشتید و این باعث هوشیاری و بیداری و آگاهی شماست. من هیچ قابل نیستم اصلاً نمی شود نام من را در کنار بزرگانی که عرض کردم قرار داد اما به هر حال مشکلی پیش آمده و وجود من را در نجف آباد مضر دانستند و امروز هم اجباراً در قم ساکن هستم. امیدواریم که مشکل برطرف شود. باز عرض می کنم من کوچک تر از آن هستم که نیازی به این همه احساسات باشد که شما نسبت به این موضوع داشتید. اما در عین حال از این حساسیت ها که شما نسبت به یک خدمت گزار خود دارید تشکر می کنم. امیدوارم این اقدامات مسالمت آمیز شما هشدار می باشد برای آنان که با تنگ نظری به مسائل نگاه می کنند و امیدوارم با نظری باز به مسائل توجه کنند و دوباره بشود در جامعه خدمت کرد و انتقادی دلسوزانه نمود. امیدوارم که خداوند به همه ما توفیق خدمت به دین خدا و مردم مسلمان را عنایت فرماید.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

سپس آیت الله العظمی منتظری به ایراد سخن پرداختند و فرمودند:

﴿ اعوذ بالله من الشيطان الرجيم ﴾

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين ﴾

قرآن کریم در سوره یس می‌فرماید: ﴿واضرب لهم مثلاً اصحاب القرية اذ جاءها المرسلون﴾ (ای پیغمبر اصحاب آن قریه را مثال بزن که مرسلین در آن وارد شدند)، منظور شهر انطاکیه است. قبل از اینکه حبیب نجار بین مردم پیدا شود که از مرسلین حمایت کند، خدا اسم انطاکیه را می‌گوید «قریه». قریه یعنی روستا، اما وقتی که داستان حبیب نجار را می‌خواهد بگوید که از فرستادگان خدا حمایت کرد خدا تعبیر می‌کند: ﴿و جاء من اقصى المدينة رجل یسعی﴾ از آخر شهر یک مردی آمد به عنوان حمایت از فرستادگان خدا. یعنی قبل از آن که یک حبیب نجاری در آنجا پیدا بشود اسمش قریه است اما حالا که یک مرد پیدا شد، خدا می‌فرماید مدینه، یعنی شهر.

[انقلاب اسلامی برای آزادی بود]

البته من قابل نیستم ولی همان‌گونه که گفتند نجف‌آباد علماء و بزرگانی داشته و این یک واقعیتی است، و روی این اصل کسانی که با حق مخالفند با شهر شما و علماء شما مخالفت می‌کنند. خیلی تعجب است، الآن نزدیک سالگرد انقلاب است، سی سال از انقلاب گذشته است مثل اینکه آقایانی که متصدی امورند فراموش کرده‌اند شعارهایی را که مردم اول انقلاب می‌دادند. اگر بنا بود که نفتی را بفروشند و خرج کنند که شاه این کار را می‌کرد. رژیم سابق روزی شش میلیون بشکه نفت می‌فروخت و کارهایی هم انجام می‌داد. اینکه مردم قیام کردند شعار انقلاب این بود: استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی. الآن نزدیک سی سال از انقلاب می‌گذرد، شما پاسخ این مردم را چه می‌گویید؟ مردم انقلاب کردند، رهبر فقید انقلاب و دیگران همه این را تأیید می‌کردند که بایستی تغییر و تحول در جامعه پیدا بشود و از جمله شعارها،

«آزادی» بود. الآن یک نفر عالمی در نجف آباد مثل جناب مستطاب حجة الاسلام آقای قیصری یا علمای دیگر مثل حجة الاسلام آقای واحد که از بزرگانند و سایر علماء که در نجف آباد هستند، به جای اینکه از علماء تقدیر شود که مردم را هدایت و رهبری می کنند، برای آنان مزاحمت ایجاد می کنند. آیا آزادی که شعار مردم بود همین است که سه چهار نفر بنشینند تصمیم بگیرند و بقیه ساکت باشند؟ استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی. جمهوری اسلامی یعنی چه؟ یعنی حکومتی که جمهور مردم پایه گزار و مدیرش باشند، البته بر اساس موازین اسلام.

[وظیفه مردم اعلام اعتراض و وظیفه حکومت توجه به حقوق مردم است]

لازم است بر مسئولین و متصدیان امور -مخصوصاً حالا که سالگرد انقلاب است - یک انعطافی در آنان پیدا شود و با مردم سازگاری داشته باشند. خواسته های مردم مورد توجه قرار گیرد و مردم هم ساکت نباشند. مردم وظیفه دارند که در هر شرایطی اعتراض خودشان را اعلام کنند و گرنه اصلاً بی خود انقلاب کردند. مردم از باب اینکه صاحب کشور بودند انقلاب کردند الآن هم این مردمند که صاحب کشورند، این همه اصولی که در قانون اساسی راجع به حقوق مردم است را نمی توان نادیده گرفت و با نهادهای غیرقانونی بر آنان حکومت کرد.

مجدداً من از شما مردم شریف نجف آباد تشکر می کنم که احساس وظیفه کرده اید و از اینکه نسبت به مزاحمت ایجاد شده برای جناب مستطاب حجة الاسلام آقای قیصری اعتراض کرده اید و به طور قانونی حرکت کرده اید قابل تقدیر است. ان شاء الله همه شما موفق و مؤید باشید.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

۱۳۸۷/۱۰/۲۸

دفتر آیت الله العظمی منتظری

دیدار جمعی از دوستان و یاران زنده‌یاد مرحوم مهندس بازرگان

۱۳۸۷/۱۱/۴

جمعی از دوستان و یاران مرحوم مغفور مهندس مهدی بازرگان پس از حضور بر مزار ایشان در قم با آیت‌الله العظمی منتظری دیدار کردند.

در این دیدار آقایان: دکتر یزدی، دکتر توسلی، مهندس توسلی، دکتر غروی، مهندس صباغیان و آقای بسته‌نگار و بسیاری از چهره‌ها و فعالان سیاسی و علاقه‌مندان مرحوم مهندس بازرگان حضور داشتند.

آیت‌الله منتظری ضمن ابراز تأسف از ممانعت و جلوگیری نمودن از برگزاری مراسم سالگرد مهندس بازرگان، طی بیاناتی فرمودند:

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

[شعار اصلی انقلاب]

از شما برادران و خواهران تشکر می‌کنم که به فکر بزرگداشت یاد و نام بزرگان هستید، گرچه متأسفانه متصدیان امور فراموشکار شده‌اند و یادشان رفته که در اوّل انقلاب شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» یک شعار همگانی بود و همه مردم از صمیم دل آن را فریاد می‌کردند.

[مزاحمت برای مردگان و گورستان علی‌رغم وعده آزادی حتی برای کمونیست‌ها]
در آن زمان رهبر انقلاب در پاریس اعلام نمودند که حتی کمونیست‌ها هم آزادند و

می‌توانند حرفشان را بزنند، ولی حالا وضع به گونه‌ای شده که مثلاً با مجلس بزرگداشت مهندس بازرگان با آن همه خدمات ارزنده و یا بزرگداشت شهدای غزه مخالفت می‌کنند؟! در رژیم سابق با مرده‌ها دیگر کاری نداشتند. آیا این قبرستانهایی که خراب می‌کنند قبرستان کفار بوده است؟ حتی در مورد کفار هم اهانت بر میت جایز نیست. بعضی از کسانی که به یک سال زندان محکوم بودند و اعدام شدند حالا با قبرهای آنها هم برخورد می‌شود و برای خانواده‌هایشان مشکل درست می‌کنند. اینها چه کسانی هستند که این گونه عمل می‌کنند؟^(۱)

[ضرورت انعطاف و آشتی با مردم]

در سالگرد انقلاب باید مسئولین انعطاف بیشتری نشان دهند و با مردم آشتی کنند و بپذیرند که مردم همه کاره‌اند و حاکمیت مال مردم است. امام حسن مجتبیٰ علیه السلام با اینکه امام بودند و ما ایشان را معصوم می‌دانیم، می‌فرمایند: «ولانی المسلمون الامر من بعده». یعنی مردم بعد از حضرت علی علیه السلام مرا والی قرار دادند. امروز همه جهان با هم در ارتباط هستند و مردم می‌بینند که در اکثر کشورها مردم آزادانه می‌توانند انتخاب کنند. استقلال، آزادی یعنی مردم آزادند که فرضاً جلسه بگیرند و حرف خودشان را بزنند و هر کسی را هم خواستند انتخاب کنند. از خدا می‌خواهیم که توفیق دهد بتوانیم به وظایف خود عمل کنیم.

[نهی از منکر و بزرگداشت بزرگان]

حضرت علی علیه السلام در آخرین وصیتشان مردم را به امر به معروف و نهی از منکر توصیه فرمودند، و اینکه مردم باید در مسائل اجتماعی و سیاسی بی‌تفاوت نباشند

۱- این قسمت از سخنان آیت‌الله منتظری در اعتراض به اقداماتی است که برای تخریب گورستان خاوران یا محو آثار آن انجام شده و عواطف خانواده‌های بازماندگان را عمیقاً جریحه‌دار کرده بود.

وگرنه بدها بر آنان حاکم خواهند شد و در آن صورت دعاهایشان هم مستجاب نمی‌شود.

من از شما تشکر می‌کنم که به وظایف خود عمل کرده و برای بزرگان مجلس بزرگداشت می‌گیرید. حالا کار به جایی رسیده که جلوی برگزاری آن را می‌گیرند، روسپاهی به زغال می‌ماند.

[کتاب بخوانید و بنویسید]

شما برادران و خواهران سعی کنید اوقات فراغت خود را به کتاب خواندن و مطالعه بگذرانید. امام صادق علیه السلام به مفضل فرموده‌اند: «اكتب و بث علمک فی اخوانک فان مت فاوثر کتیبک بنیک»: یعنی بنویس و علم خود را در بین برادران خود پخش کن و کتابهای خود را برای فرزندان به ارث بگذار؛ زیرا بر مردم می‌آید زمان هرج و مرج و تحیر، و در آن زمان مردم انس نمی‌گیرند مگر با کتابهای خود.

مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی همیشه سفارش می‌فرمودند که خود کم بین نباشید. ایشان می‌فرمود من در بیست و پنج سالگی چیزهایی می‌نوشتم که حالا از آن مطالب استفاده می‌کنم. بالاخره جوانان باید اوقات فراغت خود را با مطالعه بگذرانند و از مطالعاتشان یادداشت برداری هم بکنند که در آینده برای آنها مثمر ثمر خواهد شد و می‌توانند بعداً از مطالب خود استفاده کنند.

خداوند ان‌شاءالله مرحوم آقای مهندس بازرگان را درجاتشان عالی است متعالی بگرداند، و به ما هم توفیق دهد بتوانیم به وظایفمان عمل نماییم.
والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

۱۳۸۷/۱۱/۴

دفتر آیت‌الله العظمی منتظری

دیدار دانشجویان دفتر تحکیم وحدت

۱۳۸۷/۱۱/۱۹

در این دیدار ابتدا یکی از دانشجویان ضمن ابراز تشکر و قدردانی از فرصت پیش آمده، اوضاع و شرایط فعلی دانشجویان و فعالیت‌های دفتر تحکیم وحدت در سی امین سالگرد انقلاب را به شرح ذیل ارائه کرد:

با توجه به وقایع دانشگاه و اختلافهایی که بین شعارهای اول انقلاب و در حال حاضر وجود دارد، از جمله آزادی، که متأسفانه الان شاهد هستیم برای حتی انجمن‌های اسلامی در دانشگاهها مشکلات و محدودیت ایجاد کرده‌اند و نیز با بعضی از دانشجویان برخورد می‌کنند و از ادامه تحصیل محروم‌شان می‌کنند، با فعالان دانشجویی برخورد می‌شود، حتی اخیراً به دلایل گوناگون از جمله انتقادهایی که دانشجویان به دولت آقای احمدی نژاد داشته‌اند فعالیت انجمن‌های اسلامی و دفتر تحکیم را محدود کرده‌اند آن هم به بهانه‌های واهی، مانند بیانیه دفتر تحکیم در مورد حوادث غزه، با اینکه مواضع ما روشن می‌باشد و اسرائیل را محکوم کرده‌ایم و همچنین انتقادهایی به عملکرد دولت و بعضی از نیروهای فلسطینی داشتیم، اما آنها ما را با تبلیغات وارونه معرفی کردند و فعالیت‌های ما را غیرقانونی اعلام کرده‌اند.

ابتدای انقلاب شعار آزادی داده می‌شد و می‌گفتند حتی یک ماتریالیست می‌تواند بیاید و نظرات خود را بیان کند، اما متأسفانه در سی امین سالگرد انقلاب جلوی فعالیت انجمن اسلامی و دفتر تحکیم وحدت را می‌گیرند و آن را غیرقانونی اعلام می‌کنند. انقلابی که حاصل خون شهدا و زجر و شکنجه زندانیان و تلاش و ایثار افراد انقلابی و فعالیت‌های سیاسی آنان می‌باشد، متأسفانه در سی امین سالگرد آن شاهد کنار گذاشتن نیروهای مومن و موثر در پیروزی انقلاب و ممنوع‌البیان کردن و حذف آنها از صحنه کشور می‌باشیم. و انقلاب را به نفع خودشان مصادره کرده‌اند.

در سال ۱۳۷۸ به نام انصار حزب الله به دانشگاهها حمله کردند و همه چیز ما (انجمن‌های اسلامی و فعالیت‌های دانشجویی) را گرفتند و در حال حاضر حتی به ما حق حضور و تحصیل در دانشگاه را هم نمی‌دهند. با گذشت سی سال از انقلاب جز افسوس و ناامیدی از وعده‌های اول انقلاب چیزی برایمان نمانده است. در این اوضاع و احوال از حضرت‌تعالی به عنوان پدر معنوی و روحانی انجمن‌های اسلامی و فعالان دانشجویی انتظار داریم با بیانات و رهنمودها و دعای خیر، ما را ارشاد فرمایید.

پس از آن آیت‌الله العظمی منتظری فرمودند:

﴿اعوذ بالله من الشیطان الرجیم﴾

﴿بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم﴾

اولاً از شما دانشجویان عزیز، برادران و خواهران تشکر می‌کنم که نسبت به مسائل کشور بی‌تفاوت نیستید و احساس مسئولیت می‌کنید. باید این‌گونه باشد؛ و مایوس هم نباشید، ﴿لا تیأسوا من روح‌الله﴾: از رحمت خدا نباید هیچ وقت مایوس شد، بلکه باید وظایفمان را انجام دهیم.

[فراموشی شعارهای انقلاب: استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی]

باعث تعجب است که در سالگرد انقلاب شاهد هستیم مسئولین شعارهای انقلاب و وعده‌های داده شده به ملت را فراموش کرده‌اند. حال اینکه سالگرد برای یادآوری و زنده نگاه داشتن شعارها و وعده‌ها و عمل به آنها می‌باشد. در زمانی که انقلاب شد وعده‌هایی که هم مرحوم امام هم ما به تبع ایشان هم دیگران به مردم می‌دادند و شعار شده بود برای همه این بود: استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی. آزادی معنایش این نیست که فقط چهار نفر مسئولین هرکاری می‌خواهند آزاد هستند انجام دهند، بلکه این مردم هستند که باید آزاد باشند، عقایدشان را اظهار کنند و بتوانند تجمع داشته

باشند. سالگرد برای همین است که اینها را به یاد بیاوریم.

[حکومت عدل علی یعنی آزادی ملت و آزادی بیان]

همه در سخنانشان تکرار می‌کنند حکومت عدل علی، حال اینکه حضرت امیرالمومنین علیه السلام در نهج البلاغه در خطبه ۲۱۶ می‌فرماید: آن گونه که با جباریه سخن می‌گویید با من سخن نگوئید، و من اهل سازش نیستم، و در آخر می‌فرماید: «فلا تکفوا عن مقالة بحق او مشورة بعدل، فانی لست فی نفسی بفوق ان اخطی، و لا آمن ذلک من فعلی، الا ان یکفی الله» می‌فرماید: از گفتار حق و از مشورت عادلانه خودتان را باز ندارید؛ یعنی اینکه حرفهای حق را بزنیید و مشورت عادلانه را نیز انجام دهید. امیرالمومنین علیه السلام - که از نظر ما امام معصوم می‌باشد - می‌فرماید: «وانی لست فی نفسی بفوق ان اخطی»: من ذاتاً فوق خطا نیستم. بالاخره بشر می‌باشد. «الا ان یکفی الله»: مگر اینکه مرا خدا کفایت کند.

حکومت عدل علی علیه السلام معنایش این است یعنی ملت آزاد باشند، نظریاتشان را بگویند، آقایان دائم می‌گویند دانشگاهها و دانشجویان باید در صحنه باشند، آیا در صحنه باشند یعنی پیرو شما باشند و هر چه شما می‌گویید آنها بپذیرند و هیچ نظر ندهند؟! خیر، در صحنه باشند یعنی نظریاتشان را بیان کنند و تعقیب کنند نظرات خود را؛ نه اینکه به خاطر ابراز نظر به زندان بیفتند و از تحصیل محروم شوند. به عقیده من دانشجویان را از آموختن علم بازداشتن یک جنایت است. خداوند به افراد استعداد داده آقایان جلوی آن را می‌گیرند.

[مردم‌سالاری و تقویت احزاب]

بنابراین در سی امین سالگرد انقلاب فقط جشن نباشد بلکه باید مسئولین تجدیدنظر داشته باشند در رفتارشان. کشور متعلق به مردم است نه متعلق به سه‌الی چهار نفر، مردم حق اظهار نظر دارند. بارها تکرار کرده‌ام که امام حسن علیه السلام به معاویه

می‌نویسند: «ولانی المسلمون الامر من بعده»: مسلمانان بعد از شهادت امام علی علیه السلام امر خودشان را به من محول کردند؛ بنابراین تو نباید کارشکنی بکنی، باید پیرو خواسته مردم باشی.

به مسئولین باید گفت ضرر را از هر جا جلویش را بگیرید سود است. بعضی از رفتارها باعث شده شما مردم و دانشگاهها و دانشجویان را از دست بدهید. در همه کشورها برای اداره کشور احزاب تشکیل می‌دهند و احزاب آزاد هستند در اظهارنظر و فعالیت می‌کنند، دولت تشکیل می‌دهند، اینکه استبداد باشد و فقط یک عده خاصی نظر بدهند و دهان دیگران را مهر کنند در دنیای امروز پیش نمی‌رود و کارایی ندارد و به ضرر خود مسئولین می‌باشد.

امیدوارم در این سالگرد انقلاب تنبه، بیداری و انعطاف برای مسئولین پیدا شود و جایگاه دانشگاهها و دانشجویان در کشور حفظ شود. شما اتحاد و وحدت کلمه تان را حفظ کنید و مایوس هم نشوید و اظهارنظر هم بکنید، حداقل اتمام حجت است بر مسئولین.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته. ان شاء الله موفق باشید.

۱۳۸۷/۱۱/۱۹

دفتر آیت الله العظمی منتظری

دیدار اقشار مختلف مردم در روز ۲۲ بهمن

۱۳۸۷/۱۱/۲۲

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

سی امین سال روز پیروزی انقلاب اسلامی، ۲۲ بهمن را به شما برادران و خواهران تبریک می گویم.

[وعددهای انقلاب را فراموش نکنید و از کارهای خلاف توبه کنید]

اصل انقلاب متعلق به شما مردم بوده و شما مردم انقلاب کردید و خواسته‌هایی داشتید و آن را در شعارهایتان منعکس کردید، من مکرر گفته‌ام که جشن گرفتن‌ها نه برای خوشحالی تنها می‌باشد بلکه برای اینکه یادمان نرود و آقایان مسئولین هم یادشان نرود که در وقت انقلاب چه وعده‌هایی به مردم داده شد. مرحوم امام علیه السلام و سایر مسئولین به پیروی از ایشان چه وعده‌هایی به مردم دادند، یادشان بیاید و از برخوردهای تند و تفرقه‌انگیز پرهیز کنند، کارهای تندی که گاهی انجام می‌شود (حالا چه کسی تصمیم می‌گیرد من هم نمی‌دانم) ولی بالاخره کارهایی است خلاف موازین اسلام و حقوق انسانها و انجام آن‌ها غلط و اشتباه است. قبلاً نیز در یک دهه فجر این جمله را گفته‌ام که همه کارهای خلافی که انسان انجام می‌دهد توبه دارد و اگر در انقلاب هم کاری خلاف شده باید آنهایی که متصدی آن هستند توبه کنند، توبه معنایش این است که منعطف شوند و خواست مردم و خواست شریعت را ملاحظه کنند.

[قانون اساسی فقط ولایت فقیه نیست]

شما برادران و خواهران قانون اساسی را خوانده‌اید، در قانون اساسی همراه اصل ولایت فقیه اصول دیگری هم که راجع به حقوق انسان و آزادی‌های مردم است وجود دارد، نباید خدای نکرده مردم را مثل صغار فرض کنیم که احتیاج به قیم دارند و نتیجه‌اش این باشد که چند نفر تصمیم بگیرند و باقی دیگر هیچ نگویند. چیزی که از اول انقلاب همه آن را تکرار می‌کردیم، استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی بود. جمهوری اسلامی یعنی حکومت مردم، منتها بر طبق موازین اسلام، حالا مردم همین را می‌گویند ولی کسی به حرف آنها گوش نمی‌دهد، گویی مردم حق ندارند اعتراض کنند و حرفی بزنند.

مردم بودند که انقلاب کردند و همین مردم می‌گفتند استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی هنوز هم مردم روی حرفشان هستند، اما متأسفانه انقلاب مردم توسط عده‌ای مصادرات شده و توجهی به مابقی ندارند. خداوند به من و به همه شما توفیق دهد در هر شرایطی وظایفمان را انجام دهیم و به مسئولین توفیق دهد که حالت انعطاف پیدا کنند و گذشته‌ها و کارهای خودشان را مورد تجدید نظر قرار دهند و بدانند که کشور متعلق به همه مردم است و انقلاب نیز مال مردم است و به حقوق مردم باید احترام گذاشت. ان شاء الله موفق باشید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

دفتر آیت‌الله العظمی منتظری

دیدار جمعی از خانم‌های فعال در امور سیاسی، فرهنگی و اجتماعی

۱۳۸۷/۱۲/۱۵

در این دیدار ابتدا خانم مرضیه مرتاضی لنگرودی حاضرین را معرفی نمودند، سپس آیت‌الله العظمی منتظری ضمن تشکر از آنان که نسبت به مسائل جامعه بی تفاوت نیستند و فعالیت می‌کنند ضمن آرزوی موفقیت فرمودند:

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

[در انتقاد کردن زنان و مردان بر هم ولایت دارند و به یک اندازه مسئولند]

در خصوص امر به معروف و نهی از منکر در قرآن کریم می‌خوانیم: ﴿والمؤمنون والمؤمنات بعضهم اولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر﴾ همه مردهای مؤمن و همه زنهای مؤمن بر یکدیگر ولایت دارند در حدی که امر به معروف و نهی از منکر کنند. پس زن‌ها مثل مردها وظیفه دارند که این واجب الهی را ترک نکنند. امر به معروف و نهی از منکر فقط در مسائل شخصی نیست، بلکه در مسائل اجتماعی هم مطرح است و خانم‌ها باید مسئولین و متصدیان امور را امر به معروف و نهی از منکر نمایند و اشکالات را بیان کنند و حاکمیت حق ندارد از آنان بازخواست نماید و یا متعرض آنان شود؛ چون که آنان انجام وظیفه کرده‌اند.

همچنین در این دیدار بحث‌هایی راجع به ارث، تعدد زوجات و سایر حقوق زنان از قبیل حق تصدی امور مملکتی و مرجعیت تقلید مطرح شد، که در مورد این مسائل آیت‌الله منتظری فرمودند:

[در مرجعیت و وزارت تفاوتی میان زن و مرد نیست مگر در امر ولایت]

دلیل تقلید، سیره عقلا و مراجعه کسان است که نمی‌دانند به آنان که می‌دانند و ملاک تخصص و کارشناس بودن اشخاص است و این امر در مورد زنان هم جاری است. همین‌طور که در امور پزشکی مردم به پزشک اعلم مراجعه می‌کنند در تقلید هم باید به اعلم مراجعه نمایند، خواه فرد اعلم مرد باشد یا زن و همچنین در تصدی امور آموزشی و اداری مثل وزارت و یا وکالت هیچ فرقی بین زن و مرد نیست، فقط در حاکم بودن و والی بودن چون ادله خاصی در این جهت داریم زنان نمی‌توانند این منصب را عهده‌دار شوند. در رابطه با تعدد زوجات نیز فرمودند: در قرآن کریم می‌خوانیم: ﴿فَانكحوا ما طاب لكم من النساء مثنی و ثلاث و رباع، فان خفتن ان لا تعدلوا فواحدة﴾.

همچنین ایشان در رابطه با ارث زنان فرمودند: چون ثروت عمومی تقریباً سی سال یک بار به نسل بعد منتقل می‌شود در این باره هر چند یک ثلث به زنان و دو ثلث به مردان منتقل می‌شود، ولی مخارج زن و سهم او از اولاد به عهده مرد است، پس در حقیقت در مقام مصرف، یک ثلث ثروت صرف مرد و دو ثلث صرف زن می‌شود، و چون مرد در تولید قوی تر است دو ثلث را در اختیار او قرار داده‌اند تا در تکثیر آن کوشش نماید.

در پایان آیت‌الله منتظری فرمودند: مجدداً من به سهم خودم از تلاش و فعالیت‌های شما در امور فرهنگی، سیاسی و اجتماعی تشکر می‌کنم و برای همه شما آرزوی موفقیت دارم.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

۱۳۸۷/۱۲/۱۵

دفتر آیت‌الله العظمی منتظری

پیام تسلیت به مناسبت رحلت همسر حضرت امام خمینی رحمته الله

۱۳۸۸/۱/۱

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

﴿ انا لله وانا اليه راجعون ﴾

جناب مستطاب حجة الاسلام آقای حاج سید حسن خمینی دامت افاضاته پس از سلام و تحیت، رحلت مرحومه مغفوره مؤمنه صالحه حاجیه خانم ثقفی همسر بنیانگذار جمهوری اسلامی حضرت آیت الله العظمی امام خمینی (طاب ثراه) و مادر بزرگ جنابعالی را به شما و همه بازماندگان و علاقه مندان محترم و بیت شریف امام خمینی و بیت مرحوم آیت الله ثقفی تسلیت می گویم. آن بزرگوار در همراهی امام خمینی مخصوصاً در دوران تبعید به خارج از کشور و همچنین در فوت نابهنگام دو فرزندش سختی های فراوان کشید و صبورانه تحمل نمود.

از خدای قادر متعال برای ایشان رحمت واسعه الهی و حشر با صدیقه کبری فاطمه زهرا (سلام الله علیها) و برای همه فرزندان و بستگان و علاقه مندان صبر جمیل و اجر جزیل و برای جنابعالی سلامت و توفیق خدمت بیشتر به اسلام عزیز را مسألت می نمایم.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

۲۳ ربیع الاول ۱۴۳۰ - ۱۳۸۸/۱/۱

قم المقدسه - حسینعلی منتظری

پیام تسلیت به مناسبت ارتحال حضرت آیت الله العظمی بهجت رحمته الله

۱۳۸۸/۲/۲۷

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

﴿ انا لله وانا اليه راجعون ﴾

«اذا مات المؤمن الفقيه ثلم في الاسلام ثلثة لا يسدها شيء»

جنابان مستطابان حجتها الاسلام آقایان حاج شیخ محمد و حاج شیخ علی بهجت

دامت افاضاتكما

پس از سلام و تحیت با کمال تأسف خبر رحلت ناگهانی عالم ربانی و مرجع بزرگوار مرحوم مغفور آیت الله آقای حاج شیخ محمد تقی بهجت - طاب ثراه - را دریافت و متأثر شدم. عالم بزرگواری که عمر شریف ایشان منشأ برکات و آثار با ارزشی بود و بسیاری از فضلاء را در حوزه علمیه قم تربیت نمود، این جانب این مصیبت را به حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - و حوزه های علمیه و حوزه علمیه قم و شما و همه فرزندان و مقلدین و علاقه مندان محترم تسلیت می گویم و از برای آن مرحوم علو درجات و حشر با ائمه اطهار - سلام الله علیهم اجمعین - و برای همه بازماندگان و علاقه مندان محترم صبر جمیل و اجر جزیل و برای شما آقایان سلامت و توفیق خدمت بیشتر به اسلام عزیز را مسألت می نمایم. بجا است همه ما از این حوادث تلخ و ناگوار درس عبرت بگیریم و توجه کنیم که مرگ برای همه ما مقدر است و خداوند خطاب به عقل کل و خاتم رسل می فرماید: ﴿انک میّت و انهم میّتون﴾. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

۲۲ جمادی الاولی ۱۴۳۰ - ۱۳۸۸/۲/۲۷

قم المقدسة - حسینعلی منتظری

پاسخ به پرسشی پیرامون کاندیداهای انتخابات ریاست جمهوری

۱۳۸۸/۲/۳۰

﴿ بسمه تعالی ﴾

محضر مبارک حضرت آیت‌الله العظمی آقای منتظری دامت برکاته
پس از عرض سلام و آرزوی سلامتی برای جنابعالی؛ اخیراً در بعضی سایت‌های اینترنتی
خبری منتشر شده مبنی بر اینکه حضرت‌تعالی از کاندیدای خاصی در انتخابات دهمین دوره ریاست
جمهوری حمایت نموده‌اید. لطفاً نظر شریف خود را برای ما بیان فرمایید.

﴿ بسمه تعالی ﴾

پس از سلام و تحیت، مطلب فوق بر خلاف سیره عملیه این جانب است.
این جانب در هیچ دوره از انتخابات از شخص خاصی حمایت نکرده‌ام؛ در این
دوره نیز از هیچ کس حمایت نکرده‌ام.
ان شاء الله موفق باشید.

۱۳۸۸/۲/۳۰

حسینعلی منتظری

پاسخ به دو پرسش پیرامون رعایت قوانین انتخابات

۱۳۸۸/۳/۱۳

پرسش اول:

﴿ بسمه تعالی ﴾

حضرت آیت الله العظمی جناب آقای منتظری دام ظلّه العالی

پس از اهدای سلام و آرزوی سلامتی حضرت تعالی

همان طور که معظم له استحضار دارند جمهوری اسلامی ایران با همه پرسشی بر پایه اسلام و با تکیه بر نظر فقهای عظام تشکیل شده و آراء مردم، اساس رسمیت و مشروعیت جمهوری اسلامی قلمداد شده و در اصل ۶ قانون اساسی آمده است: «در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکا آراء عمومی اداره شود، از راه انتخابات، انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر اینها، یا از راه همه پرسشی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می گردد».

جمهوری اسلامی در واقع امتداد نظر فقهی فقهای بزرگ مشروطه از قبیل آخوند خراسانی و آیت الله نائینی و سید محمد طباطبایی و شهید مدرس و بسیاری از فقهای دیگر است که فتوا به اعتبار رأی مردم داده اند و حضرت امام و اغلب مراجع معظم تقلید هم عصر ایشان نیز بر این امر فتوا داده اند. از سویی در جریان انتخابات که در برخی از مراحل آن از جمله شمارش آراء امکان اعمال نظر اشخاص دست اندرکار وجود دارد، ممکن است با وجود آنکه همه نامزدها از سوی نهاد شورای نگهبان تأیید شده اند، اما برخی افراد حاضر در مراحل شمارش آراء از دیدگاه خود نسبت به پیروزی یک نامزد احساس نگرانی کنند و حتی برای کشور زیانبار بشناسند. بالعکس پیروزی

نامزد دیگری را از دیدگاه خود به نفع نظام ارزیابی کنند و در زمانهای دیگری هم چه بسا کسانی با عقاید کاملاً متفاوت از چنین رویه‌ای پیروی کنند، لذا از نظر شرعی خود را مجاز به دستکاری در آراء بدانند. با توجه به اینکه آرای مردم در حکم امانت و اساس مشروعیت مردمی نظام است، حکم شرعی مسئله چیست؟ آیا احساس تکلیف شخصی افراد می‌تواند موجب اعمال نظر در شمارش آراء گردد؟

پیشاپیش از اعلام نظر معزز حضرتعالی نهایت امتنان را داریم.

پاسخ:

﴿ بسمه تعالی ﴾

[حرام بودن تقلب و دستکاری در آرای مردم]

با سلام و تحیت و تقدیر از حساسیت شما نسبت به مسأله مهم انتخابات و آراء مردم؛

بلی آراء مردم در هر انتخاباتی امانتی است در دست مسئولین مربوطه، و مردم آنان را امین خود می‌دانند. از این رو هرگونه اعمال نظر و دستکاری، تقلب در آراء مردم می‌باشد و تقلب به هر شکل و با هر انگیزه‌ای که باشد خیانت در امانت است که شرعاً و عقلاً حرام و قبیح می‌باشد. علاوه بر اینکه این گونه تقلب‌ها موجب تضییع حقوق دیگران و مصداق واضح فریب و دروغ است، و چون به نام اسلام است موجب وهن اسلام و نظام اسلامی نیز خواهد بود و نتیجه آن فاقد مشروعیت و وجاهت قانونی می‌باشد، و تصدی هرکسی که با این گونه تقلب‌ها پستی را احراز نماید حرام می‌باشد.

ان شاء الله موفق باشید.

۱۳۸۸/۳/۱۳

حسینعلی منتظری

پرسش دوّم:

﴿ بسمه تعالی ﴾

محضر مبارک حضرت آیت الله العظمی منتظری دامت برکاته

سلام علیکم

احتراما خواهشمند است نظر مبارک را در مورد مسائل ذیل اعلام فرمایید:

آیا می توان در انتخابات به بهانه حفظ نظام اسلامی یا برگزیده شدن نامزدی که ما او را اصلح

می دانیم کارهای ذیل را انجام داد:

۱- در شمارش آراء دستکاری کرده و آن را تغییر دهیم؟

۲- به جای دیگران رأی داده یا بیش از یک رأی به صندوق بیندازیم؟

۳- آراء رقیب را در شمارش حذف یا باطل کنیم؟

۴- رأی بیسوادها را طبق نظر خودمان بنویسیم؟

جمعی از اساتید دانشگاههای کشور

پاسخ:

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

[تغییر آرای مردم موجب عدم مشروعیت، غصب، خیانت در امانت و استبداد است]

با سلام و تحیت

ج ۱- مدیریت و اداره جامعه حق مردم است که از طریق رأی دادن آن را اعمال می کنند و دست اندرکاران شمارش و اعلام آراء امین مردم محسوب می شوند؛ هرگونه دخل و تصرفی در آرای مردم تضييع حق افراد و خیانت در امانت است و

شرعاً و عقلاً حرام و قبیح است و چنانچه نتیجه را تغییر دهد موجب عدم مشروعیت نتیجه و غاصبانه بودن اعمال کسی است که بر اساس تقلب رأی آورده است. علاوه بر اینکه این گونه اعمال موجب سلب اعتماد مردم از نظام و در نتیجه تزلزل آن می‌گردد و تکرار و باب شدن آن سبب انحراف و زمینه ساز استبداد و تغییر ماهوی نظام است؛ و چنانچه به نام دین و دفاع از دین هم صورت بگیرد موجب بدبین کردن مردم به دین نیز می‌گردد.

ج ۲- رأی دادن به جای دیگران یا ریختن بیش از یک رأی علاوه بر اینکه خلاف قانون و مصداق کذب و فریب است دخالت غیرمشروع در امور جامعه است که چنانچه در نتیجه موثر باشد موجب تضییع حق دیگران و عدم مشروعیت نتیجه می‌گردد.

ج ۳- همان طور که در جواب اول ذکر شد حذف و ابطال آراء نیز خیانت در امانت و موجب عدم مشروعیت نتیجه می‌گردد؛ و البته بدیهی است مقتضای امانتداری آن است که در مواردی نیز که در قسمتی از آراء به تشخیص کارشناسان بی طرف و با ادله روشن و غیرقابل تردید، مخدوش بودن صندوقها احراز گردد به مردم با ذکر ادله اعلام و ابطال گردد.

ج ۴- در صورت اعتماد به فرد باسواد و نیز اهل نظر و تشخیص بودن او و دادن وکالت مطلق به او اشکالی ندارد و در غیر این صورت جایز نیست.

در پایان به همه مسئولین مربوطه دلسوزانه توصیه می‌شود که مصالح نظام و کشور را فدای مصالح فردی و جناحی نکنند و بی‌اعتمادی مردم به نظام و ارکان آن که از مهمترین آن انتخابات است را موجب نشوند.

ان شاء الله موفق باشید.

۱۳۸۸/۳/۱۳

حسینعلی منتظری

پیام معظم له پیرامون دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری

۱۳۸۸/۳/۱۶

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

برادران و خواهران، ملت عزیز ایران ایدهم الله تعالی پس از سلام و تحیت؛ این روزها در رابطه با انتخابات ریاست جمهوری پرسش‌هایی از این جانب می‌شود، لذا به نحو اختصار نکته‌هایی را یادآور می‌شوم:

[انتخابات تقلیدی نیست]

اولاً: مسأله شرکت در انتخابات امر تقلیدی نیست و تشخیص با خود مردم است و این جانب شخص خاصی را تعیین نمی‌کنم. مردم ما با رشد فکری و تجربه‌هایی که دارند می‌توانند اصلح را از غیراصلح تشخیص داده و براساس نص صریح قرآن کریم که می‌فرماید: ﴿انّ الله یامرکم ان تؤدّوا الأمانات الی أهلها...﴾ فرد اصلح را انتخاب نمایند.

[فلسفه وضع شورای نگهبان و مغایرت با عملکرد کنونی آن]

ثانیاً: بعد از پیروزی انقلاب و تشکیل مجلس خبرگان قانون اساسی، از استبدادهای زمان شاه و دخالت دربار در تعیین کاندیداها و سلب آزادی ملت در امر انتخابات سخن به میان آمد؛ لذا توسط اینجانب به عنوان رئیس مجلس خبرگان قانون اساسی و اعضای محترم آن، برای جلوگیری از چنین رویه مستبدانه‌ای، اصلی در قانون اساسی گنجانده شد مبنی بر اینکه شورای نگهبان که متشکل از فقهای منصوب

از طرف رهبری و همچنین حقوقدان‌های تأیید شده از طرف مجلس شورای اسلامی می‌باشند بر انتخابات نظارت نمایند. بنابراین، اصل ۹۹ تصویب گردید تا شورای نگهبان بتواند جلو دخالت‌های ناروا را گرفته و آزادی در انتخاب را تأمین نماید؛ ولی آقایان متأسفانه خودشان را قیم جامعه فرض کرده و نظارت در این اصل را به نظارت استصوابی تفسیر نمودند و در نتیجه، انتخابات را دو مرحله‌ای کردند:

اول شورای نگهبان با سلیقه خود اشخاصی را از بین کاندیداها معین می‌کند و سپس مردم به خصوص آنان رأی می‌دهند؛ این امر علاوه بر اینکه برخلاف نظر تصویب‌کنندگان این اصل و ظلم فاحش در حق مردودین صالح می‌باشد، اهانت به مردم است؛ زیرا مردم ما دارای رشد عقلانی می‌باشند و نیازی به قیم ندارند. البته ضوابط و معیارهایی که برای کاندیداها ریاست جمهوری توسط مجلس شورای اسلامی تصویب شده است باید احراز شود، ولی در احراز آنها نباید ملاحظات خطی، سیاسی و جناحی اعمال گردد، وگرنه مردم به شورای نگهبان و وزارت کشور بدبین شده و به تدریج با نظام فاصله خواهند می‌گیرند.

ظاهراً آنچه در کاندیداها مهم است: ۱- از رجال سیاسی آگاه به مسائل روز و نیاز جامعه باشند. ۲- اعتقاداً و عملاً متعهد به موازین دینی و اخلاقی باشند و از دروغ و خلاف‌گوئی و ذمائم اخلاقی پرهیز نمایند. ۳- قدرت کار داشته و شجاع و اهل تصمیم باشند و استقلال خویش را حفظ نمایند.

[افشاگری در انتخابات خلاف شرع است]

ثالثاً: تبلیغات و تبیین برنامه‌های تدوین شده توسط کاندیداها، مستلزم این نیست که انسان دیگران را متهم کند و بدون حضور آنان برای دفاع از خود، با حیثیت و آبروی افراد بازی کند. بسیاری از این افشاگری‌ها بر خلاف عقل و شرع است. اگر کسی فرضاً خلاقی مرتکب شده باشد جای رسیدگی به آن دستگاه قضایی کشور است که مسئولیت رسیدگی به چنین اتهاماتی را دارد.

مردی به رسول خدا ﷺ گفت: «اوصنی» به من توصیه‌ای کن، آن حضرت در

جواب فرمودند: «احفظ لسانک» زبان خود را حفظ کن، تا سه بار این سؤال و جواب تکرار شد، و در آخر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «و هل يكبّ الناس على مناخرهم في النار الاّ حصائد السنتهم.» (تحف العقول، ص ۵۶) یعنی آیا مردم را جز درو شده‌های زبانشان بر صورت و بینی در آتش خواهد انداخت؟

[وعده‌های غیر عملی مصداق فریبکاری است]

رابعاً: کاندیداهای محترم ضمن توجه به مسئولیت بزرگی که بر عهده آنان قرار می‌گیرد اگر واقعاً توان آن را ندارند، خود را در معرض آراء ملت قرار ندهند و از طرفی نباید در صدد دادن شعارها و وعده‌هایی باشند که از عهده آنها برنمی‌آید؛ زیرا چه بسا خدای ناکرده مردم از چنین وعده‌هایی تلقی فریب کنند.

[آرای مردم امانت، و دستکاری در آن، خیانت است]

و خامساً: متصدیان امور بدانند که آراء مردم امانتی در دست آنهاست که باید آنان بدون اعمال نظر و دستکاری با تمام توان از آراء ملت صیانت نمایند و تصرف در آراء مردم تقلب و بزرگترین خیانت، و شیوه‌ای در جهت پایمال نمودن حقوق مسلم مردم است؛ و در صورت دخالت در آراء، نتیجه کار هیچگونه جاهت و مشروعیت شرعی و قانونی ندارد، و از طرف دیگر چون این‌گونه کارهای خلاف به نام اسلام تمام می‌شود موجب وهن اسلام و نظام جمهوری اسلامی و بدبینی و بی‌تفاوتی مردم نسبت به سرنوشت خود خواهد شد.

در خاتمه عزّت و سربلندی اسلام و مسلمانان و ملت شریف و عزیز ایران را از خداوند بزرگ مسألت دارم و امید است آنچه خیر و صلاح مردم است و سائل آن از ناحیه خداوند فراهم شود.
والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

۱۳۸۸/۳/۱۶

قم المقدسة - حسینعلی منتظری

پاسخ به پرسش‌های خبرنگار صدای آمریکا

۱۳۸۸/۳/۱۶

حضرت آیت‌الله العظمی منتظری

با عرض سلام و آرزوی سلامت و تندرستی برای جنابعالی، موجب امتنان خواهد بود که به سوالات زیر پاسخ بفرمایید:

نظرتان درباره سخنرانی پرزیدنت اوباما در قاهره و برقراری رابطه با آمریکا چیست؟
نظرتان را درباره انتخابات در ایران بیان فرمایید.

با احترام و امتنان: ستاره درخشش

۱۵ خرداد ماه ۱۳۸۸

﴿ بسمه تعالی ﴾

با سلام و تحیت

[امیدواری به جبران گذشته از سوی آمریکا در دوره اوباما]

ج ۱- اینکه چهره دولت آمریکا در بین مسلمانان بخصوص بسیار مخدوش شده است قابل تردید نیست. به نظر می‌رسد مسئولین کنونی دولت آمریکا نیز متوجه این حقیقت شده و در صدد جبران آن برآمده‌اند. اظهارات ریاست جمهوری آمریکا در قاهره نیز در همین راستا می‌باشد. امیدوارم اظهارات نامبرده در رابطه با احترام به اسلام و مسلمانان و نزدیک شدن به جوامع اسلامی و تأمین خواسته‌های به حق

مسلمانان مخصوصاً احقاق حقوق ملت مظلوم فلسطین فراتر از شعارهای تکراری و معمول سیاستمداران باشد.

[رابطه با آمریکا به صورت کارشناسی،

بر اساس منافع و با پرهیز از شعارهای تحریک‌آمیز]

در مورد برقراری رابطه ایران با آمریکا و از بین بردن موارد اختلاف و تنازع، به نظر می‌رسد باید کارشناسان طرفین هر چه زودتر مذاکرات مستقیم خود را بدون هیچ پیش شرطی شروع کنند و با در نظر گرفتن مصالح ملی دو کشور ایران و آمریکا تصمیم بگیرند. انتظار می‌رود مسئولین دو طرف از طرح مطالب و شعارهای تحریک‌آمیز و تنش‌آفرین که جز به نفع اسرائیل نخواهد بود پرهیز نمایند تا بتوانند در جوّی آرام مصالح ملی خود را جامه عمل بپوشانند.

[انتخابات آزاد حق خدادادی ملت‌ها و نظارت استصوابی مغایر با آن است]

ج ۲- انتخابات آزاد حق ملت‌ها و از جمله ملت ایران است و هیچ کس عقلاً و شرعاً حق ندارد آنان را از این حق خدادادی محروم نماید. و ملت ایران اگر فضای آزاد از آنان گرفته نشود با هوشیاری و رشد فکری که دارند می‌توانند در هر انتخاباتی مصالح دینی و ملی خود را تشخیص دهند و عمل نمایند، ولی متأسفانه بعضی نهادهای نظاره‌گر با بهانه‌های غیرمنطقی و غیرموجه و نیز طرح نظارت استصوابی چه بسا زمینه سلب آزادی مذکور و تضييع حقوق بعضی افراد و جناحهای غیر همفکر خود را فراهم می‌نمایند؛ و اینجانب در پیامی که اخیراً به مناسبت انتخابات ریاست جمهوری منتشر نموده‌ام به گوشه‌ای از این حقیقت اشاره کرده‌ام.
ان شاء الله موفق باشید.

۱۳۸۸/۳/۱۶

حسینعلی منتظری

بیانات معظم له پس از شرکت در انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری

۱۳۸۸/۳/۲۲

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

امیدوارم ان شاء الله نتیجه این انتخابات به نفع کشور و مصالح کشور باشد. کاندیداها توجه دارند که ملت یک رئیس جمهور بیشتر نمی خواهد؛ یک نفر که از میان کاندیداها با آراء ملت انتخاب شد کاندیداهای دیگر که به عنوان رقیب بودند قهر نکنند؛ بالاخره کشور خودشان است، و همه جای دنیا رسم است یک نفر که به عنوان رئیس جمهور انتخاب می شود رقبای دیگر فوراً به این انتخاب تبریک می گویند؛ و آن شخص منتخب هم خیال نکند که حالا یک مقام خیلی بالایی پیدا کرده است؛ مولا امیرالمؤمنین علیه السلام در نامه پنجم از نهج البلاغه خطاب به اشعث بن قیس که استاندار آذربایجان بوده می نویسد: «ان عملک لیس لک بطعمة ولکنه فی عنقک امانة»: «این استانداری تو طعمه نیست، بلکه یک مسئولیتی است و یک امانتی است گردن تو.» هر کس انتخاب بشود مسئولیت بزرگی پیدا می کند و سعی کند ان شاء الله این مسئولیتش را خوب انجام بدهد.

همچنین در خطبه ۳۳ نهج البلاغه هست، بعد از اینکه حضرت حاکم شدند و داشتند می آمدند به طرف بصره و کوفه در ذی قار (یک شهری بوده نزدیک بصره و کوفه). آنجا حضرت نشسته بودند کفششان را وصله می کردند، ابن عباس به حضرت گفت شما خلیفه مسلمین هستید، اینجا نشسته اید کفش خود را وصله می کنید؟ حضرت فرمودند: ابن عباس این کفش چند می ارزد؟ در روایتی دارد، ابن عباس گفت: هیچ چیز، و در روایتی دیگر دارد: «کسرة درهم»: یک شکسته درهم. حضرت

فرمودند: «والله لهي أحب الي من إمرتكم إلا أن أقيم حقاً أو أدفع باطلاً»: «به خدا قسم این کفش پاره که تو می‌گویی اصلاً ارزش ندارد، این محبوبتر است پیش من از حکومت و حاکمیت بر شما، مگر اینکه بتوانم حقی را بر پا بدارم یا باطلی را برطرف کنم.» بنابراین اگر انسان در این مسئولیت‌ها بتواند کاری انجام دهد، یا ولو با زحمت حقی را به پا دارد یا باطلی را برطرف کند ارزش دارد، و الاً فقط انسان مسئولیتی را به عهده بگیرد یک گرفتاری برای اوست، و حضرت درست می‌فرمایند برای اینکه کفش رفع حاجت آدم را می‌کند اما مسئولیت رفع حاجت نمی‌کند و گرفتاری برای آدم درست می‌کند.

و آن کسی که انتخاب می‌شود نگوید من فقط افراد خودم را سرکار بیاورم. بلکه بقیه هم افراد این کشورند؛ ایشان از آدمهای کاردان و متخصص که طرفدار کاندیداهای دیگر بوده‌اند به عنوان وزیر، استاندار، معاون و مشاور می‌تواند استفاده کند.

بالاخره کسی که به عنوان رئیس جمهور انتخاب می‌شود مسئولیت سنگینی دارد، البته اگر مسئولیش را خوب انجام دهد اجر و ثواب زیادی هم دارد؛ برای اینکه انسان هر چه بتواند به مردم خدمت کند اجر و ثواب دارد. در کافی حدیثی است از رسول خدا ﷺ پرسیدند: «من أحب الناس الى الله؟»: «محبوبترین مردم پیش خدا چه کسی است؟» فرمودند: «أنفع الناس للناس»: «آن که نفعش به مردم و جامعه بیشتر برسد».

بنابراین امیدواریم این انتخابات خوب و مفید و مبارک باشد و به نفع کشور و به نفع مصالح کشور باشد. و ان شاء الله شخصی هم که انتخاب می‌شود بتواند به کشور خدمت کند.

والسلام عليكم جميعاً و رحمة الله و بركاته.

۱۳۸۸/۳/۲۲

دفتر آیت الله العظمی منتظری

پیام در رابطه با نتایج انتخابات ریاست جمهوری و حوادث پس از آن

۱۳۸۸/۳/۲۶

﴿ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ﴾

﴿ لَا یَحِبُّ اللّٰهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ اِلَّا مَنْ ظَلَمَ ﴾

ملت شریف و مظلوم ایران

ضمن سلام و تحیت - در روزهای اخیر شاهد تلاش و حضور پر شور و ایثارگرانه شما برادران و خواهران عزیز و بزرگوار، از زن و مرد، پیر و جوان و تمامی اقشار در صحنه تبلیغات انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری بودم. در این ایام قشر جوان با روحیه امید و برای رسیدن به خواسته‌های به حق خود به صحنه آمدند و شب و روز، برای روز موعود لحظه شماری کردند و این فرصت بسیار مناسب و خوبی برای مسئولین نظام بود تا موقعیت را مغتنم شمرده و بتوانند بهترین رابطه دینی، عاطفی و ملی را با قشر عظیم نیروی جوان و بقیه اقشار برقرار نمایند.

[هیچ عقل سلیمی نتایج اعلام شده را نمی پذیرد]

اما متأسفانه از این بهترین فرصت بدترین استفاده شد. با اعلام نتایجی که هیچ عقل سلیمی آن را نمی پذیرد و بر اساس شواهد موثق تغییرات عمده‌ای در آرای مردم داده شده است و به دنبال آن در پی اعتراض برخی از اقشار مردم به این نحو عملکرد، در جلوی چشم همین مردم که بار سنگین پیروزی انقلاب و هشت سال جنگ

تحمیلی را بر دوش خود حمل نمودند و با دست خالی در برابر گلوله‌های رژیم شاهنشاهی و توپ و تانک دشمن مقاومت کردند، و در جلوی چشم جهانیان و در حضور دوربین‌های خبرنگاران داخلی و خارجی به جان فرزندان این مردم و این مملکت افتاده و با شدت و خشونت کامل با زنان و مردان بی‌دفاع و دانشجویان عزیز برخورد کرده و آنها را سرکوب و مضروب و دستگیر نمودند و اینک به دنبال تسویه حساب‌های سیاسی، با فعالان و اندیشمندان و روشنفکران برآمده و عده کثیری را که بعضاً از مسئولین بلند مرتبه نظام جمهوری اسلامی بوده‌اند بی‌جهت دستگیر و بازداشت می‌کنند.

اینک بر حسب وظیفه دینی و ملی و بر اساس آیه شریفه ﴿وَذَكَرْ فَاِنَّ الذِّكْرَی تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِیْنَ﴾ و نیز با هدف خیرخواهی و آرزوی اصلاح امور، چند نکته را تذکر می‌دهم:

[اقتدار در شرح صدر و جذب مخالفین است]

۱- ویژگی یک حکومت مقتدر - چه اسلامی و یا غیر اسلامی - آن است که بتواند دیدگاه‌های موافق و مخالف را مورد توجه قرار دهد و با شرح صدر که شرط لازم حاکمیت است همه اقشار حتی مخالفین فکری و سلیقه‌ای خود را جذب و در امر حاکمیت سهیم نماید، نه اینکه آنان را به کلی طرد نموده و روزبروز بر تعداد آنان بیفزاید. من به خاطر موسوم شدن حاکمیت به حکومت دینی خوف آن دارم که کارها و اعمال مسئولین در نهایت باعث ضربه به دین و موجب خدشه در اعتقادات مردم گردد.

[لزوم پاسخ‌های معقول به شبهات و احراز امانتداری دست‌اندرکاران]

۲- در رابطه با اوضاع کنونی و مسائلی که پس از انتخابات اخیر بوجود آمده و

بسیاری از مردم دچار تحیر و بدبینی شده‌اند و براساس آموزه‌های دینی و اخلاقی از حاکمان و مسئولین مربوطه توقع دارند در چنین امر مهمی که حفظ حقوق عامه مردم است و در آن نمی‌توان به اصالتِ براءت تمسک کرد بلکه بایستی از طریق معتبر و مرضی‌الطرفین و بی‌طرف امانتداری حاکمیت و دست‌اندرکاران آن احراز گردد، در چنین شرایطی انتظار آن است که حاکمیت پاسخی مقبول و معقول بدهد و با روشهای صحیح بدبینی و شک و شبهه مردم را برطرف نماید، که در غیر این صورت موجب بی‌اعتمادی بیش از پیش مردم به حاکمیت شده و مشروعیت نظام و منتخب آن زیر سؤال رفته و اعتبار آن مخدوش خواهد شد.

[اعتراض‌ها بدون خشونت و بهانه دادن به حکومت ادامه یابد]

۳- از همه مردم به‌ویژه جوانان عزیز تقاضا می‌شود که حق خواهی خود را همراه با صبر و متانت دنبال کنند و با کیاست و هوشیاری درصدد حفظ آرامش و امنیت کشور و پرهیز از هرگونه خشونت و کارهایی باشند که چهره آنان و نیز خواسته مشروع و قانونی‌شان را مخدوش می‌نماید و بهانه به دست افراد معلوم‌الحالی می‌دهد که خود را در میان مردم جازده و با ایجاد اغتشاش و تخریب و آتش زدن اماکن شخصی و عمومی، قصد ایجاد فضای رعب‌آور و امنیتی کردن کشور را دارند. لازم است ضمن حضور آگاهانه و با هوشیاری کامل اجازه دهند تا کاندیداهایی که حقشان تضییع شده کار قانونی خود را دنبال نمایند.

[مسئولان دین خود را به‌دنیای دیگران نفروشد و از خشونت علیه مردم دست بردارند]

۴- به همه مسئولان و دست‌اندرکاران و همچنین به مأمورین نظامی و انتظامی توصیه می‌کنم دین خود را حفظ و آن را به دنیای دیگران نفروشد و توجه کنند که عبارت «المأمور معذور» در پیشگاه خداوند متعال به هیچ وجه پذیرفته نیست. جوانان

معرض را فرزندان خود دانسته و از برخوردهای خشن و غیرانسانی دست برداشته و با عبرت از سرنوشت گذشتگان، بدانند که دیر یا زود عاملین ظلم به مردم از کیفر و عقوبت دنیوی و اخروی مصون نخواهند بود. در این زمان نمی توان با سانسور و قطع و محدود نمودن امکانات ارتباطی حقایق را از دید مردم پنهان نمود.

در خاتمه از خداوند قادر متعال توفیق همگان را در خدمت به اسلام و مسلمین، و نیز عزّت و سربلندی ملت عزیز ایران را مسألت می نمایم.
والسلام علیکم و رحمة اللّٰه و برکاته.

۲۶ خرداد ۱۳۸۸

قم المقدسة - حسینعلی منتظری

پیام در اعتراض به عملکرد نامناسب مسئولان و سرکوب مردم

۱۳۸۸/۴/۳

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

﴿ الملكُ يبقی مع الكفر و لا یبقی مع الظلم ﴾

ملت بزرگوار و فهیم ایران

سلام و تحیت به پیشگاه شما مردم غیور و فداکار، که یک بار دیگر همچون گذشته‌های پرافتخارتان در صحنه سیاسی و اجتماعی کشور، رشادت و بلوغ فکری خویش را به اثبات رساندید و برای احقاق حقوق از دست رفته خود، صبورانه سختیها را تحمل نمودید؛ ولی مسئولین امور با آن که به یقین می‌دانند که همه منصب و مقامشان ثمره جانفشانی‌ها و از خودگذشتگی‌های شما ملت عزیز و بزرگوار است، با کمال تأسف در برابر خواسته به حق شما مردم عزیز روشهایی اتخاذ نموده و به اعمالی دست زدند که در باور هیچ انسان منصفی نمی‌گنجد.

اینجانب که در حدّ توان خویش، در مبارزات علیه رژیم گذشته و برقراری جمهوری اسلامی نقش داشته‌ام، ضمن اظهار تأسف و ناراحتی از این برخوردها و رفتارهای چند روز گذشته، در برابر مردم احساس شرمندگی می‌نمایم و صراحتاً اعلام می‌دارم که اسلام عزیز و سیره نبوی و منش علوی با رفتار حاکمان فعلی تفاوتی آشکار دارد. این برخوردها و سیاستها که زیر لوای حاکمیت دینی انجام می‌شود به یقین موجب بدبینی اقشار وسیعی از مردم به اصل اسلام و حاکمیت دینی خواهد شد و زحمات ارزشمند علمای اسلام را از بین خواهد برد.

در کشور و نظامی که به اسلامیت و شیعه بودن خویش می‌بالد چگونه در منظر و مرآی جهانیان و پس از گذشت فقط سی سال از پیروزی انقلاب و در حالی که هنوز توده‌های مردم صحنه‌های پایانی رژیم گذشته را به یاد دارند، تهران و برخی شهرهای بزرگ دیگر را به یک پادگان بزرگ تبدیل کرده‌اند و با سیاست‌های غلط خود برادران نظامی و انتظامی را در مقابل مردم قرار داده‌اند و با راه انداختن مأموران لباس شخصی که خاطره چماقداران شاه را در اذهان تداعی می‌کند، ناجوانمردانه به جان جوانان و مردان و زنان این مرز و بوم تاخته و آنها را به خاک و خون می‌کشند. با انحصاری نمودن تمامی امکانات رسانه‌ای و تبلیغاتی، روشنفکران و فرهیختگان و دانشجویان که همگی چشم و چراغ و فرزندان این ملت‌اند را وابسته به اجانب می‌خوانند و هر روز به بهانه‌ای واهی آنها را دستگیر و زندانی می‌نمایند. اینان سرمایه‌های این مملکت‌اند. چرا آمار فرار مغزها از کشور تا این میزان بالاست؟ آیا این‌گونه برخورد با مسائل موجب وهن اسلام و تشیع نمی‌شود؟! آیا روش و سیره پیامبر ﷺ و حضرت علی علیه السلام که ما افتخار پیروی از آنان را داریم همین‌گونه بوده است؟! رسول بزرگوار اسلام و امیر مؤمنان هیچگاه مخالفان خود را دشنام نداده و به آنان تهمت نزدند، آنان را با شمشیر ساکت ننموده و سیاست ناپسند و نابخردانه خودی و غیر خودی را در مورد مسلمین پیاده ننمودند. اینکه عده‌ای نسبت به حکومت خودی بوده و بتوانند دست به هر جنایتی بزنند، به خوابگاه دانشجویان حمله نموده و آنها را مورد ضرب و شتم قرار داده و از طبقه بالا به پایین پرتاب کنند، قتل‌های زنجیره‌ای را انجام دهند و فرهیختگان این ملت را وحشیانه ترور نمایند و از مجازات مصون باشند، با هیچ دین و آئینی سازگار نیست، خصوصاً با شریعت مقدس اسلام که پیغمبر آن ﴿رحمة للعالمین﴾ است و جانشین برحق او به خاطر درآوردن خلخال از پای زن یهودیه می‌فرماید اگر کسی از این غصه بمیرد بر او ملامتی نیست.

اینجانب برای کلیه شهدا مخصوصاً شهیدان چند روز گذشته علو درجات و برای

بازماندگان غمدیده آنان صبر جمیل و اجر جزیل از خداوند متعال خواهانم. توصیه من به ملت عزیز و بزرگوار ایران آن است که در کمال متانت و آرامش با آگاهی کامل خواسته‌های منطقی و بر حق خویش را پیگیری نمایند. به مسئولین و سردمداران حکومتی سفارش می‌کنم که با برخوردهای تند و غیر عقلایی بیش از این موجب بی‌اعتمادی ملت به آنان و جدایی مردم از نظام نگردند و با دست برداشتن از لجاجت و اظهارات و عقاید اشتباه و تنگ نظری، بین خود و مردم تفرقه ایجاد نکنند و نسبت به اشتباهات انجام شده از مردم عذرخواهی نمایند، و با تشکیل هیأتی بی‌طرف و دارای اختیارات تام، انتخابات اخیر را به سرانجامی قابل قبول برسانند و باور داشته باشند که مقامات دنیوی پایدار نبوده و ارزشی ندارد و آیه شریفه ﴿تَلِكِ الْاِيَّامِ نَدْوَاهَا بَيْنَ النَّاسِ﴾ را آویزه گوش کنند. اگر مردم شریف امروز خواسته‌های به حق خود را در اجتماعات آرام مطرح نکنند و مظلومانه سرکوب شوند عقده‌هایی شکل خواهد گرفت که ممکن است بنیان هر حکومتی را هر چند مقتدر باشد برکند.

در پایان حقیقت مرگ و قیامت را به خود و همگی افراد گوشزد نموده و از خداوند متعال می‌خواهم که توفیق ایمان و باور به ﴿اَنَا لِلَّهِ وَاَنَا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ را به همه ما عنایت بفرماید. آمین رب العالمین.
والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

پاسخ به نامه فرزند دکتر سعید حجاریان

۱۳۸۸/۴/۱۸

﴿ بسمه تعالی ﴾

با سلام و تحیت

دخترم

نامه پر رنج و سوزانت را خواندم و از غم و اندوه مظلومان بیش از پیش برآشستم. براستی هیچ روزگاری تلخ‌تر و اندوهناک‌تر از روزگار سیطره ظالمان متظاهر به دین بر مظلومان دیندار و تسلط قانون‌گویان قانون‌گریز و قانون‌سای بر قانون‌گرایان قانون خواه نیست که با بی‌اخلاقی تمام، زهر هلاهل ستم و بی‌قانونی را با ظرف بلورین و پاک دین، عدالت و قانون در کام تشنه مظلوم و حق‌خواه ریخته و چنین می‌نمایند که جز تحقق دین، عدل و قانون را نمی‌خواهند.

دخترم

در تاریخ، این قبیل نامردمان بسیار بوده‌اند. فرعون گفت: «بگذارید موسی را بکشم و پروردگارش را بخواند، چون من می‌ترسم که دین شما را دگرگون کند و یا در زمین فساد و تباهی را آشکار نماید» ﴿و قال فرعون ذرونی اقتل موسی ولیدع ربه انی اخاف ان یبدل دینکم او ان یظهر فی الارض الفساد﴾ (سوره مؤمن، آیه ۲۶) و هم اینان سیدالشهداء علیهم‌السلام و اصحاب او را به نام حاکمیت دین و اتهام خروج بر حاکمیت دینی با رقت‌بارترین حال به شهادت رسانده و خاندانش را با همین مکر به اسارت کشیدند. ﴿و لا یحیی المکر السیی الا باهله﴾ (سوره فاطر، آیه ۴۳).

عجبا! که اینان نه از سرگذشت گذشتگان عبرت می آموزند و نه از پند ناصحان بهره می برند. اینجانب در سال های متمادی بارها و بارها به اشکال مختلف بر خطری که اینک بیش از گذشته در حال وقوع است هشدار داده ام ولی:

هزار حيله برانگيخت حافظ از سر مهر بدان هوس که شود آن حريف رام و نشد
هنوز هم از سر مهر خطاب به متصدیان امر این آیات شریفه قرآن کریم را تلاوت می کنم: ﴿و قال رجل مؤمن من آل فرعون یکتُم ایمانه اتقتلون رجلاً ان یقول ربی اللّٰه و قد جائکم بالبینات من ربکم و ان یک کاذباً فعلیه کذبہ و ان یک صادقاً یصبکم بعض الذی یعدکم ان اللّٰه لا یهدی من هو مسرف کذاب. یا قوم لکم الملك الیوم ظاهرین فی الارض فمن ینصرنا من بأس اللّٰه ان جاءنا قال فرعون ما اریکم الا ما اری و ما اهدیکم الا سبیل الرشاد. و قال الذی امن یا قوم انی اخاف علیکم مثل یوم الاحزاب. مثل دأب قوم نوح و عاد و ثمود و الذین من بعدهم و ما اللّٰه یرید ظلماً للعباد. و یا قوم انی اخاف علیکم یوم التناد. یوم تولون مدبرین ما لکم من اللّٰه من عاصم و من یضلل اللّٰه فما له من هاد﴾ (سوره مؤمن، آیات ۳۳-۲۸).

و از آنان می خواهم پیش از اینکه دیر شود و با مردم بیش از این فاصله بگیرند و دچار عاقبت سنت الهی استدراج و آثار وضعی گفته ها و کرده های خویش شوند به راه مستقیم بازگردند و بیش از این با آبروی اسلام و تشیع بازی نکنند و حقوق اقشار معترض را تضییع ننمایند و با عدل و ملاحظت ماندگار شوند.

دخترم: پدرت و سایر زندانیان سیاسی که این روزها به بند کشیده شده و برای گرفتن اعترافات دروغ و خلاف واقع زیر شکنجه و فشار قرار گرفته اند چشم و چراغ ملت رشید ما می باشند و شما خانواده های عزیز آنان با صبر و بردباری و تدبیر علاوه بر اینکه نزد خدای متعال اجر و پاداش بی حساب صابران را دارید؛ می توانید مظلومیت آنان را به دنیا ثابت نمایید؛ ﴿انما یوفی الصابرون اجرهم بغير حساب﴾

(سوره زمر، آیه ۱۰).

امیدوارم هر چه زودتر مسئولین کشور در سیاست خشونت‌بار خود تجدیدنظر نموده و برای جلب رضایت عامه و بخصوص اقشار وسیعی که در آراء آنان تقلب شده متنبه شده و خطاهای گذشته را جبران نمایند. ان ارید الاّ الاصلاح و ما توفیقی الاّ باللّه.
والسلام علیکم ورحمة اللّه و برکاته.

۱۸ تیر ماه ۱۳۸۸ - حسینعلی منتظری

نامه تظلم خواهی فرزند دکتر سعید حجاریان:

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

محضر مبارک مرجع عالیقدر آیت الله العظمی منتظری

با سلام و عرض تبریک به مناسبت ایام ولادت امام علی (علیه السلام)، مولای متقیان، پیشوای عدالت‌طلبان و آزادی‌خواهان و امام مظلومان و ستمدیدگان.
این روزها دستهای استغاثه و التجاء به درگاه پروردگار عالم گشوده شده است و خلقی پریشان از نامهربانی‌ها شکوه به درگاه معبود می‌برند، که «و الی الله المشتکی». من نیز در هر نماز و دعایی پیکر بیمار و رنجور پدرم دکتر سعید حجاریان را به یاد می‌آورم که پس از سوء قصد ده سال قبل همین سلامتی نسبی خود را مدیون دعای ملت شریف ایران است، و گویا میبینم که در سلول انفرادی به نماز نشسته است، او را که به واسطه اصابت گلوله اشقیا به مخچه و نخاعش یارای ایستاده نماز خواندن نیست، و می‌دانم که لکنتی غریب گریبانش را می‌گیرد آنگاه که می‌کوشد حروف را به درستی اداء کند. انگشت‌های بی‌حسّ او توانایی برداشتن قرص‌هایش را ندارد، نمی‌دانم آیا کسی هست که داروها و قرص‌های رنگارنگ او را به موقع بدهد؟ او برای نوشیدن جرعه‌ای آب به کمک نیاز داشت، نمی‌دانم آیا می‌تواند پس از ساعتها بازجویی آبی بنوشد و گلویی تازه کند؟ مردم او را به نام سعید می‌شناسند ولی مادرش او را عباس صدا می‌زند، بی‌اختیار به یاد جانباخته کربلا، باب الحوائج حضرت ابوالفضل العباس می‌افتم.

رندان تشنه لب را آبی نمی دهد کس گویا ولی شناسان رفتند از این ولایت

بیش از دو هفته است که پدرم را بدون هیچ اتهامی بازداشت کرده اند. اصلاً مگر این بدن مجروح و ناتوان می تواند جرمی مرتکب شود؟ همه می دانند که پدرم سالهاست در حاشیه دنیای سیاست قرار گرفته و برای سیاستمداران تنها نمادی معنوی به شمار می رود. پس چگونه می تواند تأثیری در تحولات داشته باشد تا جرمی از آن پدید آید؟ انگار از این بدن رنجور هم نمی گذرند. تاکنون نه اتهام ایشان به وی تفهیم شده و نه از داشتن حق قانونی وکیل برخوردار است.

آنگونه که پزشک متخصص ایشان در بیانیه رسمی اعلام نموده اند جان سعید حجاریان در خطر است و ایشان نیاز به مراقبت های فوری پزشکی داشته و بدون پرستاری خانواده در انجام امور شخصی و روزمره که لازمه فرائض دینی است با مشکلات جدی مواجه است و اینها همه در حالی است که ضارب پدرم آزادانه به ارباب مردم مشغول است. ظاهراً مضروب باید به جای ضارب مجازات شود.

این روزها جز گریستن به درگاه خدا سلاحی ندارم. امروز زینب دختر سعید حجاریان فریاد تظلم و دادخواهی به بیت شما مراجع عظام آورده است که به خاطر خدا هر تلاشی در توان دارید به کارگیرید تا همه مظلومان دربند از جمله پدرم به آغوش خانواده بازگردند که مراجع در سنتی هزار و چند صد ساله همواره ملجأ مردم بی پناه بوده اند.

«اللهم انا نشکوا الیک فقد نبینا و غیبنا و لینا و شدة الفتن بنا و تظاهر الزمان علینا»

زینب حجاریان کاشانی

۱۳۸۸/۴/۱۲

پاسخ‌های به پرسش‌های حجة الاسلام والمسلمین دکتر محسن کدیور

۱۳۸۸/۴/۱۹

﴿ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ﴾

محضر مبارک فقیه متأله، علامه مجاهد، شیخنا الاستاد، آیت الله العظمی منتظری دام‌ظله
سلام علیکم

می‌لاد مسعود مولای متقیان، امام مظلومان، اسوه عدالت جوانان و سرور آزادی خواهان علی بن ابی طالب (علیه الاف التحیه والسلام) را به آن عالم ربانی تبریک و تهنیت عرض می‌کنم. این عید سعید را در شرایطی برگزار می‌کنیم که دهها پیرو آن امام همام در اعتراض مسالمت‌آمیز به حق‌کشی‌های حکومت ایران، شهید و صدها نفر مجروح و هزاران نفر بازداشت و زندانی شده‌اند. تأسف بار آن‌که این همه تجاوز به حقوق مشروع مردم به نام اسلام و تشیع صورت گرفته است. سوگوارانه از نام سبزی علی علیه السلام خرج می‌کنند و به راه سیاه معاویه می‌روند.

از محضر شما آموخته‌ام که اشاعه معارف قرآنی، تعالیم نبوی و احکام اهل بیت بهترین راهکار مبارزه با ظلم و جور در هر شرایطی است. اینک به مقتضای حال و برای روشن نگاه داشتن کورسوی «امید» در دل‌های پاک نسل جوانی که از متولیان رسمی به نام اسلام قساوت دیده، به نام تشیع خرافات شنیده، و روح و روانشان از این همه دروغ و ریا و خیانت در امانت زخمی و خسته است، به در خانه‌ای آمده است که خانه امید ملت مظلوم ایران است و یاد مجاهدت‌ها و دفاع جانانه شما از حقوق به تاراج رفته ملت - به‌ویژه در ۱۳ رجب سال ۱۳۷۶ و بیش از پنج سال حبس خانگی متعاقب آن - هرگز از حافظه تاریخش محو نمی‌شود. بر این شاگرد کوچک خود منت بگذارید و با پاسخ به این پرسش‌های شرعی در این ظلمت‌کده روزنی به نور بگشایید. این پرسش‌ها، پرسش‌های مردم رشید و مظلوم ایران از پیشوایان دینی‌شان است.

از اینکه با صرف وقت گران‌بهای خود - علاوه بر اینکه به شکوفایی فقه «عدالت محور» اهل بیت علیهم‌السلام یاری کرده از سقوط آن در ورطه فقه اشعری «امنیت محور» توجیه‌گر ظلم ممانعت می‌کنید - برای مؤمنان تشنه حق در این شرایط خطیر ارائه طریق می‌فرمایید، صمیمانه سپاسگزارم. امیدوارم این شاگرد کوچکتان را در این کنج غربت از دعای خیر فراموش نفرمایید.

عزت عالی مستدام باد.

۱۴ تیر ۱۳۸۸ - محسن کدیور

سؤال ۱ - تصدی مناصبی که بر اساس قانون لازم‌الرعایه - شرط ضمن عقد خدمت کلیه متصدیان خدمات عمومی - مشروط به شرایطی الزامی از قبیل عدالت، امانتداری، تدبیر و برخورداری از رأی اکثریت مردم است، پس از سقوط شرایط و احراز مکرر صفات متضاد به نحو شیاع و در حد اطمینان قریب به یقین، چه حکمی دارد؟

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

﴿ و سيعلم الذين ظلموا ايّ منقلب يتقلبون ﴾

جناب مستطاب حجة الاسلام والمسلمین آقای دکتر محسن کدیور دامت برکاته پس از سلام و تحیت و تبریک متقابل. پاسخ تفصیلی سؤالات جنابعالی فرصت بیشتری می‌طلبد، ولی اجمالاً به پاسخ‌هایی اشاره می‌شود:

[سقوط شرایط تصدی موجب سقوط قهری ولایت است]

ج ۱- از بین رفتن هر یک از شرایط مذکور در سؤال که شرعاً و عقلاً در صحت و مشروعیت اصل تولیت و تصدی امور عامه جامعه دخیل است خود به خود و بدون حاجت به عزل، موجب سقوط قهری ولایت و تصدی امر اجتماعی و عدم نفوذ احکام صادره از سوی آن متولی و متصدی می‌گردد، و اما شرایطی غیر از آن شرایط که شرعاً و عقلاً در صحت و مشروعیت اصل تولیت و تصدی آن امور معتبر نیست ولی

طرفین یعنی متولی و متصدی و مردمی که او متولی و متصدی کار آنها گردیده بر آن میثاق بسته و تعهد نموده‌اند تخلف از این‌گونه شرایط موجب خیار تخلف شرط شده و مردم می‌توانند متصدی و متولی را به واسطه تخلف از شرط از منصبش عزل نمایند. ولی سقوط عدالت، امانتداری یا برخورداری از رأی اکثریت و تأیید مستمر از ناحیه آنان که از شروط مشروعیت تولیت و زمامداری است موجب می‌شود که پس از سقوط آنها، اصولی مانند حمل بر صحت و اصالت برائت درباره کارهای متصدی در امور جامعه که فاقد شرط گردیده جاری نشود، بلکه وی باید برای اثبات عدم تخلف از شرع و قانون و احقاق حقوق مردم و بقاء بیعت اکثریت مردم با او، بینه‌ای معتبر و دلیلی معقول برای مردم بیاورد و آنان را راضی کند. و در موارد اختلاف در پیشگاه داوری آزاد، عادل و بی‌طرف و کاملاً مستقل از حاکمیت ادعای خود را به اثبات رساند. و داوری هر نهادی که زیر نفوذ یا وابسته به او باشد شرعاً و عقلاً حجت نمی‌باشد.

سؤال ۲- وظیفه شرعی مردم در قبال چنین متصدیانی - که علیرغم امر به معروف و نهی از منکر مکرر ناصحان و مشفقان بر اعمال خلاف شرع خود اصرار دارند - چیست؟

[در صورت ادامه تصدی به زور، مردم باید با رعایت مراتب و با اتحاد

و تشکیلات آنان را برکنارکنند]

ج ۲- همانگونه که گفته شد متصدیانی که شرعاً و عقلاً تولیت و تصدی امر اجتماعی را از دست داده‌اند خود به خود از مقام خود معزولند و تصدی آنان هیچگونه مشروعیتی ندارد و چنانچه به زور یا فریب و تقلب بر آن منصب بمانند مردم باید عدم مشروعیت و مقبولیت آنها را در نزد خود و برکناری آنان از آن منصب را با رعایت مراتب امر به معروف و نهی از منکر و حفظ ترتیب «الاسهل فالاسهل والانفع فالانفع» و انتخاب مفیدترین و کم هزینه‌ترین راه ممکن ابراز داشته و

بخواهند. بدیهی است که این وظیفه‌ای همگانی می‌باشد که هر کس را اعم از خواص و عوام جامعه به اندازه آگاهی و توانایی که دارد فرامی‌خواند و کسی نمی‌تواند به بهانه‌ای از عمل به آن شانه خالی کند و خواص جامعه که از همه به شرع و قانون آگاهتر و تواناترند و از نفوذ کلمه و اعتبار بیشتری برخوردارند مسئولیتی خطیرتر دارند و باید با اتحاد و همفکری و ایجاد احزاب و تشکیلات و تجمعات خصوصی و عمومی به دیگران اطلاع‌رسانی کرده و راه چاره را به آنها بنمایانند. مولی امیرالمؤمنین علیه السلام در وصیت آخرشان فرمودند: «لا تتركوا الامر بالمعروف والنهي عن المنکر فیولئ علیکم شرارکم ثم تدعون فلا یستجاب لکم» (نهج البلاغه، نامه ۴۷) حاکمیت و تسلط اشرار نتیجه طبیعی ترک امر به معروف و نهی از منکر است، زیرا آنان از فرصت‌ها سوء استفاده می‌کنند.

- سؤال ۳- آیا ارتکاب معاصی کبیره ذیل و اصرار بر آنها به سلب «ملکه عدالت» و تحقق «ملکه جور» منجر می‌شود یا خیر؟ الف: امریت و تسبیب در قتل نفوس محترمه.
- ب: امریت و تسبیب اقوی از مباشرت در ارباب و اخافه مسلحانه و ضرب و جرح مردم بیگناه در شوارع.
- ج: ممانعت قهراً از اقامه فریضة امر به معروف و نهی از منکر و نصیحت به ائمه مسلمین از طریق انسداد کلیه مجاری عقلانی و مشروع اعتراض مسالمت‌آمیز.
- د: سلب آزادی و حبس آمران بالمعروف و ناهیان عن المنکر و ناصحان و اعمال فشار برای گرفتن اقرار بر امور خلاف واقع از آنها.
- ه: ممانعت از اطلاع‌رسانی و سانسور اخبار که مقدمه واجب انجام فریضة امر به معروف و نهی از منکر و نصیحت به ائمه مسلمین است.
- و: افترا به معترضان خواهان اجرای عدالت مبنی بر اینکه «هر که با متصدیان امور مخالف است مزدور اجنبی و جاسوس خارجی است»
- ز: کذب و شهادت دروغ و گزارشهای خلاف واقع در امور مرتبط با حق الناس.

ح: خیانت در امانت ملی.

ط: استبداد به رأی و بی‌اعتنای به نصیحت ناصحان و تذکر عالمان.

ی: ممانعت از تصرف مالکان شرعی در ملک مُشاع سرنوشت ملی.

ک: وهن اسلام و شین مذهب از طریق ارائه چهره‌ای بسیار خشن، غیر معقول، متجاوز، خرافی و استبدادی از اسلام و تشیع در جهان.

[معاصی ذکر شده موجب خروج از عدالت و مصداق ظلم

و دارای مجازات است]

ج ۳- ارتکاب همه معاصی نامبرده یا اصرار بر برخی از آنها از بارزترین و گویاترین شواهد فقدان ملکه عدالت و از مصادیق آشکار ظلم و بی‌عدالتی است. به راستی اگر این‌گونه معاصی موجب فسق و خروج آشکار از عدالت در نگاه عموم نباشد پس چه معصیتی است که انجام آن گواه ستم و بی‌عدالتی در انظار همگان است؟! و روشن است که هرگونه معصیتی به‌ویژه چنان معاصی نامبرده در صورتی که در قالب دین، عدالت، قانون انجام گیرد مفسده‌ای افزون دارد و بیشتر موجب خروج از عدالت شده و دارای مجازات دنیوی و اخروی شدیدتری خواهد بود، زیرا این‌گونه ارتکاب معصیت علاوه بر مفسده خود معصیت مفسده فریبکاری و مفسده تخریب چهره دین، عدالت و قانون را نیز دربر دارد.

و در مواردی که کارهایی به نظر متصدیان حاکمیت، عادلانه و مشروع و به نظر عده زیادی از مردم، نامشروع و مصداق فسق و ظلم و تزییع حقوق می‌باشد، باید نظر و قضاوت داوران عادل و بی‌طرف و مرضی‌الطرفین ملاک قرار گیرد.

سؤال ۴- آیا تمسک به جملاتی از قبیل «حفظ نظام از اوجب واجبات است» مجوز تجاوز به حقوق مشروع مردم و زیر پانهادن بسیاری از ضوابط اخلاقی و محکمت شرعی از قبیل صداقت و امانتداری است؟ آیا به بهانه حفظ «مصلحت نظام» می‌توان از اجرای اصل اصیل «عدالت»

که صفت ممیز فقه سیاسی تشیع در طول تاریخ بوده است - صرف نظر کرد؟ اگر برخی متصدیان، مصلحت نظام را با مصلحت شخصی خود اشتباه گرفته باشند و بر تشخیص خطای خود اصرار کنند، وظیفه شرعی مؤمنان چیست؟

[حفظ نظامی اوجب واجبات است که برپاکننده عدل باشد

نه زندان و زور و شکنجه]

ج ۴ - حفظ نظام به خودی خود نه موضوعیت دارد و نه وجوب آن وجوب نفسی می باشد؛ به ویژه اگر مقصود از «نظام» شخص باشد. نظامی که گفته می شود: «حفظ آن از اوجب واجبات است» نظامی است که طریق و مقدمه و برپاکننده عدل و اجراء فرائض شرعی و مقبولات عقلی باشد و وجوب حفظ آن هم تنها وجوب مقدمی خواهد بود. بنابراین با توجه به این نکته، تمسک به جمله «حفظ نظام از اوجب واجبات است» به هدف توجیه و صحه گذاری بر امور متصدیان و کارگزاران و عدالت نمایی کار آنان برای دیگران در حقیقت تمسک به عام در شبهه مصداقیه و میان دعوا نرخ تعیین کردن و تنها به قاضی رفتن است؛ که اگر چنین تمسکی از روی ناآگاهی باشد باید طبق مراتب امر به معروف و نهی از منکر با آن معامله نمود. از طرف دیگر بدیهی است که با کارهای ظالمانه و خلاف اسلام نمی توان نظام اسلامی را حفظ یا تقویت نمود، زیرا اصل نیاز به نظام برای اجرای عدالت و حفظ حقوق، و در یک کلمه اجرای احکام اسلامی است؛ پس چگونه متصور است با ظلم و جور و کارهای خلاف اسلام، نظام عادلانه و اسلامی را حفظ و تقویت نمود؟

[اعتراف گیریه های استالینی تحت زندان و شکنجه، محکوم و بی ارزش است

و عاملان اعتراف گیری مجرمند]

حاکمیتی که بر اساس چماق و ظلم و تجاوز به حقوق دیگران و تصرف غاصبانه و تغییر در آراء آنان و کشتن و بستن و بازداشت و شکنجه های قرون وسطی و استالینی

و ایجاد خفقان و سانسور روزنامه‌ها و اخلال در وسائل ارتباطی و زندانی کردن عقلاء و نخبگان جامعه به بهانه‌های واهی و تحمیل اعتراف به امور خلاف واقع به ویژه در زندان نزد شرع و عقل و عقلاء جهان محکوم و بی‌ارزش است، و بر حسب اخبار معتبره وارد از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام اقرار و اعتراف در زندان یک ذره اعتبار شرعی و قانونی ندارد و نمی‌تواند ملاک حکم باشد. (وسائل، کتاب الاقرار، باب ۴ و ابواب حد السرقة، باب ۷)

مردم رشید ایران نیز از حقیقت این اعترافات که نمونه‌های آنها در تاریخ حکومت‌های فاشیستی و کمونیستی ثبت است کاملاً آگاه می‌باشند و می‌دانند این اعترافات و مصاحبه‌های ساختگی تلویزیونی با زور و شکنجه و تهدید در جهت پنهان نمودن ظلمها و بی‌عدالتی‌ها و تحریف چهره اعتراضات مسالمت‌آمیز و قانونی مردم، از فرزندان به بند کشیده آنان گرفته می‌شود. و مسئولین مربوطه بدانند که آمر و متصدی و مباشر گرفتن این‌گونه اعترافات و مصاحبه‌های دروغ گناه کار و مجرمند و شرعاً و قانوناً مستحق تعزیر خواهند بود. کشور متعلق به مردم است نه مال من و شما، و تصمیم از ناحیه آنان می‌باشد، و متصدیان امور خدمتگزار مردم می‌باشند.

[مردم حق تجمع برای دفاع از حقوق خود را دارند]

مردم باید بتوانند با تجمعات آزادانه و تبلیغات کتبی و شفاهی از حقوق خویش دفاع کنند، شاه هنگامی صدای انقلاب مردم را شنید که دیگر دیر شده بود. امید است متصدیان امور نگذارند به آنجا برسد، بلکه هر چه زودتر در برابر خواسته‌های ملت خویش انعطاف پیدا کنند، جلو ضرر را از هرجا بگیریم به نفع خواهد بود.

سؤال ۵- امارات شرعی «ولایتِ جائر» چیست و علمای اعلام (اعلی‌الله کلماتهم) و نیز مکلفان

در قبال بروز آن چه وظیفه‌ای دارند؟

[ولایت جائز یعنی مخالفت عمدی با احکام شرع و موازین عقل

و میثاق‌های ملی]

ج ۵- جور، مخالفت عمدی با احکام شرع و موازین عقل و میثاق‌های ملی است که در قالب قانون درآمده باشد و کسی که متولی امور جامعه است و بدین‌گونه مخالفت می‌ورزد جائز و ولایتش جائزانه است و تشخیص چنین ولایتی در درجهٔ اول بر عهدهٔ خواص جامعه یعنی عالمان دین آشنا و مستقل از حاکمیت و اندیشمندان جامعه و حقوقدانان و آگاهان از قوانین می‌باشد که هم به احکام و موازین عقل و قوانین حاکم آشنایند و هم با قرائن و شواهد اطمینان‌آور به مخالفت عمدی با آنها پی برده و می‌توانند آن را مستدل کنند. مشروط بر اینکه از هرگونه نفوذ حاکمیت و ملاحظات خطی و سیاسی آزاد و مستقل باشند. و در درجهٔ دوم بر عهدهٔ عموم مردم است که به اندازهٔ آگاهی خود از آن احکام و قوانین و با مرتکبات دینی و عقلی خود و رودر رویی مستقیم با موضوعات و مشکلات دینی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، مخالفت عمدی حاکمان را با شرع و قانون لمس کرده و احساس نمایند.

[هر کس به قدر توان در برابری عدالتی مسئول و ترس از مخلوق شرک است]

بالاخره به طور اجمال عدالت یا بی‌عدالتی حاکمان امری ملموس در جامعه و آثار آن نمایان است، و چهره در نقاب ندارد. و هر کس به هر مقدار آگاهی و توان در مقابل بی‌عدالتی‌ها و تزییع حقوق مردم مسئولیت دارد و باید دیگران را هم آگاه کرده و هم با در نظر گرفتن شرایط موجود و حفظ مراتب امر به معروف و نهی از منکر راهکار ارائه دهد چون نمی‌شود و نمی‌توان باور کرد که انسانی عدالتخواه باشد ولی در راه آن گامی برندارد یا هراس داشته یا خود و دیگران را با تسویل و آراستن کوتاهی خود یا تسویف و امروز و فردا کردن و یا به بهانهٔ نداشتن قدرت سرگرم کند. ترس از مخلوق شرک بالله العظیم است و تسویل و تسویف هم ضلال و اضلال.

[خداوند از عالمان تعهد گرفته در مقابل ظلم سکوت نکنند]

سیره اولیای معصومین علیهم‌السلام نیز تلاش در راه عدالت اجتماعی بود و اگر آنها تنها به امور فردی اسلام همت و اکتفاء داشتند این همه ظلم و ستم بر آنان و به بند و حصار کشیدن و تحت مراقبت قرار دادن و در نهایت به شهادت رساندن آنان برای چه بود؟! خداوند از عالمان به خصوص عالمان دین میثاقی غلیظ گرفته که در مقابل ظلم سکوت نکنند «اخذ الله على العلماء ان لا يقاروا على كظّة ظالم ولا سغب مظلوم» (نهج البلاغه، خطبة ۳). البته عمل به این میثاق همانگونه که ثوابی عظیم دارد هزینه‌ای سخت هم خواهد داشت. ﴿أحسب الناس ان يتركوا ان يقولوا آمنا و هم لا يفتنون. و لقد فتنا الذين من قبلهم فليعلمن الله الذين صدقوا و ليعلمن الكاذبين﴾ (سوره عنكبوت، آیه‌های ۲ و ۳) به هوس راست نیاید به تمنی نشود اندر این راه بسی خون جگر باید خورد ان شاء الله موفق باشید.

۱۷ رجب ۱۴۳۰ - ۱۳۸۸/۴/۱۹

قم المقدسة - حسینعلی منتظری

پیام در اعتراض به کشتار مسلمانان در کشور چین

۱۳۸۸/۴/۲۲

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

«من سمع رجلاً ینادی یا للمسلمین و لم یجبه فلیس بمسلم»

(پیامبر اکرم ﷺ)

با سلام و تحیت به همه مسلمانان و مردم آزاده جهان کشته شدن حدود ۱۸۰ نفر از مسلمانان مظلوم چین توسط نیروهای دولتی آن کشور موجب تأسف و ناراحتی اینجانب و مردم شریف ایران شد. این حادثه تلخ که در حقیقت نوعی نسل کشی می باشد در کشوری انجام شد که دولت آن مدعی تمدن و پیشرفت و پایبندی به ارزش های انسانی و مقررات بین المللی می باشد. مردم آزاده جهان به یقین این مسلمان کشی را شدیداً محکوم می کنند و از دولت های آزاد جهان و سازمان های بین المللی حقوق بشر و به خصوص سازمان کنفرانس اسلامی می خواهند بر اساس کنوانسیون ها و معیارهای مورد قبول همه کشورها که حق حیات را برای همه اهالی هر مملکت و اقلیت های دینی و قومی هر کشور به رسمیت شناخته اند، دولت چین را محکوم و خواستار مجازات مسببین این کشتار فجیع شوند.

از طرف دیگر سکوت دولت ها مخصوصاً دولت های اسلامی موجب تعجب و تأسف فراوان است. ما نباید حرمت و حیثیت و خون مسلمان ها را فدای روابط دیپلماسی خود نماییم. هر کجا شخص بیگناهی مظلومانه کشته شود، موجب

ناراحتی و تأسف شدید خواهد بود و باید آن را محکوم نمود و در حد توان از این فجایع انسانی جلوگیری کرد، خواه این جنایت در فلسطین باشد یا در چین، یمن، آلمان و یا در ایران.^(۱)

برحسب حدیث شریف نبوی تذکر دادن و امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای همگانی است. بدیهی است انجام وظایف اخلاقی و معنوی دخالت در امور داخلی کشور دیگر محسوب نمی‌شود.

از دولت چین انتظار می‌رود که از این راه اشتباه برگردد و ضمن مجازات مسببین این جنایت هر چه زودتر افراد بازداشت شده را آزاد نماید و خسارات وارده به مردم را جبران کند.

امیدوارم شهدای مظلوم این حادثه بزرگ مورد رحمت حق تعالی قرار گیرند و بازماندگان آنان با صبر و استقامت مصداق این آیه شریفه قرآن قرار گیرند که:

﴿انما یوفی الصابرون اجرهم بغير حساب﴾.

والسلام علیکم ورحمة اللہ و برکاته.

۱۳۸۸/۴/۲۲

قم - حسینعلی منتظری

۱- این نکته در پیام آیت‌الله منتظری تعریفی است به سکوت دولت ایران در برابر مسلمان‌کشی در چین و در چین روسیه بخاطر روابط سیاسی نزدیکی که با آنها دارد، و همزمان جنجال بر سر کشتار مسلمانان در فلسطین و لبنان بخاطر اختلافات سیاسی با آمریکا و غرب؛ و در واقع دلسوزی برای مسلمانان فلسطین و لبنان به دلایل سیاسی است نه انسانی و اسلامی. همچنین به مسلمان‌کشی در ایران به ویژه پس از انتخابات و اعتراضات گسترده به تقلب از سوی مردم اشاره شده است و همه این موارد را از مصادیق امر به معروف و نهی از منکر شمرده است.

اعتراض به توهین و مزاحمت برای حجاج اسلام والمسلمین کروی و نوری

۱۳۸۸/۴/۳۰

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

جناب مستطاب حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ مهدی کروی

دامت افاضاته

پس از سلام و تحیت و آرزوی موفقیت برای جنابعالی در راه خدمت به اسلام و مسلمین، با کمال تأسف خبر توهین و مزاحمت برای جنابعالی و نیز حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ عبدالله نوری را دریافت کردم و بسیار متأثر شدم. اینجانب تاکنون آنچه را وظیفه شرعی و ملی خود می دانستم متذکر شده‌ام، و در اینجا نیز یادآوری می‌کنم که مشروعیت و مقبولیت نظام بستگی به رضایت و آراء اکثریت مردم دارد، و این مسأله‌ای است که هنگام تصویب قانون اساسی مورد توافق خبرگان ملت قرار گرفت و در مقدمه و اصول متعدد قانون اساسی به آن اشاره شده است.

[در توهین و تعرض به مردم و شخصیت‌ها، سبب اقوی از مباشر

و گناه بر گردن مسئولان است]

متأسفانه امروز کار به جایی رسیده است که از حضور مردم در صحنه به شکل مسالمت آمیز و شنیدن صدای حق طلبی آنان وحشت وجود دارد، تا آنجا که حتی حضور امثال جنابعالی را که از چهره‌های خدمتگزار و با سابقه در مراحل گوناگون

انقلاب اسلامی هستید در نماز جمعه تحمل نمی‌کنند و مورد توهین و مزاحمت قرار می‌دهند. کاملاً روشن است که در این مورد و موارد مشابه سبب اقوای از مباشر است و گناه این فحاشی‌ها و اهانت‌ها به گردن کسانی است که به افرادی حقوق می‌دهند و آنان را به این کارهای زشت وادار می‌کنند و در واقع از پول مردم مظلوم خرج می‌کنند تا خادمان واقعی مردم منکوب شوند، و این ظلمی است مضاعف در حق صاحبان اصلی این کشور عزیز.

اینجانب سخت نگران آینده نظام و کشور می‌باشم و مصرانه از تصمیم‌گیرندگان می‌خواهم تا دیر نشده و فرصت‌ها از دست نرفته است به توصیه‌ها و راه‌حل‌های پیشنهادی توسط دلسوزان انقلاب و ناصحان مشفق توجه نمایند و شرایطی فراهم نمایند تا اعتماد از دست رفته مردم به دست آید و حقوق تضییع شده آنان جبران گردد و موجبات نارضایتی مردم و بحران کنونی از بین برود.

من دست کسانی را که برای نجات جمهوری اسلامی از بحران زحمت می‌کشند می‌بوسم؛ و امیدوارم با اصلاحات جدی در روند کنونی اداره کشور، نظام جمهوری اسلامی که برای تشکیل و تداوم آن زحمات فراوان کشیده شده است محفوظ و پایدار بماند.

والسلام علیکم ورحمة اللہ و برکاته.

۱۳۸۸/۴/۳۰

حسینعلی منتظری

پاسخ به نامه جمعی از نخبگان و شخصیت‌های فرهنگی و سیاسی

۱۳۸۸/۵/۷

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

حضرات آقایان حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ مهدی کربوبی و حجة الاسلام والمسلمین سید محمد خاتمی و مهندس میرحسین موسوی و سایر نخبگان و شخصیت‌های فرهنگی و سیاسی امضاءکننده نامه مورخ ۱۳۸۸/۵/۳ دامت برکاتهم

پس از سلام و تحیت و آرزوی سلامتی و توفیق بیشتر برای شما عزیزانی که با احساس وظیفه شرعی و ملی گوشه‌ای از حوادث تلخ و مظالم جاری را متذکر شده بودید، یادآور می‌شوم:

این جانب نیز مانند شما آقایان از اوضاع جاری و بحرانی کنونی که در اثر ندانم‌کاری و بی‌تدبیری بعضی از مسئولین برای جمهوری اسلامی پیش آمده سخت نگرانم، و آنچه را وظیفه شرعی و ملی خود تشخیص می‌دادم در پیام‌ها و نوشته‌های قبلی تذکر داده‌ام و الان نیز متذکر می‌شوم که:

حاکمیت تاکنون چه نفعی از بحرانی که به وجود آورد برده است؟ جز اینکه اکثریت قاطع مردم عزیز را ناراضی و خشمگین نموده و فاصله خود را با آنان بیش از پیش کرده و جایگاه نظام جمهوری اسلامی را در دنیا ضعیف نمود و حساسیت و بدبینی بسیاری از مردم کشورهای دیگر و سازمانهای جهانی حقوق بشر را بیش از پیش برانگیخته است؟

[از تجربه حکومت شاه و سایر رژیم‌های استبدادی درس نگرفته‌اند]

تصمیم‌گیرندگان حوادث و فجایع اخیر آیا تجربه حکومت شاه و سایر رژیم‌های استبدادی را از یاد برده‌اند؟ مگر رژیم شاه با ایجاد خفقان و رعب و سرکوب آزادی‌خواهان و سانسور رسانه‌ها و زندانی و شکنجه نمودن فعالان سیاسی و معترضین و اعتراف‌گیری از آنان و پرونده سازی و تبلیغات دروغ توانست در مقابل موج اعتراضات و ناراضی‌های مردم مقاومت کند؟

[مشروعیت نظام را زیر سؤال برده‌اند]

چرا عقلای قوم کارها را به دست یک عده افراد نامتعادل و اسیر توهمات و تمایلات خطی و گروهی داده‌اند، تا همه چیز و از جمله مشروعیت نظامی که تاکنون برای آن همه سرمایه گذاری شده است را زیر سؤال ببرند و زمینه بدبینی و بی‌اعتقادی به اصل اسلام و انقلاب را بین نسل جوان تقویت نمایند و آنان را نسبت به حاکمیت دینی متزلزل سازند؟

[نظامیان را به برادرکشی واداشته‌اند]

چرا نیروهای نظامی و انتظامی و بسیج را به برادرکشی و سرکوب مردم وامی‌دارند؟ آیا هدف از تشکیل سپاه و بسیج برای برادرکشی و سرکوب مردم بود؟ عزیزانی که اکنون در زندان‌ها اسیر هستند و از آنان با زور و شکنجه اعتراف و مصاحبه می‌گیرند و هر روز جنازه یکی از آن عزیزان را به خانواده‌ها تحویل می‌دهند چه گناهی کرده‌اند؟ جز اینکه به تخلفات عدیده و تقلب در انتخابات به طور مسالمت‌آمیز و آرام اعتراض داشتند و خواستار احقاق حقوق از دست رفته خود بودند؟

[اعتراف‌گیری‌های تحت زور و شکنجه جرم و آمرین و عاملین آن

باید مجازات شوند]

این‌گونه اعترافات هیچ مبنای شرعی و قانونی ندارد و آمرین و عاملین آن مرتکب جرمی بزرگ شده‌اند و باید در دادگاهی عادل و بی‌طرف و علنی محاکمه شوند تا مردم واقعاً احساس کنند به حقوقشان توجه شده است و به آینده امیدوار شوند، نه اینکه در صدد اغفال مردم باشند و مثلاً با تعطیلی یک بازداشتگاه تمام گناه را به گردن یک ساختمان بیندازند.

این جانب مجدداً به تصمیم‌گیرندگان تذکر و هشدار می‌دهم تا بحران کنونی عمیق‌تر نشده و رشته کارها از دست آنان خارج نگشته، عقل و شرع و منطق را حکم قرار دهند و موجبات و عوامل این بحران و نارضایتی مردم را از بین ببرند و عملاً پاسخی معقول و قانع‌کننده به مردم بدهند، و توجه داشته باشند که مردم ایران بسیار فهیم و دانا هستند و اگر خطاکاران واقعاً مجازات نشوند قانع نمی‌شوند.

در خاتمه سلامتی شما عزیزان و مجد و عظمت اسلام عزیز و ملت شریف ایران و توانایی برای احقاق حقوق تضییع شده و آزادی زندانیان حوادث اخیر که به اتهام‌های واهی دستگیر شده‌اند را از خداوند قادر متعال مسألت دارم.
والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

۱۳۸۸/۵/۷

حسینعلی منتظری

پیام در اعتراض به دادگاههای فرمایشی

۱۳۸۸/۵/۱۳

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

﴿ والمؤمنون والمؤمنات بعضهم اولياء بعض يأمرون بالمعروف

و ينهون عن المنكر ﴾ (سورة توبه، آیه ۷)

[اقرارگیری هایی که سالهاست رایج شده، غیرقانونی، جرم

و از منکرات بزرگ است]

با کمال تعجب و تأسف، مردم عزیز و زجرکشیده ما این روزها ناباورانه شاهد پخش غیر شرعی و غیر قانونی و غیر اخلاقی مصاحبه اسیران و عزیزان دربندشان می باشند؛ عزیزانی که بیش از چهل روز است محبوسند و از بین آنان تعدادی هم مظلومانه به شهادت رسیده اند. این جانب در پیام های قبلی یادآور شدم: این گونه اقرارها و اعتراف گیری ها که متأسفانه سالهاست در جمهوری اسلامی رائج شده و در زندان های غیر قانونی و در شرایط کاملاً غیر عادی و با فریب و تهدید زندانی و قطع نمودن رابطه او با واقعیت های جامعه و با وارد نمودن فشارهای روحی و جسمی گرفته می شود، به کلی فاقد وجاهت شرعی و قانونی بوده و از منکرات و گناهان بزرگ به حساب می آید؛ و از نظر شرعی و قانونی جرم قطعی خواهد بود که مباشران و متصدیان و آمران آنها باید محاکمه و تعزیر شوند، و از طرفی هیچ محکمه صالحی نباید و نمی تواند کسی را بر اساس این گونه اعترافات و مصاحبه ها محکوم به حکمی نماید. از امام صادق علیه السلام نقل شده که حضرت امیر علیه السلام فرمودند: «هر کس با

تهدید و تخویف و یا در زندان به چیزی اقرار نماید نباید بر او حدّی جاری شود» (وسائل الشیعة، کتاب الحدود)، و در روایت دیگر نقل شده که آن حضرت فرمودند: «هرکس در اثر ترساندن یا ضرب و کتک و یا در زندان به کاری که موجب حدّ است اقرار نماید نباید آن حدّ بر او جاری شود» (دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۴۶۶)؛ و به استناد همین روایات است که همه فقهای شیعه اقرار و اعتراف با زور و تهدید و در شرایط غیر عادی را حتی علیه خود متهم شرعاً حجت و نافذ نمی دانند. علاوه بر آن شکستن شخصیت‌های سابقه دار و مؤثر در انقلاب و تشکیل نظام به بهانه‌های واهی و ناجوانمردانه خود یکی دیگر از گناهان کبیره است که آمران و عاملان آن را گرفتار وضعیتی خواهد کرد که بی تردید دامن خود آنها را هم خواهد گرفت. مردم می پرسند این چه نظامی است که مسئولین بلندپایه قبلی آن در دولت و مجلس و غیره که بسیاری از آنان در تشکیل نظام نقش مؤثر داشته‌اند، به خیانت به کشور متهم می شوند؟!

[حقوق تضییع شده مردم در انتخابات را جبران کنید]

این جانب از باب امر به معروف و نهی از منکر و از باب خیرخواهی و نصیحت، مجدداً به تصمیم‌گیرندگان و دست‌اندرکاران امور تذکر می‌دهم و از آنان می‌خواهم کاری بکنند تا حقوق تضییع شده مردم در انتخابات جبران شود و اعتماد از دست رفته برگردد و کاری کنند تا مردم راضی شوند، نه اینکه پس از سرکوب آنان و زندانی نمودن صدها نفر از مردم معترض، اقدام به انجام منکر دیگری کرده و افراد و شخصیت‌هایی که به خدمتگزاری به انقلاب و نظام و مردم شناخته شده‌اند و هر کدام سالها در مسئولیت‌های حساس خدمت نموده‌اند را زندانی نموده و آنان را در شرایطی قرار دهند تا مجبور شوند در دادگاه نمایشی و فرمایشی برخلاف عقائد و افکار خود و مطابق میل حاکمان صحبت کنند و به نفاق و خیانت و به گناهان نکرده‌ای اعتراف نمایند که هیچ سنخیتی با آنان ندارد و هیچ انسان عاقلی آن را قبول نمی‌کند؟

چرا کاری می‌کنند تا مردم دادگاههای آنها را با دادگاههای استالین و صدام و سایر دیکتاتورها مقایسه نمایند؟ حاکمانی که مدعی تشیع و پیروی از حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌باشند چرا برخلاف دستورات آن حضرت در مورد اقرار و اعتراف در زندان و با تهدید و فشار عمل می‌کنند؟ و چرا چهره اصل دین و مذهب و حاکمیت دینی را زیر سؤال برده و در داخل و خارج خراب و مشوه می‌کنند؟

به یقین انجام این مصاحبه‌ها و گرفتن این اعترافات دروغ و خلاف واقع از اسیران در بند و پنخس آنها علاوه بر اینکه هیچ مشکلی از مشکلات عدیده کشور را حل نمی‌کند، بی‌اعتمادی مردم و خشم و عصبان آنان را بیش از پیش در پی دارد و بحران کنونی جمهوری اسلامی را عمیق‌تر خواهد کرد و جایگاه آن را در دنیا ضعیف‌تر از پیش می‌سازد.

[کشور متعلق به مردم است و آنها حق تجمع آرام و ابراز نظرات از رسانه‌ها را دارند]

بر حسب قانون اساسی، کشور متعلق به همه مردم است و آنان حق دارند به وسیله تجمعات آرام و جرائد و حتی رادیو و تلویزیون نظرات خویش را ابراز نمایند. چرا رادیو و تلویزیون فقط در اختیار حاکمیت است؟ و چرا تجمعات آرام و متین مردم، چماق و بازداشت و شکنجه و محاکمات کذایی را در پی دارد؟

در خاتمه این جانب ضمن اظهار همدردی با خانواده‌های داغدار و مصیبت‌زده که جوانان عزیز خود را در حوادث بعد از انتخابات از دست دادند، با قلبی محزون دیگر بار به آنان تسلیت می‌گویم و از خداوند بزرگ برای آن عزیزان مغفرت و رحمت الهی، و برای خانواده‌ها و بازماندگان معزز آنان صبر جمیل و اجر جزیل و برای همه زندانیان حوادث اخیر آزادی فوری، و برای متصدیان امور تنبه و بیداری و انعطاف و اعتذار از ملت عزیز را مسألت می‌نمایم.

والسلام علی عباد الله الصالحین و رحمة الله و برکاته.

پیام به مناسبت درگذشت آقای حاج حسن مهرآبادی

۱۳۸۸/۵/۱۴

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

﴿ انا لله و انا اليه راجعون ﴾

والده محترمه و خانواده و فرزندان مرحوم مغفور، مومن متعهد، بنده صالح خدا، آقای حاج حسن مهرآبادی رحمه الله عليه با کمال تأسف خبر ناگوار درگذشت ایشان را دریافت و بسیار متأثر شدم. این جانب این مصیبت را به شما و همه بازماندگان و علاقه مندان محترم تسلیت می گویم. و از خداوند کریم رحیم برای ایشان رحمت و اسعه الهی و حشر با ائمه طاهرين - سلام الله عليهم اجمعين - و برای شما و همه بازماندگان و متعلقین صبر جمیل و اجر جزیل و سلامت مسألت می نمایم. مرگ برای همه ما حق است. همان گونه که در قرآن کریم در خطاب به عقل کل و خاتم رسل می خوانیم: ﴿انک میت و انهم میتون﴾. پس خوشا به حال کسانی که از مشاهده این گونه صحنه ها متنبه می شوند و در اداء دیون الهی و حقوق مردمی کوشش می نمایند. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

۱۳ شعبان ۱۴۳۰ - ۱۳۸۸/۵/۱۴

حسینعلی منتظری

پاسخ به نامه ۲۹۳ نفر از روشنفکران و نخبگان

۱۳۸۸/۶/۴

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

﴿ انما يوفى الصابرون اجرهم بغير حساب ﴾

حضور محترم برادران و خواهران عزیز، روشنفکران و نخبگان محترم

[حاکمان، چشم و گوش خود را بسته‌اند]

پس از سلام و تحیت؛ در رابطه با نامه ارسالی مورخ ۸۸/۶/۱ آن عزیزان، ضمن قدردانی و ارج نهادن به ایثارگری و شهامت و پایداری شما و ملت بزرگوار و عزیز ایران، معروض می‌دارم که اینجانب بارها تذکرات و پیشنهادهایی را برای بیرون رفتن از این بحران ویرانگر ارائه نموده‌ام، ولی ظاهراً حضرات برای رسیدن به مقاصد دنیوی خویش چنان چشم و گوش و دل بر حقایق بسته‌اند که نه می‌بینند و نه می‌شنوند، ولی از آنجا که هنوز مبارزات با رژیم گذشته در اذهان بسیاری از افراد زنده است و در میان سردمداران حکومتی بعضاً کسانی هستند که خود طعم شکنجه و زندان و... را چشیده‌اند اینجانب هنوز ناامید نیستم و امیدوارم تا کاملاً دیر نشده مسئولین امر به خود آیند و بیش از این وجهه نظام جمهوری اسلامی را در بین توده‌های زجر کشیده و سیلی خورده ایران و در سطح جهانی خدشه‌دار نکنند و موجب سقوط خود و نظام نگردند.

[اسلام دین آزادی عقیده، بیان و برهان است]

دین اسلام، دین کامل الهی است و در آن آزادی عقیده و بیان چنان روشن و واضح است که قرآن کریم در مورد اصل پذیرش دین می‌فرماید: ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ﴾ یعنی زور و اجباری در پذیرش دین نیست؛ و باید پذیرفتن اصول دین با استدلال و برهان باشد. و سیره و روش رسول خدا ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام نیز این گونه بوده که مردم در کمال آزادی و بدون لکنت زبان و بدون هیچگونه ترس و واهمه‌ای درباره مسائل انتقاد و اظهارنظر نمایند. بزرگترین ستم و ظلم به اسلام عزیز رفتار مستبدانه با مردم تحت عنوان حکومت دینی و اسلامی است.

[شجاعت کنید و اعلام نمایید حکومت نه جمهوری است نه اسلامی

و کسی حق انتقاد ندارد]

امیدوارم مسئولین امر از این راه انحرافی که در پیش گرفته‌اند دست برداشته و حقوق از دست رفته مردم را استیفا نمایند، خسارات را جبران نموده و بیگناهان را بیش از این در زندان نگه ندارند، و با پایان دادن به سناریوهای نمایشی دادگاهها و پخش اعترافات آنچنانی بیش از این قضاء اسلامی را مسخره نکنند؛ و یا لااقل شجاعت این را داشته باشند که اعلام کنند این حکومت نه جمهوری است و نه اسلامی و هیچ کس هم حق اعتراض و اظهارنظر و انتقاد ندارد.

امیدوارم خداوند کریم در این ماه مبارک رمضان همه ما را از کجروی‌ها باز داشته و مشمول هدایت‌های مستمر خویش قرار دهد.
والسلام علیکم ورحمة اللّٰه وبرکاته.

۴ شهریور ماه ۱۳۸۸

قم المقدسة - حسینعلی منتظری

دیدار دانشجویان عضو شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت

۱۳۸۸/۶/۱۴

دانشجویان عضو شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت با آیت الله العظمی منتظری دیدار و گفتگو کردند.

در این دیدار ابتدا دو نفر از دانشجویان ضمن تشکر از معظم له عنوان کردند:

به مناسبت قرار گرفتن در آستانه سال تحصیلی جدید دانشگاهها، این توفیق بود که امسال هم طبق معمول هر سال خدمت برسیم، با این تفاوت که معمولاً در سالهای گذشته اول مهر فضا را بازتر می گذاشتند و فشارها علیه دانشجویان فعال کمتر بود، ولی امسال متأسفانه از همین حالا سخت گیریها را شروع کرده اند؛ و حتی تلاش داشتند که با مراجع معظم تقلید تماس گرفته نشود، ولی علیرغم میل آقایان این کار انجام شد و خدمت رسیدیم.

متأسفانه مسأله حمله وحشیانه به کوی دانشگاه هم فراموش شد و با اینکه از حمله سال ۱۳۷۸ بسیار فحیح تر و شدیدتر بود ولی در مقایسه با جریانات دیگر تحت الشعاع قرار گرفت.

به هر حال از جناب عالی تشکر می کنیم که در دفاع از حقوق مردم یک لحظه سکوت نکردید؛ و حقیقتاً اگر آیندگان بخواهند قضاوت کنند که دینداران واقعی از حقوق مردم دفاع کردند، حتماً اقدامات حضرت عالی در رابطه با حوادث اخیر مثال زدنی خواهد بود.

متأسفانه مسئولین امورکاری کرده اند که بسیاری از جوانان افسوس حکومت پهلوی را می خورند، و همان طور که فرموده اید از این حکومت نه جمهوری باقی مانده و نه اسلامی.

در این جمع ما، تعدادی از دانشجویان از تحصیل محروم شده و ستاره دار هستند، ولی همچنان به فعالیت های سیاسی و وظایفی که به عنوان یک دانشجو بر عهده دارند ادامه می دهند، و مراجعی که در برابر ضایع کردن حقوق مردم ایستادگی می کنند تکیه گاه ما جوانان هستند.

سپس آیت‌الله منتظری طی سخنانی فرمودند:

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

[«تواصی بالحق» زندان اوین را به دنبال دارد و صبر می‌طلبد]

من از شما عزیزان تشکر می‌کنم که نسبت به امور بی‌تفاوت نیستید و انجام وظیفه می‌کنید. امر به معروف و نهی از منکر یک وظیفه همگانی است. در قرآن کریم می‌خوانیم: ﴿والعصر ان الانسان لفي خسر الا الذين آمنوا و عملوا الصالحات﴾ آیا این ایمان و عمل صالح کافی است؟ قرآن می‌فرماید: نه، ﴿و تواصوا بالحق﴾ یعنی همه باید یکدیگر را سفارش به حق کنند. خوب این سفارش به حق زندان اوین و محرومیت‌های متعدد را به دنبال دارد؛ برای همین می‌فرماید: ﴿و تواصوا بالصبر﴾ همدیگر را به بردباری و صبر و استقامت دعوت کنند.

[محرومیت از تحصیل ظلم بزرگی است]

البته اگر خوب هم درس بخوانید آینده متعلق به شما خواهد بود. و محروم کردن دانشجویان از تحصیل ظلم بزرگی است. خداوند در سوره فاطر پس از ذکر علوم می‌مانند انسان شناسی، جانورشناسی، گیاه شناسی، معدن شناسی و علوم دیگر می‌فرماید: ﴿انما یخشی الله من عباده العلماء﴾ یعنی خداوند در نظر عالمان دارای خشیت و بزرگی است. و مقصود از علما در این آیه آقایان دانشگاہیان است؛ یعنی کسانی که با این علوم فوق ارتباط دارند. خلاصه اینکه علاوه بر بی‌تفاوت نبودن و انجام وظیفه کردن درس خوب بخوانید.

[منظور از نظام یک شخص نیست]

متأسفانه الان بعضی‌ها منظورشان از نظام یک شخص است؛ در حالی که این درست نیست؛ حفظ نظام حفظ شخص نیست، بلکه مقصود آن است که نظام باید

باشد تا دستورات اسلام اجرا شود، ولی متأسفانه به نام اسلام افراد را بازداشت می‌کنند و تحت فشار از آنها اعترافات بی‌اساس می‌گیرند که اینها همه بر خلاف اسلام است.

[شخصیت‌های انقلاب در زندانند]

خیلی از شخصیت‌هایی که در پیروزی انقلاب نقش داشتند و الان هم انقلابی‌اند متأسفانه در زندان هستند. این اعتراف‌گیری‌ها همه بر خلاف اسلام است. دستورات اسلام را زیر پا می‌گذارند و می‌گویند برای حفظ نظام است؛ در حالی که امام خمینی علیه السلام فرمودند: ملاک رأی ملت است؛ الان صریحاً می‌گویند ملاک رأی یک نفر است، و این برخلاف موازین است.

قرآن کریم می‌فرماید: ﴿المؤمنون والمؤمنات بعضهم اولیاء بعض یا مرون بالمعروف وینهون عن المنکر﴾ همه نسبت به یکدیگر ولایت دارند، یعنی همه حق دارند و باید امر به معروف و نهی از منکر کنند.

[نسبت به زندانیان بی‌تفاوت نباشید]

الان انحرافی پیش آمده که همه باید امر به معروف و نهی از منکر کنند و جلوی این انحرافات را بگیرند. بیگناهی در زندان هستند که این ظلم بزرگی است و باید نسبت به آن بی‌تفاوت نباشیم.

ان شاء الله صابر و بردبار باشید و خدا اجرتان دهد.

اللهم اصلح کل فاسد من امور المسلمین.

۱۳۸۸/۶/۱۴

دفتر آیت‌الله العظمی منتظری

پیام به مراجع عظام تقلید، علماء و حوزه‌های علمیه

۱۳۸۸/۶/۲۲

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

عن رسول الله ﷺ: «إذا ظهرت البدع في امتي فليظهر العالم علمه...»

(الكافي، ج ۱، ص ۵۴)

حضرات مراجع عظام تقلید و علمای اعلام قم، نجف، مشهد مقدس، تهران، اصفهان، تبریز، شیراز و سایر بلاد اسلامی دامت برکاتهم پس از سلام و تحیت، این جانب با توجه به شرایط جاری در کشور و مظالمی که هر روز شاهد آن هستیم و کارهای خلافی که به نام دین و مذهب تشیع انجام می‌شود شرعاً خود را موظف می‌دانم از روی خیرخواهی و احساس خطر جدی نسبت به مصالح دین و کشور، و از باب ﴿و ذکر فان الذکری تنفع المومنین﴾ اموری را یادآور شوم:

[هدف از انقلاب اسلامی تغییر رسم‌ها بود نه اسم‌ها]

۱- همه می‌دانیم که انقلاب ما یک انقلاب دینی و ارزشی بود و هدف اصلی از آن با تحمل آن همه مصیبت‌ها، سختی‌ها، تبعیدها، زندان‌ها و شکنجه‌ها، تنها تغییر اشخاص حقیقی حاکمیت و تغییر صوری در بعضی امور جزئی نبود؛ بلکه مقصود حاکمیتی بود که در تمام عرصه‌ها به عقائد، اخلاق و احکام شرع مبین پایبند بوده و معتقد و عامل به آنها باشد؛ و در پرتو آن حاکمیت، ایمان، مکارم اخلاق، عدالت و

آزادی از استبداد و خفقان، محقق شده، حقوق اقشار مختلف مردم تأمین گردیده و مظالم و تجاوز به حقوق آنان ریشه کن شود، و ملت ما از این جهات احساس راحتی و آسایش نماید و در مقابل سایر ملتها سربلند و الگوی تحقق عدالت، عزت، کرامت و ارزشهای انسانی باشد. هدف این نبود که فقط نام و نشان و شعارها تغییر کند ولی عملاً همان مظالم و انحرافات رژیم گذشته و تجاوزات به حقوق به شکل دیگری به عنوان حاکمیت دینی و ولایت فقیه جریان پیدا کند.

[نظام موجود، ولایت نظامیان است نه ولایت فقیه]

این جانب که همه می‌دانند مدافع سرسخت حاکمیت دینی و از پایه گذاران ولایت فقیه - البته نه به شکل مرسوم فعلی، بلکه به گونه‌ای که مردم او را انتخاب نمایند و بر کارهای او نظارت داشته باشند - بوده‌ام و در راه تحقق آن در بعد علمی و عملی تلاش زیادی نموده‌ام، اکنون در مقابل مردم آگاه ایران به خاطر ستم‌هایی که تحت این نام و عنوان بر آنان می‌رود احساس شرمندگی کرده و خودم را در پیشگاه خداوند بزرگ مسئول و در مقابل خون‌های ریخته شده شهدای عزیز و تجاوزات به حقوق مردم بیگناه مورد عتاب می‌بینم. بسیاری از افراد با سابقه در انقلاب از طریق نامه، ایمیل و یا حضورا به من می‌گویند: حاکمیت دینی که شما وعده آن را به مردم می‌دادید و ولایت فقیه را مجری آن می‌دانستید و می‌خواستید آن را به پا دارید همین است که امروز ما آن را مشاهده می‌کنیم؟ در حالی که آنچه مشاهده می‌شود در واقع حکومت ولایت نظامی است نه ولایت فقیه.

[مراجع و علما، پناهگاه مردم در مقابل تجاوزات حکومت‌ها]

۲- حضرات مراجع و علمای اعلام، خوب می‌دانند که در طول تاریخ پیوسته آنان ملجأ و پناهگاه مردم در مقابل تجاوزات و مظالم حکومت‌ها بوده‌اند، و این افتخار را

داشته‌اند که در مقابل حکومت‌های جائر و در کنار مردم و مدافع شریعت و حقوق اقشار ستم دیده باشند و در این راه صدمات و محرومیت‌هایی را متحمل شده‌اند. جزاهم الله عن الاسلام خیر الجزاء.

البته پس از پیروزی انقلاب، متأسفانه این سابقه درخشان و نورانی به واسطه اعمال خلافی که در حکومت انجام گرفت و چه بسا روحانیت هم در آن نقش نداشت ولی به علت کوتاهی در نهی از منکر در معرض تحول و خطر جدی قرار گرفت و با دور شدن از اخلاق و گاه در عمل با تحکیم تئوری «هدف وسیله را توجیه می‌کند» انحراف در مسیر انقلاب و دور شدن از اهداف اولیه آن، آغاز و این خطر جدی تر شد تا آنجا که امروز با تأسف باید گفت به پایگاه معنوی و مردمی روحانیت و مرجعیت و به تبع آن به اسلام و مذهب که به طور سنتی متکی به روحانیت و عجمین با آن بوده و از آن راه ترویج می‌گردیده، ضربه زیادی وارد شده است که معلوم نیست چگونه و چه زمانی قابل جبران می‌باشد!

عجمین بودن مذهب و عالمان و متخصصان دینی که امری مقبول و معقول و مورد تأیید مردم مسلمان است موجب شده است که هر آسیب وارد بر روحانیت، قهراً متوجه اسلام و مذهب نیز باشد.

[مبارزه بابدعت‌ها و امر به معروف و نهی از منکر برای جلوگیری از سلطه اشراک]

وظیفه مراجع و روحانیت

در چنین وضعیتی مسئولیت مراجع محترم و روحانیت شیعه سنگین تر خواهد بود؛ زیرا علاوه بر وظایف عمومی آنان که لازمه رشته تخصصی آنان و توجه مردم به روحانیت و مرجعیت است، وظیفه دفاع از حیثیت مذهب و تطهیر دامن آن از کارهای خلافی که حاکمیت به نام مذهب انجام داده و می‌دهد نیز بر عهده آنان خواهد بود؛ زیرا کارهای خلاف شرعی که خلاف اهداف اولیه انقلاب هم می‌باشد و به نام

دین و مذهب انجام می‌گیرد از مصادیق بارز بدعت است. بدعت منحصر به تشریح و وارد کردن رسمی حکم غیر دینی در دین نیست، بلکه شامل هر کار خلاف شرعی که به نام شرع و مذهب انجام گردد نیز خواهد بود.

در آیه ۷۱ سوره توبه می‌خوانیم: ﴿والمؤمنون والمؤمنات بعضهم اولیاء بعض، یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر﴾ به مقتضای جمع محلی به الف و لام استغراق، همه مومنین و مومنات نسبت به یکدیگر در حد امر به معروف و نهی از منکر ولایت دارند؛ پس علماء اعلام به طریق اولی دارای این ولایت می‌باشند و نباید ساکت باشند. و در وصیت مولا امیرالمومنین علیه السلام می‌خوانیم: «لا تتركوا الامر بالمعروف والنهی عن المنکر فیولی علیکم شرارکم ثم تدعون فلا یستجاب لکم» (نهج البلاغه، نامه ۴۷) ترک امر به معروف و نهی از منکر و بی تفاوت بودن مردم در برابر کارهای خلاف، طبعاً موجب سلطه اشراک است و دعاء فقط دردی را دوا نمی‌کند.

۳- با توجه به آنچه گفته شد متذکر می‌شوم: حوادث و فجایع ماههای اخیر که پس از انتخابات ریاست جمهوری در کشور و در مرئی و مسمع حضرات مراجع و علمای محترم رخ داد زنگ خطری است برای روحانیت و مرجعیت.

[سرکوب مردم به نام دین]

در این حوادث حق‌کشی‌ها، ظلم‌ها، تخلفات فراوان به نام دین و با تأیید بخش اندکی از روحانیون حکومتی و وابسته انجام شد و به دنبال آن، اقشار وسیعی از مردم معترض طبق حق شرعی و قانونی و بر اساس اصل بیست و هفتم قانون اساسی با انتخاب مسالمت‌آمیزترین راه، اعتراض خود را به حاکمیت ابلاغ کردند و حاکمیت به جای اینکه به ندای حق طلبانه مردم پاسخ مثبت و معقول دهد و درصدد تأمین حقوق تضییع شده آنان برآید جمعیت چند میلیونی را آشوبگر و اغتشاشگر و عوامل بیگانه نامید و به بدترین وضع و با خشونت کامل مردان و زنان بی‌دفاع را مورد ضرب

و شتم و سرکوب قرار داد و عده زیادی را بازداشت و گروهی را در خیابانها و عده‌ای را در زندان‌های مخوف به شهادت رساند.

عجب اینکه حاکمیت با تکیه بر نیروی نظامی و انتظامی و کشیدن اسلحه بر روی مردم بی‌پناه و بی‌سلاح آنان را شهید و یا زندانی نموده ولی در نهایت مردم را محارب نامیدند. خود بحران ایجاد کرده و نظام را به مخاطره انداخته ولی مردم و پایه‌گذاران نظام را اغتشاشگر و مخالف نظام می‌نامند.

بازداشت‌ها، اعتراف‌گیری‌ها، دادگاههای فرمایشی و انواع فشارهای دیگر

موجب تخریب اعتقاد مردم]

همزمان با سرکوب مردم، تعدادی از فعالان سیاسی و نخبگان کشور که هر کدام از آنان سال‌ها در جمهوری اسلامی خدمات با ارزشی داشته‌اند را بازداشت و با طرح‌های از پیش تعیین شده بر خلاف شرع و قانون، شروع به پرونده سازی و گرفتن اعترافات دروغ و سپس نمایش آنها در دادگاههای فرمایشی غیر شرعی و غیر قانونی نموده و در نتیجه آئین قضایی اسلام را مورد مسخره جهانیان قرار داده است؛ و به جای مجازات جدی آمران و عاملان آن همه جنایت، فقط با وعده دادن مجازات آنان، همچون وعده بر مجازات آمران و عاملان قتل‌های زنجیره‌ای، به بازداشت افراد خدمتگزار دیگر و فشار بر دو کاندیدای محترم حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ مهدی کروی و جناب آقای مهندس میرحسین موسوی - دام‌توفیقهما و حفظهما الله تعالی - و بستن دفاتر و روزنامه‌های آنان و بازداشت همفکران و همکاران معزز آنان و متهم نمودن افراد صدیق و خدوم در رسانه‌های وابسته حکومتی نموده و حتی از جایگاه مقدس نماز جمعه به امور واهی و دروغ همچنان ادامه می‌دهند که نهایت این روند موجب تخریب بیشتر اعتقاد مردم به روحانیت و مرجعیت شیعه و اسلام عزیز خواهد شد.

[انتظار بزرگ مردم از مراجع و علما در این شرایط خطیر]

در چنین شرایطی است که مردم مسلمان ما از امثال حضرات مراجع و علمای محترم و این حقیر انتظاراتی دارند که با توجه به وظیفه سنگینی که شریعت مقدسه بر دوش عالمان دینی قرار داده است و نیز مسئولیت سستی و تاریخی مرجعیت و روحانیت انتظار بجایی است. مردم می‌گویند: این ظلم‌ها و حق‌کشی‌ها و بدعت‌ها اگر خلاف اسلام است، چرا مراجع محترم و علمای دین که حافظ دین و مذهب و حصن اسلام و شریعت و مدافع حقوق مردم و مبین احکام شریعت و از جمله امر به معروف و نهی از منکر و اظهار مخالفت با خلاف‌ها و بدعت‌ها هستند، در مقابل این همه بدعت‌ها و کارهای خلافی که به نام دین و مذهب انجام می‌شود به پیروی از دستور پیامبر اسلام ﷺ اظهار علم و مخالفت صریح با بدعت‌ها نمی‌کنند؟ و آیا این همه مظالم و حق‌کشی‌ها و جنایات از بیرون آوردن خلخال از پای یک زن یهودی توسط سربازان معاویه کمتر است که مولای متقیان حضرت علی ع فرمود: اگر مرد مسلمانی از غصه آن بمیرد نباید ملامت شود؟! (نهج البلاغه، خطبه ۲۷). به یقین حضرات مراجع و علمای محترم قلباً از این منکراتی که به نام دین و مذهب انجام می‌شود نگران و ناراحت می‌باشند و بعضاً اقداماتی نیز نموده‌اند، اما آیا با توجه به مفاد حدیث شریف نبوی که اظهار علم را واجب دانسته، این مقدار کفایت می‌کند؟

[سکوت مراجع در برابر ظلم به مردم به نام دین جایز نیست]

۴- حضرات مراجع محترم به قدرت و نفوذ کلام خود در حاکمیت توجه دارند و خوب می‌دانند که حاکمیت در حفظ مشروعیت خود به آنان نیاز دارد و از این رو اینک آنان را هر چند به حسب ظاهر به رسمیت می‌شناسد و از آنان ترویج می‌کند، و نیز می‌دانند که حاکمیت از سکوت آن حضرات در قبال کارهای خلاف خود

بهره‌برداری می‌کند، پس آیا سزاوار است در امور مهمه‌ای که به حیثیت و آبروی دین و مذهب و تأمین حقوق اقشار عظیمی از مردم و نیز دینداری و حفظ اعتقادات مذهبی جوانان مربوط است سکوت کرده به نحوی که بین مردم چنین تلقی شود که خدای ناکرده مراجع و روحانیت موافق و موید کارهای خلافی هستند که به گوشه‌ای از آنها اشاره شد؟

[امید به اصلاح با همفکری مراجع، معترضان و نمایندگان عاقل و امین نظام]

در خاتمه یادآور می‌شوم: این جانب هنوز از اصلاح امور مایوس نشده‌ام و به نظر می‌رسد مراجع عظام تقلید می‌توانند ترتیبی دهند تا با راهنمایی و ارشاد آنان و با همفکری با دو کاندیدای محترم ریاست جمهوری و نمایندگان عاقل و معتدل و کارشناس متدین و امین از طرف نظام، راههای برون رفت از این بحران بزرگ را که برای جمهوری اسلامی و مشروعیت آن پیش آمده است بررسی کرده تا آنچه را مصلحت دیدند صادقانه با اشراف حضرات مراجع مورد عمل قرار گیرد. و بالاخره حاکمان، سیاست یک بام و دو هوا و به کیش خود خواندن و طرد کردن دیگران را نه به‌طور موقت، بلکه برای همیشه رها کنند و مردم را که صاحبان اصلی حکومتند از روی صدق و به دور از شعار ارج نهند و آراء آنان را مورد نظر و عمل قرار دهند و اسلامیت و جمهوریت حقیقی و عدالت واقعی را اجرا نمایند. برای انسان اقرار به اشتباه ننگ نیست، زیر بار حق نرفتن ننگ است.

عظمت اسلام و مسلمین و عزت و کرامت مردم ایران و سلامتی و توفیق بیشتر شما را از خداوند بزرگ مسألت دارم.

۲۳ رمضان المبارک ۱۴۳۰ - ۱۳۸۸/۶/۲۲

قم المقدسة - حسینعلی منتظری

پاسخ به نامه آقای مهندس میرحسین موسوی

۱۳۸۸/۶/۳۱

متن نامه آقای مهندس میرحسین موسوی:

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی منتظری (دام‌ظله)

با سلام؛ پیرو حوادث چند ماهه اخیر بیانیه ضمیمه از سوی اینجانب صادر شده است. احساس نیازی که همواره برای همفکری و همکاری با مرجعیت گرانقدر و روحانیت متعهد وجود دارد مرا تشویق کرد تا نسخه‌ای از آن را جهت اخذ راهنمایی تقدیم کنم.

اولین هدف در این بیانیه آن است که اگر خشم و نارضایتی در مردم به وجود آمده است آنان تصور نکنند که این احساسات منفی انباشته شده در ضمیرشان متوجه دین است. این رسالتی است که به نظر می‌رسد بر عهده تمامی کسانی که اسلام بر آنان حق حیات دارد و در رأس آنان روحانیت اسلام قرار گرفته باشد تا اجازه ندهند اقشار مختلف، علی‌الخصوص جوانان که اینک اکثریت جامعه ما را نیز شکل می‌دهند میان برداشت‌های نادرست، گزینشی و سطحی از دین و حقیقت آن اشتباه کنند و بر اثر هیجان‌های عاطفی از اسلام فاصله بگیرند.

رسانه‌های دولتی اصرار دارند که ما را مسبب و محرک حوادث این چند ماهه معرفی کنند، حال آن که رفتارهای مسئولان کشور نه فقط در انتخابات، بلکه از سال‌ها پیش هیمة‌هایی را انباشته بود که با خطاهای این ایام شعله‌ور شد و با باد نخوتی که بر آن دمیدند ابعاد این آتش روز به روز توسعه پیدا کرد. اینجانب قطعاً حق را به مردمی می‌دهم که با برخوردهای غیراسلامی، غیرقانونی و غیرمنصفانه حقوقشان پایمال شده است؛ و با استناد به مدارک غیرقابل انکار بدون تردید اعتقاد دارم که در انتخابات تقلب‌های سازمان یافته و وسیع رخ داده است. در عین حال اگر در موجهی که از

خشم مردم برخاسته است احساس خطر برای اصل کشور و اصل نظام نمی‌کردم، برایم سخت نبود که بیست سال دیگر سکوت کنم.

اما این گونه نبود و نیست که مردم با سکوت یا سازش یک نفر دست از حرکت خود بردارند، بلکه پس از مدت کوتاهی بلا تکلیفی به زودی این حرکت از نو و با شکلی کور و در حالی که به هیچ یک از دل‌بستگان به نظام اعتماد نداشت آغاز می‌شد، و چه بسا دیگرانی که برای این کشور و ملت خواب‌های ناگوار دیده‌اند در هدایت آن به سوی منافع و مطامع خود طمع می‌کردند.

هدف دیگر از این بیانیه و نیز بیانیه‌ها و حرکات قبلی این است که تکاپوهای مردم در چهارچوب نظام باقی بماند و در دام ساختارشکنی‌های خطرناک نیفتد. این خطری است که اگر محقق شود به راحتی می‌تواند از ایران افغانستان و عراقی دیگر بسازد. ما نمی‌توانیم برای خوش آمدگسانی که نمی‌توانند این خطر را ببینند وظیفه خود را در پیشگیری از آن فراموش کنیم، کما اینکه نمی‌توانیم بدون اثبات تعهد خود نسبت به خواسته‌های به حق مردم و بازگو کردن آن در گفته‌های خود از آنان دعوتی برای آرامش داشته باشیم.

مرحوم ملا محسن فیض کاشانی در رساله الفت نامه غایت اکثر تکالیف شرعیه را حصول محبت و الفت اجتماعی ذکر می‌کند. نتیجه‌ای که از این محبت و الفت ناشی خواهد شد همان چیزی است که در علوم جدید از آن با عنوان شبکه‌های اجتماعی نام می‌برند، به عنوان راهی برای مهار حکومت و بازداشتن آن از تکرار خطاهایش، و به مثابه روشی که به سرزندگی اجتماعی بینجامد و بستری که توان‌ها و عواطف به هیجان آمده را در بستر خود جای دهد و از سرریزهای تخریب‌کننده آن جلوگیری کند، تقویت شبکه‌های اجتماعی در این بیانیه توصیه شده است. این پیشنهاد می‌توانست بنا بر آن چیزی که فیض می‌فرماید رونویسی از نسخه اسلام تلقی شود، اگر چه کسانی که در بی‌انصافی مبالغه می‌کنند آن را رونویسی از نسخه سیا خوانده‌اند.

و سرانجام در این بیانیه راهکارهایی برای برون رفت از بحران فعلی ارائه شده است که امیدوارم مورد اعتنا قرار گیرند.

۱۳۸۸/۶/۲۱

با احترام - میر حسین موسوی

پاسخ آیت الله العظمی منتظری:

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

[سربلندی مهندس موسوی در آزمایش و ابتلاء]

جناب آقای مهندس میرحسین موسوی دامت توفیقاته

پس از سلام و تحیت؛ نامه مورخ ۱۳۸۸/۶/۲۱ جنابعالی همراه با ضمیمه آن واصل و ملاحظه گردید. شخصیت جنابعالی و تعهدتان نسبت به ارزشهای دینی و اخلاقی و اهداف انقلاب و خدمات ارزنده دولت شما در دوران جنگ تحمیلی و حمایت‌های مکرر مرحوم امام خمینی علیه السلام از شما برای همگان روشن است. در جریان انتخابات ریاست جمهوری اخیر و وقایع و فجایع بعد از آن که شما مورد توجه افشار و سیعی از مردم و نخبگان قرار گرفتید، در حقیقت از آزمایش و ابتلاء بزرگی در پیشگاه خداوند متعال و در مقابل مردم آگاه، سربلند بیرون آمدید؛ و تاکنون در حد امکان و توان خویش از حقوق تضییع شده مردمی که با شرکت در انتخابات ریاست جمهوری افتخار بزرگی را برای کشور آفریدند دفاع نمودید، که جای بسی تقدیر و تشکر دارد.

[تقویت شبکه‌های اجتماعی مطابق با قرآن است و سنگ بنای اصلاح نظام]

امور پیشنهادی ضمیمه نامه جنابعالی که در حقیقت تقویت و فعال نمودن شبکه‌های اجتماعی و نهادهای مردمی است، اموری معقول و سنجیده و مطابق مقتضای حال و شرایط کشور، و نیز مطابق دستور قرآن است که می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا...﴾ (سوره آل عمران، آیه ۲۰۰)؛ اگر با انصاف و به دور از تنگ نظری مورد بررسی قرار گیرد و آنها را عملی سازند و جو

پلیسی و بگیر و ببند کنونی خاتمه یابد، می‌تواند راه مفید و موثری برای برون رفت از بحران کنونی - که در اثر قدرت طلبی و خودخواهی و غرور و ندانم‌کاری‌ها دامنگیر جمهوری اسلامی شده است - باشد و سنگ بنای تحولی مثبت در جهت اصلاح نظام و حفظ آن از خطر فروپاشی و انشقاق و پراکندگی صفوف ملت گردد.

البته توجه دارید راه اصلاحی مذکور که شما در جهت دفاع از حقوق مردم و نجات جمهوری اسلامی از این بحران بزرگ انتخاب کرده‌اید بس دشوار بوده و در معرض فشارها و تهدیدهای بسیاری از ناحیه کسانی است که این بحران را ایجاد کرده‌اند. مطمئن باشید که با اتحاد و صبر و استقامت، خداوند بنا بر وعده خود، راههای هدایت برای پیروزی را به مردم عزیز عنایت می‌فرماید. ﴿والذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا و ان الله لمع المحسنین﴾ (سوره عنکبوت، آیه ۶۹)؛ و از طرفی استقامت در این راه الهی، انسان را محل نزول فرشتگان همراه با بشارت آنان به ایمنی و نداشتن ترس و اندوه می‌سازد. ﴿ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل علیهم الملائکه ان لا تخافوا و لا تحزنوا...﴾ (سوره فصلت، آیه ۳۰).

[دلائل غیرقانونی و غیرشرعی بودن اعتراف‌گیری‌ها و دادگاههای نمایشی]

متأسفانه بعد از انتخابات، عده‌ای از نخبگان و فعالان سیاسی و مطبوعاتی بازداشت شدند و برخلاف شرع و قانون برای اعتراف‌گیری‌های غیر حقیقی و دروغین مورد فشار قرار گرفته و اعترافات بعضی آنان از رسانه‌های عمومی پخش گردید، و این مسلم و بدیهی است که اقرار شخص بر علیه شخص دیگری در چنین شرایطی معتبر و مسموع نیست؛ بلکه آنچه بیشتر مورد تأکید روایات مستفیضه می‌باشد این است که حتی اقرار شخص بر علیه خودش در زیر هرگونه فشار و شکنجه اعم از تهدید، تجرید، حبس، ترس و مانند آن اعتباری نداشته و مسموع

نمی باشد. (وسایل الشیعة، جلد ۱۸، صفحه ۴۹۷ و ۴۹۸؛ و دراسات فی ولایة الفقیه، جلد دوم، صفحه ۳۷۸).

و اجتهاد در مقابل نص این روایات، صحیح نیست؛ و نظر دادن در مقابل آنها بدعتی واضح است، و اصل «اقرار العقلاء علی انفسهم جایز» فقط در شرایط عادی و بدون اعمال زور و فشار نافذ است.

علاوه بر این، در اصل سی و هشتم قانون اساسی آمده است: «هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار و یا سوگند مجاز نیست؛ و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود.» طبق عموم و اطلاق این اصل، هر گونه شکنجه‌ای برای اعتراف‌گیری و کسب اطلاعات مجازات دارد، و اقرارها و اعترافات گرفته شده از این طریق نیز ارزش و اعتباری ندارد.

روشن است که حبس در سلول انفرادی بویژه در دراز مدت که متهم را زیر فشار وادار به اعتراف می‌کند از مصادیق بارز شکنجه است؛ و با اعمال فشار و شکنجه، مخصوصاً به شکل وحشتناکی که در دوره اخیر انجام شده و شرایط غیرعادی که در پی آن وجود دارد، اعترافات متهم حتی بر علیه خودش نیز معتبر و مسموع نیست؛ حتی اگر متهم بارها در آن شرایط و از طریق مصاحبه و میزگرد اعتراف و اعلام کند که خطا کرده و مرتکب اشتباه و جرم شده است، اعترافات مکرر با وجود آن شرایط در بی اعتبار بودن، حکم همان اعتراف اولیه را دارد.

همچنین در اصل سی و نهم قانون اساسی آمده است: «هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است.»

حال چگونه شده است که افراد سرشناسی که سالها برای این نظام خدمت کرده‌اند با اعترافات فاقد ارزش و اعتبار، در معرض دید میلیونها نفر مورد هتک حرمت و

حیثیت قرار گرفته‌اند ولی هیچ کس در قبال این مسأله نه تنها مجازات نمی‌شود بلکه مورد تأیید و تشویق قرار گرفته و اعترافات نیز معتبر شمرده می‌شود؟!

آنچه در این خصوص مشکل را بیشتر کرده و اعترافات را بی‌اعتبارتر می‌کند این است که در سیستم قضایی کنونی کشور، مدعی و طرف دعوا در مقابل متهمان سیاسی که جریان فکری مقابل حاکمیت هستند، خود اعتراف گیران و محاکم قضایی وابسته به حاکمیت است؛ و نزد هیچ عقل سلیمی در هیچ کجای جهان، این گونه اعترافات و نیز حکم و داوری متعاقب آن، کمترین ارزش حقوقی و قضایی را ندارد؛ چون در چنین محکمه‌ای مدعی و قاضی یکی است و فلسفه وجود هیأت منصفه که در اصل ۱۶۸ قانون اساسی آمده است همین است، که متأسفانه به این اصل هم مانند بسیاری از اصول قانون اساسی بی‌توجهی شده و به آن عمل نمی‌شود.

اقدامات اخیر حاکمیت و دادگاههای نمایشی آن علاوه بر اینکه خلاف شرع و خلاف مصالح کشور و اسلامیت و جمهوریت نظام و از بدعت‌های بارز می‌باشد، برخلاف مصلحت دنیوی خود حاکمان که می‌خواهند حکومت و ریاست کنند نیز می‌باشد. حاکمیت اگر به جای سرکوب مردم و ایجاد فجایع اخیر، عقل و شعور سیاسی را حکم قرار داده و به تذکرات بعضی از بزرگان و علماء و مراجع گوش فرا داده بود و یک هیأت بیطرف و مرضی الطرفین را برای رسیدگی به شبهات انتخاباتی تعیین نموده بود، هرگز گرفتار بحران عدم مشروعیت کنونی نمی‌شد. حکومتی که در آن اقشار وسیعی از مردم و نخبگان، ناراضی و در فشار باشند قابل دوام نیست. اگر حکومت کردن با این شیوه و روش و با ایجاد رعب و خفقان و استبداد و سرکوب و پرکردن زندانها از نخبگان و آزادی خواهان و گروههای سیاسی مختلف ممکن بود، رژیم شاه توانسته بود حکومت خود را حفظ کند و هنوز پا برجا بود.

نظامی که تحت لوای اسلام بوده و افتخار شیعه بودن را دارد با انجام چنین اعمالی نه تنها در سطح جهان، بلکه در کشور و در میان توده‌ها و جوانان خودمان نیز موجب

بدینی نسبت به اسلام و دین گشته، و عجز اسلام از تحقق عدالت در جامعه را اعلام می‌کند؛ و متأسفانه تصمیم گیرندگان امور بر این حقیقت روشن چشم بسته‌اند و به مدح مداحان و چاپلوسی تملق گویان - که طبق حدیث پیامبر خدا ﷺ باید خاک بر دهان آنان ریخته شود - دل خوش کرده‌اند.

سلامتی و توفیق جنابعالی را در پیمودن این راه خطیر از خداوند بزرگ مسألت دارم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

۳۱ شهریور ماه ۱۳۸۸ - ۲ شوال ۱۴۳۰

قم المقدسة - حسینعلی منتظری

پاسخ به نامه مجمع زنان اصلاح طلب

۱۳۸۸/۷/۷

متن نامه مجمع زنان اصلاح طلب:

﴿ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ﴾

محضر مبارک حضرت آیت الله العظمی منتظری

با سلام و احترام؛

از آنجاکه سهم علمای دین در مبارزات مردم ایران بر ضد حکومت ستم شاهی و شکل گیری انقلاب اسلامی برکسی پوشیده نیست؛

نظر به اینکه ایران، تنهاکشور شیعی است که به اقتدای مولای متقیان، علی علیه السلام در جهان حکومت می کند و نام علی علیه السلام از مأذنه های آن بلند است و همین امر ایران را پناهگاه شیعیان جهان قرار داده است.

با توجه به اینکه امام خمینی رحمته الله علیه با این اندیشه انقلاب اسلامی ایران را پایه گذاری کردند که در سایه حکومت دینی و به ویژه حکومت شیعی، انسان هایی که در این جامعه زندگی می کنند بتوانند از آرامش و رفاه برخوردار باشند و به تعالی اندیشه و تکامل معنوی خویش بپردازند؛

از آنجاکه مراجع دینی ما در طول تاریخ به عنوان مرجع، ملجاء و پناه جامعه محسوب شده اند و به پیروی از ائمه معصومین علیهم السلام هرگز حاضر به مداهنه، وعاظ سلاطین شدن، ترس و جبن و حمایت از ظلم و ظالم تن نداده اند؛ چون خداوند از آنان پیمان گرفته که در مقابل سیری ظالمان و گرسنگی مظلومان آرام ننشینند، «و لو لا أخذ الله من العلماء ان لا یقاروا علی کظة ظالم و لا سخب مظلوم...».

نظر به اینکه پس از گذشت سی سال از انقلاب اسلامی و زحمات و لطمات زیادی که بر مردم

وارد شد و این مردم برای و به امید آن که شاهد جامعه‌ای توحیدی و عدالت‌گستر باشند، مصائب را تحمل کردند، اما امروز شاهد شرایطی هستیم که نه تنها عدالتی در میان نیست بلکه حرمت و کرامت انسانی مورد هجوم قرار گرفته و جان و آبروی انسان‌ها بی‌مقدار شده، تا جایی که هرکس به خود اجازه می‌دهد که حریم و حرمت و آبروی اشخاص را با ادعاهای واهی مخدوش سازد و به بازی گیرد و جان انسان‌ها بدون دلیل از آنها ستانده می‌شود؛

از آنجا که برخی مقدسات دینی به نام دین مورد هجوم قرار گرفته و بسیاری از منهیات مانند دروغ، تهمت، افترا و غلو در دین به راحتی اشاعه داده می‌شود آن هم توسط اداره‌کنندگان جامعه و رسانه ملی که نقش نخست در تربیت جامعه را دارد و به تعبیر امام خمینی علیه السلام یک دانشگاه است، و با در نظر داشتن این نکته که «الناس علی دین ملوکهم» دیر نیست اگر فرهنگ خدعه و نیرنگ و دروغ به رویه‌ای معمول در جامعه بدل شود و زحمات دینداران برای اصلاح جامعه عملاً بی‌اثر بماند؛

ما جمعی از زنان مسلمان که کوشیده‌ایم دین و آموزه‌های آن را در جان خود نهادینه کنیم و مادران ما با شیر جانشان این آموزه‌ها را به ما منتقل کرده‌اند، به عنوان وظیفه بر خود فرض دانستیم تا آنچه راکه برای حفظ قدرت و حکومت و بر اساس توهمات و ادعاهای واهی بر جامعه می‌گذرد و زنان مسلمان و فرزندان و همسرانشان را مورد بدترین و سخت‌ترین تهمت‌ها و افتراها و بی‌حرمتی‌ها قرار می‌دهد، بازگو کنیم و حجت را بر همه کسانی که فریاد مسلمانی را می‌شنوند تمام کنیم تا مبادا در مقابل این تعرضات و تزییقات ساکت باشند، به ویژه آن‌کسان که علمای دین ما باشند.

اول آنکه؛ ظاهراً در این زمانه باید مرتب اقرار کرد که ما مسلمانیم، ایرانی هستیم، دین و کشور و ملت خود را دوست داریم و برای پیروزی انقلاب اسلامی از سال‌ها قبل از انقلاب زحمات زیادی متحمل شده‌ایم، عزیزترین کسان خود را تقدیم این انقلاب کرده‌ایم و همچنان برای حفظ و بقای آن از هیچ فداکاری فروگذار نمی‌کنیم و به تعبیر امام خمینی علیه السلام نخواهیم گذاشت این انقلاب به دست ناهلان و نامحرمان بیفتد، آنانی که خود را وارث دروغین انقلاب می‌دانند و بر شاخه نشسته و بن می‌برند و این امری است که دیگر بر کسی پوشیده نیست.

دوم آنکه؛ برای جلوگیری از انحرافات که به نام دین و گفتمان امام و انقلاب صورت می‌گیرد اما نه ربطی به دین دارد و نه به انقلاب، به بازگو کردن انحرافات پیش آمده خواهیم پرداخت تا به این وسیله سهم خود را در حفظ دین و انقلاب و اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر انجام داده باشیم.

سوم آنکه؛ از شش ماه مانده به انتخابات ریاست جمهوری دهم با تلاش فراوان و بی وقفه کوشیدیم با گفتگو و اعتمادسازی در جامعه، بسیاری از کسانی که حاضر نبودند پای صندوق‌های رأی بیایند، تشویق و ترغیب به شرکت در انتخابات کنیم؛ اما امروز، ما و نزدیکان ما مورد اتهام کسانی شده‌ایم که حضور میلیونی مردم را به نفع خود مصادره به مطلوب کرده‌اند و مدام تهدید می‌شویم که اگر اعتراض کنید هر چه دیدید از چشم خودتان دیدید. آیا این همان حقیقت جمهوری اسلامی است که ما می‌شناختیم و امام به ما آموخته بود که رأی و انتخاب مردم حرف اول را در تعیین نتیجه دارد؟

چهارم؛ دردآورتر اینکه امروز حیثیت و حرمت زنان مسلمان ما مورد هتک قرار گرفته است، برای دستگیری زنان مسلمان از مردان مأمور استفاده می‌شود، ساعت سه نیمه شبی هشت مرد برای دستگیری زنی جوان در مقابل چشمان همسرش به منزل آنان هجوم آورده‌اند و شوهر را که در مقابل ورود ناگهانی آنان مقاومت کرده با گاز فلفل مسلوب الاختیار کرده‌اند و زن جوان را با خود برده‌اند؛ زمانی دیگر خانواده‌های زندانیان سیاسی برای گرفتن اعتراف از عزیزانشان به شکل غیرشرعی و غیرقانونی به انحاء مختلف تحت فشار قرار می‌گیرند؛ در درون زندان‌ها نیز یکی از اولین تهدیدهای متوجه بازداشت شدگان زن، تهدید به داشتن روابط جنسی نامشروع با دیگران به قصد ارباب و اعتراف گیری است آن هم با چنین تعابیری که اگر اقرار نکنی ابرویت را در صدا و سیما می‌بریم و می‌گوییم که با برخی مردان روابط نامشروع داشته‌ای، و سئوالات مستهجنی مثل اینکه چگونه در حمام غسل می‌کنی؟ و از این دست از آنان داشته‌اند. آیا این همان حکومتی است که قرار بود حاکمان آن به پیروی از علی علیه السلام در مقابل در آوردن خلخالی از پای زنی یهودی جان به جان‌آفرین تسلیم دارند؟

ما زنان مسلمان هیچ تضمینی برای تأمین امنیت خود نداریم و نمی‌دانیم که اگر به دست این نامحرمان و ناهلان بیفتیم چه به روزگارمان خواهد آمد؟ مگر ما حق نداریم از علمای دین خود تظلم خواهی کنیم و یادآور شویم که نباید نسبت به آنچه بر مسلمین می‌رود، بی تفاوت بود؟ شما از زبان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بارها برایمان نقل کرده‌اید که «من أصبح و لم یهتم بأمر المسلمین فلیس بمسلم» و به ما آموخته‌اید که «من سمع ینادی یا للمسلمین و لم یجبه فلیس بمسلم» آیا جوابی برای فریادهای ما هست؟

آنچه امروز بر زنان می‌گذرد، بسیار فراتر از مباحث برخی مراجع دینی است که نسبت به وزارت زنان یا ورود زنان به ورزشگاهها اعتراض دارند. امروز امنیت دینی و اخلاقی زنان مورد تهدید است. زنان مسلمانی که می‌خواهند به جهان نشان دهند که دین اسلام توان پاسخ‌گویی به همه نیازهای بشری را دارد. اتهام‌های غیراخلاقی، پرونده سازی، زندان، توهین، افترا و هتک حرمت زنان آن هم در جمهوری اسلامی و به نام دین ما را نگران کرده و احساس امنیت را از ما سلب کرده است.

نکته مهم دیگر آنکه؛ ما نگران آینده فرزندان خود هستیم. دختران و پسران جوان ما از اقداماتی که حقانیت جمهوری اسلامی را زیر سؤال می‌برند، حیرت زده‌اند؛ و ما پاسخی برای آنان نداریم. کمترین نتیجهٔ سوء چنین وضعیتی افزایش میل به مهاجرت و ترک این دیار است، و در مقابل این استدلال که این سرزمین متعلق به ماست و باید حکمرانان غاصب را از این سرزمین بیرون راند، پاسخ می‌شنویم که اینجا آینده‌ای نامعلوم پیش روی ماست، ما می‌خواهیم آسوده و ایمن زندگی کنیم. طبعاً جوانان ما که سرشار از استعداد و خلاقیت و توانایی اند در کشورهای دیگر جای خود را خواهند یافت، ولی صد افسوس و هزاران دریغ از محرومیت این مملکت از وجود ذی‌قیمت آنان. این جوانان تبعات مهاجرت و فرهنگ بیگانه را در سرزمینی دیگر تحمل می‌کنند اما اهانت و بی‌حرمتی و ظلم را نمی‌پذیرند. ما هم می‌پذیریم که پذیرش ظلم، کمک به ظالم است؛ و خدا نیز این را نخواهد پسندید. اما اگر یکی از این جوانان را بلا و انحرافی رسد، کسی هست که مسئولیت پذیرد و پاسخی نزد خداوند داشته باشد؟

آخر آنکه؛ یکی از آثار اعمال این روش‌ها گسترش و توسعه ادیان دیگر و فرقه‌های مجعول با گرایش‌های متحجرانه و گاه غیردینی به ویژه در میان جوانان است، جوانانی که هنوز پایه‌های اعتقادی آنان کاملاً نضج نگرفته است. آیا علمای عالی مقام دین، خود را در به وجود آمدن زمینه‌های چنین شرایطی مسئول نمی‌دانند؟

حتما چنین است. پس به داد ما برسید و تا دیر نشده چاره‌ای بیندیشید. والامر الیکم.
والسلام علیکم ورحمة اللّٰه وبرکاته.

مجمع زنان اصلاح طلب

شهریور ۱۳۸۸

پاسخ آیت الله العظمی منتظری:

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

حضور محترم مجمع زنان اصلاح طلب

ضمن عرض سلام و تحیت؛ مطالعه مطالب ارسالی شما موجب نگرانی و تأثر بیش از پیش این جانب گردید. نگرانی های شما از حوادث و فجایع جاری و عواقب آن و اعمال خلافی که متأسفانه به نام دین و حاکمیت دینی انجام شده و می شود، و همچنین انتظارات شما و سایر اقشار جامعه از مراجع محترم و علمای بلاد و جامعه روحانیت که باید مدافع حیثیت دین و مذهب و ملجاء و پناهگاه مردم مظلوم باشند کاملاً به حق و بجاست. دفاع از اسلام و حمایت از مظلوم - علاوه بر بیان احکام حلال و حرام - وظیفه ای است که از جانب معصومین علیهم السلام در زمان غیبت حضرت ولی عصر ارواحنفا بر عهده عالمان دین گذاشته شده است.

اینجانب در حدّ توان، و بنا بر احساس مسئولیت و وظیفه انسانی و شرعی، در رابطه با حوادث و فجایع پس از انتخابات و تضییع حقوق معترضین به نتیجه انتخابات اخیر و ضرب و شتم و کشتار عده ای بیگناه و نیز دستگیری تعداد زیادی از نخبگان و فعالان سیاسی و اعتراف گریه های اجباری و خلاف شرع و هتک حرمت افراد با پخش مصاحبه های بی مایه تلویزیونی مطالبی را عنوان نموده ام؛ به امید آن که در جهت اصلاح امور و تنبّه مسئولین مربوطه و جبران اعمال خلاف گذشته و بازگشت آرامش به جامعه و نیز اعتماد مردم به حاکمیت منشأ اثر باشد.

[از سرنوشت مستبدان عبرت گیرید،

با حبس نخبگان و تکریم چاپلوسان نجات نخواهید یافت]

مجدداً به مسئولین مربوطه تذکر می دهم از سرنوشت حکومت شاه و سایر حکومت های استبدادی در جهان عبرت بگیرند. در دنیای امروز با ایجاد خفقان و رعب

و وحشت و جو پلیسی و بگیر و ببند منتقدان و پر کردن زندانها از اندیشمندان و آزادی خواهان و اجبار نمودن آنان به اعتراف و اقرار نسبت به امور خلاف واقع نمی توان حکومت نمود. در حکومتی که نخبگان منتقد و فعالان سیاسی در زندان و تحت فشار و محرومیت بوده و مداحان تملق گو و چاپلوسان، مورد تأیید و تکریم باشند، جامعه و مردم هرگز به فلاح و سعادت و رشد و ترقی راهی نخواهند یافت.

[صبر در برابر آزمایش ها]

در ضمن آنچه را در شکوائیه خود در مورد فرزندان آورده اید، به عزیزتان بگویید یکی از اهداف آفرینش، امتحان افراد است که چه کسانی بهترین اعمال را دارند. خدای عزیز در آیه دوم سوره ملک می فرماید: ﴿الذی خلق الموت والحیوة لیبلوکم ایکم احسن عملاً﴾ یعنی خداوند مرگ و زندگی را آفرید تا افراد آزمایش شوند که چه کسی بهتر عمل می کند. عده ای با ریاست و حاکمیت امتحان می شوند تا معلوم شود در عمل تا چه حد پایبند ارزش ها خواهند ماند؛ و اینکه آیا خود و مقامات دنیوی را فدای ارزش ها می نمایند و یا ارزش ها و اعتقادات را در خدمت مقامات و امیال چند روزه خود می خواهند؛ و همچنین عده ای با محرومیت و مظلومیت امتحان می شوند تا معلوم شود در راه انجام وظیفه و دفاع از حقوق خود و دیگران تا چه حد صبر و استقامت می کنند، که در این صورت طبق وعده الهی اجر بی حساب خواهند داشت؛ و یا اینکه مأیوس می شوند و صحنه را برای قدرت طلبان خالی می نمایند.

امیدوارم تا دیر نشده مسئولین ما به خود آیند و روش و شیوه خود را تغییر دهند و اشتباهات گذشته را جبران نموده و فاصله بین مردم و نظام را با اخلاق کریمه و تاسی به معصومین علیهم السلام از بین ببرند.

توفیق شما را در انجام وظائف شرعی و ملی و همچنین صبر و پایداری شما را از خداوند بزرگ مسألت دارم.

۷ مهرماه ۱۳۸۸ - ۹ شوال ۱۴۳۰

قم المقدسة - حسینعلی منتظری

بیانات معظم‌له در درس اخلاق پیرامون مسائل روز

۱۳۸۸/۷/۲۲

﴿ بسمه تعالی ﴾

آیت‌الله العظمی منتظری در جلسه درس اخلاق خود در ادامه تدریس «جامع السعادات» مرحوم نراقی به مناسبت بحث «قساوت قلب» ضمن اشاره به اینکه یکی از اخلاق‌های رذیله انسانها قساوت است به قسی‌القلب بودن برخی انسانها اشاره کردند که نسبت به کمبودها، گرفتاری‌ها و پایمال شدن حقوق مردم بی تفاوت هستند.

[در جامعه صالح، نیروهای مسلح قساوت قلب ندارند، رحیم‌اند]

آیت‌الله منتظری ضمن اشاره به نیروهای مسلح چون ارتش، سپاه و بسیج تصریح کردند: برخی‌ها خیال می‌کنند چون اسلحه دارند باید اعمال قدرت کرده و از قدرت و سلاح در هر کجا استفاده کنند. هر جامعه‌ای که می‌خواهد صالح باشد نیروهای مسلح آن باید افرادی باشند که قساوت قلب نداشته و دلسوز و رحیم باشند. نباید وضعیت به گونه‌ای باشد که سلاح به دست هر کسی بدهند، بلکه باید روی افرادی که در نیروهای مسلح استخدام می‌شوند کار کارشناسی و تخصصی انجام گیرد. و آموزش روان‌شناسی هم به آنان داده شود. افرادی که وارد نیروهای مسلح می‌شوند باید بررسی شود که تا چه حد به جان، مال و ناموس و حقوق شهروندی مردم اهمیت می‌دهند. اگر خدای نکرده استخدام شدگان روی حساب و کتاب جذب نشوند، از اسلحه و قدرتی که در پرتو آن به دست می‌آید سوء استفاده می‌شود.

در زمان حیات مرحوم امام علیه السلام من طرحی را پیشنهاد داده بودم که: افرادی که در نیروهای مسلح استخدام می‌شوند چه در ارتش، سپاه یا بسیج باید از نظر روان شناسی آموزش دیده تا خدای نکرده از سلاح سوء استفاده نکنند. متأسفانه این طرح دلسوزانه را تحریف کرده بودند که فلانی می‌گوید کسانی که به استخدام ارتش و سپاه در می‌آیند باید دکترهای روان شناس باشند. حال آن که بنده چنین مطلبی نگفته بودم. خوشبختانه در نیروهای نظامی ما افرادی که رحم و مروت ندارند خیلی کم‌اند اما همین کم‌گامی کاری می‌کند که آبروی همه را می‌برد. شما ملاحظه کنید در ماجراهای بعد از انتخابات افرادی از قدرت خود سوء استفاده کرده، افرادی را در بازداشتگاه کهریزک زندانی کرده و باعث شدند حیثیت نیروهای انتظامی و امنیتی ما لطمه بخورد.

[عدم دخالت نظامیان در سیاست منافات با حقوق شهروندی ندارد]

آیت‌الله منتظری ضمن اشاره به افرادی که از امام خمینی علیه السلام و عمل به نظرات ایشان دم می‌زنند ادامه دادند: جمله‌ای است که از آیت‌الله خمینی خیلی معروف است و به حق هم هست و آن اینکه: نباید نیروهای نظامی در سیاست دخالت نمایند. این کلام درستی است و دلیل آن هم این است که آنها چون مسلح‌اند ممکن است در امور سیاسی از قدرت نظامی سوء استفاده و افراد را مرعوب کنند. اینکه نیروهای مسلح مثل بقیه مردم از حقوق شهروندی برخوردارند درست است و اگر انتخاباتی برگزار شد آنها هم حق دارند رأی بدهند، اما اینکه بخواهند گرداننده اوضاع سیاسی مثل انتخابات باشند این کار غلطی است. آقایانی که دائم از امام خمینی و پیروی از کلام ایشان سخن می‌گویند باید به آنها گفت: مگر امام نیروهای مسلح را از دخالت در سیاست منع نکردند؟

یک کشور باید در مقابل دشمنان و کسانی که به کیان کشور و نظام تعدی می‌کنند نیروهای مسلح کارآزموده داشته باشد؛ اما نباید نیروی نظامی، انتظامی و امنیتی به

گونه‌ای عمل کنند که مردم نسبت به آنها ذهنیت منفی داشته باشند. بلکه مردم وقتی آنها را مشاهده می‌کنند احساس امنیت کنند و نگویند آنها به جای برخورد با دشمن با ما کار دارند و به جای حفاظت از کشور و محافظت از نظام به دنبال سرکوب ما هستند و ما باید از آنها وحشت داشته باشیم.

پس نیروهای مسلح باید سلاحشان را در مقابل دشمن بگیرند نه مردم و دوستان.

[حفظ نظام واجب نفسی نیست]

نکته‌ای که باز این روزها زیاد گفته می‌شود اینکه: حفظ نظام واجب است. حفظ نظام یک واجب نفسی نیست. به این معنا که اگر برای حفظ نظام اسلامی، دستورات اسلامی زیر پا گذاشته شود نظام حفظ نخواهد شد. حفظ نظام مقدمه است برای حفظ و انجام دستورات اسلامی؛ اگر بنا باشد به بهانه حفظ نظام، اقدامات ضد اسلامی انجام شود، نه نظام خواهد ماند نه اسلام.

[آزادی بیان و پس از بیان شعار انقلاب بود]

مگر شعارهای اولیه انقلاب «استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی» نبود؟! استقلال یعنی زیر یوغ خارجی‌ها نباشیم، و آزادی یعنی مردم در اظهار عقیده و بیان آزاد باشند، نه اینکه به محض ابراز نظر مخالفی کار به زندان و حبس کشیده شود. و کار به جایی برسد که برخی بگویند ما آزادی ابراز عقیده داریم ولی آزادی پس از آن را نداریم و ما را به زندان اوین می‌برند! و جمهوریت هم یعنی حاکمیت بر اساس رأی مردم شکل گیرد، و اسلامی یعنی چون مردم مسلمان هستند حکومت بر اساس مبانی اسلامی باشد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

۱۳۸۸/۷/۲۲

دفتر آیت‌الله العظمی منتظری

پاسخ به پرسش‌های حجة الاسلام والمسلمین دکتر محسن کدیور

۱۳۸۸/۷/۲۲

متن نامه حجة الاسلام والمسلمین دکتر کدیور:

﴿ بسمه تعالی ﴾

محضر مبارک فقیه متأله، شیخنا الاستاد آیت الله العظمی منتظری دام‌ظله

سلام علیکم

سلامتی و توفیق روزافزون شما را از درگاه خدای بزرگ مسئلت دارم. مجاهدت‌های دلسوزانه شما در یافتن راه حلی خردمندانه برای برون رفت از تنگناهای موجود کشور بارقه امیدی در این ظلمت‌کده است.

بحرانی که با سوء تدبیر، ندانم کاری، جهل مرکب، استبداد برای زیر پا گذاشتن بسیاری از موازین دینی و اخلاقی و تجاوز به حقوق قانونی شهروندان آغاز شده است، آتشی است که به خرمن مصالح ملی ایران افتاده و دم به دم بر ابعاد و عمق آن افزوده می‌شود و حل آن را دشوارتر می‌سازد. بیم آن می‌رود که تن ندادن به مطالبات برحق اکثریت شهروندان و لجاجت بر سرکوب صدای اعتراض ملی، پس از تاراج آزادی و حراج اسلامیت، به بر باد دادن استقلال ایران منجر شود.

غرض از تصدیع، همانگونه که مستحضرید یکی از موارد چالش برانگیز سیاست خارجی جمهوری اسلامی با غرب مسئله «انرژی هسته‌ای» بوده است. محل نزاع، استفاده نظامی و تسلیحاتی از این انرژی است. نگفته پیداست که دغدغه اروپا و آمریکا بیش از آن که رعایت دموکراسی و حقوق بشر در ایران یا خاورمیانه، حفظ امنیت اسرائیل در منطقه و منافع مادی

خودشان است. حاکمان ایران هم دفاع از حقوق مردم فلسطین را ابزاری برای سرپوش گذاشتن بر ظلم و استبداد داخلی کرده‌اند.

راه جنبش اعتراضی سبز مردم ایران در این میانه بسیار ظریف، دشوار و حساس است. از یک سو به دولت مردان و حاکمان جمهوری اسلامی به دلیل تجاوز نهادینه به حقوق شهروندان ایرانی معترض است، از سوی دیگر سیاست خارجی در پیش گرفته شده را در راستای منافع ملی ایران ارزیابی نمی‌کند. اگر چه جنبش سبز همدرد با آرمان‌رهای بخش مردم مظلوم فلسطین است و استقلال، اعتلای علمی و ارتقای فن‌آوری ایران را آرزوی برحق هر ایرانی می‌داند.

برخورد مزورانه و به دور از صداقت تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران نظام جمهوری اسلامی با شهروندان ایرانی و تبدیل شدن شعار «دروغ ممنوع» به شعار ملی معترضان در وقایع پس از انتخابات باعث شده است که بی‌اعتمادی به گفته‌های رهبران ایران به بی‌سابقه‌ترین سطح بی‌اعتمادی بین‌المللی افزایش یابد. نظامی که به این راحتی به شهروندان خود دروغ می‌گوید به چه دلیل در مناسبات بین‌المللی قابل اعتماد است؟ اگر رژیمی به سادگی همه میثاق‌های ملی خود در رعایت حقوق پایه شهروندانش را زیر پا گذاشته است، چگونه می‌توان باور کرد تعهدات و میثاق‌های بین‌المللی را رعایت می‌کند؟

این بی‌اعتمادی فزاینده وقتی با ماجراجویی‌های فرماندهان نظامی ایران در کشورهای همسایه و سخنان نسنجیده رئیس‌جمهور انتصابی در مجامع بین‌المللی ضمیمه می‌شود، مخاطراتی جدی را برای مردم ایران رقم می‌زند. حضرت‌عالی برای نخستین بار در پیام به مراجع عظام تقلید، علماء و حوزه‌های علمیه مورخ ۲۲ شهریور ۸۸ خود از «ولایت نظامی» بر ایران خبر دادید. نظامیان هرگز سیاستمداران خوبی نبوده‌اند و می‌پندارند همه چیز با زور قابل حل شدن است. سیطره بلامنازع نظامیان پاسدار در ارکان نظام جمهوری اسلامی غیرقابل انکار است. تا آنجاکه به وضوح می‌توان از استقرار حکومت شبه‌نظامی از آغاز سال جدید شمسی در ایران خبر داد.

نهادهای نظارتی و تصمیم‌ساز از قبیل مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری همگی به مجالسی فرمایشی و تشریفاتی و به غایت ضعیف و منفعل تبدیل شده‌اند. بدنه کارشناسی قوه مجریه ضعیف‌ترین بدنه کارشناسی در تاریخ ایران از زمان استقرار مشروطه است. رهبر جمهوری

اسلامی با برخورداری از اختیارات قانونی بی‌شمار با استبداد به رأی و سوء تدبیر فزاینده خود به شدت از مصالح ملی ایران فاصله گرفته است و با میدان دادن گسترده به نظامیان و شبه نظامیان در ارکان نظام که در آغاز برای برخورد با معترضان داخلی صورت گرفت اکنون مشخص نیست خود به چه میزان در ناخدایی این کشتی در بحران‌های فزاینده پیش رو واقعاً نقش دارد.

اکنون افکار عمومی در جهان درباره توانایی تولید سلاحهای کشتار جمعی این «زنگی مست» پرسش جدی دارد و پاسخ‌های مقامات عالی رتبه ایرانی را که حتی در کشور خودشان مشتبه به دروغ‌گویی اند را باور نمی‌کند. تردیدی هم نداریم که رژیم نژادپرست اسرائیل و حامیان اروپایی و آمریکایی آن بالفعل از چنین اسلحه‌ای برخوردارند و واعظان غیر متعظی در عرصه بین‌المللی پیش نیستند.

حضرت‌عالی با توجه به پشتوانه دانش، تقوا، سابقه، محبوبیت و انصافی که در مبارزات نیم قرنه خود با استبداد قبل و بعد از انقلاب کسب کرده‌اید، به عنوان رهبر معنوی معترضان پرشمار ایرانی در جهان شناخته شده‌اید. نامه‌های متعدد رهبران سیاسی جنبش سبز به شما و پاسخ‌های راه‌گشای شما (از قبیل پاسخ نامه‌های ۶ مرداد، ۴ و ۳۱ شهریور ۸۸) شاهدهی بر این مدعاست. اجازه می‌خواهم پرسش‌های دشواری که در ذهن و ضمیر بسیاری از ایرانیان بلکه بسیاری از معاصران اعم از مسلمان و غیر مسلمان مطرح است، صریحاً با شما در میان بگذارم. بی‌شک حضرت‌عالی در مناسبت‌های گذشته جسته و گریخته به برخی از ابعاد این مسأله اشاره فرموده‌اید؛ اما اهمیت وافر مسأله بر آن داشت که بار دیگر به شکل متمرکز این پرسش‌ها را در شرایط خطیر فعلی مطرح کنم. پاسخ‌های مستدل، مشروح و در عین حال روشن و شفاف شما در معرفی چهره رحمانی و صلح طلب اسلام مظلوم و بالخصوص مذهب اهل بیت نقش بسزایی دارد. هرگونه که صلاح می‌دانید ارشاد فرمایید. والامر الیکم.

سؤال بین‌المللی به اجمال این است: معترضان سبز ایرانی درباره استفاده تسلیحاتی از انرژی هسته‌ای چگونه می‌اندیشند؟ و چه تفاوتی با رهبران جنگ طلب و ماجراجوی جمهوری اسلامی دارند؟ این پرسش کلی را می‌توان به سه پرسش مشخص ذیل تجزیه کرد.

پرسش اول: سرمایه‌گذاری، تولید، نگهداری و به کارگیری انرژی هسته‌ای در فناوری

تسلیحاتی و به شکل مشخص سلاح‌های کشتار جمعی چه حکمی دارد؟ با احتمال وقوعی استفاده نابجا از این اسلحه خطرناک از سوی ماجراجویان بی‌خرد - که شمارشان در هر سرزمینی در میان نظامیان و سیاستمداران کم نیست - این پرسش جدی‌تر است.

پرسش دوم: آیا اصولاً امکان استفاده عقلایی و مشروع از چنین اسلحه‌ای متصور است؟ مثلاً به عنوان اولاً بازداشتن طرف مقابل، ثانیاً تهدید به استفاده متقابل که البته نتیجه آن کشتار انسان‌های بیگناه فراوانی است، ثالثاً برای گریختن از ضرر بزرگتر در انتخاب بین دو مفسده و پذیرفتن اقل ضررین (به عنوان مثال آمریکایی‌ها در استفاده بمب اتم در هیروشیما و ناکازاکی ادعا می‌کنند که برای پیشگیری از ضرر بزرگتری به نام گسترش و ادامه جنگ خانمانسوز به آن دست یازیدند). آیا کشتن هزارها انسان بیگناه را می‌توان به عنوان جلوگیری از ضررهای بزرگتری توجیه کرد؟ آیا در اسلام بالاتر از حفظ جان هزاران انسان بیگناه چیزی متصور است؟ آیا می‌توان گفت اسلحه‌کشتار جمعی فی حد ذاته حرام و غیر مشروعند و از طرق غیر مشروع نمی‌توان به هیچ هدف متعالی و مشروعی رسید؟

پرسش سوم: آیا می‌توان گزاره‌های زیر را با قاطعیت به جهانیان اعلام کرد که:

- ۱- استفاده تسلیحاتی از فناوری هسته‌ای و سلاحهای کشتار جمعی مطلقاً و بدون هیچ استثنایی خلاف موازین انسانیت، اخلاق و اسلام است.
- ۲- سرمایه‌گذاری، تولید، نگهداری و به کارگیری تسلیحات کشتار جمعی و فناوری هسته‌ای در عرصه نظامی در هیچ شرایطی پذیرفته نیست.
- ۳- دارندگان سلاح‌های خطرناک کشتار جمعی (از قبیل بمب اتم و موشک‌های باکلاهدک هسته‌ای و مشابه آن) بالاخص دولت جنگ طلب اسرائیل «تهدید بالفعل» برای بشریت محسوب می‌شوند و می‌باید در نابودی این تسلیحات مرگبار پیشقدم شوند.
- ۴- ما به دنبال خاورمیانه بلکه جهانی عاری از سلاح هسته‌ای و اسلحه‌کشتار جمعی هستیم. عزت عالی مستدام باد.

محسن کدیور

۶ مهر ۱۳۸۸، ۸ شوال، ۲۷ سپتامبر ۲۰۰۹

پاسخ آیت الله العظمی منتظری:

﴿ بسمه تعالی ﴾

جناب مستطاب حجة الاسلام والمسلمین آقای دکتر محسن کدیور دامت برکاته
پس از سلام و تحیت؛

[ممنوعیت شرعی سرمایه‌گذاری، تولید، نگهداری و بکارگیری انرژی هسته‌ای
در ساخت سلاح کشتار جمعی بلکه هر سلاح دیگری برای کشتن]

ایمیل جنابعالی در مورد سؤال از حکم شرعی ساخت و نگهداری و به کارگیری
سلاح‌های کشتار جمعی واصل و ملاحظه شد. لازم است سرمایه‌گذاری، تولید،
نگهداری و به کارگیری انرژی هسته‌ای در فناوری تسلیحاتی و ساخت سلاح‌های
کشتار جمعی از ناحیه همه کشورها ممنوع باشد و بشریت رفته رفته به این سمت و
سو رود که نه تنها این گونه سلاح‌ها، بلکه حتی دیگر سلاح‌هایی را که برای کشتن
افراد به کار می‌رود، در همه جهان ممنوع نماید.

و در فرضی که عملاً هیچ کشوری از چنان سلاح‌هایی بهره‌مند نباشد، اگر کشوری
خاص در جهت سرمایه‌گذاری، تولید، نگهداری و به کارگیری انرژی هسته‌ای در
فناوری تسلیحاتی و ساخت سلاح‌های کشتار جمعی گام بردارد، نه تنها مرتکب
اسراف در ذخائر ملی خود شده بلکه موجب تهدید برای کشورهای دیگر و در نتیجه
بی‌اعتمادی آنها گردیده و بسا موجب تیرگی روابط شود؛ و از این جهت نیز
آسیب‌های دیگری را به کشور خود و نسل‌های آینده وارد نماید. و در این فرض عقلاً
و شرعاً باید خود سردمداران آن کشور از هرگونه اقدام در جهت آن سلاح‌ها پرهیز
کنند؛ و اگر نکردند، مردم از حاکمان خود بخواهند که از آن پرهیز کنند، و در صورت
تخلف، دیگر کشورها از آنان به هر شکل ممکن ممانعت نمایند.

به کارگیری این گونه سلاح‌ها اگر تنها در برابر نظامیان متجاوز نباشد و مردم بیگناه - هر چند از نسل‌های آتی - را قربانی نماید، عقلاً و شرعاً جایز نیست. و با توجه به وسعت دامنه کشتار و تخریب سلاح‌های هسته‌ای، مصداق اهم و مهم بودن در مورد سؤال روشن نیست.

و در هر حال باید بشریت به ویژه مسلمانان که پیرو شریعت خاتم و پیامبر رحمة للعالمین هستند، در راه ممنوعیت قانونی و اجرایی چنین سلاح‌هایی برای هر کشوری با تضمین سازمانهای معتبر و معتمد بین‌المللی پیشگام گردند. ان شاء الله موفق باشید.

۱۳۸۸/۷/۲۲

حسینعلی منتظری

برگزار نشدن مراسم عید ولادت حضرت امام رضا علیه السلام
برای همدردی با خانواده‌های زندانیان سیاسی

۱۳۸۸/۸/۸

﴿ بسمه تعالی ﴾

امروز جمعه ۸۸/۸/۸ مصادف با سالروز ولادت حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام، این عید بزرگ حال و هوای دیگری داشت. ادامه بازداشت زندانیان بعد از انتخابات که اکثراً از نخبگان و چهره‌های سیاسی و خدمتگزار شناخته شده هستند و قرار گرفتن خانواده‌های آنان در غم و ناراحتی روحی و روانی موجب شد تا مراسم جشن و شادی ولادت حضرت امام رضا علیه السلام از طرف آیت‌الله العظمی منتظری برگزار نگردد و به دیدارهای معمول و از قبل تعیین شده اکتفا گردد.

همچنین امروز مراسم عمامه‌گذاری تعداد هشت نفر از طلاب و فضیلاب حوزه به دست معظم‌له انجام گرفت که ایشان در این مراسم فرمودند:

«شما عزیزان که در جرگه علما وارد شدید باید به لوازم آن نیز ملتزم شوید و حتی از بسیاری از مباحات پرهیز کنید، و سعی کنید با اخلاق خوب و رفتار شایسته باعث آبروی روحانیت شیعه باشید. ان شاء الله.»

ایشان در ادامه سخنان خود فرمودند:

«در عین حال که امروز روز بزرگی است و تولد حضرت امام رضا علیه السلام است، ولی چون بسیاری از نخبگان ما و کسانی که هم متدین هستند و هم برای این انقلاب و این کشور زحمت کشیدند اما متأسفانه به بهانه‌های واهی در زندان هستند، و به خاطر

ابراز همدردی با خانواده‌های محترم این عزیزان، ما هم امروز را عید نگرفتیم.»
 همچنین ایشان خاطره‌ای از رژیم گذشته نقل کردند که:
 «در زمان شاه چون بسیاری مورد ظلم واقع شده بودند، مرحوم امام خمینی علیه السلام
 فرمودند: نیمه شعبان را عید نگیرید.»
 در پایان معظم‌له ابراز امیدواری کردند که هر چه زودتر زندانیان بیگناه آزاد شوند؛
 و به مسئولین امر هم خداوند دیانت و درایت بیشتر عنایت فرماید تا از تکرار و ادامه
 این بازداشت‌ها پرهیز کنند.
 والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

۱۳۸۸/۸/۸

دفتر آیت‌الله العظمی منتظری

پاسخ به پرسش‌های پایگاه اینترنتی «موج سبز آزادی»

۱۳۸۸/۸/۱۲

﴿ بسمه تعالی ﴾

حضرت آیت‌الله العظمی منتظری

با عرض سلام و ادب

امیدواریم که حالتان خوب باشد. از پایگاه اینترنتی «موج سبز آزادی» مصدع اوقات شریف شما می‌شویم. غرض از مزاحمت اینکه سوالاتی در رابطه با واقعه تاریخی سیزدهم آبان مطرح است که گمان می‌کنیم پاسخ‌های جنابعالی به این سوالات می‌تواند راهگشای بسیاری از مسائل موجود باشد و قطعاً مورد استقبال خوانندگان و علاقه‌مندان قرار خواهد گرفت. از اینکه به ما در محقق شدن این امر کمک می‌نمایید سپاسگزاریم. سوالات به پیوست تقدیم می‌گردد و امیدواریم با پاسخ مثبت شما همراه باشد.

با سپاس و احترام فراوان: سردبیر «موج سبز آزادی»

سؤال اول: در نوشته‌های شما اشغال سفارت آمریکا در سال ۵۸ توسط دانشجویان پیرو خط امام یک عمل اشتباه قلمداد شده بود، در حالی که شما از کسانی بودید که در همان زمان از این اقدام حمایت و دفاع کردید. علت حمایتتان در آن مقطع از این اقدام دانشجویان چه بود؟ به چه دلیل در زمان فعلی آن را اشتباه می‌دانید؟

سؤال دوم: نظر شما در مورد قطع رابطه ایران و آمریکا چیست؟ آیا تداوم این انقطاع به مصلحت کشور است؟

سؤال سوم: در شرایطی که روسیه و چین جایگزین آمریکا و اروپا در سیاست و اقتصاد ایران شده‌اند، با آنها چگونه باید رفتار شود؟ آیا این ارتباط به صلاح کشور و انقلاب است؟

سؤال چهارم: با توجه به شرایط پس از انتخابات ریاست جمهوری، که حکومت پشتوانه اعتماد مردم و مشروعیت خود را از دست داده است، مذاکرات ایران و آمریکا یک مذاکره توأم با عزت است یا مذاکره‌ای از موضع ضعف؟

سؤال پنجم: معنای استکبار ستیزی چیست؟ آیا این اصطلاح به معنای دفاع و مقابله با استکبار است یا به معنای جنگ و ابتدای به آن؟ با توجه به اینکه قوانین حقوقی بین‌المللی از طرف اکثریت ملل جهان پذیرفته شده است، مفهوم استکبار ستیزی در این شرایط چیست؟ با در نظر گرفتن منافع ملی چگونه باید به برخی قوانین ناعادلانه بین‌المللی واکنش نشان داد؟

﴿ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ﴾

[تأیید اولیه اشغال سفارت و مخالفت بعدی با آن]

با سلام و تحیت و تقدیر از توجه شما به مسائل مهم و جاری کشور

جواب ۱- اشغال سفارت آمریکا در بدو پیروزی انقلاب که مورد حمایت اکثر اقشار انقلابی و مرحوم امام خمینی بود، مورد تأیید اینجانب نیز بود؛ ولی با آن عوارض منفی و حساسیت شدیدی که بین مردم آمریکا به وجود آورد که هنوز آثار آن باقی است، معلوم شد که کار درستی نبوده؛ و اصولاً سفارت یک کشور به منزله جزئی از آن کشور است، و کشوری که در حال جنگ رسمی با ما نبود اشغال سفارت آن به منزله اعلان جنگ با آن کشور است و کار صحیحی نمی‌باشد. از قرار اطلاع بعضی از جوانان انقلابی و متعهدی که متصدی این کار بودند نیز اشتباه بودن آن را قبول دارند.

[دلیل قطع رابطه با آمریکا و لزوم برقراری رابطه برحسب منافع ملی]

[و مخالفت لابی اسرائیل با آن]

جواب ۲- نظر به اینکه آمریکا باعث کودتای ۲۸ مرداد بر علیه مرحوم دکتر

مصدق و برگشت شاه بود و پس از کودتا هم آمریکا تقریباً همه شئون سیاسی و اقتصادی کشور را قبضه کرده و در همه امور از رژیم سابق دفاع و پشتیبانی می‌نمود و پس از پیروزی انقلاب نیز دارایی‌های ایران را بلوکه کرده و به طور کلی در رابطه با انقلاب برخورد مناسبی نداشت، در آغاز انقلاب مردم از آمریکا عصبانی بودند و در نتیجه دانشجویان سفارت آمریکا در ایران را اشغال نمودند و آمریکا نیز رابطه خود را با ایران قطع نمود؛ و بر این اساس مرحوم امام خمینی تجدید ارتباط با آمریکا را در آن زمان نهی نمودند؛ ولی واضح است که چنین حکمی موقتی است و برحسب شرایط سیاسی و اقتصادی تغییر می‌کند، و این امر در گرو آن است که این رابطه به نفع کشور بوده و از قبیل رابطه دو کشور مستقل باشد.

اگر مصالح و منافع ملی اقتضا کند که با آمریکا رابطه برقرار شود، نباید زمینه تشنج و بی‌اعتمادی را با شعارهای بی‌محتوا تشدید نمود. بدیهی است اسرائیل و لابی آن در آمریکا سخت مخالف رابطه ایران و آمریکا بوده و هست و منافع خود را در بقای بحران کنونی بین ایران و آمریکا می‌داند، و متأسفانه سران کشور به این مهم توجه نمی‌نمایند.

[عدم توازن منطقی در رابطه با آمریکا و روسیه تعدیل شود]

جواب ۳- اگر قرار باشد حاکمیت ایران در سیاست و اقتصاد خود را وابسته به بلوک شرق نماید و به جای تأمین مصالح و منافع ملی رضایت آنان را تأمین نماید، کار غلطی است و مخالف شعار «نه شرقی نه غربی» می‌باشد که مردم ما در انقلاب خود روی آن تأکید داشتند. چه فرقی است بین روسیه و آمریکا که به اولی باید تا این اندازه اعتماد نمود و بیدریغ مقادیر هنگفتی از بیت‌المال را به آنان حاتم بخشی نمود، و با دیگری حتی حاضر نباشیم که مذاکره و گفتگو نماییم؟ حتی اگر احساس کنیم که این مذاکره به نفع ملت و کشور است.

[قدرت نظام در سطح بین‌المللی با همراهی مردم حاصل می‌شود نه با سرکوب]

جواب ۴- واضح است که حاکمیت با بحرانی که به دست خود بعد از آن انتخابات شکوهمند به وجود آورده، در مقابل دولتهای مقتدر نمی‌تواند موضع مستحکمی داشته باشد و هر روز موضعی مخالف روز قبل اتخاذ می‌کند، و این امر در نهایت به ضرر حتمی کشور و مردم منجر خواهد شد. قدرت نظام با سرکوب و ساکت نمودن اجباری مردم حاصل نمی‌شود، بلکه پشتیبانی واقعی و حقیقی و آزادانه مردم است که قدرت نظام را به وجود می‌آورد.

[آزادی زندانیان و مطبوعات و گزینش‌ها و شایسته‌سالاری

راه اقتدار در مذاکرات بین‌المللی]

به نظر این جانب حاکمیت می‌تواند با تصمیمی شجاعانه و مدبرانه زندانیان سیاسی را فوراً آزاد نماید، مطبوعات توقیف شده را رفع توقیف نموده، و گزینش‌های ادارات و دانشگاهها و به طور کلی دستگاههای تفتیش عقاید را منحل نماید و به جای آن شایسته‌سالاری را حاکم نماید؛ و با این تصمیم انقلابی و خداپسندانه اقتدار از دست رفته را به نظام برگرداند. در این صورت است که نظام می‌تواند در مذاکرات با قدرت و عزت وارد عمل شود.

[استکبارستیزی یعنی دفاع از حقوق ملت

در برابر قدرت طلبان داخلی و خارجی]

جواب ۵- استکبارستیزی به معنای اعلام جنگ با کشورها و حساس نمودن آنها و دشمن‌سازی و منزوی نمودن کشور نیست، بلکه به معنای دفاع از حقوق ملت در مقابل مطامع و زیاده‌خواهی‌های مستکبران است؛ و در این جهت فرقی بین غرب و

شرق و حتی افراد مستکبر تمامیت خواه و قدرت طلب نیست.

حاکمیتی که مردم را ناراضی و حقوق آنان را مورد تعدی و ظلم قرار داده و افراد زیادی از نخبگان و فعالان سیاسی و آزادی خواهان را به اتهامات واهی و خلاف واقع زندانی و محاکمه و محکوم می‌نماید، نمی‌تواند مدعی مبارزه با استکبار و استکبار ستیزی باشد. استکبار ستیزی جز با تحصیل حمایت مردم و تأمین حقوق همه اقشار و تحقق آزادی قلم و بیان عملی نخواهد شد. با چنین پشتوانه ملی است که حاکمیت می‌تواند در مقابل بعضی تحمیلات خارجی، قدرتمندانه ایستادگی نماید و واکنش مناسب نشان دهد.

در خاتمه از خداوند قادر متعال توفیق شما عزیزان، و نیز عزت و سربلندی ملت شریف ایران را مسألت می‌نمایم.
والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

۱۲ آبان ۱۳۸۸

حسینعلی منتظری

پاسخ به پرسش‌های پایگاه اینترنتی «روزآنلاین»

۱۳۸۸/۸/۱۳

با سلام خدمت حاج آقا آیت‌الله منتظری

دو سؤال از محضر شما داشتیم:

اول اینکه نظر شما درباره احکام اعدام که به تازگی و بعد از دادگاه نمایشی صادر شده چیست؟

و آیا این احکام مبنای شرعی و قانونی دارد؟

به عنوان سؤال دوم نظر حاج آقا درباره اعدام کودکانی که در زیر سن ۱۸ سال مرتکب قتل

می‌شوند چیست؟

با سپاس و احترام

فرشته قاضی - روزنامه‌نگار - روزآنلاین

﴿ بسمه تعالی ﴾

با سلام و تحیت

[اعتراف‌گیری زندانیان فاقد ارزش قانونی و شرعی است و عاملان آن مجرم‌اند]

اینجانب در پیامهایی که به مناسبت حوادث بعد از انتخابات و دستگیریهای فعالان سیاسی و اعترافات گرفته شده از آنان در زندان صادر نموده‌ام کراراً یادآور شده‌ام که این گونه اعترافات هیچ ارزش شرعی و قانونی و حقوقی ندارد و نمی‌تواند مبنای هیچ حکمی اعم از زندان یا اعدام قرار گیرد. و حتی مباشرین و آمرین به گرفتن

چنین اعترافاتی شرعاً و قانوناً گناهکار و مجرم می‌باشند.
و در مورد اعدام جوانهای زیر ۱۸ سال باید گفت:

[امکان شرعی لغو اعدام زیر ۱۸ سال]

اولاً - گرچه شرط تعلق قصاص بلوغ است، ولی شرط کافی نیست و چنانچه از قرائن و شواهد یا به دلیل معتبری معلوم شود فرد بالغ نه تنها قصد قتل نداشته است، بلکه هر چند به سبب کمی سن، تصور نمی‌کرده است عملش منجر به قتل شود و یا اعتقاد داشته است که در چنین مواردی قتل شرعاً جایز و مشروع است، در این صورت قصاص منتفی می‌شود؛ بلکه به طور کلی حدود و قصاص در اثر شبهه‌ای که با طریق شرعی منتفی نباشد مطابق قاعده «درأ» ساقط می‌شود: «الحدود تدرأ بالشبهات».

و ثانیاً - هرگاه اجرای حدی از حدود الهی در شرایط خاصی مستلزم عوارض سوء و منفی برای مذهب یا جامعه باشد، حاکم شرع جامع شرایط می‌تواند بلکه باید اجرای آن را متوقف نماید.
ان شاء الله موفق باشید.

۱۳۸۸/۸/۱۳

حسینعلی منتظری

پاسخ به نامه تظلم خواهی مادر یکی از زندانیان حوادث پس از انتخابات

۱۳۸۸/۸/۲۳

متن نامه مادر آقای حسین نورانی نژاد:

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

محضر مرجع عالیقدر تقلید حضرت آیت الله حسینعلی منتظری
سلام علیکم.

آنچه در تاریخ تشیع به مثابه نقطه عطفی همواره محل امید و اعتماد و همراهی و همدلی خلق الله با مراجع بوده و خواهد بود، حمایت و تظلم خواهی از آنانی است که بر ایشان جفایی رفته است. تاریخ حوزه‌ها و مراجع سرشار از ایستادگی حضرات ایشان برای احقاق حق مظلومین بوده است. در این راه حتی مواردی نیز یافت می‌شود که وارثان فقه جعفری در برابر اجحافی که بر دیگر برادران مسلمان از مذاهب دیگر و یا حتی غیر مسلمانان رفته همانگونه که از ائمه هدی آموخته‌اند، خروشیده‌اند و تا احقاق حقوق تضييع شدگان از ادای تکلیف غافل نبوده‌اند.

همانگونه که مستحضرید در ایام انتخابات ریاست جمهوری و خصوصاً پس از اعلام نتایج، شک و تردید در صحت و سقم نتیجه اعلام شده، التهاجات و تظاهراتی آفرید که تبعات و عواقب آن همچنان روشن و دامنه‌دار است. در این میان عده‌ای روانه زندانها و انفرادیها شدند که شرح قصه آن در حکم شرح واضحات و توضیح بدیهیات است.

آنچه این قلم را به عریضه نویسی و استمداد حمایت از محضر حضرات علما وامی دارد شرح جفایی است که بر یکی از فرزندان این وطن می‌رود؛ فرزندم حسین نورانی نژاد اکنون نزدیک به

۶۰ روز است که در زندان انفرادی که از مصادیق شکنجه است به سر می برد. البته زندان انفرادی برای جوانی که نامش را از امام سر به نیزه اش به یادگار دارد، محل ذکر و توکل است. اما آیا حبس بی آنکه تفهیم اتهامی صورت بگیرد و بی آنکه جرمی در کار باشد و بی آنکه وکیلی به حکم قانون و شرع رخصت دفاع بیابد، جز اجحاف و مکافات بی دلیل نام دیگری دارد؟

حضرات مراجع مستحضر باشند، از آن روز که این جوان را که همواره خاطره کمیل خواندنیهایش و برگزار کردن مراسمهای مذهبی در ماههای محرم و رمضان، در فضای ذهنی دوستان و خانواده اش بکر و تازه است به حبس برده اند، لحظه ای نیاسوده ایم و بارها و بارها به صاحبان قضا مراجعه نموده ایم که البته گفتار آرام دادستان محترم تهران، بارقه امیدی در دلهای خسته ما روشن نموده است. اما این کجا و رهایی کجا؟

اکنون که ناامید و دلشکسته شکایت خویش را به حضرت شما عرضه می داریم، به دادگری حضرت احدیت، ایمانمان محکمتر شده و با خود می گوئیم اگر فقهای فقه جعفری و مراجع عظام تقلید تشیع بر حال این شیعه حضرت مرتضی علیه السلام تفقد نکنند و او را که به تبعیت از امام معصومش مدد رسان در بندان، دلشکستگان و محرومان بود و به شهادت اسناد و مدارک چه بسیار محجورانی که به واسطه دستگیریهای حسین، اکنون دست دعا به درگاه الهی دارند، به حال خود رهاکنند، آنگاه چه باید کرد؟ هر چند قاعده لطف الهی بیشک جوانی پاک نهاد و دستگیر محرومان را به واسطه اهل کرامت، مرحمت خواهد کرد و قلب شکسته مادری چشم به راه بیشک محل نزول رأفت است، که پروردگار خود می فرماید: من در دلهای شکسته خانه دارم.

استمداد مادری پریشان از زعمای شیعه نه چیزی غریب است، و رحمت مراجع نسبت به مادری که به واسطه هجران فرزندی پاک نهاد، هر شب به سیل اشک ره خواب می زند نه امری بعید. باشد که با استعانت حضرات، آب رفته به جوی بازگردد و کلبه احزان مادری گلستان شود.

۱۳۸۸/۸/۱۷

زهرا رضا - مادر حسین نورانی نژاد

پاسخ آیت الله العظمی منتظری:

﴿ بسمه تعالی ﴾

حضور محترم خانم زهرا رضا دامت توفیقاتها
پس از سلام و تحیت، اوضاع پیش آمده برای کشور بسیار تأسف آور است. فجایع
اخیر نقطه سیاهی در کارنامه مسئولین امر است، که هیچ توجیهی عقلی و منطقی
ندارد.

اینکه به حرکت آرام مردم و اعتراض آنان عنوان اغتشاش بدهیم مسأله را حل
نمی‌کند. فقط یک راه قابل قبول است و آن برگشت از راه اشتباه و جبران آن می‌باشد.
آزاد کردن زندانیان سیاسی اولین اقدامی است که مسئولین امر باید هر چه زودتر
عملی کنند وگرنه خسارتهای دنیوی و اخروی فراوان در پی خواهد داشت. حتی
یک ساعت سلب آزادی مردم بیگناه گناهی است بزرگ.
امید است مسئولین به وظائف خویش توجه نمایند، و خدا به جنابعالی صبر و اجر
عنایت فرماید. ﴿انما یوفی الصابرون اجرهم بغير حساب﴾.
والسلام علیکم.

۱۳۸۸/۸/۲۳

حسینعلی منتظری

بیانات معظم له در روز عید سعید قربان در جمع علاقه‌مندان

۱۳۸۸/۹/۷

﴿ بسمه تعالی ﴾

آیت‌الله العظمی منتظری با اشاره به حوادث پس از انتخابات و برخوردهای تند و خشن توسط نیروهای انتظامی و برخی از نیروهای بسیج: «بدبختی این است که برای دنیای دیگران به جهنم برویم.»

[فرصتی برای قربانی کردن نفس شیطانی]

همزمان با عید سعید قربان آیت‌الله العظمی منتظری طی سخنان کوتاهی در جمع علاقه‌مندانی که برای دیدار با معظم له گرد آمده بودند ضمن اشاره به فرمان الهی به حضرت ابراهیم برای ذبح حضرت اسماعیل، عید قربان را فرصتی برای قربانی کردن «نفس شیطانی» توصیف نمودند؛ و نفس انسان را با توجه به آیات قرآن دارای چهار مرتبه دانستند:

[مراتب چهارگانه نفس انسان]

مرتبه اول نفس اماره است که فرمانده کل قوا نفس انسان است که به بدی‌ها و شرور انسان را وسوسه می‌کند. در مرتبه دوم نفس لوامه است که در قبال گناهان انسان بی تفاوت نیست و پس از انجام گناه انسان را ملامت می‌کند.

[فلسفه تشکیل بسیج، بسیج در راه خدا نه راه شیطان]

معظم‌له در توضیح این مرتبه نفس، ضمن اشاره به حوادث خشونت بار پس از انتخابات و برخوردهای خشن نیروهای امنیتی و نظامی با مردم که گاه برخی نیروهای بسیج هم در آن شرکت داشته‌اند، این اعمال خشونت آمیز با معترضین را خلاف شرع و قانون دانسته و ضمن طرح پرسش‌هایی خطاب به کسانی که مردم را مورد ضرب و جرح قرار دادند، فلسفه تشکیل بسیج را بسیج در راه خدا دانستند نه بسیج در راه شیطان. و تمامی کسانی که به دست مأموران کتک خورده‌اند حتی اگر خراشی به بدن آنها وارد شده باشد را دارای دیه دانسته و فرمودند: زدن مردم به چه مجوزی؟! آیا هر کس مرا قبول ندارد باید کتک بخورد؟!

[چرا مردم را به جای طلب مشورت، می‌زنید؟]

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام با اینکه معصوم بودند در خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه به مردم خطاب کرده و می‌فرماید: شما خود را باز ندارید از گفتار حق و مشورت عادلانه، من ذاتاً فوق خطا نیستم مگر اینکه خدا مرا کفایت کند. حتی حضرت علی علیه السلام با این عظمت خود را ذاتاً فوق خطا نمی‌داند. چرا مردم را کتک می‌زنید چون حرفتان را قبول ندارند؟ ایشان تمامی اعمال خشونت‌بار را گناه و تزییع حق مردم دانسته و فرمودند: ضاربان علاوه بر اینکه خلاف شرع انجام داده‌اند باید دیه هم بپردازند.

[چرا برای دنیای دیگران جهنم می‌روید؟]

همچنین ایشان ضمن اشاره به اینکه برخی‌ها مردم را کتک زده‌اند برای اینکه به آنها یک احسنت بگویند فرمودند: نفس لوامه انسان را ملامت می‌کند که چرا برای دنیای دیگران جهنم می‌رویم؟ آیا این بدبختی نیست که انسان برای دنیای دیگران به جهنم برود؟

در ادامه معظم له مرتبه سوّم را نفس ملهمه برشمرده که دائم حق و باطل را به او اعلام و القاء می‌کند. و مرتبه چهارم، نفس مطمئنه است چنانچه آیه قرآن می‌فرماید: ﴿يا ايها النفس المطمئنة ارجعي الي ربك راضية مرضية...﴾ که فرد از اطمینان قلب بالایی در برابر حوادث و ناملايمات برخوردار است. مانند امام حسین علیه السلام که با آن همه مصیبت و کشته شدن اصحاب و یاران و اولادش، ولی دلش محکم و استوار بود. و واقعاً قربانی واقعی را امام حسین علیه السلام در روز عاشورا کرد. در پایان معظم له برای رفع گرفتاری‌ها، آزادی زندانیان در بند و استجابت دعاها دعا نمودند.

والسلام علیکم ورحمة اللّٰه و برکاته.

۱۳۸۸/۹/۷

دفتر آیت‌الله العظمی منتظری

پاسخ به پرسش‌هایی پیرامون جنبش سبز مردم ایران

۱۳۸۸/۹/۱۰

﴿ بسمه تعالی ﴾

محضر حضرت آیت‌الله العظمی منتظری دام‌عزه العالی

همان‌گونه که مستحضرید ملت ایران جهت دستیابی به اعتلای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خود، قبل از انتخابات مطالبات بحق را مطرح می‌نمود، و برای تحقق این مطالبات با شور و نشاطی بی‌شائبه در انتخابات شرکت کرد؛ اما صاحبان قدرت با مددگیری از آراء مهندسی شده نتیجه انتخابات و وضعیت جامعه را به آنچه امروز شاهد آن هستیم مبدل نمودند.

«جنبش سبز» در پیگیری مطالبات جامعه، پس از انتخابات توانست خواسته‌های اکثریت ملت ایران را نمایندگی کند و در این مسیر زندانها و شکنجه‌های وحشتناک قرون وسطایی را تحمل کرده و حتی شهادتی را تقدیم نمود، تا با اصرار بر دوری از خشونت به آرمانهای خود دست یابد؛ که با لطف و رحمت الهی، این جنبش در سرتاسر ایران گسترش یافت؛ لذا مردم در ادامه مسیر نیازمند پاسخ به سؤالات متعددی هستند که در ذهنشان شکل گرفته است.

مستدعی است با پاسخ خود جهت اعتلای هر چه بیشتر جنبش موجب هدایت و دلگرمی ملت مظلوم و ستمدیده باشید.

به نظر حضرت تعالی:

- ۱- جنبش سبز مردم ایران چه دستاوردهایی طی مدت اخیر داشته است؟
- ۲- چه عواملی مانع از گسترش و توسعه جنبش سبز مردم خواهد شد و راه دستیابی به اهداف را طولانی‌تر می‌کند؟
- ۳- راههایی که موجب تقویت و مصونیت نسبی جنبش خواهد شد کدامند؟
- ۴- چه توصیه‌هایی برای اعتلای بیشتر جنبش می‌فرمایید؟

پاسخ آیت‌الله العظمی منتظری:

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

﴿ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم﴾

(سوره رعد، آیه ۱۱)

«خداوند وضعیت و سرنوشت هیچ ملتی را تغییر نمی‌دهد مگر زمانی که خودشان درصدد تغییر آن برآیند.»

با سلام و تحیت و ضمن تقدیر از توجه شما نسبت به مسائل جاری و سرنوشت ساز کشور.

[برخی از دستاوردهای داخلی و خارجی جنبش سبز]

جواب ۱- جنبش مذکور که جلوه و تبلوری واقعی از مطالبات به حق اکثریت مردم ایران در سالهای متمادی است، هر چند تاکنون با برخورد خشن و شدید جناح تندروی حاکمیت روبرو شده است، ولی دستاوردهای داخلی و خارجی آن قابل انکار نمی‌باشد. این جنبش در داخل کشور توانسته است فرهنگ مسالمت‌آمیز مطالبه حقوق تضییع شده اقشار وسیعی از مردم در انتخابات و حوادث پس از آن را تا حد زیادی نهادینه کند و از طرفی ماهیت خشن جناح تندرو و سرکوبگر را به خوبی افشا نماید؛ و البته هزینه‌های سنگینی را برای آن تحمل نموده است. این پدیده نشانه آن است که مردم به کمتر از رسیدن به مطالبات بر حق خود قانع نمی‌شوند و کشتار و ارباب و تهدید و بگیر و ببندها و محاکمات غیر شرعی و غیر قانونی و محکومیت‌های سنگین و غیر عادلانه فعالان سیاسی و آزادیخواهان و نیز تبلیغات دروغ و فریبنده، تأثیری در عزم و اراده آنان ندارد. در بُعد خارجی نیز توانسته است نظر کشورهای جهان و بخصوص جوامع مترقی و سازمان‌های مدافع حقوق بشر را

نسبت به مظلومیت و خواسته‌های به حق خود معطوف داشته و در ارزیابی سیاسی، قدرت واقعی ملت را به جهانیان نشان دهد.

[موانع و آسیب‌شناسی‌های جنبش سبز]

جواب ۲ و ۳- از جمله عواملی که ممکن است مانع گسترش جنبش به حق مردم شود، یکی شعارهای انحرافی ساختارشکن و عکس‌العمل‌های نامناسبی است که به سوژه‌ای برای سرکوب مردم توسط جناح تندرو تبدیل خواهد شد. جنبشی که خواسته‌های منطقی و مشروع و قانونی دارد و می‌تواند آنها را به شکل مسالمت‌آمیز و معقول مطرح کند، نباید احیاناً گرفتار رفتارهای عکس‌العملی در برابر خشونت‌ها و سرکوبگری‌ها شود و بسا شعارهایی را مطرح کند و یا واکنش‌هایی را از خود نشان دهد که در نهایت مطابق خواسته جناح تندرو حاکمیت و به نفع آنان باشد؛ و چه بسا این مسائل توسط ایادی آنان جهت انحراف نهضت به وجود می‌آید، چنانچه بارها مردم بعینه نیروهای آنها را در حال تخریب اماکن و اموال عمومی و شخصی دیده‌اند.

[نباید در دستیابی به پیروزی شتاب کرد]

عامل دیگر، انتظار پیروزی زودرس و عجولانه است. جنبش مذکور نباید در رسیدن مردم به حقوق خود، عجله و بی‌حوصلگی نشان دهد. صبر بر شدائد و مصائب و مقاومت در راه حق و امر به معروف و نهی از منکر و همچنین مقاومت برای احقاق حقوق، از آموزه‌های مهم دینی است که در قرآن و روایات روی آن تأکید فراوان شده است.

[خطر تبدیل اختلافات تاکتیکی به اختلاف استراتژیک]

عامل سوم، اختلاف سلیقه‌ها در روش احقاق حقوق و امر به معروف و نهی از منکر است که می‌تواند آسیب جدی به نهضت و حرکت مردم وارد نماید. در این

راستا شخصیت‌های معتمد مردم و مؤثر در جنبش می‌توانند با شفاف‌سازی خواسته‌های قانونی و شرعی مردم و تفاهم کامل با یکدیگر مانع بروز عوامل مذکور و موجب تقویت حرکت‌های مردمی و مصونیت آن از آسیب‌های محتمل باشند.

[منتقدان، خود عامل به معروف و تارک منکر و باطل باشند]

جواب ۴- بدیهی است کسانی که در راه احقاق حقوق مردم تلاش می‌کنند و در حقیقت به وظیفه مهم شرعی و ملی امر به معروف و نهی از منکر عمل می‌کنند در درجه اول، باید خود عامل به حق و معروف، و تارک منکر و باطل باشند، و مرزهای دینی و اخلاقی را کاملاً حفظ و مراعات نمایند تا عمل و حرکتشان در راه رضای خالق و مصالح مخلوق منشأ آثار خیر قرار گیرد.

[مسئولان به همه اصول قانون اساسی و حقوق ملت تمکین کنند]

در خاتمه برای چندمین بار به عنوان نصیحت و خیرخواهی برای حاکمیت یادآور می‌شوم: راهی که مسئولین و تصمیم‌گیرندگان نظام در پیش گرفته‌اند جز به ضرر دین و دنیای خودشان و مردم نخواهد بود. تمکین به همه اصول قانون اساسی و به رسمیت شناختن حقوق ملت و عمل به آن بهترین راه برای نشان دادن حسن نیت حاکمیت است. انحصارطلبی و خودمحوری و استبداد و اعمال خشونت در مقابل مردم، و محاکمات غیر شرعی و غیر قانونی فعالان سیاسی خدمتگزار و شناخته شده و محکومیت‌های سنگین برای آنان، عاقبتی جز انزوای بیشتر کشور و نظام در دنیا و فاصله گرفتن بیشتر مردم از حاکمیت و تخریب و مشوه نمودن چهره اسلام مظلوم و در نهایت غضب و خشم خداوند را به دنبال نخواهد داشت. امیدوارم مسئولین مربوطه هر چه زودتر مسیر باطل خود را اصلاح نمایند و رضایت خالق و خلق را تحصیل نمایند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

۱۰ آذر ماه ۱۳۸۸ - حسینعلی منتظری

**اعطای تندیس «تلاشگر حقوق بشر» به آیت‌الله العظمی منتظری
از سوی کانون مدافعان حقوق بشر ایران**

۱۳۸۸/۹/۱۹

﴿ بسمه تعالی ﴾

کانون مدافعان حقوق بشر ایران در روز پنجشنبه ۱۹ آذرماه ۱۳۸۸ مطابق با روز جهانی «حقوق بشر» با حضور در بیت آیت‌الله العظمی منتظری و طی دیدار و گفتگو، ضمن اعلام معظم‌له به عنوان برنده «تلاشگر حقوق بشر» در سال ۱۳۸۸ این تندیس را به آیت‌الله منتظری تقدیم کردند. در این دیدار آقایان: دکتر ابراهیم یزدی، دکتر حبیب‌الله پیمان، دکتر عبدالفتاح سلطانی، دکتر محمدعلی دادخواه، تقی رحمانی، عبدالرضا تاجیک، عطاءالله شیرازی، حسین نوری زاده، امیر دلیرثانی و خانم نرگس محمدی از اعضای کانون مدافعان حقوق بشر ایران حضور داشتند.

در ابتدای این مراسم آقای دکتر عبدالفتاح سلطانی وکیل دادگستری گفتند:

«کانون مدافعان حقوق بشر هر ساله از کسانی که حقوق بشر را رعایت و در این راستا فعالیت می‌کنند تقدیر می‌کند، که امسال با تعطیلی کانون امکان برگزاری مراسم ویژه نبود. برای همین بناگذاشتیم خدمت رسیده، از شما که از قدیم‌الایام در راستای تحقق حقوق بشر از دیدگاه اسلام فعال بوده‌اید و عملاً از حقوق زندانیان از سال ۱۳۶۰ به بعد دفاع کرده‌اید و برکاهش فشار بر آنان با هر ایده، فرقه و فکری مؤثر بوده‌اید و حتی از حقوق کسانی که گفته می‌شود فرزند شما را به شهادت رسانده‌اند دفاع کردید، لازم دیدیم از شما تقدیر و تشکر کرده و به طور مرسوم یک جایزه را تقدیم نماییم. امیدواریم خداوند به شما عمر با عزت داده و ان‌شاءالله سایه شما بر سر ملت ایران مستدام باشد.»

سپس در همین زمینه آقای دکتر دادخواه ادامه دادند:

«امروز از نظر جهانی روز حقوق بشر است، برای همین خدمت شما رسیدیم. همانگونه که قرآن

هنگام خطاب قرار دادن، انسان و آدم را مورد خطاب قرار می‌دهد، این نمادی را هم که کانون مدافعان حقوق بشر خدمت شما ارائه داده‌اند، استوانه کوروش کبیر است که از نظر برخی مفسران همان ذوالقرنین است. در ابتدای آن اصول و منشوری را اعلام کرده که بر پایه آن انسان آزاد باشد، کسی بر او سلطه نداشته باشد، بردگی را از میان برداشت و سلطه را کلاً نفی کرد مگر به انتخاب مردم که چه کسی را برگزینند، و این اختیار انسانی را به او یادآور شد. ولی متأسفانه در کشور ما خیلی از بایدها رعایت نمی‌شود. امیدواریم با توجه به نصایح بزرگانی چون حضرت‌تعالی که راه را از گمراهی نشان می‌دهند، فردایی روشن در انتظار ملت ایران باشد. و همان را می‌گوییم که قرآن می‌فرماید:

﴿أليس الصبح بقريب﴾ و این نوید خداوند در مورد مردم محقق خواهد شد.

پس از آن، بیانیه کانون مدافعان حقوق بشر توسط سرکار خانم نرگس محمدی قرائت شد. در بخشی از این بیانیه آمده است:

«... کانون مدافعان حقوق بشر در سال ۱۳۸۸ تندیس «تلاشگر حقوق بشر» را به حضرت آیت‌الله العظمی حسینعلی منتظری تقدیم می‌دارد. ایشان در زمینه‌های نظری و عملی و با نادیده انگاشتن مقام و قدرت دنیوی و برخوردار بودن از حق و کرامت واقعی انسان دفاع کرده است.

مواضع فقهی ایشان در مورد حقوق شهروندی همه ایرانیان، تکبیه و تأکید بر مشروعیت حکومت بر اساس آراء مردم و دفاع از حقوق مخالفان بر همگان روشن و آشکار است. آنچه کانون را در تقدیم این جایزه به شخصیت برجسته و علمی آیت‌الله ترغیب نموده، مواضع عملی ایشان است. از جمله مخالفت با اعدام‌های بی‌رویه در سال‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۶۷، مخالفت با سخت‌گیری حکومت علیه شهروندان و دفاع همه جانبه، شجاعانه و مقتدرانه ایشان از جنبش سبز مردم ایران.

کانون مدافعان حقوق بشر با تقدیر از تلاش‌های این عالم برجسته که سالها حصر و محرومیت و تحمل مرارت را برای ایشان به همراه داشته است، و با تبریک به ایشان برای نیک‌نامی جاودانه‌شان در نزد ملت ایران، با آرزوی سلامتی و تداوم راه پرارزش دفاع از حقوق انسانها، تندیس «تلاشگر حقوق بشر» را در ۱۹ آذر ماه ۱۳۸۸ مصادف با ۱۰ دسامبر ۲۰۰۹ و شصت و یکمین سالگرد اعلامیه جهانی حقوق بشر تقدیم آیت‌الله العظمی حسینعلی منتظری می‌کند.»

سپس آیت‌الله العظمی منتظری ضمن ابراز تشکر و قدردانی از اعضاء کانون مدافعان حقوق بشر که در راه دفاع از حقوق شهروندان تلاش و کوشش می‌کنند، با اشاره به حوادث پس از انتخابات و برخوردهای تند و خشن با مردم معترض فرمودند:

[ضرب و شتم مردم به بهانهٔ وجوب حفظ نظام جایز نیست]

هیچ یک از برخوردهایی که با مردم شد شرعی و قانونی نیست و آمرین و عاملین ضامن و بدهکار مردم هستند. متأسفانه بین زن و مرد، پیر و جوان هم تفاوتی قائل نشده‌اند؛ حتی زن‌ها و دخترها را بیشتر کتک زده‌اند. آقایان می‌گویند این کارها را برای حفظ نظام انجام می‌دهند، من بارها عرض کرده‌ام ما مخالف حفظ نظام نیستیم اما حفظ نظام و وجوب نفسی ندارد، بلکه حفظ آن و وجوب مقدمی دارد، یعنی نظام را ما می‌خواهیم که در سایهٔ آن احکام اسلامی اجرا شود نه اینکه به بهانهٔ حفظ نظام احکام اسلامی و شرعی زیر پا گذاشته شود و مرادتان هم از نظام شخص باشد. شما به چه مجوزی مردم را کتک می‌زنید؟ برای اینکه شما را قبول ندارند؟! خب قبول نداشته باشند. مگر شما خدایید یا پیامبرید؟ آنچه که شما به نام اسلام و دین انجام می‌دهید موجب بدنامی برای اسلام می‌شود. چرا با مردم، تند و خشن برخورد می‌کنید؟

[تقسیم به خودی و غیر خودی برخلاف آیهٔ شور است]

خداوند خطاب به پیامبر می‌فرماید: ﴿فبما رحمة من الله لنت لهم ولو كنت فظا غليظ القلب لانفضوا من حولك فاعف عنهم واستغفر لهم و شاورهم في الامر﴾ یعنی: «ای پیامبر! چون تو نرمخو هستی مردم به تو گرایش دارند، و اگر تند و خشن بودی مردم از تو فراری می‌شدند.» بعد می‌فرماید: «برای این مردم طلب عفو کن، برایشان استغفار کن و در امر حکومت با آنها مشورت کن.» شما آمده‌اید خودی‌ها را هم غیر خودی می‌کنید، در حالی که قرآن می‌گوید: غیر خودی‌ها را از خود کنید، با آنها

مشورت کنید، دستور واقعی اسلام این است نه آنچه آقایان به اسم اسلام انجام می دهند و دستور می دهند مردم را به قصد کشت بزنند.

ایشان در ادامه فرمودند:

ضرر را از هر کجا بگیرید به نفع است. آقایان از اول، انتخابات را منحرف کردند. بعد عده‌ای را زدند عده‌ای را زندانی کردند، بعد گفتند پرونده انتخابات مختومه شد. اگر مختومه شد پس ادامه بازداشت‌ها برای چه بود؟ مصاحبه‌های تلویزیونی برای چه بود؟ اعتراف گیری چرا؟ محاکمه بر اساس اعترافات تحت فشار برای چه بود؟! مگر بازداشتی‌ها به انتخابات مربوط نبودند؟ حالا که پرونده‌اش را بسته اعلام کردند، بازداشتی‌ها را آزاد می کردند، از آنها معذرت خواهی می شد، چه بسا اوضاع به اینجا نمی رسید که هر روز ادامه پیدا کند. خودتان آمدید و ادامه‌اش دادید، خود شما تفرقه ایجاد کردید و حالا آمده‌اید از وحدت دم می زنید؟! اگر به دنبال آرامش و وحدت هستید برای چه بیگناهان را در بازداشت نگه داشته‌اید و با فشار از آنها اعتراف می گیرید و بر اساس همان اعتراف‌ها محاکمه می کنید و احکام سنگین صادر می کنید؟ مگر روایت نداریم که اعتراف تحت فشار و شکنجه و ارباب اثری ندارد؟ بدانید این اعتراف‌ها ذره‌ای ارزش ندارد و بر خلاف موازین اسلام است.

[در رژیم استبدادی شاه نسبت به زندانیان عاقلانه‌تر برخورد می کردند]

زمانی که مادر رژیم سابق زندان بودیم روزی از غندی که بازجوی ما بود به زندان آمد و عباس اشراقی را دستش را گرفت و برد. به او گفتم عباس را کجا بردی؟ گفت: آزادش کردم. چون حالت صرع دارد و اگر در زندان بمیرد در مجامع بین‌المللی برایمان مشکل درست می کنند. آنها عاقلانه برخورد می کردند ولی این آقایان آقای بهزاد نبوی را که داخل زندان نبود و برای عمل جراحی و معالجه چند روزی مرخصی داده بودند، در حال بیماری به زندان عودت داده‌اند. آیا این عمل عاقلانه است؟! یکی از هموطنان کردمان آقای احسان فتاحیان را دفعه اول به ۱۰ سال زندان

محکوم کردند، پس از تحمل زندان ایشان را به اعدام محکوم کردند! در حالی که دادگاه تجدیدنظر حق ندارد مجازات را تشدید کند. چون ۱۰ سال زندان از حداقل مجازات کمتر نبوده است و این حکم برخلاف قانون است.

[رأی مردم، اساس حاکمیت]

ما به این آقایان می‌گوییم واللّه این کشور مال ما مردم است و ما به کشورمان علاقه داریم. کشور هم حاکمیت می‌خواهد و با شرایطش باید برقرار باشد. اما کشور مطابق رأی و نظر مردم باید اداره شود. امام حسن علیه السلام طی نامه‌ای به معاویه می‌نویسند: پس از رحلت پدرم «ولانی المسلمون الامر من بعده» یعنی: پس از شهادت پدرم علیه السلام مردم مرا ولی و حاکم قرار دادند. ایشان به معاویه نمی‌گویند: من حاکم هستم چون امام معصوم هستم بلکه رأی و اقبال مردم را مطرح می‌کند. پس همه کاره مردم‌اند. بنابراین باید حقوق ملت استیفا شود.

[حق تجمع و آزادی بیان وعده رهبر انقلاب بود]

و در قانون اساسی هم تضمین شده است]

در قانون اساسی فصل جداگانه‌ای هست به عنوان حقوق ملت، آقایان این اصول را نادیده گرفته‌اند. در آنجا حق اجتماعات، اظهارنظر و آزادی مردم آمده است. مراد، آزادی مسئولان نیست بلکه مراد آزادی مردم است.

آیت‌الله خمینی در پاریس درباره آزادی می‌گفتند: «حتی کمونیست‌ها هم در حکومت آینده ما حق اظهارنظر دارند.» حالا که مسلمانها هم، حتی آنها که برای انقلاب زحمت کشیدند و زندان رفته‌اند را از حق اظهارنظر محروم می‌کنند، آنها را بازداشت می‌کنند و به زور اعتراف می‌گیرند که ما ضد انقلاب و ضد نظام هستیم! همه ما بر اساس آیات قرآن وظیفه داریم که امر به معروف و نهی از منکر کنیم. صرف دعا کردن کافی نیست و فایده ندارد و نباید دلمان را به اینکه گوشه‌ای بنشینیم و

دعا کنیم خوش کنیم، بلکه علاوه بر آن باید در جای خودش وارد شد و به وظیفه عمل کرد. امر به معروف و نهی از منکر هم فقط مربوط به امور جزئی نیست بلکه به امر جامعه و حکومت نیز مربوط می شود.

[ملاک حقوق بشر، انسان صرفنظر از عقیده اوست]

من لازم است همین جا از شما و تمام کسانی که در فعالیت های حقوق بشری برای تمامی انسانها فارغ از قوم، قبیله و عقیده تلاش می کنند تشکر کنم. در این راه ملاکمان «انسان بما هو انسان» است. مولا امیرالمؤمنین علیه السلام به مالک اشتر می فرماید: با لطف و محبت با مردم برخورد کن چون که مردم از دو صنف خارج نیستند: «اماخ لک فی الدین او نظیر لک فی الخلق»: «یا برادر دینی تو اند یا مثل تو انسان هستند». بنابراین آنها که می گویند اسلام را قبول نداریم هم باید حقوقشان رعایت شود. در این راه که قدم برمی دارید قطعاً مشکلاتی پیش می آید، زندانی می شوید، از کار بیکارتان می کنند و فشارهای دیگر، ولی ناامید نشوید، بردبار باشید چون قرآن می فرماید: ﴿انما یوقی الصابرون اجرهم بغير حساب﴾. ان شاء الله موفق و مأجور باشید و از زحمات شما تقدیر و تشکر می کنم.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

در پایان این دیدار، تندیس استوانه ای منشور حقوق بشر توسط دکتر ابراهیم یزدی، دکتر حبیب الله پیمان و آقای تقی رحمانی به معظم له اعطا شد.

این تندیس بر اساس استوانه کوروش کبیر می باشد که ۵۳۹ سال پیش از میلاد ساخته شده است، استوانه کوروش کبیر به عنوان نخستین منشور حقوق بشر نامیده شده و به تمامی زبان های رسمی دنیا ترجمه شده است.

۱۳۸۸/۹/۱۹

دفتر آیت الله العظمی منتظری

پاسخ به پرسش‌های پایگاه اطلاع‌رسانی و نظرسنجی «نظر شما»

۱۳۸۸/۹/۲۴

سلام علی آل یاسین

با تشکر از محضر حضرت‌تعالی به خاطر پاسخ به سؤالات پیشین و عرض عذرخواهی از تصدیق اوقات.

از آنجا که پایگاه بزرگ اطلاع‌رسانی و نظرسنجی «نظر شما» بر آن است تا طی یک سرفصل مشروح نسبت به ارائه آراء علمای عظام در باب شرایط موجود و راهکارهای همیشه روشن ایشان جماعت مسلمین را از وجود چنین راهکارها و اندیشه‌های کاربردی مطلع سازد و سپس اقدام به انتشار مؤثر آنها نموده و گامی در تبیین خطرات بلا ریب پیش رو بردارد، مجددا جسارت نموده و ضمن طرح سؤالات ذیل از آن پیر حوزه و رنج‌دیده زمانها تقاضا دارد چنانچه صلاح می‌دانند مشروحه در باب دغدغه‌های ایشان به عنوان کسی که پیش از انقلاب عظیم اسلامی و بعد از آن در جریان کم و کیف اوضاع بوده ارائه بفرمایند.

باکمال امتنان

پرسش ۱- انتظارات مردم را در جنبش اخیر چه می‌دانید؟

برخی مطرح می‌کنند که خواسته اصلی مردم براندازی است (من باب خستگی و بریدن از آنچه حکومت دینی به آنها ارائه کرده دانسته) و آن را القاء دشمنان می‌دانند؛ حال آن که دیگرانی هستند که معتقدند مردم با اصل نظام هیچ مشکلی ندارند و تنها خواستار بازگشت مسیر نظام به اصول و شعارهایی هستند که انقلاب بر مبنای آنها بنیانگذاری شد، و نظرهای دیگر.

پرسش ۲- آیا به نظر حضرت‌تعالی هدایت این جریان توسط جناب مهندس موسوی و

حجة الاسلام کروی مردم را به سرمنزل مقصود می‌رساند؟ چرا که اعتقادی بر آن است که عدم توانایی در رهبری و پیشبرد خواسته‌های مردم توسط این دو، باعث ریزش و دخالت و سوء استفاده دشمنان واقعی می‌گردد.

پرسش ۳- نقش رسانه‌های غربی را در پیشبرد یا به انحراف کشاندن مسیر اصلی این جریان چه می‌بینید؟

توضیح: با کمی دقت در برنامه‌های شبکه‌های خبری بخصوص بی بی سی و صدای آمریکا متوجه کیسه‌هایی می‌گردیم که برای این جریان دوخته شده است، آن هم توسط کسانی که برخی از آنان عملاً و عالملاً و بالصرحة هدف خود را دشمنی با اصل مذهب بیان می‌دارند و اعتقاد به حکومت‌های ضد دینی یا حداقل بی تفاوت به دین دارند و جریانات اخیر و اعتراضات مردمی را در مسیر نیل به اهدافشان تعبیر می‌کنند.

پرسش ۴- در باب ولایت و ولایت مطلقه و آثار آن، که در پاسخهای پیشین جنابعالی آن را مشکلی در باب حقوق مردمی می‌دانید و شیوه صحیح اعمال ولایت در قانون توضیح بفرمایید.

پرسش ۵- اعتقاد برخی بر آن است که نظام نباید با معترضین درگیر شود. از سویی براندازی که در اعتراضات مردمی به دنبال قلابهای خود هستند تا صیدی به نفع آنچه خود حکومت ضد دینی می‌نامند و آن را تنها راه نجات مردم معرفی می‌کنند به دست آورند که اینان به هر حال می‌بایست توسط نظام کنترل شوند. شیوه صحیح تمایز و تفکیک برخورد را بین مردم معترض معتقد و دشمنان ضد دینی چه می‌دانید؟

پرسش ۶- چنانچه مطالبی مد نظر حضرتعالی سوای این سؤالات می‌باشد لطفاً بیان بفرمایید. با عذرخواهی مجدد از تصدیع اوقات

مدیریت شبکه بزرگ اطلاع‌رسانی و نظرسنجی «نظر شما»

﴿ بسمه تعالی ﴾

با سلام و تحیت و تقدیر از پیگیری شما نسبت به مسائل جاری کشور

[رادیکال شدن مطالبات مردم در پی سرکوب و خشونت]

پاسخ ۱- انتظارات مردم را از شعارهای آنان در تظاهرات مسالمت آمیز بعد از انتخابات به خوبی می توان فهمید. مردم در آغاز کار تلقی تقلب در انتخابات نمودند و خواسته آنان ابطال انتخابات و برگزاری انتخاباتی صحیح و مشروع بود؛ ولی هنگامی که با آنان برخورد خشن و سرکوبگرانه شد مطالبات خود را بالاتر بردند و سایر نهادها مخصوصاً نهادهای سرکوبگر و آمران و مباشران در آنها را هدف قرار دادند؛ و پس از کشته شدن مردم بیگناه و دستگیری فعالان سیاسی و آزادیخواهان و محاکمات فرمایشی و غیر شرعی و غیر قانونی آنان، بتدریج مطالبات مردم معترض بیشتر شد، تا آنجا که خوف آن می رود که اگر حاکمیت به روش کنونی خود ادامه دهد مردم به کلی با نظام فاصله بگیرند و بحران کنونی عمیق تر شود. در صورتی که اگر در همان روزهای نخستین با اعتراضات مسالمت آمیز مردم برخورد معقول و منطقی شده بود کار به اینجا کشیده نمی شد.

[مشروعیت نظام در رضایت عامه است]

در هر حال شکی نیست که مشروعیت نظام و حاکمیت دینی در زمان غیبت جز با رضایت عامه و آراء جمیع یا اکثریت مردم نخواهد بود، و امروز این مشروعیت خدشه دار شده است. امیدوارم مسئولین امر به جای تهدید مردم، با آنان مهربان شوند و خواسته های آنان را که همان اصلاحات و عمل به همه اصول قانون اساسی است برآورده سازند.

[شایستگی آقایان موسوی و کروبی]

پاسخ ۲- شخصیت های مذکور [آقایان موسوی و کروبی] تاکنون به شایستگی با

مردم بوده‌اند و از ارائه رهنمودهای لازم و مفید دریغ نکرده‌اند و امید است تا آخر در راه دفاع از حق و مظلوم و امر به معروف و نهی از منکر ثابت قدم باشند.

[سانسور شدید، علت گرایش به رسانه‌های بیگانه]

پاسخ ۳- مردم آگاه ما هرگز سرنوشت خود و مطالبات به حق خود را به رسانه‌های غربی گره نمی‌زنند. آن رسانه‌ها نیز برای پرستیژ و مقبولیت خود مجبورند با مردم معترض همصدا شوند، ولی مردم هیچگاه راه خود را با راه آنها یکی نمی‌دانند. روی آوردن مردم به رسانه‌های غربی به علت سانسور شدید و یک جانبه‌نگری واضحی است که در صدا و سیما، خودمان وجود دارد، و متأسفانه اکنون به ابزاری در دست گروه خاصی درآمده است که از دروغ پردازی نسبت به گروه مقابل و نیروهای مردمی کوتاهی نمی‌کند.

[حاکمیت دینی، تفکیک قوا و نظارت فقیه است]

پاسخ ۴- در نوشته‌ها و مصاحبه‌های گذشته کرارا یادآور شده‌ام که بهترین شکل حاکمیت دینی همان نظریه تفکیک قوا می‌باشد؛ به این نحو که کار اصلی فقیه یا فقهای منتخب مردم فقط استنباط احکام شرعی و نظارت بر قوانین جاری جهت عدم مخالفت آنها با اسلام است. تخصص فقها جز این نمی‌تواند باشد. و سایر امور کشور به دست افراد متخصصی داده می‌شود که مورد قبول و انتخاب مردم هستند. در کتاب «دیدگاهها» این نظریه را به تفصیل شرح داده‌ام که می‌توانید مراجعه نمایید.

[اتهام براندازی بهانه سرکوب و تخریب‌ها توسط عوامل نفوذی حکومت است]

پاسخ ۵- اتهام براندازی را مطرح می‌کنند تا بتوانند مردم را سرکوب نمایند و احیاناً افرادی را هم جهت طرح شعار براندازی بین مردم می‌فرستند که نمونه‌هایی از

آن شعارها و حتی تخریب اموال عمومی و ایجاد اغتشاش توسط آن عوامل برای مردم به اثبات رسیده است؛ وگرنه مردم در راهپیمایی چند میلیونی بعد از انتخابات در تهران هرگز شعار براندازی ندادند. اکنون نیز حاکمیت اگر اجازه راهپیمایی آزاد و مسالمت آمیز دهد، خواهید دید که توده مردم جز احقاق حقوق تضییع شده خود و جبران آنها و تأمین آزادی‌های مصرح در قانون اساسی و به طور کلی اصلاح نظام از آفت‌هایی که گرفتارش شده مطالبات دیگری نخواهد داشت.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

۲۴ آذر ۱۳۸۸

حسینعلی منتظری

و آخرین گفتار...

« ۱۱۴ »

بیانات معظم له در پایان درس نهج البلاغه

پیرامون سوء استفاده ابزاری و سیاسی از پاره کردن تصویر امام خمینی

۱۳۸۸/۹/۲۵

﴿ بسمه تعالی ﴾

آیت الله العظمی منتظری در پایان درس نهج البلاغه سه شنبه شب (۱۳۸۸/۹/۲۴) که با حضور عموم مردم و طلاب حوزه علمیه قم برگزار شد، خطاب به مسئولین فرمودند:

[با مردم همچون درنده خویان نباشید]

آقایانی که متصدی امور هستند ببینند حضرت مولا امیرالمؤمنین ع به مالک اشتر چه می گویند. ایشان در نامه ۵۳ نهج البلاغه به مالک اشتر می فرماید: «با مردم با محبت برخورد کن و آنها را از ته دل و قلبت دوست بدار، به آنها رحم کن و لطف داشته باش؛ و نسبت به مردم مانند یک درنده که آنها را می درد و خوردن گوشت آنها را غنیمت می شمارد مباش - این کنایه از این است که آنها را تحقیر نکن و آنها را نشکن - چون مردم دو دسته اند: یا برادر دینی و مسلمان تواند یا مانند تو انسانند - معلوم می شود انسان احترام دارد و باید احترامش حفظ شود - و اگر آنها لغزشی داشتند و خطایی کردند، یا عمداً یا از روی خطا، آنها را عفو کن همان گونه که انتظار داری خداوند تو را عفو کند.»

[عفو و وظیفه حکومت است و عفو نویسی خلاف قرآن و روایات و برای شکستن افراد است]

هیچ کجا در آیات و روایات عفو نداریم که آنها تقاضای عفو کنند بعد شما زیر آن بنویسید با عفو موافقت می شود.^(۱) این شکست آنهاست و آنها حاضر نیستند خود را بشکنند. بنابراین وظیفه حکام و آنهایی که قدرت دارند این است که با مردم با گذشت رفتار کنند نه با تندی. بالاخره مردم هم خودشان را آدم حساب می کنند. وقتی بخواهید به مردم زور بگویید، آنها هم زیر بار زور نمی روند و این باعث می شود همیشه درگیری باشد، در نتیجه کشور بحرانی می شود و اختلاف پیش می آید. اینکه شعارهای تند سر بدهید و مردم را تهدید کنید این کار غلطی است.

[انتقاد به پاره کردن تصویر امام خمینی و بزرگنمایی آن

توسط رسانه های حکومتی]

آیت الله منتظری پیرامون پاره کردن تصویر امام خمینی علیه السلام و اتفاقات بعد از آن فرمودند:

مرحوم آیت الله خمینی واقعاً به این کشور خدمت کردند، انقلاب کار ایشان بود و ایشان رهبر انقلاب بودند؛ البته معصوم نبودند و اشتباه هم داشتند؛ و نوع مردم قدردان ایشان هستند؛ ولو اینکه مردم با من و امثال شما مخالف باشند ولی مرحوم امام را مردم قبول دارند. حالا یک کسی در یک جایی کار خلافی کرد و عکس ایشان را پاره کرد، این را ما بیایم در بوق و کرنا کنیم کار صحیحی نیست. چرا که با این کار دارید آبروی ایشان را می برید و می فهمانید که ملت ایران این گونه اند که عکس امام خمینی را هم پاره می کنند. اصلاً نباید سر و صدای آن را بلند می کردید.

۱- به قرینه روایات مورد استناد، این نکته درباره مخالفان عقیدتی و سیاسی است نه درباره مجرمان؛ بلکه امکان استنباط عام تر هم از روایت وجود دارد.

[استفاده ابزاری از امام خمینی]

اینکه این همه سر و صدا کنید و مردم را به راهپیمایی وادار کنید، اینها کارهای موقت است و پیداست که از اسم ایشان می‌خواهید استفاده ابزاری کنید. وگرنه اگر شما دلسوز ایشان بودید اصلاً نباید عکس‌العمل نشان می‌دادید، این کار اشتباه است. البته ما معصوم نیستیم و اشتباه داریم اما باید مسئولین و بزرگان دقت کنند که از این گونه کارهای اشتباه انجام ندهند.

بالاخره آیت‌الله خمینی مرد بزرگی بودند اما معصوم نبودند و خود ایشان هم هیچگاه ادعای عصمت نکردند. بالاتر از ایشان حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام با اینکه ما ایشان را معصوم می‌دانیم به مردم می‌فرماید: «از مشورت عادلانه و گفتار حق ابا نکنید و حرفتان را بزنید چون من ذاتاً فوق خطا نیستم.»

[وعدۀ امام و انقلاب، آزادی مردم بود نه آزادی دولت]

بنابراین مردم باید آزاد باشند و حرفشان را بزنند. از اول انقلاب مرحوم امام می‌گفتند و ما هم به تبع ایشان می‌گفتیم: «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی.» آزادی یعنی مردم آزاد باشند، نه اینکه دولت آزاد باشد هر کاری دلش خواست انجام دهد اما مردم نتوانند حرفشان را بزنند. ایشان در پایان فرمودند:

[از حبس کردن و اعتراف‌گیری برگردید]

کار اشتباه را از هر کجا برگردید به نفع است. آمده‌اید انسانهای متدین و کسانی که در انقلاب بودند و قلمشان و سخنشان در راه انقلاب بود زندان کرده‌اید بعد می‌گویید باید تعهد بدهید، مصاحبه کنید.

ما روایات زیادی داریم که این مصاحبه‌ها ارزش ندارد.

[وجوب حفظ نظام، نفسی نیست]

من بارها عرض کرده‌ام: آقایانی که می‌گویند «حفظ نظام واجب است» حفظ نظام از واجبات نفسی نیست بلکه حفظ نظام وجوب مقدمی دارد. حفظ نظام برای این است که در سایه نظام دستورات اسلام را اجرا کنیم، نه اینکه دستورات اسلام را زیر پا بگذاریم به اسم حفظ نظام؛ که این کار غلطی است.

خداوند ان شاء الله به حق محمد و آل محمد به همه ما حالت تنبه و بیداری عنایت فرماید.

بالاخره این عبارتی که ما از نهج البلاغه داشتیم (عبارت دهم) این بود: «وقتی که قدرت پیدا کردی بر دشمن خودت، عفو و گذشت از او شکر این است که قدرت بر او پیدا کرده‌ای.»

ان شاء الله همه موفق و مؤید باشید.

۱۳۸۸/۹/۲۵

دفتر آیت الله العظمی منتظری

